



فرهنگ بزرگ گیتاشناسی

(اصطلاحات جغرافیائی)

فارسی بفارسی
فارسی به انگلیسی
انگلیسی بفارسی

کردآوری و ترجمه: مهندس عباس جعفری



طرح و تهیه و نشر از:

“گیتاشناسی”

Farhang-e-Bozorg-e-Gitashenassi

A Dictionary of Geography



186

*Persian to Persian
Persian to English
English to Persian*

By: A. Ja'fari



ISBN 964-6241-08-5

شابک ۹۶۴-۶۲۴۱-۰۸-۵

Designed and Published by:

"GITA SHENASI"

قیمت ۱۸۰۰۰ ریال

حیات و اخلاق (ج ۱)

مؤلف: دکتر محمد علی باقری
موضوع: اخلاق و حیات

۲۶۰۷۸۵
۲/۶



اسکن شد

فرهنگ بزرگ گیتاشناسی

(اصطلاحات جغرافیائی)

فارسی بفارسی - فارسی به انگلیسی - انگلیسی بفارسی

گردآوری و ترجمه:

مهندس عباس جعفری

انتشارات: "گیتاشناسی"



طرح، تهیه، لیتوگرافی و چاپ از:
سازمان جغرافیائی و کارتوگرافی گیتاشناسی

تهران: خیابان انقلاب اسلامی، چهارراه ولی عصر، جنب پارک دانشجو، خیابان رازی

خیابان ارفع، شماره ۱۵ گد پستی: ۱۱۳۳۷

تلفن: ۶۷۹۳۳۵ - ۶۴۵۳۶۰۳ صندوق پستی: ۱۴۱۵۵ - ۳۴۴۱

«فرهنگ بزرگ گیتاشناسی (اصطلاحات جغرافیایی)»

«گردآوری و ترجمه: مهندس عباس جعفری»

«چاپ اول: خرداد ماه ۱۳۶۶»

«چاپ سوم: دی ماه ۱۳۷۶»

«شماره ثبت در کتابخانه ملی ۱۵ در تاریخ ۱۳۶۶/۲/۲۶»

«چاپ و صحافی: هامون»

«کلیه حقوق نشر برای سازمان گیتاشناسی محفوظ است.»

هرگونه بهره‌برداری تکثیر از این کتاب (اعم از رنگی، بک رنگ) بدون اجازه سازمان گیتاشناسی ممنوع است.

شابک ۹۶۴-۶۲۴۱-۰۸-۵

فرهنگ
بزرگ
گیتاشناسی

راهنمای تلفظ واژه‌های فارسی

برای سهولت در تلفظ پارمای واژه‌های فارسی از الفبائی با حروف لاتین اپتالیک به شرح زیر کمک گرفته شده است.

الف: تلفظ حرفهای صدادار

- ۱- a, ā (فتحه - صدای آ) مانند: ابر (Abr) - عدسی (Adasi).
 ۲- ā, ă (صدای آ) مانند: آبادی (Ābādi) - عالم (Ālam).
 ۳- e, ē (کسره - صدای اِ) مانند: امروز (Emruz) - عراق (Erāq).
 ۴- i, ī (صدای ای) مانند: ایل (Il) - سحرآتشفشانی (Sa'ir-e-ādashfeshāni).
 ۵- o, ō (ضمه - صدای اُ) مانند: امید (Ommid) - عطارد (Otāred).
 ۶- u, ū (صدای او) مانند: رودخانه (Rudkhāneh) - روباره (Rubāreh).
 ۷- ow, ōw (صدای او کشیده) مانند: اوج (Owj).

ب: تلفظ حرفهای بی صدا

حرف	علامت
ب	B, b
پ	P, p
ت، ط	T, t
ث، س، ص	S, s
ج	J, j
چ	Ch, ch
ح، ه، هـ	H, h
خ	Kh, kh
د	D, d
ذ، ز، ض، ظ	Z, z
ر	R, r

حرف	علامت
ر	zh, zh
س	sh, sh
غ	gh, gh
ف	f, f
ق	q, q
ک	k, k
گ	g, g
ل	l, l
م	m, m
ن	n, n
و	v, v
ی	y, y

پ: حروف متعدد در تلفظ واژه‌های این فرهنگ دو بار تکرار گردیده‌اند، مانند: سکو (Sakku) و دق (Daqq).

ت: همزه به صورت (') مانند: وایفرسانی (Vābfarsā' i).

ث: علامت — برای ارجاع (رجوع شود به) .

ح: واژه‌هایی که در مقابل آنها داخل پیراesz حروف اینتالیک کامل چاپ گردیده‌است برای تلفظ کامل در نظر گرفته شده، به دلیل تکراری بودن واژه‌ها در بعضی موارد مانند: بادها، چرخه‌ها و غیره در ابتدای حروف باد و یا چرخه به صورت کامل پیش‌بینی شده و در ادامه آن از حروف مخفف استفاده شده این عمل به منظور جلوگیری از تکرار حروف و بکساحت بودن واژه‌ها انجام شده است.

مثال:

بادرفت (Bād - roft)، باد رویش (B - rubesh)، بادهای چهلگان (B - hā - ye - chehelgān) .

چرخه (Charkkeh)، چرخه زائی (Ch - zā' i)، چرخه مدارگانی (Ch - ye - madārgāni) .

بنام خدا

پیشگفتار

با درود
به روان پاک
تادروایان
استاد حسین گل گلاب و
دکتر لطف الله مقخم پایان

استعمال حوامع فرهنگی و گروههای داسکاهی از فرهنگ اصطلاحات جغرافیائی،
موسسه کیناساسی را بر آن داس با در صدد تهیه فرهنگ بررکنر و مناسب تری که
حی الامکان حوائکوی نیازهای جامعه فرهنگی ایران باشد، برآید.
برای سل به ایں مقصود، کتابینا و فرهنگ های جیدی مورد بررسی قرار گرفت
با فرهنگ جدید در فالتی قابل بدیرش و فرمی مناسب با نیازهای روز به فرهنگ
دوسلای مقدم کردد و سعی بر آن باشد با حی الامکان با زبانی ساده و کوبا با
داس آموغان و داسحوایان ارتباط برقرار نماید.
بحسب فرهنگ انگلیسی A Dictionary of Geography نوشته
F. J. Monkhouse به عنوان نمونه انتخاب شد و حدود یک سال مورد بررسی
و مسورب قرار گرفت.

از آنجائیکه فرهنگ فوق بر بایه نیاز جامعه انگلیسی زبان و اصطلاحات
منداول و معارف در زبان انگلیسی تهیه گردیده بود و با خواسته های روز فارسی
زبانان مطابقت نمی کرد، لذا مسیر کار از قالب فرهنگ مرور به کلی جدا گردید
و تمام تلاش در زمینه تدوین فرهنگی مسفل و ابرانی مصروف شد.

کرمش خط می جدید موسسه کیناساسی بویژه مؤلف و یا به عبارت صحیح تر
کرده آورده را و ادار ساخت با با بررسی کتابینای کوماکون و بهره گیری از دائره المعارف ها
و واژه نامه های بسیار جه به زبان فارسی و جه به زبان انگلیسی (که فهرست مآخذ
دال بر ایں مدعاست) فرهنگی هر جه جامع بر به پژوهشگران و دانش دوستان تقدیم

شاید و برای بیل به این هدف بنی از ۴ سال صرف وقت نماید. در این حال لازم می‌داند، به آن دسه از کتابها و مدارکی چون دائرةالمعارف فارسی، فرهنگ معین، فرهنگ اصطلاحات جغرافیائی و فرهنگ جغرافیائی که بنی از همه مورد بهره‌برداری بوده‌اند اشاره کند و از باسرا و مؤلفان آن صمیمانه بپرسد و سیاست‌ها باشد. از آنجائیکه واژه‌ها و اصطلاحات فضائی و نجومی مناسب با دگرگویی‌ها و تحولات شکر و رور افرو این علوم همواره در تغییر و تکامل می‌نایند، لذا آتحرس مدرک یعنی کتاب The Atlas of the Solar System نوشته Patrick Moore جاب سال ۱۹۸۴ ملاک عمل قرار گرفت و ویژگی‌ها و ارقام به خصوص در زمینه ابعاد و شمار اقمار سیارات منظومه خورشیدی بر اساس آن تنظیم شد و اخبار واصله از خبرگزاریها در زمینه کشف اقمار جدید سیاره اورانوس بر مکتل آن بوده‌است. بطوریکه ملاحظه می‌فرمائید، من کتاب، فرهنگی است فارسی به فارسی که با واژه‌های برابر و مترادف انگلیسی تکمیل گردیده و با منظور نمودن واژه‌نامه انگلیسی به فارسی بر کاربرد آن افزوده شده‌است.

برای تلفظ آن دست‌آورد واژه‌های فارسی که احتمالا "اسهامائی را برای حواسدکال ایجاد خواهد کرد، از الفبای لانس استفاده شده که در راهنمای تلفظ واژه‌های فارسی ملاحظه خواهید فرمود.

امید است مجموعه نقدیمی بخشی از حلا: سازهای علمی و جغرافیائی زبان فارسی را بر نموده و به عنوان مقدمه‌ای برای تدوین فرهنگ‌های کامل‌تر و جامع‌تر تلفی گردد.

از متخصصین، پژوهشگران و علاقمندانی که رحمت بررسی و تعمق در این فرهنگ را بر خود هموار می‌سازد بفاضا دارد با ارائه نظرات، اسفادات و پیشنهادها و خویشی، چه در مورد واژه‌ها و اصطلاحات حاضر و چه درباره آن دسه از واژه‌ها و اصطلاحاتی که احتمالا "از قلم افتاده و بایستی به مجموعه نقدیمی افزوده شود، گرد آورده را باری و راهنمایی نماید تا جایهای آینده با تقیصه کمتری همراه باشد.

در این حال لازم می‌داند از برک مردانی چون شادروان اسناد حسین کل‌کلاب و دکتر لطف الله معجم پایان، بینکامان فرهنگ جغرافیائی ایران که الهام بخش نگارنده بوده‌اند یاد نماید و کتاب حاضر را بدرواسان نقدیم دارد. نادان گرامی و رواشان شاد باد.

از موسسه کیناساسی بوزره هیئت مدیره آن و آقای بختیاری که در ویرایش و صفحه‌آرایی و انتشار کتاب از هیچ کوششی فرو گذار نکرده و جدت و بیسکار آنان مشوق نگارنده بوده‌است سیاست‌گزار است و بوفیق هر چه بیشتر آنان را از خدای بزرگ مسئلت دارد.

مهندس عباس جعفری

خرداد ماه ۱۳۶۶

آ-الف

آرود سامک

AERODYNAMIC

فسمی از علم دینامیت ادار حرکت هوا و سایر کارها و
سروهای ناسی از این حرکت و نیروهای وارد را احسان محرک
در کارها محبت می کند.

آنرولیب

AEROLITE

← سنہ: آسمانی

$$(\bar{A}B) \cup \bar{A}$$

WATER

[illegible]

آدم خان حسینی، رسول رودخانه، یاران، حسد، ذرا و
مرد همجنس حال حسد و آلتا با سلاح حسد هم
حسد.

۱- یاد امام حسن (ع) ماه ۱۰ رجب ۱۰۰۰ هجری قمری
۳۱ روز زاد و سالاد او فرستد متاع است .

۳- ماه ماد سارد هم سال عرفی و ماه سحرم سال دسی بهود که در ای ۳۶ روز است و ۸ ماههای روشن و ۸ ماهه تاریک است.

آب آہیں دار

CHALYBEATE

سی که دارای مواد معدنی از نوع ترکیبات شندراب اثر
مساعد. این گونه آبها غالبا' بصورت حسمه‌های آب معدنی
در سطح زمین فراوان یافت می‌شود و بیشتر کاربرد درمانی
دارد.

آلاره $\bar{a}\bar{b}\bar{c}\bar{d}\bar{e}\bar{f}$

AÇJEDUCT

محرمانی که آب را از حاشی به جای دیگر منتقل سازد، این اصطلاح مسخر در مورد آن قبیل محرابان، مصنوعی نگار می‌رود که معمولاً آب را به شهرها می‌رساند.

آب اسپهر (Āb espehr)

HYDROSPHERE

جس کے لئے کہ وہ اس کو سزا دے اور اس کو سزا دے

ساوايسپر (جو) و حسی رمی کلاما ' منحن و معیار ساد. $\frac{3}{4}$ سطح رمی رافرا کر فضا ساد افایوس ها، دراما، دراحدها، خسارها و حسی حار آب موجود در ساوايسپر (جو) رمی را سر نامل می کرد.

آبان

مفتیس از واره بهلوی آان مقبوم آبها و فرسند تکپان
آب ، ام هسمین ماه در تقوم رسمی ایران ودهمین روز هر
ماه خورسندی .

واژه آن عیناً بهمن صورت در غوم اوستایی موجود بوده و بعدها در غوم حلالی راه یافته و از سال ۱۳۰۴ خورشیدی به نام هسمن ماه در غوم ایران رسمیت یافته است.

آب اسار

TANK/CISTERN

وجودند و با استخراج برآمده‌های که بطور متسلسلی ایجاد شده و برای ذخیره آب بکار رود. در مناطق کم آب و کویرها و مناطق با آب اسرار آب از آب باران و با حوضچه‌های فصلی بر می‌آید.

آمار و اندازه گیری

LAKE RAMPART

رسد تا جایی که بطور شمع‌ای در انداز کراشه‌های دریا جاتی را بر اثر شیب‌ها باشد. این مواد در سرامین دریاچه‌هایی که در مناطق سردسیر قرار گرفته‌اند دیده شده، و علت آن، یمن‌دان مخلوط آب دریاچه در زمستان و یس‌زادن و اساسی مواد جانی را بر سراسر مساحت است.

آب بر ($\bar{A}b$ bar)

AQUEDUCT

س. ل. ت. ←

آب پر (۱۶) = ۱۶

قسمت حلوی ماه‌های مل‌کد غالباً "سوک سر و صلیبی شکل بوده و برای قسم فشار آب بکار می‌رود.

آب بردگی

WASHOUT

از میان ریس عوارض کنار یک رودخانه (مانند دل و اسباب
عساید) بدلیل ریس نازان شدید و طعمان رودخانه.

آب بند $(\bar{A} - 1) \text{ and } d^1$

LOCKS

معبر مصنوعی آب که در حوضهای سرازای متوقف می‌باشد، با
تخلیه جریان آب در آن عبود می‌شود. عبور کسی‌ها از درون
کانالهایی که سبب سد دارند، به وسیله آب سد صورت می‌گیرد.
بدین ترتیب که کانال را از حوض سبب قسمت می‌کنند و پس



آب بند

۲ - محل تقسیم آب در کانال‌های آبیاری .



آب پخشان

هر دو بخش دستگاهی شبیه حوض تعبیه می‌شود که از دو طرف بوسیله درپجه‌هایی به بخش‌های مجاور مربوط می‌گردد . هرگاه یکی از درپجه‌ها را باز کنند آب جریان یافته و سطح دو حوض مجاور را یکسان می‌سازد و در نتیجه حرکت کشتی از یک حوض به حوض مجاور میسر می‌گردد .

آب پخشان

WATERSHED/DIVIDE

۱ - رشته کوه یا منطقه برجسته‌ای واقع در میان حوضه و با آبگیر دو یا چند رودخانه که شاخه رودخانه‌های مزبور را از یکدیگر جدا می‌سازد . به این واژه خط‌الرأس نیز گفته می‌شود .



آب پخشان

DEBACLE

آب تاز

شکستن و خرد شدن و روان شدن یخ رودخانه‌ها در فصل بهار و تابستان که بیشتر در رودخانه‌های بزرگ شوروی و رودخانه‌های واقع در بخش شمالی قاره امریکا دیده می‌شود . معمولاً "موقعیت جغرافیایی رودخانه‌ها هر چه از خط‌نیمگان (استوا) دورتر باشد ، یخهای آن نیز بهمان میزان دیرتر خرد شده و آب می‌گردد . مثلاً "یخ‌رودخانه‌های جنوب شوروی در اوایل فروردین آب می‌شود در حالیکه رودخانه‌های شمال شوروی (مانند نواحی شمالی سبیری) تا اوایل تیرماه همچنان یخ بسته باقی می‌مانند . این رودخانه‌ها در طی مدت خرد شدن و آب شدن یخها اغلب طغیان کرده و به زمینهای پیرامون خود می‌تازد و آنها را در زیر سیلاب‌های خویش مدفون می‌سازد .

MAGMATIC WATER (ā-e-taftāli) آب تفتالی

آب معدنی گرمی که از اعماق زمین به بیرون تراورده و در سطح زمین جریان یافته باشد .

به این آب برناب Bornāb یا آب جوان نیز می‌گویند .



آبدره‌های سواحل جنوبی پرو

CANAL/WATERWAY

آبراهه

الف - مجرایی است که بطور مصنوعی در زمین کنده شده و برای حمل و نقل آبی بکار می‌رود.

ب - رشته‌های باریکی از آب یا حوضارهای کوچکی که دو دریای مجاور را بهم پیوندند.

پ - مجرایی که بمنظور آبیاری مناطق کشاورزی ایجاد شده باشد. به این مجراکامال نیز می‌گویند. (نصوبرد صفحه ۴)

ALLUVIUM

آبرفت (Abroft)

موادی مانند شن و گل ولای که در داخل آب رودخانه‌ها معلق بوده و با جریان آب به جلو رانده شده و بتدریج ته‌نشین گردد. یکی از مهمترین اثرات این مواد، ته‌نشین‌هایی است که در دلتای رودخانه‌های بزرگ بوجود می‌آیند.

COURSE

آبرو (Abro)

مجرایی که آب در آن بطور طبیعی جریان داشته و سوی دریا، دریاچه، کویر، باتلاقی و مانند آن روان باشد.

CATCHMENT AREA

آبریز

زمینی که آب باران کلیه اراضی اطراف به آن وارد گردد و آبهای جمع شده فقط بوسیله یک رودخانه یا یک رشته جوی از آن خارج و بدریا، یا دریاچه وارد شود. حوضه اینگونه اراضی بوسیله خط الرأس یلندی‌های مشرف بر آن مسدود می‌گردد.

SHOAL

آبیل (Abtal)

پسمای از گل ولای و س و ماسه که در عمق کمی زیر آب قرار گرفته باشد. معمولا آبیل‌ها برای کسیرانی خطرناک هستند.

JUVENILE WATER

آب جوان

→ آب عالی

ISLAND

آبخست (Abkhist)

→ جزیره

ISLAND

آبخو (Abkhu)

→ جزیره

آبحور (Abkhor)

۱- محل آب خوردن، سرچشمه و کنار رود و امثال آن که در آن جا می‌توان آب نوشید.

۲- آن مقدار از بده گستی که در آب فرو می‌رود.

SEEPAGING LAND

آبخیز

رسمی که آب از آن بحارج تراوش کند و هر جای آن را بکنند آب سرون آید. این گونه زمین‌ها معمولا "سرچشمه باره‌ای رودخانه‌ها را تشکیل می‌دهند.

SEEPAGING LAND

آبخیزگاه

→ آبخیز

CISTERN

آبدان

→ آب انبار

FIORD

آبدوره

ساحله باریک و عمیقی از دریا که در خشکی پیسرفته باشد. آبدوره معمولا دارای دیواره‌های پر شیب و سندی است که از زیر آب رخن ساحل کوهستانی یا فرسایش بچگالی عمیق یک دره ساحلی تشکیل یافته است. از این گونه عارضه در سواحل بروز فراوان دیده می‌شود و بهین مناسب واژه Fiord نیز در اصل نروژی است.

AQUAFER

آبده (Abdeh)

→ آبزا

DISCHARGE OF A RIVER

آبده (Abdeh)

→ بده



آبراد

آب سخت (*Āb-e-sakht*) **HARD WATER**
آبی که دارای ترکیبات کلسیم و منیزیم و آهن بوده و یا محتوی گاز کربنیک باشد و صابون در آن به آسانی کف نکند. سبزیجات در این گونه آبها خوب نمی‌پزند و هنگام جوشانیدن از خود رسوبات فراوان بجای می‌گذارند. عمل زایل کردن سختی آب را نرم کردن آب می‌گویند.

آبسرا (*Ābsarā*) **LAKE DWELLING**
خانه یا سر پناهی، که روی پایه‌هایی بر فراز آب دریاچه بنا شده باشد. نمونه‌ای از اینگونه خانه‌ها امروزه در کشورهای پایا گینه سو و برونئی و همچنین، در دهانه رودخانه آمازون به چشم می‌خورد. این گونه خانه‌ها، یادگاری از خانه‌های ماقبل تاریخ، بویژه دوره نوسنگی است. بقایای از دهکده‌های آب‌رانی در سوئیس و شمال ایتالیا و جنوب آلمان و اتریش کشف شده است. (تصویر در صفحه ۵)

آب‌سنگ (*Ābsang*) **REEF**
صخره سنگی زیر آبی، که هنگام آب پائین (جزر) سر آن از آب خارج شود. به این گونه سنگها صخره آبی نیز می‌گویند.

آب‌سنگ پشته‌ای **FRINGING REEF**
پشته ناهموار مرجانی که بساحل نزدیک بوده و میان آن و خشکی اصلی را پایاب باریک و یک مرداب کم عمق ساحلی فرا گرفته باشد. شیب آب‌سنگ پشته‌ای روبه دریا تند و تقریباً به قائم نزدیک است. (تصویر در صفحه ۵)

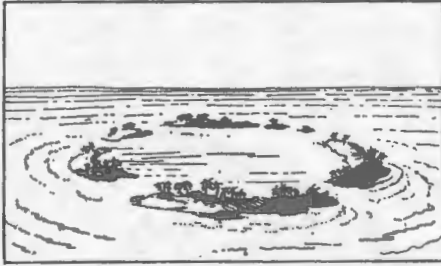
آبریز بسته **INTERIOR DRAINAGE**
آبریزی که فاقد راه خروجی بوده و دسترسی به دریا نداشته باشد. اینگونه آبریزها معمولاً "بیک زمین پست منتهی شده و بدلیل افزایش میزان تبخیر و فرورفتن آب به زمین معمولاً" بیک شور مزار یا یک دریاچه نمک تبدیل می‌گردند.

آبزا (*Ābzā*) **AQUAFER**
لایه‌ای از چینه‌های سنگی که آب را در خود نگهدارد و قابلیت تراوش آب را داشته باشد.

آبزه (*Ābzeh*) **SEEPAGE**
درز و یا روزی در سطح زمین که آب از آن بخارج تراوش کند.

آب زیرزمینی **GROUND WATER**
آب موجود در سوراخها و شکافهای پوسته سنگی زمین، که در نتیجه ریزش باران، و جریان آبهای سطحی، درون خلل و فرج مزبور انباشته شده است. این گونه آبها بیشتر در اعماق حدود ۵۰ تا ۱۰۰ متری زمین انباشته شده و در ژرفای بیشتر معمولاً "بدلیل فشار زیاد و مسدود شدن خلل و فرج مزبور اثری از آنها دیده نمی‌شود. آبهای مزبور غالباً "اعلاح و مواد معدنی سنگها را در خود حل کرده و اغلب بصورت آبهای معدنی تبدیل می‌گردند.

آب‌سائی **EVORSION**
- آب‌فرسائی



آبسنگ حلقوی

CORAL REEF

آبسنگ مرجانی

آبسنگی است که از اجتماع اسکلت‌های آهکی مرجانی پدید آمده باشد. آبسنگ‌های مرجانی بر سه گونه‌اند: الف - آبسنگ حلقوی ب - سد آبسنگی پ - آبسنگ پشته‌ای.

FOSSIL WATER

آب سنگواره‌ای

- آب همزاد

WATERFALL

آبشار

ریزش قائم یا بر شیب آب یک رودخانه از ارتفاع زیاد. علت ایجاد چنین عارضه‌ای مهارت است از: الف - وجود صخره‌های سنگی مقاوم و ست در کنار یکدیگر در قسمت عرضی بستر رودخانه.

ب - وارد شدن یک رودخانه از یک فلات به اراضی کم ارتفاع حاشیه آن و عبور از یک دیواره طبیعی.

پ - وجود یک گسله در قسمت عرضی بستر رودخانه.

ت - واقع شدن یک دره عمیق یخچالی در مسیر رودخانه.

ث - عبور رودخانه از یک صخره ساحلی.

مرتفع‌ترین آبشارهای جهان مهارتند از:

- ۱ - آبشار آنجل در ونزوئلا به ارتفاع ۹۷۹ متر.
- ۲ - آبشار سوترلند واقع در نیوزیلند به ارتفاع ۵۸۰ متر.
- ۳ - آبشار ریون در ایالات متحده آمریکا به ارتفاع ۴۹۱ متر.
- ۴ - آبشار یوایتشی واقع در گویان به ارتفاع ۳۶۶ متر.
- ۵ - آبشار استاو باخ واقع در سوئیس به ارتفاع ۲۶۴ متر.
- ۶ - آبشار ویتسفوس واقع در نروژ به ارتفاع ۲۶۰ متر.
- ۷ - آبشار کاپتور واقع در گویان به ارتفاع ۲۵۰ متر.
- ۸ - آبشار ویکتوریا واقع در آفریقای جنوبی به ارتفاع ۱۱۰ متر.

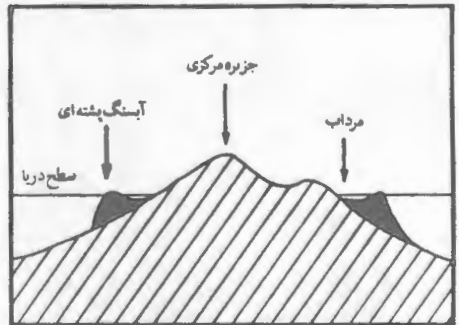
آبشار نیاکارا از نظر میزان ریزش آب و عرض بستر آبشار شهرت جهانی دارد. (تصویر در صفحه ۶)

آبشخور (Ābeshkhor)

- آبخور (۱)



آبسرا



آبسنگ پشته‌ای

ATOLL

آبسنگ حلقوی

مجموعه‌ای است از آبسنگ‌های مرجانی که به صورت دایره یا نعل اسب مجمع الجزایر را در دریا بوجود آورده و مرداب کم عمقی را در میان گرفته باشد. درباره شیوه پیدایش اینگونه آبسنگها فرضیه‌های گوناگونی موجود است.

داروین در این باره بر این عقیده است که مرجانها، نخست پیرامون پایه‌های جزیره ریشه گرفته و شروع به رشد می‌کنند. با بالا آمدن آنها از سطح آب، جزیره مزبور بتدریج در آب غوطه‌ور شده و سپس به زیر آب فرو می‌رود و در نتیجه حلقه مدوری از جزایر مرجانی در سطح آب باقی مانده و جزیره اصلی را به صورت مردابی در بر می‌گیرند.

دانشمند دیگری بنام MURRAY بر این عقیده است که تپه‌های کف دریا که محل مناسبی برای اجتماع و تکثیر مرجانها هستند، بیج از زیر آب بالا آمده و مرجانهای کناری که رشد سریع‌تری دارند زودتر از آب خارج شده و مردابی را که نتیجه تکثیر و رشد مرجان‌های قسمت میانی است، بصورت حلقه‌ای در بر می‌گیرند.



آبشار

GEYSER

آبفشان (Ābfeshān)

چشمه آب گرمی که آب از آن در فاصله‌های زمانی معینی بشدت به‌خارج فوران نماید. میزان جهش آب در این گونه چشمه‌ها که معمولاً در مناطق آتشفشانی وجود دارند گاه به ۳۰ تا ۵۰ متر می‌رسد. کار آبفشان بدین نحو است که مجرا یا لوله رابط میان دهانه چشمه و درون زمین بتدریج از آب پر شده و قسمتهای زیرین آب که در مجاورت مواد گداخته قرار دارند گرم و داغ می‌گردد. چون عمل تخلیه آبهای مزبور به

HYDROLOGY

آبشناسی

دانشی را که با آبهای سطح زمین از نظر پیدایش، کاوش و کنترل و ذخیره آنها سروکار داشته باشد آبشناسی می‌گویند.

SLOPPING COURSE

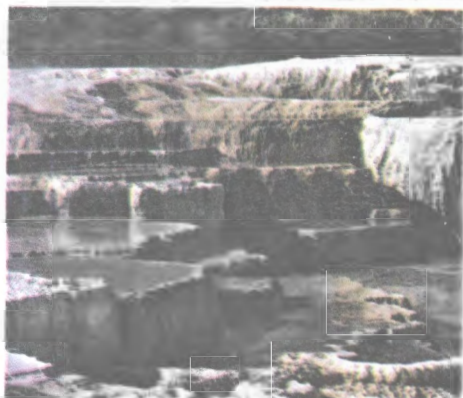
آبشیب (Ābshīb)

آبرویی که دارای شیب زیاد باشد.

EVORSION

آبفرسائی (Ābfarsā'i)

فرسایش سنگ‌های بستر یک روانه بر اثر جریان آب.



آبشناسنگ

آبگرم یا آبفشان بوجود آمده باشند. این رسوبات اغلب به شکل پشته یا مخروط و یا پله‌گانی انباشته شده‌اند.

HYDROSPHERE

آبکوره (Ābkoreh)

→ آب اسپهر

WATER GAP

آبکند

آبراهه تنگ و طولی که بر اثر شسته شدن زمین پدید آمده باشد. این عارضه غالباً "در کوهپایه‌ها دیده شده و از فرکاند کوچکتر و از دره خیلی کوچکتر است. این عارضه فقط هنگام بارندگی دارای آب بوده و در سایر موارد خشک است.

WAVE OF WATER

آبکوه (Ābkuheh)

موج یا کوهه آب → موج دریا

WHIRLPOOL

آبگرد (Ābgard)

→ گرداب

HOT MINERAL WATER

آب گرم (Āb-e-garm)

آب معدنی که در پارهای نقاط از زمین می‌جوشد و دارای گوگرد و مواد معدنی دیگر می‌باشد و اغلب برای آبدرمانی بکار می‌رود.

→ چشمه آب گرم

TRANSGRESSION

آب گستری (Ā-gostari)

پهنار شدن دریا بر اثر بالا آمدن سطح آب دریا

BASIN

آبگیر

→ حوضه

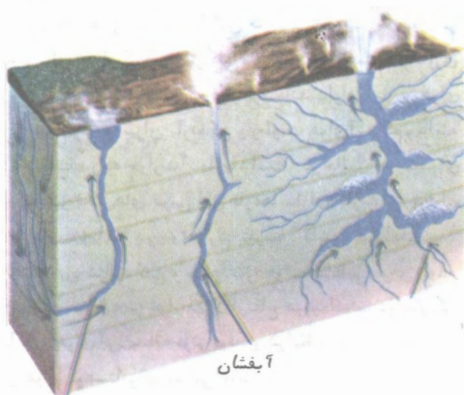
RIVER BASIN

آبگیر رودخانه

حوضه یک رودخانه که از شاخه‌هایی که به آن می‌ریزند تشکیل یافته باشد.

دلیل تنگ و طولانی بودن مجرا، به آسانی امکان پذیر نیست، از این رو آبهای زیرین به طبقات بالا منتقل شده و با رسیدن درجه گرمای آبهای زیرین، به نقطه جوش، دمای آب به حدود ۱۰۰ درجه سانتیگراد بالا می‌رود و بر فشار لایه‌های زیرین می‌افزاید، در نتیجه ازدیاد فشار آبهای بالائی که سردتر هستند از مجرا خارج شده و در سطح زمین جریان می‌یابند و در نتیجه از وزن آب مجرا بطور ناگهانی کاسته شده و فشار آن نیز بهمین میزان کاهش می‌یابد، گازها و بخارهای معدنی زمین همزمان با گرم شدن آب طبقات زیرین متراکم گردیده و به‌محض تقلیل وزن آب آن را بشدت بخارج پرتاب می‌نماید.

از جمله آبفشانهای مهم جهان آبفشان نیوزیلند و آبفشانهای پارک ملی یلواستون (Yellowstone National Park) آمریکا را می‌توان نام برد. آبفشان اخیر در گذشته هر ۶۶/۵ دقیقه یکبار فوران می‌کرد ولی در حال حاضر نظم آن برهم خورده و بر تناوب آن افزوده شده است.



آبفشان

SINTER

آبشناسنگ

رسوبات سختی که در پیرامون آبفشان‌ها یا چشمه‌های آبگرم بشکل پشته یا مخروط و یا پله‌گانی انباشته شده باشند. آبفشانسنگ‌ها بر دو نوعند: نوع سیلیسی یا گیسریت و نوع آهکی یا تراورتن.

TRAVERTINE

آبشناسنگ آهکی

مواد آهکی ته‌نشین شده‌ای که بر اثر جریان چشمه‌های آبگرم و با آبفشان بوجود آمده باشند.

GEYSERITE

آبشناسنگ سیلیسی

مواد سیلیسی ته‌نشین شده‌ای که بر اثر جریان چشمه‌های

آبگیرناک

زمینی که دارای آبگیرها و غدیرهای بسیار باشد.

آبنگاری (Ābnegāri)

دانشی که با آبهای سطح زمین، سر و کار داشته و وضعیت طبیعی، حجم و موقعیت آنها را بررسی می‌کند، همچنین بخشی از این علم به تهیه نقشه و جارت‌های دریائی و رسم شکل بستر آنها ارتباط دارد.

آب نما WATER VIEW

- ۱- جوی یا حوضی که آب آن در خانه یا باغ ظاهر باشد.
- ۲- موضعی که آب چشمه یا کاریز بر روی زمین آید.

آبنوس (Ābnus)

درختی از تیره پروانواران که در هند و ماداگاسکار و جزیره موریس می‌روید. چوب این درخت سیاه، سخت، سنگین و گرانبهاست.

آب نیرو WATER POWER

نیروی که بر اثر ریزش یا برخورد آب به پره‌های یک چرخ یا یک توربین بدست آید. به این نیرو نیروی برقایی نیز می‌گویند.

آب و هوا CLIMATE

آب و هوا عبارتست از میانگین شرایط جوی یک منطقه در فصلهای چهار گانه. بطور کلی مناطقی که در قسمتهای خاوری و با درونی قاره‌های بزرگ قرار گرفته‌اند دارای آب و هوای قاره‌ای بوده و میزان بارندگی و رطوبت هوای آنها کم و دامنه تغییرات درجه حرارت آنها زیاد است. درحالیکه سزمینهای واقع در بخش‌های غربی این قاره‌ها دارای بارندگی فراوان و رطوبت زیاد و درجه حرارت تقریباً ثابتی هستند.

البته این شرایط کلی و جامع نبوده و استثنائاتی در آن دیده می‌شود. علاوه بر شرایط بالا ارتفاع هر منطقه نیز در چگونگی آب و هوای آن منطقه موثر بوده و شرایط ویژه‌ای را بنام آب و هوای کوهستانی پدید می‌آورد.

چگونگی آب و هوای نواحی استوائی تقریباً ثابت و یکنواخت است و هر چه از استواء دور و به نواحی قطبی نزدیک شویم دست خوش تغییرات وسیعتری می‌گردد که نمی‌توان برای آن قواعد ساده و یکسانی بیان داشت. بطور کلی عوامل موثر در چگونگی آب و هوای هر منطقه را می‌توان بشرح زیر دانست: درجه حرارت، تشعشع، فشار جو، باد، رطوبت و تبخیر، عرض جغرافیائی، ارتفاع، موقعیت مکانی نسبت به دریا و جریانهای دریائی، میزان قابلیت نفوذ خاک و رویشنی‌ها. به این اصطلاح اقلیم نیز گفته می‌شود.

آب و هواشناسی CLIMATOLOGY

دانشی است که پدیده‌هایی را که سبب پیدایش آب و هواهای

آبلوزه (Āblarzeh)

TSUNAMI

امواج بزرگی از آب که بر اثر وقوع زلزله در کف اقیانوس یا دریا پدید آید. این امواج گاه آنقدر در خشکی پیش می‌روند که موجب خسارتهای مالی و جانی فراوان می‌گردند.

آبلوزه یا زلزله دریائی اعم از اینکه ناشی از گسلش کف اقیانوسها یا وقوع انفجارهای آتشفشانی در آنها، باشد ممکن است موجهای عظیم و مهیبی تولید کند که سرعتهای به بیش از ۸۰۰ کیلومتر در ساعت برسد و با ارتفاع حدود بیست متر به نواحی ساحلی حمله آورند.

در زلزله مهیب سال ۱۷۵۵ لیسبون (پرتغال) بلافاصله پس از نخستین ضربه، موجی از دریا به بلندی حدود ۱۸ متر به شهر هجوم برد و بسیاری از سکنه شهر مزبور را در کام خویش بهلاکت رسانید.



آبلوزه

آب معدنی MINERAL WATER

آب معدنی

آب معدنی یکی از انواع گوناگون آبهای سطح زمین است که اغلب برای نوشیدن و درمان بیماریها بکار می‌رود و حتی دربارهای کشورها جزو اقلام صادراتی منظور می‌گردد. مانند آب معدنی ویشی در فرانسه.

آبنای CREEK

(Ābnay)

شاخه یا خور و یا خلیج کوچکی که هنگام آب بالا (مد) در کرانه‌های پست و گلی دریا، پدیدار شود.

آب‌نشین LAKE DWELLER

(Ābneshin)

مردمی که در آب‌سرا زندگی می‌کنند.

کوناگون گشته مورد مطالعه قرار داده و تاثیر آنها را بر زندگی روی کره زمین بررسی می کند.

آب و هوای استوائی

EQUATORIAL CLIMATE

آب و هوای بخشی از کره زمین واقع در حد فاصل ۱۰ درجه عرض شمالی تا ۱۰ درجه عرض جنوبی، گرما و رطوبت زیاد از جمله مشخصات این آب و هوا بوده و بطور کلی از ۲۴ ساعت، ۱۲ ساعت آن روز و ۱۲ ساعت آن شب است. تغییرات فصلی در این آب و هوا بسیار اندک است و خورشید در تمام طول سال تقریباً عمود بر زمین می تابد.

آب و هوای افراطی

EXTREME CLIMATE

— اقلیم افراطی

آب و هوای دریائی

MARITIME CLIMATE

آب و هوایی که تحت تاثیر دریا قرار گرفته و باعث خنک شدن سببی هوا در تابستان و گرم شدن نسبی آن در زمستان شود. اینگونه آب و هوا که بیشتر در کرانه های باختری سرزمینهای عرض متوسط و همچنین در جزایر دیده می شود اغلب با مقدار محسوسی ابر و باران همراه است.

آب و هوای ساحلی

INSULAR CLIMATE

آب و هوای جزایر و نواحی ساحلی که تاثیر دریا بیشتر از تاثیر خشکی باشد. از مشخصات این آب و هوا، تغییرات نسبتاً ناچیز درجه حرارت در طول روز و حتی در طول سال است.

آب و هوای قاره ای

CONTINENTAL CLIMATE

آب و هوای درون قاره های بزرگ که دامنه وسیع تغییرات درجه حرارت از جمله مشخصات آن بوده و به سبب دوری از اقیانوس، قابلیت باران زائی آن کم و منحصر به اوایل فصل تابستان است.

آب و هوای قطبی

FRIGID CLIMATE

آب و هوای خاص مناطق منجمد شمالی و جنوبی که موجبات ریزش برف و یخبندان دائمی را فراهم نماید. این آب و هوا در تابستان خنک تا سرد و در زمستان فوق العاده سرد و طاقت فرسا است.

آب و هوای کوهستانی

MOUNTAIN CLIMATE

نوعی آب و هوا که مخصوص مناطق کوهستانی بوده و به عبارت دیگر بجای عواملی مانند عرض جغرافیائی، موقعیت مکانی و یا دوری و نزدیکی از دریا، عامل ارتفاع در آن موثر و سازنده باشد.

آب و هوای مدیترانه ای MEDITERRANEAN CLIMATE آب و هوای ویژه سرزمینهای پیرامون دریای مدیترانه و همچنین آب و هوای مناطق دیگری که همانند آب و هوای مدیترانه ای باشد. اینگونه آب و هوا معمولاً در زمستان با بارندگی فراوان همراه بوده و در مقابل تابستان های آن نسبتاً گرم و خشک است. این آب و هوا از نظر کشاورزی بسیار ممتاز بوده و قابلیت آن از نظر رویش گیاهان و میوه جات در خور توجه است. از جمله میوه جات خاص اینگونه مناطق انگور، زیتون و مرکبات است. از جمله مناطقی که دارای اینگونه آب و هوا هستند، کالیفرنیا، مرکزی، شیلی مرکزی، قسمت های جنوبی و بخشهای شمال باختری استرالیا و همچنین کرانه های جنوبی دریای خزر را می توان نام برد.

آب و هوای نیمکامب

SEMIARID CLIMATE

(*Ab-o-havā-ye-nimkamāb*)

آب و هوای درون قاره ای، و یا آب و هوایی که در حد فاصل میان آب و هوای خاص ساوانا و آب و هوای ویژه کویرهای واقعی قرار گرفته و تقریباً به کماب تمایل داشته باشد.

آب و هوای یخبنه ای

ICE-CAP CLIMATE

(*Ab-o-h-ye-yakhpahneh*)

آب و هوای مخصوص یخسارها و یخبه نه ها و نواحی قطبی و گروئلند که مشابه آب و هوای کویرهای سرد پوشیده از برف و یخ است. میانگین دمای سالانه این گونه آب و هوا همواره کمتر از صفر درجه سانتیگراد است. (میانگین دمای سالانه بخش های درونی گروئلند حدود ۳۲- درجه سانتیگراد و در نواحی قطبی جنوبی کمتر از آن است). بارش های این مناطق محدود به ریزش دانه های برف خشک بوده و در نواحی قطب جنوب بویژه در حاشیه یخبه نه ها با توفان، سوز و برفی از نوع توفان برف یا دمه که سرعت آن بیشتر از ۸۰ کیلومتر در ساعت است همراه می باشد.

آبهای بین المللی

INTERNATIONAL WATERS

آب تمام دریاها و اقیانوسها، با استثنای بخش آبهای سرزمینی که کلیه کشورهای جهان، بطور یکسان، از آن بهره مند می شوند.

آبهای جاری

RUNNING WATERS

آبهای جاری که در حقیقت مهمترین عامل فرسایش سطح زمین اند آبهایی هستند که به صورت باران و برف به سطح زمین می رسند و در سرازیرها جریان می یابند. جریانهای آب را به نامهای مختلفی مانند جوی، نهر و رود می نامند. ولی هیچ معیاری وجود ندارد که بتوان گفت تا چه اندازه

TERRITORIAL WATERS

آبهای ساحلی

- آبهای سرزمینی

TERRITORIAL WATERS

آبهای سرزمینی

بخشی از آبهای ساحلی، که بر اساس قوانین بین‌المللی به سرزمینهای مجاور تعلق داشته باشد. در حال حاضر عرض آبهای سرزمینی ۵ کیلومتر (حدود ۳ میل) است ولی پاره‌ای کشورها در تلاش افزایش این میزان بوده و با فشار آبهای زمائی آغاز شده که موجود مانع نفت و گاز در زیر دریاها، بی برده‌اند.

CONNATE WATER

آب همزاد (o-hamzād)

آبی که همراه با تشکیل سنگهای رسوبی در آنها اساسه شده باشد. به اینگونه آبها آب سکوارهای سر می‌گویند.

IRRIGATION

آبیاری

بورع مصنوعی آب در سطح زمین. بطوریکه امر کشاورزی را آسان سازد و موجب رشد و نمو گیاهان را فراهم نماید. آبیاری بدو صورت عمده آبیاری و دائمی انجام می‌شود
الف - روش آبیاری در واقع همان سوهای است که در گزاهها و دلتای رود نیل مداول است و با سسم دحیره کردن سیلاب در مناطق آبیروسوله اتحادیندها و آبیگرهای مناسب که در غالب کشورها معمول است.

ب - روش دائمی عبارت است از استفاده از آب رودخانه‌هایی که در سطح پائین‌تری از زمین جریان دارند بدین ترتیب که آب اینگونه رودخانه‌ها را با نلمه و یا وسایل دیگر بالا کشیده و در محرن با آب آسارهایی دحیره می‌کنند. اس سوه هنگامی عطلی است که آب کافی در کوهسایهای محاور و با دوردست موجود باشد و با ایجاد سدهائی سوان ار هررررس آن حلوکیری و در سب سد آن را دحیره کرد و سپس بوسله محراها و آب‌برهای مناسبی در مان کسراها بورع نمود.

SPRINKLER IRRIGATION

آبیاری فطرای

نوعی آبیاری که در آن از لوله‌های آب سوراخ‌داری که در تمام سطح کسزار جابجا می‌شود استفاده می‌گردد. اس طریقه که ساهت ربادی به باران مصنوعی دارد. از نظر هزینه سبار مناسب و ارزان بوده و به مهار و رجعت رباد ساز ندارد.

APATITE

آپاتیت

معدن کلسیم معدنی که محوی فلوئور با کثر با هر دو است. حالس آن سربک است. نمونه‌های باحالس ورشس آن ثاهی سر و برده و مانند سکه‌های قیمتی است. در سبه کودهای

آب را باید مثلا "رود نامید.

آبهای جاری سه نوع عمل (تخریب، حمل و نقل و رسوبگذاری) را در قسمتهای مختلف مسیر خود انجام می‌دهند. در عمل تخریب، بسنر آبهای جاری در جهت قائم و پهلوها حفر می‌شود. در عمل حمل، آب مواد کیده شده را با خود جابجا می‌کند و در عمل رسوبگذاری، موادی که جابجا شده‌اند از آب جدا و به سین می‌شوند. چگونگی این فعالیتها بسکی به انرژی جنبشی جریان آب دارد و مقدار اس انرژی خود وابسته به حجم آب، درجه شیب بسنر و سرعت جریان آب است.

THE WORLD WATERS

آبهای زمین

اگر کره زمین سطحی هموار و فادیسینی‌ها و لندی‌ها می‌بود. آبهای موجود تمام سطح آن را به صورت بوسه‌ای به صحامت حدود ۳۰۰۰ متر می‌پوشانید.

در حال حاضر حدود ۷۱ درصد سطح زمین را اقیانوسها و دریاها اشغال کرده است. آب اقیانوسها و دریاها به هم دیگر بوسه و یکپارچه می‌شود از اسرو مجموع آنها به دسای اقیانوس موسوم است.

آبی که در اس بیهه وسیع جمع شده کمی بسنر ۱۳۷۰ میلیون کیلومتر مکعب می‌باشد.

آب دریاچه‌های سطح زمین ۲۳ هزار کیلومتر مکعب و آبی که در هر لحظه در رودخانه وجود دارد ۱۲۰۰ کیلومتر مکعب محاسبه شده است.

حجم آب بحالهای تازه‌ای کوهسائی مطابق حدبدرس طریقه‌ها حدود ۲۴ میلیون کیلومتر مکعب حجم رسیده می‌شود. حجم آبهای آزاد بر زمین با عمق ۱۶ کیلومتری قسم بالائی بوسه زمین در حدود ۳۰۰ میلیون کیلومتر مکعب حجم رسیده شده که بربدک به ۶۰ میلیون کیلومتر مکعب آن با عمق پنج کیلومتری سطح زمین فرار کرشم.

آبهای قابل دسترسی در کره زمین

آب		حجم به هزار کیلو متر مکعب	درصد کل
اقیانوسها و دریاها	۱۳۷۰۳۲۳	۹۳/۹۳	
آبهای زیرزمینی قابل دسترس	۶۰۰۰۰	۴/۱۱	
آبهای زیرزمینی در منطقه فعال	۴۰۰۰	۰/۲۷	
بخالها	۲۴۰۰۰	۱/۶۵	
دریاچه‌ها	۲۳۰	۰/۰۱۶	
رطوبت خاک	۸۳	۰/۰۵۵	
بخار آب در هوا	۱۴	۰/۰۰۱	
رودخانه‌ها	۱/۲	۰/۰۰۰۱	
جمع	۱۳۵۸۶۵۱/۲	۱۰۰	

مسعدار بکار می‌رود.

آتشزنه

FLINT

سنگی از جنس سیلیس سیاه یا خاکستری تیره که هنگام برخورد با آهن تولید جرقه می‌کند و از آن در قدیم برای روشن کردن آتش استفاده می‌شده است. در اب درشت سنگ آتشزنه را برای ساختن سمباده بکار می‌برند. سنگ آتشزنه را سنگ جحماق سیر می‌گویند. در روزگار گذشته آسره را برای امروختن آتش و خالی کردن عیك بکار می‌بردند.

آتش سنت المو

SAINT ELMO'S FIRE

نوری همانند سعله آتش که گاهی در هوای توفانی بر نقاط خرد یا برجسته بویژه بر بالای دکل کشتی‌ها یا بال هواپیما و در زمین بر نوک درخت‌ها و کبدها و مانند آن دیده می‌شود. این درختن گاه بر سر ساح گاوها و حتی اطراف سر اسان سیر ظاهر شده است. جکویگی بدندار بدن این آتش بدن مان است که وقتی جو دارای بار الکتریکی باشد و اختلاف پائسل برای وقوع تخلیه برق میان هوا و اسان

کامی باشد جرقه‌ای حاکی از تخلیه الکتریکی طاهر می‌شود که رنگش مایل به سرخی و یا آبی است. این آتش که به آن درختن سنت المو سیر می‌گویند بنام قدیس المو که به حامی دریانوردان مشهور است نامگذاری شده.

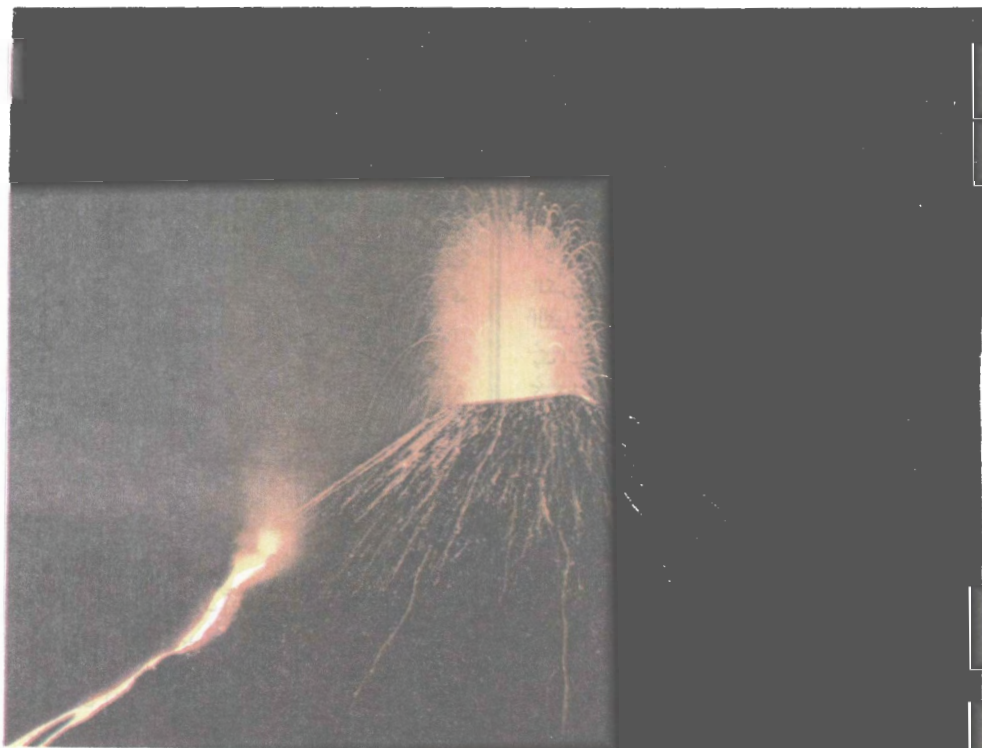
آتشفشان (Ātashfeshān) VOLCANO

کوه یا قله‌ای معمولاً مخروطی شکل که بر اثر روی هم ایستادن شدن مواد گداحتی که از روزنه‌ای بنام دهانه آتشفشان خارج گردیده است، پدید آمده باشد. بلندترین آتشفشان روی زمین کوه آکونکاگوا به ارتفاع ۶۹۶۰ متر است که در رشته کوه‌های آند در امریکای جنوبی واقع شده است. بلندترین آتشفشان فعال کوه کواپاتیری به ارتفاع ۶۰۶۰ متر است که آن نیز در رشته کوه‌های آند واقع شده است.

آتشفشان خاموش

DORMANT VOLCANO

آتشفشانی که دوره‌های ماقبل تاریخ فعال بوده و بعد از آن بی‌حیوانی گراشته است. به اینکوه آتشفشانها که در واقع آتشفشان مرده‌ای نیز هستند آتشفشان حقه هم می‌گویند.



آتشفشان

می‌گویند تغییر آب و هوا موجبات پیدایش سه دور یخبندان را فراهم ساخت که هر کدام از دور ها بوسیله دورهای بین یخچالی از هم جدا گردیده است .

مهاجرت جانوران از نواحی سرد و یخ بسته به نواحی گرم و یا از بین رفتن پاره‌ای از انواع آن‌ها از ویژگی‌های دیگر این دوره است .

آذر

مقتبس از واژه پهلوی آتور به مفهوم آتش و فرشته نگهبان آتش، نام نهمین ماه در تقویم رسمی ایران و نهمین روز هر ماه خورشیدی .

این واژه عیناً بهمین صورت در تقویم اوستائی موجود بوده و بعدها به تقویم جلالی راه یافته و از سال ۱۳۰۴ خورشیدی بنام نهمین ماه در تقویم ایران رسمیت یافته است .

آذرخش (Āzarakhsh) LIGHTNING

آذرخش عبارت از الکتریسیته گیثائی (طبیعی) است که از هر نظر به الکتریسیته‌هایی که بوسیله ماشین تولید می‌گردد شباهت دارد . در حقیقت ابرتوفان زانوعی انباره الکتریسیته بسیار بزرگ است که بارهای منفی در بخش زیرین و بارهای مثبت در بخش زهرین آن متمرکز شده و علاوه بر آن پایه آن که بزمین نزدیکتر است دارای بارهای مثبت است . جریان‌های نیرومند هوا هنگامیکه از درون ابرهای مزبور رو به بالا در حرکتند با چکه‌های آبی که حاوی بارهای مثبت و منفی الکتریسیته هستند برخورد کرده و چکه‌های بسیار ریز آب را که دارای بار منفی هستند بسوی بالای می‌رانند و ذرات سنگین‌تر در بخش پائین ابر باقی می‌مانند و در نتیجه دو منطقه الکتریسیته مثبت و منفی در ابر ایجاد می‌گردد و چون دو بار الکتریکی مخالف یکدیگر را جذب می‌کنند لذا میان دو بخش یک ابر توفان‌زا و میان یک ابر و زمین جرقه بزرگی می‌جهد که همان آذرخش است .



آذرخش

آشفشان سپری (Ā-e-separi) SHIELD VOLCANO

آشفشان مخروطی شکلی که دارای شیب ملایم بوده و قاعده پهن‌آوری داشته باشد . از جمله معروفترین آشفشانهای سپری، آشفشان Mauna Loa واقع در کف اقیانوس آرام را می‌توان نام برد که قطر قاعده آن ۴۸۰ کیلومتر و ارتفاع آن از کف اقیانوس ۹۷۵۰ متر و بلندی قله آن از سطح آب ۴۱۷۰ متر و قطر قاعده این مخروط در سطح آب ۱۱۳ کیلومتر است . آشفشان Mauna Loa از جمله آشفشان‌های فعال است .

آشفشان گنبدی (Ā-e-gonbadi) CUMULO DOME

کوه آشفشان گنبدی شکلی که فاقد دهانه بوده و از جهش‌های بی‌در پی گدازه‌های اسیدی چسبناک پدید آمده باشد .

آشفشان مرده (Ā-e-mordeh) EXTINCT VOLCANO

آشفشانی که در ازمه دیرین زمین شناسی شکل گرفته و امروز بصورت یک آشفشان غیر فعال و مرده بجای مانده باشد . شکل مخروطی اینگونه آشفشانها به مرور زمان از بین رفته است .

آتش مرداب WILL-O'-THE WISP / IGNIS FATUUS

نور ضعیف و لیزانی که شب هنگام بر سطح مرداب‌ها دیده می‌شود . این نور ممکن است بر اثر احتراق خود بخود گازها و یا نوعی فسفرسانی باشد .

آتلانتید ATLANTIDE

گروهی از دانشمندان بر اساس روایات و داستانها و پاره‌ای تحقیقات بر این گمانند که سرزمینی جزیره مانند بنام آتلانتید در اقیانوس اطلس در باختر تنگه جبل الطارق قرار داشته که بعدها به زیر آب فرو رفته است .

آتمسفر ATMOSPHERE

← جو

آتول ATOLL

← آتسنگ حلقوی

آدم (Ādam) ADAM

۱ - مقتبس از واژه عبری آدم به مفهوم انسان نخستین .

۲ - اولین انسان و پدر نوع بشر طبق روایات مذهبی .

آدم زیوی (Ā-zivi) ANTHROPOZOIC PERIOD

این دوره که تا امروز ادامه دارد دارای ویژگی خاصی است که همانا برتری انسان بر سایر موجودات و فرمانروایی او بر کره زمین است . در این دوره که به آن دوره چهارم نیز

آریایی‌ها

با آریاها، با آریانها و با آرین‌ها شاخه بزرگی از نژاد سفید هستند که در روزگاران باستان در ایران و هند و اروپا اقامت گزیدند و به همین مناسبت به آنها اقوام هند و اروپائی نیز می‌گویند.

واژه آریا به معنی شریف و نجیب است و نام ایران به مفهوم سرزمین آریایی‌ها از همین واژه گرفته شده و به همین مناسبت جغرافیدانان قدیم بخشی از ایران را آریانا خواندند.

آزاد راه

راه چند خطه عریضی که خط‌های رفت و برگشت آن بوسیله پرچین و یا سکوب‌های مخصوصی از یکدیگر جدا شده باشد. و وسائل موتوری بدون برخورد به هر گونه مانع یا تقاطع همسطح بتوانند از آن عبور کنند.

آژفنداک (Āzhfandāk)

RAINBOW
- رنگین کمان

آسمان

گنبدی که در بالای زمین، بطور ظاهری دیده می‌شود و ابرها و خورشید و ماه و ستارگان در آن قرار دارند. رنگ آبی روشن آسمان در روز ناشی از این است که ذرات ریز غبار و بخار آب موجود در جو زمین بعضی از امواج نور را جذب و برخی را پراکنده می‌سازد امواجی که طول موج بیشتری دارند به آسانی از میان این ذرات می‌گذرند ولی اشعاعی که طول موج کوتاھتری دارند در میان آنها پراکنده می‌شوند و متناسب با مقدار غبار و بخار آب موجود در هوا آسمان بخود رنگ می‌گیرد.

آسمان پیسه (Āsmān piseh)

MACKEREL SKY
آسمانی که بوسیله ابرهای سیروکومولوس و یا آلوتوکومولوس پوشیده شده و بخشهایی از آن از خلال ابرها دیده شود.

آسمان دره (Ā - darreh)

GALAXY
- کهکشان

آسمان سنگ (Āsmānsang)

SIDEROLITE
- سنگ آسمانی

آسمان غرنبه (Ā-ghoronbeh)

THUNDER
- تندر

آسمانگان (Āsmānkān)

SIDERITE
- سنگ آسمانی

آذرگویی (Āzarguy)

FIREBALL/BOLID
شهابهائی که بدلیل بزرگی جثه و دارا بودن جرم بیشتر، درخشندگی بیشتری داشته و مدت طولانی‌تر در آسمان دیده می‌شوند. پارهای از آذرگوبها در آسمان منفجر می‌شوند و رگباری از جرقه‌ها از آنها پدید می‌آید.

آر

ARE
واحد سطح برابر یک دکا متر مربع یا صد متر مربع.

آرامگان (Ārāmān)

CALMS
بادهائی که نیرویشان با توجه به طبقه بندی بوفورت صفر و شدت آنها کمتر از یک گره باشد این بادهای در هر موقعیت جغرافیائی و با هر زمان ممکن است بوزند بویژه هنگامی که شرایط برای پیدایش واچرخه آماده باشد. منطقه خالص وزش این نوع بادهای نوارهائی به عرض ۵ درجه شمالی و ۵ درجه جنوبی نسبت به خط‌نیمگان است.

آرامگان جدبی

CALMS OF CAPRICORN
(Ā-e-jadyi)
ناحیه‌ای است آرام که داخل منطقه‌ای پر فشار نزدیک مدار راس الجدی واقع شده و بادهای ملایم و خفیفی در آن می‌وزد.

آرامگان سرطانی

CALMS OF CANCER
(Ā-e-saratāni)
ناحیه‌ای است آرام که داخل منطقه‌ای پر فشار نزدیک مدار راس السرطان واقع شده و بادهای خفیفی در آن می‌وزد.

آرژیلیت

ARGILLITE
یا رسهای موق. اگر گل‌رس آب از دست بدهد به صورت سنگ سخت‌تری در می‌آید که بدان آرژیلیت می‌گویند. این سنگ را به آسانی نمی‌توان شکست، حتی در برابر چکش مقاومت می‌کند و با آب خمیر نمی‌شود. ولی اگر آن را خرد کنند و در آب بریند رسوب آن کل رس خواهد بود.

آرگون

ARGON
عنصر گازی بی اثر، بی رنگ، بی بو و بی طعم با علامت شیمیایی Ar که در هوا مقدار کم و در بعضی گازهای آتشفشانی یافت می‌شود.

این گاز حدود یک صدم هوا را تشکیل می‌دهد و در صنعت لامب سازی و علائم راهنمایی بکار می‌رود.



نقشه سیاسی

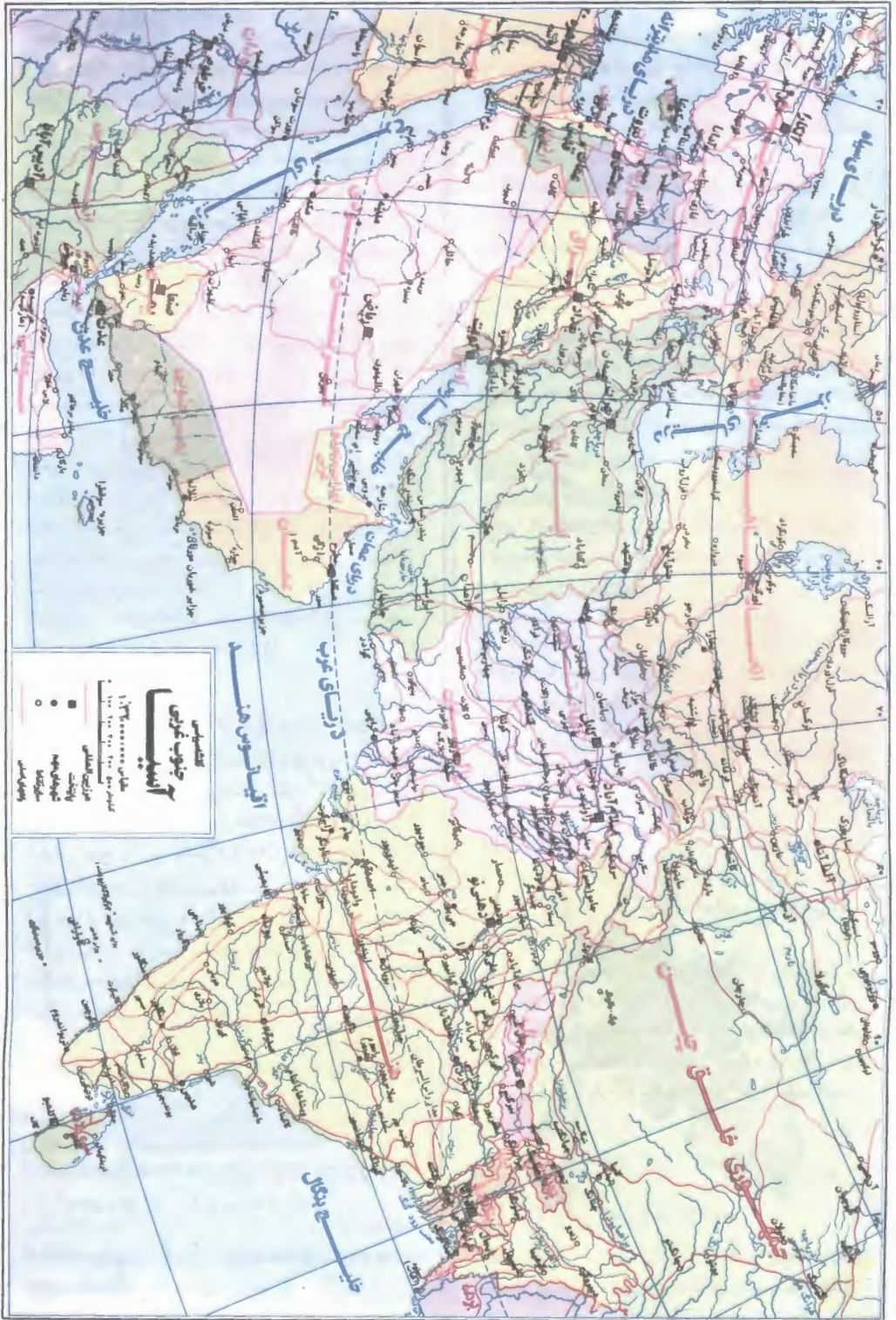
آسیا

موز بین المللی

پایتخت

شهر مهم

مقیاس ۱:۸۰,۰۰۰,۰۰۰



ASIA MINOR

آسیای صغیر

شبه جزیره‌ای است واقع در انتهای باختری قاره آسیا که در حال حاضر قسمت آسیای صغیر را تشکیل می‌دهد. شبه جزیره آسیای صغیر از شمال به دریای سیاه، از غرب به دریای اژه، از جنوب به دریای مدیترانه و از خاور به ایران و اتحاد جماهیر شوروی محدود است و بوسیله تنگه‌های بسفر و داردانل و دریای مرمره از قاره اروپا جدا می‌شود. یونانی‌ها آسیای صغیر را آناتولیا (سرزمین طلوع خورشید) می‌نامند.

TURBULENCE

آشوب

حرکات نامنظم هوا در طبقات زیرین جو زمین که منجر به چرخش و تغییر جهت باد گردد. یکی از علائم این پدیده بوجود آمدن ابرهای کومولونیمبوس و رعد و برق است.

PROTISTOLOGY

آغازینه شناسی

(Āghāzīneh shenāsi)

بررسی سازواره‌های تک‌پاخته، مانند جلبک‌ها، آغازیان، باکتری‌ها و غیره. بطور کلی، شاخه‌ای است از جانورشناسی که آغازیان را بررسی می‌کند.

DRY RIVER

آغر (Āghar)

خشک‌رود و یا مسیلى که پس از گذشتن سیلاب در پارهای جاهاى آن اندکی آب باقی مانده باشد.

SHEEP FOLD

آغل

جایی در کوه که برای خوابیدن احشام درست کرده باشند.

SUNSHINE

آفتاب

نوری که مستقیماً "از کره خورشید به زمین می‌تابد و اشیاء روی زمین را قابل دیدن می‌سازد آفتاب یا تشعشع خورشیدی نام دارد.

این نور ترکیبی است از نورهای گوناگون که در حدفاصل نور قرمز و نور بنفش قرار گرفته‌اند. در هواشناسی مدت تابش نور خورشیدی را بر حسب ساعت اندازه می‌گیرند. نورهای ماورا بنفش خورشید که قابل دیدن نیستند از نظر دانش پزشکی و درمان پاره‌ای بیماری‌ها فوق‌العاده حائز اهمیت هستند.

SUNLIT

آفتاب‌رو

→ آفتابگیر

SUNSTROKE

آفتاب‌زدگی

بیماری‌ای که بر اثر تابش آفتاب یا گرمای شدید بوجود می‌آید.

PLANETARIUM

آسمان‌نما

انواع مختلف ابزار و وسایلی را شامل می‌شود، که موقعیت سیارات، ستارگان، خورشید، زمین و ماه را نمایش می‌دهند. بطور کلی این وسایل بشرح زیر تقسیم بندی می‌گردد:

الف - یک پروژکتور مخصوص و یک سقف گنبدی بزرگ که وضعیت ستارگان و سیارات را در آسمان، بوسیله پروژکتور روی سقف مقرر نمایش می‌دهند، و شخص ناظر در درون این ساختمان، که به آن آسمان‌خانه می‌گویند، این تغییرات را نظاره می‌کند.

ب - دستگاهی است که گره‌ای به منزله خورشید، در مرکز آن قرار داشته، و گردش سیارات منظومه شمسی، از آن جمله زمین و ماه را بدور خورشید نشان می‌دهد.

پ - نیمکره یا کره شیشه‌ای که موقعیت ستارگان روی آن مشخص شده و خورشید و زمین و دیگر سیارات منظومه شمسی بصورت سبلیک در میان آن نمایش داده می‌شود.

دو نوع اخیر قابل انتقال بوده و بیشتر برای مدارس و آزمایشگاهها مورد استفاده قرار می‌گیرد و نوع اول که ثابت است، در بعضی شهرهای جهان نصب گردیده و مورد استفاده همگان واقع می‌شود.

قدیمیترین آسمان‌نماها بر پشت بام کارخانه زایس نصب گردیده است. (تصویر در صفحه ۱۷)

ASIA

آسیا

بزرگترین قاره زمین که کلاً "در نیمکره شمالی واقع است. این قاره از حدود شمال خط استوا شروع می‌شود و تا نقطه‌ای بمفاصله ۱۲۹۰ کیلومتر از قطب شمال بطول ۸۴۸۰ کیلومتر گسترده شده و پهنای را به وسعت حدود ۴۴۰۱۰۴۱۱ کیلومتر مربع را زیر پوشش قرار داده است که تقریباً $\frac{1}{3}$ خشکی‌های زمین را شامل می‌شود.

این قاره از سوی خاور به اقیانوس کبیر، از سوی جنوب به اقیانوس هند، از غرب به قاره اروپا و از شمال به اقیانوس شمالگان محدود است و بوسیله آب‌راه سوئز و تنگه عدن واقع در جنوب غربی از قاره آفریقا و از سوی شمال خاوری بوسیله تنگه بربنگ از قاره آمریکا جدا می‌گردد. طول خطوط ساحلی قاره آسیا حدود ۵۳۰۰۰ کیلومتر است. (تصویر در صفحه ۱۴-۱۵)

TIDE MILL

آسیاب کشندی

(Āsiyāb-e-keshandi)

آسیایی که در دهانه یک خلیج کوچک یا یک خور قرار گرفته و بر اثر جزر و مد آب دریا به حرکت درآید.

MOULIN/GLACIER MILL

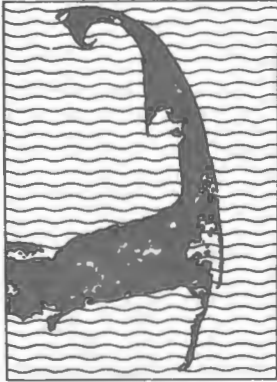
آسیاب یخچالی

→ تنوره یخچالی

HOOK

آکج (Ākaj)

دماغه‌ای که انتهای آن به شکل قلاب قوس برداشته باشد، این عارضه بدلیل عمل امواج آب و غلظت‌نیدن مواد به آن سوی دماغه پدید می‌آید.

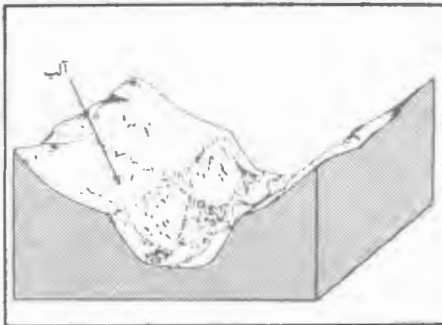


آکج

ALP

آلپ

دامنه کوهی که با شیب ملایم به لبه یک دره یخچالی یا شکل منتبهی گردد. این گونه زمین‌ها که معمولاً "ارتفاع زیادی دارند، در زمستان غالباً از برف پوشیده شده و چراگاه مناسبی را در تابستان بوجود می‌آورند و گاه برای ورزش‌های زمستانی مانند اسکی روی برف بکار می‌روند.



آلپ

ALUMINIUM

آلومینیوم

فلزی است سفید رنگ و نقره فام با علامت شیمیایی Al که حرارت و برق را بخوبی هدایت می‌کند. این فلز بسیار سبک

این بیماری غالباً با اغمای شدید و تنفس سخت و نبض تند و تب زیاد همراه است. علت این بیماری اختلال عمل مراکز تنظیم کننده حرارت و تلف شدن نمک رطوبات بدن در اثر تعریق شدید است.

SUNSHINE RECORDER

آفتاب سنج

دستگاهی که مدت تابش روزانه نور خورشید را اندازه‌گیری می‌کند. این دستگاه عبارتست از یک عدسی که درون یک قاب تعبیه شده و در فاصله کانونی آن نوار کاغذی مدرجی در حرکت است که بر اثر تابش نور خورشید متاثر شده و خط سوخته‌ای از خود به جای می‌گذارد. با توجه به تقسیم‌بندی‌های نوار مزبور و درازای خط سوخته زمان تابش روزانه نور خورشید اندازه‌گیری می‌شود.

نورگیرترین ناحیه رمین محلی است بنام حلوان در مصر که تعداد ساعات تابش سالیانه نور خورشید ۳۶۶۸ ساعت یا ۸۲ درصد است. در حالیکه ناحیه‌ای بنام والنثیا در ایرلند شمالی متوسط تابش روزانه آن ۱/۳ ساعت یا ۱۷ درصد می‌باشد.



آفتاب سنج



پروژکتور آسمان نما

SUNLIT

آفتابگیر

بایی که آفتاب بر آن می‌تابد.

حجم آبی که این رودخانه به اقیانوس اطلس می‌ریزد آنچنان عظیم است که آب اقیانوس تا کیلومتر ۶۵ از ساحل شیرین است.

آمازون را در سال ۱۵۰۰ میلادی مردی از اسپانیا به نام وی. پهنشون کشف کرد و اورلیانا و پ. تیشیرا آن را در خلال سال‌های ۱۵۴۰ تا ۱۶۴۰ پیمودند.

واژه آمازون احتمالاً از لفظ بومی آموسونا (نابود کننده قایق‌ها) اقتباس شده است.

آمایش سرزمینی REGIONAL DEVELOPMENT (Āmāyesh-e-sarzāmīni)

یا عمران منطقه‌ای به این معنی است که در قلمروی کم و بیش وسیع، سازمانی داده شود که به کمک تجهیزات متناسب، آبادانی جامع بعمل آید. این آبادانی با استفاده عاقلانه از نیروی انسانی محلی و از ذخایر و ثروتهای طبیعی برای برطرف ساختن نیازمندی‌های انسانی جمعیت ساکن محل انجام می‌یابد.

آمفیبول
AMPHIBOLE
سنگی است از عناصر اصلی سنگهای آذرین که مواد ترکیب کننده آن عبارت است از سیلیکاتهای قلیایی (کلسیم و منیزیم) و سیلیکاتهای آهن و منگنز.

آمونیاک
AMMONIA
گاز تند و بی رنگی که از یک اتم نیتروژن و سه اتم هیدروژن با فرمول NH_3 ترکیب یافته و در آب بخوبی حل می‌شود این گاز در دمای $۳۳/۴$ - درجه سانتیگراد و فشار معمولی به حالت مایع و در دمای ۷۸ - درجه سانتیگراد به حالت جامد در می‌آید و محلولش خاصیت بازی دارد.

آناشرشی
ANARCHY
کشوری که فاقد حکومت و یا قانون باشد و همچنین به جامعه‌ای که در آن بی نظمی و هرج و مرج حکمفرماست نیز گفته می‌شود.

آنتراسیت
ANTHRACITE
زغال سنگ سخت و براق و مرغوبی که کمترین میزان آب را دارا بوده و در عین حال حاوی هالی‌ترین نوع کربن باشد. این گونه زغال سنگ‌ها معمولاً "نهایی‌ترین مرحله دگرگونی مواد گیاهی به زغال را طی کرده‌اند."

آوار
JEBRIS
توده‌ای سطحی از شن و ماسه و خاک رس که از محل اصلی

است و در ساختمان وسایل هوانوردی چون هواپیما و هلی‌کوپتر و مانند آن مورد استعمال فراوان دارد.

آلومینیوم قابل مفتول شدن و تئورق است و کشش زیادی را تحمل می‌کند و در طبیعت به حالت ترکیب فراوان است.

منبع مهم استخراج آلومینیوم بوکسیت نام دارد.

فلز آلومینیوم در ۶۶۰ درجه حرارت ذوب می‌گردد و چون در هوای آزاد سطحش از یک لایه نازک اکسید آلومینیوم (Al_2O_3) پوشیده می‌شود، از این رو از تباهی بقیه جلوگیری کرده و جزو فلزات فساد ناپذیر بشمار می‌آید.

آلیداد
ALIDADE
نوعی دستگاه نقشه‌برداری و یا قسمتی از پارهای وسایل نقشه برداری مانند تئودولیت که شامل اجزایی برای نشان‌گیری (شیئی و چشمی) و قرائت و اندازه‌گیری زوایاست.

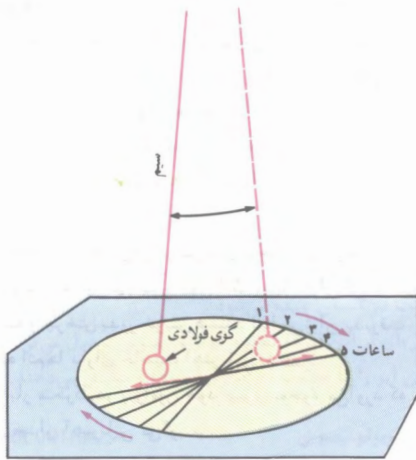


آلیداد

آمار
STATISTICS
مجموعه داده‌های عددی مربوط به یک موضوع (معمولاً مهم) مانند جمعیت، متوفیات، میزان تجارت داخلی یا خارجی، دما یا بارش ماهیانه، و غیره. علم آمار، علم و فن فراهم کردن داده‌های کمی و تحلیل آنها است به منظور بدست آوردن نتایجی که اگرچه احتمالی می‌باشند، در خور اعتماد می‌باشند.

آمازون
AMAZON
عظیم‌ترین و پر آب‌ترین رود کره زمین که در آمریکای جنوبی واقع است. این رودخانه از کوه‌های آند در کشور پرو سر چشمه می‌گیرد و پس از عبور از برزیل به اقیانوس اطلس می‌ریزد.

طول رودخانه آمازون با شاخه مهم آن یعنی رود مارانیون ۴۸۲۸ کیلومتر و با رود اوکا پالی ۶۶۹۵ کیلومتر است و تمام شبکه‌های آن قابل کشتیرانی است.



آونگ فوکو

خود رانده شده و در محل دیگری بصورت نهشت انباشته شده باشد.

POLAR WANDERING

آوارگی قطبی

← فرضیه آوارگی قطبین

CANAL

آوره (Avrah)

← آبراهه

APRIL

آوریل

← ماههای اروپائی

PENDULUM

آونگ

آونگ عبارت از وزنه‌ای است که به انتهای ریمانی که سر دیگرش در نقطه‌ای ثابت است آویخته شده و می‌تواند در حول نقطه میزور حرکت متناوب کند و باصطلاح یوسان نماید. یوسان‌های یک آونگ همزمان هستند و مدت یک یوسان را دوره یوسان آونگ می‌گویند آونگ را هویگنس در سال ۱۶۷۳ برای تنظیم کار ساعت بکار برد.

فوکو میک‌دان فرانسوی در سال ۱۸۵۱ در پاریس آونگ سنا درازی را برای اثبات جرحش رمن بکار برد.

← آونگ فوکو

از آونگ برای تنظیم کار باره‌های دستکاهها، اندازه‌گیری سب نقل، سب جهت زمین لرزه و غیره استفاده می‌شود.

FOUCAULT'S PENDULUM

آونگ فوکو

آونگ فوکو عبارت از کوی فلزی سبکی وری است که به وسعت ریمان سندی از سقف آویخته شده و همواره در امتداد سمت معین و یاسی یوسان می‌کند. مسر یوسان این آونگ جهت سائر جرحش رمن به آزادی غیر جهت داده و پس از یک دور کامل دوباره به جای نخستین بار می‌گردد. آرماس‌های بخام شده بیان داده است که یک دور کامل جابجائی مسیر این آونگ در قطب ۲۴ ساعت، در عرض جغرافیائی ۵۰ درجه ۳۱ ساعت و در روی استوا برابر صفر است. به عبارت دیگر میزان جابجائی آونگ بستگی به سینوس عرض جغرافیائی است و مقدار آن در هر ساعت از فرمول $V = 15 \times \sin \phi$ بدست می‌آید، که در این فرمول V میزان جابجائی و ϕ عرض جغرافیائی است. آونگ فوکو نخستین بار در سال ۱۸۵۱ توسط L. Foucault ابداع گردیده است.

وجه یک دور گردش کامل آونگ فوکو در تهران حدود ۴۱ ساعت و ۵ دقیقه طول می‌بخشد. (عرض جغرافیائی متوسط شهر تهران ۳۵ درجه و ۴۵ دقیقه انتخاب شده است).

LIME

آهک

اکسید کلسیم و یا آهک زنده جسمی است جامد و سفید و بی شکل که از حرارت دادن سنگ آهک بدست می‌آید.

HUM

آهکتود (Ahaktud)

نوده کوچکی از سنگهای آهکی که به دلیل مقاومت در برابر فرسایش سبب به زمین‌های اطراف مرتفع تر باشد. همچنین به مفهوم باقیمانده سنگهای آهکی که در برابر آب بتدریج حل شده و از میان رفته‌اند نیز بکار می‌رود.

MARL

آهکرس (Ahakros)

حاک رسی که حداقل با ۱۵ درصد کربنات کلسیم مخلوط شده باشد. از آهکرس به عنوان کود و برای اصلاح میران اسیدی خاک استفاده می‌شود.

CRETACEOUS

آهکین (Ahakin)

← کربناته

IRON

آهن

فلزی است با علامت شیمیائی Fe یک سفید که در طبیعت غالباً شکل اکسید یا کربنات و با سولفور وجود دارد. وزن مخصوص آهن ۷/۸ و در ۱۵۳۰ درجه حرارت گدازه می‌شود.

آهن ربا این فلز را بخود جذب می‌کند و به آسانی رنگ می‌برد. این فلز از جهت فراوانی چهارمین عنصر است و حدود ۵ درصد یوسنه زمین را تشکیل می‌دهد.

آهنربائی

MAGNETISM

یا بدیده مغناطیسی عبارت از نیرویی است که بطور طبیعی در یکی از سنگهای آهن که نخستین بار در سپر ماکزیا پیدا شد وجود دارد. نیروی موجود در این گونه سنگها در آهن را بخود جذب می کند. اثر جذب در دو نقطه معین فیزی از حایر نقاط است که آنها را قطب های مغناطیس می نامند.

بدیده های مغناطیس در ابرسروهای موجود بین بارهای متحرک الکتریکی بوجود می آید. چون الکترونها دارای گردش بدور هسته و جریحش بدور حویش هستند لذا می توان پذیرفت که کلیه اتم ها دارای خاصیت آهنربایی باشند. هر بار متحرک در پیرامون خود چیزی بوجود می آورد که بد آن میدان آهنربایی می گویند.

آهنربائی زمین

TERRESTRIAL MAGNETISM

خاصیت آهنربایی زمین، که به موجب آن، کره زمین همانند آهنربای عظیمی، با دو قطب مغناطیسی شمال و جنوب عمل می کند. در نتیجه این خاصیت غفره مغناطیسی تحت تأثیر قرار گرفته و سوک شمالی آن تقریباً "موجود قطب شمال کره زمین می گردد. جهانی را که نوکهای شمال و جنوب غفره مغناطیس نشان می دهد قطبهای شمال و جنوب مغناطیسی می نامند.

آیس (A.ush)

FALLOW

عمل رها ساحس زمین قابل کسب. برای یک یا چند فصل زراعی. به منظور تأمین مواد غذائی لازم برای کسب عدی.

ائوس

EOCENE

نخستین دوره از دوران نوسوی (کائوروتیک) یا دوران سوم زمین ساسی مربوط به ۷۵ تا ۴۵ میلیون سال پیش. در این دوره فعالیت آتشفسانی شدید بوده و پیچهای بسیاری از کدادهای آتشفسانی این دوره توسعه داده است. - ارمند زمین ساسی

ابر (Abr)

CLOUD

بوده ای از دراب خیلی ریز آب به قطر ۵/۵ تا ۵/۵۰ میلیمر که گاه بخ سست و اغلب با گرد و غبار و دود و سایر مواد موجود در جو همراه بوده و دارای بار الکتریسته منفی است. بوده های ابر که در واقع از بخار آب تشکیل می دهند در ارتفاعات کواکوبی از سطح دریا و بخور معلق در فضا قرار گرفته و بر حسب بلندی آنها از سطح زمین سرح بر سه تقسیم می گردند:

الف - ابرهای کوباد: از سطح زمین تا ارتفاع ۲۳۵۰ متر.

ب - ابرهای متوسط: از ۲۴۰۰ متر تا ۶۰۰۰ متر.

پ - ابرهای بلند: از ۶۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ متر.

ابرها از نظر شکل بر دسته های زیر تقسیم می شوند:

الف - رستهای یا ابر سروس

ب - حرمسی یا گلوله ای که به آن کومولوس می گویند.

پ - برده ای یا بوسندای که به آن اسراوس می گویند.

بطور کلی ابرهای سه کانه قوی را با افزودن کلمه آلواریتر ارتفاع و سیموس اریتر باران را می رسد نوع منابع طعمه بندی می نمایند.

انواع دیگر ابرها عبارتند از ابرهای عدسی شکل، ابرهای کنگره ای، ابرهای پستانی و کوه های بسیار دیگر.

مقدار و میزان بوس ابرها را بر حسب نسبت بوس سطح آسمان بیان می دارند و آن را روی مقیسه های ویژه ای سنجش می دهند و مناطقی را که از نظر نسبت بوس با هم برابر باشد بوسیله خطوطی به یکدیگر متصل می سازند و به خطوط برور ابرونف یا خطوط هم ابر می گویند.

بر ابرترین مناطق روی زمین بواخی باختری عرض می شود. فاره ها و همجنس مناطق استوائی است و بر عکس کم ابرترین بواخی زمین مناطق کویری گرم و قسمتهای درونی فاره ها، همجنس مناطق مدیترانه ای در فصلهای گرم است.

(بخور در جفحد ۲۲)

ابر آلتو اسراوس

Altostratus

بواخی ابر برده مانند که بخور کسره های در آسمان در دست می شود. استخوان ابرها گاه بزرگ و زمانی آتحنان ضخیم و اسود هستند که خورشید یا ماه در پس آنها پدید آمده و از حجم پنهان می گردد. ولی معمولاً "خور خورشید یا ماه را آتحنان عبور می کند. نوع انبوه و ضخیم آن گونه ابرها یا بارندگی مداومی همراه است.

ضخامت اختیاری این ابر (۸۰۰) است.

ابر آلتو کومولوس

Alto cumulus

بواخی ابر که از یک بوده کوچک و سبک "بارک شکل یافت. سب. اینگونه ابرها معمولاً "بخور نکه های گلوله ای سبک را کده و با کنار هم در آسمان دیده می شوند. علامت اختیاری این ابر (AC۰) است.

ابر آلودگی

CLOUDINESS

نسبت بوس و ابری بودن آسمان که به ده درجه تقسیم می گردد. در این درجه بندی صفر معرف آسمان صاف، دو ابر و درجه ده حداکثر آسمان کاملاً ابری است.

ابر اسراوس

Stratus

ابر یکواخت رقیق و تاریکی که دارای رنگ خاکسری بوده و

بلورهای زیر بح موجود در لایه‌های بالای حوراپید آورنده آن دانسته‌اند.

ابر صوتی (*α-u-wave*)
SUPERSONIC
- دیوار صوتی

ابر کومولوس
CUMULUS
ابری است که قسمت‌های زیر آن به و گسترده بوده و به صورت سنوی مربع که سر آن کندی یا گروی سفید رنگی است در آسمان دیده می‌شود.

بارهای از این ابرها به نوع کومولونیموس تبدیل می‌گردند. این ابر را با علامت اختصاری (Cu.) نمایش می‌دهند.

ابر کومولونیموس
CUMULONIMBUS
ابری از نوع کومولوس که به ارتفاع ۱۰ تا ۱۱ کیلومتر سطح زمین بالا رفته باشد. قسمت‌های بالایی این کومه ابرها غالباً "صورت سدان برزگی در آمده و با رعد و برق و باران‌های سیل آسا همراه است. رنگ این ابرها از پهلوی خیلی سفید و از زیر تقریباً "سیاه است. این ابرها را با علامت اختصاری (Cb.) نمایش می‌دهند.

ابر ماماتوس
MAMMATUS
گونه‌ای ابر، که شکل پستان بوده و بر اثر اسفال کرما و صعود ابرهای رعدزا، پدید می‌آید.

ابرناک (*α-nāk*)
OVERCAST
آسمانی که کاملاً "از ابر پوشیده شده باشد. این اصطلاح بیشتر در فن هواشناسی بکار می‌رود.

ابر نما (*α-namā*)
NEPHOSCOPE
دستگاهی است که برای اندازه‌گیری سرعت و جهت حرکت ابر بکار می‌رود.

ابر نواختران (*Abar now akhtarān*)
SUPER NOVA
سارکانی هستند از گونه نواختران یا درخشندگی حدود ۱۰۰۰۰۰ برابر نواختران عادی. ستاره، سیکوپراخه از جمله ابر نواخترانی است که در سال ۱۵۷۲ در کهکشان راه شیری ظاهر شد و دیگری ستاره، کیلر است که در سال ۱۶۰۴ پدیدار گردید. ظاهراً "هر هزار سال سه ابر نواختر در کهکشان ما ظاهر می‌شود.

ایر نیمبواستراتوس
NIMBOSTRATUS
ابر ضخیم کم ارتفاعی که موجب برش باران یا برف دنباله‌دار گردد. رنگ این ابر خاکسری سره بوده و ناف سرخسری آن

ارتفاع آن گاه تا ۲۴۰۰ متری سطح زمین می‌رسد. این کومه ابرها معمولاً باران را برسانند. علامت اختصاری این ابر S.c. است.

ایر استرا نو کومولوس
STRATOCUMULUS
ابر یکواخت و سنشی که از روده ابرهای گروی خاکسری سرد شکل یافته باشد. ارتفاع این ابر معمولاً بیشتر از ۲۴۰۰ متر است. علامت اختصاری این ابر (S.c.) است.

ایر سیروس
CIRRUS
نوعی ابر مرتفع باریک و رسته‌مانند که صورت لکه‌های کوچک و برز در آسمان دیده می‌شود. این کومه ابرها که ارتفاعشان ۶۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ متر است (۲۰ تا ۴۰ هزار پا)، حاوی یخ ریزه‌های سوری شکل فوق‌العاده طریقی هستند که اغلب به محض برخورد با آفتاب و حتی گاه بر اثر تابش مهتاب، به بخار آب تبدیل شده و معرف هوای آرام و منطوبی هستند. وای - نمانند بر صحابا آنها افزوده شده و به ابر سیروس تراوس تبدیل شود. نمایانتر افت احتمالی تبار جو خواهند بود. کسیدنی و طولیل شدن رسته‌های این کومه ابر معرف ماددید در طبقات بالایی جو است. علامت اختصاری این ابر (Ci.) است.

ایر سیروستراتوس
CIRROSTRATUS
لایه سیری رست یکواختی از ابرهای بلند که ارتفاع آن گاه تا ۶۰۰۰ متر (۲۰۰۰۰ پا) می‌رسد و حورسند از ورا، آن به شکل هاله‌ای نورانی دیده می‌شود. این کومه ابرها که معمولاً "ساحمیک حرکت جنبه‌های گرمی هستند در آغار دارای صحاب تمی بوده و ممکن است بتدریج بر کلفتی آن افزوده شده و به نوع آلوماسراوس تبدیل گردد. علامت اختصاری این نوع ابر (Cs.) است.

ایر سیرو کومولوس
CIRROCUMULUS
نوعی ابر بلند که معمولاً حاوی بلورهای یخی بوده و ظاهراً "شکل رجزه‌ای یا اسوخی از روده‌های مواج گروی شکل دیده می‌شود. غالباً "رصد آبی آسمان از میان روده ابرهای برزور که گاه ارتفاع آنها به ۶۰۰۰ متر یا ۲۰۰۰۰ پا می‌رسد و جسم می‌جورد علامت اختصاری این ابر (Cc.) است.

ایر شبتاب (*α-shaitāh*)
NOCTILUCENT CLOUD
ابر سفید نقره فام مایل به آبی درخشانی که هنگام عصر یا غروب رورهای تابسان در ارتفاع ۵۰ تا ۸۰ کیلومتری زمین به جسم می‌جورد. بارهای از دانسمدان بر این کمابند که این ابر از سارهای کبهای پدید می‌آید و دنبای دیگر



سیروس



سیروس ترا توس



سیروس کو مولوس



آلتواستراتوس



آلتو کو مولوس



نیمبوس ترا توس



کو مولوس



کو مولو نیموس



ایستراتوس



ابری ها

اتحادیه‌ای که در سال ۱۹۴۵ میان دولت‌های اردن، هاشمی، سوریه، عراق، عربستان سعودی، مصر و یمن در قاهره تشکیل شد و بعدها لیبی در سال ۱۹۵۳، سودان در سال ۱۹۵۶، تونس و مراکش در سال ۱۹۵۸ به آن پیوستند. هدف این اتحادیه حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشورهای عضو و ایجاد روابط تعاونی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان آنهاست. اتحادیه عرب در سال ۱۹۵۸ توسط سازمان ملل متحد به عنوان یک اتحادیه محلی شناخته شد. مرکز اتحادیه عرب از سال ۱۹۵۷ در قاهره است.

اتحادیه گمرکی CUSTOMS UNION
اتحادیه‌ای میان دو یا چند کشور که بر اساس آن از یک تعرفه مشترک گمرکی استفاده می‌شود. مانند اتحادیه گمرکی بازار مشترک اروپا.

اثر ETHER
سیالی است شفاف و تراکم ناپذیر. در قرن ۱۹ میلادی تمام فضا را ملو از اتری می‌دانستند و آنرا وسیله انتقال نور می‌پنداشتند. ولی بعداً معلوم شد که نور پدیده‌ای است موجی که حتی در خلأ نیز فعال است. با نظریه نسبیت اینشتین نظریه اتر متروک گردید.

اتم ATOM
کوچکترین جزئی از یک عنصر شیمیایی که دارای خواص شیمیایی مشخص همان عنصر باشد. اتم در واقع شبیهی است مرکب که از ذرات بنام الکترون با بار الکتریکی منفی، پروتون با بار الکتریکی مثبت و نوترون با بار الکتریکی خنثی ترکیب یافته است. هر اتم از یک قسمت مرکزی بنام هسته که پروتون‌ها در آن متمرکز شده و بالطبع دارای بار الکتریکی مثبت است تشکیل یافته و الکترون‌ها به دور آن در گردشند و در واقع یک پوسته الکترونی به دور آن پدید آورده‌اند. الکترون‌ها تحت تاثیر جاذبه هسته اتم هستند و هر قدر الکترونی از هسته دورتر باشد پیوندش با آن سست‌تر است و با صرف انرژی کمتری می‌توان آن را از هسته جدا نمود.

اتمسفر ATMOSPHERE
— جو

اتوبان AUTOBAHN
— شاهراه و آزادراه

اثر گرماخانه GREEN HOUSE EFFECT
تاثیر خور تابگیری جو زمین که موجب عبور موج کوتاه انرژی خورشیدی به سطح زمین گشته و آن را گرم می‌کند. باید توجه داشت که قسمت اعظم این انرژی توسط موج بلند تشعشعی زمین به‌ویژه هنگامی که آسمان ابری باشد جذب می‌گردد. جو

تقریباً یکسان و یکنواخت است. علاقه اختصاری این ابر (N.S) است.

ابر نیمبوس NIMBUS
واژه کلی برای ابرهای باران‌زا، که همراه با انواع ابرها، به صورت پسوند بکار می‌رود. مانند ابر کومولونیمبوس.

ابریشم SILK
رشته‌ی نازک شاخی شفاف و مایل به زردی که کرم ابریشم به صورت پیله به دور خود می‌تند.

کرم ابریشم معمولی نوزاد حشره‌ای است به نام علمی (بومبوس موری) که از برگ توت تغذیه می‌کند. یک پیله از ۶۰۰ تا ۱۰۰۰ متر رشته‌ی ابریشم تشکیل یافته است.

ابری‌ها (Abris) NEBULAE
توده‌های ابری شکلی که در بخش‌های مختلف آسمان دیده می‌شود. تا زمانی که تجزیه طیفی و عکسبرداری از آسمان انجام نشده بود، دانشمندان بر این گمان بودند که ابری‌ها توده‌هایی از ستارگان هستند. پس از بررسی طیف ابری‌ها (سال ۱۸۶۴) اینطور نتیجه‌گیری شد که ابری‌ها از گازهای درخشان پدید آمده‌اند. ابری‌ها بر سه گونه‌اند: ابری‌های سیارهای، ابری‌های گسترده روشن و ابری‌های گسترده تاریک. ابری‌های سیارهای از یک پوسته گازی و یک ستاره مرکزی درخشان تشکیل یافته، ابری‌های گسترده روشن از تنوع بسیاری برخوردارند و همانند پرده گسترده نامنظمی به نظر می‌آیند. و ابری‌های گسترده تاریک از توده ماده‌های کدری که نور ستارگان را متوقف می‌سازند پدید آمده‌اند. مطالعاتی که طی سال‌های اخیر روی ابری‌ها بعمل آمده است، نشان می‌دهد که ابری‌ها با سرعت بسیار از زمین دور می‌شوند. این وضعیت موید نظریه جهان انبساطی است.

— جهان انبساطی (تصویر در صفحه ۲۳)

ابلیز (Ebliz) LOAM SOIL
خاکی که از مخلوط شدن رس، گل و لای و خاکهای گاهی (گیاحاک) بوجود آمده باشد.

اتحادیه UNION
اجتماعی که برای دفاع از منافع اقتصادی مشترک تشکیل میشود. به عبارت دیگر، اتحادیه یک نوعی از روابط اجتماعی است که از لحاظ خارجی بسته و یا به نحوی محدود تنظیم شده است. ترتیب نظم داخلی اتحادیه توسط افراد معینی که رفتارشان بستگی به آن دارد به عمل در می‌آید.

اتحادیه عرب ARAB LEAGUE

رسم در واقع بخش شیشه گرمخانه زمین را بر عهده دارد .

اسیر (Asir) ETHER
— هائیر

احیاء جنگل REFORESTATION
درختکاری مجدد در مسطحه‌ای که قبلاً "جنگل بوده و درختهای آن بدلائی مانند آتش سوزی و با پاکسازی و اصلاح از میان رفته باشد .

احیاء زمین RECLAMATION OF LAND
عملی که به اصلاح و آبادی یک زمین بایر ، و یا قابل کشت نمودن آن منجر گردد . این کار به یکی از طرق زیر صورت می گیرد :
الف — زهکشی زمینهایی که بطور مصلی تحت طغیان سیلاب قرار می گیرند .
ب — زهکشی با لافها و مردابها .
ب — دیواره سازی و زهکشی اراضی ساحلی .
ب — اصلاح حارزارها با زدودن بنه‌های خار و غیره .
ب — پاکسازی اراضی جنگلی .
ج — احداث سیکه‌های آبیاری .

احیاء موات احیاء زمین‌های بی صاحب و رها شده‌ای که کشت و زرع در آنها باسد . طبق شرع اسلام اگر کسی زمین مواتی را آباد کند ، در تحت خرابطی مالک آن خواهد بود .

اجنر STAR
ستاره — ستارگان

اختلاف منظر PARALLAX
— دیدکشت

احکرای آسمانی VOLCANIC CINDER
سنگ ریزه‌هایی که به صورت مواد گدازخته از دهانه آتشفشان خارج شده و پس از سرد و سخت شدن مخروط هائی از خود به جای می گذارند . اندازه احکرای آتشفشانی معمولاً " یک حدود معنی حدود ۳ تا ۵ میلی متر است .

ارتفاع ALTITUDE
الف — فاصله قائم هر نقطه با هر سطح نسبت به سطح متوسط آبهای آزاد که معمولاً " بر حسب واحدهای متریک اندازه گیری می شود .
ب — فاصله زاویه‌ای هر نقطه نسبت به سطح افقی و یا به عبارت

دیگر قوسی از دایره قائم میان جرم آسمانی و سطح افق که معمولاً " بر حسب واحدهای قوسی مانند درجه و با کران انداز گیری می شود

ارتفاع سنج ALTIMETER
دستگاهی که برای تعیین ارتفاع نقاط نسبت به سطح دریا و یا تعیین ارتفاع هوا سنج از سطح زمین سنج می رود .

اردو ORDU
از زبان‌های هندی متعلق به دستوی هند و ایرانی . از ریشه هند و اروپائی . که اکنون زبان رسمی پاکستان است .
این زبان که قبلاً تحت نامیر زبان و ادبیات فارسی است مخلوطی است از زبان‌های فارسی ، هندی ، عربی و انگلیسی .

اردوال (Ardavāi) SCHIST
سنگی که بر اثر حرارت و فشار به آسانی ورقه ورقه شود .
اردوال سنگی است رسی دگرگون که دارای لایه‌های سبنا درست و ورقه‌ای می‌باشد .
واره اردوال لفظ محلی حوالی کلبیان و اراک برای این گونه سنگها است .

اردیبهشت
از واژه پهلوی Urt vahisht به معنی بهترین راستی و نام یکی از امشاسپندان و نماینده پاک و تقدس و قانون ایزدی نام دومین ماه سال خورشیدی در تقویم رسمی ایران و روز سوم از هر ماه ایرانی .
واژه اردیبهشت جزو نام ماهها و روزهای سال در تقویم اوستائی معمول بعد از اسلام عیناً " بهمین شکل ضبط شده و بعدها در تقویم خلّالی و بالاحرحه در سال ۱۳۰۴ هجری خورشیدی در تقویم ایران رسمیت یافته است .

ارز FOREIGN CURRENCY
ارر قسب پول رایج خارجی به واحد پول داخلی است .
پول رایج داخلی یک کشور در بازار پس الطلی سهای معینی دارد و با حساب معینی خرید و فروش می شود .
ارر دو نوع است : ارر آزاد و ارر مسروط .

ارر آزاد . در اثر عرضه و عفاضا در بورسهای پولی بوجود می آید . حال آنکه ارر مسروط واسسه به اقدام دولت مسروط است و بدین ترتیب هر دولت خود را موظف می دارد که پولهای خارجی را به قسمی معین خریداری نماید و یا پول کشور خود را به قسب معین عده‌ای به فروش برساند .

ارزن MILLET
یکی از دانه‌های حوراک که سبزر در مناطق گرمسیر و نیمه گرمسیر حای که آب کافی وجود نداشته باشد و یا حین خاک



اروپا

نقشه سیاسی

□ مرکز ایالت

● شهر مهم

○ سایر شهرها

— مرز بین المللی

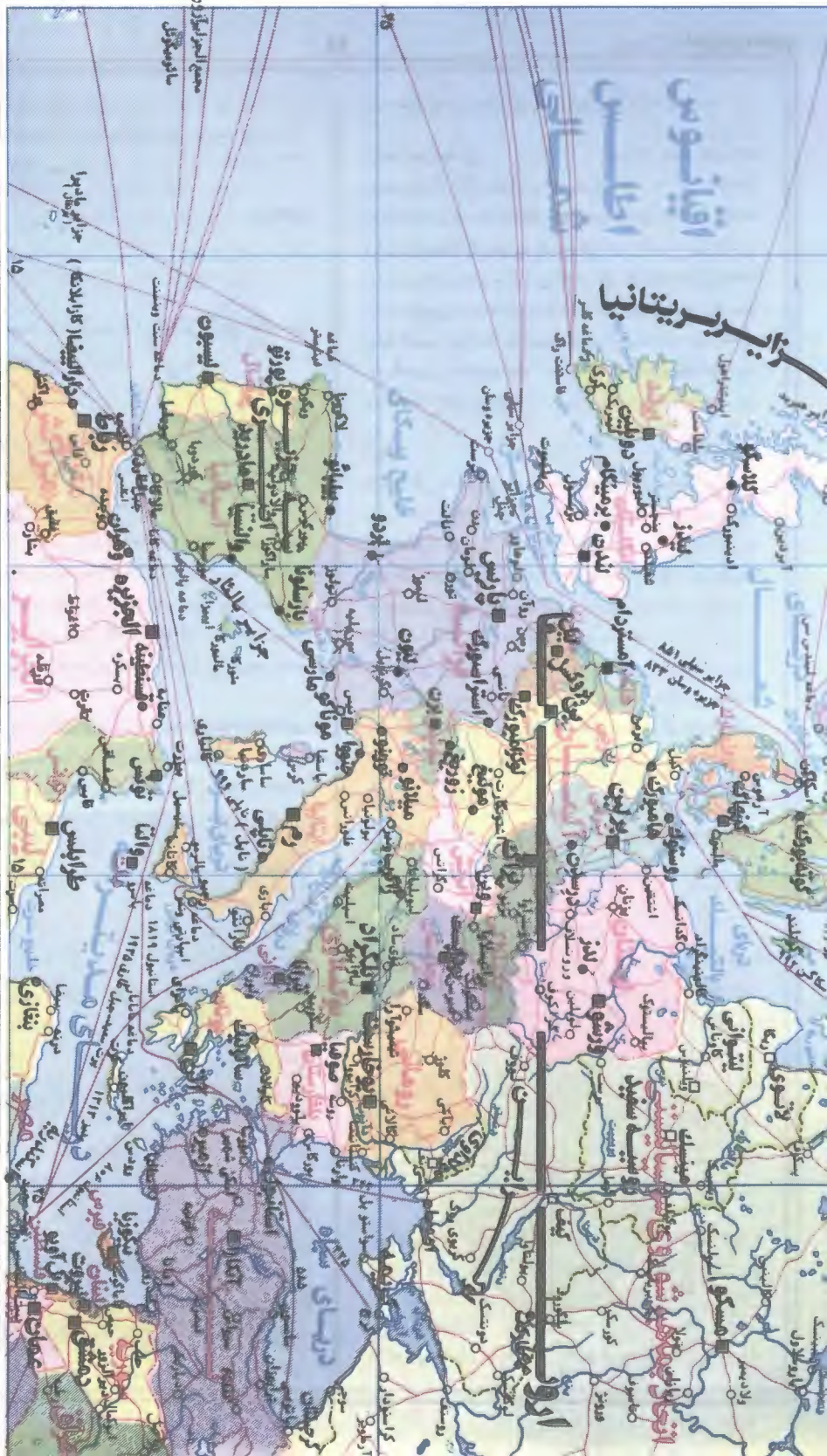
— مرز ایالت

— راه اصلی

— خطوط کشتیرانی

■ پایتخت

مقیاس ۱:۴۵۰۰۰۰۰



اقیانوس
اطلس

بریتانیا

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

غیر فعال بوده و عمل آن رقیق کردن گاز اکسیژن است .

مربوب نباشد کشت می گردد .

ارزن در انواع مختلف و با نامهای گوناگون وجود دارد و از تیره گندمیان بشمار می رود .

ازمنه زمین شناسی GEOLOGICAL TIMES

مدت زمان از آغاز پیدایش نخستین سنگها به این طرف را به قسمتهائی موسوم به دورانهائی زمین شناسی تقسیم کرده اند و این قسمتها را نیز به قسمتهای جز' منقسم نموده اند و برای این قسمتها و سنگهائی که در طی هر یک تشکیل یافته است عناوین معین قائل شده اند مانند دوره ، دور و عصر ، چهار قسمت بزرگ ازمنه زمین شناسی عبارتند از دوران های : پره کامبرین ، پالئوزوئیک ، مسوزوئیک و سنوزوئیک . (جدول در صفحه ۳۲ و ۳۳) .

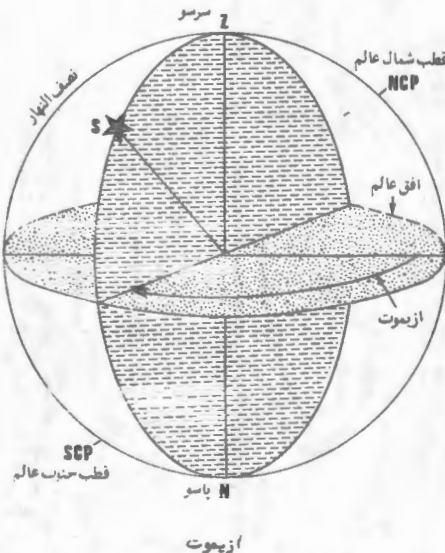
ازیموت AZIMUTH

زاویه افقی که هر امتداد نسبت به جهت شمال بوجود می آورد و از صفر تا ۳۶۰ درجه در جهت گردش عقربه های ساعت اندازه گیری می شود .

چنانچه زاویه مزبور نسبت به شمال جغرافیائی اندازه گیری شده به آن ازیموت جغرافیائی و یا ازیموت حقیقی می گویند و اگر نسبت به شمال مغناطیس سنجیده شود به آن ازیموت مغناطیسی می گویند و هر گاه نسبت به شمال شبکه قائم الزاویه اندازه گیری شود آن را ازیموت شبکه و یا زیرمان می نامند . بطور کلی ازیموت ، بویژه ازیموت های جغرافیائی و مغناطیسی در راهپیمائی ها و ناوبری های هوائی و دریائی نقش بسیار موثری دارند .

اسپکتروسکوپ SPECTROSCOPE

طیف نما



ارض EARTH

زمین

ارگ (Arg)

قلعه مستحکم عهد ساسانیان و یا دژ کوچکی که در میان دژ بزرگتر ساخته شده باشد .

اروپا EUROPE

یکی از قاره های زمین واقع در نیمکره خاوری که حدود ۱۰۴۰۰۰۰۱۳ کیلومتر مربع مساحت دارد ، قاره اروپا نزدیک ۷ درصد خشکی های زمین را شامل است .

حداکثر طول آن از خاور به باختر حدود ۵۳۰۰ کیلومتر و عرض آن از شمال به جنوب تقریباً ۳۸۶۰ کیلومتر است .

اروپا در واقع شبه جزیره ای است در غرب قاره آسیا که کوههای آرال ، دریای خزر ، کوههای قفقاز ، تنگه های بسفر و داردانل ، دریای مرمره و دریای اژه آن را از سرزمین مادر جدا می سازد .

حد جنوبی قاره اروپا دریای مدیترانه است که تنگه جبل الطارق آن را از قاره آفریقا جدا می کند و حد شمالی آن به قطب شمال و حد باختری آن به اقیانوس اطلس شمالی محدود می گردد . (تصویر در صفحه ۲۶-۲۷)

اروپاسیا EURASIA

اوراسیا



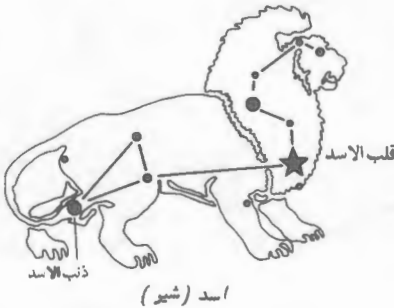
اروپاسیا

ازت NITROGEN

ازت یکی از مهمترین گازهای موجود در جو زمین که تقریباً ۷۸ درصد حجم هوای خشک را پر کرده است . از نظر شیمیائی این گاز

منطقه استوایی یا نیمگانی باشد .

اسد (Asad) LEO
یا شیر، پنجمین صورت فلکی در منطقه البروج منطبق با
امرداد ماه در تقویم رسمی ایران .



اسطرلاب ASTROLABE
نوعی دستگاه نجومی قدیم که برای اندازه‌گیری‌های نجومی
از قبیل زوایای ارتفاعی ستارگان و حل پاره‌ای مسائل علمی
مانند تعیین موقعیت جغرافیایی کشتی‌ها و امتال آن بکار
می‌رفته .

اسطرلاب را معمولاً در انواع مختلف مانند مسطح، خطی و
کروی می‌ساخته‌اند. با اختراع دوربین‌های نجومی مدرن
استعمال اسطرلاب بتدریج منسوخ گردیده است .



اسطرلاب

استالاکتیت و استالاکمیت STALACTITE & STALAGMITE
- دنگال و دنگاله

استان PROVINCE
قسمتی از تقسیمات کشوری، که معمولاً از چند شهرستان
تشکیل یافته و خود قسمتی از کشور است . حاکم استان را
استاندار می‌گویند .

در زمان ساسانیان، کشور ایران را به اجزائی تقسیم کرده
بودند که هر یک را استان و حاکم آنرا استاندار می‌گفتند.
واژه استان در قانون تقسیمات کشوری مصوبه ۱۳۱۶ هجری
شمسی مأخوذ از همین کلمه بوده و جایگزین کلمه اِپالت شده
است .

استپ STEPPE
واژه روسی برای علفزاری که در یک منطقه معتدله قرار گرفته
و از گیاهان کوتاه قد و درختچه‌های خاردار، که با فاصله از
یکدیگر روئیده‌اند، پوشیده شده است . مانند علفزار پهناوری
که از اوکراین تا منچوری گسترده شده است . (تصویر در صفحه ۳۰)

استخر POND
گودال نسبتاً کوچکی که معمولاً بطور مصنوعی حفر شده و
برای جمع‌آوری و ذخیره آب بکار می‌رود . به این عارضه
حوض یا برکه نیز می‌گویند .

استراپوپوز STRATOPAUSE
- پوشمرز .

استراتوسفر STRATOSPHERE
- پوش اسپهر

استرنئوسکوپ STEREOSCOPE
- برجستما

استرایک STRIKE
زاویه امتداد هر چینه نسبت به سمت شمال که در جهت گردش
عقربه‌های ساعت اندازه‌گیری شود به این زاویه انحراف چینه
سیر می‌گویند .

استواء زمین EQUATOR
- نیمگان زمین

استواء عالم CELESTIAL EQUATOR
- نیمگان عالم

استوائی EQUATORIAL
یا نیمگانی، هر چیز و یا هر کس و یا هر پدیده که مربوط به



استپ

و بعدها به صورت اسفندارمذ در تقویم جلالی راه یافته و از سال ۱۳۰۴ خورشیدی به صورت اسفند و به نام دوازدهمین ماه در تقویم ایران رسمیت یافته است.

اسقف نشین
DIOCESE
 قلمرو یک اسقف یا ناحیه‌ای که یک اسقف در آن ریاست روحانی دارد.
 معمولاً "هر اسقف نشین مرکب از عده‌ای کشیش نشین است که در راس هر یک، یک کشیش قرار دارد."

اسکرایپینگ
SCRIBING
 شیوه نقشه‌کشی خاصی است در کارتوگرافی، در این شیوه پوسته نارنجی رنگی را که به صورت لعاب روی ورقه‌های پلاستیکی شفاف کشیده شده با قلم‌های مخصوص خراش داده و تصویر عوارض مورد نظر را روی آن منعکس می‌نمایند و سپس آن را با مرکب مخصوصی آغشته ساخته و بعد با الکل شستشو می‌دهند در این مرحله کلیه خطوط و تصاویری که مرکب را به

SPONGE

اسفنج
 جانوری از سلسله کیسه‌تنان که در اعماق دریا به صورت دسته‌های چسبیده به سنگ‌ها و یا سطوح دیگر زندگی می‌کنند. در بدن این جانور که شباهت زیادی به گیاه دارد سوراخ‌ها و شکاف‌های بسیاری وجود دارد که آب در آنها داخل شده و پس از جذب مواد غذایی خارج می‌گردد. اسفنج‌ها را غواصان از ته دریا صید می‌کنند و برای مصارفی از قبیل شستشو بفروش می‌رسانند. اسکلت گروهی از اسفنج‌ها دارای کرینات کلسیم متبلور به صورت سوزن‌های شیشه‌داری است و دسته‌ای دیگر دارای اسکلتی نرم و ابریشم‌گون بدون بلورهای سخت هستند. از اسکلت دسته اخیر ابر حمام بدست می‌آید.

اسفند

مقتبس از واژه پهلوی اسهندارمذ به مفهوم بردباری و فروتنی مقدس. نام دوازدهمین ماه در تقویم رسمی ایران و پنجمین روز هر ماه خورشیدی.
 این واژه به صورت اسهندارمذ در تقویم اوستایی موجود بوده

پس از برخورد با ذرات هوا هسته اتمی آبم تلاشی شده و اشعه کیهانی ثانوی را تشکیل می دهند .

اشعه مادون قرمز INFRARED RAYS
— پرتوهای فرو سرخ

اشعه ماورا بنفش ULTRAVIOLET RAYS
— پرتوهای فرابنفش

اطلس ATLAS
مجموعه ای از نقشه های جغرافیائی ، که به صورت کتاب مجلد شده باشد .

اطلس در انواع مختلف تهیه می گردد که از آن جمله اطلسهای عمومی ، جغرافیائی ، تاریخی ، هواشناسی و نجوم ، شهری ، راهها و غیره را می توان نام برد .

اعتدال بهاری SPRING EQUINOX
— برابران بهاری

اعتدال پاییزی AUTUMNAL EQUINOX
— برابران پاییزی

اعتدال خریفی AUTUMNAL EQUINOX
— برابران پاییزی

اعتدال ربیعی SPRING EQUINOX
— برابران بهاری

اعتدالین EQUINOXES
— برابران

افغانه AFGHANS
— افغان

افت دما (Oft-e-damā) LAPSE RATE
میزان افت دمای جو زمین در برابر افزایش ارتفاع را گویند که مقدار آن برابر است با ۰/۶ درجه سانتیگراد به ازای هر صد متر ارتفاع (با یک درجه فارسی به ازای هر ۳۰۰ پا ارتفاع) . افت دمای جو در مقابل افزایش ارتفاع آفقدار دما می یابد تا به میزان ۹۰- درجه سانتیگراد برای مناطق استوایی ، ۴۸- درجه سانتیگراد برای مناطق عرض میانه و بالاخره ۴۵- درجه برای مناطق قطبی برسد .

افراز (Efrāz)

۱- حد کردن چیزی از چیز دیگر

۲- محدود کردن ملک و مشخص کردن مرز میان قطعات معرور

خود جذب نموده اند باقیمانده ولعاب قسمتهای دست نخورده با الکل شسته شده و شفاف می گردد . در رسم اسکرابینگ معمولاً از قلم هائی که دارای نوکهای یاقوتی و یا فلزی هستند استفاده می شود .

اسکنه سنگی (Eskaneh-ye-sangi) EOLITH
سنگ چخماقی که در ناحیه خاوری Anglia پیدا شده و پارهای از دیرین شناسان بر این گمانند که بدست انسانهای نخستین تراشیده شده و شکل گرفته است ، در حالیکه دسته ای دیگر اعتقاد دارند که سنگ مزبور بدست طبیعت تراش یافته و بر حسب تصادف شکل گرفته است و انسانهای نخستین بدون دستکاری آن را بکار گرفته اند .

اسلاو SLAVS
یکی از شاخه های نژاد هند و اروپائی که به اسلاوهای عربی (لهستانی ، چکها ، اسلواکها) اسلاوهای شرقی (روسها ، اوکرائینها و روسهای سفید) و اسلاوهای جنوبی (صربها ، کرواتیها ، مقدونیهایها و بلغاریها) تقسیم می شوند . مسلاو اسلاوها ظاهراً ناحیه کاریات بوده است .

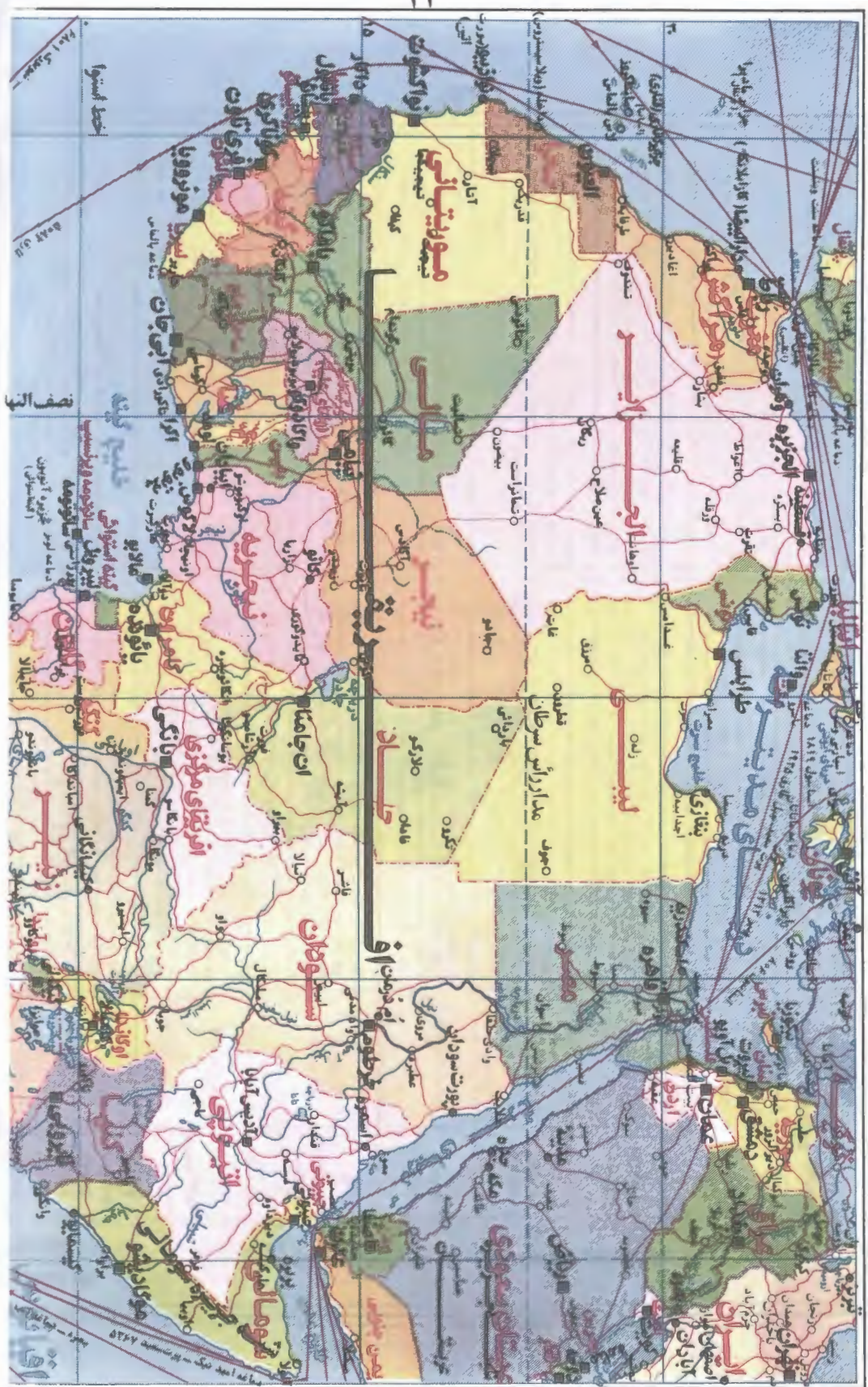
اشباع SATURATION
حالت خاصی از جو ، که از بخار آب انباشته شده و دیگر قادر به نگهداری آب در خود نباشد .

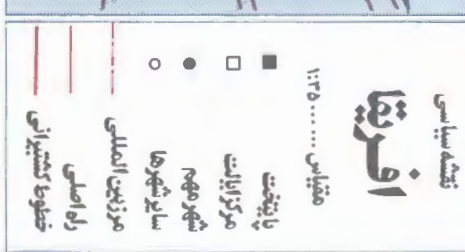
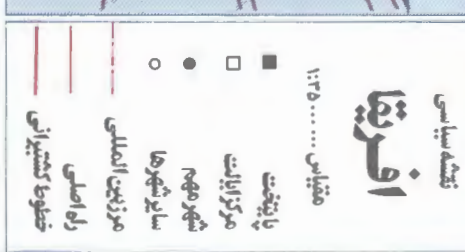
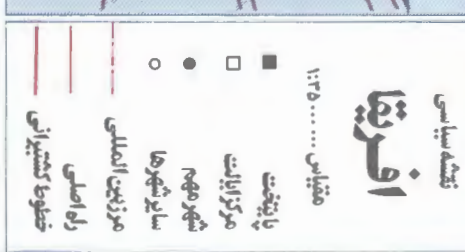
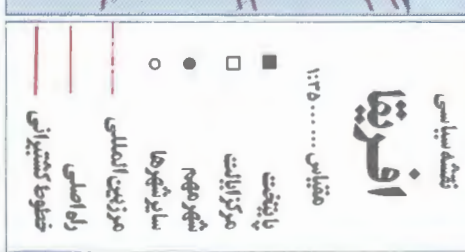
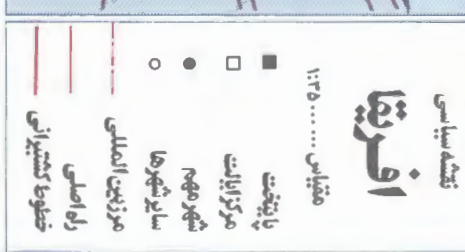
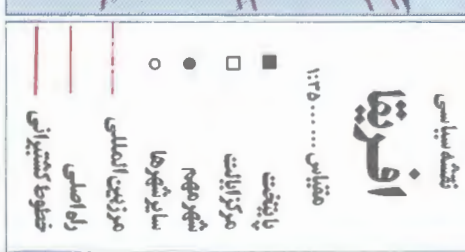
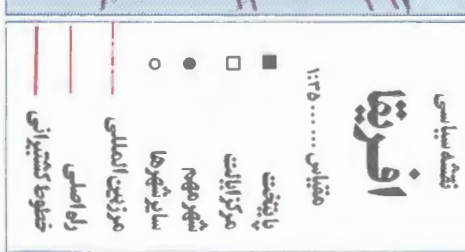
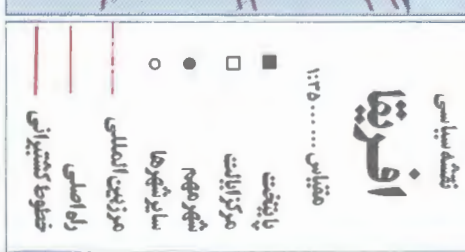
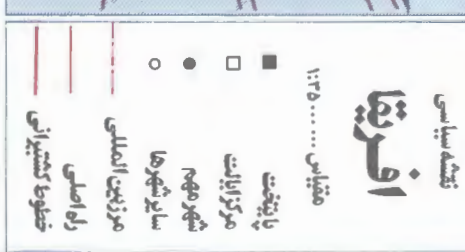
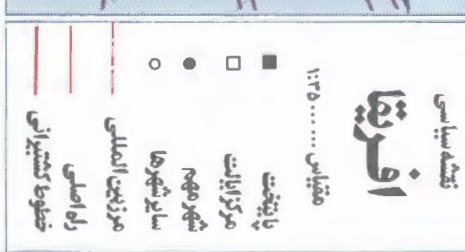
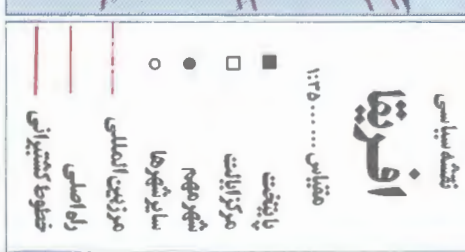
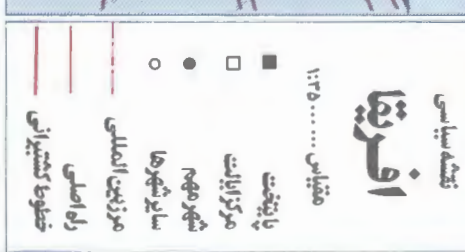
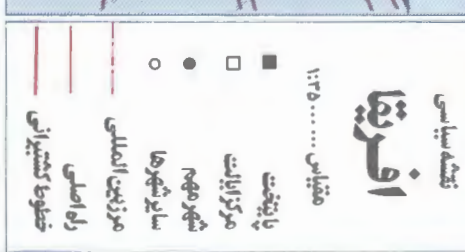
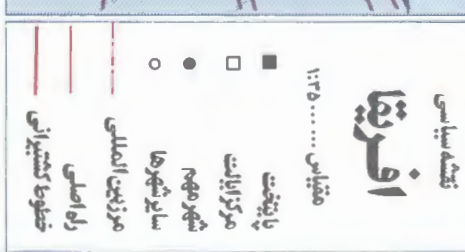
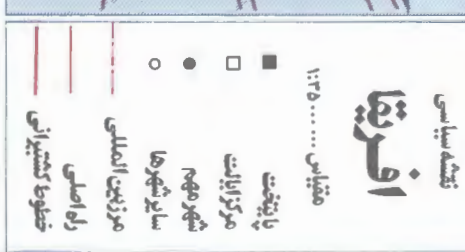
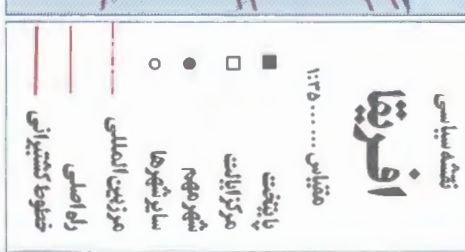
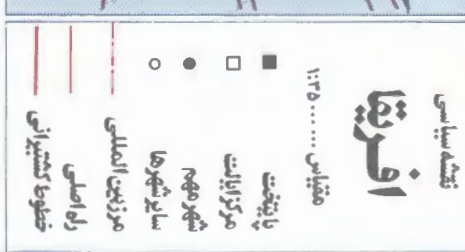
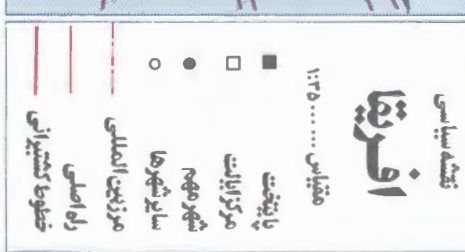
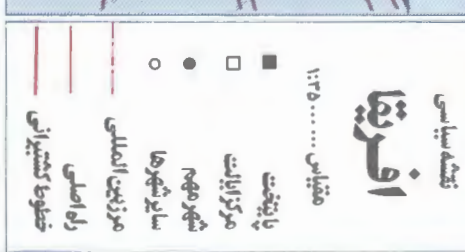
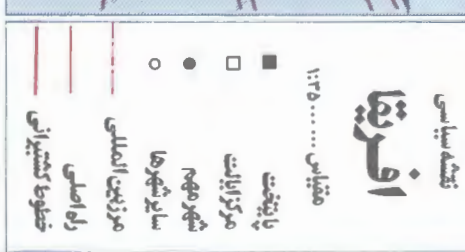
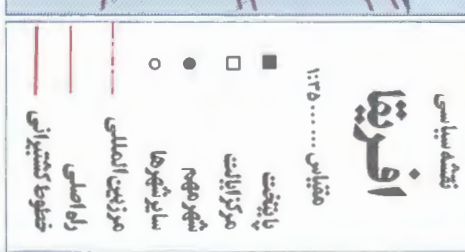
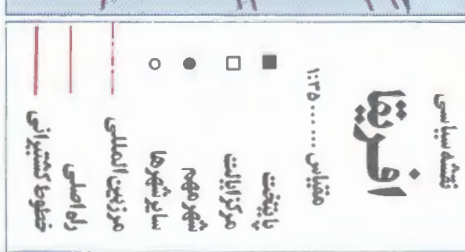
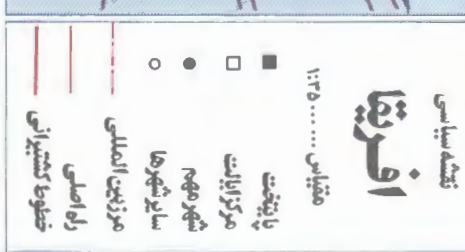
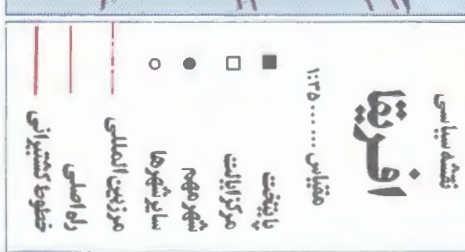
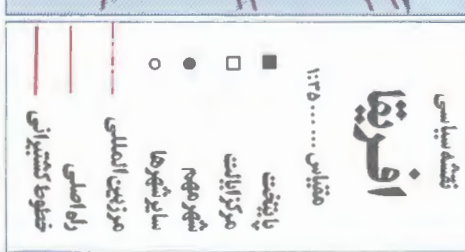
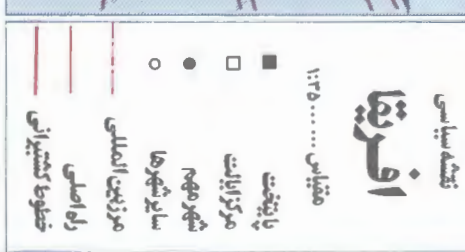
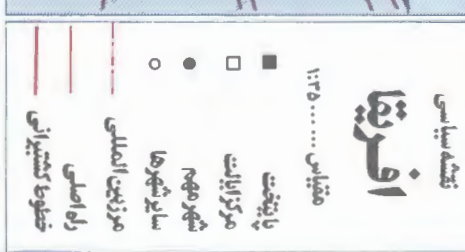
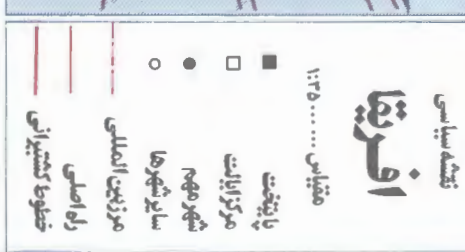
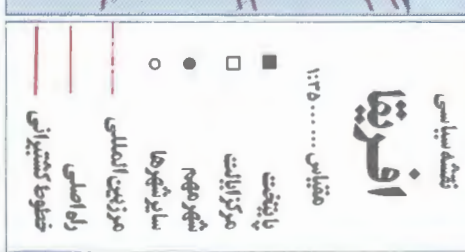
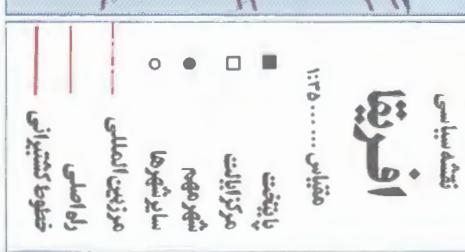
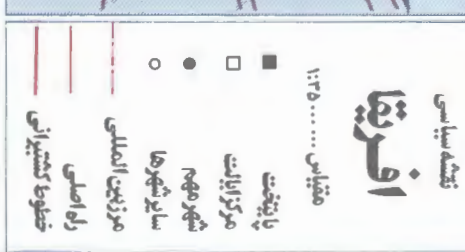
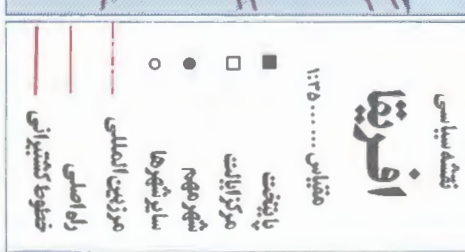
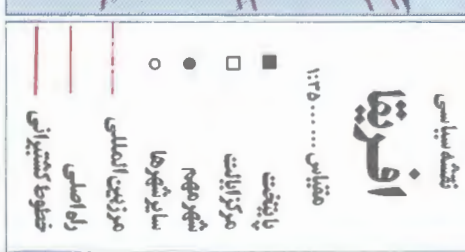
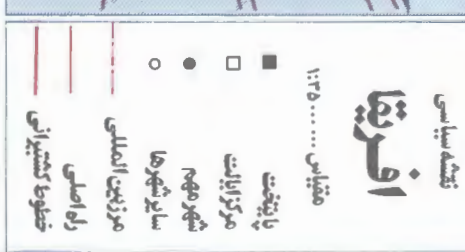
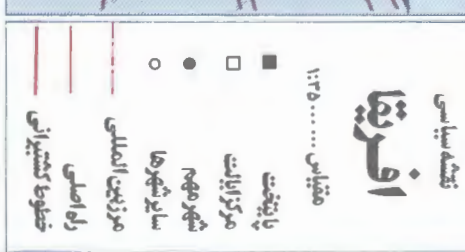
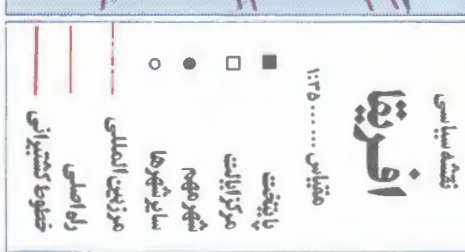
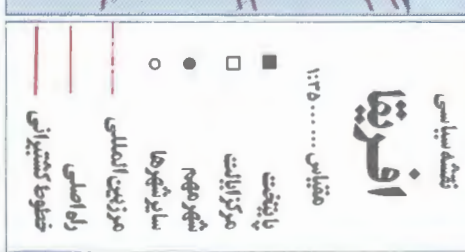
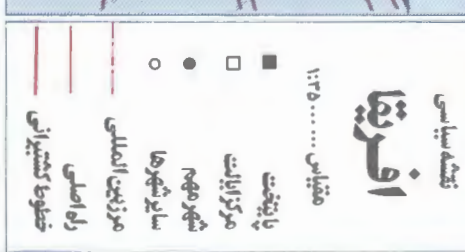
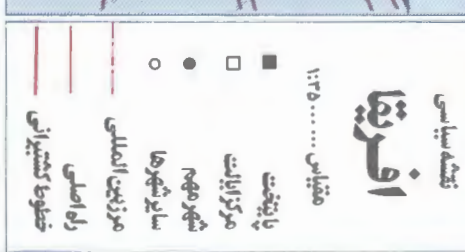
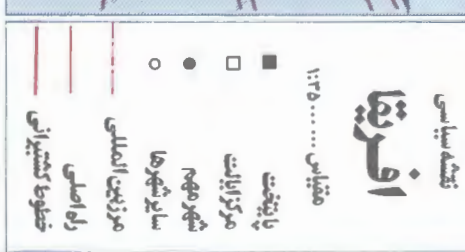
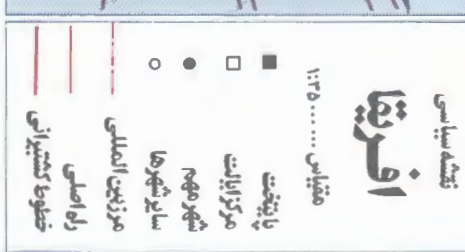
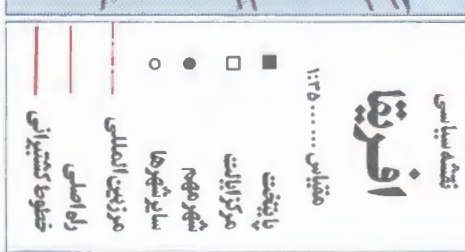
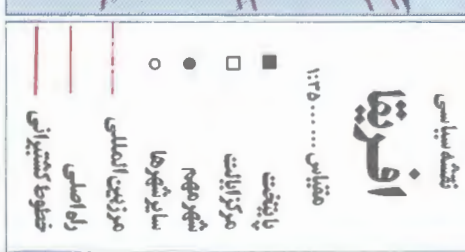
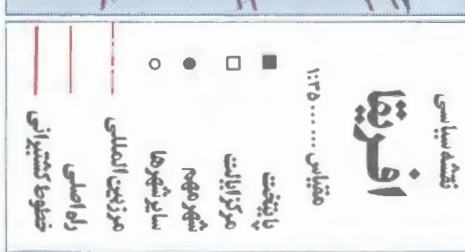
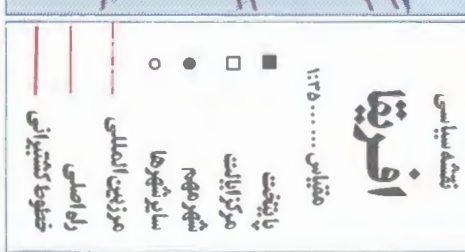
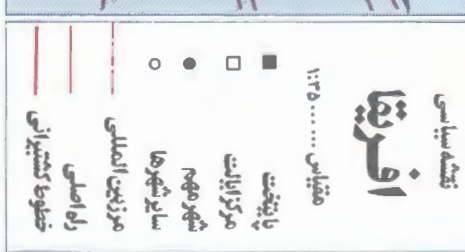
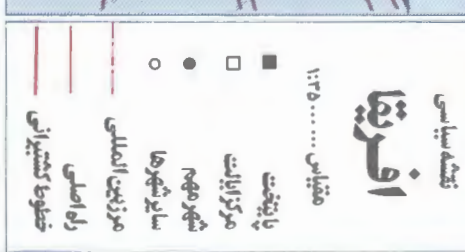
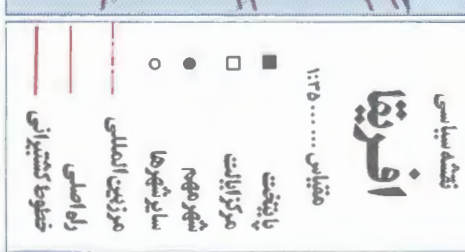
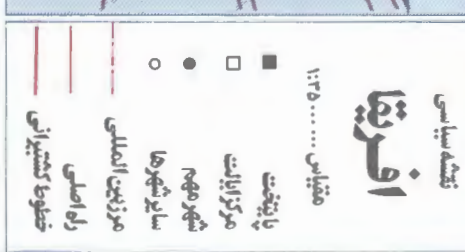
اشترک (Oshtorak) BORE
موجی از آب که در کشتند بالا (مد) به صورت دیواری از آب در دهانه رودخانه های باریکی که به دریا می ریزند دیده می شود . این موج که بلندی آنها گاه به چند متر می رسد هم چنان در داخل رودخانه پیش می رود تا حائیکه به جریان طبیعی رودخانه برخورد نماید ، در این حال توده های انباشته شده آب که به صورت کوهی درآمده است ، به موج شکسته تغییر شکل می دهد .

استفاق حسی ها CONTINENTAL DRIFT
— بطریقه راه فاره ای

اشعه کیهانی COSMIC RAYS
تشعشعاتی که دارای انرژی و قابلیت نفوذ زیاد بوده و منشأ آن تا کنون بدرستی شناخته نشده است . این تشعشعات ظاهراً از جميع جهات فضای فلکی به زمین می رسند و شدت آنها با افزایش ارتفاع رو به ازدیاد می رود . این اشعه مرکب از ذرات سریع السیری است که از خارج جو زمین می آید و بیشتر آنها

[illegible]





افراط دما

EXTREMES OF TEMPERATURE

بالاترین و پایین‌ترین درجه دمای سایه مجاور آفتاب که در طول یک روز یک ماه، یک سال و یک دوره معین و در یک ایستگاه هواشناسی ثبت گردد. از ثبت این درجه حرارت‌ها می‌توان میانگین حداکثر و میانگین حداقل دما را در یک مدت معین بدست آورد.

حداکثر درجه حرارت کره زمین که در عزیزیه تریپولی واقع در لیبی ثبت شده است برابر $57/8^{\circ}$ درجه سانتیگراد و حداقل درجه حرارت ثبت شده در وستوک واقع در قطب جنوب (سال ۱۹۶۰ میلادی) $-88/3^{\circ}$ درجه سانتیگراد است.

افریقا

AFRICA

یکی از قاره‌های زمین واقع در نیمکره خاوری و در جنوب اروپا و جنوب غربی آسیا که از جهت وسعت دومین قاره زمین به شمار می‌رود و مساحتش به $30,260,232$ کیلومتر مربع بالغ می‌گردد.

گرداگرد قاره آفریقا را آب فرا گرفته و از سوی شمال خاوری بوسیله آبراهه سوئز از خاک آسیا جدا می‌گردد. این قاره از شمال به دریای مدیترانه. از غرب به اقیانوس اطلس جنوبی از خاور به اقیانوس هند محدود می‌شود.

دریای سرخ و خلیج عدن بین قاره آفریقا و قاره آسیا واقع است و دریای مدیترانه از سوی شمال این قاره را از قاره اروپا جدا می‌کند. (تصویر در صفحه ۳۴-۳۵)

افریقیه (Efriqiyyeh)

نامی است که جغرافیدانان عرب به بخش خاوری ممالک بربر می‌دادند. این نام از اسم ایالت آفریقای روم گرفته شده و در بعضی مآخذ و کتب جغرافیا به ایالت آفریقای روم و بویژه طرابلس غرب، نومیسیا و موریتانیا و تونس مشتمل بوده است.

افغان

AFGHAN

عده‌ای از طوایف مختلف بومی که در حدود خاور خراسان امروزی در نواحی مجاور کوه‌های هندوکش و کوه بابا و کوه‌های سلیمان از قدیم سکونت داشته و مدت‌ها بطور بدوی زندگی می‌کرده‌اند. این طوایف که خود را پشتون یا پختون یا پتان می‌خوانند رویه پرفته نمی‌از سکنه کشور افغانستان را تشکیل می‌دهند. به این طوایف افغانه نیز می‌گویند.

افق

HORIZON

صفحه‌ای فرضی که مماس بر پوسته زمین در ایستگاه شخص

ناظر رسم شود افق نام دارد. این صفحه که تقریباً "به موازات سطح آب‌های زمین است به شکل دایره‌ای پیرامون ایستگاه را فرا گرفته و حد فاصل آن و آسمان را خط افق می‌نامند. بطور کلی فاصله خط افق تا ایستگاه بستگی به ارتفاع ایستگاه دارد. در زبان فارسی به افق کران نیز می‌گویند.

افق حقیقی

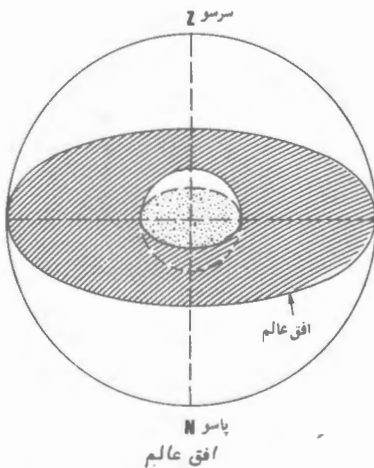
TRUE HORIZON

دایره عظیمه‌ای که به موازات افق ایستگاه (افق ایستگاه عبارتست از سطحی فرضی که مماس بر پوسته زمین در نقطه ایستگاه رسم شود) واقع شده باشد. طبق تعریف دایره عظیمه افق حقیقی از مرکز زمین عبور خواهد کرد.

افق عالم

CELESTIAL HORIZON

دایره عظیمه‌ای که قطبین آن نقاط سرسو (سمت الراس) و پاسو (سمت القدم) باشد افق عالم نام دارد. به عبارت دیگر اگر دایره عظیمه‌ای بر خط فرضی سمت الراس به سمت القدم عمود نمایند. آنرا افق عالم می‌نامند.



افق نجومی

ASTRONOMICAL HORIZON

← افق حقیقی

افلاک نما

PLANETARIUM

← آسمان نما

افلیون

APHELION

نقطه‌ای از مدار گردش زمین به دور خورشید که دورترین فاصله از کره خورشید را داراست هنگامیکه زمین در این نقطه قرار می‌گیرد فاصله آن تا کره خورشید ۵ میلیون کیلومتر بیشتر از زمانی است که در نقطه پری هلیون واقع شده باشد.

سال ۱۵۰۰ میلیمتر یا بیشتر است.

در اقلیم استوایی مرطوب به علت بارش زیاد رودخانه‌های بزرگی (چون کنگو و نیل در آفریقا و آمازون در آمریکای جنوبی) جریان دارند. این اقلیم از جنگلهای انبوه وسیعی پوشیده شده است که "جنگلهای بر باران استوایی" نامیده می‌شوند. — رده بندی کوپ

EXTREME CLIMATE

اقلیم افراطی

آب و هوایی که میان گرمترین و سردترین ماههای آن اختلاف زیاد وجود داشته باشد. این گونه آب و هوا معمولاً "در سرزمین‌هایی که درون قاره‌ها واقع شده و از نفوذ آب و هوای دریایی بدور باشند دیده می‌شود. مانند صحرای Yerkhoyansk واقع در آسیای مرکزی که متوسط درجه حرارت در دی ماه ۵۱- درجه سانتیگراد و در تیر ماه برابر ۱۵/۵ درجه سانتیگراد است.

TROPICAL DESERT CLIMATE اقلیم بیابانی حاره‌ای

این اقلیم بیشتر در کمربندهای پرفشار عرضهای متوسط قرار دارد ولی بعضی از مناطق آن نیز داخل قاره‌ها و سواحلی را که در معرض بادهای منظم اند، شامل است. دمای میانگین سالیانه ۲۱ درجه سانتیگراد یا بیشتر است و تغییرات دمای روزانه بسیار زیاد است. در شب به علت تشعشع سریع گرما هوا سرد می‌شود ولی در روز دما ممکن است تا حدود ۴۹ درجه سانتیگراد یا بیشتر برسد. مقدار بارندگی بسیار کم و متوسط سالیانه آن کمتر از ۲۵۰ میلیمتر است که معمولاً حداکثر آن در زمستان روی می‌دهد. — رده بندی کوپ

اقلیم بیابانی حد واسط

INTERMEDIATE DESERT CLIMATE

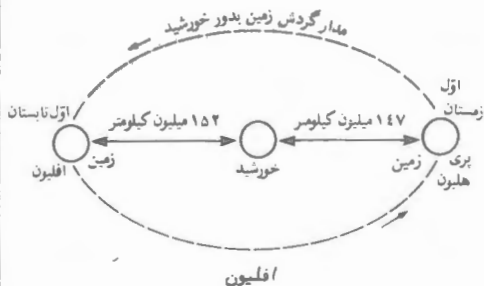
وقتی بارندگی سالیانه یک اقلیم سیمه خشک کمتر از ۱۵۰ تا ۳۰۰ میلیمتر باشد آن را اقلیم بیابانی حد واسط می‌نامند. قسمت اعظم کشور ایران از نوع اقلیم سیمه خشک قاره‌ای یا بیابانی است. در بخشهای وسیعی از نواحی مرکزی و شرق ایران بارندگی کمتر از ۲۵۰ میلیمتر و در کویرهای مرکزی اغلب کمتر از ۱۰۰ میلیمتر در سال است. — رده بندی کوپ

COTTON BELT CLIMATE

اقلیم پنبه خیز

آب و هوای مخصوص نواحی پنبه خیز و کمر بند پنبه که نوعی آب و هوای گرمسیری است که دارای رطوبت فراوان بوده و بارندگی بسیار و منظمی دارد. نمونه‌ای از اقلیم پنبه خیز را می‌توان در بخش‌های جنوبی چین مشاهده نمود.

زمین در تابستان نیمکره شمالی در این نقطه قرار گرفته و به دلیل دریافت نور مستقیم خورشید و بلندی روزها افزایش انرژی تشعشعی فصل گرم تابستان نیمکره شمالی را طی می‌کند.



ECONOMY

اقتصاد

— کد آماتی

اقطاع (Eqta')

— نطیعه

MINORITY

اقلیت

جمعی و یا گروهی که دارای فرهنگ و آداب و رسوم یا مذهب معینی هستند و در کشوری زندگی می‌کنند که اکثریت آن کشور دارای آن فرهنگ و آداب و رسوم یا آن مذهب نیستند. اقلیت‌های مذهبی از قرن‌ها پیش در اغلب کشورهای جهان وجود داشته‌اند، ولی مسئله اقلیت‌های نژادی از اوایل قرن سوزدهم هم‌زمان با ظهور ناسیونالیسم حرو مسائل معض سیاسی فرار گرفت.

CLIMATE

اقلیم (Eqlim)

اقلیم یک محل معین، مجموعه‌ای از عوامل جوئی است که مدتی بالنسبه طولانی دوام پیدا می‌کنند و وضع آن محل را از لحاظ آب و هوا در طی مدتی نسبتاً متعادی مشخص می‌سازند. از جمله عوامل مذکور، دما، ریزش، رطوبت، باد و فشار جو است. کره زمین را از جهت اقلیم به مناطق اقلیمی تقسیم می‌کنند، منطقه استوایی، منطقه گردمداری، منطقه میانه و منطقه قطبی — آب و هوا

WET EQUATORIAL CLIMATE اقلیم استوایی مرطوب

موقعیت کلی اس اقلیم در کمربند کم فشار استوایی به عرض تقریباً ۱۰ درجه است. در این اقلیم تمام ماههای سال گرم و مرطوب‌اند و دمای متوسط بین ۲۱ درجه سانتیگراد است (البته به استثنای مناطق کوهستانی). باران در طول سال به طور یکسواح و احتمالاً "هر روز می‌بارد و مقدار آن در

اقلیم حاره‌ای خشک و مرطوب

WET & DRY TROPICAL CLIMATE

این اقلیم که در طرفین "اقلیم استوایی مرطوب" قرار گرفته است، یک دوره گرم طولانی در سال دارد و بیشتر بارندگی آن در دوره‌ای متمرکز است که کمربند کم فشار استوایی به طرف این ناحیه گسترش می‌یابد. موقعیت این اقلیم تحت تاثیر جریانهای سرد دریایی، که در امتداد سواحل غربی امریکای جنوبی و آفریقا تا نزدیک استوا می‌وزند، نیز قرار دارد. دمای متوسط سالیانه این اقلیم (به غیر از نقاطی که تحت تاثیر بادهای موسمی قرار دارند)، در حدود ۲۱ درجه سانتیگراد است. بارندگی بسیار متغیر است. حداقل آن ۸۷۵ میلیمتر و حداکثر آن از ده هزار میلیمتر تجاوز می‌کند. زمستانها همیشه خشک، کم باران یا اصولاً بدون باران است.

→ رده‌بندی کوپ

اقلیم حاره‌ای نیمه خشک

SEMIARID TROPICAL CLIMATE

این نوع اقلیم در هر نیمکره در کناره، رو به قطب "اقلیم حاره‌ای خشک و مرطوب" و غالباً "در داخل قاره‌ها بخصوص در فلاتها و معمولاً" مجاور صحراها قرار دارد. بعضی از مناطق آن به علت جریانهای آب سرد اقیانوسی یا به علت آنکه در پناه کوههای مجاورند نیمه خشک‌اند. دمای متوسط بیش از ۲۱ درجه سانتیگراد و بارندگی کم، بین ۲۵۰ تا ۸۷۵ میلیمتر است که بیشتر در فصل تابستان روی می‌دهد.

→ رده‌بندی کوپ

CONTINENTAL CLIMATE

اقلیم خشکادی

→ آب و هوای قاره‌ای

MARITIME CLIMATE

اقلیم دریائی

→ آب و هوای دریائی

COLD MARINE CLIMATE

اقلیم دریائی سرد

این اقلیم در حاشیه غربی قاره‌ها، در منطقه بادهای غربی یافت می‌شود. تاثیر بادهای غربی فقط به وسیله فعالیتهای چرخه‌ای شدید در زمستان قطع می‌شود. جریانهای گرم اقیانوسی، درجه حرارت را در زمستان بالاتر از مقدار عادی نواحی هم عرض نگه می‌دارند. دمای متوسط سردترین ماه سال بین ۱ تا حدود ۸/۵ درجه سانتیگراد و متوسط دمای گرمترین ماه سال حدود ۱۵/۵ درجه سانتیگراد است. بارش سنگین و متوسط آن بین ۸۷۵ تا ۱۵۰۰ میلیمتر است که بیشتر آن ممکن است به صورت برف باشد. زیرا بیشتر بارش در زمستان روی می‌دهد. در بعضی از سالها بارندگی ممکن است

نزدیک به ۵۰۰۰ میلیمتر باشد.

→ رده‌بندی کوپ

INSULAR CLIMATE

اقلیم ساحلی

→ آب و هوای ساحلی

اقلیم ساحلی با بادهای منظم

این نوع اقلیم در امتداد سواحل شرقی قاره‌ها در کمربند بادهای منظم قرار گرفته است و گسترش آن در امتداد شمالی - جنوبی طولانی و در امتداد شرقی - غربی نسبتاً کوتاه است. کوههایی که امتداد شمالی - جنوبی دارند باعث می‌شوند که توده‌های هوایی بالا آیند و باران ایجاد کنند. دمای متوسط سالیانه در این اقلیم بیش از ۲۱ درجه سانتیگراد است و مقدار باران آن به طور معمول بیش از ۸۷۵ میلیمتر در سال است و تقریباً "به طور یکنواخت در سراسر سال پراکنده است ولی مقدار آن از نقطه‌ای به نقطه دیگر متفاوت و در پاره‌ای نقاط بسیار زیاد است. بادهای موسمی، که در این اقلیمها می‌وزند، ممکن است بادهای منظم را قطع کنند و موجب پیدایش فصل مرطوب گردند.

→ رده‌بندی کوپ

COLD LITTORAL CLIMATE

اقلیم ساحلی سرد

این اقلیم در مدارات بالای عرضهای متوسط قرار دارد و به طور یکسان تحت تاثیر دریا و خشکی است. دمای متوسط در سردترین ماه کمتر از ۴/۴ درجه سانتیگراد و در گرمترین ماه به ۱۵/۵ تا ۲۱ درجه سانتیگراد می‌رسد. بارندگی بین ۶۲۵ تا ۱۵۰۰ میلیمتر متغیر است و در اروپا تقریباً "به طور یکنواخت در طول سال پراکنده است ولی در همه جا این طور نیست. مثلاً" حداکثر بارندگی زاین در تابستان و زلاندنو در زمستان صورت می‌گیرد. طوفانهایی که در زاین حادث می‌شوند، بارندگی شدید کوتاه مدت ایجاد می‌کنند.

→ رده‌بندی کوپ

METEOROLOGY

اقلیم‌شناسی

علم بررسی و پژوهش جو زمین و ارتباط آن با سنگ اسپهرو آب اسپهرو را اقلیم‌شناسی می‌گویند. در این دانش درباره فشار جو، دما، باد، بارندگی، ابر، آفتاب و مانند آن گفتگو می‌شود.

BIOCLIMATOLOGY

اقلیم‌شناسی زیستی

→ زی‌واب‌شناسی

AGRICULTURAL CLIMATOLOGY کشاورزی

آن قسمت از اقلیم‌شناسی که با کشاورزی در ارتباط باشد.

اقلیم غله خیز

CORN BELT CLIMATE

آب و هوای منطقه غله خیز فارمهای اروپا، آسیا و آمریکا. مانند دشت دایوت در اروپا و منطقه چس شمالی در آسیا.

اقلیم فارمهای مرطوب HUMID CONTINENTAL CLIMATE

این اقلیم بیشتر در داخل فارمهای عرضهای متوسط سیمکره شمالی دیده می شود. تغییرات دما در آن بسیار زیاد است و در سردترین ماه اغلب دمای متوسط در زیر نقطه انجماد آب و حتی گاهی بسیار پایینتر از آن است. ولی حداقل در سه ماه سال دمای متوسط بیش از ۱۵/۵ درجه سانتیگراد می باشد. با وجود آنکه این اقلیم مرطوب است، بارندگی آن حدان زیاد نیست و بین ۴۰۰ تا ۱۲۵۰ میلیمتر در سال متغیر است. چرخه ها و جنبه های سرد و گرم همراه آنها در زمستان و طوفانهای همراه آذرخش در تابستان وجود دارد. - رده بندی کوپ

اقلیم قطبی

POLAR CLIMATE

مدارات قطبی حدود تقریبی این اقلیم را تشکیل می دهند. دمای متوسط در هیچک از ماههای سال از ۱۰ درجه بالاتر نمی رود و سایر این دما نائس تر از آن است که جنگل یا غلات نتوانند رشد کنند. ویژگی این اقلیم وجود کلاهکهای یخی است. - رده بندی کوپ

اقلیم مدارکانی

TROPICAL CLIMATE

آب و هوای خاص نواحی مدارکان که به آن آب و هوای استوایی نیز می گویند.

اقلیم منجمده

FRIGID CLIMATE

آب و هوای خاص مناطق منجمده شمالی و جنوبی که موجب برف و یخبندان دائمی را فراهم میاید. این آب و هوا در تابستان جنگل با سرد و در زمستان فوق العاده سرد و طاف فرساست.

اقلیم بکار

CLIMATOGRAPH

- و اختصار

اقلیم نیمگانی

EQUATORIAL CLIMATE

- آب و هوای استوایی

اقلیم نیمه حاره ای دارای تابستان خشک

DRY SUMMER SUBTROPICAL CLIMATE

این اقلیم را گاهی اقلیم مدیترانه ای نیز می خوانند. دمای متوسط ماهیانه آن در سردترین ماه سال بالای ۲/۲ درجه سانتیگراد و در گرمترین ماه سال زیر ۲۴ درجه سانتیگراد است. بارندگی به طور معمول کمتر از ۸۷۵ میلیمتر در سال است ولی بسته به موقعیت محل بسیار متغیر است. تابستانها خشک است. فصل مرطوب زمستان معمولاً "طایم است ولی به علت آمدن جنبه های سرد ممکن است هوا تا حد درجه انجماد آب سرد شود.

- رده بندی کوپ

اقلیم نیمه حاره ای مرطوب

HUMID SUBTROPICAL CLIMATE

این نوع اقلیم در حاشیه های شرقی فارمها در عرضهای متوسط پیدا می شود. فشارهای بالای روی اقیانوسها در تابستان موجب حرکت هوا به داخل خشکی می گردد. مانند سواحل شرقی چین یا بخش شرقی ایالات متحده. دمای متوسط در سردترین ماه سال بالاتر از ۴/۴ درجه سانتیگراد و متوسط دمای گرمترین ماه بیش از ۲۱/۶ تا ۲۶/۶ درجه سانتیگراد تغییر می کند. بارندگی بین ۸۷۵ تا ۱۵۰۰ میلیمتر در سال و گاهی نیز بیشتر است. این اقلیم بدون ماههای خشک واقعی است. - رده بندی کوپ

اقلیم نیمه خشک فارمهای

SEMIARID CONTINENTAL CLIMATE

این اقلیم در داخل فارمهای عرضهای متوسط و مناطقی که کوهها سدی در برابر نفوذ رطوبت ایجاد می کنند دیده می شود. دمای این اقلیم بسیار متغیر است ولی بارندگی آن بدرت بیش از ۴۰۰ میلیمتر است و گاهی ممکن است چند سال متوالی باران بسیار دوره های خشکالی طولانی با طوفانهای گرد و غبار، که اغلب در زمستان حادث می شوند، همراه است.

- رده بندی کوپ

اقلیم نیمه قطبی انتهائی

EXTREME SUBPOLAR CLIMATE

در نواحی داخل فارمهای نیمه قطبی دمای متوسط برای ۵ ماه از سال یا بیشتر کمتر از ۱- درجه سانتیگراد است. این اقلیم بیشتر در مدار قطبی شمالی با حدود ۴۸ درجه شمالی در امریکای شمالی و ۳۰ درجه شمالی در آسیا در مناطقی که ارتفاع زیاد و دما نائس است قرار دارد. دمای متوسط ممکن است در یکی از ماههای تابستان به ۱۰ درجه سانتیگراد یا بیشتر برسد. تغییرات زیاد دما و ویژگیهای این اقلیم است. بارندگی در ماههای تابستان متمرکز است و مقدار متوسط

باید توجه داشت که مساحت دریاهائی مانند کارائیب (در اقیانوس اطلس) و مدیترانه و سایر دریاهای فرعی خارج از این فهرست است و سه اقیانوس اول آبهای اقیانوس پنجم (اقیانوس منجمد جنوبی) را که بین جنوبگان (منطقه قطب جنوب) و مدار ۴۰ درجه عرض جنوبی قرار گرفته است شامل می‌گردند. پارهای از دانشمندان تعداد اقیانوسهای جهان را شش اقیانوس بنامهای اقیانوس آرام شمالی، اقیانوس آرام جنوبی، اقیانوس اطلس شمالی، اقیانوس اطلس جنوبی، اقیانوس هند و اقیانوس منجمد شمالی می‌دانند.

اقیانوس آرام PACIFIC OCEAN

با اقیانوس کبیر پهناورترین و بزرگترین اقیانوس کره زمین است. این اقیانوس که از تنگه برینگ تا نواحی جنوبگان و از کرانه‌های باختری قاره آمریکا تا استرالیا و کرانه خاوری قاره آسیا کشیده شده است حدود $\frac{1}{3}$ سطح زمین را فرا گرفته و مساحت آن به حدود ۱۶۵,۰۰۰,۰۰۰ کیلومتر مربع می‌رسد که با توجه به سطح تمامی خشکی‌های زمین که حدود ۱۴۹ میلیون کیلومتر مربع است رقم قابل توجهی به نظر می‌رسد. طول اقیانوس آرام حدود ۱۱۳۰۰ کیلومتر و عرض آن ۱۷۷۰۰ کیلومتر است و ژرف‌ترین نقاط زمین بنام گودال ماریناس به عمق حدود ۱۱۰۳۵ متر در این اقیانوس واقع است. این اقیانوس را ماژلان (دریاورد پرتغالی) در ۱۵۲۰ میلادی بدون مواجه شدن با طوفان‌های شدید پیمود و بهین مناسب آن را "آرام" نام گذاری کرد.

اقیانوس اطلس ATLANTIC OCEAN

دومین اقیانوس زمین که میان قاره‌های اروپا، آفریقا و آمریکا از نواحی شمالگان تا نواحی جنوبگان گسترده شده و وسعت آن با دریاها و انشعابات به حدود ۸۱,۰۰۰,۰۰۰ کیلومتر مربع بالغ می‌گردد. تنگه برینگ و خطوطاصل میان دماغه‌هورن و جزایر شتلند جنوبی آنرا از اقیانوس آرام (کبیر) جدا می‌کند و از سوی خاور بوسله نصف النهار ۲۰ درجه شرقی (دماغه امید نیک) از اقیانوس هند جدا می‌شود و کانال پاناما آنرا به اقیانوس آرام و کانال سوئز آن را از طریق دریای مدیترانه به دریای سرخ (از شاخه‌های اقیانوس هند) مرتبط می‌سازد. از سیماهای جالب این اقیانوس رشته ارتفاعاتی است که از جزیره ایسلند تا مدار جنوبگان کشیده شده و مرکز فعالیت‌های آتشفشانی و زمین لرزه است که بعضی از قتل آن به صورت جزایری از آب بیرون آمده ژرف‌ترین مناطق اقیانوس اطلس ررمای بربریکو به عمق ۸۳۸۳ متر است. جریان‌های مهم اقیانوس اطلس عبارتند از جریان گینه و جریان خلیج که در گردبکس سردیک نیوفندلند با جریان لابرادور تلاقی

سالیانه آن کمتر از ۲۵۰ میلیمتر است. توده‌های هوای سرد باعث می‌شود که هوا رطوبت کم در خود نگه دارد. -دره‌بندی کوپ

اقلیم نیمه قطبی دریائی MARINE SUBPOLAR CLIMATE

این اقلیم در عرضهای متوسط شمالی، در طول سواحل مجاور کوه‌های مرتفع وجود دارد. آب اقیانوسها درجه حرارت را تعدیل می‌کند و باعث می‌شود که تغییرات آن کمتر از آن باشد که در این مدارات انتظار می‌رود. در بیشتر ماهها دمای متوسط کمتر از ۱- درجه سانتیگراد و حداقل یک ماه دمای متوسط معادل ۱۰ درجه سانتیگراد است. بارندگی بسیار متغیر است. این نواحی اغلب تحت اثر فعالیتهای چرخهای در پایین و زمستان قرار دارد و بسیاری اوقات مه‌نیز تشکیل می‌شود. -دره‌بندی کوپ

اقلیم نیمه قطبی معتدل

MODERATE SUBPOLAR CLIMATE

این اقلیم بیشتر در نواحی کوهستانی مثل کوه‌های آلپ و راکی، یعنی نقاطی وجود دارد که زمستانها به سردی داخل قاره‌ها در نواحی نیمه قطبی نیست. درجه حرارت آن مانند درجه حرارت اقلیم نیمه قطبی دریایی است ولی بارندگی آن بین ۶۲۵ تا ۱۰۰۰ میلیمتر متغیر و در تمام سال پراکنده است. -دره‌بندی کوپ

ICE-CAP CLIMATE

اقلیم یخبه‌نهای

-آب و هوای یخبه‌نهای

OCEAN

اقیانوس

پهناورترین فرو رفتگی‌های سطح زمین را که از آب پر شده است، اقیانوس می‌نامند. بطور کلی اقیانوس‌ها حدود ۷۱ درصد سطح زمین را پوشانید و بزرگترین آنها به ترتیب عبارتست از:

نام	مساحت به کیلومتر مربع	ژرف‌ترین نقطه به متر
اقیانوس آرام (کبیر)	۱۶۵,۰۰۰,۰۰۰	۱۱۰۳۵
اقیانوس اطلس	۸۱,۰۰۰,۰۰۰	۸۳۸۳
اقیانوس هند	۷۳,۰۰۰,۰۰۰	۸۰۴۸
اقیانوس منجمد شمالی	۱۴,۰۰۰,۰۰۰	۵۴۵۰
اقیانوس منجمد جنوبی	۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۴۸۵۱

PACIFIC OCEAN

اقیانوس کبیر

- اقیانوس آرام

ANTARCTIC OCEAN

اقیانوس محمد جنوبی

- اقیانوس جنوبگان

ARCTIC OCEAN

اقیانوس محمد شمالی

- اقیانوس شمالگان

INDIAN OCEAN

اقیانوس هند

سومین اقیانوس زمین از نظر وسعت که از سواحل جنوبی آسیا تا قاره جنوبگان و از کرانه‌های حائری افریقا تا کرانه‌های حائری اسرائیل و جزیره آسمانی به مساحت ۷۳۰۰۰۰۰۰۰۰ شلومر مربع گشوده شده.

اعداد این اقیانوس از خاور به خاخر و درامداد حط شمالان حدود ۶۲۰۰ شلومر و از شمال به جنوب به ۹۶۵۰ شلومر بالغ می‌گردد.

ررف‌ترس عفاط اقیانوس هند ررفمای داماماسنا است که ۸۰۴۸ متر عمق دارد.

این اقیانوس دارای تادهای دریایی موسمی مطبی است که بارندگی‌های بواجی جنوب حائری آسیا را موجب می‌گردد.

OCEANIA

اقیانوسه (اسرالیا)

یکی از تاره‌های زمین واقع در سمرکه جنوبی و سمرکه شرقی وسعت حدود ۷۰۶۷۸۰۹۷۴ کیلومر مربع. طول قاره اقیانوسه (اسرالیا) از خاور به خاخر حدود ۳۸۰۰ کیلومر و عرض آن از شمال به جنوب حدود ۳۲۰۰ کیلومر است.

اراضی دریایی این قاره سب و اطرافش مربع است و بلندترس کوه آن کارسکو که به ارتفاع ۲۲۲۸ متر است.

EUCALYPTUS

اکالیپتوس

درختی از نرته موردنهایی که املس از اسرالیا است و در آن سرزمین شلیل خشک‌های اسوهی را می‌دهد و ارتفاع آن گاه به ۱۴۵ متر و محیطه آن به ۲۵ متر می‌رسد.

OKTA

اکتا

سسی از آسمان که به وسیله امر بوسنده شده باشد در آن سب ۸۰ اکتا معرف بوسن کامل آسمان به وسیله امر و نعر اکتا سناخر آسمان صاف و بدون امر است.

OCTOBER

اکتبر

- ماههای اروپائی

GEOGRAPHICAL DISCOVERIES

اکتشافات جغرافیائی

مسندترس اکتشافات جغرافیائی مربوط به حدود ۳۰۰۰ سال قبل از ملاد است. فنیقی‌ها و یونانیان از حمله نخستین

می‌کند.

میسوس اطلس را معمود بوسنه حط شمالان (اسرا) به ساسن طلس شمالی و اقیانوس اطلس جنوبی تقسیم می‌گردد. هم حسن سهای محمد بر ساجند جنوبگان را تاد بحث سون فاسوس حیرتال می‌ورند.

ANTARCTIC OCEAN

اقیانوس جنوبگان

آسهای جنوبی اقیانوس اطلس و اقیانوس آرام در حد فاصل میل قطب جنوب و مدار جنوبگان را گاه اقیانوس جنوبگان می‌نامند.

ررف‌ترس عفاط این اقیانوس ررفمای برد نام دارد که عمق آن ۴۸۵۱ متر است و مساحت آن ۲۰۰۰۰۰۰۰۰ شلومر مربع است.

اقیانوس جنوبگان را اقیانوس محمد جنوبی سر می‌گویند.

ARCTIC OCEAN

اسانوس شمالگان

آسهای از سطح زمین که در حد فاصل قطب شمال با مدار ۷۰ درجه عرض شمالی واقعند و تقریباً میان گروئنلند، کانادا، آلاسکا، اتحاد جماهیر شوروی و نرور محصورند.

مساحت اقیانوس شمالگان حدود ۱۲۰۰۰۰۰۰۰ کیلومر مربع است و دریاهای بسیاری از آن مسفب شده که مهمترین آن‌ها دریای نارسر، گروئنلند، کارا، لاپف، ستری شرقی و سوفورب.

این اقیانوس از طریق تنگه برینگ به اقیانوس آرام مرتبط می‌گردد و بهمن مساحت تاره‌ای از جغرافیدانان اقیانوس شمالگان دریایی از اقیانوس آرام شمار می‌آورند. زرف‌ترس عفاط این اقیانوس ۵۳۵۰ متر عمق دارد.

حسن اعظم اقیانوس شمالگان در سستر سال از بوده‌های بح موج مسنور است که برخی از بوده‌های مرسور را جریان گروئنلند شمالی به طرف جنوب می‌راند و آن دستدار کوههای جی که بوسلیله جریان لابرادور به جنوب حمل می‌شود کسینی‌ها را به محاطره می‌اندازد.

OCEANOGRAPHY

اقیانوس ساسی

بررسی‌های علمی درباره پدیده‌های وابسته به اقیانوس را اقیانوس ساسی می‌گویند. این داس شامل:

الف - اقیانوس ساسی طبیعی که درباره شکل و ساحطان کف اقیانوسها و دما و غلظت و جریان آن بررسی می‌کند.
ب - اقیانوس ساسی رچینی که درباره ریدکی در اقیانوسها گفتگو می‌کند.

OXYGEN

اکسیژن

بهمترین گاز موجود در جو زمین که عنصری است بی رنگ و بی بو و بی طعم، نقش حیاتی در زندگی انسان و سایر موجودات دارد. اکسیژن حدود ۲۱ درصد حجم هوای خشک را اشغال کرده و حدود $\frac{1}{4}$ فن آب را تشکیل می دهد و همچنین $\frac{1}{4}$ وزن سنگها و کلیه مواد متشکله پوسته زمین از این گاز ترکیب یافته است.

اوزون را یکی از اشکال اکسیژن می توان به شمار آورد.

ECHO - SOUNDER

اکوساندر

دستگاهی است در آبنگاری که برای اندازه گیری ژرفای آب اقیانوس ها و دریاها بکار می رود، اساس کار این دستگاه ایجاد امواج صوتی توسط یک فرستنده و برخورد آن به کف دریا و دریافت و ثبت امواج منعکس شده توسط دستگاه گیرنده ای است. دقت حاصله در این اندازه گیری بستگی به میزان تحرک و یا ایستادگی کشتی حامل دستگاههای مزبور است. بدین معنی که هر قدر کشتی حامل دستگاه ثابت تر باشد بر میزان دقت اندازه گیری افزوده شده و بر عکس هر قدر سریع تر روی آب حرکت نماید به همان میزان نیز از دقت کار کاسته می شود. این دستگاه را روی گونه ای سورتمه سوار کرده و کلفتی یخ و برف مناطق قطبی را اندازه گیری می کنند.

ALDEBARAN

الدبران (Aldeberān)

ستاره آلفا (قدر اول) از صورت فلکی ثور که به آن عین الثور (چشم گاو) نیز می گویند. این ستاره از غول پیکرانی است که رنگ آن مایل به سرخ است و قطرش حدود ۳۸ برابر قطر خورشید است.

ALPHABET

الفبا

یا "خط" مجموعه نشانه هایی است که برای تحریر واژه های صوتی در یک زبان بکار می رود. انواع الفبای عمده جهان عبارت است از: چینی، سانسکریت، سریلی، عربی، لاتینی (رومی) و یونانی.



الدبران

اقوام دریانوردی هستند که در حدود ۶۰۰ سال قبل از میلاد کرانه های دریای مدیترانه و دریای سیاه را درنوردیدند و در حدود سال ۵۰۰ قبل از میلاد کارتاژها از تنگه جبل الطارق گذشتند و به کرانه های اسپانیا و آفریقا رسیدند.

فتوحات اسکندر مقدونی شرق و غرب را به هم نزدیکتر ساخت و رومیان با چینی ها روابط تجارتي برقرار ساختند در سالهای حدود ۱۵ بعد از میلاد از بادهای موسمی برای دریانوردی در اقیانوس هند استفاده گردید و موجبات تجارت و رفت و آمد میان خاور و باختر از راه دریا فراهم ساختند. مسلمانان صدر اسلام دامنه های امپراطوری اسلام را تا اسپانیا گسترش دادند. نورمان ها در قرون وسطی اروپا را پوشیدند و لیف اریکسن به امریکای شمالی رسید. سیاحانی چون مارکوپولو موجبات فراوانی برای ارتباط شرق و غرب فراهم آوردند و بر وسعت اطلاعات جغرافیائی افزودند.

از مهمترین اکتشافات جغرافیائی مسافرت ب. دبش از طریق دماغه امید نیک و رسیدن واسکو دوگاما به هند را از طریق دور زدن قاره آفریقا می توان نام برد. کریستف کلمب امریکا را کشف کرد و ماژلان دورگه زمین را با کشتی پیمود اکتشافات نواحی شمالگان و جنوبگان و اعماق اقیانوسها در قرن نوزدهم آغاز شد و در قرن بیستم توسعه یافت.

ACTINOMETER

اکتینومتر

دستگاهی که بتواند شدت تشعشع بویژه شدت تشعشعات خورشید را اندازه گیری کند.

ACROPOLIS

اکروپل

اصطلاحی یونانی است به معنی نقطه برآمده مرتفع و این اصطلاح برای شهرهای نظامی و دفاعی که ابتدا با یک دژ و یا یک قلعه شروع شده است به کار می رود.

OXIDATION

اکسایش (Oksāyesh)

عمل یا فرایندی اکسیدن یا حالت یا نتیجه اکسیده شدن.

OXIDIZER

اکسنده (Oksandeh)

جسمی که باعث اکسیدن شود.

OXIDATION

اکسیداسیون

ترکیب شبه فلز یا فلز با اکسیژن

TO OXIDIZE

اکسیدن (Oksidān)

۱- ترکیب کردن با اکسیژن، افزودن اکسیژن.

۲- گرفتن ثیدرزن از یک جسم مرکب.

الکترولیت

ELECTROLYTE

حسم مرکبی که به حالت محلول با مذاب هادی جریان برق است و بر اثر عبور جریان الکتریسیته تجزیه می شود.

عمده ترین الکترولیت ها محلول اسیدها، بازها و املاح موحد در آب است.

← الکترولیز

الکترولیز

ELECTROLYZE

تجزیه یک الکترولیت به وسیله عبور جریان برق از آن. از عمل الکترولیز در صنعت فلزات و پاره های کانی ها استفاده می شود.

← الکترولیت

الماس

DIAMOND

نوعی کربن بلورس که تحت فشار و گرمای فوق العاده موجود آمده باشد، الماس که یکی از سخت ترین مواد معدنی بوده و صورت رگه هایی در سنگ های آذرین و با بلورهای متعدد در رسوبات یافت می شود. نوع سخت و با ساختگی آن کاربرد وسیعی در صنعت دارد. واحد اندازه گیری وزن الماس قیراط (۲/۴ گرم) نام دارد و درشت ترین الماسی که تا کنون پیدا شده الماسی است نام Cullinan که وزن آن ۳۵۳۲ قیراط (۴/۴۶۶ گرم) است و مهم ترین مراکز استخراج آن کشورهای روتر، افریقای جنوبی، غنا، آنکولا و بوزانزا می باشد.

النگ (Olan)

MEADOW

← مزارع

امپراطوری

EMPIRE

دستهای از ملل یا ممالک که تحت لوای یک فرمانروا (امپراطور) وحدت یافته اند. عنوان امپراطوری به دولت یا حکومت تحت فرمان یک امپراطور، که دارای قلمروئی وسیع و مردمی و متنوع است، نیز اطلاق می گردد.

قدیمی ترین امپراطوری ها در مصر، بابل، آشور، ایران، روم و مقدونیه تشکیل گردیده و در دوران متأخر می توان از امپراطوری های مغول، هند، آلمان و ژاپن نام برد.

امپریالیسم

IMPERIALISM

اقتباس شده از واژه لاتیسی امپریوم به معنی حاکم و فرمانروا. سیاست دولتی که در صدد تسلط حکمرانی و برقراری سلطه خویش به مردم دیگری باشد که نمی خواهند زیر بار چنین اجحافی بروند.

معمولاً "سیاست های امپریالیسم همواره توأم با اعمال زور و ستمگری و احداث بوده است و آزادگان جهان این گونه سیاست

را نفی می کنند و مورد سرزنش و نکوهش قرار می دهند.

امرداد

مفسس از واژه اوستایی امرتات به مفهوم جاودانگی و بی مرگی. نام پنجمین ماه سال در تقویم رسمی ایران و هفتمین رور هر ماه خورشیدی.

واژه امرداد حیناً بهمن صورت در تقویم اوستایی موجود بوده و بعدها در تقویم خللی راه یافته و از سال ۱۳۰۴ خورشیدی بنام پنجمین ماه سال هجری شمسی در تقویم ایران رسمیت یافته است.

عالب مردم واژه امرداد را به غلط مرداد که به معنی مرگ و نیستی است ادا می کنند. حال آنکه صورت رسمی و قانونی آن همان امرداد است.

امریکا

AMERICA

فاره ای است در نیمکره غربی زمین مرکب از امریکای شمالی، مرکزی و جنوبی.

لفظ امریکا از آمریکا و سیونچی اقتباس شده و برای نخستین بار والدور مولر آن را فاره جدید نام نهاد.

الف - امریکای جنوبی. این فاره در نیمکره غربی و جنوبی زمین واقع است و مساحت آن حدود ۱۷۰۸۱۴۰۹۰۹ کیلومتر مربع است. امریکای جنوبی به مثلی شباهت دارد که قاعده اش در شمال و راس آن در جنوب واقع است و طول آن از شمال به جنوب حدود ۷۴۰۰ کیلومتر است و عرض آن به ۵۱۵۰ کیلومتر بالغ می شود.

این فاره از شمال بدریای کارائیب از شمال خاوری و خاور به اقیانوس اطلس و از باختر به اقیانوس آرام و از شمال باختری به جمهوری پاناما محدود است و تنگه پاناما آن را از امریکای مرکزی جدا می سازد.

ب - امریکای شمالی - فاره ای است در نیمکره غربی که همراه با امریکای مرکزی از تنگه پاناما واقع در جنوب شروع می شود و تا حدود شمالگان گسترش می یابد.

مساحت این فاره حدود ۲۴۰۲۴۸۰۵۷۴ کیلومتر مربع است و سومین فاره جهان از نظر وسعت بشمار می رود. امریکای شمالی همانند امریکای جنوبی به مثلی شباهت دارد که قاعده آن در شمال و راس آن در جنوب واقع است.

این فاره از شمال به اقیانوس شمالگان یا اقیانوس منجمد شمالی، از خاور به اقیانوس اطلس، از جنوب خاوری به خلیج مکزیک و دریای کارائیب، از باختر به اقیانوس آرام محدود است و در مقایسه با امریکای جنوبی دارای کرانه های نامنظمی است.

پ - امریکای مرکزی - باریکهای است میان امریکای شمالی

SEISMIC WAVES

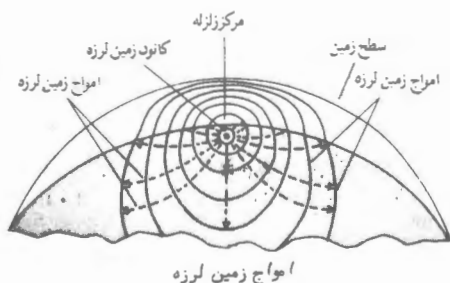
امواج زمین لرزه

امواجی که به دلیل وقوع زمین لرزه ایجاد می‌گردند. این امواج بر سه نوعند. امواج اولیه (P)، امواج ثانویه (S) و سطحی. امواج اولیه و ثانویه به دلیل انتشارشان در داخل زمین به امواج درونی معروفند.

موج اولیه موجی است طولی که باعث پس و پیش شدن سنگ‌های مسیر خود می‌گردد. سرعت این موج در مجاورت سطح زمین حدود ۶ کیلومتر در ثانیه است و در نواحی مرکزی زمین به حدود ۱۰ کیلومتر در ثانیه می‌رسد.

موج ثانویه موجی است عرضی که باعث بالا و پائین شدن سنگ‌های مسیر خود می‌شود و به بریده شدن آن‌ها می‌انجامد. سرعت این موج نزدیک سطح زمین حدود ۳ کیلومتر در ثانیه و در نواحی هسته مرکزی زمین حدود ۷ کیلومتر در ثانیه است. امواج اولیه و ثانویه در همه جهات منتشر می‌گردند.

امواج سطحی از نوع امواج بلند هستند و آثار تخریبی زمین-لرزه ناشی از همین موج است. سرعت امواج سطحی از سرعت امواج اولیه و ثانویه کمتر است.



امواج زمین لرزه

SURFACE WAVES

امواج سطحی

این امواج که پس از امواج ثانویه بوسیله لرزه نگار ثبت می‌گردند پیچیده‌تر از امواج دیگر یعنی امواج اولیه و ثانویه بوده و به امواج آب شباهت دارند امواج سطحی بجای اینکه از درون اشیاء عبور کنند از سطح آن‌ها می‌گذرند و خرابی‌های زمین-لرزه بیشتر مربوط به همین امواج است.

TIDAL WAVES (Amvāj-e-keshandi)

امواج کشندی (Amvāj-e-keshandi) امواج بزرگی از آب که بر اثر وقوع زمین لرزه پدید می‌آید. اینگونه امواج که برخلاف نام آنها ارتباطی با کشند ندارند گاه آنقدر در خشکی پیش می‌روند که موجب خسارتهای جانی و مالی فراوان می‌گردند. نام دیگر این امواج آب‌لرزه است.

LIFE EXPECTANCY

امید زندگی

متوسط تعداد سالهائی که فرد X ساله انتظار دارد زنده ماند.

و جنوبی مشتمل بر کشورهای کستاریکا، گواتمالا، هندوراس، نیکاراگوآ، السالوادور و بلیز.

امریکای مرکزی در واقع قسمتی از امریکای شمالی محسوب می‌شود و تنگه پاناما آن را از امریکای جنوبی جدا می‌سازد. (تصویر در صفحه ۴۶-۴۷)

LATIN AMERICA

امریکای لاتین

به اراضی واقع در جنوب و جنوب خاوری کشورهای متحده امریکا (ایالات متحده) اطلاق می‌شود و مشتمل است بر امریکای جنوبی و مرکزی و جزایر هند غربی.

امریکای لاتین از لحاظ فرهنگی به سرزمین‌هایی از قاره امریکا که اکثریت مردم آن به اسپانیایی یا پرتغالی و یا فرانسوی صحبت می‌کنند اطلاق می‌گردد.

ELECTROMAGNETIC WAVES

امواج الکترومغناطیسی

امواج حاصله از تغییر شدت میدانهای الکتریکی و مغناطیسی که همانند نور با سرعتی معادل حدود سیصد هزار کیلومتر در ثانیه منتشر می‌گردند.

PRIMARY WAVES

امواج اولیه

دستگاه لرزه نگار به هنگام وقوع زمین لرزه نوسان‌هایی را ثبت می‌کند که از سه قسمت مجزا تشکیل یافته‌اند. نخستین دسته از نوسان‌های مزبور را امواج اولیه می‌نامند که دامنه آن‌ها در مقایسه با امواج بعدی که امواج ثانویه نام دارند کوتاه‌تر بوده و از نوع امواج طولی هستند. این امواج که شباهت زیادی به امواج صوتی دارند از هر جسمی اعم از جامد، مایع و با گاز عبور می‌کنند.

SECONDARY WAVES

امواج ثانویه

امواجی که بلافاصله بعد از امواج اولیه بوسیله لرزه نگار ثبت می‌گردند امواج ثانویه نام دارند دامنه امواج ثانویه از دامنه امواج اولیه بیشتر است و از نوع امواج عرضی محسوب می‌گردند. این امواج فقط از جامدات عبور می‌کنند و در مقابل مایعات و گازها متوقف می‌گردند.

RADIO WAVES

امواج رادیویی

امواج الکترومغناطیسی که دارای بسامد (فرکانس) رادیویی باشند.

امواج رادیویی همانند نور با سرعت حدود سیصد هزار کیلومتر در ثانیه منتشر می‌گردند و از میان غالب موانع عبور می‌کنند.

نور خورشید، اوضاع جوی و پهنه‌های آب در این امواج موثرند و بوسیله یون اسپهر منحرف می‌گردند و آن قسمت که از یون-اسپهر عبور می‌کند امواج فضائی یا آسمانی را تشکیل می‌دهد.

DENSITY OF POPULATION

انبوهی جمعیت

تراکم جمعیت

— کثالی جمعیت

THICKET

انبوهه (Anbuheh)

جنگل کوچک و یا توده درختان متراکم و انبوهی که بویژه در حال رشد و نمو باشند.

DEMOGRAPHY

انبوهه نگاری (Anbuheh)

— جمعیت شناسی

GENERAL SELECTIONS

انتخابیات عمومی

کریس شخص و یا انتخاب برای تصدی مقام و یا محضی در جامعه از طریق آراء عمومی.

NATURAL SELECTION

انتخاب طبیعی

گزینش طبیعت از میان مناسبترین انواع جانوران و گیاهان. بر طبق نظریه داروین، آن دسته از گیاهان و جانوران که با محیط سازگارترند باقی میمانند و آنهایی که در سازگاری با محیط عاجز و ناتوان باشند از میان میروند.

CONVECTION

انتقال گرما

هنگامی که قسمت‌های زیرین یک مایع یا گاز تحت تاثیر گرما قرار گیرد، گرم و منبسط شده و از غلظت آن کاسته می‌شود و در نتیجه به سوی بالا روان گردیده و در واقع گرما را با خود منتقل می‌سازد و در مقابل قسمت‌های سرد بالا جای خود را با قسمت گرم شده عوض کرده و بسوی پائین جریان می‌یابد. یکی از نمونه‌های شناخته شده، انتقال گرما را می‌توان حرکت هوای گرم شده در سطح زمین و جایجا شدن آن با طبقات سرد بالایی هوا دانست.

FREEZING SOLIDIFICATION

انجماد

- ۱- عبور حالت جسم از مایع به جامد در اثر کاهش دما.
- ۲- انجماد عکس دوب است.

KIBLAH DEVIATION

انحراف قبله

زاویه‌ای که نصف النهار و یا جهت شمال هر نقطه با امتداد آن نقطه و شهر مکه بوجود می‌آورد این زاویه را در جهت گردش عقربه‌های ساعت اندازه‌گیری می‌کنند. گاهی اوقات انحراف قبله را نسبت به سمت جنوب نیز اندازه‌گیری می‌کنند.

بطور مثال انحراف قبله شهر تهران نسبت به جهت شمال برابر ۲۱۹ درجه و نسبت به سمت جنوب برابر ۳۹ درجه است.

PRINCIPALITY

امیرنشین

منطقه‌ای که در قلمرو یک شاهزاده یا یک امیر اداره شود و امیر یا شاهزاده مزبور در اداره آن دارای اختیارات قانونی باشد. مانند امیرنشین کویت و یا شاهزاده‌نشین موناکو و لیخن اشتاین.

AGGLOMERATION

انباشتگی

الف - حاشه‌های سهم فشرده و مراکمی که بخشی از یک شهر یا حومه آن را به صورت بی‌قاعده و بدون سلکی قرار گرفته باشد.

ب - نمو کردن و بزرگ شدن دراز ریز بخار آب موجود در هوا و تبدیل آن‌ها به قطره‌های آب قابل ریزش.

EXPANSION

انبساط

افزایش طولی، سطحی و حجمی اجسام و مایعات و گازها بر اثر ازدیاد دما.

میزان انبساط هر ماده از مشخصات آن ماده است.

عالت مایعات بر اثر افزایش دما منبسط می‌شوند و از جرم مخصوص آن‌ها کاسته می‌گردد.

در میان مایعات آب دارای حالت استثنائی است بدین معنی که اکثر آب را از دمای صد درجه سانتیگراد سرد کنیم به طور محکم منقبض می‌شود و جرم مخصوص آن افزایش می‌یابد و در دمای ۴ درجه سانتیگراد به منتهای بزرگی می‌رسد، سپس با کاهش دما منبسط می‌گردد و در دمای زیر صفر یخ می‌بندد و بر میزان انبساط آن افزوده می‌شود.

EXPANSION OF UNIVERSE

انبساط جهان

با تحلیلی که سبب به حرکت بطرف قرمز (—) ابری‌ها به عمل آمده است. نظریه جهان ساکی مبتنی بر گمان ایشیتین مردود گردید و در سال ۱۹۳۰ میلادی آ. ای. لیندن و چند نفر دیگر ضمن تحقیقات خویش به این نتیجه رسیدند که ابری‌ها (—) سحابی‌ها دارای حرکت عقب سببی هستند و همه اعضای جهان از یکدیگر دور می‌گردند و به اصطلاح جهان در حال انبساط است.

— جهان اسطاطی

DENSITY

انبوهی (Anbuheh)

الف - تعداد اشخاص و نفرانی که در یک کیلومتر مربع زندگی می‌کنند.

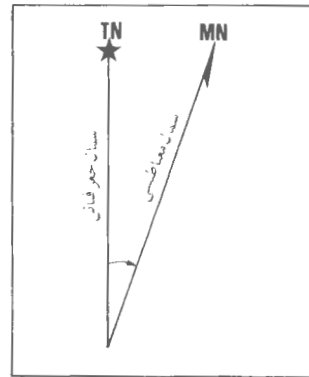
ب - تعداد خانه‌ها در یک کیلومتر مربع.

پ - تعداد اطاق‌های قابل زیست در کیلومتر مربع.

د - تعداد نفرانی که در یک اطاق قابل زیست زندگی می‌کنند.

انحراف مغناطیسی

زاویه میان شمال مغناطیس و شمال حقیقی (یا جغرافیائی) را انحراف مغناطیسی می‌نامند. این زاویه را بر حسب درجه و متناسب با قرار گرفتن امتداد شمال مغناطیس در سوی حاور و یا باحتر شمال حقیقی به انحراف خاوری و یا انحراف باحتری می‌نامند که مقدار آن بر حسب زمان و موقعیت مکانی نقاط مختلف فرق می‌کند.



انحراف مغناطیسی (خاوری)

انحلال

عمل حل شدن مواد در یک محلول، مانند حل شدن نمک در آب. بارندگی و جریان آب رودخانه‌هایی از عوامل مهم انحلال مواد متشکله پوسته زمین و حمل آن از حاشی به جای دیگرند. بطور مثال رودخانه می‌سی‌سی‌پی سالانه ۱۳۶ میلیون تن مواد پوسته زمین را در خود حل کرده و به دریا می‌ریزد. بطور متوسط هر کیلومتر مربع از سطح زمین سالانه حدود ۲۵ تن از مواد خود را به طریق انحلال از دست می‌دهد.

اندامگانی (Andāmānī)

الف - از نظر علمی به ترکیبی از کربن و نیتروژن گفته می‌شود. ب - وابسته به موجودات زنده و بقایای آنها، مانند رسوبات صدفی، آهکی، مرجانی و لجن‌های دریایی و کج.

اندکس نقشه

عبارت از فهرست یا راهنمایی است که در نقشه‌ها و یا در قسمت آخر اطلس‌های جغرافیائی به چاپ می‌رسد. به وسیله فهرست فوق می‌توان اسامی مورد نظر را با سرعت بیشتری به دست آورد. معمولاً این گونه فهرست‌ها به ترتیب حروف الفباء تهیه شده و در مقابل هر نامی مختصات جغرافیائی آن نقطه، و یا موقعیت اختصاصی آن نام نسبت به تقسیمات مداری مشخص می‌گردد. در اطلس‌های جغرافیائی کنار موقعیت و یا

مختصات آن عارضه جغرافیائی شماره صفحه‌ای که آن نام در آن درج گردیده است نیز، قید می‌شود.

انرژی

انرژی دارای مفهوم بسیار وسیعی است و یکی از اساسی‌ترین مفاهیم فیزیکی بشمار می‌رود. انرژی را بطور ساده توانایی و یا قابلیت انجام کاری دادند. از انواع انرژی انرژی‌های اتمی، پتانسیل (یا دجیتهای)، نشععی، سینتیک (یا حرکتی)، شیمیایی و هسته‌ای را می‌توان نام برد.

انرژی اتمی

انرژی حاصله از سلاسی شدن هسته‌اتم را انرژی اتمی می‌گویند. عمل شکافت هسته و یا اتم شکلی یعنی تقسیم هسته اتم به دو جزء تقریباً هم جرم، معدوم شدن جرم بام بارها شدن انرژی در شکافت هسته اورانیوم واقع می‌شود. اگر هسته اتم اورانیوم نوترونی دریافت کند، سخت‌ناپاوار می‌شود و به دو جزء می‌شکافت و در ضمن شکافت نوترونی‌هایی آزاد می‌گردند و در سبده انرژی مضاعفی رها می‌شود.

انرژی هسته‌ای

انرژی موجود در فعل و انفعالات هسته‌ای انرژی خورشید و ستارگان از نوع انرژی هسته‌ای است.

انسان

خاوری از شاخه پستانداران و از گونه آدم‌ها که به سبب رشد کامل معر از دیگر خاوریان ممتاز است و قدرت بیان افکار بوسیله تکلم و خط دارد و تنها خاوری است که همیشه ایستاده راه می‌رود.

بسیاری از دانشمندان تاریخ پیدایش انسان را از یک میلیون تا یکصد هزار سال قبل می‌دانند، از این مدت فقط از حدود ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح آثار مضبوط از تاریخ انسان بدست آمده و دوره طولانی ما قبل آن را ما قبل تاریخ می‌خوانند.

مقایسه انسان با سایر خاوریان نشان می‌دهد که انسان با میموسهای موسوم به آدم‌ها رابطه نزدیک دارد. بدین جهت دانشمندان معتقدند که این گونه میموسها و انسان از یک نسل مشترک جدا شده‌اند.

انسان کرومانیون

گروهی از انسانهای مافیل تاریخ که بقایای آنها در سال ۱۸۶۸ در غارهای کرومانیون واقع در جنوب فرانسه کشف شد. انسان کرومانیون در اواخر دوره عصر حجر قدیم در جنوب

شهرها و در نتیجه به انفجار جمعیت می‌انجامد.

انفصال DISCONTINUITY

الف - صفحه و یا لایه نازکی که توده‌های آب را از نظر درجه حرارت و غلظت از هم جدا سازد.

ب - جبهه و یا ناحیه‌ای که توده‌های هوا را از نظر درجه حرارت و میزان رطوبت از یکدیگر جدا کند.

پ - تغییر ناگهانی و غیر منتظره ساختمان زمین در ژرفای زیاد.

انقباض CONTRACTION - انبساط -

انقلاب تابستانی SUMMER SOLSTICE - انقلابین -

انقلاب زمستانی WINTER SOLSTICE - انقلابین -

انقلابین SOLSTICES

دو نقطه از گردشگاه زمین (مدار زمین) به دور خورشید که زاویه میل خورشید در آن دو نقطه به حداکثر شمالی و جنوبی خود برسد، به عبارت دیگر هنگامیکه خورشید در نقطه انقلاب تابستانی یا بر فراز مدار راس‌السرطان قرار می‌گیرد طول روزهای نیمکره شمالی به حداکثر رسیده و در مقابل از تعداد ساعات تاریکی شب کاسته می‌شود و بر عکس زمانی که خورشید ظاهری در نقطه انقلاب زمستانی یا بر فراز مدار راس‌الجدي واقع می‌شود طول روزهای نیمکره شمالی به حداقل خود رسیده و بر عکس بر تعداد ساعات تاریکی شب افزوده می‌گردد (این وضعیت در نیمکره جنوبی بر عکس نیمکره شمالی است). (تصویر در صفحه ۵)

انکسار REFRACTION - شکست -

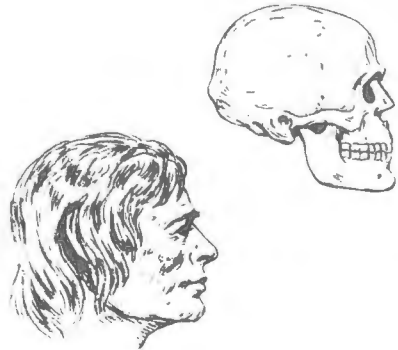
انکسار جوی ATMOSPHERIC REFRACTION

انحراف شعاعهای تابنده از اجرام آسمانی در عبور آنها از طبقات جو زمین را انکسار جوی گویند.

انگپایه (Angpāyeh) BENCH MARK

نقطه ارتفاعی دائمی است که بوسیله علائم طبیعی (مانند تخته سنگهای بزرگ و ثابت) یا مصنوعی (مانند علامتهای بتونی) در زمین نشانه گذاری و یا نصب گردیده و ارتفاع آن نسبت به سطح مبنای معینی (مانند سطح متوسط آب دریاها یا آزاد)، تعیین گردیده است. این نشانه‌ها را معمولاً "به وسیله شماره مشخص می‌سازند و ارتفاع آن را در کنار شماره

باختری اروپا می‌زیست و از جنس انسان کنونی بوده است. انسان کرومانیون مستقیم می‌استاد و طول قامتش حدود ۱/۸۰ متر بود. بقایای اسلحه، ابزار، زبور آلات و نقاشی‌های رنگارنگی که در بعضی غارهای جنوب فرانسه و شمال اسپانیا بدست آمده، حاکی از فرهنگ پیشرفته انسان کرومانیون است.

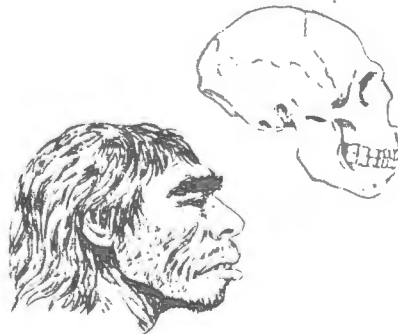


آدم کرومانیون - ۳۵ هزار سال پیش

انسان نئاندرتال NEANDERTAL MAN

انسانی که بقایای استخوان او نخستین بار در دره کوچکی در آلمان غربی به سال ۱۸۵۶ پیدا شد.

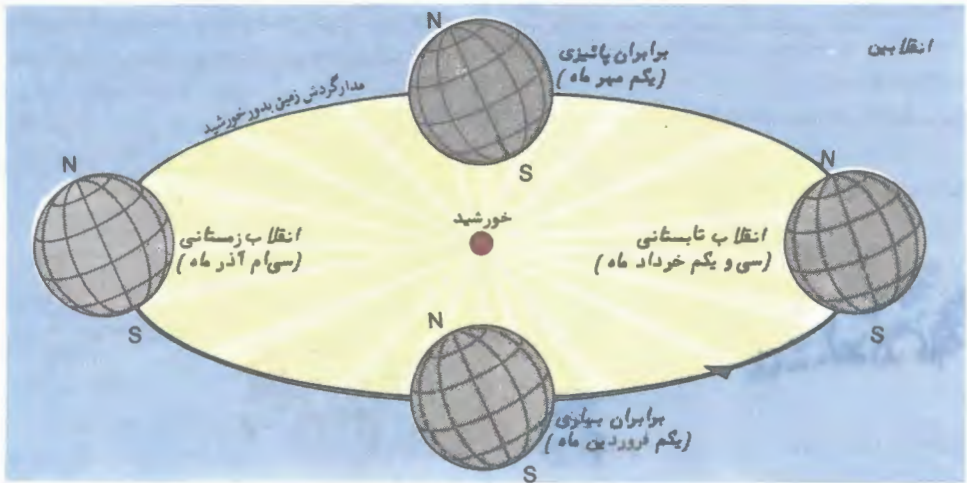
بقایای استخوان و فرهنگ انسان نئاندرتال به مقدار فراوان در غرب اروپا در نهشتهای دوره فترت بین دوره یخچالی سوم و آخرین دوره یخچالی بدست آمده است.



آدم نئاندرتال - ۲۰۰ هزار سال پیش

انفجار جمعیت POPULATION EXPLOSION

افزایش ناگهانی جمعیت یک واحد سرزمینی را انفجار جمعیت می‌گویند. این رویداد به دلیل کاهش مرگ و میر و افزایش موالید پدید می‌آید و با عوامل دیگری مانند بیکاری روستائیان نبودن امکانات زیست در روستاها و تمرکز کارخانجات و مراکز فرهنگی در شهرها و امثال آن نیز به هجوم روستائیشان به



EURASIA

اوراسیا

نامی که از دو کلمه اروپا و آسیا گرفته شده و به دو قاره مزبور به عنوان یک قاره داده شده است. (تصویر در صفحه ۲۸)

URANUS

اورانوس

هفتمین سیاره از منظومه شمسی که در سال ۱۷۸۱ توسط ویلیام هرشل کشف شد. قطر این سیاره ۵۱۸۰۰ کیلومتر است و زمان گردش بدور خورشید ۸۴ سال و ۴/۷۴۵ روز به درازا می‌گردد. فاصله متوسط اورانوس از خورشید حدود ۲۰۸۶۹۰۶۰۰۰ کیلومتر است و زمان چرخش حول محور قطبین آن حدود ۳ + ۲۴ ساعت است و ۱۵ قمر در پیرامون آن گردش می‌کند. اورانوس از نظر بزرگی سومین سیاره منظومه شمسی بحساب می‌آید. — سیارات (تصویر در صفحه ۵۱)

URANOGRAPHY

اورانوگرافی

دانشی که آسمان‌ها و جرم‌های آسمانی را توصیف می‌کند و با ساختن نقشه‌های آسمانی سر و کار دارد.

URANIUM

اورانیوم

فلزی است نقره‌فام و سخت‌وراد یواکتیو با فعالیت شیمیایی زیاد. اورانیوم که با علامت شیمیایی U مشخص می‌شود دارای سه ایزوتوپ طبیعی است که اعداد جرمی آنها ۲۳۴، ۲۳۵ و ۲۳۸ است. فلز اورانیوم را م — ه — کلا پروت در سال ۱۷۸۹ کشف کرد و تا سال ۱۹۴۰ کاربرد صنعتی چندانی پیدا نکرد. موضوع شکافت هسته اورانیوم و آزاد شدن انرژی اتمی اهمیت فراوان این عنصر را آشکار ساخت.

ORTHODROME

اورتودروم

کمانی از دایره عظیمه کره زمین که کوتاه‌ترین فاصله میان دو نقطه را تشکیل می‌دهد.

مهر آن، یادداشت می‌کند. محل اینگونه نشانه‌ها روی نقشه با علامت B.M. مشخص می‌شود.

ANGLICAN

انگلیکان

یا "جامعه انگلیکان" هیئت کلیساهایی که با کلیسای انگلستان از یک خانواده‌اند، مانند کلیسای اسقفی پروتستان آمریکا، کلیسای اسقفی اسکاتلند و کلیسای ایرلند و غیره.

OPISOMETER

اوپیسومتر

دستگاهی است مرکب از چرخ دندانه‌داری که به یک صفحه مدرج متصل شده و برای اندازه‌گیری فاصله راه‌ها و طول خطوط روی نقشه بکار می‌رود.

AUGUST

اوت

— ماه‌های اروپایی

APOGEE

اوج (Owj)

نقطه‌ای از مدار بیضی شکل گردش ماه یا ماهواره بدور زمین که دورترین فاصله را از کره زمین داشته باشد. فاصله کره ماه از زمین در مرحله اوج ۴۰۶۶۷۹ کیلومتر است. (تصویر در صفحه ۵۴)

ALTIMETER

اوجنما (Owjnema)

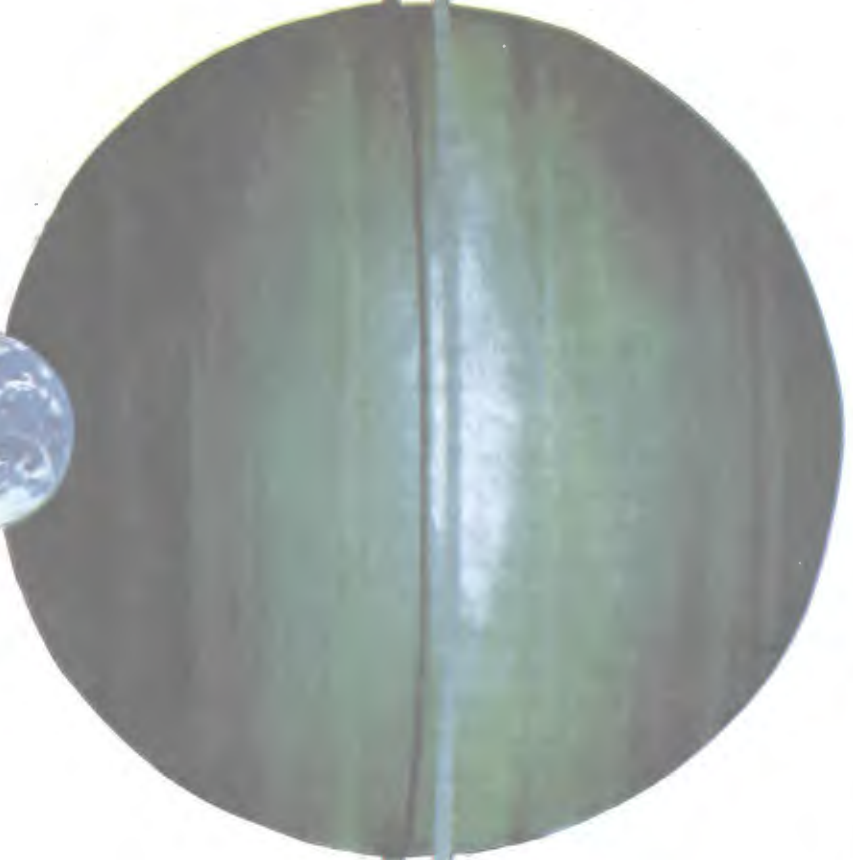
— ارتفاع سنج

ODOMETER

اودومتر

دستگاهی است که به یک چرخ متصل شده و مسافت میان نقاط را بر اساس گردش چرخ مزبور تعیین می‌کند. این دستگاه که سابقاً "در نقشه‌برداری بکار می‌رفته است. توسط شخصی بنام Christopher Saxton اختراع گردیده و نوعی از آن حتی به پای شخص پیاده متصل می‌شده است.

زمین



اورانوس

اوردوویسین

ORDOVICIAN

دومین دوره زمین شناسی از دوران دیرین زوی که مربوط به ۵۰۰ تا ۴۴۰ میلیون سال قبل است .
— ازمنه زمین شناسی

اورست

EVEREST

قله‌ای است به بلندی ۸۸۴۷ متر واقع در کوهستان هیمالیا که مرتفع‌ترین نقطه کره زمین بشمار می‌رود .
کوه اورست از نام سر جورج اورست مهندس نقشه‌بردار انگلیسی که از ۱۸۰۶ تا ۱۸۴۳ در اداره نقشه‌برداری هندوستان خدمت کرده است اقتباس گردیده ، تحت سرپرستی و راهنمایی‌های این مرد قله بذور روی نقشه‌ها منتقل گردید و ارتفاع آن از راه مثلثاتی محاسبه شد .



اورست

اورمزد (Urmozd)

JUPITER

— برجیس

اوزون

OZONE

نوعی گاز اکسیژن با فرمول O_3 که آبی کم‌رنگ بوده و به مقدار خیلی کم در جو زمین و به مقدار بیشتر در ارتفاع ۲۰ تا ۳۵ کیلومتری سطح زمین دیده می‌شود . این لایه باعث جذب اشعه ماورا بنفش نور خورشید گردیده و موجبات گرم شدن لایه‌های زیرین آتمسفر زمین را فراهم می‌آورد .

اولیگوسن

OLIGOCENE

دومین دوره زمین شناسی از دوران نوزوی مربوط به ۴۰ تا

۲۵ میلیون سال پیش .

— ازمنه زمین شناسی

اونس

OUNCE

مقیاسی است برای سنجش وزن در کشورهای انگلیسی زبان . هر اونس برابر $\frac{1}{16}$ پوند یا ۲۸/۳۴۹۵ گرم است . این مقیاس از چند سال پیش در انگلستان منسوخ شده و به وسیله سیستم متریک جایگزین گردیده است .

اهله قمر

PHASES OF THE MOON

(Ahelleh-ye-qamar)

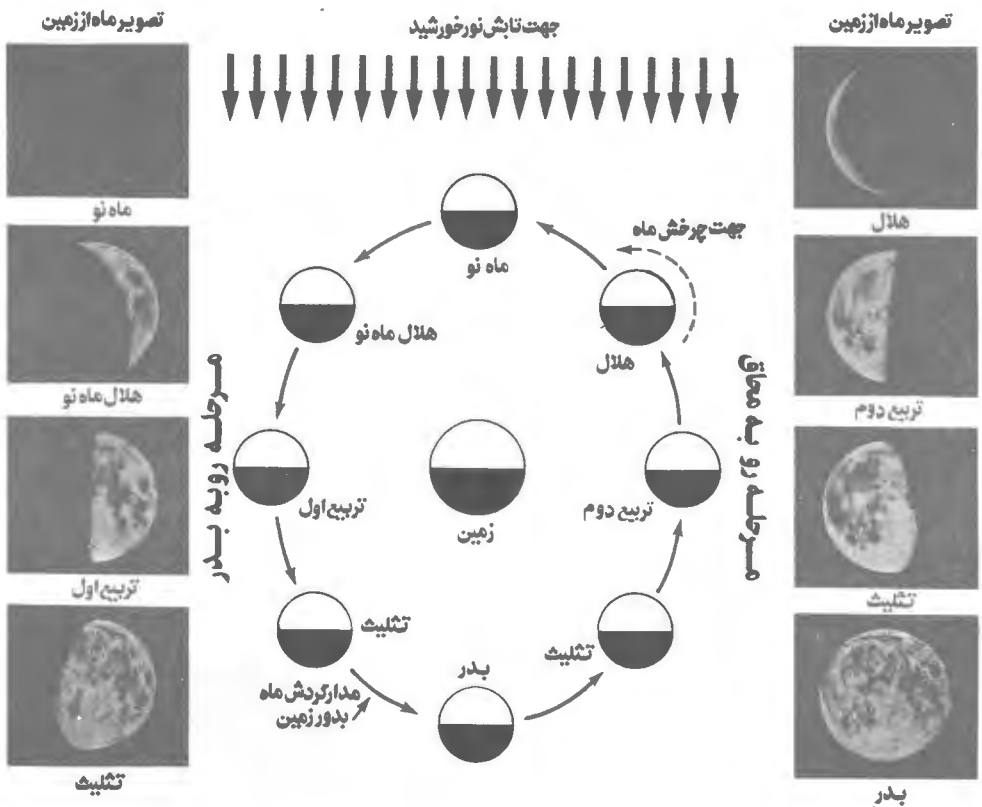
اهله قمر یا صور ماه عبارتست از حالات و اشکال ظاهری کره ماه که بر اثر گردش کره بذور زمین به نظر می‌رسد که به این حالات ماه نو ، بدر و امثال آن می‌گویند . علت وقوع این صور تغییر موقعیت کره ماه نسبت به زمین و خورشید است ، بدین ترتیب که هنگامیکه کره ماه میان زمین و خورشید واقع می‌شود نیمه تاریک آن متوجه زمین می‌گردد و در واقع چیزی از آن به چشم نمی‌خورد ، این مرحله را ماه نو می‌نامند . اندکی بعد از این مرحله باریکه روشنی از ماه به چشم می‌خورد ، به آن هلال ماه نو می‌گویند که با گردش ماه به دور زمین بتدریج بر ضخامت آن افزوده شده و هنگامیکه ماه به مدار خود بذور زمین رسید ، ربعی از ماه روشن می‌گردد که به آن تربیع اول می‌گویند . با پیموده شدن نیمی از مدار ماه بذور زمین و قرار گرفتن کره زمین میان ماه و خورشید نیمه کاملی از آن که از نور خورشید رنگ گرفته است رو به زمین قرار گرفته و بصورت دایره یا قرص کاملی جلوه‌گر می‌شود که به آن ماه شب چهارده یا بدر می‌گویند . (تصویر در صفحه ۵۳) مراحل ماه نو تا قرص کامل یا بدر را که در واقع نیمه یکم ماه قمری است مرحله رو به بدر می‌نامند که همواره قوس روشن ماه بسوی باختر قرار دارد .

نیمه دوم ماه قمری یعنی مراحل را که ماه پس از قرص کامل یا بدر بسوی ماه نو طی می‌کند مرحله محاق می‌گویند که در واقع عکس مرحله یکم است و قوس روشن ماه در تمام مراحل رو بسوی خاور قرار دارد . بطور کلی کره ماه ، کره زمین و کره خورشید در دو مرحله ماه نو و قرص کامل یا بدر روی یک خط مستقیم قرار دارند ، در حالیکه خط واصل میان مراحل تربیع یکم و تربیع دوم عمود بر خط واصل میان کره زمین و کره خورشید است .

ایالت

STATE

۱ — در تقسیمات سیاسی کشورها ، عنوان هریک از منطقه‌های وسیعی است که معمولاً " بزرگترین واحد تقسیماتی را تشکیل می‌دهند . محدوده و حدود اختیارات ایالات در کشورهای



اهله قمر

سنگ انجام می‌شد و در حال حاضر با مواد نفتی انجام می‌گیرد.

TRIBE

ایل

جماعتی از مردم که از نظر فرهنگ و پاره‌ای از خصوصیات حرفه‌ای و آداب و رسوم نسبتاً مشترک بوده و قاعدتاً در یک منطقه جغرافیائی بصورت مجتمع و یا پراکنده زندگی کنند.

ایل با عشیره که معمولاً به حرفه‌گله‌داری اشتغال دارند، بمنظور تعلیف دامهای خویش برحسب فصل از جایی به جای دیگر کوچ میکنند.

TRIBE ROAD

ایل راه

جاده‌ای که مردسیر عشایر را به گرمسیر آنان متصل نماید. طول این راه ممکن است تا چند صد کیلومتر نوسان داشته باشد.

کوناگون متفاوت است و بستگی به مفررات و قوانین اساسی آن کشورها دارد.

۲- در سازمان اداری و سیاسی سابق ایران قسمتی از مملکت که دارای حکومت مرکزی و ولایات حاکم نشین جز بود.

HYDROGEN

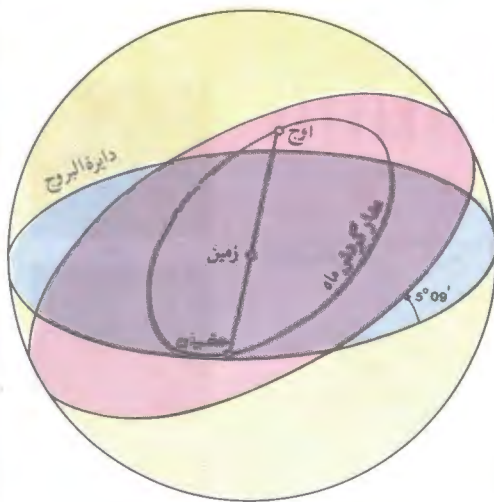
نیدرژن

یکی از مهمترین گازهای تشکیل دهنده جو زمین که سبک، بی‌رنگ، بی‌بو و بی‌مزه بوده و در آب بسیار کم محلول و سبکترین گازها به شمار می‌رود. یک لیتر آن ۰/۰۹ گرم وزن دارد و ۱۴/۴ مرتبه سبکتر از هواست. وزن مخصوص آن ۰/۰۰۷ است و در ۲۵۲/۸ درجه به جوش می‌آید و در ۲۵۹- درجه منجمد می‌گردد. نشانه اختصاری H.

FUELLING STATION

ایستگاه سوختگیری

بندرگاهی که قاعدتاً برای سوختگیری کشتی‌ها ایجاد شده باشد. در گذشته سوختگیری در این بندرها بوسیله زغال



اوج

AYLUL

ایلول

۱- ماه نهم تقویم شمسی پارهای از کشورهای عربی که بین ماه آب و ماه تشرین اول واقع شده و دارای ۳۰ روز است و با ماه سپتامبر منطبق است.

۲- دوازدهمین ماه تقویم عرفی و ششمین ماه تقویم دینی یهود، دارای ۲۹ روز است و با قسمتی از ماه اوت و قسمتی از ماه سپتامبر منطبق است.

PLATFORM

ایوان (Eyvān)

زمین سکو مانند و تقریباً "تراز و مسطحی" را گویند.

ABRASION PLATFORM

ایوان شست و سابی

(E-e-shost-o-sābi)

تخته سنگ نسبتاً "صاف و صیقلی" شده‌ای که تحت تاثیر شست و ساب قرار گرفته باشد.

شست و ساب



اسکرایینگ



AVALANCHE WIND

باد بهمن

باد شدیدی که بر اثر ریزش بهمن تولید می‌شود و اغلب با ویرانی و مرگ حتی در فاصله قابل ملاحظه‌ای از محل ریزش بهمن همراه است.

LEEWARD

باد پناه

طرفی که به دلیل وجود عارضه‌ای مثل یک رشته کوه یا یک دیواره، از باد در پناه باشد.

SOLAR WIND

باد خورشیدی

موادی که بشیر پروتون و الکترون هستند و از خورشید به فضا جریان دارند. خورشید به طور عادی در هر ثانیه میلیون‌ها تن از جرم خود را به علت باد خورشیدی از دست می‌دهد.

LOESS

باد رفت (Bād roft)

گرد و خاک زرد رنگی که بوسیله باد حمل گردیده و در پشت دیواره جویبارها انباشته شده باشد. از این گونه مواد در حاشیه صحرا و مناطق خشک آسیای مرکزی فراوان دیده می‌شود، که غالباً از فلاتهای خشک بدانجا برده شده‌اند. این مواد که از جنس ایلز نرم است تقریباً "زرد رنگ بوده و سرشار از مواد آهکی است و به دلیل دارا بودن خلل و فرج فراوان آب باران را بسرعت از خود عبور داده و همواره سطح آنها خشک است. باد رفت با گیاهاک مخلوط، و خاک کشاورزی بسیار مرغوبی را بوجود می‌آورد.

DEFLATION

باد روبش (B - rubash)

حاک شدن و روبیده شدن موادی مانند خاک و شن و ماسه از سطح زمین بوسیله باد. معمولاً "باد ذرات ریزتر را در ارتفاعات بلندتری حمل کرده و گاه تا مسافت‌های طولانی آن را جابجا می‌سازد.

SQUALL

باد زد (B - zad)

باد و بوران

SIMOON

باد سام (B-e-sām)

باد خیلی گرم و خشک و شن آلودی که در فصل بهار و تابستان در شمال صحرای افریقا و کویرهای عربستان می‌وزد. میزان ش و گرد و غبار این باد بحدی است که دید را به چند متری و گاه تا صفر کاهش می‌دهد و تپه‌های شنی را جابجا کرده و تغییر شکل می‌دهد. این گونه باد را درجین شمالی و مغولستان جنوبی بر حسب رنگ گرد و غبار، باد سیاه و یا باد زرد می‌نامند. - دیو باد

CHANNEL/STRAIT

باب

- تنگه

SWAMP

باتلاق

پهنه‌ی رطوبتی است که از طوب اسباع شده و معمولاً رستنهایی بر آن روئیده باشد و برخلاف مادیاب، پوشیده از آب نیست، و برخلاف حلاش، نبات آن در حال بوسیدن نیست، گرچه عرفاً واژه‌های باتلاقی و مادیاب و حلاش به طور مترادف استعمال می‌شوند.

رجوع باتلاقی مانی از مانعی بر سر راه رهکشی آب است، که ممکن است به سبب همواری سطح زمین یا وجود سنگهای معوق باشد و یا روئیدن گاهان پس آید.

MANGROVE SWAMP (bātīāq-e-kārnā)

باتلاقی که از اسوه درخت کرنا پوشیده شده باشد. این گونه باتلاقی‌ها معمولاً در دلتای رودخانه‌های مناطق سیمکانی (استوایی) مانند رودخانه آمازون در آمریکای جنوبی و رودخانه سحر در افریقا و کرانه‌های پاره‌ای از جزایر استوایی مانند سوماترا و برنو دیده می‌شود.

BATHOLITH

باثولیت

پوده کمندی شکلی از نخته سنگهای دج مانند که بیشتر از نوع سنگ حارا هستند. حجم این پوده معمولاً از حجم توده سنگهای آذرین بیشتر بوده و گاه پهنه‌ای را به وسعت صدها کیلومتر مربع در بر می‌گیرد. این توده معمولاً بوسیله لایه‌ای از سنگ و مواد دیگر پوشیده شده و برای آشکار ساختن آنها باید لایه مرسوم به کنار رده شود. ترکیب ثانوی بیشتر برحسب سنگها و رشته کوهها از این گونه سنگها بوده و ظاهراً تا زرفای قابل توجهی به درون زمین گسرس یافته‌اند.

صورت در صفحه ۷۸).

WEST

ناحیه

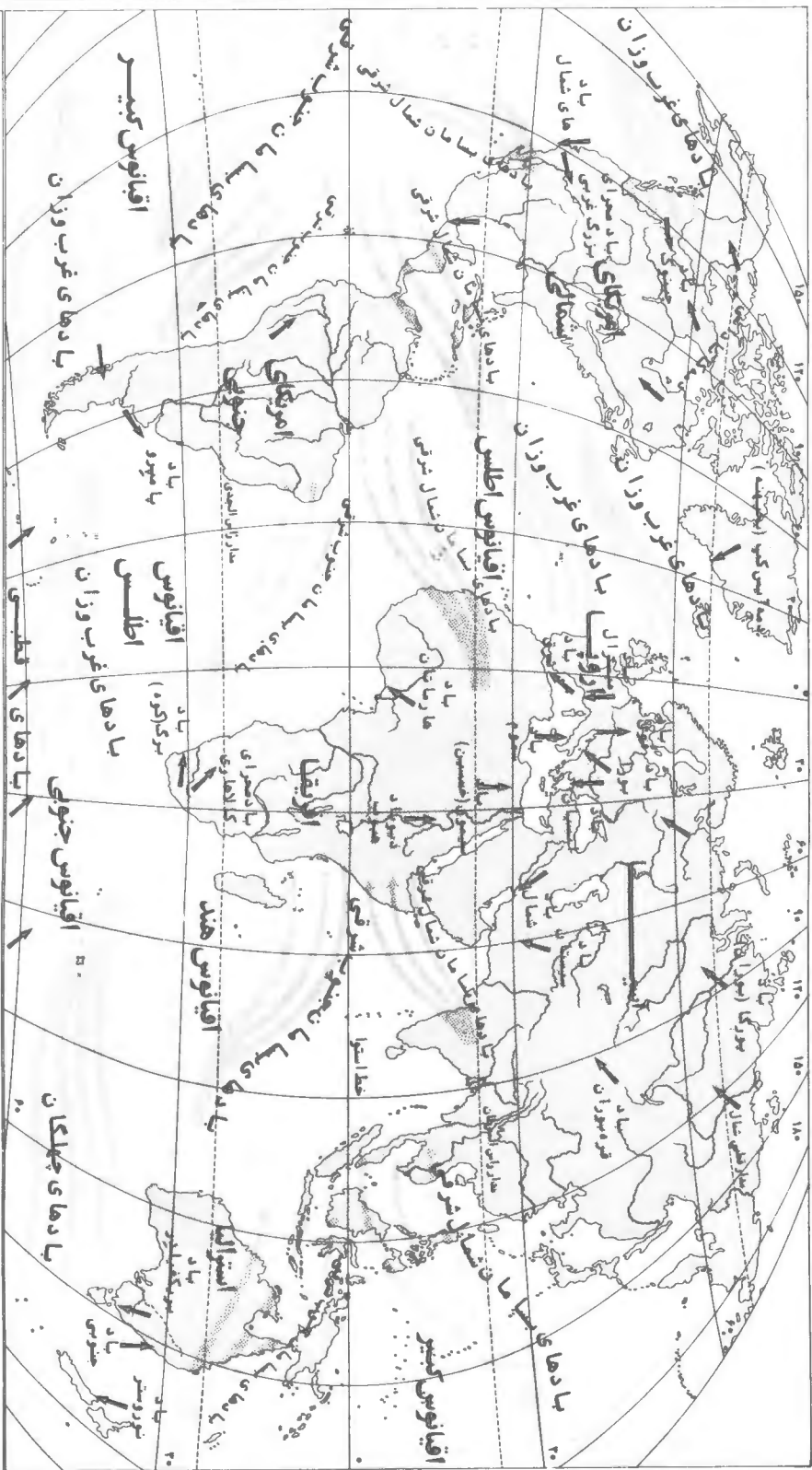
- چهار جهت اصلی

WIND

باد

جریان افقی هوا با سببهای متفاوتی از آرام‌ترین تا شدیدترین آنها که بوفند نام دارد.

- طغیانی بوفورت (نصف بادها صفحه ۵۶).



بادهای اصلی
بادهای محلی

نقشه بادهای
جهان

مقیاس ۱:۱۲۵۰۰۰۰۰۰۰۰

این باد از یک سو باعث خسارت و تلفات زیاد می شود و از طرف دیگر کثافات موجود در سر راه را بگلی پاک می کند .
این باد از اردیبهشت ماه شروع می شود و تا امداد ماه ادامه می یابد .

شدت باد صد و بیست روزه به حدی است که غرس درختان را مشکل می سازد و به همین جهت بخشی از سیستمان که در مسیر آن واقع است از درخت عاری است .
باد صد و بیست روزه را باد سیستمان نیز می نامند .

COLD WIND

باد صرصر

باد شدید و سرد را گویند .

CROSS WIND

باد عرضی

بادی که عمود بر جهت مسیر یک جسم متحرک بوزد ، این باد بویژه در فن هوانوردی در حور اهمیت است .

PREVAILING WIND

باد غالب

بادی که غالباً " از جهت معینی بوزد و وفور آن از سایر بادهای آن منطقه بیشتر باشد .

ANABATIC WIND

(B-e-farāro) باد فرارو

گونه ای باد محلی که از کوهستان بسوی دشت ها و مناطق کم ارتفاع وزیدن باید . علت وزیدن این گونه بادهای ، گرم شدن و بالا رفتن هوای مناطق کم ارتفاع در روز و بر شدن محل های فروبار (کم فشار) بسویله هوای خنک و سرد ناحیه کوهستان است .

باد مرو رو در مقابل باد فرارو قرار دارد .

KATABATIC WIND

(B-e-foruro) باد فرو رو

نوعی باد محلی که معمولاً " شبها می وزد و علت وزش آن ، جابجا شدن هوای سرد کوهپایه ها و دره ها و همچنین ، عبور هوا از فراز یخبه نه ها است . چون هوای کوهستان و یخبه نه ها گرمای خود را به دلیل تشعشع بسرعت از دست می دهد و سرد می شود ، لذا هوای بالای آن تحت تاثیر نیروی ثقل زمین رو به پائین جریان یافته و باد فرو رو را پدید می آورد .

WINDWARD

بادگیر

۱ - طرفی از هر عارضه که در معرض وزش باد قرار گرفته باشد .
۲ - برج هواکش که در خانه های قدیمی (مخصوصاً " در نواحی خشک و گرم مانند مناطق کویری) برای تهویه قسمتهای زیرین ساختمان می ساختند . مجرای بادگیر از سرداب و زیرزمین تا بالاتر از بام ادامه دارد و درون آن بوسیله تپه های آجری به مجراهای چندی تقسیم می گردد .
(تصویر در صفحه ۵۸)

ANEMOMETER

باد سنج

دستگاهی است که سرعت و جهت وزش باد را اندازه گیری می کند . این دستگاه معمولاً " از چند نیمکره مجوف فلزی کوچک تشکیل یافته که بر اثر برخورد با باد حول محور قائمی به گردش در آمده و حرکت آنها توسط وسایل برقی ثبت و اندازه گیری می شود .



بادسنج

SEISTAN WIND

باد سیستان

بادی که مخصوص ناحیه سیستان واقع در خاور ایران بوده و معمولاً " در فصل تابستان می وزد و سرعت آن گاه تا یکصد کیلومتر در ساعت می رسد . این باد را باد ۱۲۰ روزه نیز می گویند .

— باد صدوبیست روزه (نقشه بادهای صفحه ۵۶) .

EASTERLY

باد شرق وزان

بادی که از جانب خاور می وزد .

— (نقشه بادهای صفحه ۵۶) .

WIND BREAK

باد شکن

پناهگاههای طبیعی یا مصنوعی که جلوی سرعت و شدت باد را بگیرد . این گونه پناهگاهها از نظر کشاورزی در مناطق باد خیز بکار می رود .

SHAMAL

باد شمال

باد شدید خشک و غبار آلودی در فصل تابستان که در صحراهای عراق می وزد و موجب تیره و تار شدن آسمان می گردد . این باد شباهت زیادی به باد صد و بیست روزه ایران دارد .

HUNDRED TWENTY DAYS WIND

باد صد و بیست روزه

باد شمال خاوری سهمناکی که سرعتش گاه از صد و ده کیلومتر در ساعت تجاوز می کند و در ناحیه سیستان می وزد .

ANEMOGRAM

باد نگاشت

نموداری که سرعت و جهت باد بوسیله بادنگار ، بطور مداوم روی آن ثبت گردد . این نمودار تغییرات سرعت باد را که بر اثر برخورد با موانعی در سطح زمین پدیدار می گردد نیز مشخص می سازد .

WIND VANE

بادنما

دستگاهی است که برای نشان دادن سمت وزش باد بکار می رود . این دستگاه بطور ساده عبارت از تیغه گردانی است بشکل پیکان که روی پایه لولائی سوار شده و در نتیجه وزش باد تغییر سمت می دهد و جهت وزش باد را نسبت به چهار جهت اصلی مشخص می سازد .



بادنما

SQUALL

باد و بوران

باد شدید ناگهانی که مدت چند دقیقه به درازا کشیده و دفعتاً آرام گیرد . این گونه پادها معمولاً با رگبار و یا تگرگ سنگین همراه است و به آن باد زد نیز می گویند .

VENTS ALIZES

بادهای آلیزه

← بادهای سامان

TRADE WINDS

بادهای سامان

بادهایی که از مناطق نیمه استوایی بر فشار بسوی مناطق استوایی کم فشار می وزد . جهت این بادها که به آنها بادهای تجارتی نیز می گویند در نیمکره شمالی از سوی شمال خاوری و در نیمکره جنوبی از سوی خاور است . از ویژگی این بادها نظم خاص آنها به خصوص بر فراز اقیانوسهاست .

این بادها بر حسب اینکه در نیمکره شمالی یا در نیمکره جنوبی بوزند به ترتیب به دو نوع باد سامان شمال خاوری (با علامت N.E.T) و باد سامان جنوب خاوری (با علامت S.E.T) طبقه بندی می گردند .



بادگیر

WIND ROSE

باد نقش

تصویری که نشان دهنده میزان وزش باد از هشت جهت اصلی در یک مکان معین باشد . و به آن گلاباد نیز می گویند .



باد نقش (گلاباد)

ANEMOGRAPH

باد نگار

باد سنجی که سرعت و جهت بادهای سطحی را بطور خودکار ثبت و بصورت نموداری بنام باد نگاشت نمایش دهد .

سمال حاوری می‌وزد و امروزه به مفهوم کلیه بادهای موسمی مساهی که جهت آنها بر حسب فصلهای سال عوض شود به کار می‌رود. ورس این باد که اغلب با رطوبت و ریزش باران همراه است، عبیرات بزرگی را از نظر آب و هوا موجب می‌گردد. به این قبیل بادهای موسمی نیز می‌گویند.

بادهای واسامان
ANTI TRADE WINDS
(B-hā-ye-vasāman)

بادهایی که در سطح بالایی هوا و در جهت مخالف بادهای سامان در جریان باشند. مثلاً "اگر جهت بادهای سامان شمال حاوری باشد جهت این بادهای جنوب باختری خواهد بود. به این بادهای کسیر آلیزه نیز می‌گویند.

بادی
AEOLIAN
هر حیری که به دلیل ورس باد اتحاد شود مانند گرد و غبار و بیهای سی که در واقع درانی از بوسنه زمین است که به علت وزش باد از حائی به حای دیگر برده می‌شوند.

بار
BAR
واحد اندازه‌گیری فشار جو که برابر ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ دین بر یک سانتی متر مربع است. از احرا بار میلی بار نام دارد که $\frac{1}{1000}$ بار است.

باران
RAIN
قطره‌های آبی که از ابر به زمین می‌جکد. باران نام دارد. این قطرات بر اثر اساع و نکات بخار آب موجود در جو زمین بوجود می‌آید.

باران پناه
RAIN SHADOW
مناطقای که تحت حائل بوده و از تاسر بادهای باران را در امان باشد و فقط مقدار کمی باران دریافت دارد. این گونه مناطق معمولاً "مناطقای هستند که در پناه رشته‌ارتفاعات قرار گرفته‌اند. منطقه Western Ghats واقع در هندوستان یکی از نواحی نمونه‌ای است که دامنه‌های باختری آن تحت تاسر بادهای موسمی بارندگی فراوانی بالغ بر ۵۰۰۰ میلی‌متر دریافت می‌دارد. در حالیکه بارندگی دامنه‌های حاوری آن کمتر از ۶۰۰ میلی‌متر است.

باران چرخه‌ای
CYCLONIC RAIN
بارندگی در امتداد جبهه‌ها و قسهای گرم یک فروبار در مناطق غربی بالا و عرض متوسط جغرافیائی که دلیل سوار شدن ابرها روی یکدیگر و با قطع شدن یک بوده ابر سوسله بوده ابر دیگر و با در سطح یک غارت ریس نماید. این بارندگی‌ها بصورت باران‌های ریزی شروع شده و باد و

بادهای سامان شمالی
NORTHEAST TRADES
بادهایی از نوع سامان که در نیمکره شمالی می‌وزند.

بادهای تجارتی
TRADE WINDS
— بادهای سامان

بادهای سجدیه
STOWED WINDS
بادهایی که بر اثر برخورد به کوه متوجه دره‌ها و کدرگاهها و فلهای مرتفع شده و بر شدت آن افزوده شده باشد.

بادهای چهلگان
BOARING FORTIES
(B-hā-yā-chehel-jān)

بادهایی که در سراسر سال بر افیابوسهای نیمکره جنوبی بین عرضهای ۴۰ و ۶۰ درجه جنوبی از سوی غرب می‌وزد و چون مایعی در سر راهشان نیست دارای ورتی منظم و بسیار شدید هستند. بادهای چهلگان، نوعی از بادهای غرب وزان می‌باشد.

بادهای سیارهای
PLANETARY WINDS
آن دسته از بادهایی که به دلیل گردش کلی هوا پدید می‌آید. از انواع این گونه بادهای سامان و باد غرب وزان را می‌توان نام برد.

بادهای شرق وزان قطبی
POLAR EASTERLIES
بادهای شدید بسیار سردی که از در مناطق قطبی به جانب بواخی معتدل می‌وزد. جهت این بادهای به سمت جرجش زمین در نیمکره شمالی از شمال شرقی و در نیمکره جنوبی از جنوب حاوری می‌باشد.

بادهای غرب وزان
WESTERLIES
بادهای غربی شدیدی که بین عرضهای ۴۰ و ۶۰ درجه در هر یک از دو نیمکره شمالی و جنوبی می‌وزند.

بادهای قطبی
POLAR WINDS
باد سردی که از مناطق قطبی سوی مناطق معتدل می‌وزد. جهت ورس این باد در نیمکره شمالی از شمال حاوری و در نیمکره جنوبی از جنوب حاوری است.

بادهای کسیر آلیزه
VENTS CONTRE ALIZES
— بادهای سامان

بادهای موسمی
MONSOON
این باد در اصل از لغت عربی موسم اقتباس گردیده و خاص قسهای شمال باختری اقیانوس هند و دریای عمان است. این باد به مدت ۶ ماه از سوی جنوب باختری و ۶ ماه از سوی

ایر به بلورهای یخ مبدل می‌گردد و با جذب آبهای محاور شروع بدرتشدن و بالاخره ریزش می‌نماید.

CONVECTION RAIN

باران همرفت

(B-e-hamraft)

بارانی که بر اثر عمل انتقال گرما در جو ریزش نماید. رطوبت موجود در هوا یا گرم شدن لایه‌های زیرین آن بوسیله عمل انتقال گرما به طبقات بالای جو رفته و با تماس با لایه‌های سرد حوبه غفله اشباع رسیده و بخار آب موجود در آن به صورت ابر آسکار می‌گردد.

عمل انتقال گرما گاه آتسان شدید و قوی است که ابرهای حاصله به صورت عمودی به اعماق آسمان نفوذ نموده و در آب موجود در آن آتچان اساع می‌گردد که باران‌های شدید و سیل آسانی که اغلب با سوفا همراه است بدستال می‌آورد. این اعمال بیشتر در بعد از ظهرهای روزهای شواحي سمکائی روی می‌دهد.

RIVER LOAD

بار رود (Bār-e Rud)

موادی که بوسیله آب یک رودخانه حمل می‌گردد. این مواد ممکن است به صورت محلول یا معلق باشد و هم چنین به زار، و قطعاتی که در امتداد مسیر رودخانه بوسیله آب حمل می‌گردند نیز گفته می‌شود.

RAINFALL

بارش

در آب کوچک آب موجود در بخار آب پس از رسیدن به حد تکاثف، به ابر درگون شده و در فضا ساور می‌گردد. ابر به هم پیوستن این ابر، دانه‌های آب پس از آن در فضا موجود می‌آید که تحت تاثیر نیروی کشش زمین به صورت قطره‌های باران یا برف و برف به سوی زمین سرازیر می‌گردد که بعد از آن را در یک مدت معین با دستگاه باران سنج اندازه می‌گیرند. روش‌مهمه میزان بارندگی هر منطقه به داده‌های موجود در آن منطقه بستگی دارد و همچنین تغییرات فصلی نیز در آن میزان موثر است. از نظر هواشناسی بارندگی بعد از فصل زمستان در حد متوسط ترین سالانه آن منطقه در ماه‌ها و فصل‌های مختلف سال.

RAIN GAUGE

بارش سنج

دستگاهی که برای اندازه‌گیری میزان بارش باران بکار رود این دستگاه از یک قیف به قطر ۱/۵ یا ۲/۵ متر تشکیل یافته که به دهانه یک طرف سینه‌ای متصل گردیده و آب باران را به درون ظرف مزبور منفل می‌سازد. این ظرف آب باران را در یک مدت معین در خود جمع کرده و سپس آبهای جمع شده را به ظرف مدرج دیگری که هم قطر قیف مورد بحث است

بوران شدید توام با هوای سردی را به همراه دارد.

MAIZE RAINS

باران ذرت

یکی از شدیدترین بارندگی‌هایی که در طول سال در نواحی افریقای خاوری ریزش می‌کند. زمان این بارندگی بین فروردین و تیر ماه است.

BLOOD RAIN

باران سرخ

باران قرمز رنگی که لکه‌های سرخ شبیه خون روی زمین به جای می‌گذارد. علت رنگ قرمز این باران که باران گل نیز نامیده می‌شود گرد و عباری است که از مناطق کویری همراه گرد باد به آسمان رفته و در طبقات بالا محبوس شده و با قطره‌های باران دوباره بر زمین بازگشته‌اند.

این گونه باران که بیشتر در ایتالیا دیده می‌شود نتیجه وجود گرد و عباری است که از صحرای افریقا به آسمان رفته است.

PLUVIOMETER

بارانسنج

— بارش سنج

RAIN WASH

باران شوئی

شسته شدن و لغزیدن مواد حاکی در سراسیمه‌ها بر اثر بارندگی‌های شدید. این وضعیت بیشتر در مناطق خشک و سبه خشک که فاقد گیاه باشد به جسم می‌چورد.

OROGRAPHIC RAIN

باران کوهزاد

بارانی که بر اثر برخورد بوده‌های مرطوب به کوهساز ریزش نماید. حتی‌که این عمل بدین ترتیب است که هوای مرطوب پس از برخورد به کوه بطرف بالا که سردتر است کشیده شده و پس از رسیدن به مرحله اشباع، به صورت قطره‌های باران در ارتفاعات ریزش می‌کند. این عمل هنگامی مؤثرتر صورت می‌گیرد که رشته ارتفاعات عمودی در برابر جریان هوای مرطوب وجود داشته باشد و از آن مؤثرتر زمانی است که امتداد رشته ارتفاعات بر مسیر جریان هوا عمود باشد. بدیهی است همواره دامنه‌ای که صرف به جریان باد مرطوب باشد، بهره بیشتری در مقایسه با دامنه دیگر، از باران خواهد برد.

MUD RAIN

باران گل (Bārān qel)

— باران سرخ

ARTIFICIAL RAIN

باران مصنوعی

بارانی که در نتیجه بارور کردن ابر ریزش نماید. یکی از طرق بارور کردن ابر با پاشیدن مواد فرار مانند اسیدریکریک جامد بر روی ابرهاست. در نتیجه این عمل آب موجود در

RAINFALL

بارندگی (Bārandegi)

← بارش

POWDER

باروت

دستهای از مواد منفجره جامد که مخلوطی است از نیترات پتاسیم، گوگرد و زغال چوب.

باروت بر دو نوع است باروت سیاه و باروت بی دود. باروت سیاه از اختراع چینی هاست که از قرن چهاردهم میلادی به اروپا وارد شد و فنون جنگی را دگرگون ساخت.

باروت سیاه بعدها بوسیله باروت بی دود که توسط ادوارد شولتسه در سال ۱۸۶۴ اختراع گردید جایگزین شد.

BAROMETER

بارومتر

← فشار سنج

BARITE

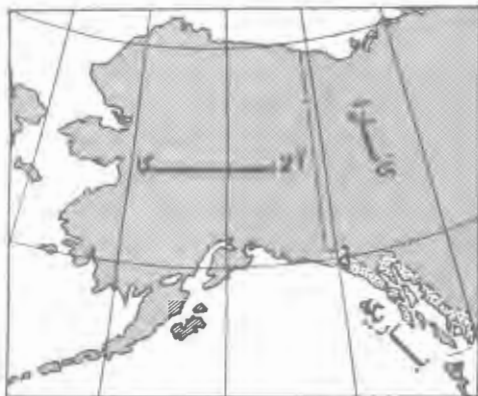
باریت

یا "اسپات سنگین"، سولفات معدنی طبیعی باریوم که تقریباً غیر محلول است و از منابع تهیه باریوم می باشد. از آن به عنوان محک برای سولفات ها و در ساختن رنگ نیز استفاده می شود.

PANHANDLE

باریکه (Bārikeh)

باریکه ای از سرزمین یک کشور که در امتداد کرانه های کشور همسایه پیش رفته باشد. مانند باریکه ای از کرانه های کانادا که متعلق به آلاسکا است.



باریکه

MARKET TOWN

بازار شهر (Bāzār shahr)

شهر و یا منطقه مسکونی وسیعی که مرکز ارتباطات و داد و ستد مردم باشد.

منتقل و ارتفاع آب را در ظرف مزبور بر حسب میلی متر یا اینچ قرائت می کنند. بارش سنج را معمولاً "دوبار در روز قرائت می کنند."

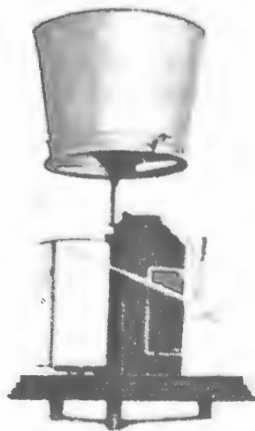


بارش سنج

HYETOGRAPH

بارش نگار

نوعی بارش سنج، که میزان ریزش باران را به طور خودکار ثبت می کند. شیوه کار این دستگاه به این نحو است که اهرم شناسی که یک سر آن به مداد متصل است متناسب با باران جمع شده بالا آمده و روی ورقه کاغذی که بدور یک غلطک که متناسب با زمان به دور خود می چرخد چسبیده است اثر می گذارد.



بارش نگار

سیاسی و غیر طبیعی داد و ستد بین مناطق مختلف جهان را محدود نکند، هر منطقه یا ناحیه‌ای در تهیه آن کالایی تخصص پیدا می‌کند که می‌تواند آن را ارزانتر و بهتر از سایر مناطق تهیه کند و به این ترتیب یک نوع تقسیم و یا انتخاب طبیعی مناطق تولید بوجود می‌آید و مصرف‌کنندگان می‌توانند کالاهای مورد نیاز خود را ارزانتر و بهتر بدست بیاورند. فرضیه معروف بازرگانی آزاد نخستین بار بوسیله اقتصاددان اسکاتلندی در سال ۱۷۷۶ وضع گردید.

REJUVENATION (B-farsā'i) باز فرسائی

عملی که منجر به فرسایش مجدد یک عارضه گردد. این واژه بیشتر درباره رودخانه‌ها بکار می‌رود. این عمل در واقع سر آغاز یک سیکل فرسایش جدید است.

بازه

۱- فاصله میان دو کوه.

۲- دره.

۳- فاصله میان دو دیوار.

ARCHAEOLOGY باستان شناسی

بررسی علمی در آثار بازمانده انسان از آغاز زندگی بشر تا دوره تاریخی جدید. باستان‌شناسان برای کاوش و خواندن و تعبیر و تعیین اندازه قدمت و نگهداری آثار باستانی و همچنین تعمیر و مرمت آنها از کارشناسانی مانند مورخ، دبیرین شناس، زمین شناس، زبان شناس، شیمیدان، گیاهشناس معمار، مهندس و عکاس استفاده می‌کنند.

BASTION باستیون

۱- بنای مرتفعی که درون یک قلعه ساخته شده باشد.
۲- قلعه‌ای که در آن اسلحه و ابزار جنگی ذخیره کنند.

باسره (Basareh)

زمینی که برای کشت و زرع آماده کرده باشند، به آن کشتزار نیز می‌گویند.

BASCULE باسکول

اصطلاح فرانسوی به معنی ترازوی بزرگ که برای توزین بارهای سنگین تجارتی بکار می‌رود.

SWAMP باطلاق

— باتلاق

CROFT باغچه

کشتزار کوچک متصل به خانه.

FAIR بازار مکاره

قبل از اینکه امکانات حمل و نقل و توزیع پیشرفت پیدا کند و توزیع کالا را در مناطق دور دست تسهیل و امکان پذیر سازد. مناسب‌ترین فرصت عرضه کالا به خریداران هنگامی بود که اشخاص برای انجام مراسمی از قبیل آیین‌های مذهبی در محل معینی اجتماع می‌کردند و بالطبع خریداران و فروشندگان بهم نزدیک می‌شدند و کالاهای خویش را معامله و یا مبادله می‌کردند.

در دنیای امروز نمایشگاهها جای بازار مکاره را گرفته و از رونق آن کاسته است.

در مبین ما ایران هنوز در پاره‌ای شهرها در یک روز بخصوص بازار مکاره تشکیل می‌گردد و اشخاص کالاهای مورد نیاز خود را در آن روز از طریق خرید و یا مبادله تهیه می‌نمایند. این گونه بازارها به اقتضای روزی که اجتماع صورت می‌گیرد نام گذاری می‌شود، مانند چهار شنبه بازار، جمعه بازارو غیره.

REGLATION باز افسرد (Bāz afsord)

عمل انجماد مجدد یخی که تحت فشار آب شده باشد. آب شدن یخ تحت فشار بدین سبب است که نقطه انجماد یخ بر اثر وار شدن فشار پائین رفته و با حذف فشار دوباره به جای نخست باز می‌گردد. علت حرکت یخچالها نیز وارد شدن فشار و پائین رفتن نقطه انجماد یخ است.

BASALT بازالت

— سیاه سنگ

RERADIATION بازتابت (B - tāft)

بنابر اصول فیزیکی همواره جو زمین پس از گرم شدن سطح زمین، گرم می‌شود. پس از اینکه سطح زمین و یا سطح اقیانوسها بر اثر تابش نور خورشید و دریافت امواج تشعشعی خورشید گرم گردید، انرژی حرارتی خود را بوسیله تشعشع به جو زمین منتقل می‌کند. این عمل را بازتابت می‌نامند.

باید توجه داشت که پدیده بازتابت با انعکاس متفاوت است و عمل آن در سراسر مدت شب که تشعشع خورشیدی دریافت نمی‌شود ادامه پیدا می‌کند.

FREE TRADE بازرگانی آزاد

داد و ستدی که بدون هرگونه محدودیت انجام شود. بازرگانی داخلی کشورها معمولاً بطور آزاد انجام می‌شود. ولی بازرگانی بین‌المللی دچار محدودیت‌هایی ناشی از وضع عوارض گمرکی و تحمیل مالیات و اجرای پاره‌ای مقررات مرزی است.

نظریه بازرگانی آزاد مبتنی بر این اصل است که اگر مقررات

UNUTILIZED LAND بایر
زمین خراب و غیر قابل زراعت.

SEA بحر
— دریا

بحر محیط
بطور عام به مجموعه آبهای اقیانوسها که خشکیها را احاطه کرده اند گفته می شود.
بطور خاص — اقیانوس آرام

LAKE بحیره (Bahireh)
لفظ عربی به معنی دریاچه مانند بحیره خوارزم — دریاچه

STEAM بخار
گازی که از مواد مرطوب در حال تبخیر جدا شود یا در اثر حرارت از مایعات یا جامدات برخیزد و به هوا رود. آنچه به شکل دود یا رطوبت از آب گرم یا هر جسم جامد یا مایعی در اثر حرارت از آن برخیزد و به هوا رود، برای بخار کردن آب علاوه بر گرم کردن آب تا نقطه جوش (در حرارت ۱۰۰ درجه فشار ۷۶ سانتی متر جیوه) مقداری هم حرارت باید داد. مثلاً "برای تبدیل یک گرم آب صد درجه به یک گرم بخار صد درجه تقریباً ۵۳۷ کالری حرارت لازم است."

SUPERHEATED STEAM بخار فرا تافته
بخار آبی که دمای آن از صد درجه ای سانتیگراد بالاتر است و از حرارت دادن آب در فشاری بالاتر از فشار متعارفی جو بدست می آید.

DISTRICT بخش
قسمتی از تقسیمات کشوری، که معمولاً از چند دهستان تشکیل یافته و خود قسمتی از شهرستان است. حاکم بخش را بخشدار می گویند.

BADLANDS بدبوم (Bad bum)
سرزمین نسبتاً کم باران و سر سختی که دارای آبکندهای عمیق بوده و میزان رطوبت و بارندگی آن، تکافوی رشد گیاهان را ننموده و از نظر کشاورزی و ایجاد چراگاه بی ارزش باشد. در این گونه سرزمینها غالباً "صخره های ستونی شکل بلندی، که سر آنها بر اثر فرسایش، تخت و هموار گردیده است، دیده می شود. (تصویر در صفحه ۶۴)

FULL MOON بدر (Badr)
— اهله قمر

ROCK GARDEN باغ سنگستانی
باغی که در میان تخته سنگهایی بصورت طبیعی و یا مصنوعی فراهم شده باشد.

معمولاً در میان سنگها به عمق کافی خاک می ریزند تا ریشه گیاه به اندازه لازم در آن فرو رود.

TEXTURE OF SOIL بافت خاک
کیفیت طبیعی خاک از نظر اندازه دانه های آن که به چهار دسته به شرح زیر تقسیم می گردد:

الف — دانه درشت، که قطر دانه های آن بین ۰/۰۲ تا ۲ میلی متر است. از انواع این گروه خاکهای شنی را می توان نام برد.

ب — دانه ریز — که قطر دانه های آن از ۰/۰۲ تا ۰/۰۰۲ میلی متر کمتر است. از انواع این گروه خاک رس را می توان محسوب داشت.

پ — دانه متوسط — که قطر دانه های آن بین ۰/۰۲ تا ۰/۰۰۲ میلی است.

ت — خاک مخلوط که آمیخته ای از گونه های بالاست.

BACTERIA باکتریها
موجودات زنده بسیار ریز تک سلولی که اندازه آن ها بین $\frac{1}{10000000}$ تا $\frac{1}{100}$ میلی متر است.
باکتریها بطور مستقیم تقسیم می شوند و پاره ای از آن ها بیماریزا و دسته ای مفید هستند.

از باکتریهای بیماریزا می توان باکتریهای سل، دیفتری، کزاز، وبا و غیره را نام برد و از باکتریهای مفید می توان به باکتریهای شوره زرا که در کشاورزی و باروری خاک اهمیت فراوانی دارند اشاره نمود.

CATHETOMETER بالا سنج
دستگاهی است که برای اندازه گیری ارتفاعات و اختلاف ارتفاع میان دو نقطه بکار می رود این وسیله از یک دوربین و یک میله مدرج تشکیل یافته است.

PILLOW LAVA بالشک آتشفشانی
گدازه های آتشفشانی که به شکل ظاهری بالشکهایی سرد و سبب شده باشد. این گونه گدازه ها معمولاً از سخت شدن مواد گدازه آتشفشانی در زیر آب پدید می آیند.

METEOROGRAPH بالون گمانه ای
— وایگوی

BALLOON SONDE بالون هواشناسی
— وایگوی



بديوم

سرعت جریان آب بستگی داشته و بر حسب واحدی بنام کوسک
یا C.F.S (فوت مکعب در ثانیه) و یا مترمکعب در ثانیه

DISCHARGE OF A RIVER

بده (Bedeh)

مقدار آبی که از یک روانه عبور کند. این مقدار به حجم و

مدارها را به دو نیمه برابر تقسیم کرده و در نتیجه طول روز و شب در تمام نقاط زمین با هم برابر می‌گردد.

AUTUMNAL EQUINOX

برابران پاییزی

این نقطه عبارت از محلی است که از برخورد مدار گردش زمین به دور خورشید و سطح استواء عالم بوجود می‌آید. در این نقطه که در مقابل برابران بهاری (نقطه اعتدال بهاری) قرار گرفته، حرکت ظاهری خورشید از شمال به جنوب بوده و زمان وقوع آن همه ساله یکم مهرماه برابر ۲۳ سپتامبر است. به این نقطه اعتدال پاییزی یا اعتدال خریفی نیز گفته می‌شود.

EQUALITY OF RIGHTS

برابری حقوق

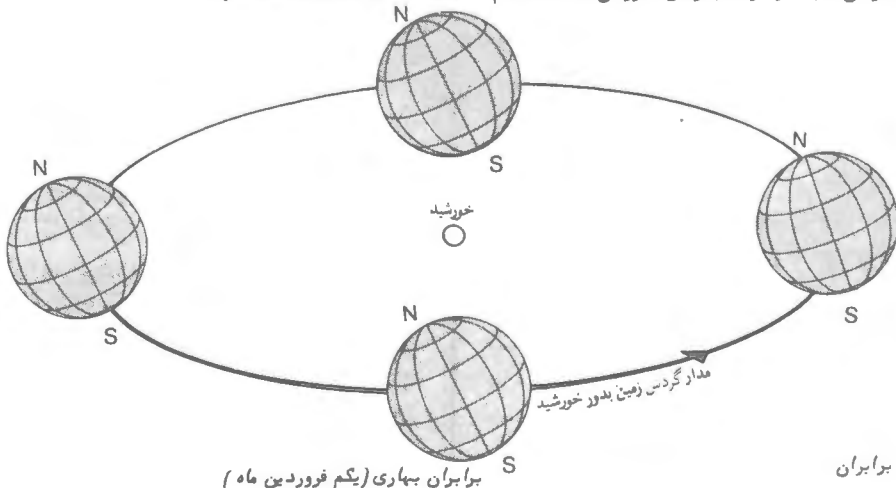
برابری یا تساوی حقوق در عرف بین المللی به تساوی حقوق کشورها در مجامع بین المللی و در مورد افراد یک جامعه برابری آنها در برابر قوانین کشور خود اطلاق می‌شود.

BERBERS

بربرها

در یونان باستان به همه مردمی که خارج از تمدن یونان بودند اطلاق می‌شد. بعدها به اقوامی که به امپراطوری روم حمله می‌کردند نیز گفته می‌شد، در زمان حاضر به آن دسته از ساکنان شمال افریقا که به زبان بربری گفتگو می‌کنند اطلاق می‌گردد. بربرها از کرانه‌های اقیانوس اطلس تا مصر و از طرف جنوب تا رودخانه نیجر پراکنده‌اند و عموماً دارای مو و چشمان تیره‌اند و پوست روشن و قامت متوسط دارند. غالب بربرها از طریق کشاورزی و چوپانی زندگی می‌کنند و بیشتر آنها مسلمانند و به مرور با عرب‌ها مخلوط شده‌اند.

برابران پاییزی (یکم مهر ماه)



اندازه‌گیری می‌شود. برای این منظور از یک سرعت سنج و یک ژرفا سنج (که معمولاً یک شاخص مدرج است) استفاده می‌شود.

LAND

بَر (Bar)

خشکی، دشت و بیابان.

← خشکی

EAST

برآمدگاه (Barāmadangāh)

← خاور

EQUINOXES

برابران (Barābarān)

نقاط برخورد مدار گردش ظاهری خورشید به دور زمین (دایرة البروج) و امتداد سطح استواء زمین. نقطه اول که تاریخ گذشتن خورشید از آن، یکم فروردین (۲۱ مارس) هر سال است، نقطه برابران (اعتدال) بهاری، و نقطه دوم که تاریخ وقوع آن یکم مهر ماه برابر ۲۲ سپتامبر هر سال است، نقطه برابران (اعتدال) پاییزی نام دارد. چون در این دو نقطه، دایره حد فاصل میان روشنایی روز و تاریکی شب، از دو قطب زمین عبور می‌کند، لذا تمام مدارها را به دو نیمه برابر تقسیم کرده و در نتیجه طول روز و شب در تمام نقاط زمین با هم برابر می‌گردد.

VERNAL EQUINOX

برابران بهاری

یکی از دو نقطه تلاقی مدار گردش ظاهری خورشید به دور زمین (دایرة البروج) و امتداد سطح استواء زمین، که خورشید در روز یکم فروردین (۲۱ مارس) هر سال از آن نقطه عبور می‌کند. چون در این نقطه که به آن نقطه اعتدال بهاری یا اعتدال ربیعی نیز می‌گویند، دایره حد فاصل میان روشنایی روز و تاریکی شب، از دو قطب زمین عبور می‌کند، لذا تمام



برج

جنوبگان (منطقه قطب جنوب) ادامه می‌یابد و روی این برجستگی‌ها را توده‌های آب اقیانوس به ارتفاع ۳۰۰۰ تا ۳۶۰۰ متر می‌پوشاند پاره‌ای از قتل رشته مرکزی اقیانوس اطلس آنچنان مرتفع هستند که از سطح آب خارج شده و جزایری را مانند Azores و Ascension و Tristan Da Cunha پدید آورده‌اند. برجستگی کف اقیانوس اطلس از نوع بازالت بوده و احتمالاً منشاء آتشفشانی دارد. پاره‌ای از دانشمندان بر این عقیده‌اند که این رشته‌درواقع از دو رشته پهلو به پهلو که بوسیله شیاری از یکدیگر جدا شده‌اند تشکیل یافته که علت آن حرکت جانبی قاره‌های اروپا و آمریکا است. (تصویر در صفحه ۳۶۷).

STEREOSCOPY

برجسته بینی

با دید دو چشمی عبارتست از رویت با دو چشم. در این عمل بر شبکه‌های هر یک از دو چشم تصویری از اشیاء تشکیل می‌گردد که در فز با هم آمیخته می‌شود و در نتیجه بیش از یک تصویر احساس نمی‌گردد.

اگر به وسیله‌ای جلوی دید یکی از چشم‌ها را بگیریم، با چشم دیگر تصویر اشیاء را بطور مستوی احساس خواهیم کرد و چنانچه دست یا مانع را بطور ناگهانی از مقابل چشم برداریم برجستگی اشیاء پیکاره برای ما محسوس خواهد شد.

STEREOSCOPE

برجسته نما

دستگاهی است مرکب از دو عدسی چشمی که دو تصویر تقریباً مشابه از یک شیئی را متحد ساخته و بصورت سه بعدی یا برجسته به نظر می‌رساند.

برجسته بینی و برجسته‌نما مبتنی بر دید دو چشمی است.

APARTHEID

برتری نژادی

با سیاست تبعیض نژادی که در آن معمولاً "اختلاط نژادی ممنوع گردیده و امور فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و حقوقی گروهی از نژادهای انسانی (معمولاً سیاهپوستان) زیر نظر و تحت کنترل قرار گرفته است.

SIGN OF THE ZODIAC

برج (Borj)

مسیر سالانه گردش ظاهری خورشید به دور زمین (نوار یا باریک‌های از آسمان، که مسیر عبور خورشید، ماه و سیارات (غیر از ونوس و پلوتو) است) به دوازده قسمت برابر (هر کدام به عرض ۳۰ درجه) تقسیم گردیده است و هر یک از قسمت‌های دوازده‌گانه بنام یکی از صورتهای فلکی (یا صور فلکی) که غالباً "ماخذ یونانی دارند نامیده شده و در واقع هر کدام، یکی از برج‌های ۱۲ گانه سال خورشیدی را تشکیل می‌دهند.

برج‌ها یا صور فلکی دوازده‌گانه عبارتند از:

فارسی	عربی	لاتین
فروردین	حمل (بره)	Aries
اردیبهشت	ثور (گاو)	Taurus
خرداد	جوزا (دو پیکر)	Gemini
تیر	سرطان (خرچنگ)	Cancer
امرداد	اسد (شیر)	Leo
شهریور	سنبله (خوشه)	Virgo
مهر	میزان (ترازو)	Libra
آبان	عقرب (گژدم)	Scorpio
آذر	قوس (کمان)	Sagittarius
دی	جدی (بز)	Capricornus
بهمن	دگلو (دول)	Aquarius
اسفند	حوت (ماهی)	Pisces

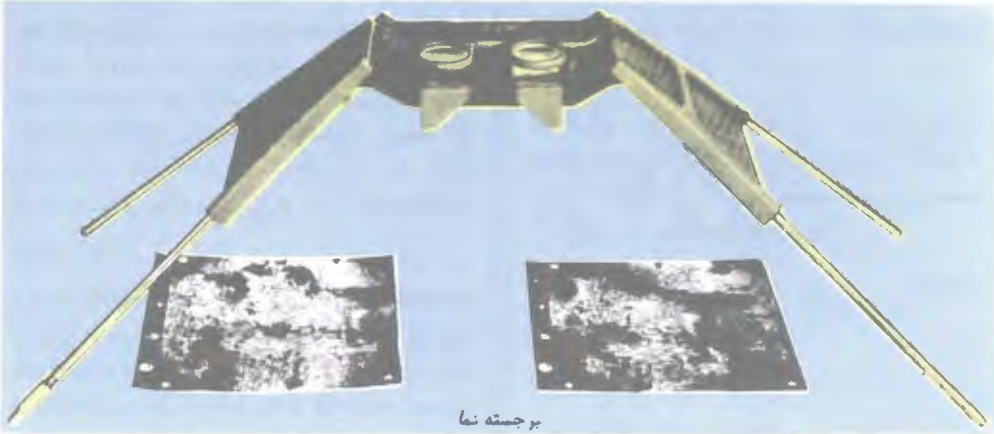
توضیح اینکه تا قبل از سال ۱۳۰۴، ماههای شمسی با همان عنوان‌های عربی نامیده می‌شد و از سال مزبور نامهای فارسی، رسماً جایگزین آنها گردیده است.

← منطقه البروج.

MID-OCEAN RIDGE

برجستگی‌های کف اقیانوس

برجستگی‌هایی در کف اقیانوسها، بویژه اقیانوس اطلس و اقیانوس هند، که قسمت شمالی رشته مرکزی اقیانوس اطلس را Dolphin Rise، و قسمت جنوبی رشته مزبور را Challenger Rise می‌نامند. رشته برآمدگی کف اقیانوس هند از جنوب شبه قاره هند آغاز شده و تا منطقه



برجسته نما

بدین معنی که از دو نقطه که فاصله آنها تقریباً "برابر فاصله دو چشم انسان باشد دو تصویر یا دو عکس از شیئی یا اشیاء و عوارض تهیه می‌کنند و آنها را بر صفحه‌ای در کنار هم قرار می‌دهند، بطوریکه هر یک از آنها از چشمی که نظیر آنست دیده شود، در اینصورت انسان احساس شیئی سه بعدی می‌کند.

ساده‌ترین انواع برجسته‌نما دستگاهی جیبی است.



زمین

JUPITER

(Berjis)

بزرگترین سیاره از منظومه شمسی که درخشندگی آن بعد از ناهید (زهره) بیشتر از دیگر سیارات است. فاصله متوسط برجیس از خورشید ۷۷۸,۳۰۰,۰۰۰ کیلومتر است و زمان چرخش حول محور قطبین آن ۹ ساعت و ۵۰ دقیقه به طول می‌انجامد و رمان گردش بدور خورشید ۱۱ سال و ۳۱۴/۶۳۰ روز به درازا می‌کشد. قطر این سیاره در امتداد استوا ۱۴۲۸۰۰ کیلومتر است و حجم آن نسبت به زمین حدود ۱۳۲۳ مرتبه بیشتر است.

فاصله متوسط برجیس از زمین ۶۲۶ میلیون کیلومتر است و ۱۶ قمر دارد که بحسب آن‌ها بوسیله گالیله و ماریوس در سال ۱۶۱۰ میلادی و آخرین قمر شانزدهم در سال

برجیس

زمانی ۲۴ ساعته. مانند اختلاف میان حداکثر و حداقل دما در یک شبانه‌روز.

برد کشندی (*B-e-keshandi*) **TIDAL RANGE**
اختلاف ارتفاع آب دریا در حالات برگشتند و فروکشند که مقدار آن دائماً در تغییر بوده و میانگین آن را مبنای اندازه‌گیری این اختلاف بشمار می‌آورند.

بردنگ (*Bardang*) **MOUND**
— پشته

برز (*Borz*)
بلند و مرتفع.

این واژه بصورت پسوند نیز مورد استعمال دارد، مانند البرز که از واژه پهلوی هربر به معنی کوه بلند و بزرگ اقتباس شده.

برزخ **ISTHMUS**
باریکه‌ای از خشکی که دو سرزمین اصلی را به یکدیگر مربوط سازد و یا دو دریا را از هم جدا نماید. مانند برزخ پاناما، میان امریکای شمالی و امریکای جنوبی، و یا برزخ سوئز که میان قاره آسیا و افریقا واقع شده و دریای مدیترانه و دریای سرخ را از هم جدا می‌کند.

برزن
بخشی از تقسیمات شهر از نظر شهرداری و یا شعبه‌ای از شهرداری که به امور یک محله رسیدگی می‌کند.
— کوی

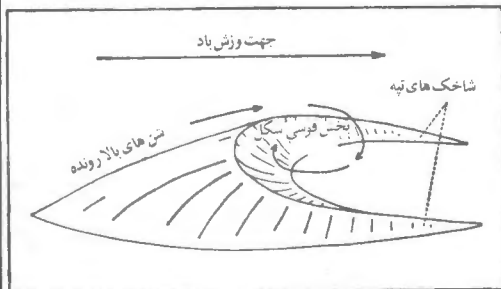
برساووش (*Barsāvosh*) **PERSEUS**
یا برساووس یا برشاووش یا حامل رأس الغول، صورت فلکی نیمکره شمالی که آن را به صورت مردی تصویر کرده‌اند که بر پای ایستاده است و سر بریده‌ای بدست دارد.
ستاره بتا از این صورت در واقع از دو ستاره باروشنی نابرابر تشکیل شده است که به فاصله ۱۸ میلیون کیلومتر از یکدیگر به دور گرانیگاه مشترکشان می‌گردند و جزو ستارگان متغیر گرفتی بشمار می‌آیند. (صویر در صفحه ۶۹)

برش (*Boresh*) **SECTION**
مقطع یا برش قائم خاک و سنگ که بطور طبیعی یا مصنوعی بوجود آمده باشد. از این برش برای بررسی چگونگی لایه‌ها و چینه‌های زیر پوسته زمین استفاده می‌شود.
شکل خارجی پوسته زمین در برش قائم نیمرخ یا پروفیل نام دارد.

۱۹۸۰ کشف گردید. نوارها و شیارهایی در سطح مشتری مشاهده شده و جو اطراف آن فوق‌العاده رقیق و دمای سطح آن بین ۲۰- تا ۲۷۰- درجه سانتیگراد تخمین زده می‌شود، پاره‌ای از دانشمندان بر این گمانند که سطح آن پوشیده از یخ است.
نام‌های دیگر این سیاره در فارسی اورمزد (*Urmozd*) و مشتری است — سیارات

برخان (*Barkhān*) **BARKHAN**

این واژه که در اصل ترکی است عبارت از تپه شنی هلالی شکلی است که شاخک‌های هلال آن در امتداد جهت وزش باد قرار گرفته باشد. چگونگی پیدایش این گونه تپه‌ها، وجود شنهای روان و تاثیر وزش باد بر پهلوها و سر تپه‌شنی است. از انواع این گونه تپه‌ها در دشت‌های ترکستان، ایران، عربستان و صحرای افریقا فراوان دیده می‌شود که گاه چند تپه آنها به یکدیگر پیوسته و ظاهر قوسی شکل خود را از دست داده‌اند.



برخان

برخورد جور **ACCORDANT JUNCTION**
(*Barkhord-e-jur*)

شاخابه و یا رودخانه کوچکی که به طور همسطح و هم جهت بیک رودخانه بزرگتر برخورد نماید.

برداشت

جمع‌آوری محصول، گردآوردن غلات.

— نقش برداری

برد دما (*Bord-e-dama*) **RANGE OF TEMPERATURE**
اختلاف میان بیشترین و کمترین درجه حرارت یک مکان در یک مدت معین.

برد روزانه (*B-e-ruzāneh*) **DIURNAL RANGE**
مقدار اختلاف میان حداکثر و حداقل یک عامل در یک فاصله

WATER SNOW

برفاب (Barfāb)

برف آب شده یا آمیخته‌ای از برف و آب.

برف انبار

جائیکه برف را برای فصل گرما و یا منظوره‌های دیگر ذخیره نمایند.

SNOW DRIFT

برف بادآورد

توده برفی که بوسیله باد حمل شده و در پناه یک مانع انباشته شده باشد. میزان انباشتی برف در این قبیل موارد گاه به حدی است که عرض جاده‌ها را به ارتفاع قابل ملاحظه‌ای پوشانیده و راه‌بندان ایجاد می‌کند.

SNOW-FIELD

برف پهنه

← برفنا

FOHN

برف خوره

← گرمباد

NIVATION

برفساب (Barfsāb)

فرسایش حاصله از تاثیر برف را برفساب می‌گویند، که عمل زمین خزه را می‌توان نمونه‌ای از این تأثیر دانست. مثلاً "روز هنگام وقتی که برف دوب می‌شود آب آن بدون شکافها و درز سنگهای پیرامون خود رخنه کرده و یخبندان آن در شب، موجبات خرد شدن و فراخ گردیدن شکافهای مزبور را فراهم می‌سازد که گاه منجر به پدید آمدن چالگاه می‌گردد.

SNOW-GAUGE

برف سنج

دستگاهی است که برای اندازه‌گیری ارتفاع و یا عمق برف باریده شده بکار می‌رود. این دستگاه شباهت زیادی به باران سنج دارد.

WHITE-OUT

برف گیجه (Barf gijeh)

حالتی از گیجه که به علت ریزش شدید و یا پوشش کامل برف همراه با توفان از نظر تشخیص سمت به انسان دست می‌دهد.

SNOW-LINE

برفمرز (Barfmarz)

پائین‌ترین حد پوشش برف، که بصورت خط نسبتاً پیوسته‌ای باشد، برفمرز نام دارد. این حد بر دو نوع است:

الف - برفمرز دائمی، که عبارت از پائین‌ترین حد پوشش برف در تابستان است، که ارتفاع آن به عرض جغرافیائی بستگی دارد، بدین ترتیب که در قطبین، هم سطح دریا، در گرولند ۶۰۰ متر، در نروژ ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ متر، در



برساوش

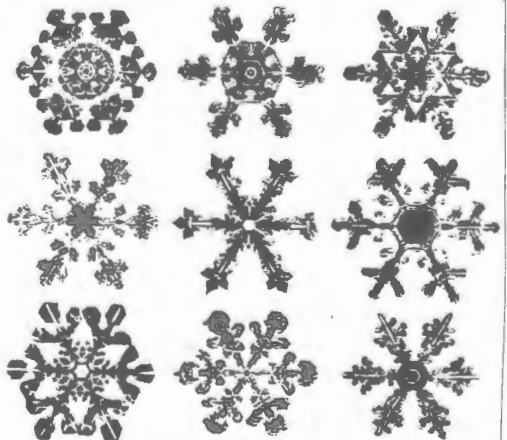
برش قائم از نظر زمین‌شناسی بر سه گونه است:

الف - برش هندسی ب - برش نیمه‌هندسی پ - برش دقیق

SNOW

برف

برف نوعی بارندگی است که از اشباع بخار آب در شرایط یخبندان پدید می‌آید. در این شرایط ذرات آب از حالت بخار، مستقیماً به حالت جامد تبدیل می‌گردند و بصورت بلورهای ستاره‌ای شکل کوچکی از یخ، تغییر شکل می‌دهند و در صورت سرد بودن لایه‌های زیرین جو، بدون آب شدن، بصورت برف، روی سطح زمین ریزش می‌کنند. بطور کلی ستونی از برف خشک (که خاص مناطق خیلی سرد مانند نواحی قطبی است) تازه باریده‌ای به ارتفاع ۷۶۰ میلیمتر، معادل ستونی به ارتفاع ۲۵ میلیمتر باران، و ستونی از برف مرطوب و متراکم شده که ارتفاع ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیمتر داشته باشد، با ۲۵ میلیمتر باران برابر است.



برف

RICE

برنج

گیاهی که در مناطق استوایی و گرم‌داری و معتدل و گرمسیری می‌روید. این گیاه که دانه‌های آن مصرف وسیعی در تغذیه انسان دارد محصول دلتاهای رودهای بزرگ آسیا مانند گنگ، دجله و فرات است. برنج را در مناطق پست آبگیر کست می‌کنند و پس از درو و حرمن‌گویی به مصرف می‌رسانند.

برنج نکوبیده را شلتوک و کشراره‌های آن را خالی‌زار می‌گویند. قسمت سطحی دانه‌های برنج سرشار از ویتامین‌ها و مواد معدنی است و قسمت اعظم آن را نشاسته تشکیل می‌دهد.

مهم‌ترین مناطق تولیدکننده سرخ‌عارسندار، چین، هندوستان، ژاپن، هندوچین، مصر، برزیل و ایالات متحده آمریکا

RICE PADDY

برنچار (Berenjār)

← نالیرار

RICE PADDY

برنچار

← نالیرار

AGGRADATION

برنهاد (Barnahād)

عملی که در نتیجه انباشته شدن مواد حامد در گودالها و حفره‌های زمین، منجر به تغییر شکل پوسته زمین می‌گردد. این اصطلاح، بیشتر در مورد بسزر رودخانه‌ها، که دارای ته‌ش‌های قابل توجهی هستند نگارنده و اس‌گویدرسوات باعث تغییر شکل و تعمیر شیب رودخانه‌ها می‌گردد.

برونوم (Barohum)

با بوم و بر، زمین، سرزمین.

EXOSPHERE

برون اسپهر (Borun espehr)

لایه بیرونی جو زمین یا قسمت خارجی دما کره که در ارتفاع حدود ۵۰۰ تا ۸۰۰ کیلومتری زمین قرار گرفته و از مساحت آن وجود انبهای اکسیژن جثنی است که برابر سوخته شدن اتمهای شیدرون و اتمسفر حاصل گردیده است.

EXTRUSION

برون افکنی

براکندن و انتشار مواد حامد، مایع و گاز بر روی سطح زمین، در یک آتشفشانی.

EXCLAVE

بروسوم (Borunbum)

قطعه زمینی از یک دولت که بوسیله سرزمین‌های دولت دیگر محصور شده باشد. مانند ناحیه Liiv'a از اسالسا که در خاک فرانسه واقع است.

کوهستان آلپ ۲۷۰۰ متر و در آفریقا و مناطق مشابه حدود ۴۹۰۰ متر است.

ب - برفرمز زمستانی، که در هر سال متفاوت است و بستگی به میزان ریزش برف دارد.

SNOW-FIELD

برفنا (Barfnā)

منطقه نسبتاً گودی واقع در کوهستان، که از برف دائمی انباشته شده باشد.

LIGHTNING

برق

← آدرخش

برقدیم (Barr-e-qadim)

قاره‌های آسیا، اروپا و آفریقا و گاه نیمکره شرقی را نیز می‌گویند.

LIGHTNING ROD

برقگیر (Barqqir)

جسم هادی منتهی به چند نوک سیر که آن را بر بالای بناهای بلند نصب می‌کنند. اگر آیری که فرسا "بار الکتریسیته متب دارد از فراز بنایی بلند بگذرد، در نتیجه محاورت بار منفی در قسمت مرتفع ساختمان جمع می‌شود و بار مثبت به زمین می‌رود، اگر برقگیر نباشد ممکن است تخلیه الکتریسیته سیدی تولید شود و بنا را برق بزند. اما با بودن برقگیر، باری که در بالای ساختمان مجتمع شده بوسیله نوکهای برقگیر متدرجاً وارد جو می‌شود و این تخلیه‌های تدریجی مانع تخلیه شدید و ناگهانی می‌گردد.

HIGH TIDE

برکشند (Barkeshand)

منتهای بالا آمدن آب دریا را کشند بالا یا مد می‌گویند.

← کسد

POND

برکه (Berkeh)

← استخر

برگزیز (Bargriz)

دسته‌ای از گیاهانی که برگ آن‌ها در زمستان می‌ریزد و در بهار دوباره می‌روید.

ETANG

برم (Barm)

← تالاب

JUVENILE WATER

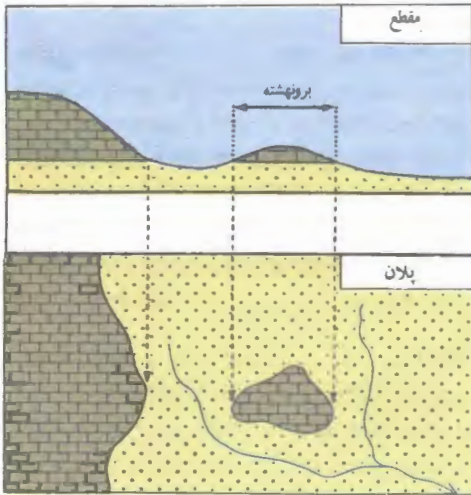
برناب (Bornāb)

← آب تغذایی

سال‌های ۱۸۴۳ تا ۱۹۴۳ داده شده بود.

برونهشته (Borunheshteh) OUTLIER

توده سنگهای جدیدی که پیرامون آنها را سنگهای قدیمی‌تر آنچنان فرا گرفته باشد که هیچگونه ارتباط و پیوستگی میان توده اصلی که سنگهای درونی جزئی از آن هستند با توده درونی موجود نباشد.



برونهشته

برونیابی (Borunābi) EXTRAPOLATION

استخراج نتایج و ارزشیابی اطلاعاتی درباره محیط‌های دور از دسترس به کمک مشاهدات و تجربیاتی که در یک محیط قابل دسترس به عمل آمده باشد.

مانند حکم کردن و یا نظریه دادن درباره شرایط آب و هوا در محلی از روی گزارشهای ایستگاههای هواشناسی غیر واقع در آن محل.

برهنگی (Berahnegi) DENUDATION

روبیندن و پاکسازی سطح زمین بوسیله عوامل مختلفی مانند خورشید، باد، باران، یخبندان، آب‌های رونده و یخ‌های رونده و دریا و امثال آن. بدین ترتیب که گرمای خورشید باعث انبساط و ترک خوردن و خرد شدن سنگها می‌گردد و باد جرده ریزه‌های آن را به همراه برده و یا ذرات شنی که همراه باد است کمک به سائیدگی و تحلیل سنگها می‌گردد. باران مواد خاکی را سست کرده و خاک را می‌شوید. یخبندان آب را در درون شکاف سنگها منجمد ساخته و موجبات فراخی شکافها و خرد شدن سنگها را فراهم می‌سازد. رودخانه‌ها و جویبارها زمین را می‌شویند و ذرات آن را با خود جابجا

برون رانی یخ EXTRUSION FLOW OF ICE

رانش حاصله از ضخامت و وزن و فشار یخ یک یخسار. نیروی رانش به کناره‌های یخسار منتقل شده و قطعات یخ را بسوی خارج می‌راند.

برون زائی EXOGENETIC

عملی که در نتیجه تاثیر نیروهای خارجی برهنگی و نیروهای داخلی درون زائی به وقوع می‌پیوندد و به شکل‌گیری چهره ظاهری زمین منجر می‌گردد.

برونزد (Borunzad) OUTCROP

قسمتی از چینه‌های سنگی، که هم سطح زمین واقع شده و در معرض دید قرار داشته باشد. اینگونه چینه‌ها گاه بوسیله لایه‌ای از خاک و گیاهان و حتی ساختمان پوشیده گردیده است.



برونزد

برونکره (Borunkoreh) EXOSPHERE

← برون اسپهر

برون کهکشان‌ها (B-kahkashānhā) GALAXIES

← کهکشان

برونگانی (Borungāni) EXOGAMY

ازدواج با فردی خارج دسته، خانواده، دهکده، قبیله، یا طایفه‌ای که عرفاً "باید ازدواج با افراد آن به عمل آید".

برونمرزی (Borunmarzi) EXTRATERRITORIAL

حقوق و مزایا و معافیت‌هایی که به مردمی که درون دولت دیگری بصورت بیگانه زندگی می‌کنند داده شود. مانند حقوق و مزایایی که به اروپائیان ساکن بنادر چین در خلال

نقاط مختلفه روی زمین در مقایسه با سطح مبنای ارتفاعات ممکن است در بالای سطح مزبور واقع شوند که در این حال بلندی آن‌ها مثبت است و یا ممکن است در زیر سطح مزبور قرار گیرند که ارتفاع آنها منفی است و به آنها نقاط پست می‌گویند.

بلور لایه CRYSTALLOPHYLLIEN
سنگ متبلوری که لایه لایه یا مطبق باشد.

بلوک (Boluk)
در تقسیمات کشوری ایران، پیش از قانون سال ۱۳۱۶ هجری شمسی، قسمتی از ولایت را که دارای یک قصبه و چند محال بود و به توسط یک نفر به نام نایب الحکومه اداره می‌شد بلوک می‌گفتند. این واژه در اصل ترکی است و امروزه مورد استعمال اداری ندارد.

بناب‌زی‌شناسی (Bonāb zishenāsi) BENTHOLOGY
بررسی گیاهان و جانوران ته دریاها و نیز ته آبهای شیرین.

بنات النعش URSA MAJOR & URSA MINOR
مجموعه ستارگان خرس بزرگ و خرس کوچک که جهت قطب شمال را مشخص می‌سازند. در فارسی به این ستارگان هفت برادران و یا هفت اورنگ و یا خرس بزرگ و خرس کوچک نیز می‌گویند. — خرس بزرگ و خرس کوچک.

بنج‌مارک BENCH MARK
— انگبایه

بند DAM
معمولاً "سد کوتاهی که برای ذخیره آب می‌سازند." — سد

بنداب (Bandāb) BAR
رشته‌ای از سنگریزه و شن، که در دهانه رودخانه‌هایی که به خلیج می‌ریزند تشکیل گردد. علت تشکیل این رشته، عدم وجود جریانهای دریائی در داخل خلیج و در نتیجه ته‌نشین شدن مواد موجود در آب رودخانه‌ها در مقابل دهانه آنها است. افزایش این رسوبات اغلب باعث پر شدن خلیج و به اصطلاح کور شدن آن می‌گردد. (تصویر در صفحه ۷۴)

بندر PORT
نقطه‌ای در کرانه دریا، جایی که کشتی‌ها در کنار آن پهلو می‌گیرند و یا لنگر می‌اندازند تا در آنجا بارگیری و یا بار خود را تخلیه نمایند. اینگونه نقاط معمولاً با تاسیساتی مانند اسکله و ساختمان و تسهیلات مخابراتی و ارتباطی همراه است.

بشم (Bashm) HOAR FROST
بلورهای سفیدی از یخ، که روی عوارض و اشیاء نزدیک به سطح زمین را پوشانیده باشد. اینگونه یخها، بر اثر یخبندان مستقیم ذرات بخار آب موجود در هوا، بوجود می‌آیند. این عمل هنگامی صورت می‌گیرد که نقطه شبنم زیر نقطه انجماد واقع شده باشد. به این پدیده سرما ریزه نیز می‌گویند.

بشمه (Bashmeh) FROST
بلورهای بسیار کوچک یخی، که بر اثر یخبندان ذرات بخار آب، بوجود آید.
و یا ذرات یخی که از انجماد مستقیم بخار آب، در هوایی که دما و نقطه شبنم آن پایین‌تر از صفر درجه‌ی سانتیگراد است. بر سطح زمین یا سطح اشیاء تشکیل می‌شود.

بغاز (Boghāz) BOGAZ
واژه صربستانی، به معنی منطقه‌ای آهکی که به مرور بوسیله تخلیه و جابجائی آبهای سطحی شسته شده و بصورت باریکه‌ای از آب، دو دریا را بهم متصل کرده باشد. مانند بغازهای بسفر و داردانل که دریاهای سیاه و مرمره و اژه (مدیترانه) را بهم متصل کرده‌اند.

بقعه
۱ — پاره‌ای از یک قطعه زمین
۲ — بنا و ساختمان
۳ — مزار ائمه و بزرگان دین، مدفن متبرک (Mausoleum)
۴ — قطعه زمینی که زیارتگاهی در آن قرار گرفته باشد.
۵ — صومعه و خانقاه

بقولات (Boqulāt) CEREALS
— بنشن

بک (Bak)
۱ — جنگل و بیشه
۲ — دشت غیر مزروع

بگاه (Begāh)
یا بگاه، صبح زود، هنگام فجر

بلد (Balad)
شهر و ناحیه

بلندی HEIGHT
بلندی یا فرازی هر نقطه عبارتست از فاصله قائم آن نقطه نسبت به سطح مبنای ارتفاعات که معمولاً سطح متوسط آبهای آزاد است.

CEREALS

بنشن (Bonshan)

انواع بسیاری از گیاهان که غالباً همه جا می‌رویند و به آسانی به عمل می‌آیند و در تغذیه انسان و دام بکار می‌روند. از انواع بنشن می‌توان لوبیا، باقلا، نخود، عدس، ماش و سویا را نام برد.

WATERING SCALE

بنگان (Bangān)

پیمانه سوراخ‌داری که دهقانان ایرانی سابقاً هنگامی که می‌خواستند آب قنات یا رودخانه‌ای را میان خود تقسیم کنند آنرا مقیاس قرار می‌دادند. به این طریق که بنگان را میان تفاری پر از آب می‌گذاشتند تا کم‌کم پر شود و مدتی را که بنگان پر از آب می‌شد یک بنگان می‌گفتند. اکنون بجای بنگان ساعت بکار می‌رود. به این پیمانه بنگان نیز می‌گویند.

BENELUX

بنلوکس

جامعه گمرکی است که میان بلژیک، هلند، لوکزامبورگ در مراحل متوالی سال ۱۹۴۳-۱۹۴۶ میلادی برقرار گردیده است. قراردادی اتحادیه اقتصادی که در سال ۱۹۴۰ میلادی به تصویب رسیده است. اتحادیه اقتصادی بلژیک، هلند، لوکزامبورگ است. این کشورها از سال ۱۹۴۸ میلادی میان خود تسهیلات گمرکی برقرار نموده‌اند. این اتحادیه اکنون در جامعه اقتصادی اروپا (بازار مشترک) ادغام شده است.

BUSH

بوته‌زار (Butehzār)

— تیماس

BODE

بود

— قانون بود

BUDGET

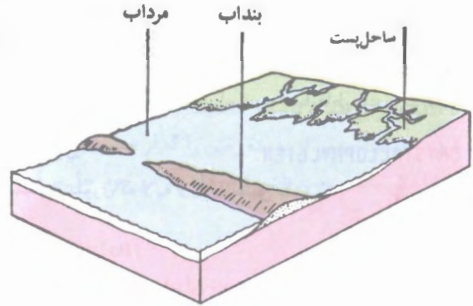
بودجه

مجموع درآمدها و هزینه‌های یک کشور یا یک موسسه و یا شخص خاص و صورت برآورد جمع و خرج یک موسسه. مطابق قانون محاسبات عمومی ایران، بودجه را چنین تعریف می‌کنند. بودجه، لایحه پیش‌بینی کلیه عواید و مخارج است برای مدت یک سال شمسی.

BURAN

بوران

الف - باد شدیدی که معمولاً در تمام فصل‌های سال در آسیای مرکزی می‌وزد. وزش این باد در زمستان زندگی را



بنداب

FREE PORT

بندر آزاد

بندر آزاد بندری است که کالاهای بازرگانی بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی به آن وارد و یا از آن صادر گردند. مانند بندر سنگاپور و بندر هونگ کونگ (در جنوب شرقی آسیا).

TREATY PORT

بندر پیمانی

بندری که بر طبق پیمانی بروی تجارت خارجی باز شود. بالاخص بنداری که در قرن نوزدهم میلادی در چین و ژاپن بروی تجارت خارجی باز شد.

SPACE PORT

بندر فضائی

سکوی پرتاب موشک برای سفرهای فضائی.

HARBOUR

بندرگاه

تاسیساتی که برای دسترسی به کشتی‌های بزرگ و یا پهلوگیری آنها در کرانه دریا، ایجاد شده باشد. این تاسیسات ممکن است طبیعی و یا مصنوعی و یا ترکیبی از این دو باشد.

BENTHOS

بن‌زی (Bonzi)

آبزیانی که زندگی گیاهی داشته و در کف دریا زندگی می‌کنند و از ماهی و سایر جانوران دریائی متمایز هستند. جلبک‌ها و مرجان‌ها را از جمله اینگونه آبزیان می‌توان بشمار آورد.

BENZINE

بنزین

مایع بیرنگ و قابل اشتعال، که مخلوطی است از هیدروکربن‌های مختلف.

این مایع از تقطیر تدریجی نفت خام بدست می‌آید و علاوه بر مورد استعمال سوخت در موتورهای بنزینی، بعنوان عامل پاک‌کننده و حلال اجسام آلی بکار می‌رود و در ساختن بعضی رنگ‌ها استعمال می‌شود.

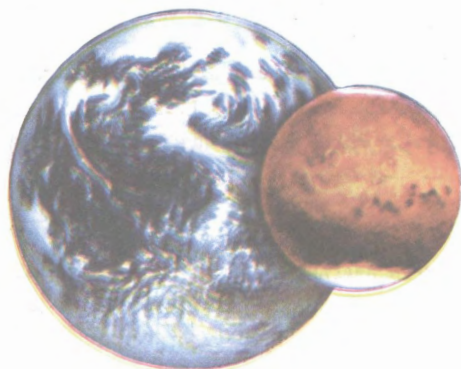
MARS

بهرام

چهارمین سیاره (از نظر فاصله نسبت به خورشید) از منظومه شمسی بهرام یا مریخ نام دارد. فاصله متوسط آن از خورشید ۵۸۰۴۰۰۰۰۰ کیلومتر می باشد. زمان گردش بدور خورشید برابر است با یک سال و ۳۲۱/۲۰ روز و زمان چرخش حول محور قطب آن ۲۴ ساعت و ۳۷ دقیقه است.

قطر استوائی کره بهرام ۶۰۷۹۴ کیلومتر است که دارای دو قطب های فوبوس و دیموس می باشد. قطر قمر بزرگتر در حدود ۱۶ کیلومتر و قمر کوچکتر به ۱۱ کیلومتر می رسد.

← ساراب



بهرام

بهمن

مقتبس از واژه پهلوی وهومن به مفهوم نیک اندیش و نمانبده منش نیک اهورمزدا، نام یازدهمین ماه در تقویم رسمی ایران و دومین روز هر ماه خورشیدی.

این واژه عینا به همین صورت در تقویم اوستائی موجود بوده و بعدها به تقویم جلالی راه یافته و از سال ۱۳۰۴ خورشیدی بنام یازدهمین ماه در تقویم ایران رسمیت یافته است.

AVALANCHE

بهمن

نوده عظیمی از برف و یخ که از قسمتهای بلند کوهستان لغزیده و همراه خود هزاران تن سنگ و مواد دیگر را حمل میکند. گاهی اوقات بر اثر این رویداد روستاها و گذرگاهها و تاسیسات دیگری که در سر راه بهمین قرار می گیرند، ویران می شوند و صایغات انسانی فراوانی بجای می گذارد.

بهمین دارای انواع مختلفی است: بهمین خشک، بهمین گردی بهمین مرطوب و بهمین یخچالی.

طافتم فرسا ساخته و به نوفان برف سرد میدل می گردد.

ب - در ایران به سرمای سخت و باد شدیدی که با برف یا تاراج همراه باشد گفته می شود.

HORTICULTURE

بوستانکاری

پرورش گل و میوه و سبزی در یک قطعه زمین کوچک بنام بوستان.

HABITAT

بوم (Bum)

محیط زیست طبیعی جانوران و گیاهان را گویند.

ECOLOGY

بومشناسی

بررسی علمی گیاهان و جانوران از نظر شرایط محیطی آنها، مانند دما، خاک، روغنائی، باد و رطوبت. به علاوه در بومشناسی از روابط متقابل ما بین اجتماعات گیاهی و حیوانی و مراحل تدریجی رسیدن آنها به رشد نهائی در ناحیه معینی بحث می شود. این علم به گونه های زیر تقسیم می گردد:

الف - بومشناسی انسانی

ب - بومشناسی جانوری

پ - بومشناسی گیاهی

ت - پیوستگی زندگی حیوانی و زندگی گیاهی

PLANT ECOLOGY

بومشناسی گیاهی

بحثی از بومشناسی همگانی که رابطه میان زندگی گیاهان و محیط آن را بررسی می کند.

HUMAN ECOLOGY

بومشناسی مردمی

ساخته های از جامعه شناسی که روابط متقابل مکانی و زمانی میان مردم و سازمان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایشان را بررسی می کند.

EARTHQUAKE

بومهن (Bumhan)

← زمین لرزه

ABORIGINES

بومیان اصلی

مردمی که به عنوان نخستین بومیان سرزمینی شناخته شده باشند.

SPRING

بهار

یکی از فصلهای چهارگانه سال، که بین زمستان و تابستان واقع شده و در حد فاصل یکم فروردین تا ۳۱ خرداد (برای نیمکره شمالی) و یکم مهرماه تا ۳۰ آذر (برای نیمکره جنوبی) قرار گرفته است.

۳۶۰ روز بشمار می‌رفته است و در نتیجه هر سال خورشیدی ۵ روز کم داشته است. برای جبران این کمبود در آخر هر سال ۵ روز به ماه دوازدهم می‌افزودند تا سال خورشیدی برابر ۳۶۵ روز شود.

بیابان DESERT
منطقه کم باران و کم گیاهی که تا حدی از ماسه پوشیده شده و غالبا "غیر قابل زیست باشد. بیابان‌ها را بشرح زیر می‌توان طبقه‌بندی نمود:

الف - منطقه گرم و بادخیزی که فشار جو آن زیاد بوده و میزان ریزش باران آن از ۲۵۰ میلی متر کمتر و تابستان‌های بسیار گرمی داشته باشد.

ب - بیابان‌هایی که در کرانه‌های غربی یک قاره و در عرض جغرافیائی ۱۵ تا ۳۰ درجه واقع شده باشند. حاشیه ساحلی این گونه بیابان‌ها معمولا "تحت تاثیر جریان‌های آب سرد دریایی دور از ساحل قرار داشته و دامی آن در تابستان حدود ۱۸ درجه سانتیگراد است مانند صحرای کالاهاری در جنوب غربی افریقا.

پ - بیابان‌هایی که در عرض جغرافیائی متوسط و درون قاره‌ها واقع شده باشند. تابستان این گونه بیابان‌ها داغ و زمستان آن‌ها سرد است. مانند صحرای گبی در شمال چین. ت - بیابان‌های برفی و یخی واقع در سرزمین‌های قطبی مانند گروئنلند.

عواملی که در پیدایش بیابان‌ها موثرند عبارتند از: مقدار آب، سرعت تبخیر آب و دامنه تغییر دما.



بیابان

بیابان آب سرد COLD WATER DESERT
بیابان گرمی که بسوی کرانه‌های باختری یک قاره کشیده شده

بهمن آتشین NUEE ARDENTE
بخارها و گازهای داغی که همراه با مواد گداخته از دهانه آتشفشان خارج گردیده و بسوی دامنه کوه سرازیر شده و بهمنی از آتش را مجسم می‌سازد.

بهمن خشک DRY AVALANCHE
غالبا در زمستان پس از ریزش برف شدید ایجاد می‌گردد و این هنگامی است که ابعاد توده‌های برف بر روی ستیغ‌ها و دامنه‌های پر شیب به اندازه‌ای می‌رسد که ارتعاش هوای حاصل از وزش باد و یا صدای خالی شدن تفنگ و یا حتی یک صدای بلند به سرنوینی و سرازیر شدن برف‌ها می‌انجامد. — بهمن

بهمن گردی POWDER AVALANCHE (Bahman-e-gardi)
اگر برف آب شود و سپس یخ ببندد، سطح صاف و لغزنده می‌گردد. اگر بر روی چنین سطح لغزنده‌ای برف بهبارد، بهمن تشکیل می‌گردد. این گونه بهمن‌ها که غالبا "به پای کوه فرود می‌آیند، ابری از گرد برف از آنها برمی‌خیزد و گرد برف را به هوا پراکنده می‌سازد.

— بهمن

بهمن مرطوب DAMPEN AVALANCHE
بهمن مرطوب، در فصل زمستان، پس از ریزش زیاد برف و آب شدن شدید آن و همچنین در فصل بهار، هنگام ذوب برف‌ها ایجاد می‌شود. این گونه بهمن از برف کمابیش چسبیده و آغشته به آب تشکیل شده است.

توده برف در حین آب شدن سنگین می‌شود و سنگ زیرین آن بر اثر رطوبت لغزنده می‌گردد و در نتیجه برف از جا کنده می‌شود و در ضمن راه برف‌های دامنه را با خود حمل می‌کند و قطعه‌های مجزای برف در حالیکه به یکدیگر متصل می‌شوند، به صورت توده‌ای بزرگ در می‌آیند و به طرف پائین می‌غلطند.

بهمن یخچالی GLACIER AVALANCHE
بهمن یخچالی زبانه‌ای از یخچال‌های معلق است که گاهگاه از توده اصلی یخ کنده می‌شود و به شکل آوارهای بی‌نظم و ترتیب در امتداد شیب، پائین می‌آید و به پای دامنه می‌رسد. این گونه بهمن همانطوریکه از نام آن پیداست، از یخ تشکیل یافته است.

— یخشار

بهیزک (Behizak)
هر یک از ۱۲ ماه ایران باستان دارای ۳۰ روز بوده و سال

و تحت تاثیر جریان‌های آب سرد دریایی قرار گرفته باشد. بدیهی است تاثیر جریان‌های آب سرد به باریکه‌هایی از مناطق ساحلی بیابان مزبور منحصر شده و در طبیعت درونی این گونه صحراها تاثیری نخواهد داشت. مانند کرانه‌های شمال غربی صحرای افریقا.

معمولا "حاشیه باختری این گوه کوبرها دارای تابستان‌های معتدل بوده و گرما به حدود ۲۰ درجه سانتی گراد می‌رسد و هوای مه‌آلود که اغلب با شبنم سنگینی همراه است تا چند کیلومتر بدرون بیابان پیشروی می‌کند.

بیابان برهوت (Biyābān-e-barahut) DESERT
بیابانی که فاقد آب و علف باشد و سطح آن را ریگزارهای وسیع پوشانیده باشد.
— بیابان سنگی

بیابان سنگی GRAVEL DESERT
بیابانی کاملاً "صاف یا اندکی موجدار که بر روی خاک ماسه‌ای و رستی آن شن یا خرده سنگهای زاویه‌دار یا ریک پراکنده شده است.

این گونه بیابانها کاملاً "فاقد گیاه بوده و منظره حزن‌انگیزی دارند. و به آن بیابان برهوت نیز می‌گویند.

بی پایاب (Bipāyāb) DEEP
دریا یا رود بزرگ ژرف و عمیق.

بی. تی. یو B. T. U
مقدار حرارتی که باید به یک پوند آب داد تا دمای آن یک درجه فارنهایت بالا رود. یک بی. تی. یو معادل ۲۵۱/۹ کالری است.

بیدخت (Baydokht) VENUS
— ناهید

بیدستان (Bidestān)
جایی که درخت بید بسیار روئیده باشد.

بیرینگ BEARING
— سویه

بیشه GROVE
جنگل کوچکی که از روئیدن تعدادی درخت در یک منطقه باز ایجاد شده باشد.

بیشه آگیر EVERGLADE
یک منطقه باتلاقی که در آن علف و نی‌های بلند و پاره‌ای

درختان روئیده باشد.

بیضوی ELLIPSOID
اگر شکل هندسی بیضی را حول یکی از قطرهایش دوران دهند، شکل حاصله را بیضوی می‌گویند.

بیضوی زمین ELLIPSOID OF THE EARTH
شکل هندسی بیضوی مانندی که به شکل واقعی زمین حتی المقدور نزدیک باشد، بیضوی زمین نام دارد. که به آن بیضوی مقایسه نیز می‌گویند. این شکل با عواملی مانند شعاع استوائی (a) شعاع قطبی (b) و فشردگی یا پختی (f) مشخص می‌گردد. که رابطه میان عوامل مزبور را با فرمول $f = \frac{a-b}{a}$ نمایش می‌دهند. در سال ۱۹۲۴ بیضوی خاصی با فشردگی $f = \frac{1}{299}$ بینام بیضوی بین المللی یا بیضوی هایفورد برای تهیه نقشه‌های کره زمین انتخاب گردیده است.

— پختی زمین

بیضوی مقایسه ELLIPSOID OF REFERENCE
— بیضوی زمین

بیطرفی NEUTRALITY
از نظر قوانین بین المللی حالت کشوری است که از ورود در جنگ میان کشورهای دیگر، یا دخالت در آن و یا کمک و ابراز خصومت نسبت به کشورهای درگیر جنگ خودداری کند، معمولاً "این گونه کشورها هنگام شروع جنگ مراتب بیطرفی خویش را طی اعلامیه‌ای به اطلاع کشورهای متخاصم می‌رسانند، به موجب اعلامیه بیطرفی، کشور بیطرف موظف می‌گردد که جدا "از دخالت در کارهای کشورهای متخاصم خودداری کند و دولت‌های متخاصم نیز مکلف می‌گردند که از هر گونه تجاوز به خاک یا آب‌های ساحلی کشور بیطرف پرهیز نمایند.

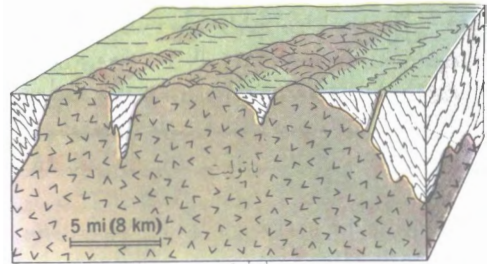
بین الطلوعین (Beyn-ot-olueyn) TWILIGHT
بازتاب نور خورشید یا روشنایی آسمان در حد فاصل میان پیش از سر زدن خورشید در بامداد و پس از غروب آن در شامگاه. مدت این روشنایی بر حسب زمان و عرض جغرافیائی متفاوت است. این مدت از پیشتاب در بامداد شروع شده و به پستاب در شامگاه پایان می‌یابد. بطور کلی پیشتاب و پستاب (فلق و شفق) هنگامی پدیدار می‌گردد که خورشید حدود ۱۸ درجه زیر افق قرار گرفته باشد. به این وضعیت در اصطلاح علمی بین الطلوعین نجومی گفته می‌شود و در حالتی که خورشید در پیشتاب و پستاب (فلق و شفق) حدود ۶ درجه زیر افق واقع شده باشد آنرا بین الطلوعین معمولی می‌نامند که در واقع این روشنایی برای شروع و پایان کار

روزانه کافی است .

MESOPOTAMIA

بین النهرین

لفظ بین النهرین به معنای میان دو رود است و به معنای خاص به جلگه بین رودهای دجله و فرات در شمال خلیج فارس اطلاق می گردد . در معنای وسیعتر به ناحیه ای در آسیای غربی ، در امتداد رودهای دجله و فرات و بین آنها ، که از جنوب به شمال از خلیج فارس تا کوههای ارمسان ، و از شرق به غرب از فلات ایران تا صحرای سوریه (بادیه الشام) ممتد است ، گفته می شود .



MOSAIC

پارچین (Parchin)

— موزائیک عکس هوایی

پارس‌شیل

یا سال پلنگ، یکی از سال‌های دوازده‌گانه ترکان.

— سال‌های خطا و اینور

PARSEC

پارسک

فاصله‌ای که طی آن یک ستاره، دیدگشتی معادل یک ثانیه قوسی پدید آید. هر پارسک معادل $3/26$ سال نوری و برابر $265/206$ واحد نجومی و $30/1$ میلیون کیلومتر است. واژه Parsec از دو کلمه Parallax (دید گشت) و Second (ثانیه) ترکیب یافته است. (تصویر در صفحه ۹۱)

PARK

پارک

منطقه و یا زمینی در داخل یک شهر که معمولاً با گلکاری و درختکاری و چمن کاری تزئین شده و برای تفریح و استراحت مردم اختصاص داده شده باشد.

NATIONAL PARK

پارک ملی

منطقه‌ای که از نظر مطالعات علمی و تفریحات همگانی از جنبه‌های مختلف، مانند زندگی جانوران (حیات وحش) گیاهان و آثار باستانی، حفاظت شده اعلام گردد. از جمله معروفترین پارک‌های ملی جهان، پارک ملی یلوستون (Yellowstone) در ایالات متحده امریکا است. که حدود یک میلیون هکتار وسعت دارد.

SEWAGE/FETID WATER

پارگین (Pargin)

— گنداب

پاریاب (Paryāb)

یا هاراب = فاراب، زراعتی که با آب رودخانه و امثال آن آبیاری شود.

PALEOLITH

پارینه سنگ (Pārineh-sang)

یا نخستین سنگ نام هر یک از ابزارهای اولیه انسان که از سنگ‌های سخت (مانند سنگ چخماق یا کوارتزیت) ساخته شده و در رسوبات رودخانه‌ها و غارهای پناهگاه انسان‌های اولیه بدست آمده است.

پارینه، گه‌ها معمولاً "غیر صیقلی هستند و قدمت فوق‌العاده دارند و همان‌طوریکه از نام آن‌ها پیداست به دوره پارینه سنگی یا عصر حجر قدیم تعلق دارند.



FOOT

پا

واحد اندازه‌گیری انگلیسی، معادل ۱۲ اینچ یا $\frac{1}{3}$ یارد و با برابر $30479/0$ متر. هر پای مکعب معادل ۱۷۲۸ اینچ مکعب یا $28316/1$ سانتی متر مکعب و برابر $6/23$ گالن آب است. هر فوت پوند وزن عبارت از نیرویی است که بتواند وزنه یک پوندی را به اندازه یک پا بطور قائم جابجا کند. هر پای مربع برابر است با ۱۴۴ اینچ مربع یا $0/093$ متر مربع.

AUTUMN

پائیز

زمان عبور کره زمین، در حد فاصل میان دو نقطه اعتدال پاییزی و انقلاب زمستانی را پائیزی می‌گویند. این زمان، برای نیمکره شمالی، از یکم مهرماه تا سیام آذر (۲۳ سپتامبر تا ۲۱ دسامبر)، و برای نیمکره جنوبی یکم فروردین تا سی و یکم خرداد (۲۱ مارس تا ۲۱ ژوئن) است.

ANTIPODES

پادپا (Pādāpā)

دو نقطه‌ای از کره زمین که در مقابل یکدیگر قرار گرفته و نسبت به هم 180 درجه فاصله داشته باشند. این گونه نقاط در واقع در دو سر محوری قرار گرفته‌اند که آن محور از مرکز زمین عبور کرده باشد، مانند دو نقطه قطب شمال و جنوب. یکی از مشخصات این نقاط این است که باید یک نقطه در نیمکره شمالی و نقطه دیگر در نیمکره جنوبی واقع شده باشد. پر واضح است که شب و روز و فصول نقاط پادپا عکس یکدیگر است. در اصطلاح جغرافیائی نقاط پادپا را به مناطق پادپا نیز می‌توان تعمیم داد.

LYNCHET

پادگانه (Pādāgāneh)

گونه‌ای تختان که بدست انسان در دامنه یک کوه یا یک تپه ایجاد گردیده و برای کشاورزی بکار گرفته شده باشد. این گونه تختان‌ها معمولاً "پادگاری از عصر آهن یا جلوتر بوده و علاوه بر سهولت آبیاری از آبرفتگی و فرسایش زمین جلوگیری می‌کند.

پاراب (Pārāb)

— پاریاب

جلگه در حال حاضر زیر کشت رفته و محصولاتش مانند گندم ذرت، کتان و یونجه از آن بدست می آید و همچنین گلهای فراوانی از گاو و گوسفند برای پرواربندی و تهیه گوشت بخ - زده در آن نگهداری می شود. این جلگه از نظر مشخصات طبیعی، شباهت فراوانی به استپهای شوروی دارد.



پامپاس

PANAMA

پاناما

تنگه ایست میان اقیانوس اطلس و اقیانوس کبیر که امریکای مرکزی را از امریکای شمالی جدا می سازد. حفر این ترعه در سال ۱۸۸۱ میلادی بوسیله مهندس فرانسوی فردیناند دولسپس شروع شد. ولی به علت تب زرد و سوء استفاده ها عملیات در ۱۸۸۹ متوقف شد. بعدها فرانسویها حقوق خود را به کشور ایالات متحده فروختند.

کانال پاناما، آبراهه ای است به طول ۸۰/۵ کیلومتر که منتهای عمقش ۱۲/۵ متر است و طی سراسر آن از ۷ تا ۸ ساعت طول می کشد و جز کشتیهایی بسیار بزرگ، تمام کشتیهایی اقیانوس پیما می توانند از آن بگذرند. (تصویر در صفحه ۸۱)

PANTOGRAPH

پانتوگراف

پانتوگراف دستگاهی است که برای بزرگ و یا کوچک کردن نقشه بطور مکانیکی بکار می رود. این دستگاه از چهار بازوی یک اندازه که به یکدیگر لولا شده اند تشکیل یافته است.

FORD

پایاب (Pāyāb)

— مگذار

NERITIC

پایابی (Pāyābi)

چیزی که وابسته به پایاب یا آبهای کم زرفا باشد، مانند مواد ته نشستی موجودات آلی از قبیل ماهیها، صدفها و

PALEOLITHIC

پارینه سنگی (P-sangi)

— عصر پارینه سنگی

NADIR

پاسو (Pāsu)

نقطه ای فرضی از کره عالم که در مقابل نقطه سروسو (سمت الرأس) قرار گرفته و به آن سمت القدم نیز می گویند. — کره عالم و سروسو.

DIFFRACTION

پاشمان (Pāshmān)

شکست و انحناء نور در اطراف لبه یک شیئی مات. این عمل باعث می شود که نقطه ای از نور بصورت لکه ای نورانی با یک مرکز درخشنده که پیرامون آن را حلقه ای از نور محو شونده احاطه کرده است، تبدیل گردد.

DEFORESTATION

پاکسازی

بریدن درختان و پاک ساختن کامل یک زمین از درختان و گیاهان جنگلی.

PALAEOCENE

پالئوسن

نخستین قسمت از دوره اشوسن که از ۷۰ تا ۶۰ میلیون سال پیش بدرازا کشیده است. — ازمنه زمین شناسی

REFINING

پالایش (Pālāyesh)

عمل یا طریقه جدا کردن مواد خارجی از یک ماده خام یا آمیخته با مواد خارجی. این اصطلاح معمولاً در مورد استخراج بعضی از فلزات، تجزیه نفت خام به مشتقات تجاری آن، و صاف کردن شیره چغندر و نیشکر و مواد دیگر بکار می رود.

پالیز

۱ - باغ، بوستان، جالیز، فالیز، گلستان

۲ - کشتزار، مزرعه

۳ - زمینی که در آن هندوانه، خربزه، گرمک و طالبی و کدو و امثال آن بکارند.

PAMPAS

پامپاس

این واژه در اصل اسپانیایی بوده و به مفهوم علفزار معتدله ای در امریکای جنوبی، که از کوههای آند تا اقیانوس اطلس گسترده شده به کار می رود. بخش باختری این منطقه را، که پامپاس خشک نام دارد یک بیابان پهناور در بر گرفته و بخش خاوری آن را پامپاس مرطوب پوشانیده است. قسمت اخیر، دارای بارندگی قابل ملاحظه ای بوده و علفهای بلندی آن را تحت پوشش قرار داده است. بخش بزرگی از این

مرجان‌ها و غیره.



پاناما (کانال)

پتاسیم POTASSIUM

جسمی است جامد و نرم که با ناخن مخطط می‌گردد و با چاقو بریده می‌شود. در نفت حفظ می‌شود و در ۶۳۵ درجه ذوب می‌گردد و در ۷۵۶ درجه می‌جوشد. سطحش کدر ولی مقلش نقره‌یی است. مانند سدیم با آب تیدرژن می‌دهد و در اکسیژن و کلر می‌سوزد و به صورت کلرور در آب دریاها و به صورت نیترات در شورزارها دیده می‌شود. پتاسیم را به وسیله تجزیه الکتریکی کلرور دو پتاسیم بدست می‌آورند.

P.T.T

پ.ت.ت

علامت اختصاری پست و تلگراف و تلفن.

پتروشیمی PETROCHEMISTRY

صنعت اشتقاق مواد شیمیایی از مواد نفتی یا گاز طبیعی. این صنعت رفته رفته گسترش یافته بطوری که امروزه ایجاد مواد مصنوعی پلاستیکی، مواد غیرآلی، گوگرد، آمونیاک و غیره را نیز در بر گرفته است. کاربرد پتروشیمی بیشتر در صنایعی مانند کشاورزی، ساختمان، نساجی و تولید لاستیک مصنوعی محسوس است. بنیان این صنعت در خلال جنگ اول جهانی زمانی که احتیاج به مواد شیمیایی (مخصوصاً مواد منفجره) فزونی یافته بود از امریکا سرچشمه گرفت. بعد از جنگ جهانی دوم صنعت پتروشیمی به سرعت گسترش یافت و این بیشتر بخاطر ساخت ماده پلاستیکی پلی اتیلن بود. کشورهای اروپای غربی، امریکا و ژاپن از صاحبان عمده این صنعت بشمار می‌روند.

PAKHTU

پختو

— پختو

پختنی زمین EARTH FLATTENING

(pakhty-e-zamin)

پختی و یا فرو رفتگی بیضی عبارتست از نسبت تفاضل طول دو قطر به قطر اطول. مقدار پختی همواره کوچکتر از یک است، هر قدر بزرگتر باشد بیضی کشیده‌تر می‌شود و برعکس هر قدر به صفر نزدیک شود بیضی به سمت دایره میل می‌کند. در مورد بیضوی زمین نیز وضع به همین قیاس است. یعنی اگر شعاع استوایی زمین را ۶۳۷۸۳۸۸ متر و شعاع قطبی را ۶۳۵۶۹۱۲ متر بگیریم، تفاضل دو شعاع عبارتست از ۲۱۴۷۶ متر و میزان پختی و یا فرو رفتگی آن برابر $\frac{1}{۲۹۷}$ خواهد بود.

— بیضی زمین

TERMINAL

(Pāyāneh)

نهایی‌ترین بخش یا آخرین جایگاهی از یک کشور یا یک منطقه و یا یک سرزمین و یا یک شهر که مسافران و بار از آن کشور یا منطقه یا سرزمین و یا شهر مزبور را ترک و بدرود گویند.

پایانه را به مفهوم واقعی می‌توان درودگاه نامید.

CAPITAL

پایتخت

مرکز حکومت هر کشور، که در آن شاه یا رئیس جمهور و یا هیئت حاکمه آن کشور، در آنجا اقامت داشته و از آنجا به سراسر کشور حکمرانی نمایند.

FOOT HILL

پای کوه

خط تغییر شیبی که کم و بیش میان قسمت اصلی یک کوه و بخش هموار پائین کوه قرار گرفته باشد.

SPACE STATION

پایگاه فضائی

قمر مصنوعی که محل برای چند سرنشین داشته باشد. پایگاه فضایی ممکن است حامل چندین تن تجهیزات آزمایشگاهی و غیره باشد.

CIRCUMDENUDATION/CIRCUMEROSION پاییده کوه (Paiideh kuh)

کوهی که پس از سائیدگی و از میان رفتن تخته سنگ‌های نامقاوم باقی بماند.

پدافند ملی

NATIONAL DEFENSE

بررسی وسایلهما و راههای دفاع از استقلال و منابع ملی.

پدیداری (Padidāri)

VISIBILITY

میزان وضوح دید را پدیداری می‌گویند و به عوامل زیر بستگی دارد:

الف - ارتفاع ایستگاه ناظر نسبت به سطح دریا.

ب - میزان صاف بودن و یا مه‌آلود بودن هوا.

پ - زمان.

ت - میزان مرئی بودن و نامرئی بودن زمین.

پراکنش (Parākanesh)

DIFFUSION

— واپاشی

پراکوه (Parākuh)

۱ - آنسوی کوه. آنطرف کوه، آن روی کوه.

۲ - آنجائی از کوه که عمیق است و آب پسوی آن سرازیر می‌شود.

پرتگاه

CLIFF

— تندان

پرتگاه دریائی

SEASCARP

سراسیمبی تند و یا پرتگاهی در کف اقیانوس که بر اثر شکستگی پدید آمده باشد.

پرتگاه گسلی

FAULT-LINE SCARP

چینه‌ای که محل شکست آن در مجاورت سطح زمین قرار گرفته و یکی از دو لبه آن به علت عدم مقاومت کافی سائیده شده و صخره یا پرتگاهی را در امتداد خط گسله پدید آورده باشد.

پرتو ستاره‌شناسی

RADIO ASTRONOMY

شاخه‌ای از ستاره‌شناسی که با کشف و بررسی منابع آسمانی تابش‌هایی سرو کار دارد که به‌ساعت آنها زیر بالای به‌سامدی است که با تلسکوپهای دید افزاری (اپتیک) می‌توان کشف کرد.

پرتون (پروتون)

PROTON

قسمت مرکزی اتم که با نوترون تشکیل هسته را می‌دهد مثلاً "اتم هیدروژن معمولی شامل یک هسته است که تنها از یک پرتون تشکیل یافته است وزن آن در حدود $\frac{1845}{1846}$ وزن اتم هیدروژن را تشکیل می‌دهد و چون بیشتر وزن اتم هیدروژن مربوط به این قسمت است می‌توانیم بگوئیم که یک

پرتون در حدود یک واحد اتمی وزن دارد. با وجود اینکه پرتون این قدر سنگین‌تر از الکترون (به اندازه $\frac{1}{1846}$ وزن سبکترین اتمهای هیدروژن معمولی) می‌باشد، حجم آن فقط $\frac{1}{8}$ حجم الکترون را دارد. پرتون مقدار بسیار کمی الکتریسیته مثبت دارد که از حیث مقدار با الکتریسیته الکترونها برابر است.

پرتوهای فرا بنفش

ULTRAVIOLET RAYS

آن قسمت از نور خورشید که بعد از طیف رنگ آبی قرار دارد، طول موج اشعه - ماوراء بنفش بین 10^{-5} تا 4×10^{-7} سانتی متر تا مولکول‌های اوزون موجود در آتмосفر جذب و فقط مقدار کمی از آن به سطح زمین می‌رسد.

پرتو 'ی' فروسرخ

INFRARED RADIATION

اشعه نامرئی که طول موج آن اندکی بلندتر از نور سرخ است. به این پرتوها اشعه مادون قرمز نیز می‌گویند.

پرتو همدگاری

RADIOMETEOROGRAPHY

بررسی اندازه فشار، دما و نمناکی (رطوبت) که به وسیله علامتهای رادیویی با به‌سامد بسیار بالا (U.H.F) از یک بالون بی سرنشین برای ناظران زمینی فرستاده می‌شود.

پرچم

FLAG

تکه پارچه‌ای که به عنوان نماد یک ملت یا مملکت بکار می‌رود. معمولاً "پارچه مزبور را به رنگها و نقش‌های مختلف تزئین می‌کنند و به‌وسیله ریسمانی به یک پایه متصل می‌سازند. پرچم که در اصل یک واژه ترکی است از دوران باستان بین مصریان و آشوری‌ها و یهودیان متداول بوده و درفش کاویانی نیز در ایران قدیم دارای اعتبار خاصی است.

پرچین (Parchin)

HEDGE

دیوارهای از ترکه، نی، برگ، علف، خار و مانند آن که گرداگرد زمین و یا باغی کشیده باشند. هم چنین چوبهای نوک تیز، خار، شاخ درخت و مانند آن که بر سر دیوار باغ نهند تا عبور از آن مشکل گردد.

پرداز (Pardāz)

HACHURE

خط‌های کوتاه سایه ماندی که به منظور نمایش برجستگیها و شیب زمین روی نقشه رسم شود، پرداز یا هاشور نام دارد. خط‌های ضخیم و نزدیک بهم نشانه شیب تند و بر عکس خط‌های نازک و دور از هم معرف شیب ملایم زمین است. و بهمین جهت سیاه‌ترین پردازها نمایشگر پرتگاهها و

PRAIRIE

پیری

علفزارهایی که ارتفاع آن به ۳۰ تا ۹۰ سانتی متر می‌رسد. هماهنگی و یکنواختی علفزارهای پیری آنچنان شدید است که به صورت دریایی جلوه می‌کند. در اینجا درخت فوق العاده کم و یا اصلاً مشاهده نمی‌شود. این نوع علفزارها غالباً "در منطقه آب و هوای نیمه خشک مداری جایی که خاک از گیاهاک غنی باشد بوجود می‌آید.

پرسنگ (Parsang)

— پرسنگ —

PERSIA

پرسیا

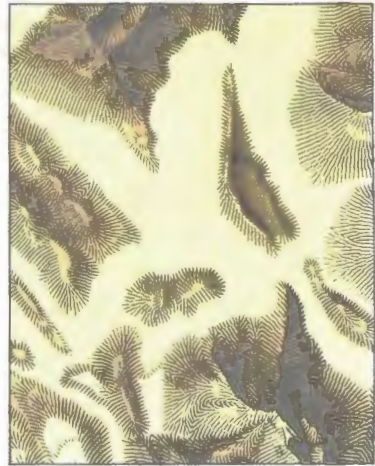
یونانیان باستان استان فارس (پارس) را بنام (Persis) می‌شناختند و این کلمه را که فقط اسم آن استان بود بر تمام ایران اطلاق می‌کردند و این واژه تا کنون در تمام اروپایاقی و شایع است. اروپائیان مملکت ایران را بنام (Persia) که مشتق از همان (Persis) است می‌خوانند.

COMPASSES

پرگار (Pargār)

اسباهی برای رسم کردن دوایر و اندازه‌گیری فواصل. پرگار بر چند نوعست، پرگار معمولی برای رسم دایره. پرگار تحویل برای کوچک و یا بزرگ کردن فواصل روی نقشه و پرگار ضخامت یاب برای اندازه‌گیری ضخامت و رسم دایره بر روی کره.

صخره‌ها بوده در حالیکه روشن‌ترین قسمت آن، شب‌ملازم و هموار را نشان می‌دهد. این شیوه که یکی از قدیمی‌ترین طرق نمایش ارتفاعات است، پستی و بلندی‌ها را بخوبی مجسم ساخته و قابلیت آن در تجسم فرم زمین درخور توجه است. برای رسم پرداز، بلندترین قسمت ارتفاعات را در نظر گرفته و خطوط مزبور را از آنجا بسوی دامنه ارتفاعات طوری رسم می‌کنند که عمود بر منحنیهای تراز باشند. پرداز یا هاشور برخلاف منحنی‌های تراز فاقد اعداد ارتفاعی است.



پرداز



PRE-CAMBRIAN

پری کامبرین

بخشی از ازمینه زمین شناسی که جلوتر از دوران دیرین زیوی (کهن زیست) آغاز شده و به حدود ۶۰۰ میلیون سال پیش پایان یافته است. سنگهای این دوره حدود $\frac{1}{5}$ پوسته زمین را تشکیل داده و به دلیل دارا بودن منابع سرشار طلا از نظر اقتصادی اهمیت فراوانی دارد.

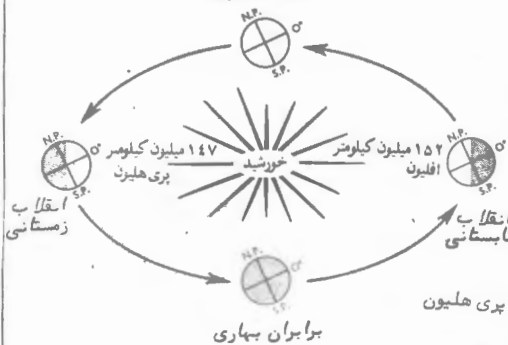
— ازمنه زمین شناسی

PERIHELION

پری هلیون

نقطه‌ای از گردشگاه (مدار) زمین، با دیگر سیارات به دور خورشید که کمترین فاصله را از خورشید داشته باشد. کره زمین در ۱۳ دی ماه مطابق با ۳ ژانویه از این نقطه عبور کرده و فاصله آن تا خورشید در این هنگام ۱۴۷ میلیون کیلومتر است. این نقطه در مقابل افلیون قرار دارد.

برایان یائیزی



پژ (Pazh)

واژه سمنانی به مفهوم گردنه، گریوه، کتل، بند سر کوه و زمین پست و بلند.

پژ (Pozh)

برف ریزه‌هایی که از شدت هوای سرد مانند گرد از آسمان بریزد.

PERMIAN

پرمین

ششمین دوره زمین شناسی از دوران دیرین زیوی (کهن زیست) که از ۲۷۰ تا ۲۲۵ میلیون سال پیش بدرازا کشیده است.

— ازمنه زمین شناسی

HILLOCK

پرندهک (Parandak)

پشته و یا تپه کوچکی که در میان دشت واقع شده باشد.

BIRDS

پرنندگان (Parandegān)

رده بزرگی از جانوران خون گرم، تخم گذار مهره دار پوشیده از پر که دستپايشان به بال تحويل یافته و استخوان دشان کوتاه و کنده مانند شده است. دمای بدن پرنندگان در مقایسه با پستانداران ۲ تا ۱۴ درجه سانتیگراد بیشتر است. مغزشان نسبتاً بزرگ، بینائی آنها قوی، شنوائی تیز و حس بویایی ضعیف است.

بیشتر پرنندگان برای تخم گذاری لانه می سازند و حشرات و دانمهای گیاهان وحشی و لاشه جانوران را می خورند.

PROTOCOL

پروتکل

- ۱- صورت مجلس جلسات سیاسی که برای بررسی و تحقیق و مذاکره در امری منعقد گردد.
- ۲- پیش نویس قرارداد یا صورت جلسهای مذاکرات که بعدها به شکل پیمان در می آید و امضاء می شود مانند پروتکل های مرزی.

PLEIADES

پروین

دسته ای مرکب از ۶ تا ۱۰ ستاره واقع در صورت فلکی ثور. از جنبه نجومی پروین یا ثریا عبارت از خوشه ای است مرکب از چند صد ستاره که با هم در فضا حرکت می کنند.

ستارگان پروین که در اصطلاح به خوشه پروین معروفند در ادبیات فارسی نقش ارزنده ای دارند.

— ثور



پروین

پسلرزه در حوالی کانون زمین لرزه پدید می‌آید و علت آن جابجا شدن و جا افتادن سنگ‌های پوسته زمین بعد از وقوع زمین لرزه است و ممکن است ساعتها و روزها و حتی ماهها بدرازا بکشد.

EBB CHANNEL

پس نشینی

پس روی آب دریا پس از مرحله برگشتند (مد).

HAIL

پسنگ (Pasangak)

← تگرگ

PSYCHROMETER

پسیکرومتر

دستگاهی که اندازه بخار آب در اتمسفر را تعیین می‌کند.

پشتکوه

آن طرف کوه، آن سوی کوه، پرا کوه، مقابل پیشکوه.

PASHTU

پشتو

یکی از زبان‌های ایرانی خاوری که بیشتر در غرب و جنوب افغانستان و شمال غرب پاکستان رواج دارد، این زبان از چندی پیش به اهتمام دولت افغانستان به عنوان زبان رسمی افغانستان شناخته شده است. به این زبان که با الفبای فارسی نوشته می‌شود پختو نیز می‌گویند.

MOUND

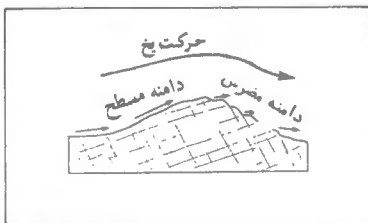
پشته

تپه کوتاهی که بطور طبیعی یا مصنوعی ایجاد شده باشد.

ROCHE MOUNTONN'EE

پشته خارهای

پشته‌ای از سنگهایی که بوسیله یک یخچال روی هم انباشته شده و یک دامنه آن بر اثر حرکت یخچال تقریباً "صاف و هموار گردیده و دامنه مقابل تقریباً" همچنان مضرس باقی مانده باشد. سنگهای دامنه بالائی این پشته کاملاً "در یخ تپیده و بر عکس سنگهای دامنه پائین تقریباً" جاکن و نا پیوسته و سنگلاخی به نظر می‌رسد.



پشته خارهای

ECHO

پژواک (Pazhvāk)

تکرار صوت به سبب انعکاس امواج صوتی و یا صوت مکرری که از صوت اصلی متمایز باشد.

پژواک غالباً "در نواحی کوهستانی شنیده می‌شود. از جالبترین پژواک‌ها، پژواک شهر سیمونتا واقع در ایتالیا است که صدایش حدود ۴۰ بار تکرار می‌شود.

DEHYDRATION

پسابیدن (Pasābīdan)

گرفتن آب از چیزی.

AFTER GLOW

پستاب (Pastāb)

روشنی آسمان در مناطق کوهستانی پس از غروب خورشید. این پدیده موقعی بوقوع می‌پیوندد که خورشید حدود ۳ یا ۴ درجه در زیر افق باشد.

MAMMALIA

پستانداران

یکی از انواع مهره‌داران که بالاترین رده را بخود اختصاص داده‌اند. حیوانات پستاندار خون‌گرم هستند و در بدن ماده آن‌ها غده‌هایی است بنام پستان که شیر ترشح می‌کند تا بچه‌های خود را تغذیه کنند. سطح بدن بیشتر پستانداران از مو پوشیده است و قلب آن‌ها چهار حفره دارد و پرده‌ای بنام دیافراگم شکم آن‌ها را از سینه جدا می‌کند.

REGRESSION

پسروی (Pasravi)

پیش رفتن آب را در خشکی پیشروی و عقب رفتن آن را پسروی می‌نامند.

پارهای هنگام این دو پدیده با هم رخ می‌دهند. یعنی پیشروی‌هایی که در بعضی قسمت‌های زمین انجام می‌گیرد. مقارن با پسروی‌هایی می‌باشد که در سایر جاها روی می‌دهد. پسروی معمولاً با فرایند تشکیل رشته‌های کوهستانی ارتباط دارد.

HINTERLAND

پسکرانه (Paskarāneh)

زمینهای واقع در پشت بندرگاه‌ها، که نقش پشتیبانی و تامین و رسانیدن کالاهای صادراتی را به بندرگاه و پخش و جذب کالاهای وارداتی از بندرگاه را عهده‌دار باشند.

EBB TIDE

پسکشند (Paskeshand)

پس نشینی آب دریا پس از مرحله برگشتند (مد). و یا به عبارت دیگر مرحله‌ای از سیکل جزر و مد که بلافاصله پس از برگشتند (مد) آغاز و به فروکشند (جزر) پایان می‌یابد.

AFTERSHOCK

پسلرزه (Paslarzeh)

لرزه‌های پوسته زمین پس از عبور امواج اصلی زمین لرزه.

PLAN

پلان

نقشه مقیاس بزرگی که کلیه عوارض حتی راهها به شکل واقعی خود (با توجه به مقیاس) رسم گردند مانند نقشه‌های ۱:۵۰۰۰ و بزرگتر. این گونه نقشه‌ها معمولاً کاربرد ساختمانی دارند.

PLANETARIUM

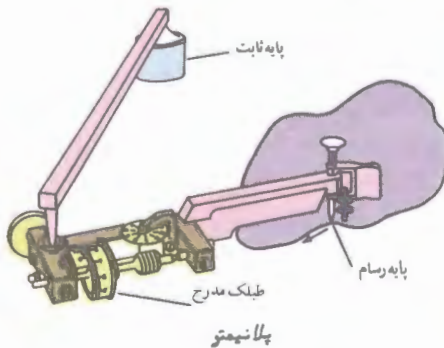
پلانتاریوم

← آسمان نما

PLANIMETER

پلانیمتر

دستگاهی است که برای اندازه‌گیری مساحت قطعاتی از نقشه که فاقد شکل هندسی هستند بکار می‌رود. این دستگاه از دو بازو و یک شماره‌گر تشکیل یافته که یک بازو ثابت و دیگری متحرک است. سر بازوی متحرک را که معمولاً "به ذره‌بین متصل است، روی پیرامون محدوده مورد نظر، حرکت داده و ارقام شماره‌گر را یادداشت می‌کنند و از روی آن، مساحت محدوده مورد نظر را به دست می‌آورند.



پلانیمتر

NATURAL BRIDGE

پلدیس (Poldis)

قوس و یا پل سنگی طبیعی که دو لب بریدگی و یا دو طرف دره‌ای را بهم متصل ساخته و آب در زیر آن جریان داشته باشد. این عارضه بیشتر در زمین‌های آهکی به چشم می‌خورد. به این عارضه پل طبیعی نیز می‌گویند. (تصویر در صفحه ۸۷)

NATURAL BRIDGE

پل طبیعی

← پلدیس

SCHIST

پلمه سنگ (Palme sang)

← اردوال

PLUTO

پلوتون

نهمین سیاره از منظومه شمسی است و ظاهراً "بهرونی‌ترین اعضا" از خانواده خورشید.

سیاره پلوتون در سال ۱۹۳۰ توسط تامباوکشف شد. قطر این سیاره ۲۴۰۰ کیلومتر است و در فاصله ۵۰۹۰۰۰۰۰۰۰ کیلومتر از زمین قرار دارد.

FROST HEAVING

پفیدن (Pofidan)

بر آمدن و باد کردن خاک سطحی در نتیجه یخبندان، علت این امر یخ زدن آب درون خاک و ازدیاد حجم آنست.

DAWN

پگاه (Pegāh)

صبح زود، اول بامداد، هنگام فجر.

PEGMATITE

پگماتیت

نوعی سنگ آذرین که کاملاً سخت و متراکم بوده و از دانه‌های بلورین (کریستال) درشتی تشکیل یافته است. این گونه سنگ که بیشتر در دیوال‌ها و حاشیه ژرفسنگ‌ها یافت می‌شود، انواع مختلفی دارد که از آن جمله سنگ خارا را می‌توان نام برد.

BRIDGE

پل (Pol)

طاقی که با مصالح ساختمانی بر روی رودخانه یا دره می‌سازند که از روی آن عبور کنند.



پل

PLAGE

پلاژ

این واژه در اصل فرانسوی بوده و به مفهوم ساحلی از دریا که از شن و ماسه پوشیده شده باشد بکار می‌رود.

← دریا کنار



پل دیس

کیلومتری خورشید قرار گرفته است و زمان گردش بدور خورشید ۲۴۷ سال و ۲۵۵/۵۰ روز است و زمان چرخش حول محور قطبین ۶ روز و ۷ ساعت و ۱۲ دقیقه بطول می‌انجامد و تعداد قمر پلوتون یک عدد می‌باشد.

قطعی نیست که سیاره پلوتون سرحد نهایی منظومه خورشید باشد، زیرا طبق محاسبات ثابت شده که در آنسوی مدار پلوتون یک یا شاید دو سیاره دورتر نیز به گرد خورشید در گردشند.

— سیارات

مین



پلوتون

PLEISTOCENE

پلیستوسن

پنجمین دوره از دوران نوزیوی (نوزیست) و یا نخستین دور از دوره چهارم زمین‌شناسی که از یک میلیون تا یازده هزار

جذب کرده و زمین بسیار مرغوبی را از نظر کشاورزی بوجود می‌آورند.



پنبه آبرفتی

پودزل **PODZOL**
نوعی خاک منطقه‌ای که زیر نفوذ نباتات طبیعی و جنگلهای کاجی قرار داشته است. باران این منطقه متوسط اما تبخیر آن محدود است. پودزل برنگ خاکستری و با ترکیبی از آهن و آهن می‌باشد. قسمت عمده خاکهای شوروی از پودزل تشکیل شده‌اند. این خاکها از نظر کشاورزی خاکهای ضعیفی هستند ولی با افزایش آهن اصلاح می‌شوند.

پوده رست **(Pudeh-rost)** **SAPROPHYTE**
گیاهی که روی مواد آلی در حال پوسیدن زندگی می‌کند.

پوده گل **(P-gel)** **SAPROPEL**
گل و لجنی که از بقایای حیوانات یا گیاهان ریز دریا تشکیل شده و مواد قبری بوجود می‌آورد.

پوزه **(Puzeh)** **NAB/NAZE**
— دماغه

پوسته زمین **CRUST OF THE EARTH**
پوسته خارجی زمین، به ضخامت ۱۶ تا ۴۸ کیلومتر است و

سال پیش بدرازا کشیده و با پیدایش انسان توأم بوده است.
— ازمنه زمین شناسی

پنبه **COTTON**
بوته گیاهی که بطور سالانه در نواحی معتدله و گرم می‌روید. تخمدان گل این گیاه پس از رسیدن شکفته می‌شود ورشته‌هایی بنام پنبه از آن خارج می‌گردد که طول پارهای از آن‌ها به حدود ۶/۵ سانتی متر می‌رسد.
مرغوب‌ترین پنبه در کشورهای متحده آمریکا، شوروی، چین، هندوستان، برزیل و مکزیک می‌روید.

پنبه خیز **COTTON BELT**
جایی که پنبه بسیار از آن جا بدست آید.
— کمربند پنبه

پنبه دانه **COTTONSEED**
دانه‌های موجود در غوزه پنبه که پس از جدا ساختن الیاف باقی می‌ماند. پنبه دانه دارای چربی فراوان بوده و بصورت مارگارین و روغن‌های آشپزخانه به مصرف می‌رسد.
از جمله صادر کنندگان پنبه دانه و این گونه روغن‌ها کشورهای شوروی، آمریکا، چین، هندوستان، برزیل و مکزیک را می‌توان نام برد.

پنبه زار **COTTON FARM**
زمینی که در آن پنبه کاشته باشند.

پنبه کوهی **ASBESTOS**
هر یک از اقسام مختلف سیلیکاتهای معدنی منیزیم که ساختمانی الیافی و در مقابل اسیدها و آتش گما بیش مقاومت دارد و معمولاً "بشکل رگه‌هایی در سنگ‌های دیگر یافت می‌شود. این جسم همانطوریکه از نام آن پیداست، بصورت الیاف و رشته‌هایی در می‌آید که خاصیت نرمش و انعطاف دارد از این رو در نساجی و پارچه‌های ضد آتش‌بکار می‌رود.

پنبه آبرفتی **ALLUVIAL CONE/ALLUVIAL FAN** **(Panjeh-ye-abrofti)**

رسوباتی که یک رودخانه پس از عبور از یک گذرگاه تنگ و ورود به یک دشت و یا یک دره پهناور از خود به جای می‌گذارد. پهنای این عارضه پنبه‌ای شکل در مناطق خشک و کم باران که رودخانه‌های سیلابی در آن جریان دارد اغلب تا چندین کیلومتر می‌رسد گاهی اوقات چند پنبه که از رودخانه‌های سیلابی نزدیک بهم بوجود آمده‌اند بیکدیگر پیوسته و منطقه بسیار پهناوری را زیر پوشش قرار می‌دهند. این رسوبات که ژرفای آن گاه به چند متر می‌رسد آب بستر اصلی را به خود

پوشینه زمین
— زیر پوش (جبه)

STEEL

پولاد

یا فولاد آمیزه (آلیاژ) ی از آهن که با ۵/۵ تا ۱/۵ درصد کربن همراه باشد. — فولاد

پولک

پل کوچک .

POUND

پوند

از اتحاد جرم و وزن در بعضی کشورهای انگلیسی زبان . پوند بر دو نوعست :

۱- پوند اوردیويز معادل ۴۵۳/۵۹ گرم .

۲- پوند تروی معادل ۳۷۳/۲۴ گرم .

BROAD

پهناب

سطح پهناوری از آب یک رودخانه واقع در دهانه آن (منظور از دهانه محلی است که رودخانه به دریا می پیوندد) .

VALE

پهندره

دره ای که پهن و وسیع بوده و کف آن نسبتاً "مسطح و هموار باشد" .

ADVECTION

(Pahnraft)

پهنرفت
جابجائی چیزی بوسیله حرکت افقی . این اصطلاح معمولاً برای جابجائی گرما بوسیله حرکت افقی هوا بکار می رود و بهترین نمونه آن جابجائی گرما بوسیله حرکت هوای استوائی از مناطق کم عرض به مناطق عرض بالای جغرافیائی کره زمین است .

BRACHYCEPHALIC

(Pahn-sari)

پهن سری
— شاخص سر

PLANIMETER

پهنه سنج

— پلانیمتر

PLANIMETRY

پهنه سنجی

روش است برای اندازه گیری شکل های مسطح .

PI (π)

پی

نام یکی از حروف الفبائی یونانی که در ریاضیات نسبت ثابت میان پیرامون دایره به قطر آن را نمایش میدهند . کهن ترین مدرک تاریخی درباره عدد پی قطعه پایپروسی است که اکنون در یکی از موزه های شهر مسکونگهداری میشود در این سند که از مصر باستان بجای مانده نسبت پیرامون دایره به قطر آن برابر ۳ است و در مدارکی که از بابلیان به

از عناصر زیر تشکیل یافته اکسیژن ۴۶ درصد ، سیلیکون ۲۸ درصد آلومینیم ۸ درصد ، آهن ۶ درصد ، کلسیم ۲/۴ درصد ، سدیم ۲/۱ درصد ، پتاسیم ۲/۳ درصد ، منیزیم ۴ درصد و بقیه ۱ درصد . — ساختمان زمین .

STRATOSPHERE (Push-espehr)

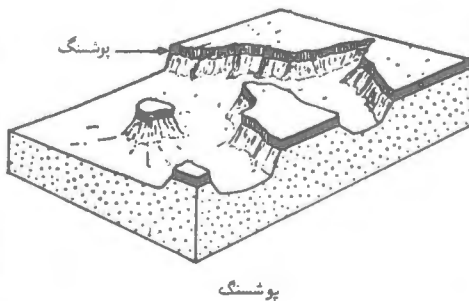
پوش اسپهر
لایه ای از جو زمین که در بالای گشتره واقع شده و تا طبقه یونکره که در ۹۰ کیلومتری زمین قرار گرفته ادامه دارد . بطور متوسط ارتفاع پائین ترین بخش این لایه در مناطق استوائی حدود ۱۸ کیلومتر ، در مناطق معتدله حدود ۹ کیلومتر و در قطبین حدود ۶ کیلومتر است .

این قسمت از جو حاوی مقدار کمی غبار و بخار آب است و درجه حرارت آن در نواحی استوائی متناسب با فصل از ۷۹- تا ۹۰- درجه سانتیگراد و در نواحی قطبی از ۴۰- درجه سانتیگراد در تابستان تا ۷۹- درجه سانتیگراد در زمستان در تغییر است .

CAP ROCK

(Pushsang)

پوشسنگ
چینه مقاومی از جنس سنگ ، که لبه یا پای آبشارهای بزرگ را تشکیل می دهد و هم چنین به توده سنگهایی که روی یک معدن را پوشانیده باشد و یا بصورت لایه غیر قابل نفوذی روی یک چینه آبر را بپوشاند ، اطلاق می شود .



STRATOSPHERE

(Pushkoreh)

— پوش اسپهر

STRATOPAUSE

(Pushmarz)

پوشمرز
حد فاصل یا مرز میان پوش اسپهر و میان اسپهر که ارتفاع آن بین ۳۵ تا ۵۰ کیلومتر است .

OVERBURDEN

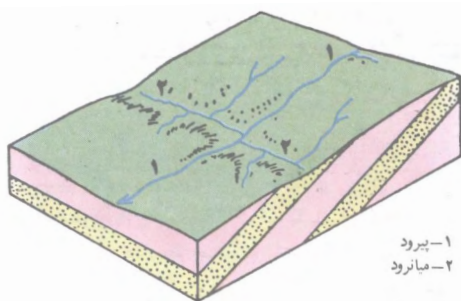
(Pushineh)

پوشینه
لایه ای از خاک و سنگ که روی یک کانه یا یک معدن زغال سنگ را پوشانیده باشد .

پیدایش زمین — نظریه عاری

پیرانه رود (Pirāneh rud) SENILE RIVER
رودخانه‌ای که در نهائی ترین مرحله دوره تکاملی خود قرار گرفته باشد.

پیرو (Peyru) CONSEQUENT RIVER
رودخانه‌ای که در امتداد شیب اصلی زمین روان گردد. به عبارت دیگر رودخانه‌ای که در زمین بالا آمده‌ای، بستر خود را حفر کرده و امتدادش مطابق با شیب طبیعی زمین باشد. (مانند رود هراز).



۱- پیرو
۲- پیرانه

پیرو

پیش بندر
محلی در ساحل رودخانه و مانند آن که بارها را بر کرجی یا کستی‌های کوچک بار کند و در بندر اصلی به کستی‌های بزرگ تحویل دهند.

پیش بینی FORECAST
۱ - عمل پیش بینی در هوا شناسی.

۲ - پیش بینی نیازمندیها و برنامه‌ریزیهای آماری و مالی در علوم اجتماعی.

پیش بینی دوربرد LONG-RANGE FORECAST
سن بینی هوا برای مدت بسیار از ۵ روز.

پیش بینی رقمی NUMERICAL FORECAST
پیش بینی هوا از راه حل معادلات محمول به کمک رایانه (کامپیوتر).

پیشتاب (Pishtāb) DAWN
سور صغیفی که پیش از سر زدن خورشید زمین را روشن می‌کند.

بادگار مانده این نسبت برابر ۳ تعیین شده است که با احتمال فوی از کوششهای تجربی بدست آمده و منای علمی نداشته است.

بقراط (حدود ۴۵۰ سال قبل از میلاد) نخستین کسی است که درباره نسبت مزبور پژوهشهایی انجام داده و ارشمیدس (حدود ۲۵۰ سال پیش از میلاد) به ثابت بودن نسبت پیرامون دایره به قطر آن پی برد و مقدار آن را حدود ۳/۱۴۲ تعیین نمود و بظلموس در قرن دوم میلادی رقم ۳/۱۴۱۶ را بدست آورد.

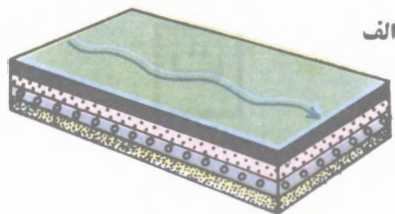
نخستین کسی که مقدار تقریبی پی را با دقت جالبی حساب نموده، عیات الدین حمشید کاشانی (۷۶۳-۸۰۷ ه.ق) است که نسبت مزبور را با بیش از ۱۵ رقم اعشار بدست آورده که همه ارقامش درست است. در اروپا حتی ۱۵۰ سال بعد از کاشانی، نیکو سراهه مقدار پی را برابر ۳/۱۴۰۹ گرفته است و مغارن همین اوقات فراساوایت مقدار پی را فقط تا ۹ رقم اعشار حساب کرده است.

اولس استعمال قطعی علامت π برای نسبت محیط دایره به قطر از ویلیام جوزر انگلیسی (۱۷۰۶ میلادی) است و رسمیت آن از سال ۱۷۳۷ آغاز گردیده است.

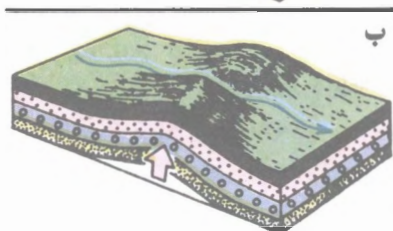
در سال ۱۸۷۲ میلادی ویلیام شگ عدد پی را تکمیل حساب دیفرانسیل و انتگرال تا ۷۰۷ رقم اعشار محاسبه کرد و در قرن اخیر با استفاده از ماشینهای حساب الکترونیک تا بیش از ۳۰۰۰ رقم دهمی محاسبه گردیده است. بر واضح است که این محاسبات بیشتر جنبه نفس دارد، زیرا با همه پیشرفتهای صنعتی و علمی امروز در عمل حتی برای دقیق ترس و حساس ترین کاربردها تنها ده رقم دهمی اول کافی است بی یکی از مهمترین اعدادی است که در ریاضیات و علوم و فنون مختلف بکار می‌آید. بطور مثال محیط دایره مساوی حاصل ضرب قطر آن در پی، سطح دایره برابر حاصل ضرب مربع شعاع آن در پی، سطح بیضی مساوی است با حاصل ضرب پی در دو نصف قطرها و دوره نوسان آونگ برابر است با:

$$2\pi\sqrt{\frac{l}{g}}$$

پیچک LIANA
گونه‌ای گیاه بالا رونده که سافه‌های جویی کلفتی دارد و به گرد تنه درختان و گیاهان جنگلی و غیره پیچیده و خود را تا بلندترین نقطه بالا می‌کشد. این گیاه گاه باعث مرگ درخت و یا گیاهی که به گرد آن پیچیده است گردیده و در همان حال بزندگی خود ادامه می‌دهد. از جمله این گیاهان می‌توان خیزران ادویرائی را نام برد که از آن برای ساختن طناب استفاده می‌شود.



الف

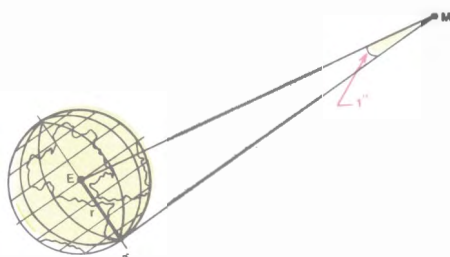


ب

پیشینرود

الف: مسیر رودخانه، قبل از تشکیل پستی و بلندیها.

ب: مسیر رودخانه، بعد از تشکیل پستی و بلندیها.



پارسک

این پدیده را همراه نور ضعیفی که پس از غروب خورشید در آسمان دیده می شود و به آن پستاب می گویند تواما " بین - الطلوعین می نامند .

پیش تلماسه (Pish talmāseh) ADVANCED-DUNE
تلماسه‌ای که جلوتر از یک تلماسه بزرگ قرار گرفته باشد. این گونه تلماسه‌ها از انباشته شدن ماسه پیرامون یک مانع بوجود می‌آیند و حد فاصل میان آنها و تلماسه اصلی را جریان باد خالی نگه می‌دارد.

پیشرفت (Pishraft) DEVELOPMENT
اعمالی که موجبات دگرگونی منطقه‌ای را از نظر ساختمان، تاسیسات، بهره‌برداری در معادن و بطور کلی فعالیت‌های عمرانی فراهم سازد.

پیشروی TRANSGRESSION
— پسروی

پیشکرانه FORESHORE
بخشی از کرانه دریا که در حد فاصل کمترین فروکشند (جزر) بهاره و متوسط برکشند (مد) واقع شده باشد.

پیشکوه
۱ - نزدیک کوه و مجاور دامنه آن .
۲ - قسمت جلوی کوه .

پیشینرود (Pishinrud) ANTECEDENT RIVER
رودخانه‌ای که بستر خود را در زمینی که در حال بالا آمدن است، قبلاً حفر کرده باشد و وضع مسیرش ثابت بماند. چنین رودخانه‌ای قبل از تشکیل پستی و بلندی‌ها در همین حال فعلی وجود داشته است.

پیگمه‌ها PYGMIES
— کوتوله‌ها

پیمایش (Peymāyesh) TRAVERSE
عملیاتی در نقشه‌برداری، که عبارت از زنجیره‌ای است از یک سری خط‌های مستقیم و بهم پیوسته‌ای که سمت آنها نسبت به شمال و همچنین درازای هر کدام بدقت، اندازه‌گیری شده و مختصات رئوس آن بوسیله عملیات و محاسبات خاصی تعیین گردیده باشد.

پیوستگاه (Peyvastgāh) CONFLUENCE
— دو آب

°K
۱,۰۰۰,۰۰۰ است .

تاج خورشیدی

تاجنگار (*Tājnegār*)
CORONOGRAPH
دستگاهی است برای دیدن تاج خورشیدی. این دستگاه که در حقیقت خور گرفت مصنوعی ایجاد می کند قادر است از تاج خورشیدی عکس برداری نماید .

تاجیک

ایرانیان ساکن تاجیکستان ، افغانستان و شمال ایران .
واژه تاجیک که ظاهراً " در مقابل واژه ترک قرار گرفته است به ایرانیان غیر ترک اطلاق می گردیده است .

تاخوردگی
FOLD
چین

تاریخ
HISTORY
زمان وقوع یک امر یا یک حادثه نسبت به مبداء معین .
— گاهنامه ، گاهشماری ، تبدیل تاریخ .

تاریخ طبیعی
NATURAL HISTORY
اصطلاحی که بیشتر در قرن نوزدهم میلادی مورد استعمال داشته و قسمت وسیعی از دانش بشری مانند جانور شناسی ، گیاهشناسی ، شیمی ، فیزیک ، زمین شناسی ، دیرین شناسی ، و کانی شناسی را شامل می گردیده است ولی امروزه برای جانورشناسی ، گیاهشناسی ، زمین شناسی ، کانی شناسی و دیرین شناسی بکار می رود .

تاریخ گذاری بوسیله رادیواکتیویته

تاریخ گذاری بوسیله رادیو کربن
RADIOACTIVITY DATING
— تاریخ گذاری بوسیله رادیو کربن

تاریخ گذاری بوسیله رادیو کربن
RADIOCARBON DATING
نوعی ایزوتوپ کربن رادیواکتیو ، با وزن اتمی ۱۴ ، که به آن



تئودولیت
THEODOLITE
— زاویه یاب

تئوری وگنر
WEGNER'S THEORY
— نظریه رانه قاره ای

تابستان
SUMMER
الف — گرمترین فصل سال را تابستان می گویند . دوران این فصل در نیمکره شمالی ، ماههای تیر و مرداد و شهریور و در نیمکره جنوبی ، دی و بهمن و اسفند است .
ب — از نظر نجومی ، زمان میان انقلاب تابستانی (برابر یکم تیرماه) ، و برابران پاییزی (یکم مهرماه) ، برای نیمکره شمالی ، و حد فاصل میان انقلاب زمستانی (برابر یکم دی ماه) و برابران بهاری (برابر یکم فروردین ماه) ، برای نیمکره جنوبی را تابستان می نامند .

تابشسنج (*Tabeshsanj*)
BOLOMETER
دستگاه برقی حساسی که برای اندازه گیری تشعشعات حرارتی بکار می رود . از این وسیله برای آشکار ساختن دمای سطح ستارگان و بررسی ناحیه زیر قرمز طیف استفاده می شود .

تابعیت (*Tabeyiat*)
CITIZENSHIP
رعایای یک کشور و یک دولت بودن ، تبعه ملکیتی بودن .

تابندگی
LUMINOSITY
خاصیت صادر کردن نور بصورت انرژی تشعشعی .
در اصطلاح نجوم تابندگی ستارگان را بر حسب درخشندگی خورشید اندازه می گیرند .

تاج خورشیدی
CORONA
تاج ، بیرونی ترین لایه جو خورشید است که در هنگام خور گرفت با چشم غیر مسلح دیده می شود . در مواقع دیگر نیز می توان به کمک وسایل خاصی چون تاج نگار که خور گرفت مصنوعی ایجاد می کند ، آنرا دید و از آن عکسبرداری کرد . تاج خورشیدی هاله مروارید رنگی است که نقشی ظریف دارد و گرداگرد خورشید را فرا گرفته است ، و ضخامتش به حدود ۱/۵ میلیون کیلومتر می رسد . از خصوصیات شایان توجه تاج آن است که دمایش فوق العاده زیاد است . این دما برابر با

رسیده و بتدریج شکل گرفته باشد و عمل فرسایش سطحی نیز در آن بطور همزمان انجام شده باشد.

TACHEOMETER

تاکنومتر

تئودولیت ویژه‌ای که قادر به اندازه‌گیری مستقیم مسافت افقی و اختلاف ارتفاع باشد.

TACHEOMETRY

تاکنومتري

شیوه‌ای است در نقشه‌برداری که زوایای افقی و مسافت و اختلاف ارتفاع نقاط مختلف را بوسیله تئودولیت برداشت می‌کنند. در این طریق معمولاً از تئودولیت خاصی بنام تاکنومتر استفاده می‌شود.

ETANG

تالاب (Tālāb)

دریاچه کم عمقی که بویژه در یک شزار یا در میان شن‌های ساحلی بوجود آمده باشد.

GALLERY FOREST

تالار جنگلی

درختان درهم پیچیده و متراکمی که درحاشیه رودخانه‌هایی که در علفزارهای استوایی جریان دارند، روئیده باشند و سر آنها از دو طرف رودخانه بهم رسیده و تشکیل تالاری از درخت را داده باشند.

TALC

تالک

ماده معدنی از جنس سیلیکات منیزیم که تقریباً "چرب و صابونی بوده و در صنایع رنگسازی و مواد آرایشی، کاشی - سازی و کاغذ سازی بکار می‌رود. ایالات متحده آمریکا یکی از بزرگترین تولیدکننده این ماده بوده و میزان استخراج و صدور آن به ۸۵۰۰۰ تن در سال می‌رسد.

THALWEG

تالوک

— خط القعر

TANKER

تانکر

هرگونه وسیله نقلیه‌ای اعم از زمینی، هوایی و یا دریایی که برای حمل مایعات بکار رود. بزرگترین تانکر شناوری که تا کنون ساخته شده تانکر Globtik Tokyo ژاپنی است که ظرفیت آن ۴۷۷۰۰۰ تن و درازای آن ۳۷۷ متر است.

TAIGA

تایگا

واژه ایست روسی که به جنگلهای مخروطی سبزه و با اقلیم‌های مشابه آن مانند جنگلهای مخروطی اروپای شمالی و آمریکای شمالی اطلاق می‌شود. این جنگل‌ها معمولاً در فاصله ۵۰ تا

کربن ۱۴ می‌گویند. این ماده در لایه‌های بالایی جو، بر اثر بمباران ذرات ازت بوسیله نفوترن‌هایی که توسط تشعشعات کیهانی آزاد شده‌اند بوجود می‌آید. کربن ۱۴ پس از اکسیده شدن به دی اکسید کربن دگرگون شده و به سیکل کربن زمین وارد می‌گردد و توسط موجودات زنده و گیاهان جذب و به مصرف می‌رسد. چون موجودات زنده و گیاهان پس از مرگ و یا مدفون شدن آنها در زیر لایه‌های رسوبی، بتدریج و به میزان معینی (متناسب با زمان) کربن ۱۴ خود را از دست می‌دهند، از این رو عمر یک موجود مدفون شده مانند چوب، استخوان، صدف‌های کف دریا و مانند آنرا می‌توان از این راه بدست آورد. از این شیوه برای اندازه‌گیری عمر موجودات باستانی و مانند آن استفاده شده و دوره‌های گذشته را معادل ۲۰۰۰۰ تا ۷۰۰۰۰ سال قابل اندازه‌گیری ساخته است. البته این شیوه که توسط دکتر W.F. Libby در سال ۱۹۴۷ ابداع شده دقت خود را از سالهای ۳۰۰۰۰ به بالا از دست می‌دهد. به این سیستم تاریخ‌گذاری بوسیله رادیوکتیو نیز می‌گویند.

RADIATION

تافت (Tāft)

— تشعشع

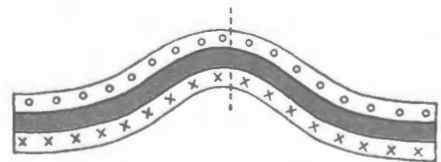
ANTICLINE

تاقدیس (Tāqdis)

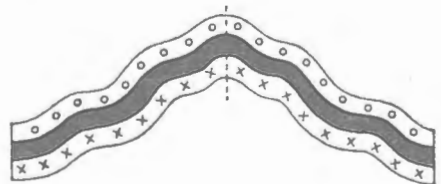
طبقه‌ای از سنگ که بصورت یک تاق چین خورده باشد.

ANTICLINORIUM (T-e-shekanji)

تاقدیس شکنجی از چینه‌های سنگی، که پهلوه‌ای آن، از تاقدیس‌ها و باودیس‌های متعددی تشکیل یافته باشد.



تاقدیس



تاقدیس شکنجی

GEANTICLINE/GEOANTICLINE

تاقدیس زمین

نوعی تاخوردگی یا تاقدیس که درازای آن به چندین کیلومتر

$$H = \frac{33}{37} S$$

$$S = \frac{37}{33} H$$

$$C = \frac{37}{33} H + ۶۲۲$$

$$H = \frac{33}{37} (C - ۶۲۲)$$

که در فرمول‌های بالا H سال هجری قمری، S سال هجری خورشیدی و C سال میلادی است. برای محاسبات دقیق‌تر باید به جداول تطبیقی مخصوص مراجعه شود که دست یافتن به آن‌ها بسیار دشوار است.

از آنجائیکه تبدیل تاریخ در کشور ما از اهمیت فراوانی برخوردار است. از جداول تطبیقی زیر که توسط مهندس تقی ریحانی تدوین گردیده است شرح زیر استفاده می‌شود که نتایج را گاه با یکی دو روز تقریب بدست می‌دهد.

مطابق جداول تطبیقی ریحانی، شماره ترتیب هر روز سال ردیف آن روز خوانده می‌شود. جدول شماره ۱ برای تسهیل تعیین ردیف روزهای سال مفید است. (در تقویم مسیحی که کبیسه در ماه فوریه عمل می‌شود، کبیسه در ردیف روز موثر است) (ردیف هر روز ماه مساوی است با حاصل جمع عددی که در جدول در مقابل آن ماه نوشته شده، به اضافه عدد روز ماه. بطور مثال ردیف روز ۴ خرداد برابر ۴ + ۶۲ یعنی ۶۶ و ردیف روز ۲۱ مارس ۱۹۶۴ (سال کبیسه) برابر ۲۱ + ۶۵ = ۸۶ است.

تبدیل تاریخ مسیحی (C) به هجری شمسی (S) و بالعکس، هر دو تقویم شمسی‌اند و فقط در کبیسه‌ها اختلاف دارند. تفاوت سال تقویم هجری شمسی و تقویم مسیحی در فاصله بین یکم ژانویه (۱۱ دی ماه با یک روز تقریب) و ۲۱ مارس (یکم فروردین) برابر ۶۲۲ و از ۲۱ مارس تا ۳۱ دسامبر برابر ۶۲۱ است.

جدول شماره (۱)					
C عادی		S		H	
۰	ژانویه	۰	فروردین	۰	مهرم
۳۱	فوریه	۳۱	اردیبهشت	۳۰	صفر
۶۰	مارس	۶۲	خرداد	۵۹	ربیع ۱
۹۱	آوریل	۹۳	تیر	۸۹	ربیع ۲
۱۲۱	مه	۱۲۴	امرداد	۱۱۸	جمادی ۱
۱۵۲	ژوئن	۱۵۵	شهریور	۱۴۸	جمادی ۲
۱۸۲	ژوئیه	۱۸۶	مهر	۱۷۷	رجب
۲۱۳	اوت	۲۱۶	آبان	۲۰۷	شعبان
۲۴۴	سپتامبر	۲۴۶	آذر	۲۳۶	رمضان
۲۷۴	اکتبر	۲۷۶	دی	۲۶۶	شوال
۳۰۵	نوامبر	۳۰۶	بهمن	۲۹۵	ذوالقعدة
۳۳۵	دسامبر	۳۳۶	اسفند	۳۲۵	ذوالحجه

۶۰ درجه عرض جغرافیایی قرار دارند و درختان آن‌ها شامل گونه‌هایی از کاج، صنوبر و سیاه کاج می‌باشند. در موقع بهار سرزمین تایگا را آب ناشی از ذوب یخ‌ها و طغیان رودها فرا می‌گیرد.

درجه حرارت در مدت یک تا سه ماه سال بیش از ۱۰ درجه می‌باشد.

— جنگل‌های مخروطی

EVAPORATION

تبخیر

تغییر حالت فیزیکی مایع به بخار. از نظر هواشناسی میزان تبخیر آب بستگی به عوامل زیر دارد:

الف — فشار تبخیر ب — گرمای هوا پ — باد ت — وضعیت طبیعی سطح آب و محیط پیرامون آن.

معمولاً "بیشترین میزان تبخیر در کویرهای گرم روی می‌دهد (طبق اندازه‌گیری‌هایی که به عمل آمده، میزان تبخیر در صحرای اتیره سودان ۶۲۵۰ میلی متر و صحرای حلوان مصر ۲۳۰۰ میلی متر است)، در حالیکه کمترین میزان تبخیر مربوط به نواحی استوایی جایی که رطوبت موجود در هوا زیاد است بوده و در عین حال نواحی سرد معتدله نیز بدلیل خنک بودن و پایین بودن دما، تبخیر کمی دارد. (میزان تبخیر در لندن حدود ۳۳۰ میلی متر است).

SURFACE EVAPORATION

تبخیر سطحی

— تبخیر

EVAPORIMETER

تبخیر سنج

دستگاه اندازه‌گیری میزان تبخیر آب. این دستگاه به دو طریق کار می‌کند، طریقه یکم این است که آب مقطر موجود در لوله مدجری را بوسیله یک ورقه کاغذ متخلخل در معرض تبخیر قرار داده و میزان تقلیل آب را در مقابل درجات لوله اندازه می‌گیرند.

طریقه دوم به این نحو است که آب را در تشتک وسیعی می‌ریزند و میزان تبخیر آن را از میزان افت سطح آب تشتک بدست می‌آورند.

TRANSLITERATION

تبدیل اسامی جغرافیائی

— نام‌گردانی جغرافیائی

DATE TRANSFERRING

تبدیل تاریخ

تعیین تاریخی (مانند روز و ماه و سال) یک واقعه که در یک تقویم معلوم است در تقویم دیگر.

برای تبدیل تاریخ یک طریقه تقریبی وجود دارد که بوسیله فرمول‌های ساده زیر بیان می‌شود:

تبدیل تاریخها با رعایت سالهای کبیسه بوسیله تعیین ردیف روز آسان است. منتها باید در نظر داشت که اگر سال مسیحی بعد از ۱۵۸۲ (تاریخ تبدیل زولینی به تقویم گرگوری) یعنی بعد از ۹۶۱ هجری شمسی باشد روز اول فروردین برابر ۲۱ مارس است. برای سالهای قبل از ۱۵۸۲، روزی از ماه مارس که با یکم فروردین مطابق است از روی جدول شماره ۲ تعیین می‌گردد.

جدول شماره (۲)

سال S	یکم فروردین برابر است با	سال C
۱ تا ۱۵۰	۱۷ مارس	۶۲۲ تا ۷۷۰
۱۵۰ تا ۲۸۰	۱۶ مارس	۷۷۰ تا ۹۰۰
۲۸۰ تا ۴۰۰	۱۵ مارس	۹۰۰ تا ۱۰۲۰
۴۰۰ تا ۵۲۰	۱۴ مارس	۱۰۲۰ تا ۱۱۴۰
۵۲۰ تا ۶۵۰	۱۳ مارس	۱۱۴۰ تا ۱۲۷۰
۶۵۰ تا ۷۷۰	۱۲ مارس	۱۲۷۰ تا ۱۳۹۰
۷۷۰ تا ۹۰۰	۱۱ مارس	۱۳۹۰ تا ۱۵۲۰
۹۰۰ تا ۹۶۱	۱۰ مارس	۱۵۲۰ تا ۱۵۸۲

(بطور مثال در جدول دیده می‌شود که بین ۱۲۷۰ و ۱۳۹۰ مسیحی اول فروردین هجری شمسی مطابق دوازدهم مارس بوده است). مثلاً "برای تبدیل ۱۲ اکتبر ۱۴۹۲ (سال کشف آمریکا بوسیله کریستف کلمب) به تاریخ هجری شمسی، ملاحظه می‌کنیم که ۸۷۱ = ۶۲۱ - ۱۴۹۲. پس با توجه به جدول ۲ معلوم می‌شود که ۱۱ مارس ۱۴۹۲ برابر یکم فروردین ۸۷۱ هجری شمسی بوده است. چون از ۱۱ مارس تا ۱۲ اکتبر ۲۱۶ روز است و روز ۲۱۶ با ۳۰ مهر برابر است، پس تاریخ مذکور مطابق ۳۰ مهر ماه ۸۷۱ هجری شمسی است.

تبدیل تاریخ هجری قمری به تاریخ هجری شمسی و یا تاریخ

مسیحی و بالعکس.

بطوریکه میدانیم در این جا یکی از دو تقویم خورشیدی و دیگری قمری است. طریق عمل در همه حالات یکی است، ولی ضرایب کار متفاوت است. این ضرایب و اعداد در جدول شماره ۳ نشان داده شده است. بطور کلی طریقه عمل شرح زیر است:

- (۱) - ردیف روز تاریخ معلوم را تعیین می‌کنیم (عدد R).
- (۲) - از سال تقویم معلوم عدد a را کاسته حاصل را درضرب b ضرب می‌کنیم و حاصلضرب را با عدد c جمع می‌کنیم و جزء صحیح خارج قسمت را جداگانه یادداشت می‌کنیم.

جدول شماره (۳) ضرایب

از	تبدیل به	a	b	c	d
۱ S	H	۰	۰/۹۷۰۲۲۵	۰/۲۵۵۶	۳۶۵
۲ H	S	۰	۱/۰۳۰۶۸۹	-۰/۳۶۶۵	۳۵۴
	H				
۳ بیش از ۹۹۰		۰	۰/۹۷۰۲۰۴	۶۲۱/۵۶۵۸	۳۶۵
۴ بعد از ۹۹۰		۱۰۰۰	۰/۹۷۰۲۲۴	۱۵۹۱/۷۹۸۰	۳۶۵
	C				
۵ قبل از ۱۵۸۲		۴۰۰	۱/۰۳۰۷۱۱	۸۰/۸۴۴۲	۳۵۴
۶ بعد از ۱۵۸۲		۱۶۰۰	۱/۰۳۰۶۹۵	۱۰۰۸/۴۵۴۷	۳۵۴

باید توجه داشت که تقویم مسیحی در ۱۵۸۲ بعد از میلاد مطابق سال ۹۹۰ هجری قمری از زولینی به گرگوری تبدیل شده است.

(۳) - جزء اعشاری نتیجه حاصل از عمل (۲) را در d ضرب می‌کنیم و حاصل را با R جمع و نتیجه را گرد می‌کنیم. اگر حاصل عمل (۳) کمتر از d باشد همین حاصل عدد ردیف روز و عدد صحیح سابق الذکر عدد سال در تقویم جدید است، و اگر حاصل عمل (۳) بیش از d باشد، زیادت آن بر d ردیف روز و عدد صحیح مذکور به علاوه ۱ عدد سال در تقویم جدید می‌باشد.

الف - ۱۶ ذوالقعدة ۱۳۳۵ هجری قمری در تاریخ هجری شمسی از سطر اول جدول شماره ۳ شرح زیر استفاده می‌شود.

$$R = 295 + 16 = 311$$

$$1335 \times 0.970225 = 1295.2504$$

$$\frac{+ 0.2556}{1295.5060}$$

$$0.6060 \times 365 = 221$$

$$\frac{+ 311}{532} \quad 532 - 365 = 167$$

مطابق جدول شماره ۱ عدد ۱۶۷ ردیف روز ۱۲ شهریور است. پس تاریخ مذکور مطابق ۱۲ شهریور ۱۲۹۶ هجری شمسی است.

ب - ۲۱ مارس ۱۹۵۷ بر حسب تاریخ هجری قمری:

$$R = 59 + 21 = 80 \quad 0.4110 \times d = 145.5$$

$$\frac{80}{1957 - 1600 = 357} \quad 226$$

$$357 \times b = 367.9563$$

$$\frac{+ c}{1376.4110}$$

۲۲۶ عدد روز ۱۹ شعبان و تاریخ مذکور مطابق ۱۹ شعبان ۱۳۷۶ هجری قمری است.

حرکات ظاهری آن‌ها بدست آورد.

تحت الحمايه PROTECTORATE

سرزمینی که از خود فرمانروا و در امور داخلی کم و بیش استقلال دارد، ولی تحت حمایت کشور دیگری است و معمولاً روابط خارجی آن در دست آن کشور است.

تحدید حدود DEFINITION OF BOUNDARY

علامتگذاری و تعریف و تشریح حدود مرزها

تحویل TRANSITION

اصطلاحی است در نجوم به معنی انتقال نقطه‌ای از یک موضع به موضع دیگر.

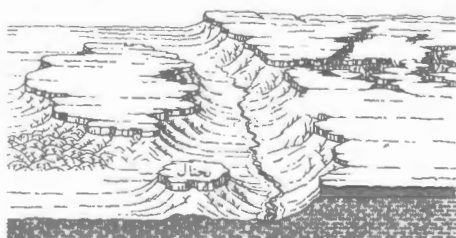
مانند عبور خورشید از برابران بهاری که به آن تحویل سال می‌گویند. حرکت روزانه

تختال (Takhtāl) TABLELAND/BUTTE

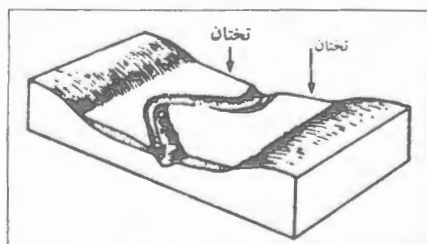
تپه‌ای که سر آن تخت شده باشد. اینگونه تپه‌ها، بدلیل سائیدگی قسمتهای سست زیرین و مقاومت چینه‌های سخت زیر آن، در برابر سائیدگی، بوجود می‌آیند. این عارضه همانند یک فلات کوچک، که پیرامون آن را دامنه‌های پیرشیب و مشخصی فرا گرفته است، می‌باشد.

تختان (Takhtān) TERRACE

زمین افقی و تقریباً "همواری" که در کناره یک رودخانه یا در لبه یک دره واقع شده باشد، که به آن تراس نیز گفته می‌شود.



تختال



تختان

تبلور تدریجی FRACTIONAL CRYSTALLIZATION

جدا شدن اجزاء متشکله مواد گداخته و دگرگونی تدریجی آن به مواد معدنی متبلور.

بطور کلی این عمل عکس نقطه ذوب بوده و دوره کامل این دگرگونی به طبیعت مواد گداخته و آب و هوا بستگی دارد.

تپه HILL

قسمت کوچکی از پوسته زمین که ارتفاع آن نسبت به زمینهای اطراف بیشتر و برجسته‌تر باشد تپه نام دارد. با وجودیکه حد فاصل مشخص و معینی میان تپه و کوه وجود ندارد مع الوصف برجستگیهای کمتر از ۳۵۰ متر را تپه و بلندتر از آن را می‌توان کوه نامید. ولی این رقم قطعیت نداشته و استثنائاتی در آن دیده می‌شود.

تپه دریائی REEF — آبسنگ

تپه ماهور HILLY AREA

۱- زمینی که از ترکیب پستی و بلندی‌ها و یا رشته تپه‌ها و دره‌های نسبتاً "پست و موازی" تشکیل یافته باشد.
۲- هر یک از تپه‌های پیوسته‌ای که در دامنه کوه پدید آمده باشد.

تجارت آزاد FREE TRADE

— بازرگانی آزاد

تجارت ترانزیت TRANSIT TRADE

— داد و ستد ترانزیت

تجارت منطقه‌ای REGIONAL TRADE

گروهی از کشورها که سیاست بازرگانی مشترک را تعقیب می‌نمایند، مانند بازار مشترک اروپا و تجارت آزاد اروپا.

تجزیه طیفی ANALYSIS OF SPECTRUM

تعیین اجزای سازنده یک جسم از راه مطالعه در اوضاع خطوط و نوارهای طیف آن. از آنجائیکه مشخصات طیف یک منبع نور بستگی به ماهیت منبع دارد، لذا وجود یک عنصر را در یک ماده می‌توان با بررسی طیف حاصل از بخار فروزان آن آشکار ساخت.

بوسیله تجزیه طیفی می‌توان مواد سازنده ستارگان را تعیین کرد و هم چنین با مطالعه طیف ثوابت دور دست می‌توان اطلاعات گرانبهائی از شرایط مستولی بر سطح آن‌ها و نیز از

TRANS

(Tarā)

دیوار بلند مانند دیوار پاره‌ای از قصرهای قدیمی و دیوار قلعه و کاروانسرا، سد و دیواری که در پیش چیزی کشند.

TRANSPORTATION

(Tarābari)

حمل کالاهای تجارتی از یک جا به جای دیگر. این عمل ممکن است بوسیله انسان، حیوان و یا وسایل نقلیه موتوری از قبیل راه‌آهن، اتومبیل، کشتی، هواپیما و امثال آن انجام گیرد.

LEVEL

(Tarāz)

خط و یا صفحه‌ای که به موازات افق قرار گرفته باشد.
تراز از نظر نقشه‌برداری و جغرافیائی عبارتست از:
الف - دستگاهی بنام تراز یاب که برای اندازه‌گیری اختلاف ارتفاع نقاط مختلف بکار می‌رود.
ب - اراضی پهناور و مسطحی که زهاب‌های متعددی در آن جریان داشته باشد.
پ - راهرو یا مبری که بطور افقی در دل یک معدن ایجاد شده باشد.

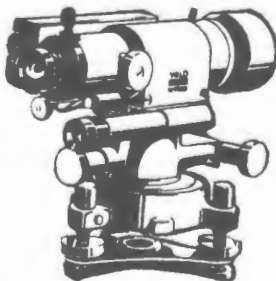
EQUILIBRIUM

(Tarāzmandi)

ترازمندی (Tarāzmandi) حالت تعادل میان چند نیرو، بطور کلی جرمی را در حالت ترازمندی یا تعادل می‌گویند که برآیند مجموع نیروهای وارد بر آن برابر صفر باشد.

LEVELLING INSTRUMENT (Tarāzyāb)

ترازیاب (Tarāzyāb) دستگاهی است که برای تعیین اختلاف ارتفاع میان نقاط بکار می‌رود. این دستگاه از یک دوربین مجهز به سیستم حباب تراز و یک پایه تشکیل یافته است هنگامیکه حباب تراز در وسط محفظه خویش قرار گیرد محور دوربین به موازات سطح افق قرار خواهد گرفت و خط دید آن نیز به موازات سطح افق واقع خواهد شد. تراز یاب انواع مختلفی دارد که مهمترین آنها عبارتند از:
ترازیاب ساده، تراز یاب دقیق و تراز یاب اتوماتیک.



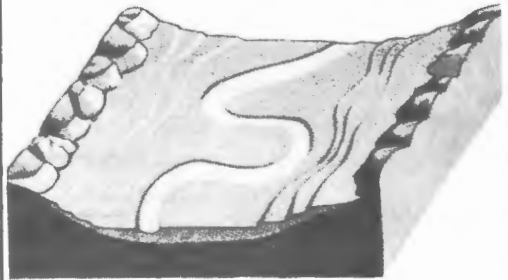
ترازیاب

ALLUVIAL TERRACE

تختان آبرفتی

(T-e-ābrofti)

تختانی از مواد آبرفتی که بر اثر بریده شدن بستر یک رودخانه و جریان یافتن آن در عمقی بیشتر بوجود آمده باشد. تختان آبرفتی ممکن است در دو طرف یک رودخانه پدید آید.



تختان آبرفتی

SHEEP TRACKS/TERRACETTE

تختانک

(Takhtānak)

تختان یا تراسهای پله کانی شکلی به بلندی حدود ۳ تا ۳۰ سانتی متر، که اغلب در دامنه‌های پر شیب دیده می‌شود. این تختانک‌ها، که بی‌شابهت به راه‌های بز رونیسند بطور طبیعی پدید آمده و جانورانی مانند گله‌های بز و گاو و گوسفند و غیره در ایجاد آنها نقشی ندارند. به این عارضه تراست نیز گفته می‌شود.

WOODEN BRIDGE

تخته پل

پلی که از تخته و چوب بر روی خندق ساخته شود تا آمد و رفت به قلعه را امکان پذیر سازد.

PLANE-TABLE

تخته سه پایه

میز ترسیم نسبتاً کوچکی است که روی سه پایه نصب می‌گردد و همراه با دستگاهی بنام آلیداد برای نقشه‌برداری بکار می‌رود و همچنین به یکی از متدهای نقشه‌برداری نیز گفته می‌شود.

FLOE

تخته یخ

قطعه یخ شناوری که از یک پخکوه قطبی جدا شده باشد. تخته یخ ممکن است از نوع سبک و کوچک که قطر آن از یک متر تجاوز نمی‌کند باشد و یا از نوع سنگین و بزرگ که قطر یخ از یک متر بیشتر است بشمار آید.

ترازیاب ساده

DUMPY LEVEL

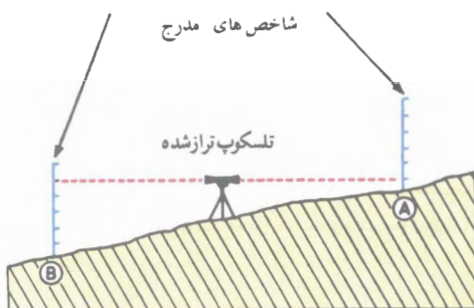
گونه‌ای ترازیاب که تلسکوپ آن به پایه تراز متصل گردیده و در واقع بصورت یک قطعه یک پارچه در آمده است و برای ترازیابی‌های ساده و کم دقت بکار می‌رود.

← ترازیاب

ترازیابی

LEVELLING

ترازیابی یا ارتفاع یابی هندسی، عبارتست از تعیین اختلاف ارتفاع میان نقاط مختلف با استفاده از تلسکوپ که به کمک حباب تراز افقی گردیده و نشانه روی از درون آن به شاخص‌های مدرجی که در نقاط مختلف نصب شده‌اند، عمل ترازیابی، فاعداً از یک نقطه شروع شده و پس از تعیین ارتفاع نقاط مورد نظر معمولاً "یک نقطه معلوم دیگر و یا همان نقطه نخستین پایان می‌یابد.



ترازیابی

تراس

TERRACE

← تختان

تراست

TERRACETTE

← تختانک

تراست

TRUST

در اصطلاح مالی و اقتصادی، سازمانی است که سیاست بازرگانی چندین موسسه مستقل را تحت نظارت خود درآورد. تراست یکی از مظاهر رژیم سرمایه‌داری است که بوسیله آن سرمایه‌داران کوچک از بین برده می‌شوند. سرمایه انحصار طلبانه عنوان و نماد تسلط تراست‌ها در کار تولید می‌باشد. بعود در دستگاه‌های اقتصادی بزرگ مثل بانک‌ها، فروش موفتی کالای ارزان برای نابود کردن واحدهای کوچک، سد و بست با بنگاه‌های حمل و نقل.

تراش

FACET

الف - رویه‌ای از سنگ که در مقابل وزش باد قرار گرفته

و فرسوده و صیقلی شده باشد.

ب - هر گونه سطح فرسوده و صافی که یک شیب کلی را قطع کند.

پ - سطح صاف و صیقلی شده یک سنگ گرانیتها.

تراک (Tarāk)

صدای رعد

DENSITY

تراکم

← انبوهش

COMPACTION

تراکم

← فشردن

DENSITY OF POPULATION

تراکم جمعیت

← چگالی جمعیت

TRANSVERSE

تراگذر (Taraqozar)

۱- عقی (در مقابل طولی)، مورب ۲- در هندسه، خطی که دسه‌ای از خطوط (مثلاً "اصلاص مثلث یا امتدادهای آنها) را قطع کند.

نام هر اساسی که با انرژی دستگاه یا محیطی بکار می‌آید، مثلاً "گیرنده‌ی تلخ تراگذر است با انرژی برق بکار می‌آید، و انرژی صوتی به هوای محاور می‌دهد.

QUADRATURE

تربیع

۱- وضعیتی در نجوم که میان دو سیاره یک چهارم مسیر گردش ظاهری حورشید بدور زمین یعنی معادل ۳ برج فاصله باشد.

۲- حالتی از ماه که یک چهارم آن روشن باشد، این حالت در شبهای هفتم و بیست و دوم هر ماه قمری پیدا می‌شود که اولی را تربیع اول و دومی را تربیع دوم می‌گویند.

← اهله، قمر

ACIDITY OF THE SOIL

ترشی خاک

ترشی یا اسیدیته خاک به طور مستقیم و غیر مستقیم در خواص فیزیکی، شیمیایی و حیاتی خاک مؤثر است. درجه اسیدی خاک بیشتر در نتیجه ریاد شدن یوسهای H و AL در خاک و قرار گرفتن این یوسها به جای یوسهای دیگر است. این فعل و انفعال در طبیعت، در نتیجه سایر عواملی چون آب نفوذی (در اثر آساری و باران زیاد)، گیاه و کود انغای می‌آید.

CANAL

برعه

← آبراهه

TRILLION

عددى معادل يك ميليارى ميليارى يعنى
 ۱۰^{۱۸} يا ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰

تریوه (Tareyveh)

راه ناهموار و پست و بلند

تسطیح کرہ

CONVERSION THE SPHERE TO FLAT SURFACE

نمایش کره بر سطح مستوی . این عمل که برای تهیه نقشه‌های جغرافیائی بکار می‌رود . تصویر نقشه و یا تصویر کره نام دارد .

میدانیم که پوسته زمین را که سطحی است کروی هنگام تصویر باید آنچنان تخت و هوار نمود که کاملاً "با صفحه مسطح کاغذ منطبق گردد بدون اینکه در سطح آن شکافی پدید آید و با تغییر شکلی در آن روی دهد. بدیهی است پوسته کروی زمین را هیچگاه بر روی صفحه مسطح نمی‌توان منتقل نمود. مگر اینکه دگرگونی‌ها و تغییر شکل‌هایی را در خطوط و مسافت‌ها و زوایای آن بپذیریم.

بطور کلی شیوهای که در آن بتوان کلیه خطوط و زوایا و سطوح را عیناً " به همان وضع اصلی حفظ نمود، وجود ندارد ولی می‌توان شیوه و یا شیوه‌هایی را برگزید که این تغییرات در آن به حداقل ممکنه کاهش یابد. — سهیمت تصویر نقشه

TSUNAMI

تسونامی

واژه ژاپنی، معادل آبلرزه

CO-OPERATION

تشریک مساعی

نوعی همبستگی و مشارکت کشاورزان در پارامای امور کشاورزی مانند خرید و توزیع دانه، کود، ماشین آلات و غیره و فروش فراورده های کشاورزی.

TESHRIN

تشوین

نام دو ماه در تقویم خورشیدی بعضی کشورهای عربی که میان ایلول و کانون اول واقع شده و بنام تشرین اول و تشرین دوم شناخته می‌شود.

تشرین اول ماه دهم گاهنامه دارای ۳۱ روز است که به آن
اکتبر نیز می‌گویند و تشرین دوم ماه یازدهم است و ۳۰ روز
دارد و با ماه نوامبر منطبق است.

RADIATION

تشم

عمل پس دادن انرژی را تشعشع می‌نامند، مانند تشعشع حرارتی که موجب سرد شدن تدریجی جسم تشعشع دهنده و گرم شدن فضای پیرامون آن می‌گردد.

توک (Tarak)

۱- صدای رعد

۲- شکاف کوه و زمین و فواصلی که بین دو قطعه زمین بر اثر زمین لرزه و حرکات دیگر کوهزایی پدید آید.

THERMOMETER

ترمومتر

← دماسنج

TROMBE

ترومب

گردبادی است با محور عمودی که با پدادهایی دارای سرعت زیاد همراه می‌باشد. سرعت باد در داخل ترومب به ۱۰۰ متر در ثانیه و حتی بیشتر می‌رسد بطوریکه به این ترتیب از شدیدترین طوفانها قویتر می‌باشد. قطر ترومب در سطح آب به ۲۵ تا ۱۰۰ متر و در روی خشکی از ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ متر و گاهی اوقات نیز به ۱/۵ تا ۲ کیلومتر می‌رسد. ارتفاع قابل رویت ترومب از ۸۰۰ تا ۱۵۰۰ متر می‌باشد.

توہ بار

سبزی‌های خوردنی و برخی میوه‌ها از قبیل کدو، گوجه‌فرنگی، بادرنجان و باقلا و غیره.

TRIASSIC

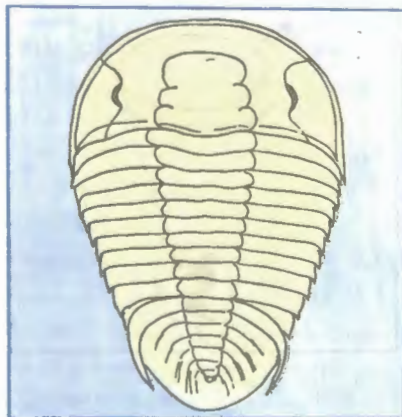
توپا سیک

نخستین دوره زمین شناسی از دوران میان‌زیوی (میان زیست) که از ۲۲۵ تا ۱۸۰ میلیون سال پیش بدرازا کشیده است. — از منه زمین‌شناسی

TRILOBITE

توی لو بیت

جانوری از بند پایان نخستین که تنه آن‌ها از سه قسمت سر، سینه و شکم تشکیل یافته و فراوان‌ترین و عمده‌ترین ساکنان دریاهای دوران دیرین زیوی (پالئوزوئیک) بوده‌اند.



تری لوبیت



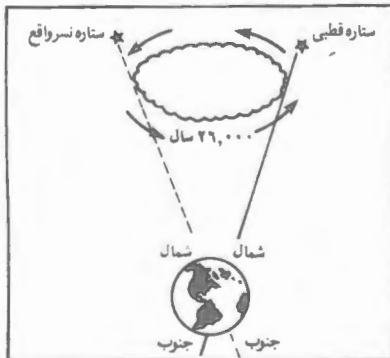
میزان تعرق معمولاً بستگی دارد با خشکی هوای مجاور و هم چنین باز و بسته شدن روزنه‌ها که موجب جلوگیری از خارج شدن آب به مقدار زیاد می‌شود، پژمردن گیاه به سبب آن است که مقدار آب تبخیر شده بیش از اندازه‌ای است که به وسیله ریشه‌ها جذب شده است.

تفتال (Taftāl) MAGMA
— مواد گداخته

تفسنج (Tafsanj) PYROMETER
دستگاهی است که برای اندازه‌گیری درجات فوق‌العاده بالای حرارت بکار می‌رود. از این دستگاه معمولاً برای سنجش و اندازه‌گیری دمای مواد گداخته آتشفشانی استفاده می‌شود.

تقاطع INTERSECTION
یکی از شیوه‌های نقشه‌برداری است که برای تعیین موقعیت نقاط استفاده می‌شود.
در این شیوه، محل برخورد یا تقاطع دو یا چند خط نشان‌دهنده موقعیت نقطه مورد نظر را تعیین می‌کند.

تقدیم اعتدالین PRECESSION OF THE EQUINOXES
تغییر وضعیت نسبی دایره‌البروج و استواء عالم در نتیجه چرخش مخروطی محور زمین حاصله از تاثیر نیروهای ثقل موجود بین کره زمین و خورشید و کره زمین و ماه، حرکات مخروطی محور زمین باعث جابجایی قطبین در روی یک مدار دایره‌ای شکل می‌گردد که یک دور جابجایی کامل آن ۲۶۰۰۰ سال بدرازا می‌کشد و به همین ترتیب نقاط برابران بهاری و برابران پاییزی نیز در هر ۲۶۰۰۰ سال یک دور کامل روی مدار گردش زمین به دور خورشید جابجا می‌شوند.



تقدیم اعتدالین

تقسیمات کشوری ADMINISTRATIVE DIVISIONS
"یا تقسیمات محلی" یا "تقسیمات اداری" عبارت است از

خورشید یکی از اجرامی است که انرژی خود را بصورت تشعشع به فضای اطراف پراکنده می‌سازد و قسمتی از این تشعشع به زمین رسیده و به انرژی حرارتی تبدیل می‌گردد. گرمای تولید شده در کره زمین در روز از خورشید دریافت می‌دارد در شب بوسیله تشعشع از دست می‌دهد.

تشعشع خورشیدی SUN RADIATION
عکس العمل پرتوهایی از خورشید که زمین دریافت می‌دارد با شکل و پدیده‌های گوناگون جلوه‌گر می‌شود، بطور مثال بخش بزرگی از مواد غذایی محصول سور خورشیدی است که در برگ گیاهان سبز جمع گردیده و بوسیله فتوسنتز به شیدروکربورها دگرگون می‌شود.
زغال و نفت نیز زائیده انرژی خورشیدی هستند که میلیون‌ها سال پیش در جنگلهای ماقبل تاریخ تبدیل و ذخیره شده‌اند. نیروهای باد و آب اثرهای مکانیکی گرمای خورشیدی روی جو و روی اقیانوسها، دریاها و رودخانه‌های زمین می‌باشند.
تنها گونه‌ای از انرژی که ارتباطی با تشعشعات خورشیدی ندارد. انرژی حاصله از مواد رادیو اکتیو (مانند انرژی اتمی) در پوسته زمین می‌باشد.

تصفیه REFINING
— پالایش

تصویر پرسپکتیو PERSPECTIVE PROJECTION
آن دسته از سیستم‌های تصویر نقشه که عمل تصویر بر اساس اصول هندسی و از نقطه‌ای بنام مرکز پرسپکتیو انجام شود، سیستم‌های استوانه‌ای و مخروطی را می‌توان از جمله سیستم‌های تصویر پرسپکتیو محسوب داشت.

تصویر نقشه MAP PROJECTION
— تسطیح کره و سیستم تصویر نقشه

تعدیل زمان EQUATION OF TIME
تفاوت زمان متوسط و زمان حقیقی را تعدیل زمان می‌گویند.

تعرفه خاصی SPECIFIC TARIFF
عوارض وارداتی را گویند که بر مبنای واحد مقدار یا وزن وضع گردیده است. این نوع تعرفه به عنوان هزینه ویژه در واحد کالاهای وارداتی برقرار می‌گردد.

تعرق (Taarroq) TRANSPIRATION
جذب آب از طریق ریشه گیاهان و پس دادن و تبخیر آن در فضا از طریق برگهای گیاه.

ناپستی برای تاریخ نداشت لذا با هر فرمانروائی مبدأ جدیدی اتخاذ می‌گردید و چون یزدگرد سوم آخرین شاه سلسله ساسانی در ۱۶ ژوئن ۶۳۲ میلادی به سلطنت جلوس کرد حساب سال‌ها از این مبدأ ادامه یافت که به آن تاریخ یا تقویم یزدگردی می‌گویند. از بعد از جلوس یزدگرد سوم کیبسه‌ای در تقویم اجرا نشد و تقویم مزبور دستخوش اختلافاتی گردید تا در زمان ملک‌شاه سلجوقی نسبت به اصلاح آن اقدام شد.

تقویم جلالی

JALALIAN CALENDAR

تقویمی است خورشیدی که در زمان جلال‌الدوله ملک‌شاه سلجوقی سال ۴۶۷ هجری قمری تاسیس گردید. بعد از استیلای عرب بر ایران، ترتیبی که در اواخر عهد ساسانیان منظمه^۱ برای اجرای کیبسه معمول بود منسوخ گردید و تقویم هجری قمری جای آن را گرفت. در سال ۴۶۷ هجری قمری ملک‌شاه سلجوقی تصمیم به اصلاح تقویم گرفت و گروهی از منجمین را به سر و صورت دادن تقویم خورشیدی ایران باستان مامور نمود که از آن جمله ابوالعباس لوکری، عمر خیام، میمون - ابن نجیب واسطی و ابوالمظفر اسفزاری را می‌توان نام برد. مطابق تقویم جلالی روز اول سال روزی است که خورشید بین ظهر روز قبل و ظهر همان روز وارد برج حمل (برابران بهاری) می‌گردد و به همین مناسبت همیشه با سال شمسی مطابقت دارد و می‌توان آن را دقیق‌ترین تقویم جهان بشمار آورد. مبدأ تقویم جلالی یا تقویم ملکی روز جمعه نهم رمضان سال ۴۷۱ هجری قمری، مطابق با ۱۵ مارس ۱۰۷۹ میلادی و اول فروردین ۴۵۸ هجری شمسی است. سال جلالی از اول بهار آغاز می‌شود و مرکب از ۱۲ ماه ۳۰ روزه و ۵ روزه (در سال‌های کیبسه ۶ روزه) اضافی بدنیاال ماه دوازدهم است و نام ماه‌های آن همان نام‌های قدیم ایران در تقویم اوستائی است. در این تقویم، کیبسه هر ۴ سال یک بار انجام می‌شود.

تقویم رسمی ایران

IRANIAN CALENDAR

تقویم رسمی ایران هجری شمسی و بر پایه تقویم جلالی است که به موجب قانون مورخ ۱۱ فروردین ۱۳۰۴ هجری شمسی برقرار گردیده است. بر طبق این قانون، اول سال نخستین روز بهار و مبدأ آن هجرت حضرت محمد (ص) از مکه به مدینه است. اسامی ماه‌های این تقویم عبارتند از: فروردین، اردیبهشت، خرداد، تیر، مرداد، شهریور، مهر، آبان، آذر، دی، بهمن و اسفند. شش ماه اول سال هر کدام ۳۱ شبانه روز، ۵ ماه بعد هر یک ۳۰ شبانه روز و اسفند در سال‌های عادی ۲۹ روز و در سال‌های کیبسه ۳۰ شبانه روز است.

تقسیمات جزئی کشورها. این تقسیمات که برای سهولت در اداره کشور صورت می‌گیرد، معمولاً بر اساس اشتراکات قومی، نژادی، مذهبی، تاریخی، اوضاع طبیعی و امثال آنها استوار است. بسته به شرایط فرهنگی و اجتماعی و نوع حکومت حاکم بر کشورها، تقسیمات اداری با اسامی و اختیارات متفاوت تعیین می‌شود.

تقطیر

DISTILLATION

طریقه‌ای است برای تصفیه ماده و جدا کردن مواد از یکدیگر یا تفکیک اجزای یک جسم مخلوط که معمولاً با تغییر حالت همراه است.

تقطیر ممکن است با بخار یا بصورت تخریبی و یا بروش تدریجی انجام شود.

دستگاه‌های آب شیرین کن قادرند آب شور و ملاح‌دار دریاها را از راه تقطیر با بخار به آب شیرین و آشامیدنی تبدیل کنند.

در تقطیر تخریبی، یک ماده را (مانند زغال سنگ، روغن‌های سنگین) بر اثر حرارت تجزیه می‌کنند و مواد حاصل از تجزیه را مانند گاز چراغ از تقطیر زغال بدست می‌آورند.

در روش تقطیر تدریجی، مایعی را که مخلوط از چند مایع است مکرراً و در دماهای مختلف تقطیر می‌کنند و ماده حاصل از هر تقطیر را جداگانه می‌گیرند. از این طریقه برای تصفیه نفت و بدست آوردن مشتقات نفتی استفاده می‌شود.

تقطیر تدریجی

FRACTIONAL DISTILLATION

عمل اشتقاق مواد نفتی به گروه‌های مختلف ئیدروکربن.

تقویم

CALENDAR

← گاه‌نامه

تقویم اوستائی

AVESTAIAN CALENDAR

(*Taqvim-e-avestā'i*)

تقویمی است که در ایران پیش از اسلام متداول بوده و اساس آن تقویم اوستائی است که در آن سال ۳۶۵ شبانه‌روز و مرکب از ۱۲ ماه سی روزه و ۵ شبانه‌روز اضافی در آخر سال است. چون سال شمسی حقیقی ۳۶۵/۲۴۲۲ شبانه‌روز است لذا سال تقویم اوستائی در هر چهار سال یک شبانه‌روز و یا در هر ۱۲۸ سال ۳۱ شبانه‌روز از سال شمسی حقیقی عقب می‌افتد و به همین جهت در هر ۱۲۰ سال یک ماه به تعداد ماه‌های سال می‌افزودند و به اصطلاح آن را کیبسه می‌کردند. چون در کیبسه کردن سال رعایت دقت نشد لذا اختلافاتی در سال اوستائی پدید آمد و از طرفی دیگر چون تقویم اوستائی مبدأ

این تقویم مبتنی بر حساب نجومی است و روز اول سال یا نوروز روری است که خورشید بین ظهر روز قبل و ظهر آن روز از نقطه برابراں بهاری می‌گذرد.
— تقویم جلالی

ROMAN CALENDAR

تقویم رومی

— تقویم رولین

JULIAN CALENDAR

تقویم ژولین

تقویمی است که در سال ۴۶ پیش از میلاد بوسیله ژولیوس سزار در روم مقرر گردید. مطابق این تقویم سال از ۳۶۵ یا ۳۶۶ روز (هر ۴ سال یک بار ۳۶۶ شبانه روز) ترکیب یافته و نام و ترتیب روزهای ۱۲ ماه سال کمابیش با آنچه امروز در اروپا معمول است مطابق بود.

بدلیل بی‌نظمی‌ها و بی‌قاعدگی‌هایی که در تقویم امپراطوری روم در دوران پیش از ژولیوس سزار موجود بود، تقویم رومیان حدود سه ماه با ترتیب فصول اختلاف پیدا کرده بود. برای رفع این نقیصه به توصیه یکی از منجمین بنام سوسگنس تقویم سیمی مصریان به فیصر روم عرضه شد. ژولیوس سزار پیشنهاد مزبور را پذیرفت و آن را تقویم رسمی رومیان قرار داد و رومیان نیز به افتخار وی پنجمین ماه سال را نام ژولیوس نام‌گذاری کردند که نام ژوئیه در تقویم اروپای امروز از همین نام گرفته شده.

این تقویم پیشتر از ۱۵۰۰ سال رواج داشت تا اینکه اختلافات ناشی از تقویم مزبور که سال را بطور متوسط ۳۶۵/۲۵ سالروز محسوب می‌داشت (حال آنکه سال شمسی ۳۶۵/۲۴۲۲ شبانه روز است) در تقویم گرگوری اصلاح گردید. — تقویم کرگوری

GREGORIAN CALENDAR

تقویم گرگوری

این تقویم که امروزه در بیشتر کشورها رایج است و بوسیله پاپ کرگوریوس در ۱۵۸۲ میلادی متداول شده، بر اساس تقویم ژولین حاصل گردیده است. در تقویم ژولین سال به طور متوسط ۳۶۵/۲۵ شبانه روز منظور گردیده بود، حال آنکه سال شمسی ۳۶۵/۲۴۲۲ شبانه روز است. خطائی که به این ترتیب بوجود می‌آید در قرن شانزدهم میلادی به ۱۰ شبانه روز بالغ شده بود و برابران بهاری از روز ۲۱ مارس به روز ۱۱ مارس منتقل گردیده بود. کرگوریوس ۱۰ شبانه روز از سال ۱۵۸۲ کاست و مقرر داشت که از آن سال به بعد سال‌هایی که شماره آن‌ها به دو صفر ختم می‌شود کیسه محسوب نگردد مگر اینکه این شماره‌ها به ۴۰۰ قابل قسمت باشد. در این تقویم سال از اول ژانویه آغاز می‌شود (در حالیکه در تقویم ژولین معمولاً در ۲۵ مارس آغاز می‌شد) و ماههای آن به ترتیب عبارتند از: ژانویه ۳۱ روز، فوریه ۲۸ یا ۲۹ روز، مارس ۳۱

روز، آوریل ۳۰ روز، مه ۳۱ روز، ژوئن ۳۰ روز، ژوئیه ۳۱ روز، اوت ۳۱ روز، سپتامبر ۳۰ روز، اکتبر ۳۱ روز، نوامبر ۳۰ روز و دسامبر ۳۱ روز.

MALEKIAN CALENDAR

تقویم ملکی

(T-e-maleki)

— تقویم جلالی

HEGIRA-SOLAR CALENDAR

تقویم هجری شمسی

تقویمی است که بر اساس گردش زمین به دور خورشید محاسبه شده و مبدأ آن تاریخ هجرت محمد (ص) از مکه به مدینه است. — تقویم رسمی ایران

HEGIRA-LUNAR CALENDAR

تقویم هجری قمری

تقویم دینی کبهرهای اسلامی که تقویمی است کاملاً قمری و مبدأ آن اول محرم سالی است که حضرت محمد (ص) از مکه به مدینه هجرت فرمود (جمعه ۱۶ روئید ۶۲۲ میلادی). این تقویم مبتنی بر گردش ماه به دور زمین است و ۳۵۴ یا ۳۵۵ شبانه روز دارد و از دوازده ماه قمری ترکیب یافته است. ماههای قمری با فصول سال ارتباطی ندارد و از رویت هر هلال یا رویت هلال بعدی بطول می‌انجامد و هیچگاه از ۳۰ شبانه روز تجاوز نکرد و از ۲۹ شبانه روز نیز کمتر نمی‌شود (تا ۴ ماه متوالی ممکن است ۳۰ شبانه روز باشد و یا تا ۳ ماه متوالی ۲۹ روزه محسوب گردند) اما محسن تقویم قمری متوسط را دارای اعتبار دانسته، طول ماه‌ها را از محرم به بعد متناوباً ۳۰ و ۲۹ روز منظور می‌دارند. و طول سال قمری را بطور متوسط ۳۵۴/۳۶۷ روز بحساب می‌آورد و اضافی آن یعنی ۳۶۷/۵ سالروز را که طی سی سال بالغ بر ۱۱ شبانه روز می‌گردد، در هر دوره سی ساله، به ترتیب در سال‌های ۲، ۵، ۷، ۱۰، ۱۳، ۱۵، ۱۸، ۲۱، ۲۴، ۲۶، ۲۹، ... و کیسه می‌کنند و یک شبانه روز به تعداد روزهای ماه ذوالحجه سال‌های مزبور می‌افزایند. اسامی ماههای قمری عبارتست از: محرم، صفر، ربیع الاول، ربیع الثانی، جمادی الاول، جمادی الآخر، رجب، شعبان، رمضان، شوال، ذو القعدة و ذوالحجه.

YAZDGERDIAN CALENDAR

تقویم یزدگردی

— تقویم اوستائی

کتاب (Takāb)

رسمی که آب کم و تاریکی در آن جاری باشد. به آن نجاب سیر می‌گویند.

ONE CELLED

(Tak yākhteh) تک یاخته

موجود زنده یک سلولی . موجود زنده‌ای که ساختمانش فقط دارای یک سلول باشد .

تگاب (Taḡāb)

رمن بر سره و گیاهی که آب باران در آن جابجا بماند .

HAIL

(Taḡarḡ) تگرگ

گلوله‌هایی از یخ که قطر آنها حدود ۵ میلی متر یا بیشتر بوده و از ابر نوع کومولوسیمبوس که اغلب بارعدو و برق همراه است باریده باشد .

تگرگ از یک هسته مرکزی سفیدرنگ که در اطراف آن تعداد زیادی الیاف سفید قرار گرفته و پیرامون الیاف مزبور را یک پوسته مارک یخ پوشانیده تشکیل یافته است .

شکل تگرگ متفاوت بوده و درشتی هر یک از دانه‌های آن گاه تا میزان قابل توجهی می‌رسد . (وزن درشت‌ترین تگرگی که تا کنون دیده شده (درجین) حدود ۲/۵ کیلوگرم است) . علت ایجاد تگرگ صعود سریع هوای مرطوب بسوی طبقات سرد بالای جو ، و انجماد ذرات بخار آب است . این ذرات بتدریج درشت‌تر شده و بر وزن آنها افزوده می‌شود تا جاییکه در حالت تعلیق خارج شده و سوی سطح زمین فرو می‌ریزند . توفان تگرگ معمولاً " برای کشاورزی زبان یخش است .

MOUND

(Tal) تل

← پسته

RIP

(Talātom) تلاطم

آشفته‌گی دریا به سب :

الف - برخورد دو جریان دریایی .

ب - ورود یک جریان دریایی به یک منطقه کم عمق .

ب - برخورد موج‌های بازگشتی با موج‌های بزرگی که سوی ساحل پیش می‌روند .

BITTER LAKE/BITTERN

(Taikhāb) تلخاب

۱ - دریاهای که آب آن دارای املاح قابل نوحی مانند کریستات سدیم ، کلسیم و منیزیم باشد .

۲ - مانده آب دریا پس از منبلمور شدن نمک طعام آن . این گونه آب‌ها مسع ترکیبات منیزیم ، برم و ید است .

TELESCOPE

تلسکوپ

یا دوربین وسیله‌ای است برای روت و اصغر اشیاء دور . در سال ۱۶۰۹ میلادی گالیله تلسکوپ مرکب از دو عدسی واقع در دو سر یک لوله ساخت و بوسیله آن اکتشافات نجومی مهمی انجام داد و برای نخستین بار ، کوه‌های ماه ، آله‌زهره

CONDENSATION

(Takāsof) تکائف

عمل فیزیکی که طی آن بخار به حالت مایع و یا جامد تغییر شکل یابد . مانند آبری که بر اثر تکائف بخار آب موجود در جو بوجود آمده و بدلیل سرد شدن هوا پدانه‌های باران مبدل شود .

EVOLUTION

(Takāmōl) تکامل

نظریه‌ای است که به موجب آن جانوران و گیاهان با تغییرات و تبدیلات تدریجی و مستمر از صورت اولیه به صورت کنونی در آمده‌اند . بنابراین نظریه حیات از توده پروتوپلاسمی ساده‌ای محتملاً " در دریا آغاز شده است .

نظریه تکامل در یونان قدیم سابقه داشته و در فروع اولیه مسیحیت در اثر فشار و سلطه کلیسا مسکوت مانده بود . اختراع میکروسکوپ و بررسی‌های علمی در طبقه‌بندی موجودات زنده به پیشرفت آن کمک کرد . چارلز داروین پس از ۲۰ سال ممارست نظریه تکاملی خود را که بعدها به داروینیسم معروف شد تدوین کرد و در سال ۱۸۵۹ در کتاب معروف خود بنام بنیاد انواع عرضه داشت .

نوسعه علم زنتیک بر اساس قوانین وراثت مندل و کارهای دانشمندان دیگری چون ت. ه. مورگن و ه. ج. مالر نظریه تکامل را متدرجاً " تکمیل نموده و بسط یافته است .

PLATE TECTONIC

تکتونیک صفحه‌ای

← زمین‌ساخت صفحه‌ای

TEKTITE

تکنتیت

سنگ کروی ماسیدی رنگ سیاه مایل به سبز که ظاهری شیشه‌ای دارد و احتمالاً " از فضای خارج زمین سقوط کرده است .

MONOLITH

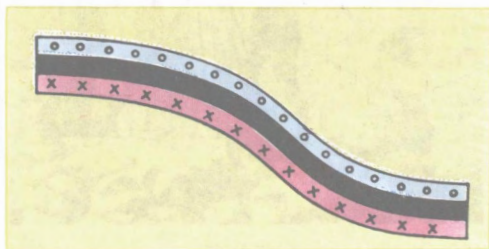
(Taksang) تکسنگ

تخته سنگ منفردی که نقش شمع یا تکیه گاهی را دارا باشد .

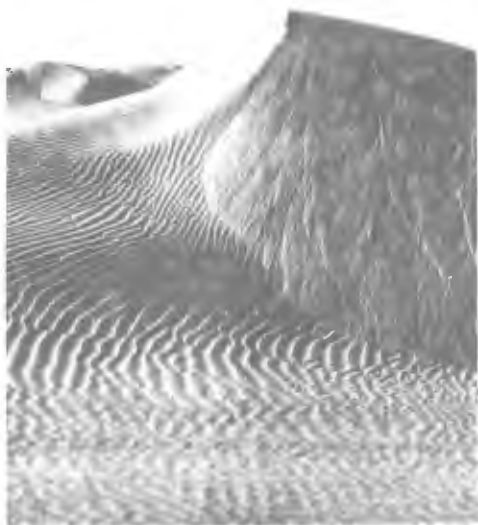
MONOCLINE

(Takshib) تکشیب

جبهه‌ای که در امتداد یک خط با خورده باشد و با جبهه‌ای که فقط دارای یک پهلوی باشد .



تکشیب



تلماسه

شکل تلماسه ساحلی تحت تاثیر تغییرات مداوم جهت باد معمولاً "بحالت مخروطی بوده و گاه بوسیله گیاهان ساحلی پوشیده شده است .

تلماسه هلالی (CRESCENTIC DUNE (*T-ye-heīālī*)
← برخان

TELLUROMETER

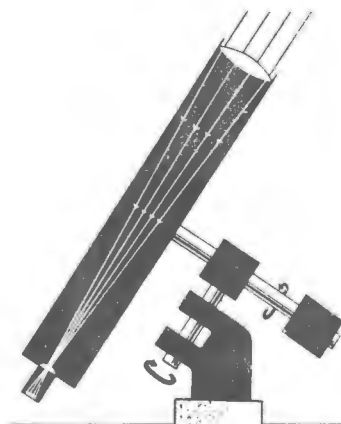
تله رومتر

دستگاه مخصوصی است که برای اندازه گیری مسافت بکار می رود. این دستگاه که براساس امواج کوتاه رادیویی کار می کند مسافت میان نقاط را با دقت زیاد اندازه گیری می کند .



تله رومتر

و اقمار مشتری را در معرض دید انسان قرار داد .
تلسکوپ ها بدو نوع انکساری یا دوربین نجومی و انعکاسی تقسیم می گردند . تلسکوپ های انکساری بیشتر برای رصد دقیق اجرام نسبتاً " نزدیک و تلسکوپ های انعکاسی برای رصد اجرام دور بکار می روند .
تلسکوپ ها معمولاً " بر حسب قطر دهانه طبقه بندی می شوند . از جمله بزرگترین تلسکوپ های جهان از تلسکوپ ۲/۵ متری (صد اینچی) رصد خانه، مونت وپلسن و تلسکوپ عظیم ۵ متری (۲۰۰ اینچی) کوه پلومار می توان نام برد .



تلسکوپ

DUNE تلماسه (*Talmāseh*)

تپه یا رشته ارتفاعات شنی که بر اثر وزش باد و جابجایی شدن شن پدید آمده باشد . این گونه تپه ها در کویر و در قسمت بالاتر از سطح برکشند کرانه های پست دریاها دیده می شود . شکل و اندازه تلماسه مناطق کویری تحت تاثیر وزش باد دائماً در تغییر بوده و اغلب متناسب با شدت وزش باد در حال جابجایی و تغییر شکل قرار می گیرد . حرکت ریگ های روان اغلب برای مناطق مسکونی حاشیه کویرها با خطر مدفون ساختن مناطق مزبور توأم بوده و برای ثابت نگه داشتن آنها بطرق مختلفی مانند کاشتن گیاهان کویری و یا استفاده از مواد نفتی و غیره متوسل می گردند . به تلماسه ریگ روان نیز گفته می شود .

LATERAL DUNE تلماسه پهلوئی (*T-ye-pahlu'i*)

تلماسه ای که بر اثر برخورد با یک مانع پدید آید .

FORE DUNE تلماسه ساحلی

رشته تپه های شنی یا تلماسه هایی که در ساحل دریا واقع شده باشند .

CENTRALIZATION

تمرکز

تمرکز از نظر جامعه‌شناسی، به مفهوم جمع شدن سازمان‌ها و فعالیت‌آن‌ها در یک جا بکار می‌رود. به سازمان‌ها و فعالیت‌هایی که بدین گونه گرد هم آمده‌اند سازمان‌های متمرکز یا متمرکز می‌گویند.

TAMMUZ

تموز

۱- نام ماه هفتم سال خورشیدی در پاره‌ای از کشورهای عربی که بین حزیران و آب واقع شده و مشتمل بر ۳۱ روز است. این ماه با ماه ژوئیه اروپایی مطابقت دارد.
۲- نام ماه چهارم در تقویم دینی و نام ماه دهم در تقویم عرفی یهود.

TON

تن

واحد اندازه‌گیری وزن که به انواع زیر شناخته می‌شود:
الف- تن متریک که ۱۰۰۰ کیلوگرم یا ۲۲۰۴/۶۲۲۳ پوند است (هر تن متریک برابر ۰/۹۸۴۲۱ تن انگلیسی است).
ب- تن انگلیسی یا تن بلند که مقدار آن ۲۲۴۰ پوند است.
پ- تن امریکایی یا تن کوتاه که ۲۰۰۰ پوند است. (هر تن امریکایی برابر ۰/۹۰۷ تن متریک است).

STRUGGLE FOR EXISTENCE

تلاش بقا

انتخاب طبیعی

TOBACCO

تنباکو

یا تنباکو در زبان بومیان امریکایی به معنی برگ خشک شده گیاهی است که برای دود کردن و به اصطلاح دخانیات بکار می‌رود.
تنباکو گیاه یکساله‌ای است که ارتفاع آن به حدود ۲ متری رسد و برگ‌های آن پوشیده از کرک‌هایی است که دارای بوی مخصوصی است که آنرا خشک کرده و خرد می‌کنند و به طرق گوناگون می‌کشند.

RAPIDS

تنداب (Tondāb)

بستر رودخانه یا جویباری که در عرض شکسته شده و شیب آن دفتا "افزایش یافته باشد عارضه‌ای را بوجود می‌آورد که به آن تنداب یا شرشره می‌گویند.

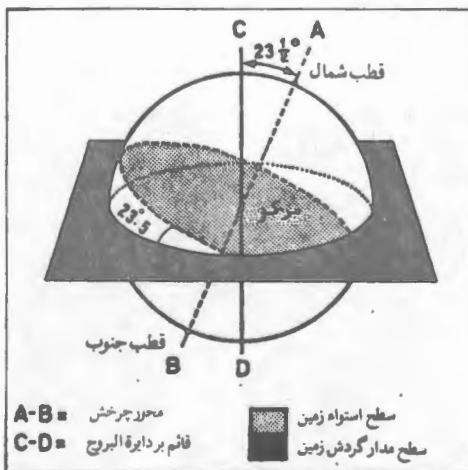
CLIFF

تندان (Tondān)

صخره یا پرتگاهی از سنگ که راست و بلند قرار گرفته باشد. پرتگاههایی از این گونه که مشرف به دریا واقع شده باشند از نظر دریانوردی دارای اهمیت بوده و به عنوان نشانه مناسبی در دریانوردی بکار می‌رود. (تصویر در صفحه ۱۰۶).

INCLINATION OF THE EARTH AXIS زمین

گردش زمین به دور خورشید روی مداری بنام دایرة البروج انجام می‌شود که نسبت به استواء زمین دارای زاویه‌ای بنام میل است. فصل مشترک دایرة البروج، روی کره زمین، نیز دایره عظیمه‌ای است به نام دایرة البروج که روی غالب کره‌های جغرافیایی نشان داده شده است. این دایره نیمگان زمین را در دو نقطه متقاطع قطع می‌کند و نسبت به سطح استواء زمین زاویه‌ای معادل ۲۳/۵ درجه پدید می‌آورد و محور زمین نیز بالطبع با صفحه دایرة البروج زاویه‌ای معادل ۶۶/۵ درجه ایجاد می‌کند و در نتیجه نسبت به قائم بر صفحه دایرة البروج زاویه‌ای به اندازه ۲۳/۵ درجه بوجود می‌آورد که به آن تمایل محور زمین می‌گویند. محققان و بطور قاطع می‌توان گفت که هیچ عامل دیگری جز تمایل محور زمین و یا ارقام ۶۶/۵ درجه و ۲۳/۵ درجه در ارتباط میان زمین و خورشید نقش مهمی ندارد.



تمایل محور زمین

CIVILIZATION

تمدن

۱- همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و غیره.
۲- مجموعه آیین‌ها و رسوم و آداب موروثی و سنن و دانش‌ها و هنرها و فنون و تاسیسات اجتماعی که جامعه بشری از برکت آنها دوام یافته و تکامل می‌یابد. بطور مثال، تمدن‌های مصر و یونان و چین هر کدام خصلت‌هایی را دارا هستند که معرف تمدن خاص آنهاست.
۳- شهرنشین شدن و با اخلاق و آداب شهریان خو گرفتن و عمل کردن.

که تاریخ وقوع بیشتر آن‌ها حدود ۲۹ شهر یور برابر ۲۰ سپتامبر و هم چنین هفته یکم فروردین برابر با هفته آخر مارس بوده است. ولی تا کنون چگونگی وقوع این تندبادها بدرستی شناخته نشده.

تندر (Tondar) THUNDER

هنگامی که اختلاف پتانسیل میان دو طرف یک ابر یا میان دو ابر و یا بین ابر و زمین به اندازه کافی برسد، تخلیه الکتریکی بصورت جرقه‌ای بزرگ صورت می‌گیرد که توام با صدای خاصی است که به آن تندر یا رعد و یا فرش آسمان می‌گویند.

تنده (Tondeh) ESCARPMENT

دیواره شیب داری که بر اثر فرسایش و یا گسیختگی و شکست یک چینه سنگی پدید آمده باشد.

تنگ (Tang) GAP/GORGE

دره‌ای که بیش از اندازه طبیعی ژرف و تنگ باشد. دیواره‌های تنگ اغلب قائم و فوق‌العاده پر شیب است.



تنگاب (Tangāb) CHANNEL FLOW

جوی و یا نهر و رودخانه‌ای که در یک بستر نسبتاً عمیق و باریک و تنگ جریان داشته باشد.

تنگبار (Tangbār) NARROW

قسمتی از بستر یک رودخانه یا یک دره و یا یک مهرب که تنگ و باریک باشد.



تندان

تند باد (Tond-bād) GALE

بادهای تندی که از نظر طبقه‌بندی بوفورت بشرح زیر درجه‌بندی می‌گردد:

الف - باد ملایم با درجه ۷ و سرعت متوسط حدود ۵۵ کیلومتر در ساعت.

ب - باد نیمه ملایم با درجه ۸ و سرعت متوسط حدود ۶۵ کیلومتر در ساعت.

پ - باد تند با درجه ۹ و سرعت متوسط حدود ۷۵ کیلومتر در ساعت.

ت - باد شدید با درجه ۱۰ و سرعت متوسط حدود ۹۰ کیلومتر در ساعت.

البته بادهای درجه ۱۱ و ۱۲ نیز از نوع همین بادها شناخته شده و فقط از نظر طبقه‌بندی بوفورت به توفان و توفند تقسیم‌بندی می‌گردند.

تند بادهای برابرانی (T-b-hā-ye-barābarāni) EQUINOCTIAL GALE

تند بادهای شدیدی که هنگام عبور کره زمین از نقاط برابران بهاری و پاییزی می‌وزند. دانشمندی بنام G.Manley طی سال‌های ۱۸۸۹ تا ۱۹۴۰ در این زمینه بررسی‌هایی به عمل آورده و تندبادهای شدیدی را طی ۳۱ مورد ثبت نموده

دید می شود .

MOULIN/GLACIER MILL

تنوره یخچالی

(T-ye-yakhchali)

محور لوله مانند قائمی در یک یخچال که بر اثر جاری شدن آبهای حاصل از ذوب یخ و ریختن آن بدرون شکافهای یخی بوجود آمده باشد . این آب، سنگها و مواد زائد را همراه خود بصورت گردابی بدرون شکاف ریخته و پدیده ای بنام تنوره یخچالی یا آسیاب یخچالی بوجود می آورد .

HEREDITY

توارث (Tavāros)

علم چگونگی به ارث رسیدن اختصاصات جسمی و خلقی انواع از یک نسل به نسل دیگر .

قوانین اصلی توارث بوسیله گ . ی . مندل که از سال ۱۸۲۲ تا ۱۸۸۴ می زیسته است کشف شده .

عوامل موثر در توارث رشته های کوچکی بنام کروموزوم هستند که در داخل هسته سلول قرار دارند و تعدادشان در هر نوع ثابت است . بر روی رشته های مزبور توده های کوچکی از اسید نوکلئیک بنام ژن وجود دارند که واحد توارث بشمار می روند . تعداد کروموزوم ها در انسان ۴۶ است که بصورت ۲۳ زوج در هسته همه سلول های انسانی یافت می شوند . نیمی از کروموزوم ها از مادر و نیمی دیگر از پدر به ارث برده می شوند .

TOPOGRAPHY

توپوگرافی

نمایش عوارض موجود هر منطقه اعم از طبیعی یا مصنوعی را توپوگرافی می نامند . واژه توپوگرافی از دو کلمه یونانی توپو به معنی مکان و گرافی به مفهوم نمایش یا تشریح اقتباس شده است .

SUBMARINE TOPOGRAPHY

توپوگرافی زیر دریا

بررسی آن بخش از رویه زمین که آب دریاها و اقیانوس ها آن را پوشانیده است . عمل توپوگرافی زیر دریا بوسیله ژرفایابی انجام می گیرد .

TOPOLOGY

توپولوژی

۱ - شاخه ای از ریاضیات هندسی که درباره موقعیت نسبی عوارض صرفنظر از مسافت واقعی و سمت حقیقی امتداد میان آن ها بحث و گفتگو می کند .

۲ - بررسی یک ناحیه جغرافیائی از لحاظ عوارض ویژه رویه زمین مانند تپه ها و کوه ها و دریاچه ها و رود ها و غیره که تاریخ زمین شناسی آن ناحیه را آشکار می سازد .

TOPONYMY

توپونومی

— جای نام شناسی

CHANNEL/STRAIT

تنگه (Tangeh)

باریکه ای از آب ، که دو دریای مجاور را بطور طبیعی بیکدیگر متصل سازد . به این عارضه باب نیز گفته می شود .

WATERSPOUT (Tanureh-ye-daryā'i)

تنوره دریائی تنوره آب تنوره مانندی شبیه توفان پیچنده توده ابر یا بخار آب تنوره مانندی شبیه توفان پیچنده که بیشتر بر فراز دریاها و اقیانوس های مناطق استوایی و نیمه استوایی تشکیل می گردد . این پدیده به شکل مخروط واژگونی است که قاعده آن به یک توده ابر نوع کومولونیمبوس متصل بوده و راس آن با سطح آب در تماس است . ارتفاع تنوره دریائی گاه تا چند صد متر رسیده و عمر آن بیش از نیم ساعت به درازا نمی کشد .



تنوره دریائی

DUST DEVIL

تنوره دیو (T-ye-div)

نوعی گردباد کم دوام که در نتیجه گردش حول یک مرکز کم فشار بوجود آید . علت پیدایش این گونه بادها گرم شدن هوای سطحی و صعود آن به طبقات بالا است و در نتیجه این عمل ستون متحرکی از گرد و غبار در فضا ایجاد می شود . از اینگونه گردبادها در صحرای آفریقا و صحرای کالاهاری فراوان

— ساختمان زمین

توده هوا (T-e-havā) AIR MASS

توده همگنی از هوا که وسعت قابل ملاحظه‌ای از سطح زمین را پوشانیده و بوسیله توده‌های دیگری از هوا محصور شده باشد.

توده‌های هوا معمولاً بر حسب منطقه‌ای که در آن تشکیل یافته‌اند طبقه‌بندی می‌شوند. مانند توده‌های استوائی و توده‌های قطبی.

توده هوای قارهای CONTINENTAL AIR MASS

توده هوایی که منشأ اصلی آن منطقه فراباری واقع بر فراز نواحی درونی یک قاره باشد؛ این هوا معمولاً دارای رطوبت کمی بوده و در علم هواشناسی با حرف C نمایش داده می‌شود.

توده هوای مدارگانی TROPICAL AIR MASS

توده هوایی که دارای منشأ گرمند و اوج‌رخ نیمه استوائی باشد.

چنانچه توده هوای مزبور بر فراز اقیانوس واقع شود به آن توده هوای دریایی و اگر بر فراز خشکی‌ها قرار گیرد توده هوای قارهای نامیده می‌شود.

تورب (Turb) PEAT

مواد گیاهی پوسیده‌ای بزرگ قهوه‌ای یا سیاه که در زیرزمین مرطوبی انباشته شده و تحت تاثیر عوامل شیمیایی، اسیدی، قلیائی و یا خنثی قرار گرفته باشد. نوع اسیدی این مواد برای مصارف سوختی بکار می‌رود.

تورب که اولین مراحل تبدیل زغال را طی می‌کند در شرایط معینی از خزّه‌هایی بنام اسفاگونوم در آبهای شیرین پدید می‌آید.

تورم (Tavarrom) INFLATION

افزایش بی تناسب مقدار پول رایج در یک کشور و با افزایش بی تناسب اعتبارات نسبت به نیازهای اقتصادی.

نتیجه این افزایش این است که ارزش پول پایین می‌آید و مردم می‌کوشند که پول خود را به کالا تبدیل کنند و این اقدام قیمت‌ها را بالا می‌برد.

توزیع سنی (Towzi-e-senni) AGE DISTRIBUTION

عبارت است از تعیین درصد نعراف گروه‌های سنی مختلف یک جامعه نسبت به مجموع افراد همان جامعه.

توسعه DEVELOPMENT

— پیسرفت

تویی (Tuppy) PLUG

گدازه اسیدی استوانه‌ای شکلی که دهانه خروجی یک آتشفشان را بسته باشد.

تویی آتشفشان PLUG - VOLCANO

توده گدازه اسیدی غلیظی که از دهانه آتشفشان خارج گردیده و سخت شده باشد.

توتون TOBACCO

واژه ترکی — تنباکو

توجیه نقشه MAP ORIENTATION

قرار دادن نقشه نسبت به طبیعت به وضعی که شمال نقشه در جهت شمال طبیعت و جنوب آن در جهت جنوب طبیعت قرار گیرد و یا به عبارت دیگر کلیه امتدادهای روی نقشه به موازات، و در جهت امتدادهای مشابه خود در طبیعت واقع شوند.

توچال (Towchāl) MOUNTAIN GLACIER

یخچال طبیعی که در کوه‌ها و جاهای مرتفع و دره‌هایی که دارای برف‌های دائمی و در معرض وزش بادهای سرد هستند تشکیل می‌شود.

— یخچال

توده (Tudeh) MASS

اسبوه مردم، عامه خلق.

توده شناسی (T-shenāsi)

۱ — شناختن توده و عامه خلق.

۲ — دانش آداب و عادات و رسوم توده مردم و ترانه‌های محلی و افسانه‌های آنان (فولکلور).

توده لغزه (T-laghzeh) MASS MOVEMENT

حرکت سرازیری توده مواد مختلفه تحت تاثیر نیروی کشش زمین که معمولاً بدلیل آب شستگی بوسیله برف و باران انجام می‌شود.

توده مرکزی زمین CORE

توده مرکزی کره زمین دارای شعاعی حدود ۳۴۷۰ کیلومتر است و احتمالاً از توده‌های فلزاتی مانند نیکل و آهن که چگالی آن حدود ۱۲ است تشکیل یافته.

پژوهش‌های اخیر نشان داده است که چگالی بخش درونی این قسمت که شعاع آن بین ۱۳۸۰ تا ۱۴۵۰ کیلومتر است رقمی حدود ۱۷ است.

توده مرکزی زمین را هسته زمین نیز می‌گویند.

AFRICAN TORNADO

توفان پیچنده افریقائی

توفان وحشتناکی در افریقای باختری که بیشتر بدون مقدمه شروع شده و در مدت کوتاهی بهایان می‌رسد ولی خرابی‌های وحیم و آثار مدهشی از خود بجای می‌گذارد. این توفان که معمولاً با باران همراه است، هنگام روز که هوا کاملاً گرم است بوقوع می‌پیوندد. سبب ایجاد این توفان برخورد هوای گرم و مرطوب جنوب باختری با هوای خشک ناحیه صحرا است که از خاور به باختر در جریان بوده و گاهی اوقات دامنه آن به حدود ۳۰۰ کیلومتر گسترش می‌یابد.

THUNDERSTORM

توفان تندری (T-e-tondari)

رعد و برقی که بر اثر گرم شدن هوای سطحی و صعود آن بطرف طبقات بالا و ایجاد ابرهای نوع کومولونیمبوس پدید آید. با ایجاد این ابر رگبار سیل‌آسائی که گاهی اوقات با تگرگ و رعد و برق همراه است ریزش می‌کند. لازمه ایجاد چنین وضعیتی رطوبت کافی و افت سریع درجه حرارت هوای طبقات بالاست که اولی ابر کومولونیمبوس را بوجود آورده و دومی صعود هوای گرم طبقات سطحی بسوی طبقات بالای جو را فراهم می‌سازد. احتمال وقوع این پدیده در مناطق استوائی بیشتر از سایر مناطق کره زمین است.

TYPHOON

توفان دریای چین

این توفان که مخصوص دریای چین است بیشتر در فصل تابستان و اوائل پاییز بوقوع می‌پیوندد و غالباً از مسیر جزایر فیلیپین و نواحی جنوبی چین گذشته و مناطق مزبور را بشدت تحت تاثیر قرار می‌دهد. در توفانی که در سال ۱۹۲۲ بطور ناگهانی رخ داد حدود ۵۰۰۰۰ نفر از اهالی

ECONOMIC IMPERIALISM توسعه جوئی اقتصادی

توسعه و بسط دادن سیادت و نفوذ حاکمیت یک ملت بر سرزمین و مردم دیگر (خارجی) به منظور بدست آوردن مواد خام و ایجاد بازار برای مصنوعات یا جستجوی موقعیت‌های سودآور سرمایه‌گذاری.

TUFF

توف

سنگی که از تراکم و بهم چسبیدن خاکسترو غبارهای آشفشانی پدید آمده باشد.

STORM

توفان

باد شدیدی با درجه ۱۱ که سرعت آن به حدود ۹۵ تا ۱۱۵ کیلومتر در ساعت برسد.

← طبقه بندی بوفورت

BLIZZARD

توفان برف

← دمه

TORNADO (Tufān-e-pichāndeh)

توفان پیچنده نوعی گردباد شدید که در پیرامون یک سیستم کم فشار پدید آید و با سرعتی حدود ۳۰۰ کیلومتر در ساعت در جهت خلاف گردش عقربه‌های ساعت به گرد آن بوزد. این پدیده که اغلب با ستونی از ابر تیره همراه است غالباً در بهار و اوایل تابستان بوقوع می‌پیوندد عمر کوتاهی داشته و حدود یک تا دو ساعت بیشتر بطول نمی‌انجامد، مع الوصف اغلب با خرابی و جاکنی عوارض و حتی ساختمان‌های بزرگ توام است، بهمین جهت برای جلوگیری از سوانح احتمالی، اداره‌های هواشناسی وقوع آن را قبلاً پیش‌بینی کرده و با اعلام‌های رادیویی احتیاط‌های لازم را گوشرد می‌کنند.



توفان پیچنده

مناطق مزبور ناپدید شدند.

توفان عالمگیر

UNIVERSAL DELUGE

این رویداد که در غالب کتاب‌های آسمانی به آن اشاره شده است و بنام توفان نوح نیز معروف گردیده تنها رویدادی است که در تاریخ حیات انسان سراسر کره زمین را فرا گرفته است. زمین شناسان تا کنون دلایلی برای اثبات وقوع چنین توفانی در طبقات دوره چهارم نیافتاده‌اند. اما افسانه‌ها و روایات بسیاری از ملل از وقایعی حکایت می‌کند که بیکدیگر شباهت تام دارند. پاره‌ای از ملل وقوع این توفان را ذوب شدن ناگهانی برف‌ها دانسته‌اند و مردم ساکن کرانه‌های دریا بیشتر از زیر آب رفتن کرانه‌ها و بالا آمدن امواج دریا و غرق شدن خشکی‌ها گفتگو می‌کنند.

یکی از دانشمندان از روی مطالعه شرح حوادث به این نتیجه رسیده که زیر آب فرو رفتن جلگه‌فراات اساس افسانه توفان نوح است و این چنین حادثه بر اثر زمین لرزه در ناحیه خلیج فارس اتفاق افتاده است. طی این زمین لرزه نخست آب دریا عقب نشینی کرده و سپس تلاطم عظیمی بوجود آمده و بر اثر وزش باد شدیدی از سوی جنوب تقویت گردیده و سراسر ناحیه بین النهرین را به زیر آب فرو برده است. توفان سایر ملل نیز احتمالاً پدیده‌هایی از همین گونه بوده است.

توفان مغناطیسی

MAGNETIC STORM

بر هم خوردگی و انقلاب ناگهانی میدان مغناطیس سراسری زمین را که گاهگاه روی می‌دهد توفان مغناطیسی می‌گویند. علت وقوع این توفان که بویژه روی امواج رادیویی و عملیات نقشه‌برداری مغناطیسی اثر می‌گذارد تا کنون بدرستی شناخته نشده ولی بنظر می‌رسد که میان این پدیده و دوران فعالیت کلف‌ها و انفجارهای خورشیدی رابطه‌ای وجود داشته باشد.

توفانهای استوائی

EQUATORIAL STORMS

از دسامبر تا آوریل توفانهای مناطق استوا بر روی اقیانوس هند تشکیل شده و سپس به سوی شمال یا شرق جزیره ما داگاسکار منتقل می‌شوند که بعضی از این توفانها جزیره را قطع کرده اما اکثر آنها به سمت جنوب یا جنوب شرق برگشت می‌کنند. به نظر می‌رسد که منبع اکثر توفانهای استوائی عرفی‌های بین ۱۰ تا ۲۰ درجه جنوبی و طولهای ۵۰ تا ۷۵ درجه شرقی باشد.

توفسنگ (Tufsang)

TUFF SITE

خاکسترها و غبارهای آتشفشانی هنگامی که به دریا و دریاچه وارد می‌شوند همراه با ذرات ماسه در کف آب ته —

نشین گردیده و با گذشت زمان و فشارهای وارده از لایه‌های بالا به توفسنگ دگرگون می‌شوند.

توفند (Tufand)

HURRICANE

باد شدیدی که از نظر طبقه‌بندی بوفورت دارای درجه ۱۲ باشد. سرعت این باد به حدود ۱۲۰ کیلومتر در ساعت می‌رسد. توفند که غالباً "در نواحی هند غربی و خلیج مکزیکو می‌وزد اغلب با ویرانی‌های وسیعی همراه بوده و دامنه آن گاه تا سواحل امریکای شمالی و مرکزی و جنوبی گسترش می‌یابد. این باد در ماههای سپتامبر و اکتبر به شدیدترین حالت خود می‌رسد.

این پدیده اغلب در نواحی مدارگانی مشاهده می‌گردد.

— طبقه بندی بوفورت

توندرا

TUNDRA

اراضی بی درختی که در نواحی شمالی امریکای شمالی و هم چنین در سراسر مناطق شمالی قاره اروپا و آسیا واقع شده و بدلیل دارا بودن آب و هوای قطبی، اغلب از برف و یخ پوشیده شده باشد. این مناطق دارای تابستانهای بسیار کوتاه بوده و میانگین دمای گرمترین ماه آن، از ۱۰ درجه سانتیگراد تجاوز نمی‌کند. گیاهان این نواحی بیشتر از خانواده توت بوته‌ای و گلشن و غزه و جگن وامثال آنست.

تونل

TUNNEL

گذرگاه زیرزمینی کامبیش افقی که در دل کوه یا زیر رودخانه و امثال آن حفر شده باشد و برای عبور دادن جاده، خط آهن، کانال و فاضلاب و غیره ساخته شود.

تهتراز (Tahtarāz)

BASE LEVEL

پست‌ترین سطح هر منطقه که عوارضی مانند جویبار در آن وجود داشته باشد. مدت زمانی که صرف ایجاد اینگونه بسترها می‌شود به میزان فرسایش زمین بستگی داشته و علاوه بر آن بزرگی و کوچکی و میزان آب جویبار یا عارضه‌ای که در بستر مزبور قرار دارد نیز از جمله عوامل موثر در پیدایش این قبهل عوارض است. از جمله تهرتازهای دائمی کف دریاها و از انواع غیر دائمی آن، آبگیریک دریاچه را می‌توان نام برد.

تهنشت (Tahneshast)

SEDIMENT

ذراتی از سنگ و خاک یا مواد و دانه‌هایی که در زیر آب ته نشین گردد. بطور کلی این واژه به مفهوم کلیه مواد و ذراتی که بوسیله عواملی مانند رودخانه، دریا، باد و یخ و غیره از محلی به محل دیگر حمل شده و ته نشین گردند به

کار می‌رود.

تیر (Tir)

مقتبس از واژه پهلوی تشر به مفهوم فرشته نگهبان باران، نام چهارمین ماه در تقویم رسمی ایران و روز سیزدهم هر ماه خورشیدی.

واژه تیرماه عیناً "بهمن صورت در تقویم اوستائی وجود داشته و بعدها در تقویم جلالی راه یافته و از سال ۱۳۰۴ خورشیدی بنام چهارمین ماه سال هجری شمسی در تقویم ایران رسمیت یافته است.

MERCURY

تیر (Tir)

نزدیک‌ترین سیاره به کره خورشید است و یکی از کوچکترین سیارات منظومه خورشیدی محسوب می‌شود.

تیر یا عطارد کره حامدی است به قطر ۴۸۷۸ کیلومتر که درخشندگی آن از بازتاب نور خورشید حاصل می‌گردد و زمان گردش بدور خورشید ۸۷/۶۰ روز و زمان چرخش حول محور قطبین آن ۵۸ روز و ۱۵ ساعت و ۳۶ دقیقه است. فاصله متوسط آن از خورشید ۵۷,۹۰۰,۰۰۰ کیلومتر است و حجم آن نسبت به زمین ۰/۰۵۵۶ است.

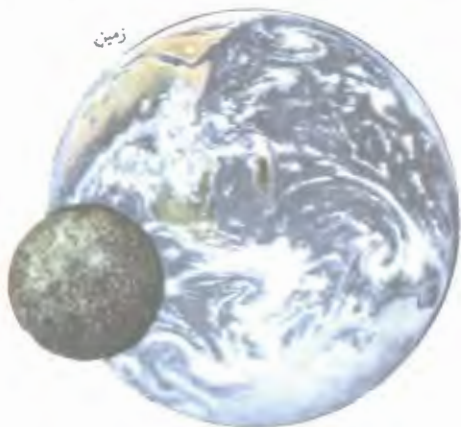
بدلیل نزدیکی تیر به خورشید درست پیش از طلوع آفتاب و درست پس از غروب خورشید در افق قابل رؤیت می‌گردد. دمای حاصل از تابش نور خورشید به سطح این سیاره حدود ۴۱۰ درجه سانتیگراد است و دمای آن قسمت که بر اثر چرخش حول محور از تابش نور خورشید محروم است به دمای صفر مطلق می‌رسد و همین اختلاف دما به پراکندگی و فرار جو کره مزبور منجر شده است.

← سیارات

FALLING STAR

تیر شهاب (T-e-shahāb)

شهابی که چون تیری فروزان و سریع السیر در جوی زمین حرکت



تیر

کند. شهاب ثاقب نام دیگر این گونه شهاب است.

← شهاب

SECT

تیره (Tireh)

← رده بندی

ARETE

تیزه (Tizeh)

رشته کوه تیفه مانندی که غالباً "بر اثر فرسایش حاصله از برف و یخ طرفین تیفه بوجود می‌آید.

PEAK

تیفه کوه

← قله

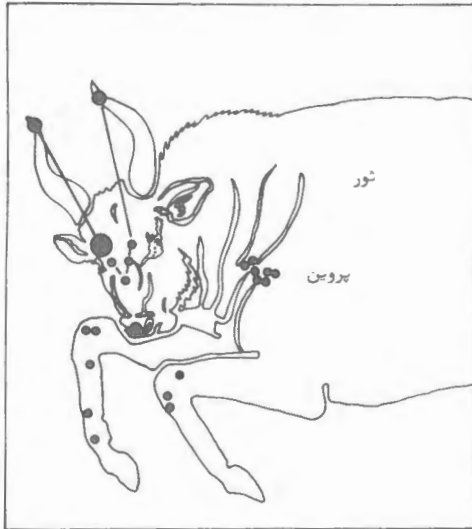
BUSH

تیماس (Timās)

منطقه جنگلی یا بیشه‌زار دست نخورده‌ای که هنوز پاک نشده و برای کشاورزی آماده نشده باشد. همچنین به منطقه وحشی و غیر قابل کشاورزی حتی اگر جنگلی هم نباشد گفته می‌شود. به تیماس بوته زار نیز می‌گویند.



تیزه



ثور



SOLAR CONSTANT

ثابت خورشیدی

در چند تشعشعات خورشیدی که توسط واحدی از سطح در خارج از جو زمین دریافت می‌گردد، این مقدار بطور تقریب حدود ۲ گرم کالری به ازاء هر سانتی‌متر مربع در هر دقیقه است.

SECOND

ثانیه

الف - یکی از واحدهای اندازه‌گیری زاویه یا طول قوس، برابر $\frac{1}{60}$ دقیقه یا $\frac{1}{3600}$ درجه.
ب - یکی از واحدهای اندازه‌گیری زمان، برابر $\frac{1}{60}$ دقیقه یا $\frac{1}{3600}$ ساعت.

ESTATES REGISTRATION

ثبت املاک

ثبت کردن مشخصات ملک‌ها که بر دو گونه است:
۱ - ثبت عادی - یعنی ثبت ملکی که به موجب درخواست مالک در نقطه‌ای از کشور که ثبت املاک اجباری است بعمل آید.
۲ - ثبت عمومی - یعنی ثبت ملکی که به موجب اظهار نامه اداره ثبت و دعوت از مالک در نقطه‌ای از کشور که ثبت املاک اجباری است به عمل آید.

PLEIADES

ثریا

← پروین

GRAVITY

ثقل

← گرانش

GRAVIMETRY

ثقل سنجی

← گرانی سنجی

STARS

ثوابت

← ستارگان

TAURUS

ثور (Sor)

یکی از صورت‌های فلکی واقع در منطقه البروج که ستارگان پروین در آن واقعند، صورت فلکی ثور دومین صورت از منطقه البروج است.

GENERAL GRAVITATION

جاذبہ عمومی

نیروی که همه اجسام را بطرف مرکز زمین می کشد .
— قانون جاذبه عمومی

SPACE TIME

جاگاه (Jāgah)

ترکیبی است از دو واژه جا و گاه به مفهوم فضای چهار بعدی که مختصات زمانی و مکانی را مشخص می کند . اهمیت جاگاه ناشی از ارتباط نزدیک زمان و مکان با یکدیگر است . بر اساس نظریهٔ اینشتین بمال یک متصله چهار بعدی است که کلیه روی داده‌ها در آن با سه مختص مکانی (طول ، عرض ، و ارتفاع) و یک مختص زمانی مشخص می شوند .

MELON BED

جالیز

کشتزار خربزه ، هندوانه ، خیار و مانند آن . مترادف پالیز .

COMMUNITY/ SOCIETY

جامعه

۱ — گروه مردم یک شهر ، یک کشور ، جهان و یا صنفی از مردم . مانند جامعه بشریت ، جامعه ایرانی و جامعه علمای و امثال آن .
۲ — دسته‌ای از گیاهان که با ویژگی‌های مشابه در یک منطقه مخصوص روئیده باشند .

SOCIOLOGY

جامعه‌شناسی

یا علم الاجتماع ، شناخت پیدایش و پیشرفت گروه‌های بشری و بررسی در تاسیسات و فعالیت‌های اجتماعی مردم . موضوعاتی که در این زمینه مورد مطالعه دانشمندان این علم قرار می‌گیرد شامل جامعه ، فرهنگ ، تاسیسات اجتماعی و طرز رفتار جامعه و گروه و واکنش‌هایی است که در جامعه پدید می‌آید .

LEAGUE OF NATIONS

جامعہ ملل

سازمان بین‌المللی که بعد از جنگ جهانی اول تشکیل گردید و در واقع پایه‌های سازمان ملل متحد امروزی را تشکیل داد . هدف از تشکیل جامعه ملل حفظ صلح ، داوری در مورد اختلاف میان کشورها و ترویج همکاری‌های بین‌المللی بود . جامعه ملل به دلایلی موفقیت حاصل نکرد ، از آن حمله نمی‌توانست دولت‌های بزرگ را مجبور به سازش با یکدیگر و یا اطاعت از تصمیمات جامعه بنماید .

در واقع انحطاط جامعه ملل از سال ۱۹۳۱ آغاز شد . زیرا در این سال جنگ بین چین و ژاپن شروع شد و ژاپن از عضویت جامعه کناره گرفت . در سال ۱۹۴۳ نیز هیتلر آلمان را از جامعه ملل خارج نمود . و پیمان ۱۹۴۸ مونیخ به سقوط اعتبار آن انجامید و بالاخره در سال ۱۹۴۶ رسماً " انحلال خود را اعلام داشت و کلیه ادارات و اموال آن به سازمان ملل متحد انتقال یافت .



HERCULES

جائی علی رکتیہ

(Jāsī alā rekbataṭayh)

که در فارسی می‌توان به زانو زده ترجمه نمود ، صورت فلکی است در نیمکره شمالی .
یکی از ویژگی‌های این صورت فلکی نواختری (— نواختران) است که در سال ۱۹۳۴ در آن پدید آمد .



جائی علی رکتیہ

ROAD

جاده

— راه

SILK ROAD

جاده ابریشم

راهی قدیمی که منطقه مدیترانه را به چین خاوری مربوط می‌ساخته . این راه از جنوب خاوری دریای خزر ، شهری و دیوار چین می‌گذشت و به شانگهای منتهی می‌شد . وجه تسمیه این راه بمناسبت این است که ابریشم که در مقایسه با سایر اجناسی که از این راه حمل می‌شد خواستار فراوانی داشت .

RING ROAD

جاده کمربندی

— راه کمربندی

ATTRACTION

جاذبه

یا کشش عبارتست از کشیدن دو جرم مادی یا دو جرم فضاپیسی با دو بار برقی یکدیگر را .



جبار

GIBRALTAR

جبل طارق

تنگه‌ایست بین اسپانیا و مراکش که دریای مدیترانه غربی را به اقیانوس اطلس متصل می‌سازد. عرض این تنگه ۱۵ کیلومتر و ژرفای آن بطور متوسط ۴۵۰ متر است.

FRONT

جبهه

خط و یا حدی که دو توده هوای سرد و گرم را از هم جدا سازد. بطور کلی جبهه هوا را از نظر اندازه به دو دسته تقسیم می‌کنند.

الف — جبهه بزرگ که میان توده‌های عظیم هوا قرار دارد، مانند جبهه میان توده‌های قطبی و توده‌های اقیانوس آرام. ب — جبهه کوچک که میان توده‌های کوچک محلی واقع است، مانند جبهه میان هوای سرد و گرم محلی.

OCCCLUDED FRONT

جبهه انسدادی

قرار گرفتن یک جبهه هوای گرم بر فراز یک جبهه هوای سرد در یک فرو باز را جبهه انسدادی می‌نامند. در این وضعیت هوای گرم سطح زمین بسوی طبقات بالا کشیده شده و جبهه انسدادی را پدید می‌آورد. اگر دمای هوایی که به بالا صعود کرده است سردتر از هوای جبهه باشد به آن انسداد سرد می‌گویند و در حالت عکس آن را انسداد گرم می‌نامند و در صورتی که اختلاف دما میان آن دو وجود نداشته باشد انسداد خنثی نامیده می‌شود. (تصویر در صفحه ۱۱۵)

COLD FRONT

جبهه سرد

مرز میان یک توده هوای گرم و یک توده هوای سرد پیش رونده‌ای که توده هوای گرم را بطرف بالا براند. با ایجاد چنین وضعیتی درجه حرارت به مقدار قابل ملاحظه‌ای افت کرده و با افزایش فشار جو موجبات تغییر جهت بادهای را

COMMUNISTIC SETTLEMENTS جامعه‌های اشتراکی

جوامعی که در آن‌ها اشتراک مالکیت حکمفرما باشد. در چنین جوامعی املاک و کالاها مالک معین ندارند و همه چیز متعلق به همه افراد جامعه است.

ANIMAL

جانور (Jānevar)

هر یک از افراد گروهی از موجودات زنده که برخلاف رستنی‌ها قادر به حرکت خود بخود هستند و در مقابل محرک‌های داخلی یا خارجی واکنش از خود نشان می‌دهند.

ZOOLOGY

جانور شناسی

رشته‌ای از دانش زیست‌شناسی که درباره زندگی جانوران بررسی می‌کند.

سرآغاز این دانش طبقه‌بندی جانوران از روی شکل ظاهریشان بود و اولین رده‌بندی توسط ارسطو تدوین گردید.

روشی که بعدها به وسیله لینه و سپس توسط جان ری تکمیل گردید بر این اساس است که هر گیاه یا هر جانور به وسیله دو کلمه لاتین که نمایند نوع جنس آنها است رده بندی می‌گردند.

با استعمال میکروسکوپ و روش‌های تجربی، علم جانورشناسی شاخه‌های فراوانی پیدا کرده است. نظریه دانشمندی چون لامارک و چارلز داروین در ترقی این علم تاثیر فراوانی به جای گذاشت و با افزایش رشته‌های وراثت، بافتشناسی، فیزیولوژی و بیوشیمی بر اهمیت آن بیش از پیش افزوده شد. درباره رده‌بندی جانوران اساس کار بر مبنای دو سلسله بنام آغازیان و متازوا پایه‌گذاری شده است.

TOPONYMY (Jāynām shenāsi)

جای نام شناسی بررسی نام اماکن جغرافیائی و یا به عبارت دیگر شاخه‌ای از زبان‌شناسی جغرافیائی که نامهای یک ناحیه یا نامهای موجود در یک زبان را بررسی می‌کند.

ORION

جبار (Jabbār)

نام یکی از صورت‌های فلکی است که بوسیله استواء عالم به دو قسمت تقسیم می‌گردد. این صورت ظاهراً "مرد چاق بدستی را که دارای شمشیر و حمایل است نشان می‌دهد. و یکی از زیباترین صورت‌های فلکی آسمان بشمار می‌رود.

DETERMINISM

جبر جغرافیائی

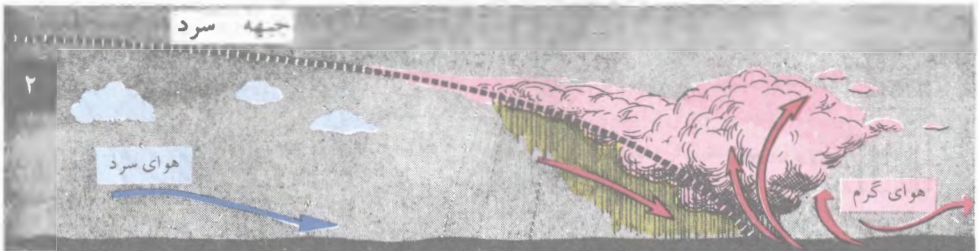
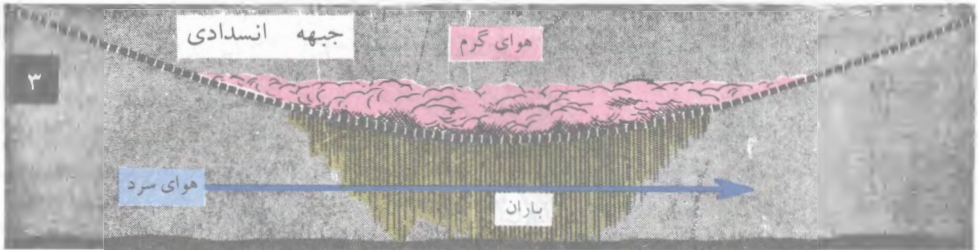
— جغرافیا گرائی

MOUNTAIN

جبل (Jabal)

— کوه

فراهم ساخته و رگبار شدید توام با باد و توفان را به همراه دارد.



JET STREAM

جت استریم

الف - باد نسبتاً "شدیدی که در امتداد کمربند باریکی در ارتفاع تقریبی ۱۲۰۰۰ متری از سوی باختر به خاور در پیرامون زمین می‌وزد. سرعت متوسط این باد در تابستان ۸۰ تا ۱۰۰ کیلومتر و در زمستان حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ کیلومتر است. (حتی سرعت‌هایی چون ۳۰۰ تا ۴۰۰ کیلومتر نیز ثبت شده است).

ب - جریان محلی توده‌های مرتفعی از هوا که به شکل گلوله یا تخم مرغ به گرد خود می‌چرخند و از جمله عوامل موثر هواشناسی بشمار می‌روند. (تصویر در صفحه ۱۱۶)

جدول

نهر کوچک، جویک، جویچه، جوی آب

POLARIS

جدی (Today)

ستاره آلفا از صورت فلکی دب اصغر که در حال حاضر در راستای شمالی محور چرخش زمین قرار گرفته و بنام ستاره

POLAR FRONT

جبهه قطبی

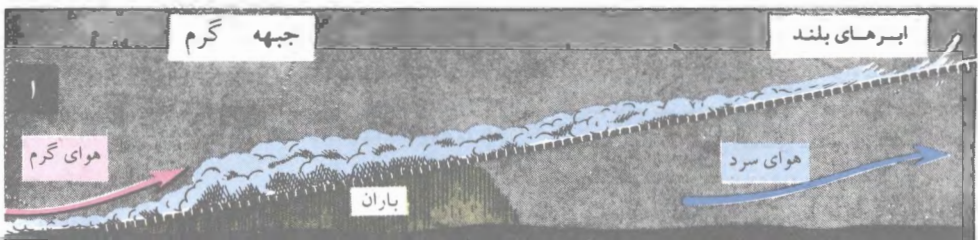
جبهه هوای بزرگی واقع در شمال اقیانوس آرام و شمال اقیانوس اطلس که از برخورد توده هواهای دریایی قطبی و دریایی استوایی بوجود آمده باشد. به تعریف دیگر سطح فاصل بین بادهای شرق‌وزان سرد قطبی و بادهای غرب‌وزان گرم‌تر عرض‌های پائین را جبهه قطبی می‌گویند.

این جبهه در حد فاصل ۶۰ درجه عرض شمالی تا ۳۰ درجه عرض شمالی در تغییر است و دستخوش تغییرات روزانه می‌باشد منشاء توفانهای عادی مناطق معتدله را امواج جبهه قطبی می‌دانند.

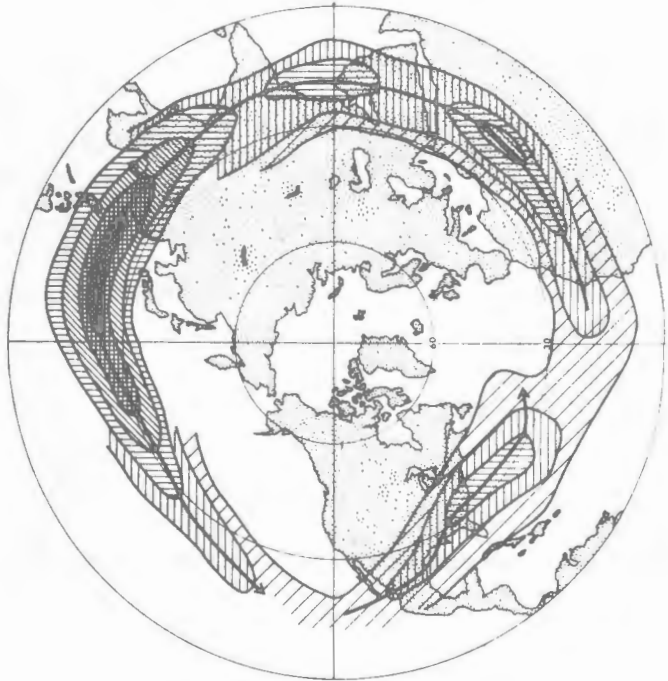
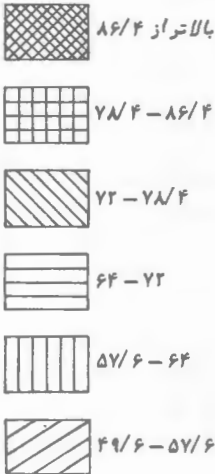
WARM FRONT

جبهه گرم

حد میان یک توده هوای سرد و یک توده هوای گرم که تحت شیب ملایمی بر فراز توده هوای سرد قرار گرفته باشد. در چنین وضعیتی انبوهی از انواع ابرها تشکیل گردیده و بارندگی نسبتاً کمی را به همراه خواهد داشت.



سرعت جریان بر حسب كيلومتر در ساعت



جت استریم

MASS

جرم

اندازه فیزیکی جبر یک جسم ، یعنی مقاومت آن در برابر تغییر حرکت .
از واحدهای عمده سنجش جرم ، گرم و کیلوگرم است . هر قدر جرم جسمی بیشتر باشد بهمان نسبت در مقابل نیروهای محرک و شتاب دهنده بیشتر مقاومت می کند .
مطابق قانون اصل بقای جرم که قانون لاوازیه نیز نامیده می شود " ماده نه موجود و نه معدوم می شود " .
مطابق قانون نسبیت ، جرم هر جسم مربوط به سرعت حرکت آنست .

(Jorum) جروم

← گرمسیر

CURRENT

جریان

الف - حرکت و جابجا شدن آب در یک آبراه یا یک رودخانه .
ب - حرکت قائم یک توده هوا .
پ - حرکت دائمی یا فصلی آب های سطحی دریا .
ت - جریان کوچک دریایی بویژه درون تنگه ها که علت آن اختلاف درجه حرارت و غلظت آب دو دریای مجاور تنگه

قطبی معروف است .

این ستاره که در طول تاریخ برای جهت یابی بکار می رفته است حدود ۴۰۰ سال نوری از زمین فاصله دارد و زاویه ارتفاعی آن در هر نقطه از سطح زمین تقریباً " با عرض جغرافیائی آن نقطه برابر است .

CAPRICORN

جدي (Jady)

دهمین صورت فلکی در منطقه البروج و دهمین برج .
ستاره آلفای این صورت یکی از حالب ترین ستارگان آسمان است .

ABSORPTION

جذب

عمل فیزیکی که بوسیله آن ماده های دیگر را به جرم خود وارد می کند . بطوریکه ماده دوم از لحاظ فیزیکی ناپدید می شود . مانند حل شدن قند یا گاز در آب و یا جذب گازها بوسیله جامدات .

CREVASSE

جر (Jer)

← شکاف یخی

است. مانند جریان سطحی آب در تنگه جبل طارق.
ث - جریان آبی که به علت پدیده جزر و مد بوجود آید.

جریان چگالین DENSITY CURRENT (Jarayān-e-chegālin)

جریان‌های دریائی که بدلیل اختلاف چگالی آب‌ها پدید آید. بطور نمونه آب شور دریای مدیترانه از قسمت‌های زیر تنگه جبل طارق به سوی باختر جریان داشته و بر عکس آب اقیانوس اطلس که غلظت کمتری دارد از قسمت‌های بالائی تنگه مزبور بسوی خاور جریان دارد. مطابق برآوردهائی که به عمل آمده تمام آب دریای مدیترانه در عرض ۷۵ سال بوسیله آب اقیانوس اطلس تعویض می‌شود و بهمین ترتیب آب سرد اقیانوس منجمد شمالی از زیر اقیانوس بسوی جنوب جریان داشته و بر عکس آب گرم نواحی استوایی اقیانوس اطلس از قسمت‌های سطحی بسوی اقیانوس منجمد شمالی در جریان است.

جریان خلیج GULF STREAM — جریان‌های دریائی

جریان لابرادور LABRADOR CURRENT — جریان‌های دریائی

جریان‌های استوایی EQUATORIAL CURRENTS

حرکت سطحی آب اقیانوسها در مناطق استوایی در جهت:
الف - در نیمکره شمالی بسوی جنوب باختری یا باختر.
ب - در نیمکره جنوبی بسوی شمال باختری یا باختر.
سرعت جریانهای استوایی حدود ۲۸ کیلومتر در روز است.

جریان‌های دریائی OCEAN CURRENTS

جابجائی آب سطحی اقیانوسها را جریان‌های دریائی می‌گویند. مهمترین علت جریانهای دریائی وزش بادهای غالب و اختلاف چگالی ناشی از تغییر دما یا شوری آب است. چرخش زمین نیز سبب تغییراتی در جهت جریانهای دریائی می‌شود. مشهورترین جریانهای دریائی جریان گلف استریم (جریان خلیج) نام دارد. بطور کلی جهت جریانهای دریائی در نیمکره شمالی در جهت گردش عقربه‌های ساعت و در نیمکره جنوبی مخالف جهت گردش عقربه‌های ساعت است. روی هم رفته جریانهای دریائی تاثیر قابل ملاحظه‌ای در آب و هوا و شرایط اقلیمی دارند. مثلا "جریان آتلانتیک شمالی (جریان اقیانوس اطلس) سبب ملایمت هوای زمستانهای نواحی شمال غرب اروپاست و برخورد جریان خلیج با جریان

سرد لابرادور باعث مه غلیظ در نیوفوندلند می‌گردد.
(تصویر در صفحه ۱۲۹)

جریان‌های کشندی TIDAL CURRENTS (J-hā-ye-keshandi)

جابجائی و حرکت آب در مناطقی که تحت تاثیر کشند آب دریا قرار می‌گیرند. تاثیر این جریان بیشتر در خلیج‌های کوچک و خورها و دهانه‌های رودخانه‌ها چشم‌گیر و کاملاً مشخص است.

جریان همرفت CONVECTION CURRENT (Jarayān-e-hamroft)

یا جریان فرارفت — همرفت

جریب ACRE

معرّب واژه فارسی جریب، مساحتی است معادل ده هزار متر مربع یا یک هکتار.

جریب در اصل واحدی برای سنجش حجم غلّات بوده و مقدارش در اماکن مختلف متفاوت بوده است و بعداً "به عنوان اندازه وسعت زمینی که یک جریب غلّه از آن برداشت شود بکار رفته است.

جزایر هلالی ISLAND ARC

زنجیره‌ای از جزیره‌های کوچک و بزرگ که به شکل قوسی در کنار یکدیگر واقع شده باشند. این گونه جزایر معمولاً "به عنوان دراز بوده و از جمله نمونه‌های آن مجمع‌الجزایر کوریل را می‌توان نام برد.

جزر LOW TIDE — فروکشند

جزر و مد TIDE — کشند

جزر و مد روزانه DIURNAL TIDE — کشند روزانه

جزیرک (Jazirak) ISLET

جزیره کوچک و معمولاً "غیر مسکونی را گویند. این گونه جزیره‌ها غالباً "از تخته سنگ‌های کوچکی که از آب سر بر آورده‌اند تشکیل می‌یابد.

جزیره ISLAND

قطعه زمینی که پیرامون آن را آب فرا گرفته باشد جزیره نام

آن پیوسته است. در مقابل این جزایر، جزایر دیگری بنام جزایر اقیانوسی قرار دارند که ابداً ارتباطی به خشکی‌های پیرامون خود ندارند.

CORAL ISLAND

جزیره مرجانی

صخره مرجانی که دور از ساحل واقع شده و بوسیله گل ولای پوشیده شده باشد. درازای این جزایر که اغلب پهنای کمی دارند گاه تا چندین کیلومتر می‌رسد و ارتفاع آنها از چند متر تجاوز نمی‌کند. اینگونه جزایر از نظر رشد گیاهان محیط مناسبی بوده و اغلب سبز و خرم هستند (تصویر در صفحه ۱۱۹)

ICE SHELF

جزیره یخی

تخته یخ عظیمی بشکل یک جزیره پهن‌آور که مجاور ساحل بوده و به خط ساحلی پیوسته باشد، مانند جزیره یخی ROSS واقع در قطب جنوب که مساحت آن حدود ۴۱۴،۰۰۰ کیلومتر مربع است. (تصویر در صفحه ۱۱۹)

GEOGRAPHY

جغرافیا (Joghrafiyā)

دانشی که درباره سطح زمین و عوارض طبیعی، آب و هوا، روئیدنی‌ها، خاک، فراورده‌ها و مردم و مانند آن ویراکندگی آنها در سطح زمین گفتگو می‌کند. هر یک از موارد مورد بحث این علم موضوع خاصی را از قبیل زمین‌شناسی، هواشناسی، نجوم، انسان‌شناسی و زیست‌شناسی و غیره را بوجود می‌آورد که قاعدتاً "جداگانه مورد مطالعه قرار می‌گیرند. بطور کلی علم جغرافیا بصورت زیر طبقه‌بندی می‌گردد:

الف - جغرافیای ریاضی که درباره اندازه، شکل و حرکات زمین گفتگو می‌کند.

دارد. جزیره ممکن است بطرق مختلفی بوجود آید. مثلاً "بر اثر حرکات پوسته زمین، در زیر آب، ممکن است سطح زمین بالا آمده، و از آب خارج شود یا اینکه بر اثر بالا آمدن آب دریا، قسمتی از دشت ساحلی، بجزیر آب رود و بلندیهایی آن از آب خارج، و جزایری را پدید آورد. همچنین آتشفشان‌های زیر آبی نیز، یکی دیگر از عوامل سازنده جزایر بوده و رسوبات ساحلی نیز، جزیره‌های شنی پستی را می‌توانند بوجود آورند. علاوه بر موارد بالا مرجانها نیز از جمله عوامل جزیره ساز بوده و گاه چند عامل بطور مشترک در پدید آمدن جزیره‌ای اثر می‌گذارند.

بزرگترین جزیره گیتی گروئنلند است که ۲،۱۷۵،۶۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد و سایر جزایر بزرگ دنیا بر حسب مساحت عبارتند از: پاپوا گینه نو به مساحت ۷۸۹،۶۴۵ کیلومتر مربع و برنئو به مساحت ۷۵۰،۸۱۰ کیلومتر مربع.

VOLCANIC ISLAND

جزیره آتشفشانی

جزیره‌ای که بر اثر خروج مواد گداخته درون زمین از کف اقیانوسها ایجاد شده باشد. برخی از جزیره‌های آتشفشانی مدتی پس از ایجاد مجدداً "به زیر آب فرو می‌روند.

CONTINENTAL ISLAND

جزیره قاره‌ای

(Jazireh-ye-qārrei)

جزیره‌ای که نزدیک ساحل یک قاره بوده و از نظر ساختمان شباهت تامی با قاره مزبور داشته باشد. مانند جزیره سری لانکا که به هندوستان پیوستگی داشته و یا جزیره قشم که به سرزمین اصلی خود یعنی ایران شباهت دارد و در واقع به



جزیره آتشفشانی



جزیره مرجانی



جزیره یخی

جغرافیاگرایی (*J-garā'i*) GEOGRAPHISM
 عده‌ای از جغرافی‌دانان معتقدند که هدف از تحقیقات و
 بررسیهای جغرافیایی همانا مطالعه تأثیرات محیط طبیعی در
 فعالیت‌های انسانی است و متعصبین این مکتب استدلال
 می‌کنند که عوامل طبیعی در پدیده‌های تاریخی، فرهنگی
 و اجتماعی هر جامعه نقش قاطع و تعیین کننده‌ای دارد
 که به نام جغرافیا گرایی (Geographism) یا جبر
 جغرافیایی (Determinism) معروف می‌باشد.

ب - جغرافیای طبیعی که درباره آب و هوا، رویشدنی‌ها و
 اقیانوس شناسی بررسی می‌کند.
 پ - جغرافیای انسانی که درباره پراکندگی جوامع انسانی و
 رابطه آنها با محیط زیست گفتگو می‌کند.
 ت - جغرافیای سیاسی که در مورد تقسیمات سیاسی جهان
 بررسی می‌کند.
 ث - جغرافیای اقتصادی.
 ج - جغرافیای تاریخی.

جغرافیای اجتماعی

SOCIAL GEOGRAPHY

عضی از جغرافی دانان به جای جغرافیای اساسی عنوان جغرافیای اجتماعی را بکار می‌برند، ولی به نظر عده‌ای نمی‌توان جغرافیای اجتماعی را معادل جغرافیای اساسی دانست زیرا جغرافیای اجتماعی آن قسمت از جغرافیای اساسی است که از جمعیت سکونت‌های شهری و روستائی و فعالیتهای اجتماعی که حدا از فعالیتهای اقتصادی و سیاسی است بحث می‌کند.

جغرافیای اقتصادی

ECONOMIC GEOGRAPHY

جغرافیائی که درباره تولید، پخش و مصرف فراورده‌های گوناگون بحث می‌کند.

جغرافیای انسانی

ANTHROPOGEOGRAPHY

بررسی پراکندگی جوامع انسانی، با توجه به شرایط جغرافیائی محیط زیست. رابطه این دو عامل، تشابه زیادی به رابطه میان انسان شناسی و زیست شناسی و با رابطه میان جانور-شناسی و جغرافیای جانوری دارد.

جغرافیای پزشکی (بهداشتی)

MEDICAL GEOGRAPHY

بررسی پراکندگی بیماریها در روی زمین، و عوامل جغرافیائی پدید آورنده و یا تقویت کننده آن و هم جنبش مطالعه محیط زیست و تأثیر آن در بهداشت و سلامت انسان را جغرافیای پزشکی یا جغرافیای بهداشتی می‌گویند.

جغرافیای تجاری

COMMERCIAL GEOGRAPHY

بررسی تولید، پخش و مصرف فراورده‌های گوناگون. این اصطلاح با جغرافیای اقتصادی مترادف است.

جغرافیای حیوانی

ZOOGEOGRAPHY

جغرافیای وحش

جغرافیای دیرینه

PALEOGEOGRAPHY

(Joghgrātiyā-ye-dīrīneh)

بررسی وضعیت پوسته زمین از نظر قرار گرفتن خشکی‌ها و دریاها در روزگاران گذشته. منبع جغرافیایی زمین در گذشته بر اساس مطالعات حسیه‌سازیه مناطق مختلف زمین محسوس می‌شود.

مهمترین روش مورد استفاده در این سفروس نقشه‌ها است که نتایج حاصل از آن در دو مرحله زیر بکار می‌روند. اول مرحله استفاده از نتایج حاصل از بررسی نقشه‌های

عهد حاضر در نقشه‌های پراکندگی ریحساره‌ها در گذشته و تهیه نقشه ریحساره‌ای.

دوم مرحله تفسیر نقشه اخیر و تهیه نقشه جغرافیای حقیقی از وضع گذشته زمین. در نظم نقشه جغرافیایی یک منطقه تغییرات تکنیکی آن را بر سباید از نظر دور داشت. زیرا وقتی بخشی از یک منطقه پس از حین خوردگی و روزاندگی از آن جدا می‌شود و در منطقه‌ای دورتر از آن قرار می‌گیرد باید آن را در روی نقشه جغرافیایی در محل اولیه خود قرار داد. این روش باعث می‌شود که رسمند توپوگرافی یک نقشه جغرافیایی دیرینه با رسمند نقشه جغرافیایی کنونی زمین متعاقب باشد.

بنظر کلی در جنبه‌های جغرافیای دیرینه دو موضوع زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- نقش توالی طبقات در زمان که از روی آن می‌توان تاریخ وقوع حوادث زمین‌سازیه را پیسن کرد.

۲- نقش توالی طبقات در مکان که از روی آن می‌توان جغرافیای دوره‌های مختلف زمین‌سازیه را از لحاظ تغییرات جبهه‌ها ریحساره، طبقات محسوس کرد.

و فاع دیرینه‌سازیه که به تغییرات جانوران و گیاهان مربوط می‌گردد. و فاع سک‌سازیه که در آن دوره‌های فعالیت انسان‌ها و تشکیل سک‌های جاری و دگرگونی آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد. و فاع زمین‌سازیه که در آن دوره‌های فعالیت سیکل سلسله‌حال را روشن می‌کند و فاع سیکره‌سازیه که تغییرات جبهه‌ها زمین را در بر می‌گیرد. بنابراین علوم حسیه‌سازیه و جغرافیای دیرینه که در آنها تاریخ زمین در زمان و مکان مورد مطالعه قرار می‌گیرد، در حقیقت اساس بررسی تاریخ زمین محسوب می‌شود.

جغرافیای ریاضی

MATHEMATICAL GEOGRAPHY

ساختار از علم جغرافیا، که با اندازه‌گیری‌های زمین از نظر ابعاد، موقعیت نقاط و حرکات، و امثال آن سر و کار داشته و برای تحقیق در زمینه‌های مربوط از ریاضیات کمک گرفته نبود. از جمله رشته‌های جغرافیای ریاضی ژئودزی و نجوم و زمین فیزیک را می‌توان نام برد.

جغرافیای زیستی

BIOGEOGRAPHY

رشته‌ای از دانش جغرافیا که درباره بررسی پراکندگی گیاهان و جانوران روی زمین گفتگو می‌کند. این دانش به دو شاخه اصلی جغرافیای گیاهی و جغرافیای جانوری تقسیم می‌گردد.

جغرافیای سیاسی

POLITICAL GEOGRAPHY

حتی از جغرافیا که درباره حدود و مرز کشورها و همجس

روابط داخلی و بین‌المللی و تشکیلات اداری و اجتماعی آنها و امثال آن بحث می‌کند.

جغرافیای سیستماتیک
SYSTEMATIC GEOGRAPHY
جغرافیائی که درباره طبیعت، انسان، اقتصاد، تاریخ‌واند آن بحث کند.

جغرافیای شهری
URBAN GEOGRAPHY
شاخه‌ای از علم جغرافیا که عوامل وابسته به شهرها را مورد بررسی قرار دهد.

جغرافیای طبیعی
PHYSICAL GEOGRAPHY
شاخه‌ای از جغرافیا، که عوارض طبیعی زمین را مورد بررسی قرار می‌دهد و درباره شکل و ریخت پوسته زمین گفتگو می‌کند. به عبارت دیگر رشته‌ای از جغرافیاست که در ارتباط با چهره طبیعی و زمین ریخت بوده و شامل آب و هوا، مطالعه محیط طبیعی زیست انسان و مکمل جغرافیای انسانی است و گاه به طور مترادف با فیزیوگرافی بکار می‌رود. در کتابهای جغرافیای طبیعی معمولاً "از اقلانوس‌شناسی، آب‌وهواشناسی، هواشناسی و زمین ریخت شناسی، رستنی‌های طبیعی، جغرافیای ریاضی، و جغرافیای حیوانی گفتگو می‌شود.

جغرافیای گیاهی
GEOBOTANY/ PHYTOGEOGRAPHY
بررسی توزیع جغرافیائی گیاهان و سیر بررسی استفاده از گیاهان به عنوان معرفهائی که تغییرات شیمیائی آب، و وجود آب در لایه‌های زیرین زمین را نشان می‌دهد.

جغرافیای وحش
ZOOGEOGRAPHY
علم بررسی پراکندگی جغرافیائی جانوران وحشی، در سطح زمین.

جلای بیابان
DESERT VARNISH
پوسته سنگی سخت لعاب‌مانندی در یک منطقه کویری از جنس اکسید آهن و یا اکسید منگنز که محلول آن‌ها بنا به خاصیت لوله‌های موئین از لایه‌های زیرین بسوی سطح خارجی زمین تراوش کرده و پس از تبخیر بصورت پوسته لعابی روی سطح زمین باقی مانده باشد.

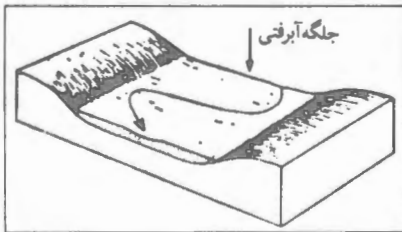
جلبک (Jolbak)
ALGAE
از حمله رستنی‌های نخستین که فاقد ریشه و ساقه و برگ و گل واقعی هستند ولی دارای سبزینه (کلروفیل) می‌باشند و در آب‌های شور دریا و یا آب‌های شیرین می‌رویند و طولشان گاه تا ۳۰ متر می‌رسد.

چهار دسته عمده جلبک‌ها عبارتند از:
جلبک آبی و سبز، سبز، خرمایی و سرخ،
جلبک‌ها از منابع عمده غذای ماهیها هستند.

جلبک شناسی
PHYLOGENETICS
شاخه‌ای از دیرین شناسی که با پژوهش در تاریخ و علت‌های پیدایش و فرگشت یک نوع از جانوران سر و کار دارد. بنیاد این علم بر بررسی سنگواره‌ها نهاده شده است.

جلگه
PLAIN
زمین مسطح و نسبتاً "هموار" که معمولاً ارتفاع کمی داشته باشد اینگونه اراضی که به آن دشت نیز می‌گویند به طرق گوناگون بوجود می‌آید که هر کدام بر حسب مورد نامگذاری می‌شوند. مانند جلگه آبرفتی و جلگه ساحلی و همچنین مسله گیاه طبیعی غالب جلگه‌های معتدله علف است که به آن علفزار می‌گویند.

جلگه آبرفتی
ALLUVIAL PLAIN
زمین نسبتاً "هموار و مسطحی که در نتیجه آبرفت رودخانه‌ها بوجود آمده باشد. اینگونه زمینها غالباً "در دلتای رودخانه‌ها و یا در مناطق سیل‌گیر دیده می‌شوند.



جلگه آبرفتی

جلگه ساحلی
COASTAL PLAIN
دشت ساحلی

جلگه سیلابی
FLOOD PLAIN
زمینهای پیرامون یک رودخانه که هنگام جاری شدن سیل و طغیان از آب پوشیده شود. سطح این اراضی معمولاً در هر طغیان از گل و لای و مواد ته‌نشستی پوشیده شده و زمین‌های کشاورزی بسیار مرغوبی را بوجود می‌آورد.
(تصویر در صفحه ۱۲۲)

جمادی الآخره
ماه ششم سال در تقویم هجری قمری که عامه آن را جمادی - الآخر یا جمادی الثانی نیز می‌گویند.

جمادی الاولی
ماه پنجم سال در تقویم هجری قمری که عامه آن را جمادی -

در باره ساختمان جمعیت بر حسب سن و جنس و غیره بررسی می‌کند .

ب - جمعیت شناسی کیفی که در آن از دخالتهای عوامل زیست شناسی و اقتصادی و اجتماعی و فکری در تغییرات کمی جمعیت بحث می‌شود .

MOVING POPULATION

جمعیت منحرک

افراد غیر عشایری که دارای محل سکونت ثابتی نیستند و معمولاً " بصورت سیار در مناطق شهری یا روستائی در حرکت می‌باشند ، مانند کولبیا و فروشندگان سار و ماسد آنها که جمعیت منحرک یا موقت نامیده می‌شود .

OPTIMUM POPULATION

جمعیت مطلوب

تعداد نفراتی که با توجه به امکانات محیط بتوانند در یک منطقه زندگی کنند و از مزایای یک زندگی مناسب بهره‌مند شوند .

DENSITY OF POPULATION

جمعیت نسبی

(Jam' iyyat-e-nesbi)

← چگالی جمعیت

REPUBLIC

جمهوری

در اصطلاح معمول امروز ، حکومت یا مملکتی که رئیس آن اسخاسی است و با طرر حکومتی که رئیس آن از جانب مردم کشور برای مدت محدودی انتخاب می‌شود .

SPECIES/SEX

جنس

۱ - اصطلاحی در زیست شناسی برای بیان هریک از دو گروه نر و ماده .

۲ - کوچکترین واحد رده‌بندی موجودات زنده و آن گروهی است که اعضایش به یکدیگر شباهت تام دارند . در اکثریت عطشی از جانوران و بسیاری از گیاهان جنس را می‌توان گروهی از افراد شمرده که اعضایش می‌توانند در داخل گروه تولید مثل کنند ولی با موجودات سایر گروه‌ها نمی‌توانند والد و نسل نامند .

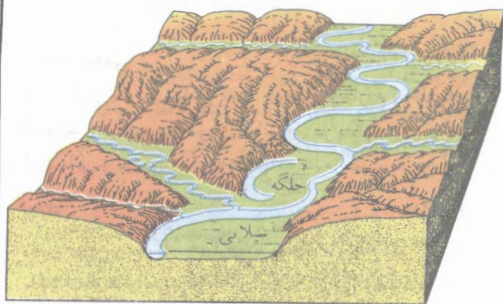
— رده سدی

FOREST

جنگل

مسطه‌ای از زمین که با درخت پوشیده شده باشد .

جنگل در حفظ آب و خاک و حیات وحش و جلوگیری از فرسایش زمین و همجنس برای تهیه چوب ارزش سرائی دارد . جنگلهای روی زمین را بطور کلی به سه نوع تقسیم می‌کنند :



جلگه سیلابی

الاول نیز می‌گویند .

JAMBOREE

جمبوری (Jamburi)

ماخوذ از انگلیسی . اجتماع بین المللی پیشاهنگان و یا اجتماع پیشاهنگان یک کشور یا چند ناحیه .

جرره (Jamreh)

۱ - واژه عربی به مفهوم توده و پشته سنگ ریزه .
۲ - واژه عربی به مفهوم پاره آخگر و نام سه روز در هفته‌های آخر زمستان .

POPULATION

جمعیت

گروهی از مردم که از آنها نمونه‌گیری شود و بنابر تعریف دیگر ، تعداد نفراتی که در یک واحد سرزمینی زندگی می‌کنند . جمعیت کنونی کره زمین را در حال حاضر حدود ۴/۸۵ میلیارد تن تخمین کرده‌اند که بیش از نیمی از آن در آسیا ، حدود $\frac{1}{7}$ در اروپا و تقریباً $\frac{1}{7}$ در امریکا سکونت دارند و روند افزایش سالبانه جمعیت زمین حدود ۵۰ میلیون نفر است . صریب اردیاد جمعیت در امریکای جنوبی ۲/۴ درصد ، در استرالیا ۲/۲ درصد ، در آسیا ۱/۸ درصد ، در افریقا - ۱/۸ درصد ، در امریکای شمالی ۱/۷ درصد ، در اروپا - ۵/۷ درصد و در سراسر زمین ۱/۶ درصد است .

DEMOGRAPHY

جمعیت شناسی

دانش بررسی در جمعیت‌های انسانی ، بویژه از نظر کمی . علم جمعیت شناسی به سبب توسعه و تعمیم سرشماری و آمارگیری و دفاآماراتی نسبت احوال از آغاز قرن یوزدهم میلادی توسعه یافت . جمعیت شناسی در زمان حاضر به دو نوع تقسیم می‌گردد الف - جمعیت شناسی کمی که با استفاده از سرشماری‌ها و آمارهای نسبت احوال و پرسشنامه‌های خاص

MONSOON FORESTS

جنگلهای برگریز

(J-ha-ye-bargriz)

جنگلی مرکب از درختهایی که در بهارهای فصول سال برگهایشان می‌ریزد. در جنگلهای نواحی بادهای موسمی (مانند هند و برمه) برگ درختها در فصل شدت گرما می‌ریزد تا خود را در مقابل تبخیر و از دست دادن رطوبت حفظ کنند. در جنگلهای برگریز نواحی خنک و معتدل برگ درختان در پاییز می‌ریزد و بدین وسیله درختها خود را از سرما و یخبندان زمستان حفظ می‌کنند.



جنگلهای برگریز

CONIFEROUS FORESTS

جنگلهای مخروطی

جنگلی است مرکب از درختان پیوسته سبز و مخروطی که دارای برگهای سوزنی هستند و اغلب چوبهای نرم تجارتی از این جنگلهای بدست می‌آید. عمدتترین و وسیع‌ترین جنگلهای مخروطی زمین، به شکل کمر بند عظیمی در کانادای شمالی و قسمت شمال آسیا و اروپا و همچنین در قسمتهایی از کوهستان آلپ گسترده شده‌است.



جنگلهای مخروطی

الف - جنگلهای استوایی ب - جنگلهای برگریز

پ - جنگلهای مخروطی.

FORESTRY

جنگلبانی (جنگلداری)

علم و فن اداره حفظ و تأسیس جنگلهای به منظور تأمین دوام فوایدی که انسان از جنگل می‌برد. جنگلبانی رشته‌های گوناگون دارد، از قبیل تهیه چوب به عنوان محصول، حمایت جنگل (از حریق، حشرات، بیماریها و سایر آفات) اقتصاد جنگلی، حفظ حیوانات جنگلی، مهندسی جنگل و غیره.

COPSE

جنگل برشی (Jangal-e-boreshi)

درخت‌زاری طبیعی یا مصنوعی که درخت‌های آن را در دوره‌های معین قطع می‌کنند.

و هم چنین شاخه‌های جوان و در حال نمو پاره‌ای درختان که پیش از ستر شدن و سخت گردیدن بریده شده و برای مصارفی چون پرچین‌کشی و سبدهائی بکار می‌رود.

AFFORESTATION

جنگلکاری

تبدیل یک منطقه به جنگل که قبلاً "درخت در آن نروئیده" باشد.

EQUATORIAL RAIN FORESTS

جنگلهای استوایی

جنگل مناطق استوایی که در حد فاصل ۷ درجه عرض شمالی و ۷ درجه عرض جنوبی واقع شده و دارای هوای داغ و مرطوب و بارانهای سنگین و فراوان بوده و فاقد فصل خشک و بی‌باران است. به دلیل گرما و رطوبت فراوان اینگونه جنگلهای همواره سرسبز بوده و بسیار انبوه و پر پشت است و اغلب درختان آن به ارتفاع قابل توجهی رشد می‌کنند و مانع تابش نور خورشید به زیر خود و حتی به درختان دیگر می‌شوند. در این جنگلهای گیاهان فراوانی می‌رویند که در میان آنها درختان گرانبها و سخت چوبی چون آبنوس، ماهون و آهن به چشم می‌خورد. از جمله اینگونه جنگلهای جنگلهای آمازون و کنگو و گینه جدید را می‌توان نام برد.



جنگلهای استوایی

جو زمین دارای لایه‌های فوقانی نیست که کاملاً " مشخص و مجزا باشد . مطالعه شاخه‌ها دال بر وجود هوا تا حدود ۱۶۰ کیلومتری سطح زمین است . مطالعه شفق‌های قطبی از وجود ذرات هوا ، دست کم در ارتفاع ۷۰۰ کیلومتر از سطح دریا حکایت می‌کند . جو زمین را می‌توان به چهار دسته به شرح زیر تقسیم کرد :

گشت اسپهر - پوش اسپهر - یون اسپهر و برون اسپهر .

YOUTH

جوانی

نخستین مرحله از دوره شکل یابی زمین .

OATS

جو دو سر (Jo-e-dosar)

گیاهی از تیره گندمیان و از نوع سکاله که تقریباً " در تمام نقاط معتدل و در خاکهای کم قوت می‌روید . دانه‌هایش مانند گندم بکار می‌رود . نام دیگر جو دو سر ، چاودار است .

GEMINI

جوزا (Jozā)

یا دو پیکر ، سومین صورت فلکی در منطقه البروج و سومین برج از برجهای دوازده‌گانه پس از ثور (گاو) و پیش از سرطان (خرچنگ) مطابق خرداد ماه کنونی .

AGGLOMERATE

جوش آتشفشانی

توده‌ای از سنگهای درشت آذرین خرد شده که در نتیجه فوران کوههای آتشفشانی بوجود آمده باشد . اینگونه سنگها معمولاً " مضرس بوده و نسبت به خاکسترهای آتشفشانی دارای شکل کائلا " متفاوتی هستند .

WELDED TUFF

جوش توف (Jushtuf)

توده خاکستر گداخته‌ای که بیکدیگر جوش خورده و یک ریولیت متراکم پدید آورده باشند .

CONGLOMERATE

جوشنگ (Jushsang)

خرده سنگهای گردی که با یک خمیر سیمانی از جنس کربنات کلسیم ، اکسید آهن و سیلیس بهم چسبیده و تخته سنگ یک پارچهای را بوجود آورده باشند .

AEROLOGY

جو شناسی

— هواشناسی

BROOK

جوی (Juy)

۱- رود کوچک ۲- مجرای که آب را جهت مشروب کردن زمین از آن عبور دهند .

BROOK

جویبار (Juybār)

۱- کنار جوی ، کنار رود کوچک .
۲- جایی که در آن جوی آب بسیار باشد .

جنگلهای منطقه استوائی بارانی

TROPICAL RAIN FORESTS

— جنگلهای استوائی

SOUTH

جنوب

یکی از چهار جهت اصلی که در مقابل شمال واقع شده . هر گاه شخصی طوری به ایستد که رو بسوی خاور قرار گیرد ، طرف دست راست او سمت جنوب خواهد بود .

— چهار جهت اصلی

ANTARCTIC

جنوبگان (Janubgān)

منسوب به قطب جنوب زمین . مانند اقیانوس جنوبگان ، مدار جنوبگان ، نواحی جنوبگان و قاره جنوبگان .

BARELY

جو (Jo)

یکی از کهن‌ترین غلات که توسط انسان کاشته شده است . جو در نقاط مرتفع بعمل می‌آید و از آرد آن برای تهیه نان و مالت و خوراک دام استفاده می‌شود . جو تا قرن شانزدهم تنها غله عمده اروپا بشمار می‌رفته است .

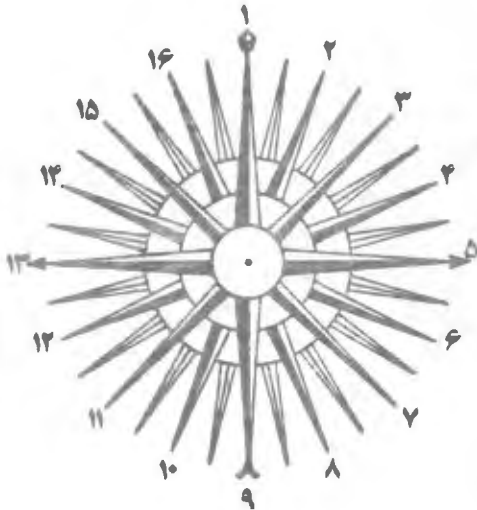
ATMOSPHERE

جو (Javv)

گرداگرد سطح زمین را پوششی از هوا احاطه کرده است . این پوشش آدمی را از اشعه فرا بنفش خورشید محفوظ می‌دارد و موجب اعتدال دماهای سیار متفاوت سطح زمین می‌شود . جو زمین مخلوطی است از هفتاد و هشت درصد ازت و ۲۱ درصد اکسیژن و کمتر از یک درصد آرگون و مقدار بسیار کمی گاز — کربنیک و بخار آب احتمالاً " درصدهای بالا در بخش فوقانی جو متفاوت است و در ارتفاعات ۵۰ تا هفتاد کیلومتر از سطح زمین تیدرژن و هلیوم اهمیت خاصی پیدا می‌کنند . فشار متوسطی که جو زمین در سطح دریا وارد می‌آورد برابر با ۱۰۱۰۳۲۵ نیوتن بر متر مربع یا ۱۰۱۳/۲ میلی بار است . البته مقدار بالا یک مقدار متوسط است . مقدار واقعی فشار جو با زمان تغییر می‌کند . معمولاً " فشارهای زیاد — مثلاً " ۱۰۳۰ میلی بار — با وضعیت جوی خوب همراه است و فشارهای کم مثلاً " ۹۸۰ میلی بار — با بارندگی . فشار در سطح دریا را وزن هوایی موجب می‌شود که روی آن قرار دارد . چون از سطح دریا بالاتر روبرق فشار کم می‌شود . در ارتفاع ۵/۵ کیلومتری فشار نصف ۱۰۱۳ میلی بار است و در ارتفاع ۱۱ کیلومتری یک چهارم آن . هر ۵/۵ کیلومتر ، فشار به نصف مقدار قبلی کاهش پیدا می‌کند .

چگالی هوا نیز از همان قاعده فشار تبعیت می‌کند . در ارتفاع ۵/۵ کیلومتر از سطح دریا ، چگالی ۵۰ درصد مقدار آن در سطح دریاست . در ۱۶۰ کیلومتری ، چگالی هوا کمتر از چگالی بهرین خلائی است که در آزمایشگاه می‌توان بدست آورد .

عقربه‌های ساعت از سمت شمال عبارتست از: ۱- شمال شمال شرقی ۲- شمال شرقی ۳- شرق شمال شرقی ۴- شرق جنوب شرقی ۵- جنوب شرقی ۶- جنوب جنوب شرقی ۷- جنوب جنوب غربی ۸- جنوب غربی ۹- غرب جنوب غربی ۱۰- غرب شمال غربی ۱۱- شمال غربی ۱۲- شمال شمال غربی



- | | |
|-------------------|--------------------|
| ۱- شمال | ۹- جنوب |
| ۲- شمال شمال شرقی | ۱۰- جنوب جنوب غربی |
| ۳- شمال شرقی | ۱۱- جنوب غربی |
| ۴- شرق شمال شرقی | ۱۲- غرب جنوب غربی |
| ۵- شرق | ۱۳- غرب |
| ۶- شرق جنوب شرقی | ۱۴- غرب شمال غربی |
| ۷- جنوب شرقی | ۱۵- شمال غربی |
| ۸- جنوب جنوب شرقی | ۱۶- شمال شمال غربی |
- جهات اصلی و فرعی

جهان
UNIVERSE
به مفهوم اعم مجموعه همه اشیاء و پدیده‌های موجود را گویند که علومی چون نجوم، فیزیک، زیست‌شناسی، و روانشناسی و غیره را شامل می‌گردد. از نظر کیهانشناخت، جهان به معنی همه منظومه کیهانی است.

در حال حاضر از جنبه رصدی جهان عبارتست از کهکشان‌ها و کهکشان‌های متعدد که با فواصل متوسط دو میلیون سال نوری از یکدیگر قرار گرفته‌اند.

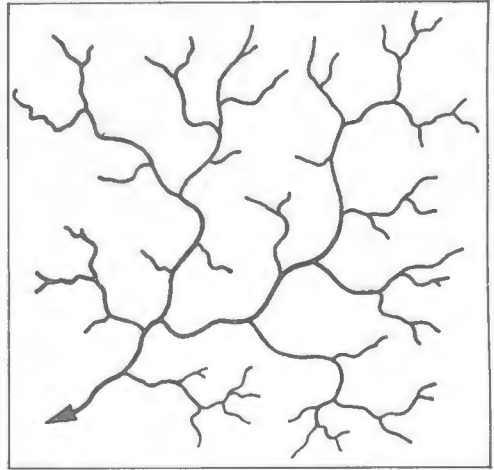
از جنبه، نظریه نسبیت جهان متناهی ولی نامحدود و حجم کل جهان متناهی و فضا منحنی است. و جهانی که اینشتین تصویر می‌کند جهانی ساکن است و ماده به‌طور متشابه و متصل

۳- جوی بزرگی که از جوی‌های کوچک تشکیل شده باشد.

DENDRITIC DRAINAGE

جوبهار شجری
(J-e-shajari)

شبه‌کای از چندین جوبهار که بصورت شاخه‌های درخت، به یک جوبهار، یا یک رودخانه منتهی گردد.



جوبهار شجری

جوی فرسائی (Juy farsā'i) RILL EROSION

فرسایش حاصله از یک سری جوبهارهای کوچک.

CARDINAL POINTS

جهات اربعه

← چهار جهت اصلی

CARDINAL POINTS

جهات اصلی

← چهار جهت اصلی

CARDINAL POINTS

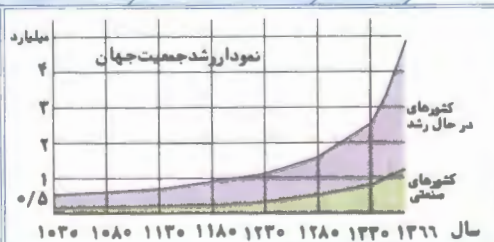
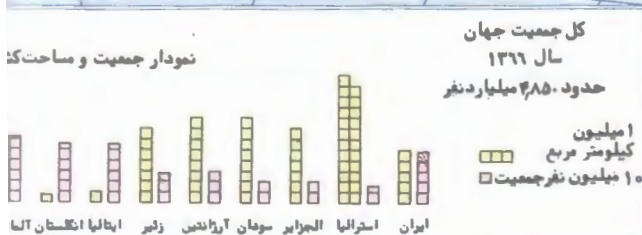
جهات چهارگانه

← چهار جهت اصلی

SUB CARDINAL POINTS

جهات فرعی

چهار نقطه شمال، جنوب، مشرق و مغرب، دایره افق هر محل را، به چهار قسمت برابر تقسیم می‌کنند، (← چهار جهت اصلی) برای اینکه در علم جغرافیا و دریانوردی و یا هوانوردی امتدادها را با دقت بیشتری تعیین نمایند هر یک از زوایای قائمه میان جهات اصلی را به چهار قسمت متساوی تقسیم می‌کنند و بدین ترتیب دوازده نقطه یا جهت دیگر حاصل می‌گردد که به آنها جهات فرعی می‌گویند. اسامی جهات مزبور غیر از جهات اصلی به ترتیب گردش

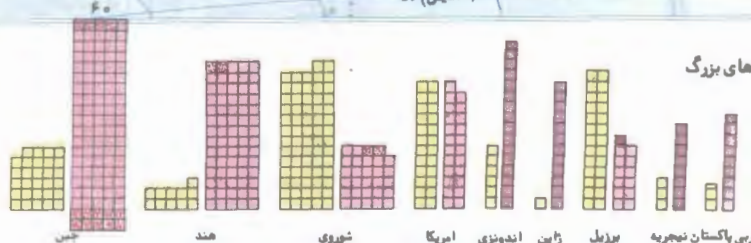




جهان

مقیاس ۱:۹۵/۰۰۰/۰۰۰

مرز بین المللی
پایتخت



کرده‌اند کانت، لاپلاس، شامبرلن، جینز و واشمیدرا می‌توان نام برد.

TOURISM

جهانگردی

مسافرت به منظور گردش، سیاحت، تفریح و بررسی‌های علمی از نقاط گوناگون جهان.

امروزه جهانگردی به عنوان یک صنعت در کشورهایی که آثار تاریخی و طبیعی و مراکز تفریحی مهم و دیدنی دارند، از منابع عمده درآمد به‌شمار می‌رود. در اینگونه کشورها برنامه ریزی‌های گسترده‌ای برای جلب و خوشایند جهانگردان صورت می‌گیرد.

COSMOPOLITAN (Jahān mihani)

جهان میهنی (کره زمین) بدون توجه به ملیت‌ها و محدودیت‌های سیاسی و مرزی.

WORLD MAP

جهان‌نما

عبارت مصطلحی است که برای نقشه‌های نمایش دهنده کلیه نقاط کره زمین بکار می‌رود. این نقشه‌ها ممکن است بصورت یکپارچه و در کادر مربع مستطیل باشد و یا اینکه بصورت دو نیمکره که مجموعاً "تمامی نقاط کره زمین را شامل می‌شود. (تصویر در صفحه ۱۲۶-۱۲۷)

DIRECTION FINDING

جهت‌یابی

یافتن جهت شمال از نظر توجیه نقشه و راهیمایی و موارد دیگر یکی از ضروریات بوده و این عمل به وسیله قطب‌نما و یا پیدا کردن ستاره قطبی و یا سایه آفتاب و امثال آن انجام می‌شود.

MUTATION

جهش (Jahesh)

تغییر و دگرگونی و تحول، بخصوص دگرگونی در یک‌ژن که در نسل‌های بعدی موجود زنده ایجاد تغییرات تازه‌ای می‌کند. واژه جهش یا موتاسیون را هوگو دووری گیاه‌شناس هلندی به تغییرات سریع و ناگهانی که در روی یکی از گیاهان مورد مطالعه او ظاهر شده بود اطلاق نمود.

امروزه علمای زیست‌شناسی هر تغییری را که بطور ناگهانی و گسیخته در نزد موجودات زنده ظاهر شود جهش یا موتاسیون می‌نامند.

MERCURY

جیوه

یا سیما و یا زببق، عنصر فلزی مایع نقره فامی است با علامت شیمیایی Hg. این فلز با بیشتر فلزات دیگر آمیزه (آلیاژ) هائی بنام ملقمه بوجود می‌آورد.

در همه فضای متناهی منتشر است.

با کشف پدیده حرکت بطرف قرمز، کافی نبودن جهان ساکن مدلل شد و نظریه جهان انبساطی پایه‌گذاری گردید.

— جهان انبساطی

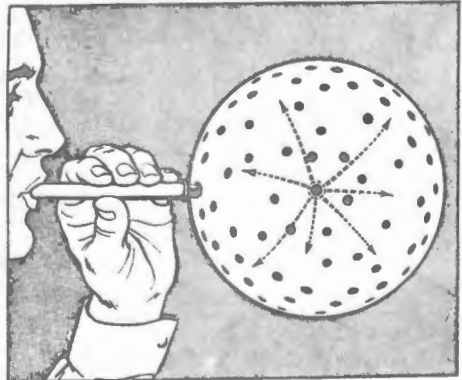
EXPANSIONAL UNIVERSE

جهان انبساطی

با کشف پدیده حرکت بطرف قرمز، نظریه ساکن بودن جهان که بر اساس فرضیه نسبیت اینشتین پایه‌گذاری شده بود جای خود را به نظریه جدید انبساطی بودن جهان واگذار کرد. به موجب این نظریه، سحابیها دارای حرکت عقب‌نشینی هستند و نه فقط از منظومه خورشیدی دور می‌شوند، بلکه همه اعضای جهان از یکدیگر دور می‌گردند، یعنی جهان در حال انبساط است.

بنابر نظریه جهان انبساطی، جهان در آغاز جرم بسیار متراکمی بوده و سپس دستخوش انفجار و تلاشی گردیده است.

— انبساط جهان



جهان انبساطی

با دمیدن در یک بادکنک اجزاء و تصاویری که بر سطح آنست از هم دور می‌شوند، اجزاء و تصاویر سطح بادکنک را می‌توان به منزله ابری‌ها و کهکشان‌ها دانست که با انبساط جهان از هم دور می‌شوند.

COSMOGONY

جهان‌شناسی

دانشی است که درباره منشأ پیدایش زمین و منظومه خورشیدی و دیگر جرمهای آسمانی گفتگو می‌کند.

حقیقت این است که تا کنون هیچکس بدرستی نتوانسته است چگونگی پیدایش زمین و دیگر سهارات و جرمهای آسمانی را شرح دهد و دانش امروز فقط به پیشنهاد فرضیه‌هایی چند اکتفا کرده است.

از جمله دانشمندانی که فرضیه‌های علمی در این زمینه ارائه

LITHOGRAPHY

چاپ سنگی

نوعی چاپ مسطح که در آن از سنگ چاپ استفاده می‌نمود (در کارهای تجارتی به جای سنگ، صفحه‌های فلزی بکار می‌رود). در این سیستم تصویر را بصورت معکوس بر روی سنگ یا صفحه فلزی به کمک فنون شیمیائی طوری رسم می‌کنند که مرکب چاپ بوسیله مسمت‌های ترسیم شده جذب و توسط بخش‌های بدون تصویر دفع گردد. با گذاردن کاغذ روی سنگ و یا صفحه فلزی تصویر معکوس بطور مستقیم روی کاغذ منتقل می‌شود.

NOMADISM

چادر نشینی

نوع زندگی گروه‌های انسانی که مسکن ثابت ندارند و بر حسب وضع مواد غذایی و چراگاه و یا عوامل دیگر مسکن خود را همواره تغییر می‌دهند.

زندگی چادر نشینی هنوز در مناطق وسیعی از آسیا و آمریکا و آفریقا وجود دارد. مانند حادر نشینان قره‌میز در ترکستان و اعراب بدوی، ربه داران چادر نشین آمریکا و ایل‌ماسانی در آفریقا و یا ایل‌های چادر نشین ایران.

CHART

چارت

چارت یا کارت، نقشه ویزه‌ای است که برای ناوبری هوایی یا دریائی و یا مقاصد خاص دیگری مانند امور هواشناسی تهیه می‌گردد. از خصوصیات این گونه نقشه‌ها این است که علاوه بر اطلاعات اصلی که هر نقشه بایستی قاعدتا "دارا باشد حاوی دانستنی‌های ویژه‌ای است که بر من نقشه اصلی افزوده شده است.

از انواع چارته‌ها، چارت هوانوردی، چارت دریانوردی، چارت هواشناسی و چارت زمین شناسی را می‌توان نام برد.

چارچار (Chār chār)

محفف چهار چهار، نام چهار روز آخر چله بزرگ و چهارروز اوّل چله کوچک.

— چله

چارسو (Chārsu)

۱- یا چهار سو به مفهوم چهار جهت شمال، جنوب، مشرق و مغرب.

۲- یا چهار سوک (چهار سوک)، محلی که چهار سارا، ز آن مسعب می‌گردد.

چارک (Chārak)

محفف چهار یک یعنی یک چهارم در معنای وزن یا یک چهارم هر چیز.



PRINTING

چاپ (Chāp)

واژه هندی (فرهنگ معین) و یا به تعبیری واژه چینی (کتاب صنعت چاپ) به مفهوم نقش کردن نوشته‌ها و تصویرها روی کاغذ بوسیله ابزار و آلات مخصوص طبع.

قدیمی‌ترین نمونه چاپ در چین دیده شده است و نخستین اقدام بزرگی که در پیشرفت فن چاپ به عمل آمده، اختراع حروف قابل انتقال بین سال‌های ۱۰۵۱ و ۱۰۵۸ میلادی در همان کشور است. گوتنبرگ ظاهراً بدون اطلاع از اختراع چینی‌ها در خلال سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۶۸ حروف قابل انتقال را اختراع کرد و از آن به بعد صنعت چاپ با سرعت در اروپا رواج پیدا کرد. پیشرفت صنعت چاپ تا سال ۱۸۰۰ میلادی تقریباً در همان سطح گوتنبرگ باقی مانده بود. با اختراعات عمده‌ای که در طی قرن نوزدهم در صنعت چاپ به عمل آمد یکباره تحول عظیمی در این فن پدید آمد و ماشین‌هایی چون لاینو تایپ و مونو تایپ اختراع گردید. امروزه بطور کلی سه طریقه در فن چاپ معمول است. الف- چاپ حروف برجسته ب- چاپ همسطح پ- چاپ کُود یا گراوور

OFFSET PRINTING

چاپ افست

شیوه‌ای است در چاپ و تکثیر نقشه و غیره که بر اساس آن ابتداء تصویر مادر را بطور نمونه رسم کرده و بطریقه عکاسی آن را به اندازه دلخواه روی فیلم منعکس می‌کنند، سپس عوارض فیلم مزبور را به طریقه عکاسی و یا استفاده از داروهای شیمیائی روی ورقه‌هایی از روی یا آلومینیم حساس شده منتقل ساخته و ورقه مزبور را به ماشین‌های چاپ می‌بندند و تصاویر را به کمک مرکب‌های مخصوص روی کاغذ منتقل می‌سازند.

TYPOGRAPHY

چاپ سربی (Ch-e-sorbi)

چاپ حروفی یا چاپ سربی یا چاپ برآمده را در آغاز ورود فن چاپ به ایران، به نام اروپایی آن، نیپوگرافی سیر می‌گفتند در طریقه چاپ حروفی نقوشی که اثر آنها باید بر صفحه کاعد چاپ شود بالاتر از ریمنه صفحه چاپ قرار دارد. و مستعجباً تا کاغذ حساس پیدا می‌کند.

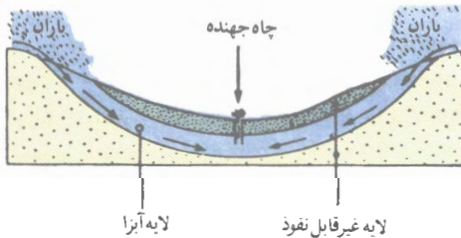
تا حدود سال ۱۹۰۵ تقریباً در همه کارهای چاپی از طریقه چاپ حروفی استفاده می‌شد.

سوراخی بنام چاه که در زمین ایجاد شده فشار آورده و با جهیدن از آن خود را بسطح بالای پوسته زمین می‌رساند. اسکوه چاهها معمولاً در زمینهایی که گدازگرد آن را برحسبگیا و ارتفاعات فرا گرفته و بصورت گودالی درآمده باشد دیده می‌شود.

در این گونه زمینها، لایه‌های تراوش پذیری مانند سنگهای گچی در میان دولایه تراوش ناپذیر مانند رس و امثال آن قرار گرفته و در نتیجه آب باران در قسمت سطحی لایه تراوش پذیر به درون زمین نفوذ کرده و در میان لایه مزبور انباشته می‌گردد و بدلیل غیر قابل نفوذ بودن لایه زیرین به قسمت میانی گودال از زیر فشار آورده و در صورت کندن چاهی از آن به بیرون می‌جهد. اگر مخزن آب در محل مناسبی قرار گرفته باشد آب از این چاه به بیرون جبهیده و بدون اینکه به پمپ نیازی باشد بصورت چشمه‌ای جبهنده در روی زمین نمایان می‌گردد.

گاهی اوقات از اینگونه چاههای جبهنده در کرانه‌های دریا نیز دیده می‌شود که علت آن به شرح زیر است: لایه‌ای از پوسته زمین که دارای خلل و فرج بوده و شیب آن بسوی دریاست. اگر در کنار دریا بیک لایه دیوار مانند غیر قابل نفوذ برخورد نماید آب موجود در داخل خود را پشت دیوار مزبور انباشته و کافی است با حفر چاهی که ژرفای آن متناسب با عمق لایه اشباع شده است، آبهای انباشته شده را تحت فشار به بیرون برتاب نماید. چاههای جبهنده که عمق آنها اغلب از چند متر بیشتر نبوده و بدرت ناصد مرو گاهی بیشتر می‌رسد، غالباً "آبادیه‌ها و تاسیساتی را در پیرامون خود در برداشته و آب آنها بیشتر به مصارف کشاورزی مناطق کم باران می‌رسد.

به این نوع چاهها چاه آرتزین نیز می‌گویند که کلمه آرتزین از واژه فرانسوی Artois نام منطقه‌ای که نخستین بار این گونه چاهها در آن حفر گردیده، اقتباس شده است.



چاه جبهنده

SINK-HOLE/AVEN

چاهک

گودالهایی که تحت تاثیر اسید کربنیک موجود در آب‌های

در واحد وزن یک چارک معادل ده سیر است و طبق قانون اوزان مصوب ۱۳۰۴ هجری شمسی یک چارک برابر ۷۵۰ گرم است.

چالاب (Chālāb) POT HOLE

حفره‌ای که معمولاً در نخته سنگهای پای آبشارها بر اثر سائیدگی بوسیله ش و سنگریزه‌های موجود در آب پدید می‌آید.

چالان (Chālān) CIRQUE

— حانگاه

چالگاه (Chālāgh) CIRQUE

چاله روف و مدوری که دیوارهای پر شیب داشته باشد. چالگاه‌ها که غالباً در ستر یحجال‌های طبیعی قرار دارند در نسجه فرسایش حاصله از برف و یخ پدید می‌آید. این عوارض گاه بندریخ و سبعت یافته و با پر شدن آنها از آب، دریاچه مدور و زیبایی را بوجود می‌آورند و بربریشی کوهستان می‌افزایند.

چاله KETTLE

گودال و یا حفره‌ای که معمولاً از آب پر بوده و به سبب آب شدن یخ‌هایی که قبلاً در آن حا وجود داشته‌اند پدید آمده باشد.

چاودار (Chāvdār) RYE

عده‌ای که محصولاً در سواحی مرطوب مرکز و شمال اروپا کاشته می‌شود. در زمینهای کم قوب که گندم در آنها به عمل نمی‌آید حاصل می‌دهد و از دانه‌های آن آرد و نوشابه‌های الکلی محلی مانند ویسکی و حین می‌سازند. دانه‌های آن همچنین به مصرف عذبه، حیوانات می‌رسد. از چاودار با گندم سیاه، نان مخصوصی بنام نان سیاه تهیه می‌شود.

چاه WELL

حفره مصنوعی استوانه شکلی که به منظور رسیدن به سطح آبهای زیرزمینی و یا مصارف دیگر حفر شده باشد.

چاه آرتزین ARTESIAN WELL

— چاه جبهنده

چاه جبهنده (Chāh-e-jahandeh) ARTESIAN WELL

نوعی چاه که آب از آن بطور همیشگی فوران نماید. عملکرد این گونه چاهها بدین ترتیب است که آب موجود در لایه‌های پوسته زمین تحت تاثیر نیروی هیدرو استاتیک به سوی

الف - چراگشت کوهستانی، یعنی جابجایی از کوهستان به اعماق دره‌ها، در زمستان، و بر عکس حرکت از اعماق دره‌ها به ارتفاعات در تابستان.

ب- چراگشت مدیترانه‌ای، یعنی حرکت از سرزمینهای گرم و خشک به ارتفاعات در تابستان و بر عکس.

پ- چراگشت عشایری، یا حرکت از اراضی خشک و بی آب و علف به اراضی معتدل‌تر و پر آب و علف.

به چراگشت کوچ فصلی نیز گفته می‌شود.

PASTURE

چرام (Charām)

یا چرامین، چراگاه، علفزار.

ROTATION OF THE EARTH

چرخش زمین

چرخش زمین به گرد محور قطبین که به آن حرکت وضعی زمین گفته می‌شود. جهت این حرکت از باختر به خاور بوده و به عبارت دیگر به حرکت ظاهری روزانه خورشید و ماه و ستارگان که جهت آن از خاور به باختر است نیز تعبیر می‌گردد. یک دور چرخش کامل کره زمین که عبارت از فاصله زمانی میان دو عبور متوالی یک نصف النهار از مقابل یک ستاره معین است برابر ۲۳ ساعت و ۵۶ دقیقه و ۴/۰۹ ثانیه است، که به آن یک روز نجومی می‌گویند و زمان متوسط دو عبور پیاپی یک نصف النهار، از مقابل خورشید را که برابر ۲۴ ساعت است یک روز متوسط خورشیدی می‌نامند.

سرعت چرخش زمین در روی خط استوا، حدود ۱۶۷۰ کیلومتر در ساعت، و در قطبین برابر صفر است.

محور چرخش زمین، نسبت به مدار حرکت زمین به دور خورشید زاویه $23^{\circ} 27'$ تشکیل داده و همین انحراف محور، باعث بوجود آمدن کوتاهی و بلندی شبانه روز و همچنین فصول مختلف سال می‌باشد. (تصویر در صفحه ۱۳۷)

CYCLONE

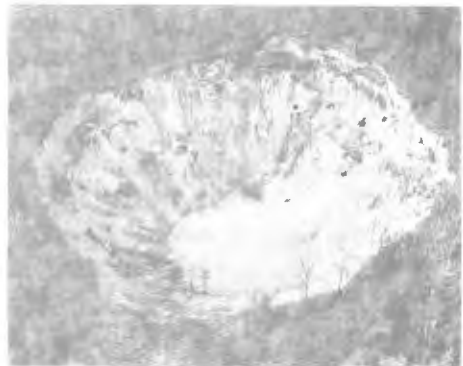
چرخه (Charkheh)

منطقه‌ای که فشار جو آن کم باشد چرخه یا سیکلون نام دارد. قطر اینگونه مناطق میان ۸۰ تا ۴۰۰ کیلومتر بوده و بیشتر بر فراز دریای عرب و خلیج بنگال، و در عرض جغرافیایی ۶ تا ۲۰ درجه شمالی پدید می‌آید. فشار جو اینگونه مناطق دارای افت قابل ملاحظه‌ای بوده و از حدود ۹۶۵ میلی بار (۲۸/۵ اینچ) تجاوز نمی‌کند و حتی گاه تا حدود ۴۰ میلی بار پائین می‌آید.

قطر مرکز این منطقه که به آن چشم چرخه می‌گویند حدود ۲۰ کیلومتر است و در پیرامون آن بادهای شدید و وحشتناکی با سرعت حدود ۱۲۰ تا ۲۸۰ کیلومتر در ساعت به صورت گردباد می‌ویزد و بارانهای سیل‌آسا همراه با رعد و برق را

سطحی در مناطق آهکی و یا گچی و امثال آن پدید آمده و آب از درون آن‌ها به زیر زمین جریان یابد. چگونگی پیدایش این گونه عوارص بدین قرار است که دی اکسید کربن موجود در هوا با آب باران توأم شده و به اسید کربنیک تبدیل می‌گردد و موجبات تحلیل رفتن سنگ‌های آهکی و امثال آن را فراهم می‌سازد.

این عارضه که غالباً "در زمین‌هایی به نام کارست دیده می‌شود معرف وجود غارهای زیر زمینی است.



چاهک

TEA

چای

برگ بوته مخصوصی که آن را خشک کرده و بومی دهند و برای تهیه نوشیدنی چای بکار می‌برند.

هندوستان و چین از جمله بزرگترین تولید کنندگان چای هستند.

گیاه چای از رده دو لپه‌ای‌هاست و ممکن است به حالت خودرو نیز دیده شود.

ارتفاع چای خودرو گاه تا ۱۰ متر دیده می‌شود ولی نوع پرورشی آن بیش از ۲ متر بلند نمی‌گردد. محرکه چای تثین نام دارد.

PASTURE

چراگاه

چراگاه علفزاری است که برای چرای چهار پایان اهلی اختصاص داده می‌شود.

پارهای چراگاهها طبیعی هستند و برخی دیگر مصنوعی بوده و با دستکاری‌هایی چند آنرا ماده بهره‌برداری می‌سازند.

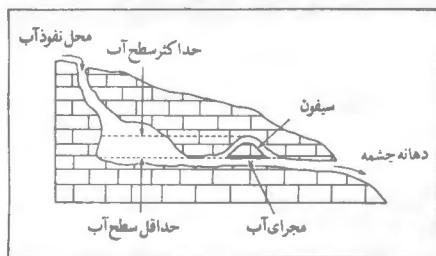
TRANSHUMANCE

چراگشت (Cherāgashst)

جابجا شدن فصلی انسانها و دامها برای دستیابی به چراگاههای تازه را چراگشت می‌نامند.

چراگشت بر سه نوع است:

چشمه پدید می آید، از جمله چشمه ها آبفشان، چشمه آب گرم چشمه آب معدنی، و چشمه های آتشفشانی را می توان نام برد.



چشمه

HOT SPRING

چشمه آب گرم

چشمه آب گرم عبارت از آبی است که پس از گرم شدن در مجاورت مواد گداخته درونی به بیرون پوسته زمین تراوش نماید. چشمه های آب گرم معمولاً "خاص مناطق آتشفشانی" بوده و اغلب مقدار زیادی املاح و گازهای مختلف همراه آب این چشمه ها، به سطح زمین آورده میشود و آب بعضی از چشمه ها از اعماق زمین سر چشمه می گیرد و پس از عبور از شکافها به سطح زمین میرسد. بنابر این در پیدایش این دسته از چشمه ها که بیشتر چشمه های معدنی گرم نیز جزء آن است، وجود شکستگی، و کسل ها، مؤثر است، که عامل خروج آب بشمار میرود. درجه حرارت این چشمه ها متفاوت است و گاهی به ۱۰۰ درجه نیز میرسد.

عمق چشمه های آب گرم محدود است زیرا بطوریکه میدانیم، درجه حرارت زمین با عمق افزایش پیدا میکند. چشمه های آب گرم نیز تا مدتها بعد از فعالیت های آتشفشانی جریان دارند. آب پاره ای از این چشمه ها، دارای خاصیت درمانی است. ← آبفشان

MINERAL SPRING

چشمه آب معدنی

چشمه ای که املاح معدنی قابل توجهی (به جز کربنات کلسیم و یا سولفات کلسیم) به صورت محلول داشته باشد. انواع چشمه های آب معدنی عبارتند از:
الف - چشمه نمکی که حاوی املاح نمکی است.
ب - چشمه گوگردی، که حاوی محلول شیدرژن سولفور است.
پ - چشمه آب آهن دار، که حاوی محلول ترکیبات آهن است.
املاح موجود در چشمه های آب معدنی اغلب خاصیت درمانی دارند.

چشمه خیز (Ch-Khiz)

جایی که استعداد جاری ساختن چشمه آب را دارد.

در پی دارد و برای کشتیرانی تهدید کننده و خطرناک است. مرکز چرخه را فروبار نیز می گویند.

TROPICAL CYCLONE

چرخه استوائی

← چرخه مدارگانی

CYCLOGENESIS

چرخه زائی (Ch-zā'i)

عوامل جوی که از منابع گرم محلی متأثر شده و منجر به وقوع توفان های شدید مناطق حاره بر فراز اقیانوسها گردد.

TROPICAL CYCLONE

چرخه مدارگانی

(Ch-ye-madārgani)

منطقه کم فشاری که از نظر وسعت نسبتاً محدود و کوچک بوده و با توفانهای وحشتناک همراه باشد. منشاء این پدیده ناحیه استوائی بوده و با گردبادهای شدیدی که بدور نقطه مرکزی بنام چشم توفان در چرخشند توأم است. قطر نقطه مرکزی اغلب حدود ۳۰ کیلومتر و وسعت چرخه گاه به ۱۵۰ تا ۳۰۰ کیلومتر می رسد. این توفان که چرخه استوائی نیز گفته می شود با ابرهای تیره و تار و بارانهای استوائی ورعد و برق توأم است.

VISCOUS

چسبیده (Chasbandeh)

مواد گداخته ای که دمای ذوب آن خیلی بالا باشد. اینگونه مواد بسرعت سرد و منجمد شده و از محل خروج دورتر نمی روند.

NATURAL LANDSCAPE

چشم انداز طبیعی

چهره طبیعی و بکر و دست نخورده زمین.

HURRICANE EYE

چشم توفان

ناحیه مرکزی توفاند که منطفه ای است به وسعت ۲۰ تا ۶۰ کیلومتر. در این منطقه بادهای آرام و ملایم وزیده و پیرامون آن را منطقه توفانی فرا گرفته است. فشار جو در این منطقه حدود ۹۶۵ میلی بار است. (تصویر در صفحه ۱۳۴)

SCINTILLATION

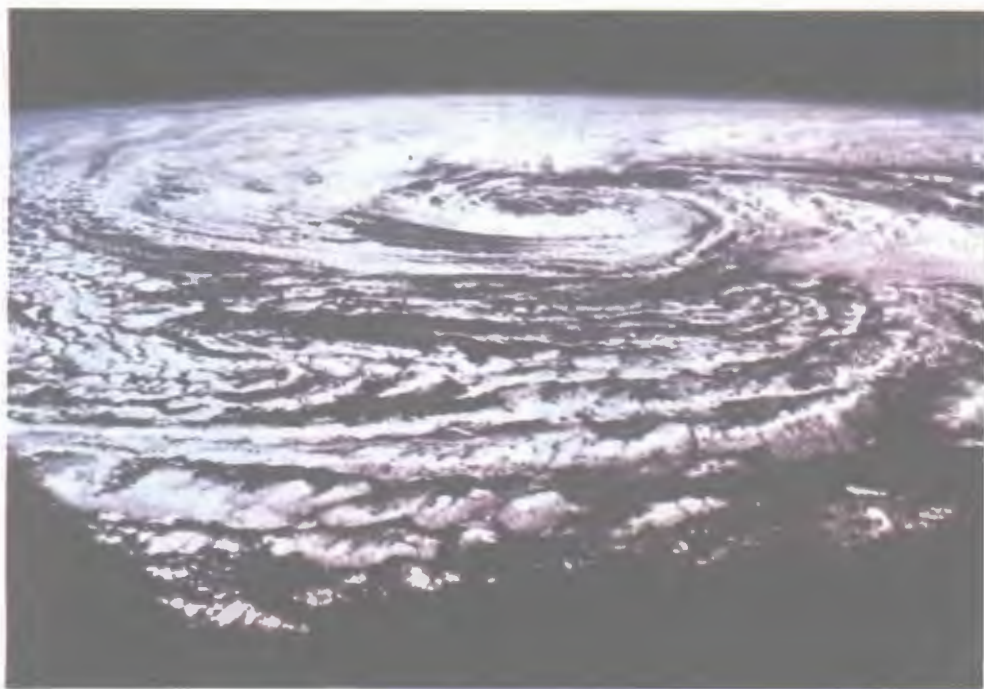
چشمک زدن

تلالو متناوب ستارگان ثابت که ناشی از عبور نور آن ها از جو زمین و بادهای و انقلابات جوی و تداخل اشعه نورانی است.

SPRING

چشمه (Cheshmeh)

محل جوشیدن و جریان یافتن دائمی یا موقت آب از درون زمین به خارج را چشمه می گویند. این عارضه از نفوذ آب باران به زیر پوسته زمین و انباشته شدن آن در روی یک لایه نفوذ ناپذیر و بالاخره خروج آن از نقطه ای بنام دهانه



چشم توفان

چشمه گسلی (Ch-ye-gosaleshi) FAULT - SPRING
چشمه‌ای که در امتداد یک گسله پدید آمده باشد، علت پدید آمدن این گونه چشمه‌ها ایجاد شکست میان چینه‌های آب‌زا و ناآب‌زاست.

چشمه‌های مجزا (DISCRETE SOURCE)
نواحی کوچکی (تقریبا "نقطه‌ای") در آسمان که از آنها امواج الکترومغناطیسی بسیار شدیدی در فرکانسهای رادیویی به زمین می‌رسد، این نقاط را سابقا "ستارگان رادیویی" می‌نامیدند.

چفندر (BEETROOT)
گیاهی یکساله یا دو ساله یا دائمی، از تیره اسفناجیان که در ریشه‌های ضخیم آن مواد غذایی بسیاری اندوخته می‌شود. مهمترین قسم آن "چفندر قند" است که به سبب قند موجود در ریشه‌هایش کاشته می‌شود و در نواحی که دما برای کشت بیش‌تر کافی نیست عمده‌ترین منبع تهیه قند می‌باشد.

چکاد (Chakād) SUMMIT
بلندترین نقطه یا مرتفع‌ترین سطح یک کوه و یا هر عارضه که به آن قله نیز می‌گویند.

چشمه دیوالی (Ch-ye-divāli) DYKE SPRING
چشمه‌ای که از کناره یک دیوال به بیرون بجوشد، پدید آمدن این گونه چشمه‌ها بدین نحو است که وقتی یک دیوال غیر قابل نفوذ (مثلا "از جنس بازالت") در میان یک لایه آب‌زا قرار گیرد، آب موجود در میان خلل و فرج لایه مزبور را بسوی خارج هدایت کرده و چشمه‌ای را بوجود می‌آورد.



چشمه دیوالی

چشمه سار (SPRINGS)
زمینی که در آن چشمه بسیار باشد. معمولا "این گونه زمین‌ها که نوعی آب‌خیز هستند سرچشمه رودخانه‌ها محسوب می‌گردند.

در اصطلاح عامه چهل روز اول فصل تابستان را چلّی تابستان و چهل روز اول فصل زمستان را چلّی زمستان یا چله بزرگ و دوره ۲۰ روزه از دهم بهمن تا آخر بهمن را چله کوچک می‌گویند.

چلیک (Chelik) BARREL

۱- واژه ترکی به معنی ظرفی از چوب که دو قاعده آن بشکل دو دایره مسطح است و معمولاً میان آن برآمده و طولش بیشتر از عرض آن است. چلیک را قاعدتا با تخته‌هایی که حلقه‌های فلزی آنها را محکم کنار یکدیگر نگاه می‌دارند ساخته می‌شود.

چلیک برای حمل مایعات و پارهای مواد خشک مانند گچ، سیمان و غیره بکار می‌رود.

۲- به عنوان واحد ظرفیت، هر چلیک که به آن بشکه نیز می‌گویند برابر است با ۳۰ گالن امپریال و ۴۲ گالن امریکایی یا حدود ۱۵۹ لیتر.

هر تن مواد نفتی برابر است با ۷ تا ۸ چلیک.

چم (Cham)

واژه فارسی به معنی پیچ و خم که بیشتر در اصطلاحات جغرافیایی بکار می‌رود مانند راه هزار چم (هزار پیچ و خم) در پارهای نقاط کشور از واژه چم به مفهوم سر پیچ رودخانه نیز استفاده می‌شود.

چماپ (Chamāb) MEANDER

قوسی از یک رودخانه مارپیچ را چماپ می‌گویند. میزان آب - شویی، در قسمتهای کاو (مقعر) چماپ قابل ملاحظه بوده و بر عکس موادی که در قسمتهای کوز (محدب) چماپ رسوب می‌کند نیز در خور توجه است. در نتیجه این تغییرات دیواره‌های قسمت مقعر چماپ شیب تند و قائمی داشته و بر ژرفای بستر رودخانه می‌افزاید. در حالیکه ته‌نشست‌های قسمت محدب بستر رودخانه را بالا آورده و شیب دیواره‌های آن را ملایم می‌سازد.

گاهی اوقات چماپ بشکل دایره کاملی درآمده و عارضه‌ای بنام دریاچه طوقی Ox-Bow-Lake پدید می‌آورد. به این عارضه چم نیز گفته می‌شود. (تصویر در صفحه ۱۳۶)

چماپ کند (Ch-Kand) INCISED MEANDER

یک چماپ قدیمی که بر اثر باز فرسایش عمیق شده باشد. این عمل ممکن است به دو صورت زیر انجام شود:

الف - زرف بری که در واقع نوعی فرسایش قائم است و طی آن بستر چماپ طوری بریده می‌شود که بر شیب دیواره‌ها افزوده شده و شکل نیمرخ عرضی آن متقارن می‌گردد.

چگالی (Chagāli) SPECIFIC GRAVITY

چگالی یک ماده متجانس نسبت به ماده‌ای که مبنای مقایسه اختیار شده است عبارتست از نسبت جرم حجمی از این ماده به جرم همان حجم از ماده مبنای مقایسه.

چون چگالی جامدات و مایعات را نسبت به آب می‌سنجند. پس اگر چگالی ماده‌ای ۵ باشد، یک سانتی متر مکعب آن ۵ گرم جرم دارد، زیرا جرم مخصوص آب یک گرم در یک سانتی متر مکعب است.

چگالی گازها را معمولاً نسبت به هوا یا هیدروژن می‌سنجند.

چگالی جمعیت DENSITY OF POPULATION

میانگین تعداد نفراتی که در یک واحد سطح (مانند یک کیلو متر مربع) از یک کشور یا یک منطقه و مانند آن زندگی می‌کنند. بر این اساس میزان تراکم جمعیت در پارهای از کشورهای جهان در سالهای اخیر به قرار زیر بوده است:

الف - تراکم زیاد

هلند ۳۴۸ نفر در کیلومتر مربع

بلژیک ۳۲۳ نفر در کیلومتر مربع

ژاپن ۳۱۵ نفر در کیلومتر مربع

ب - تراکم کم

ایران ۳۵ نفر در کیلومتر مربع

نروژ ۱۳ نفر در کیلومتر مربع

استرالیا ۲ نفر در کیلو متر مربع

علاوه بر نمونه‌هایی که در بالا اشاره شد، پارهای واحدهای کوچک به دلیل داشتن شرایط خاص دارای تراکمی به مراتب بیشتر و یا کمتر از نمونه‌های مزبور هستند از جمله نمونه‌های تراکم فوق‌العاده زیاد موناکو، سنگاپور، هونگ کونگ و از جمله نمونه‌های تراکم فوق‌العاده کم، اسپیتز برگن را می‌توان نام برد.

چگالی سنج DENSITOMETER

اسباهی که برای تعیین چگالی و جرم مخصوص مایعات بکار می‌رود.

این دستگاه شیشه نازکی است که دو سرش بسته است، و یک انتهایش به مخزنی منتهی می‌شود که محتوی جیوه یا ساچمه است تا موقعی که اسباب در مایع مورد آزمایش شناور می‌شود بطور قائم قرار گیرد. لوله را چنان درجه بندی می‌کنند که درجه‌ی محادی یا مقابل سطح مایع چگالی مایع را نشان دهد.

چله (Chelleh)

مخفف چلهه دوره چهل روزه‌ای که از یک رویداد معین بگذرد.



چماپ

FOLD

چین (Chin)

تاخوردگی چین‌های زمین، که بر اثر حرکات پوسته زمین ایجاد شده باشد. در صورتیکه فشار وارده از جنبش‌های زمین کم باشد، چین ملایم بوده و هنگامیکه فشار زیاد باشد تا خوردگی به شکل قوسی تند درآمده و در مقابل دو سر چین بهم نزدیک می‌شود.

FAN - FOLDING

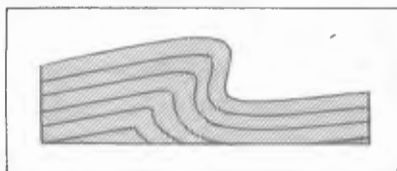
چین بادزنی (Ch-e-bādzani)

یک تاقدیس شکنجی که تا خوردگی‌های آن متوجه یک نقطه مرکزی شده و بیک باد بزن دستی شباهت پیدا کرده باشد.

OVERFOLD

چین برگشته

یک تاقدیس متقارن، که تحت تاثیر نیروهای قابل توجهی کاملاً "تحت فشار یا تا خوردگی قرار گرفته باشد.



چین برگشته

MONOCLINAL FOLD

چین تکشیب (Ch-e-takshib)

گونه‌ای چین یا تاخوردگی که فقط یک پهلوی به شکل آرش داشته باشد و با چینی که یک لبه آن شب‌دارنر از لبه دیگر باشد.

RECUMBENT FOLD

چین خوابیده

نوعی تا خوردگی از گونه چین برگشته که محور آن در یک

ب - پهلوی بری که در واقع نوعی فرسایش جانبی است و طی آن بر شیب یک دیواره نسبت به دیواره دیگر افزوده شده و نیمرخ عرضی آن نامتقارن می‌گردد.

WOOD

چوب

در گیاهشناسی، ماده‌ای سخت و الیاف‌دار که بوسیله کامبیوم ساخته می‌شود و بخش اعظم قسمت زیر پوست تنه و شاخه‌های درختان را تشکیل می‌دهد.

از نظر تجارتی چوب‌ها را به دو دسته نرم‌چوب و سخت‌چوب تقسیم می‌کنند.

CARDINAL POINTS

چهار جهت اصلی

افق هر نقطه، مدار آن محل را در دو نقطه، و نصف‌النهار آن محل را نیز، در دو نقطه قطع می‌کند بطوریکه خطوط اصلی میان دو نقطه اول بر خطوط اصلی میان دو نقطه دوم عمود است.

از دو نقطه اول، آن که در سمت طلوع خورشید است، مشرق یا خاور، و آنکه در سوی مقابل آن واقع شده، مغرب یا باختر می‌گویند. از دو نقطه دوم آنرا که در طرف چپ شخصی که رو به خاور ایستاده است، شمال، و نقطه دیگر را که در مقابل آنست، جنوب می‌نامند.

FOUR ELEMENTS

چهار عنصر

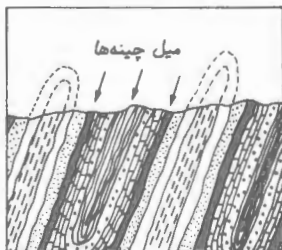
فلاسفه یونان باستان اساس ساختمان عالم افلاک را بر پایه چهار عنصر آب، آتش، هوا و خاک می‌دانستند و همه چیز را ساخته از آن‌ها می‌پنداشتند و برای هر عنصر طبع خاصی قائل بودند مثلاً "آتش را گرم و خشک، هوا را تر و گرم، آب را تر و سرد و خاک را خشک و سرد می‌دانستند.

سنگ شناسی لایه‌ها و چین‌های پوسته زمین بررسی می‌کند.

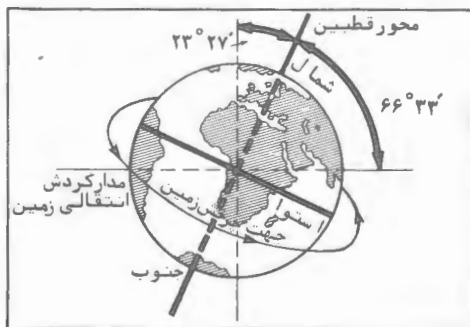
ISOCLINE

چین همخواب

نوعی تا خوردگی چین‌های زمین، که تا خوردگی‌ها کاملاً بهم چسبیده و متراکم بوده باشد و یا عبارت دیگر چینی که دو پهلوی آن، هم شیب و موازی هم باشد.

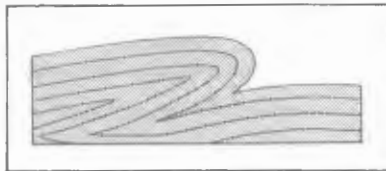


چین همخواب



چرخش زمین

صفحه قائم واقع شده باشد.



چین خوابیده

PLISSEMENT

چین خوردگی

تحول و تغییر شکلی که در شکل طبقات زمین بر اثر فشارهای جانبی و جنبش‌های کوهزائی حاصل می‌شود و نتیجه‌اش تشکیل پستی‌ها و بلندی‌ها و واریختگی و عدم نظم طبقات قبلی است.

CHINOOK

چینوک

باد گرم و خشک از نوع فون (Fohn) که در امتداد شرقی کوه‌های راکی در کانادا و ایالات متحده می‌وزد. این باد اهمیت اقتصادی مهمی مخصوصاً در نواحی روستایی جنوبی کلرادو در جنوب ایالات متحده تا شمال رودخانه مکنزی در کانادا دارد. وجود باد قوی و همیشگی چینوک به این معنی است که زمستان ملایم در پیش است و نوزیدن آن، زمستان سخت و دشواری را نوید می‌دهد.

STRATUM

چینه (Chineh)

لایه مشخصی از پوسته زمین مانند لایه‌های از سنگ‌های رسوبی که ضخامت آن بین چند سانتیمتر تا چند متر باشد. به عبارت دیگر چینه عبارتست از: لایه‌ای از سنگ که سراسر آن کمابیش یکسان و نسبت به لایه‌های فوقانی و تحتانی آن مشخص باشد.

STRATIFICATION

چینه بندی

ته نشین شدن و انباشته گردیدن مواد رسوبی بصورت یک لایه یا چینه. پاره‌ای دانشمندان زمین شناس از این واژه به مفهوم سنگ‌هایی که بصورت لایه لایه و یا مطابق در آمده باشد نیز استفاده می‌کنند.

STRATIFICATION

چینه سازی

← چینه بندی

STRATIGRAPHY

چینه شناسی

شاخه‌ای از علم زمین شناسی بنام چینه شناسی که در باره چگونگی پیدایش، ترتیب توالی، ساختمان، سنگواره‌ها و



تعریف حرکت و سکون اموری نسبی است و بدون ذکر دستگاه ماخذ معنا و مفهومی ندارد.

به عبارت دیگر، حرکت تغییر موقعیت یک نقطه نسبت به یک مبنای مقایسه یا یک سیستم مختصات است.

یک جسم در روی سطح زمین ممکن است نسبت به یک عارضه مثل جاده در حال حرکت باشد. در این صورت جاده مبنای سکون و حرکت جسم نسبت به آن سنجیده می شود. اما می دانیم که جاده که خود بخشی از پوسته زمین در حال چرخش است. بنابراین حرکت جسم مزبور می تواند نسبت به مرکز زمین که یک همیار سکون جدید خواهد بود مقایسه شود.

از آنجائیکه مرکز زمین نیز به نوبه خود در منظومه شمسی در حال حرکت و جابجائی است لذا توصیف حرکت جسم نسبت به مرکز زمین نیز خود با مشکلاتی مواجه خواهد بود.

حرکت انتقالی زمین

ANNUAL MOTION OF THE EARTH

—گردش سالیانه زمین

حرکت بطرف قرمز RED SHIFT

جابجا شدن خطوط عادی طیف جذبی بطرف انتهای قرمز طیف. در طیف نور ستارگان، سحابیها و سایر اجرام آسمانی نوری، این پدیده را بنابر اصل تاثیر داپلر توجیه می کنند، که به موجب آن در طیف نور یک منبع متحرک، طول موجهای آن نور بر حسب اینکه منبع به شخص نزدیک و یا از او دور شود، کوتاه یا بلند می شوند. بنابر اصل مذکور جابجا شدن خطوط طیف بطرف ناحیه قرمز حاکی از دور شدن منبع از ماست. این جابجائی در طیف کهکشانه ها مشاهده می شود و از اینجا نتیجه گیری می شود که کهکشانه ها از ما دور می شوند و جهان در حال انبساط است.

—جهان انبساطی

حرکت پوسته ای CRUSTAL MOVEMENT

جنبش بخشهای خارجی پوسته جامد زمین بر اثر زمین لرزه و مانند آن.

حرکت تقدیمی PRECESSION OF THE EQUINOXES

—تقدیم اعتدالین

حرکت روزانه DIURNAL MOTION

حرکت وضعی ظاهری کره آسمان، ظاهرا "کره آسمان در شبانروز یک بار بدور یکی از اقطار خود بنام محور عالم از خاور به باختر می گردد و تمام ستارگان را با خود می برد. مسیر نقاط کره آسمان در این حرکت موسوم به مدار گردش روزانه است. در حرکت روزانه هر نقطه از کره آسمان در ۲۴ ساعت به اندازه ۳۶۰ درجه می گردد. به اینگونه حرکت، حرکت ظاهری می گویند.

SOVEREIGNTY

حاکمیت

قدرت ناشی از آزادی و استقلال یک دولت مستقل. بطور کلی دولتهای مستقل می توانند با اعمال حق حاکمیت، روابط خارجی و امور داخلی خویش را بر وفق تمايلات خود تنظیم نمایند. اگر حق حاکمیت در دست فرد واحدی باشد، حکومت را حکومت مطلقه و اگر در دست طبقه معدودی باشد حکومت را اولیگارش می نامند. و اگر در اختیار همه مردم باشد حاکمیت را دموکراسی می نامند.

GRAINS

حبوبات

جمع "حبوب" و جمع در جمع "حب" یا "حبه" که به دانه های نباتات از قبیل دانه عدس، نخود و لوبیا، باقلا، ماش و مانند آن اطلاق می گردد. — بنشن

SPECIFIC VOLUME

حجم مخصوص

حجم واحد جرم یک ماده در دما و فشار معین که از تقسیم حجم بر جرم بدست می آید و در مقابل جرم مخصوص قرار دارد.

TEMPERATURE

حرارت

— دما

ATOMIC HEAT

حرارت اتمی

حاصل ضرب وزن اتمی یک عنصر در حرارت مخصوص آن. حرارت اتمی یک عنصر برابر است با مقدار حرارتی که باید به یک اتم گرم آن داد تا دمای آن یک درجه صد بخشی بالا رود.

THERMOMETER

حرارت سنج

— دماسنج

THERMOGRAPH

حرارت نگار

— دمانگار

EPEIROGENESIS MOTIONS

حرکات خشکیزائی

(Harakāt-e-khoshkizā'i)

— خشکیزائی

MOTION

حرکت

تغییر وضع یک جسم نسبت به جسم یا دستگاهی که ماخذ گرفته شده باشد، هنگامیکه جسم نسبت به دستگاه ماخذ در حرکت نباشد، گویند نسبت به آن دستگاه ساکن است. بنابر این

فاصله از کره زمین را داشته باشد. هنگامیکه کره ماه در حوضی قرار می گیرد. فاصله آن از زمین، حدود ۳۵۶،۴۱۰ کیلومتر است. — اوج

حفاظت محیط زیست CONSERVATION

نگهداری و حفاظت منابع طبیعی (خاک، گیاه، جانوران) از خطر ویرانی و نابودی با اعمال کنترل و مدیریت.

حفره DEPRESSION/DITCH یا مثال — گودال

حفره های شهابی METEOR CRATERS

بر اثر برخورد شهابسنگ ها به سطح زمین، حفره هایی ایجاد می گردد که به آن حفره شهابی می گویند. — سنگ آسمانی

حقابه

مقدار آبی که یک ملک یا یک مزرعه و یا یک شخص از یک رودخانه یا نهر عمومی و یا چاه و امثال آن مالک است.

حق الشرب

بهای آب رودخانه ها، قنات های دولتی و امثال آن که به کشاورزان فروخته شود. حق الشرب نرخ ثابتی نداشته و بر حسب زمان و مکان متغیر بوده است.

حق پناهندگی RIGHT OF ASYLUM

پناهنده سیاسی فردی است که به دلیل ترس از دستگیری در محل زندگی خود، از آنجا خارج شده و به جلب حمایت سیاسی

APPARENT MOTION

حرکت ظاهری

— حرکت روزانه

ROTATION OF THE EARTH

حرکت وضعی زمین

— چرخش زمین

PARTY

حزب

گروه سازمان یافته ای که تمایل و گرایش واحد برای یک عمل سیاسی دارد و یا دسته ای از مردم که دارای مسلک خاصی باشند.

INSECT

حشره

هر یک از جانوران بندپا که دارای دستگاه تنفس هوایی، سر متمایز، سینه و شکم مشخص، شجفت پا و یک جفت شاخک هستند. حشره ها که قدیمی ترین ساکنان کره زمین هستند، حدود $\frac{9}{10}$ تمام حیوانات را تشکیل می دهند. طبق برآوردهائی که بعمل آمده، خسارت ناشی از حشرات سالانه به حدود ۳ میلیون دلار تخمین زده شده است. هر چند حشرات در پاره ای موارد مضر هستند، ولی در گرده افشانی مفیدند و پاره ای از آنها حشرات مضر را از میان می برند و بعضی دیگر غذای عمده ماهیان، خزندگان، مرغان و برخی پستانداران را تشکیل می دهند.

FORT

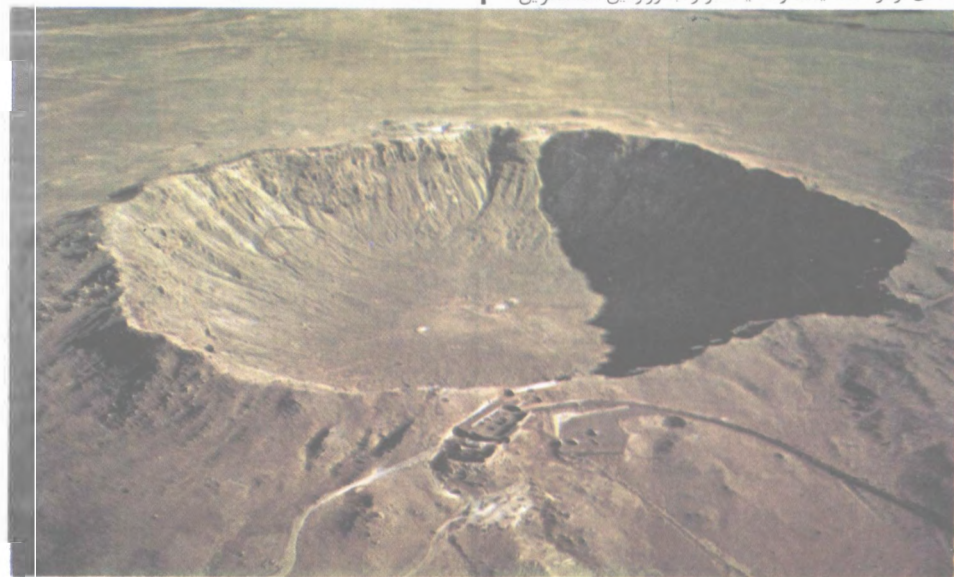
حصار

۱- دیوار دور قلعه ۲- بارو ۳- قلعه یا دژ ۴- پناهگاهی که شخص را از دشمن نگاه دارد. ۵- هر جای محصور و دیوار دار.

PERIGEE

حضیض

نقطه ای از گردشگاه یا مدار ماه یا ماهواره بدور زمین، که کمترین



حفره شهابی

حدود ۲۵۰۰ سال پیش نقطه برابران بهاری در این صورت قرار داشت، ولی به علت تقدیم اعتدالین حالیه در صورت حوت جای دارد.

صورت حمل از سیزده ستاره تشکیل یافته است.

← برج

TRANSPORTATION

حمل و نقل

← ترابری

OPHIUCHUS/SERPENTARIUS (Havvā')

حواء'

صورت فلکی واقع در جنوب جایی علی رکبتیه که به صورت مردی که ماری در دست دارد تصویر شده است.

PISCES

حوت (Hut)

دوازدهمین صورت فلکی در منطقه البروج و دوازدهمین برج. در زمان ما نقطه برابران بهاری به سبب تقدیم اعتدالین در این صورت واقع است.

PISCIS AUSTRALIS

حوت جنوبی

یکی از صورتهای فلکی که ستاره درخشان فم الحوت جزو آن است.

POND

حوض

گودالی که بطور مصنوعی حفر شده و بدنه آن را با سیما و یا مصالح دیگر اندود کرده باشند تا از رفتن آب آن جلوگیری شود و برای مدتی آب در آن نگهداری گردد. معمولاً آب این گونه حوضها را از باران تامین می کنند و برای دامداری و مانند آن بکار می رود.

در نواحی کویری و گرمسیری برای جلوگیری از تبخیر آب، حوضها را به صورت سر پوشیده می سازند.

BASIN

حوضه

الف - مناطقی که چینه ها و لایه های سطح زمین، رو بسوی نقطه ای بنام نقطه مرکزی نشست کرده و گودالی را به صورت گنبد وارونه بوجود آورده باشد.

ب - آبگیر یک رودخانه و شاخه هایی که به آن ملحق می شوند.

پ - مناطقی که بوسیله آب یک دریاچه فرا گرفته شود.

به این واژه آبگیر نیز گفته می شود.

SUBURB

حومه

بخش های پیرامون مناطق مسکونی یک شهر را حومه می گویند.

ANIMAL

حیوان

← جانور

از کشور دیگری می پردازد. امروزه هر کشوری می تواند به هر مردی در داخل سرزمین خود، حمایت سیاسی یا حق پناهندگی اعطاء کند.

VETO

حق وتو

← وتو

RIGHTS

حقوق

مجموعه قوانین و قواعد و رسوم لازم الاجرائی که به منظور استقرار نظم در جوامع انسانی وضع یا شناخته شده است و نیز نام علمی که از این حقوق بحث می کند. این تعریف ناظر به حقوق موضوعه یا وضعی است که در خور اوضاع و احوال زمان یا مکان خاص بوسیله انسان وضع یا شناخته می شود. و لہذا فقط با بقای شرایط و خصوصیات موجود در زمان وضع یا شناسائی آنها قابل اجرا است.

GOVERNORSHIP

حکومت

چگونگی و روش اداره یک کشور یا واحد سیاسی را حکومت می نامند. دو روش عمده حکومت عبارت است از پادشاهی یا سلطنت و جمهوری.

در حکومت سلطنتی معمولاً "شخص اول مملکت بدون دخالت مستقیم و موثر مردم و بصورت وراثت خانواده ای تعیین می شود. در حکومت های جمهوری، رئیس کشور (رئیس جمهور) به انحاء مختلف توسط مردم انتخاب می شود. حکومت های سلطنتی که در آنها اختیار پادشاه توسط قانون اساسی محدود شده است، "مشروطه" سلطنتی" نامیده می شوند.

CARBON CYCLE

حلقه کربن

فرایندهایی که موجودات زنده بوسیله آنها کربن انیدرید کربنیک جو را در سوخت و ساز خود به مصرف می رسانند. این حلقه مشتمل است بر ساخته شدن شیدرات های کربن در گیاهان به وسیله عمل فتوسنتز، از کربن انیدرید کربنیک و آب در مجاورت کلروفیل به کمک اشعه خورشید، تبدیل شیدرات های کربن گیاهی در بدن حیوانات به موادی که برای ساختمان بدن و اعمال حیاتی آنها لازم است، و تباهی اجساد و فضولات حیوانی به کمک باکتریها و بازگشتن انیدرید کربنیک به جو.

TRANSITION

حلول (Holul)

← تحویل

ARIES

حمل (Hamal)

نخستین صورت فلکی در منطقه البروج و اولین برج از برجهای دوازده گانه سال مطابق با فروردین ماه تقویم رسمی ایران.

سرشار از مواد آهکی باشد.

PEDALFER

خاکاکن (*Khākāhan*)

خاکی که سرشار از رس و آهن باشد. این خاک بیشتر در مناطق مرطوب وجود دارد.

MOUND

خاکتود (*Khāktud*)

— پشته

CHERNOZEM

خاک چرنوزیوم

خاک حاصلخیز پر بار و مرغوبی، برنگ سیاه یا قهوه‌ای تیره که سرزمین پهناوری واقع در جنوب اتحاد جماهیر شوروی و شمال دریای سیاه را فرا گرفته و همچنین قسمتهایی از کشورهای مجارستان و رومانی را نیز زیر پوشش قرار داده است. این سرزمین که خاک آن مخلوطی از شن و رس و خاکهای گیاهی و قدری آهک است در اتحاد جماهیر شوروی بناحیه اوکراین شهرت داشته و یکی از سرشارترین سرزمینهای کشاورزی جهان را تشکیل داده است. این خاک آن چنان پر بار است که بدون هیچگونه بارور سازی و یا کود دادن می‌تواند مدتها زیر کشت قرار گیرد.

CHINA CLAY

خاک چینی

خاک رس سفید رنگی است که از راه شیمیایی با استفاده از سیلیکات آلومینیم و فلدسپات موجود در گرانیت بدست می‌آید. اعمال شیمیایی برای تهیه خاک چینی که به آن کائولین نیز می‌گویند، کائولینیزاسیون نام دارد، نام کائولین که فرمول آن $(2H_2O \cdot Al_2O_3 \cdot SiO_2)$ است. از رشته کوه Kauling (یعنی سرزمین بلند) واقع در خاک چین، اقتباس شده. در این ناحیه صنعت سفالگری و چینی سازی، قرن‌ها رواج داشته و نام چینی نیز از نام کشور چین اقتباس شده است. خاک کائولین علاوه بر صنعت چینی سازی در سفالگری و کاغذ سازی نیز بکار می‌رود. خاک چینی یکی از خالصترین اقسام خاک رس است که بیشتر آن را کائولینیت تشکیل می‌دهد. این اصطلاح را بعضی مترادف با کائولن بکار می‌برند.

DIATOMACEOUS EARTH

خاک دیاتومی

مواد ته نشسته خرد شونده و تردی که جنس آن بیشتر از نوع گیاهان دریایی ترشح کننده مواد سیلیسی باشد. این مواد در کف دریاها انباشته شده و از نظر اندازه بقدری کوچک هستند که حدود صد میلیون نوع آن در فضایی به اندازه ده سانتی متر مکعب جای می‌گیرد. این مواد پس از خشک شدن ماده گچ ماندنی را پدید می‌آورند که متخلخل بوده و قابلیت انتقال حرارتی آن کم و به‌گاه عنوان عایق‌های



HEDGE OF THORNS

خار بست (*Khār bast*)

دیوار کوتاهی که از خار و خاشاک بدور مزرعه و یا باغی کشیده باشند.

THORN FOREST

خار بیشه

بوته زار متراکمی از درختان کوچک و بوته‌های خار، که بیشتر در مناطق گرم و کم باران دیده می‌شود.

ESPINAL

خار زار

منطقه‌ای که از بوته‌های خار پوشیده شده باشد.

HEATHLAND

خارستان

— خنجرزار

TERRESTRIAL MAGNETISM

خاصیت مغناطیسی زمین

— آهنربائی زمین

SOIL

خاک

لایه نازکی از پوسته زمین، که از خرد شدن سنگ‌ها بوجود آمده و از مواد معدنی ترکیب یافته باشد. در این قسمت از پوسته زمین، آب و مواد آلی و هوا و پاره‌ای موجودات زنده دیده می‌شود.

سنگهای سفت و سخت موجود در سطح زمین، در نتیجه تأثیر عوامل فیزیکی به مرور زمان خرد می‌شوند، این مواد که از تخریب سنگ حاصل شده، به صورت طبقه‌ای کم و بیش ضخیم، قسمت زیرین سنگ اولیه را که هنوز تحت تأثیر عوامل خارجی واقع نشده است می‌پوشاند.

خاک قسمت سطحی پوسته زمین است که در اثر عوامل فیزیکی و شیمیایی و حیاتی بوجود می‌آید. پس تنها سنگ نیست که خاک را بوجود می‌آورد، بلکه در تشکیل خاک عوامل دیگری نیز موثر است، که به هیچ وجه به سنگ ارتباطی ندارد و اگر جز این بود، در آن صورت علم خاک شناسی قسمتی از علم سنگ شناسی می‌بود.

در تشکیل خاک مقداری بقایای گیاهی و مواد آلی تجزیه شده وجود دارد.

PEDOCAL

خاکاک (*Khākāhak*)

خاکی که معمولاً در مناطق خشک و کم آب دیده می‌شود و

باید توجه داشت که خاکمره با زمین غزه متفاوت است .

HORIZON SOIL

خاک سطحی

لایه خاکی که کم و بیش به موازات سطح زمین قرار گرفته باشد .

PEDOLOGY

خاک شناسی

دانش بررسی خاک و منشأ و خصوصیات آن و همچنین کاربرد آن .

CREEP

خاک لیز (Kh-liz)

خاکی که به تدریج و به آرامی از دامنه کوه بسوی پائین سرازیر شده و بر اثر بارندگی نرم و لغزنده شده باشد .

ALKALINE EARTH

خاکهای قلیائی

خاکهایی که مقدار املاح محلول آن ها بیش از آنست که طبیعتاً " در همه خاکها یافت می شوند .

این گونه خاکها که سطحشان را پوستهای از املاح پوشانیده است ، بیشتر در نقاطی دیده می شوند که باران کمتری دارد و بر عکس خاکهای شور ، سدیم محلول بسیار کم و سدیم قابل تبادل آن بسیار زیاد است .

خاکهای قلیائی به دو دسته سفید و سیاه تقسیم می گردند .

RARE EARTH

خاکهای کمیاب

دستهای از مواد معدنی کمیاب و رنگارنگ و خاک مانند که بندرت یافت می شوند . این گروه از خاکها معمولاً " از اکسید عناصر گوناگون با وزن اتمی ۱۳۸/۹۲ تا ۱۷۵ ترکیب یافته و در حد میان عناصر لانتانوم تا لوتیتیوم قرار گرفته اند و جدا کردن ترکیبات شیمیایی آنها با زحمت و اشکال فراوان توأم است .

CULM

خاکه زغال (Khākeh zoghāl)

زغال سنگ نرم و خاک آلود

DRUMLIN

خاگه (Khāgeh)

تپه های کوتاه ممتد تخم مرغ شکلی ، که از نظر اندازه متفاوت بوده و گاه بطول ۲ کیلومتر و ارتفاع ۹۰ متر دیده می شوند .

خالصه

۱ - زمین متعلق به دولت .

۲ - زمینی که ارباب آن را از تقسیم میان دهقانان مستثنی می دارد و خود را " آن را زراعت می کند .

FAMILY

خانواده

واحد اجتماعی که معمولاً " از پدر و مادر و فرزندان آنها تشکیل

الکتریکی بکار می رود و همچنین به صورت صافی نیز استعمال می گردد .

CLAY

خاک رس (Khāk-e-ros)

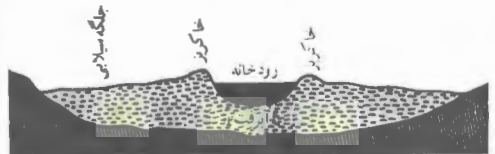
— رس

LEVEE

خاکریز (Khāk-kriz)

الف - کرانه طبیعی یک رودخانه که بر اثر جاری شدن سیل و رسوب مواد موجود در آب پدید آمده و نسبت به زمینهای اطراف کمی برجسته تر باشد .

ب - دیوارهای که بطور مصنوعی در حاشیه دریا یا رودخانه ایجاد شود تا از ورود سیلاب به اراضی مجاور جلوگیری کند .



خاکریز

PEDOGENESIS

خاکزائی (Khākzā'i)

عمل بوجود آمدن خاک .

TERRIGENOUS DEPOSITS

خاکزاد

رسوباتی از جنس سنگ و شن و ماسه که از سطح زمین بداخل دریا رانده شده و در کف حاشیه های دریا ته نشین شده است .

YELLOW SOIL

خاک زرد

— بادرفت

VOLCANIC ASH

خاکستر آتشفشانی

تکه هایی از گدازه های آتشفشانی ، که از دهانه کوه آتشفشان به بیرون پرتاب گردیده و اندازه آن از غبار آتشفشانی بزرگتر باشد .

خاکستر آتشفشانی و غبار آتشفشانی اغلب مفهوم متناوبی داشته و غالباً " یکی بجای دیگری بکار می رود .

RED OXYDE

خاک سرخ

خاک نرم قرمز رنگ که قسمت عمده آن را اکسید آهن تشکیل داده است .

SOLIFLUCTION

خاکمره (Khāksoreh)

روان شدن خاک و سنگ اشباع شده از آب در یک سراسیمب .

NEAR EAST

خاور نزدیک

یا شرق نزدیک ناحیه‌ای است مشتمل بر بخشی از آسیای غربی که در جنوب اتحاد جماهیر شوروی قرار داشته و شامل کشورهای ترکیه، قبرس، سوریه، لبنان، فلسطین، اردن - شبه جزیره عربستان، ایران و عراق می‌باشد.

اصطلاح خاور نزدیک که بوسیله انگلستان متداول گردیده است، سابقاً "به کشورهای شبه جزیره بالکان اطلاق می‌گردید.

CAVIARE

خاویار

تخم نوعی ماهی است که بعنوان ماده غذایی به مقدار نسبتاً فراوان تهیه می‌شود و عمدتاً مخصوص کشورهای ایران و اتحاد جماهیر شوروی است.

بهترین خاویار جهان نوعی خاویار روسی است که فقط در فصل زمستان تهیه می‌شود و نمک آن از سایر خاویارها کمتر است. بندر آستراخان واقع بر رود ولگا مهمترین مرکز صدور خاویار روسیه است. خاویار ایران که بوسیله شرکت سهامی شیلالت تهیه می‌گردد غالباً "در خارج از ایران به فروش می‌رسد و بهترین آن از تخم ماهی اوزون برون بدست می‌آید.

RUINED PLACE

خرابه

یا ویرانه، آثار و نشانه‌هایی که علامت آبادانی سابق جایی باشد.

HILL

خَر پشته (Kharposhteh)

یا پشته بزرگ - تپه

CANCER

خرچنگ

— سرطان

خرداد

اقتباس شده از واژه اوستائی هورپوات و یا واژه پهلوی خردات به مفهوم کمال، رسائی و درستی و نام سومین ماه در تقویم رسمی ایران و ششمین روز هر ماه شمسی.

خرداد ماه عیناً "بهمن صورت در تقویم اوستائی موجود بوده و بعدها در تقویم جلالی راه یافته و از سال ۱۳۰۴ خورشیدی بنام سومین ماه سال هجری شمسی در تقویم ایران رسمیت یافته است.

COMMINUTION

خرد شدگی

الف - خرد شدن و کوچک شدن تدریجی مواد سنگی بر اثر عواملی مانند آب و هوا و فرسایش و یا جنبش‌های زمینی.
ب - شکستن و خرد شدن مواد سنگی با عوامل مکانیکی مانند

می‌گردد. در مشرق زمین معنی وسیع‌تری به کلمه خانواده داده می‌شود و اغلب بستگان دور و نزدیک نیز جزو خانواده بشمار می‌آیند. در حالیکه در مغرب زمین فقط به پدر و مادر و فرزندان منحصر می‌شود.

HOUSEHOLD

خانوار

یک یا چند نفر که بطور دائم در یک واحد مسکونی اقامت داشته و هم خرج باشند.

EAST

خاور

— چهار جهت اصلی

خاوران (Khāvarān)

ولایتی بوده است در مرز شمالی خراسان کنونی، شهرهای ابورد، دره گز، نساء، میهنه و رونه جزو این ولایت بوده‌اند.

FAR EAST

خاور دور

یا شرق اقصی و یا شرق دور. ناحیه‌ای است مشتمل بر چین، کره، ژاپن، سرزمین‌های خاوری شوروی، جزایر فیلیپین، هندوچین، تایلند، برمه، مالزی و اندونزی که گاه پارهای از کشورهای اخیر جزو سرزمین‌های آسیای جنوب شرقی محسوب می‌گردند. اصطلاح خاور دور در وسیع‌ترین معنایش کشورهای هند و پاکستان را سری لانکا را نیز شامل می‌شود.

این اصطلاح یک واژه کاملاً اروپائی است و وجه تسمیه آن بدین مناسبت است که سرزمین‌های مذکور نسبت به کشورهای اروپائی به ویژه گردانندگان جنگ جهانی دوم یعنی انگلستان و فرانسه شرقی‌ترین کشورهای جهان محسوب گردیده‌اند.

MIDDLE EAST

خاور میانه

یا شرق وسطی و یا شرق میانه. ناحیه‌ای است در جنوب غربی آسیا و شمال خاوری افریقا که شامل ترکیه، ایران، عراق، فلسطین، اردن، لبنان، سوریه و کشورهای شبه جزیره عربستان، مصر و سودان می‌باشد. پارهای از منابع افغانستان و پاکستان را نیز جزو آن محسوب می‌دارند. اصطلاح خاور میانه در جنگ جهانی دوم بوسیله ارتش انگلستان رواج یافت و شامل منطقه‌ای است که از نظر استراتژیک و ژئوپولیتیک دارای اهمیت بسیار است. در واقع خاور میانه به منزله پلی است که سه قاره آسیا و اروپا و افریقا را به یکدیگر پیوند داده و منابع عظیم نفت در آن نهفته است وجه مشترک سرزمین‌های آن علاوه بر مذهب اسلام، کم آبی و خشکی، گرمی هوا، تولید مثل نسبتاً زیاد، وجود قبایل چادرنشین کشاورزی تقریباً ناچیز و غیره است.

MEGALITH

حرسک
حسد سک برزی که عنوان یک سانه با قطعه‌ای اریک معبره
با سانی بخای مانده باشد

حرسکاه (Kharman ān)

قطعه رمسی سف و هوار در مزاج که در آن حا حرس ر
بوسلند حرسکوت می‌کوند .

MOSS

حواب (Kharāb)

رمی بر آب و سالیانی را کوند که در آن خرده بر آب روشنند
باشد .

MOSS FOREST

حزاب حیکل

نوعی حیکل که حاشی صاطق کوهستانی سمانی با درمسر
باشد .

KHAZARS

حررها

قومی قدیمی که امروز از میان رسداند . این قوم در حدود
قرن دوم بعد از میلاد در ماوراء قفقاز پدید آمده و بعدها
در روسیه جنوبی پس رودهای ولگا و دون سکنی گزیدند
و دولت مقتداری تشکیل دادند و سرانجام در سال ۹۶۹
میلادی را بنادند .
نام دریای خزر از این قوم گرفته شده .

REPTILA

حزندگان (Kharzandē ān)

رده‌ای از جانوران مهره دار خونسرد که آریه نفس می‌کند
و خون شکم آنها اغلب در هنگام راه رفتن به رمی کشیده
می‌شود بدین نام خوانده شده‌اند .
امروزه حدود ۴۳۰۰ جنس خزنده موجود است . تقریباً "بدن
حطکی آن‌ها از فلس‌ها با صفحات اسخوانی پوشیده است
و پوست بعضی از آنها کرانه‌ساز است .
خزندگان احتمالاً " در دوره کربونیفر پدید آمده‌اند و بعد از
دوران مرورونیک ، خز مارها و سوسمارها ، رو به انحطاط
پوده‌اند .

ECLIPSE OF THE MOON

خسوف

— مظهر

STRIAE

خشی (Khash)

خراشدگی سطح سکه‌ای یک بحال که بر اثر لغزیدن روی
یکدیگر پدید آمده باشد .

ADOBE

خسب (Khesht)

آخر حامی که از گل خشک شده در آفتاب درست شود .

کارگاههای سبزه ست ربره و بالاس برای کارهای راهسازی .

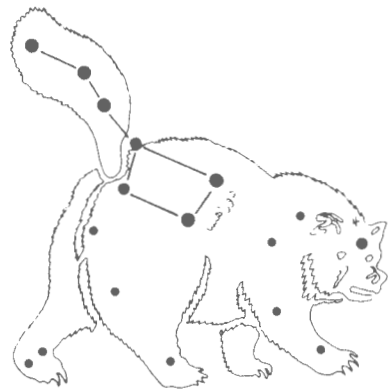
خرده مالک

- ۱ - کسی که سرک ملک مساع باشد .
- ۲ - مالک خرده یا ، مقابل عمده مالک .
- ۳ - ملک مساعی که دارای صاحبان متعدد است و سهم یا
سهم هر یک مفروز و یا خیر مفروز است .

URSA MAJOR

خرس بزرگ

صورت فلکی حول قطبی در نیمکره شمالی که از هفت ستاره
اصلی آن چهار ستاره بر رتوس یک چهار ضلعی و سه تا
دیگر بصورت دنباله‌ای در خارج چهار ضلعی واقع شده‌اند .
خناچه دو ستاره و ab اس صورت را سهم وصل کرده و حدود
ن برابر ab ادامه دهید به ستاره‌ای می‌رسد که تقریباً " بر
قرار قطب شمال محور رمی قرار گرفته است . و به آن ستاره
قطبی می‌گویند .



خرس بزرگ

URSA MINOR

خرس کوچک

صورت فلکی حول قطبی در نیمکره شمالی مشتمل بر هفت ستاره
که چهار نای آن‌ها بر رتوس یک چهار ضلعی و سه نای دیگر
بصورت دنباله‌ای در خارج چهار ضلعی واقع شده‌اند .
شهرت و اهمیت این صورت به سبب آن است که ستاره درخشان
استیای دنباله یعنی ستاره خدی نزدیک ترین ستاره به قطب
شمال زمین است .



خرس کوچک

خشک‌رود (Khoshkrud) DRY VALLEY

دره آهکی و یا گچی که در آن آب بطور دائم جریان نداشته باشد. فرم خشک‌رود در مناطق گچی به بستر رودخانه‌های معمولی شباهت داشته و اغلب دارای دیواره‌های پر شیبی بوده و گاه مسیر پر پیچ و خمی را داراست. به این عارضه مسیل نیز گفته می‌شود.

خشکسار (Khoshksār) DRY LAND

زمینی که از آب دور باشد و آب به آن نرسد. به آن خشکزار نیز می‌گویند.

خشکسالی DROUGHT

سالی که در آن باران نیارد. و یا فاصله زمانی به مدت یک سال که طی آن هوا بدون انقطاع خشک و بی باران باشد. خشکسالی بر دو نوعست، خشکسالی مطلق و خشکسالی جزئی.

خشکسالی جزئی PARTIAL DROUGHT

اصطلاحی است در هواشناسی انگلستان و آن عبارتست از یک دوره ۲۹ روزه متوالی که متوسط بارندگی روزانه از ۰/۲۵ میلی متر بیشتر نشود. این اصطلاح جنبه بین المللی ندارد.

خشکسالی مطلق ABSOLUTE DROUGHT

اصطلاحی است در هواشناسی انگلستان و آن عبارت از ۱۵ روز متوالی است که میزان بارندگی روزانه کمتر از ۰/۲۵ میلی متر یا ۰/۰۱ اینچ باشد. این واژه جنبه بین المللی ندارد، و نمی‌تواند به تمام سطح زمین تعمیم یابد.

خشکی (Khoshki) LAND

آن قسمت از پوسته زمین که از آب بیرون است. خشکی‌های عمده زمین را به پنج قطعه به نام قاره تقسیم می‌کنند. مساحت مجموع خشکی‌های زمین فقط حدود ۱/۳ مساحت کره زمین یعنی حدود ۱۲۵ میلیون کیلو متر مربع است. در حالیکه مساحت کره زمین حدود ۵۰۰ میلیون کیلو متر مربع می‌باشد.

← خشکاد

خشکیزائی (Khoshkizā'i) EPEIROGENESIS

نیروهای سازنده قاره‌ها، که باعث حرکات شعاعی یا قائم گردیده و در نتیجه موجبات فرو رفتن و یا بر آمدن پوسته زمین گردند.

خشتال (Kheshtāl) LATERITE

گونه‌ای مواد خاکی قرمز رنگ که در مجاورت سطح زمین بر اثر ساینده (وافرسانی) بوجود آمده باشد. این گونه مواد که اکثراً در مناطق نیمگانی دیده می‌شوند، شامل تیدرواکسید آهن و تیدرواکسید آلومینیم بوده و در واقع منشاء این دو فلز محسوب می‌گردد. این ماده هنگام استخراج نرم بوده و پس از قرار گرفتن در مجاورت هوا سخت می‌شود و روی همین خاصیت اغلب در کارهای ساختمانی مورد استعمال دارد. خشتال در کشورهای هندوستان، مالزی، اندونزی و مناطق نیمگانی (استوایی) آفریقا و امریکای جنوبی فراوان یافت می‌شود.

به خشتال، سر خاک نیز می‌گویند.

خشکاد (Khoshkāḍ) CONTINENT

هر یک از قطعات اصلی خشکی زمین را خشکاد می‌نامند. این قطعات از تخته سنگهای نوع Sialic بر آمده از کف اقیانوسها تشکیل یافته و جمعا حدود ۳۰ درصد سطح کره زمین را بشرح زیر در بر گرفته‌اند. مساحت مجموع خشکادها فقط ۱/۳ مساحت سطح کره زمین یعنی در حدود ۱۲۵ میلیون کیلومتر مربع و مجموع مساحت کره زمین در حدود ۵۰۰ میلیون کیلومتر مربع است و بقیه را آب فرا گرفته.

خشکاد آسیا ۴۴،۰۱۰،۰۴۱۱ کیلومتر مربع.

خشکاد آفریقا ۳۰،۲۶۰،۰۲۳۲ کیلومتر مربع.

خشکاد امریکای جنوبی و مرکزی ۱۷،۸۱۴،۰۹۰۹ کیلومتر مربع.

خشکاد امریکای شمالی ۲۴،۲۴۸،۰۵۷۴ کیلومتر مربع.

خشکاد قطب جنوب ۱۳،۲۰۳،۰۹۰۰ کیلومتر مربع.

خشکاد اروپا ۱۰،۴۰۰،۰۰۱۳ کیلومتر مربع.

خشکاد اقیانوسیه (استرالیا) ۷،۰۶۸،۰۹۷۴ کیلومتر مربع.

خشکبار DRIED FRUITS

میوه‌های خشک شده مانند توت، زردآلو، انجیر، هلو و غیره.

خشک‌دره (Khoshkdarreh) DEAD VALLEY

دره خشک و بی آب و علفی که هیچگونه روانه‌ای در آن وجود نداشته باشد.

خشک‌رست (Khoshkrost) XEROPHILOUS

گیاهی که در یک منطقه خشک و کم آب قادر به زندگی باشد. طبعیت این گیاهان به گونه‌ای است که آب را برای مدت طولانی در خود نگه می‌دارند. این گونه گیاهان دارای ریشه‌های طویل و رونده و برگ‌های کوچک و ضخیمی هستند و اغلب دارای تیغ می‌باشند.

THALWEG خط القمر
خطی که از اتصال ژرف ترین نقاط بستر یک رودخانه یا یک دره بدست آید .

ISOAGONIC LINE خط ایزوگونیک
خطی که از اتصال نقاطی که دارای انحراف مغناطیسی یکسانی باشند بدست آید . خط هم انحراف ، نام دیگر این خط است .

PLOTTABLE ERROR خطای قابل ترسیم
کمترین مسافت قابل نمایش روی نقشه را گویند که مقدار آن بر حسب مقیاس فرق می کند . بطور مثال چون بهترین مسافت قابل ترسیم بوسیله دست انسان ۵/۲۵ میلی متر است . از این رو کمترین مسافت قابل نمایش در نقشه ای به مقیاس ۱:۱۰۰۰۰۰ برابر ۲/۵ متر خواهد بود .

AGONIC LINE خط بی انحراف
خط آگونیک

INTERNATIONAL DATE LINE خط بین المللی تاریخ
خط روز گردان

CONTOUR LINE خط تراز
خط منحنی تراز

INTERNATIONAL DATE LINE خط تغییر تاریخ
خط روز گردان

INTERNATIONAL DATE LINE خط تغییر روز
خط روز گردان

INTERNATIONAL DATE LINE خط روزگردان
(Kh-e-ruzgardan)

خط روزگردان خطی است که تقریباً " بر نصف النهار ۱۸۰ درجه منطبق بوده و با گذشتن آن از مقابل خورشید تاریخ به مدت یک روز تغییر می یابد . بدین گونه که تاریخ سمت باختری خط مزبور یک روز جلوتر از سمت خاوری آنست و به همین مناسبت مسافری که از خط مزبور بسوی باختر عبور کند ، یک روز به تاریخ خویش افزوده و بر عکس شخصی که از خط مزبور بسوی خاور عبور نماید ، باید یک روز از تاریخ خود بکاهد . مثلاً " اگر شخصی روز جمعه از خط مزبور به سوی غرب حرکت کند باید تاریخ خود را از جمعه به شنبه تبدیل نماید و بر عکس هر گاه روز جمعه از خط مزبور بسوی مشرق عبور نماید باید تاریخ را از جمعه به پنجشنبه برگرداند . این خط نسبت به نصف النهار ۱۸۰ درجه طوری رسم شده و جزایر و سرزمین های مختلف را طوری دور زده است که اختلافی در زمان رسمی آنها پیش نیاید . خط تغییر تاریخ

DESICCATION خشکی گرائی

۱- افزایش درجه خشکی یک منطقه که علت آن تامل آب و هوا بسوی کم بارانی است ، مانند کویرهای مرکزی آسیا . علت خشک شدن یک منطقه نیز گاه عواملی غیر از عوامل جوی است مانند ویران شدن و خشک شدن آبراهه ها در نتیجه زمین لرزه و یا جنگ .
۲- کم شدن رطوبت موجود در خلل و فرج خاک یا مواد ته نشسته .

LINE خط
در هندسه ، مجموع نقاطی که اوضاع آن ها تابع یک متغیر مطلق یا یک پارامتر باشد .
خط بزیان ساده عبارتست از شکل حادث از حرکت نقطه یا فصل مشترک دو صفحه یا شکلی که فقط یک بعد داشته باشد . انواع خط عبارتند از : خط مستقیم ، خط شکسته ، خط منحنی نیم خط ، پاره خط و خط مختلط .

CHARACTER خط (Khatt)
مجموعه نشانه هایی که برای تحریر در یک زبان بکار می رود .

AGONIC LINE خط آگونیک
خطی بر روی نقشه که از اتصال نقاطی که انحراف مغناطیسی آن ها صفر است بوجود آمده باشد . بدیهی است هر قدر از این خط دور شویم بر میزان انحراف مغناطیسی افزوده خواهد شد .



خط آگونیک

EQUATOR خط استواء
خط نیمگان زمین

DIVIDE خط الرأس
خط آب پخش

با بررسی خطوط طیف جذبی به وجود بعضی از عناصر شیمیایی در خورشید و یا ستارگان می‌توان پی برد .
این خطوط نخستین بار در سال ۱۸۱۷ ضمن مطالعه طیف خورشید بوسیله ژوزف فراونهوفر کشف گردید و چند سال بعد توسط گوستاو روهرت کیرشهوف تعبیر و تفسیر شد .



خط والاس



خطوط تراز

ISOGONIC LINE

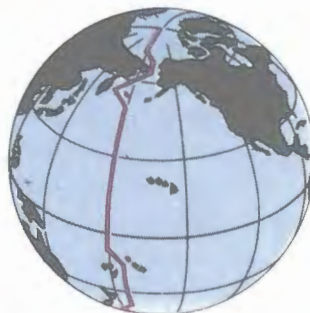
خط هم انحراف

خط ایزوگونیک

خط همبارش (ISOHYET LINE) (Khatt-e-hambāresh)

خطی که از اتصال نقاطی که از نظر میزان بارندگی، در یک مدت معین، با هم برابر باشند بدست آید .

و خط تغییر روز نام دیگر این خط است .



خط روزگردان

COASTLINE

خط ساحلی

الف - حد پیشرفت امواج آب در خشکی هنگامیکه دریا به شدت توفانی باشد .

ب - حد پیشرفت آب دریا در خشکی در وضعیت جزر و مد متوسط .

پ - حد پای صخره‌های ساحلی، در کرانه‌های پر شیب .
بطور کلی خط ساحلی، عبارت از خطی است که دریا را طوری دور بزند که خلیج‌ها را در بر گرفته و خورها و دهانه رودخانه‌ها را قطع نماید .

PIPE LINE

خط لوله

مجربایی از جنس فولاد یا پلاستیک و امثال آن که برای انتقال مایعات و گازها و مانند آن بکار می‌رود . از این سیستم بیشتر برای انتقال آب و نفت و گاز طبیعی استفاده می‌شود .

WALLACE'S LINE

خط والاس

خطی میان منطقه جنوب خاوری آسیا و شمال استرالیا که سیستم‌های زیست گیاهی و زیست جانوری دو قاره آسیا و استرالیا را از هم جدا می‌سازد .

CONTOUR LINES (Khotut-e-tarāz)

خطوط تراز یا خط‌هایی که از اتصال نقاط هم ارتفاع بوجود می‌آید . به این خط‌ها منحنی‌های تراز نیز می‌گویند .

FRAUNHOFER LINES

خطوط فراونهوفر

خطوط تیره‌ای که در طیف نور خورشید از زمین دیده می‌شود . علت وجود این خطوط این است که سطح خورشید بارخشانگره بطور پیوسته تشعشاتی صادر می‌کند که اگر این تشعشعات به طور مستقیم به زمین می‌رسید طیفی پیوسته تولید می‌کرد ، اما بخارات موجود در طبقه برگردان بعضی از این تشعشعات را بر حسب ماهیت بخارات مذکور ، جذب می‌کنند و در نتیجه طیفی بنام طیف جذبی تولید می‌شود .

نمایش می‌دهد .

خط هم لرزه COSEISMAL LINE/HOMOSEISMAL LINE
خطی که از اتصال نقاطی از سطح زمین که بطور همزمان تحت تاثير موجی از زمین لرزه قرار گیرند بدست آید .
چنین خطی بصورت بعضی Coseismal line بوده و مرکز زمین لرزه در میان آن قرار دارد .

خلأ (Khalā')
VACUUM
قسمتی از فضا که بکلی خالی از ماده باشد . خلأ به این معنی را خلأ مطلق یا خلأ کامل می‌گویند . خلأ مطلق فقط دارای تعریف فیزیکی است و ایجاد آن تا کنون عملی نشده است .

خلاب (Khalāb)
QUAGMIRE
زمین نرم و مرطوبی که زیر پای انسان یا حیوان فرو رود .

خلاش (Khalāsh)
BOG
گل نرم و اسفنجی ، که از مواد پوسیده و خاکهای گیاهی ترکیب یافته باشد ، این عارضه که به آن خلاب نیز می‌گویند معمولاً بصورت آبهای راکد و کم عمق مانند دریاچه و امثال آن دیده می‌شود . منشاء خلاش بیشتر توده خزهای هستند که از خشکی به روی آب شناور شده و به مرور بصورت مواد گیاهی در کف دریاچه ته نشین می‌گردند . بطوریکه کف تمام دریاچه‌ها و مانداب‌ها و خلش‌ها بوسیله لایهای از خزهای ته نشین شده پوشیده گردیده است . افزایش این رسوبات بر سرعت تبدیل یک دریاچه یا مرداب به خلش می‌افزاید .

خلنجزار (Khalanjzār)
HEATHLAND
زمین پهناور و کشت نشده‌ای که تقریباً "هموار و مسطح بوده و از بوته‌های خار و علف هرزه و خلنج پوشیده شده باشد . به این گونه اراضی خارستان نیز می‌گویند .

خلیج
GULF / BAY
بیشرفتی پهناور و ژرف در دریا در خشکی . این عارضه معمولاً بر اثر بیشرفت آب دریا در فرورفتگی و یا شکست‌ها ، ساحلی پدید می‌آید .

خلیجک (Khalijak)
INLET
شاخه

خمسين
KHAMSI N
باد داغی که از سوی جنوب در مصر و جنوب خاوری نوامی

خط همچند (Kh-e-hamchand)
ISOPLETH
خطی که از اتصال نقاطی که از نظر عوامل معینی دارای کمیت برابر باشند بدست آید . این خطوط در واقع پراکندگی جغرافیائی عوامل مختلف را نشان می‌دهد . از جمله نمونه‌های مورد نظر خط هم فشار ، خط هم بارش و خط هم دما را می‌توان نام برد .

خط هم دما (Kh-e-hamdāma)
ISOTHERM LINE
خطی که از اتصال نقاطی که در یک زمان معین دارای دمای برابر باشند بدست آید . این خط از نظر جغرافیائی کاربرد داشته و معمولاً نقاطی را که دمای میانگین ماهانه برابری دارند بهم متصل می‌سازد و برای این منظور ماههای دی (حدود ژانویه) و تیر (حدود ژوئیه) را که اولی ، در زمستان و دومی در تابستان است ، مورد نظر قرار می‌دهند .

خط هم دمای حقیقی
ACTUAL ISOTHERM
خط هم دمای که بر اساس واقعیت رسم شده باشد و تصحیحات ارتفاعی روی آن انجام نشده باشد .
← خط هم دما

خط هم ژرفا (Kh-e-hamzharfā)
ISOBATH
خطی که از اتصال نقاط هم ژرفا (هم عمق) ی کف دریا بدست آید . از این خطوط برای نمایش شکل کف دریا استفاده می‌شود و در واقع همان نقشی را دارا هستند که منحنی‌های تراز ، در نقشه‌های توپوگرافی دارند .

خط همشورا (Kh-e-hamshurā)
ISOHALINE
خطی که از اتصال نقاطی از اقیانوس یا دریا که دارای درجه شوری برابر باشند بدست آید .

خط همشید (Kh-e-hamshid)
ISOHEL
خطی که از اتصال نقاطی که از نظر زمان تابش آفتاب برابر باشند بدست آید .

خط هم فشار (Kh-e-hamfeshār)
ISOBAR
خطی بر روی نقشه هواشناسی ، که از اتصال نقاطی که دارای فشار جو یکسانی هستند بدست آید . فاصله این خطوط ، در نقشه‌های هواشناسی ۲ یا ۴ میلی بار است .

خط همکشد (Kh-e-hamkeshand)
CO - TIDAL LINE
خطی که از اتصال نقاطی که بطور همزمان در وضعیت برگشتند (مد) قرار می‌گیرند بوجود می‌آید . این خط وضعیت برگشتند (مد) را در فاصله‌های زمانی یک ساعته بر حسب عبور کره ماه از فراز نصف النهار گرینویچ (گرینویچ) در نقاط مختلف

پوسته زمین متفاوت بوده و همچنین، میزان دریافتی روزانه آن نیز، به عوامل خاصی بستگی دارد. علاوه بر آن شکل منطقه و میل آن نسبت به امتداد تابش اشعه خورشید صافی و شفافیت هوا و همچنین موقعیت کره زمین روی مدار آن بدور خورشید نیز از جمله عوامل موثر در دریافت مقدار این انرژی است. این مقدار حتی در طول روز نیز متفاوت بوده و میزان آن به مدت تابش روزانه و زاویه تابش نور خورشید بستگی دارد. هنگامیکه زمین در دو نقطه اعتدال بهاری و پاییزی قرار دارد کلیه نقاط آن به مدت ۱۲ ساعت این انرژی را دریافت می‌دارند. بطور کلی، مقدار خور تابگیری سالیانه استواء زمین، بیشتر از سایر جاها بوده و تغییرات آن نیز ناچیز است و بر عکس میزان خور تابگیری سالیانه قطب‌های زمین، از سایر جاها، کمتر و تغییرات آن بیشتر است.

خوردرمانی (*Kh-darmani*)
HELIO THERAPY
استفاده درمانی از اشعه خورشید یا معالجه به کمک اشعه آفتاب.

خوردیس (*Khordis*)
MOCK SUN
تصویر قرمز رنگی از خورشید که به خورشید حقیقی که نزدیک افق باشد خیلی شبیه بوده و مسافت زاویه‌ای آن با کره حقیقی خورشید ۲۲ درجه باشد.
رنگ این تصویر را گاه سفید نیز انتخاب می‌کنند.

خورشید
SUN
جرم مرکزی منظومه شمسی که قطر آن ۱,۳۹۲,۰۳۰۰ کیلومتر بوده و گرمای میانگین سطح آن حدود ۵۷۰۰ درجه سانتیگراد و گرمای درونی آن به مراتب بیشتر از این است، کره خورشید هر ۲۴/۵ روز یکبار بدور خویش می‌چرخد و سیاره‌های آن نیز با سرعتی حدود ۱۸/۵ کیلومتر در ثانیه به گرد آن در گردشند. فاصله متوسط خورشید از زمین حدود ۱۵۲ میلیون کیلومتر است.

حجم خورشید ۱,۰۲۵,۰۰۰ برابر حجم زمین است و جرم خورشید را که مطابق قانون سوم کپلر محاسبه می‌کنند معادل ۲×۱۰^{۳۲} گرم و یا $۱۰^{۳۰} \times ۲$ کیلوگرم و یا $۱۰^{۲۷} \times ۲$ تن و بالاخره بیش از دو بیلیون بیلیون تن بدست آورده‌اند که برابر ۳۳۳ هزار برابر جرم زمین است.

چگالی خورشید در حدود ۵/۲۵ چگالی زمین است. چگالی خورشید ثابت نیست. چگالی در نزدیکی مرکز خورشید بسیار بیشتر از چگالی در سطح آن است و دلیل آن وزن زیاد ماده‌ای است که روی آن قرار دارد. وزن ماده‌ای که خورشید از آن ساخته شده است فشاری در حدود ۱۰ بیلیون آتسفر در مرکز

مدیترانه می‌وزد. این باد که خیلی خشک و گرم است، اغلب با توفان شن همراه بوده و با عبور از فراز دریا رطوبت کمی با خود به همراه دارد. مدت وزش این باد حدود ۵۰ روز از اواسط فروردین تا اواسط خرداد است و به همین مناسبت به آن باد خمسین یا پنجاه روزه می‌گویند.

خندق
FOSSE
گودالی که پیرامون شهرهای قدیمی و یا بناهای نظامی حفر شده باشد. در روزگار گذشته خندق‌ها را معمولاً از آب پر می‌کردند تا شهر و یا تاسیسات نظامی را از خطر مهاجمان احتمالی مصون دارند.
واژه خندق در اصل بزبان فارسی بوده و آنرا کندک می‌گفتند.

خود مختاری
AUTONOMY
استقلال گونه، محدود یک واحد سیاسی یا غیر آن (مثلاً یک فرقه‌ی مذهبی) در اداره امور خود. در مورد سرزمینهای تحت استعمار، خود مختاری مرحله قبل از استقلال است که طی آن مردم مستعمره توانایی اداره امور خود را بدست می‌آورند. در تقسیمات داخلی کشورها، خود مختاری عنوان آن دسته از استانها یا ایالات است که به لحاظ شرایط خاص قومی، نژادی، مذهبی و نظایر آن، از استقلال محدود داخلی برخوردار بوده و فقط در امور مربوط به سیاست خارجی و دفاع تابع دولت مرکزی می‌باشند.

خور (*Khor*)
ESTUARY
نام شاخه‌هایی است از خلیج فارس، که خور موسی و خور میناب را می‌توان از آن جمله دانست.
همچنین به درمهای زیر آبی خلیج فارس نیز خور می‌گویند.

خورابه (*Khorābeh*)
DISAPPEARING STREAM
جویباری سطحی که بدرون زمین فرو رفته و ناپدید شود. این وضعیت معمولاً در زمین‌هایی که از نوع آهکی بوده و دارای چاهک باشند بوجود می‌آید. آب این گونه جویبارها چاهک‌های آهکی را به مرور وسیع تر و گودتر کرده و بتدریج به زیر لایه‌های آهکی نفوذ می‌کند.

خورتاب سنج (*Khortāb sanj*)
SOLARIMETER
دستگاهی که برای اندازه‌گیری شدت تشعشعات نور خورشید بکار می‌رود.

خور تابگیری (*Khor tābgiri*)
INSOLATION
انرژی که بصورت تشعشع، توسط زمین و یا سایر سیارات از خورشید دریافت می‌گردد. مقدار این انرژی در قسمت‌های مختلف

می‌دهد و بهمین جهت به آن خورشید نیمه شب می‌گویند. علت این امر تمایل محور جرم زمین نسبت به دایره البروج، و توجه نیمکره‌های زمین بسوی خورشید در تاستان است.

SPECTROHELIOGRAPH

خور طیفنگار

بسیاری از اطلاعاتی که درباره خورشید و جو آن بدست آمده، به کمک دستگاهی حاصل شده است که خور طیفنگار نام دارد. این دستگاه که آن را در سال ۱۸۹۰ عرج، ا. هیل (۱۸۶۸ - ۱۹۳۸) وارد محوم کرد، دستگاهی بسیار ارزش بوده است زیرا محمان را قادر می‌سازد که به آسانی بوزیع هر عنصری را بر فرض خورشید بدست آورند. محم می‌تواند در چند دقیقه بوزیع شدرن، اکسژن، کلسم با هر عنصر دیگری را در بخشی از سطح خورشید که رو به زمین است به دست آورد.

SPECTROHELIOGRAM

خور طیفنگار

عکسی است از خورشید که با بوری به طول موج بسیار محدود به عرض یک آنکسیرم و با حتی کمتر گرفته می‌شود.

— خور طیفنگار

ECLIPSE OF THE SUN (Khor gereft)

خور گرفت یا کسوف، عبارت از وضعی است، که کره ماه میان زمین و خورشید قرار گرفته و خورشید را از دید زمینی پنهان سازد. خور گرفت ممکن است کامل و یا جزئی باشد.

خورشید ایجاد می‌کند و چکالی گاز در مرکز ۱۰۰ برابر چکالی آب یا نقریسا ۱۰۰ برابر چکالی سرب است.

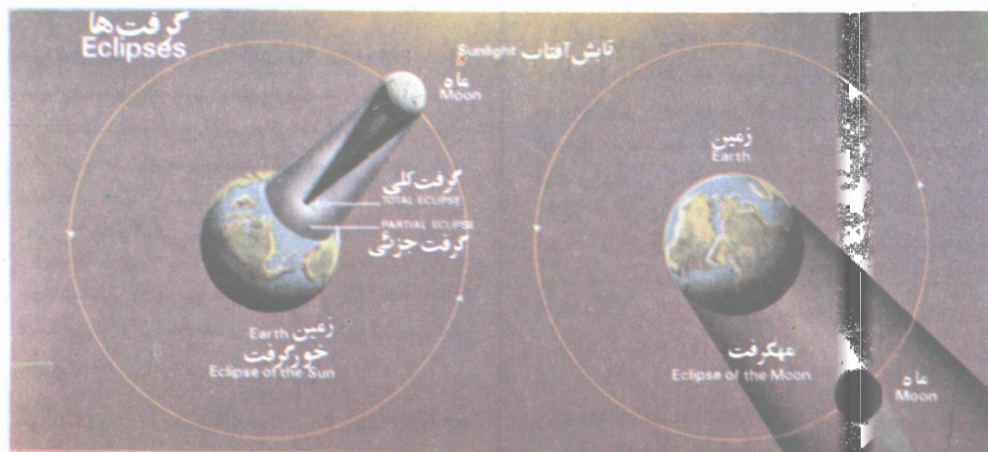
علیرغم این فشار و چکالی، خورشید سرتا سر از گاز است. زیرا دما در مرکز آن در حدود ۱۴ میلیون درجه مطلق است. خورشید در معایسه با سیلونها ساره کهکشان ۱/۰ ساره‌ای متوسط به شمار می‌رود. روشی ظاهری و اندازه ظاهری آن صرفاً معلول نزدیکی آن به زمین است. خورشید، برخلاف زمین تماماً از گاز است. لایه‌های نام رختانکره بر دورا دور خورشید وجود دارد که نور خورشید از آن سرخشمه می‌گیرد و این لایه مانع دیدن چیزهایی می‌شود که در زیر آن قرار دارد. خورشید با سرعت زاویه‌ای سانی بر کرد محوس نمی‌چرخد و به همین دلیل نقطه‌ای که بر اسوای آن واقع است یک دوران کامل را در ۲۵ روز انجام می‌دهد در حالی که برای نقطه‌ای در ۶۰ درجه‌ای شمال یا جنوب اسوا، یک دوران کامل ۳۱ روز به درازا می‌کشد.

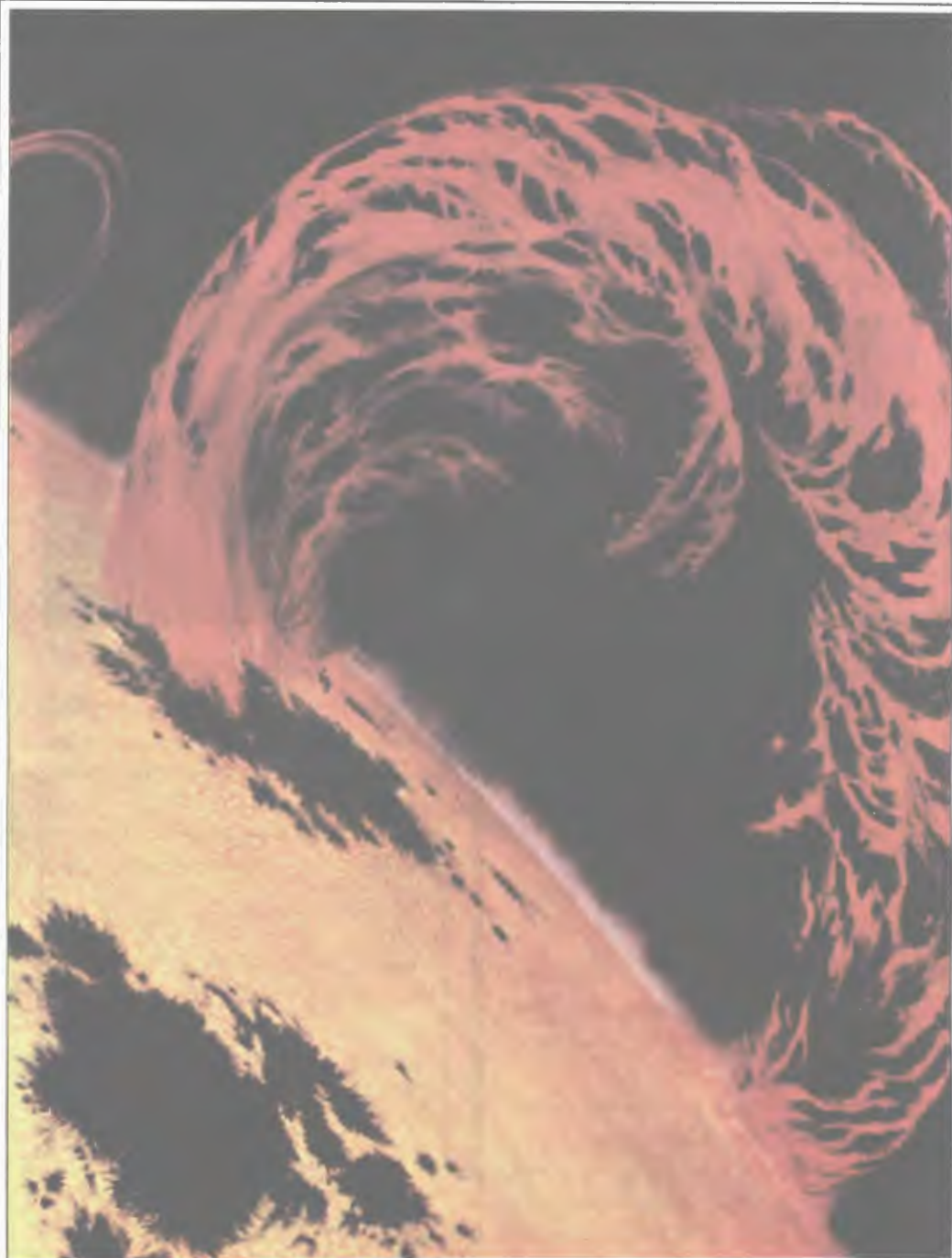
(تصویر در صفحه ۱۵۱)

MIDNIGHT SUN

خورشید نیمه شب

در مناطق بالاتر از ۶۳/۵ درجه عرض جغرافیائی در حد فاصل اواخر اردیبهشت تا اوایل امرداد در نیمکره شمالی، و از اواخر آبان تا اوایل بهمن ماه در نیمکره جنوبی، خورشید در تمام ۲۴ ساعت شبانه روز، همواره بالای افق بوده و غروب نمی‌کند، و حتی در نیمه شب نیز به نورافسانی ادامه





است که حدود ۲۰۰۰۰ سال نوری از زمین فاصله دارد .
از خوشه‌های مدّور تا کنون حدود ۱۰۰ خوشه شناخته شده .

خمیزاب (Khizāb) SWELL

حرکات و جنبش‌های منظم سطح آب دریا که به موج تبدیل نشده باشد .

خمیه تپه (Kheymeh tappeh) TENT HILL

تپه مخروطی شکلی که شباهت به چادر یا خمیه داشته باشد .



خوشه‌ها

خورگرفت حلقوی ANNULAR ECLIPSE

چون فاصله ماه تا زمین در تغییر است ، لذا اگر خورگرفت (کسوف) هنگامی روی دهد که ماه در فاصله بیشتری از زمین قرار گرفته باشد سایه ماه به زمین نرسیده و در نتیجه حلقه باریکی از نور خورشید گرداگرد ماه را در بر می‌گیرد که به آن خورگرفت حلقوی یا کسوف حلقوی می‌گویند .
← خورگرفت .



خورگرفت حلقوی

خورنگار (Khornegār) HELIOGRAPH

دستگاهی است برای ارسال پیام که براساس فرستادن درخش‌های کوتاه و بلند (مانند الفبای تلگرافی موریس) کار می‌کند .

این وسیله عبارت از آینه‌ای است که نور را منعکس می‌کند و می‌توان جلو آنرا باز یا بسته کرد .

خوشه‌ها CLUSTERS

دسته‌هایی از ستارگان که دارای خواص مشترکی از نظر فاصله از زمین و سرعت و جهت حرکت یکسان هستند و ظاهراً دارای منشأ مشترکی می‌باشند .

خوشه‌ها بر دو نوعند : باز یا گشاده و مدّور یا کروی خوشه‌های باز را به مناسبت اینکه بیشتر آن‌ها در ناحیه کپکشان هستند ، خوشه‌های کپکشانی نیز می‌گویند ، این دسته در مقایسه با خوشه‌های مدّور پراکنده‌اند و تا کنون بیش از ۳۰۰ خوشه باز فهرست شده . از جمله مهمترین و شناخته‌ترین خوشه‌های این دسته خوشه پروین را می‌توان نام برد .

خوشه‌های مدّور از چندین هزار ستاره تشکیل یافته و تراکم ستارگان در ناحیه مرکزی بیشتر از جاهای دیگر است . نزدیک‌ترین خوشه مدّور نسبت به زمین خوشه‌امکای قنطورس



معدالک چون عده آن‌ها کمابیش ثابت است، بنابراین افراد هر جنس برای تأمین ماء من و غذا و مسکن با یکدیگر در مبارزه‌اند (تنازع بقاء).

(۲) هیچ دو حیوان یا دو گیاه همانند نیستند بلکه حتی در افراد هر جنس انحرافات و یا اختلافاتی وجود دارد. بنابراین آن دسته از گیاهان و یا جانوران که دارای انحرافات مساعد هستند برای بقاء و تولید مثل مناسب‌ترند (اصل انتخاب طبیعی).

(۳) بسیاری از انحرافات از والدین به فرزند منتقل می‌شود و از نسلی به نسل دیگر باقی می‌ماند و در نتیجه جنس جدیدی تکامل می‌یابد.

داروین در سال ۱۸۷۱ اصل انتخاب جنسی (نر و مادگی) را نیز بر اصول خویش افزود.

MOUNTAIN

داغ

واژه ترکی—کوه

MEANDER SCAR

داغ چماب

چماپی که بوسیله ته نشین‌های یک رودخانه پر شده و در آن علف و گیاه هرز روئیده باشد ولی شکل و فرم آن همچنان قابل تشخیص باقی مانده باشد.

CORRIDOR

دالان

باریکه‌ای از سرزمین یک کشور که برای دسترسی به منابعی مانند دریا به درون سرزمین کشور دیگری پیش‌رفته باشد. مانند دالان دانزیک در لهستان.



دالان لهستان

AIR CORRIDOR

دالان هوایی

راه هوایی میان مراکز عبور و مرور هوایی را دالان هوایی می‌گویند. دالان هوایی قاعدتاً "بر فراز زمینهای مناسب برای فرود اجباری واقع است و در بین راه دارای فرودگاههای

TRANSIT TRADE

داد و ستد ترانزیت

عبور دادن کالاهای بازرگانی از کشوری به کشور دوم از طریق راههای کشور سوم، مانند کالاهای اروپائی که از طریق راههای زمینی ترکیه به ایران وارد و یا از ایران به اروپا صادر می‌گردد. به این عمل، تجارت ترانزیت نیز می‌گویند.

DENDROCHRONOLOGY

دار زمان شناسی

(Dārzamānshenāsi)

شاخه‌ای از زمان شناسی که طی آن برای تعیین تاریخ گذشته از کلفتی و خصوصیات حلقه‌های تنه درختان که تحت تاثیر گرما و بارندگی قرار دارند استفاده می‌شود. از این طریق برای تعیین تاریخ رویدادهای آب و هوایی سه هزار سال اخیر از روی تجربه و تحلیل حلقه‌های تنه درختان استفاده ارزشمندی شده است.

DENDROLOGY

دارشناسی (Dārshenāsi)

بخشی از دانش جنگلداری که درباره رده بندی، ریخت شناسی و پراکندگی جغرافیائی درختان گفتگو می‌کند.

TIMBER LINE / TREE LINE (Dārmarz)

دار مرز حد رویش گیاهان از نظر ارتفاعی و همچنین از نظر عرض جغرافیائی که ارتفاع این خط بر حسب موقعیت جغرافیائی نوع گیاه، آب و هوا و پاره‌ای از شرایط محلی مانند آفتابگیری فرق می‌کند و بالاتر از این حد گیاه نمی‌روید.

DARWINISM

داروینیسم

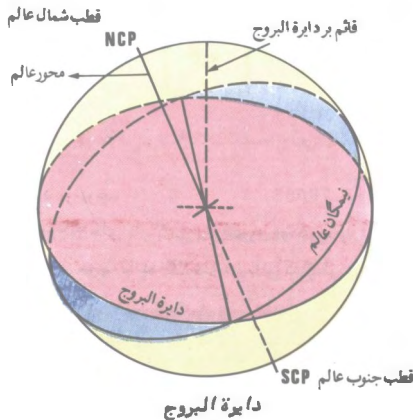
یکی از معروفترین نظریاتی که برای توضیح چگونگی تکامل گیاهان و جانوران بخصوص درباره سازش آن‌ها با مقتضیات محیط زندگی بوسیله داروین ارائه شده است.

این نظریه را به جهت اهمیتی که اصل انتخاب طبیعی یا انتخاب در آن دارد، نظریه انتخاب طبیعی هم می‌گویند.

پیشرفت‌هایی که بعدها در مسئله توارث و مخصوصاً مفهوم موتاسیون (جهش) که چگونگی پیدایش انحرافات را بیان می‌کنند پیدا شده تغییراتی در نظریه داروین داده و آن را تکمیل کرده است.

بر اساس نظریه داروین

(۱) موجودات زنده بطور تصاعد هندسی تولید مثل می‌کنند،



دایره روشنایی
CIRCLE OF LIGHT
دایره عظیمه مرز میان قسمت‌های روشن و تاریک زمین را دایره روشنایی می‌نامند که در واقع حد میان شب و روز را روی کره زمین مشخص می‌سازد.

این دایره همواره دایره نیمگان (استوا) زمین را بدو نیمه برابر تقسیم می‌کند و غیر از آغاز فصل بهار و آغاز فصل پاییز مدارات دیگر را به نیمه‌های نابرابر مجزا می‌سازد.

دایره صغیره
SMALL CIRCLE
بطور کلی دایره‌هایی که از مرکز کره عبور نکرده باشند دایره‌های صغیره نام دارند. مانند مدارات کره زمین (به غیر از نیمگان زمین)، که برای اندازه‌گیری عرض جغرافیایی بکار می‌روند.

دایره عظیمه
GREAT CIRCLE
دایره عظیمه عبارت از دایره‌ای است که سطح آن مار بر مرکز کره باشد و بعبارت دیگر، کره را بدو نیمه برابر تقسیم نماید. دایره‌های نصف‌النهار و همچنین دایره استوا زمین از جمله دایره‌های عظیمه هستند.

بطور کلی کوتاه‌ترین فاصله میان دو نقطه از سطح زمین پاره قوسی از دایره عظیمه‌ای است که از دو نقطه مزبور عبور کرده باشد.

دایره قائم
VERTICAL CIRCLE
اگر بر افق عالم دایره عظیمه‌ای عمود نمایند دایره قائم بوجود می‌آید. (تصویر در صفحه ۱۵۵)

دایره‌های ساعتی
HOUR CIRCLES
دایره‌های عظیمه‌ای که بر نیمگان عالم عمود باشند دایره‌های ساعتی نام دارند. دایره ساعتی در واقع نصف‌النهارهای

مجهز به وسایل ناوبری هوایی و بیسیم می‌باشد.

دامپروری
PASTORAL FARMING
نوعی دامداری که طی آن دام‌هایی مانند گاو، گوسفند، خوک و امثال آن را تحت شرایط مناسبی نگهداری و پرورش داده و از شیر، گوشت، پشم و یا پوست آن‌ها استفاده گردد. این کار ممکن است در سطح بسیار وسیعی انجام شود (مانند کشورهای استرالیا، آمریکا و آرژانتین) و یا در سطح محدودتر و کوچکتری انجام پذیرد (مانند موسسات دامداری هلند و دانمارک که بیشتر از نظر صنایع لبنیات اهمیت دارند). علاوه بر روش بالا دامداری در جوامع چادرنشین و بدوی بصورت ابتدائی و خیلی ساده نیز متداول است.

دامنرفت (Dāmanroft)
DILUVIUM
موادی که بر اثر فرسایش بر روی دامنه کوهها و یا دامنه دره‌ها تشکیل می‌گردند دامنرفت نامیده می‌شوند. این مواد بر خلاف مواد تارفت در امتداد شیب دامنه‌ها تحت تاثیر نیروی ثقل بسوی پایین می‌لغزند.

دامنه برفگیر
OPACO/ADRET
دامنه‌ای از کوه که بدلیل مشرف بودن بسوی شمال (در نیمکره شمالی) و یا سمت جنوب (در نیمکره جنوبی) از دریافت نور آفتاب محروم باشد. اینگونه دامنه‌ها که در واقع مخالف دامنه آفتابگیر است معمولاً از برف انباشته می‌شود و تا مدت‌ها باقی می‌ماند.

دامنه کوه
PIEDMONT
دور، اطراف و قسمت پایین کوه
—کوهپایه

دانش‌های زمینی
EARTH SCIENCES
نام گروهی از دانش‌های وابسته به زمین مانند زمین‌شناسی، کیتا شناسی و زمین فیزیک.

دانگ
در اصطلاح کشاورزی و ملکداری در ایران، یک ششم دارائی غیر منقول.

دایره البروج (Dāyerat-ol-boruj)
ECLIPTIC

- ۱- مسیری که خورشید در حرکت ظاهری سالانه خود به دور زمین بر کره آسمان می‌پیماید.
- ۲- دایره عظیمه‌ای از کره آسمان که از تقاطع با صفحه مدار گردش زمین به دور خورشید حاصل می‌شود. —منطقه البروج



دایناسور

ALDEBARAN

(Dabarān) دبران

یا الدبران، ستاره آلفا (قدر اول) صورت فلکی ثور که از غول پیکران مایل به سرخی است، قطرش ۳۸ برابر قطر خورشید می باشد.

← الدبران

CYGNUS

(Dajājeh) دجاجة

با طایر یکی از جالبترین صورت های فلکی نیمکره شمالی است که ستاره های آن صلیب بزرگی را تشکیل می دهند. این صورت مشتمل بر بیش از ۵۰ ستاره است که با چشم غیر مسلح دیده می شوند.

دجاجة را صلیب شمالی نیز می گویند و گاه آن را بصورت پرندهای تصویر می نمایند که بسوی جنوب در پرواز است.

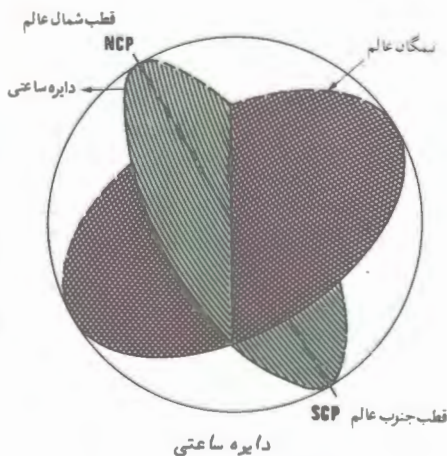
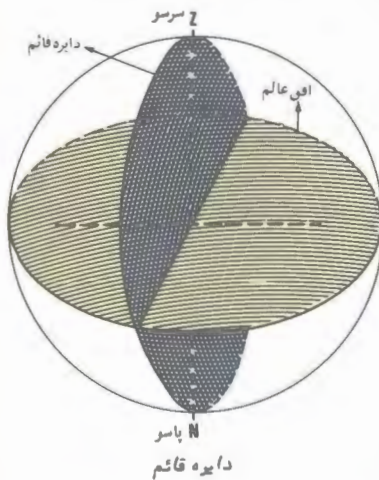
(تصویر در صفحه ۱۵۶)

BUDGET REVENUE

درآمد بودجه

عبارت است از تمامی درآمد دولت از محل مالیاتها، حقوق گمرکی، صنایع و خدمات دولتی در مدت یکسال، که صرف امور جاری کشور می شود.

عالم هستند که از گسترش نصف النهارهای زمین پدید آمده اند.



دایره ساعتی

DINOSAURS

دایناسورها

خزندگان زوال یافته ای مربوط به دوران میان زیوی (مزوزوئیک) که در خشکی زندگی می کرده و طول پاره ای از آن ها به حدود ۳۰ متر می رسیده است.

دستهای از دایناسورها گیاهخوار و برخی گوشتخوار بودند. این خزندگان در پایان دوره کرتاسه از میان رفتند.

URSA MINOR

دب اصغر

← خرس کوچک

URSA MAJOR

دب اکبر

← خرس بزرگ

۲ - کوچه بن بستنی که دارای در و دروازه است .

۳ - دره

۴ - قلعه ، دژ

۵ - کوچه پهن و کوتاه

DEGREE

درجه

الف - واحد سنجش گرما ، در سیستم های سانتیگراد و فارنهایت .

ب - واحد اندازه گیری زاویه که مقدار آن $\frac{1}{360}$ پیرامون دایره است .

BEAUFORT SCALE

درجه بندی باد

— طبقه بندی بوفورت

CEPHALIC INDEX

درجه بندی کاسه سر

— شاخص سر

TEMPERATURE

درجه حرارت

— دما

ROSSI - FOREL SCALE

درجه رسی فورل

مقیاسی برای اندازه گیری شدت لرزه های زلزله که در سال ۱۸۷۸ بوسیله F.A. Forel و M.S.De.Rossi ارائه گردید و تا سال ۱۹۳۱ بکار می رفته است . در این سال سیستم درجه بندی مرکالی جایگزین درجه مزبور شده است .

REAUMUR SCALE

درجه رئومور

سیستم درجه بندی حرارتی خاصی که در آن نقطه ذوب یخ برابر صفر و نقطه جوش آب ۸۰ درجه منظور شده است . برای تبدیل این سیستم به سیستم های سانتیگراد و فارنهایت از رابطه زیر استفاده می شود :

$$\frac{R^{\circ}}{80} = \frac{F^{\circ} - 32}{180} = \frac{C^{\circ}}{100}$$

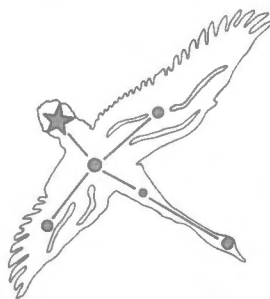
که در این رابطه R درجه رومور ، F درجه فارنهایت و C درجه سانتیگراد است .

— دما

RICHTER SCALE

درجه ریشتر

سیستم متداول اندازه گیری درجه بزرگی زمین لرزه ، که در سال ۱۹۳۵ ، بوسیله C.F.Richter کارشناس زمین لرزه انستیتو تکنولوژی کالیفرنیا ارائه شده است ، این درجه بندی لگاریتمی است و از صفر شروع شده و به ۸ پایان



دجاچه

INTERNAL REVENUE

درآمد داخلی

مجموع مالیاتهایی که از کالاهای تولید شده و مصرف شده در داخل یک کشور گرفته می شود ، مانند مالیاتهایی که از بسیاری کالاهای تولید شده و مصرف داخلی مثل سیگار ، توتون ، قند ، شکر ، بنزین و بلیط سینما و تئاتر اخذ می شود .

PER CAPITA INCOME

درآمد سرانه

عبارت است از متوسط درآمد هر یک از افراد یک کشور در طی یک سال . مقدار فوق از تقسیم درآمد ملی بر جمعیت کشور بدست می آید .

NATIONAL INCOME

درآمد ملی

حاصل جمع کلیه درآمدهای خالصی که در طرف یکسال از عوامل تولیدی کشوری بدست می آید به اضافه وجوهی که درازای خدمات انجام شده پرداخت می شود . بعبارت دیگر هر گاه از "تولید ناخالص ملی" ، اقلام استهلاك کالاهای سرمایه ای کسر شود ، "تولید خالص ملی" بدست می آید و اگر از محصول خالص ملی مالیات غیر مستقیم و پرداختهای انتقالی مؤسسات را کم کنیم درآمد ملی حاصل می شود .

DOLICHOCEPHALIC

دراز سری (Derāz sari)

— شاخص سر

درب

۱ - دروازه شهر و قلعه ، دروازه فراخ .

۲ - راه سخت و تنگ در کوه .

LOCKS

دربند

— آب بند

دربند

۱ - دره تنگی که راهی از میان آن عبور کند .

در مناطق مختلف متفاوت است. بدین معنی که درجه شوری آب دریای سرخ ۴۰ در هزار و درجه شوری دریاهای قطبی حدود ۳۰ در هزار است. درجه شوری پارهای از آبهای استوایی بدلیل بارندگی فراوان کمتر از حد معمول است. در حالی که قسمتهای دیگر بر اثر تبخیر حاصله از وزش بادهای مخصوص این نسبت به بیش از حد متعارف افزایش می یابد.

چون آب رودخانه ها املاح نمکی کمتری در بردارند از این رو اغلب شیرین و تازه بوده و بر اثر ریزش اینگونه رودخانه ها به دریاهای تقریباً "مسدودی" مانند دریای بالتیک از درجه شوری آنها به میزان محسوسی می کاهند. بهمین جهت درجه شوری آب دریای بالتیک حتی کمتر از ۱۲ در هزار است در حالیکه دریاهایی مانند دریای سرخ (بحر احمر) که رودخانه مهمی به آن وارد نمی شود دارای درجه شوری بیش از ۴۰ در هزار است. درجه شوری غالب دریاهای حتی از این اندازه هم بیشتر است مانند بحرالمیت که حدود ۲۴۰ در هزار است.

بطور کلی املاح موجود در آب دریایی که درجه شوری آن حدود ۳۵ در هزار باشد عبارتست از:

- ۱- سدیم کلراید (نمک معمولی)، ۲۳ در هزار.
- ۲- نیتريم کلراید، ۵ در هزار.
- ۳- سولفات سدیم، ۴ در هزار.
- ۴- کلسیم کلراید، ۱ در هزار.
- ۵- پتاسیم کلراید، ۰/۷ در هزار.

توجه: درجه شوری آب دریا را بر حسب گرم در لیتر نیز بیان می کنند و به آن شورا نیز می گویند.

FAHRENHEIT درجه فارنهایت

سیستم ویژه ای است در درجه بندی گرما، که در سال ۱۷۲۴ میلادی بوسیله گابریل فارنهایت ارائه شده و صفر آن نقطه ذوب یخ در مخلوطی از آب و نوشادر بوده و درجه ۳۲ آن معرف نقطه ذوب یخ در آب خالص و درجه ۹۶ آن نشانه حرارت طبیعی بدن انسان است. مبتکر این سیستم در آغاز توجهی به نقطه جوش آب نداشته و فقط به تجربه ابراهام شده است که در ۲۱۲ درجه فارنهایت آب به جوش می آید. برای تبدیل سیستم های فارنهایت (F) و سانتیگراد (C) بیکدیگر از فرمول های زیر استفاده می شود:

$$F = \frac{9}{5} (C + 32)$$

$$C = \frac{5}{9} (F - 32)$$

می یابد (مع الوصف درجه ۸/۶ نیز تا کنون در سه مورد دیده شده است). آخرین درجه این سیستم با درجه ۱۲ مرکالی برابر است.

CENTIGRADE SCALE درجه سانتیگراد

سیستم سنجش گرما، که بصورت بین المللی در غالب نقاط گیتی برسمیت شناخته شده و بکار می رود. بر اساس این سیستم حد فاصل نقطه شروع یخبندان (یا نقطه آغاز آب شدن یخ) و نقطه آغاز جوش آب را در سطح دریا به صد قسمت برابر تقسیم نموده اند که هر قسمت را یک درجه سانتیگراد می نامند. این سیستم را در سال ۱۹۴۸ میلادی به افتخار Celsius دانشمند سوئدی که مبتکر آن بوده است، به درجه بندی سلسیوس نامگذاری کرده اند. برای تبدیل سیستم سانتیگراد به سیستم فارنهایت و برعکس از فرمول زیر استفاده می شود:

$$C = \frac{5}{9} (F - 32)$$

یا

$$\frac{C}{100} = \frac{F - 32}{180}$$

← درجه سلسیوس و درجه فارنهایت.

CELSIUS SCALE درجه سلسیوس

عنوان پذیرفته شده بین المللی برای درجه گرما بر حسب سانتیگراد. این عنوان از نام دانشمند سوئدی که از سال ۱۷۰۱ تا ۱۷۴۴ میلادی زندگی می کرده است اقتباس شده است. دانشمند مزبور حد فاصل میان شروع یخبندان و آغاز جوش آب را به صد قسمت تقسیم کرده و بر این اساس گرماسنجی ساخته که تا امروز مورد بهره برداری است و به افتخار نام وی شناخته شده است.

بر اساس این سیستم که در سال ۱۷۴۲ به آکادمی علوم سوئد ارائه گردیده است، صفر برای شروع یخبندان و صد برای آغاز جوش آب منظور شده این سیستم با علامت اختصاری C که از نام Celsius اقتباس شده نشان داده می شود که بر حسب تصادف با علامت اختصاری C برای سانتیگراد (Centigrade) همانند است.

← درجه سانتیگراد.

SALINITY درجه شوری آب

درجه شوری آب اقیانوسها و دریاها و دریاچه ها و رودخانه ها و مانند آن، که بر حسب در هزار بیان می گردد. بطور متوسط درجه شوری آب اقیانوسها ۳۵ در هزار است که این میزان

DENDROLOGY

درخت شناسی

— دارشناسی

LIGHTNING

درخش (Darakhsh)

— آدرخش

GREEN FLASH

درخش سبز (D-e-sabz)

سور سبزی که هنگام دمیدن و یا غروب خورشید در آسمان صاف بعد ۲ تا ۳ ثانیه دیده می شود. بطور کلی رنگ های آبی و سبز نور خورشید بیشتر از رنگ های زرد و قرمز شکسته شده و در سبجه هنگامی که خورشید در افق قرار می گیرد تنها رنگی از سور آن که مشاهده می شود نور سبز بوده و رنگ آبی آن نیز جذب جو زمین خواهد شد.

ST. ELMO'S FIRE

درخش سنت المو

تحلیه الکتریکی حرقه ماسدی که در هوای سوفانی بر فرار دکل کشنی ها و سر درحما و سایر اشیا بلند دیده می شود.
— آس سب المو

درر (Darz)

واحد صاحب. نعریا " معادل ۲۱ متر مربع (معمول در گیلان)

JOINT

درزه (Darzeh)

در رمیشناسی، شکافی مسوی یا نعریا " مسوی در داخل یک بوده سنگی.

GRIT/GRITSTONE

درشماشه سنگ

سنگی که از ماسه های درشپ گونه دار تشکیل یافته باشد.

درشماک (Doroshtnāk)

رمش سنگلاخ صعب العصور

MAGNIFYING POWER

درشتمائی

نسبت قطر طاهری تصویر نهائی به قطر طاهری شیئی که در حد فل فاصله روبت از یک عدسی قرار گرفته باشد.

QUARTZ

دَر کوهی (Dorr-e-kuhi)

— کواریز

SLOPE

درکه (Darakeh)

— سب و سرازیری

SUSPENSION

دروا (Darvā)

در فربک، جسم حامدی که در اس آمیخته با دراب جسم

KELVIN SCALE

درجه کلونین

شیوه ای است برای اندازه گیری دما که مبنای آن بر صفر مطلق یعنی ۲۷۳- درجه سانتیگراد استوار است. مقدار درجه کلونین را می توان بر اساس فرمول $K = C + 273$ محاسبه نمود که در این فرمول K درجه کلونین و C درجه سانتیگراد است. منظور از صفر مطلق دمائی است که در آن حجم یک گاز کامل برابر صفر شود. بر طبق محاسبات فیزیکی، دمای صفر مطلق $273/16$ - درجه سانتیگراد است که این دما پست ترین دمائی است که ممکن است به آن رسید و به همین جهت صفر مطلق درجه بندی دما می باشد. سابقاً تصور بر این بود که در دمای صفر مطلق هر گونه حبش مولکولی متوقف می شود. ولی آزمایش ها نشان داده اند که در دمای صفر مطلق مقداری انرژی حرکتی در ماده باقی می ماند.

وصول به دمای صفر مطلق تا کنون ممکن نشده و شاید هیچگاه نیز ممکن نگردد.

MERCALLI SCALE

درجه مرکالی

واحد اندازه گیری شدت زمین لرزه است که متناسب با فاصله از مرکز وقوع زلزله می باشد. این واحد همواره با قید محل گزارش همراه است و مقدار آن از ۱ تا ۱۲ می باشد که ۱۲ آن با ۸ ریشتر برابر است.

OCCUPANCY RATE

درچند انبوهی جمعیت

درچند انبوهی جمعیت هر منطقه را مطابق فرمول زیر محاسبه می کنند:

$$R = \frac{\text{جمعیت}}{\text{تعداد اطافهای قابل زیست}}$$

در حالیکه $R = 1$ باشد وضعیت خوب و دلخواه و در صورتیکه $R \geq 1/5$ باشد جمعیت را انبوه می گویند.

توضیح — منظور از اطافهای قابل زیست کلیه اطافهای یک خانه غیر از آشپزخانه، حمام و مانند آن است.

ACTIVITY RATE

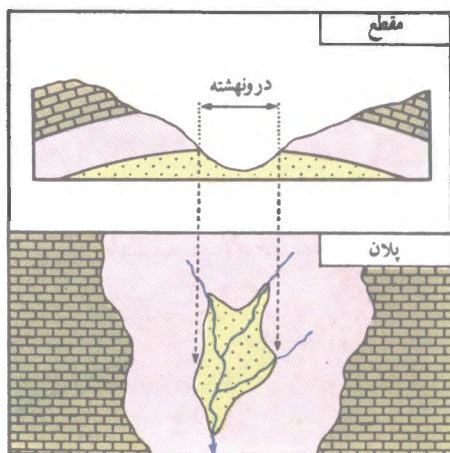
درچند کارائی

نسبتی از جمعیت یک کشور که در سین کار و فعالیت قرار گرفته اند و به عبارت دیگر جویای کار هستند. این نسبت در مردان بین سنین ۱۵ تا ۶۴ و در زنان بر حسب شرایط جغرافیائی و پاره ای عوامل دیگر متفاوت است ولی رقم متوسط آن بین ۱۵ تا ۵۹ سال است.

WOOD

درختزار (Derakhtzār)

توده ای از درختان، یا یک جنگل کوچک را گویند.



دره‌نشسته

VALLEY (Darreh) دره

شیار ممتدی که معمولا "از ارتفاعات شروع شده و به دریا پایان می‌یابد. در پاره‌ای دره‌ها، رودخانه جریان دارد. تمام حوضی زهکشی یک رودخانه یا هر فرورفتگی طولانی معتابه در سطح زمین، عواملی که سبب تشکیل کوه‌ها هستند دره را نیز بوجود می‌آورند. گسله‌ها غالبا "سبب تشکیل دره می‌شوند (مثلا "دره‌ی نشستی بزرگ) عادیترین علت تشکیل دره‌ها (دره‌های رودخانه‌ای) فرسایش روانه‌ها است. دره‌ها به سبب اینکه غالبا "از باد در پناه‌اند، دارای خاک عمیق و حاصلخیز و آب کافی هستند.

LONGITUDINAL VALLEY دره طولی

دره‌ای که هموارات رشته‌های کوه قرار گرفته باشد، و یا به‌عبارت دیگر، دره‌ای را گویند که در امتداد خواب چینه‌های زمین واقع شده باشد.

TRANSVERSE VALLEY دره عرضی

دره‌ای که رشته ارتفاعات را بطور نسبتا "قائم قطع نماید.

HANGING VALLEY دره معلق

— فراز دره

SYNCLINAL VALLEY (D-ye-nāvdisi) دره ناودیس

دره‌ای که بر اثر تاخوردگی منفی یا چین خوردگی ناودیس پدید آمده باشد.

RIFT VALLEY (D-ye-neshesti) دره نشستی

زمینی که میان دو گسله موازی قرار گرفته و دره طویل کف

سپالی است که آنرا حل نمی‌کند و یا آمیخته با ذرات جسم جامد دیگری است. مثلا "ذرات غبار موجود در جو و ذرات خاک موجود در آب گل‌آلوده حالت دروایی دارند. در اصطلاح شیمی فیزیک، دروا دستگاهی است دارای دوفاز متشکل از ذرات ریز جسم جامدی که در جسم جامد دیگری یا در سپالی که آنرا حل نمی‌کند متفرق است.

PLANKTON (Darvāzi) دروازی

موجودات کوچکی از جنس گیاه یا جانور، که در آب اقیانوسها و دریاها شناور بوده و خوراک غالب ماهیها و جانوران دریایی را تشکیل می‌دهند.

از انواع این موجودات، گونه‌های شنازی و بن‌زی‌آمی‌توان نام برد.

BARYSPHERE (Darun espehr) درون اسپهر

آن قسمت از زمین که در زیر پوسته خارجی آن واقع شده است. ساختمان و طبیعت این قسمت از زمین تاکنون بدرستی شناخته نشده ولی قدر مسلم این است که این قسمت کاملاً "متراکم بوده و احتمالا "دارای گرمای زیادی است.

INLAND (Darunbum) درون‌بوم

قسمت داخلی یک منطقه یا سرزمین.

ENDOGENETIC (Darunzā'i) درون‌زائی

نیروهای درونی حاصله از انقباض، انبساط، بالا رفتن، فرو رفتن، پیچیدن، ترکیدن و بیرون تراویدن که جمعا "شکل کنونی زمین را پدید آورده است.

ENDOGAMY (Darungāni) درون‌گانی

ازدواج در داخل قبیله، طبقه و یا دسته‌ای از اجتماع.

INLIER (Darunheshteh) درون‌هسته

توده‌ای از سنگهای قدیمی که پیرامون سنگهای جوان‌تری را فرا گرفته باشند.

INTERPOLATION (Darunyābi) درون‌یابی

تعیین کردن مقادیر یک تابع در بین نقاطی که مقدار تابع در آن‌ها معلوم است. مانند معلوم کردن جمعیت یک کشور در خلال سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۰، به فرض معلوم بودن جمعیت آن در سال‌های ۱۳۲۰، ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰.

از عمل درون‌یابی در پاره‌ای کارهای نقشه برداری مانند رسم خط‌های تراز استفاده می‌شود.

آب پاره‌ای از دریاچه‌ها شور و پاره‌ای دیگر نسبتاً "شیرین و رقیق‌تر است .

دریاچه‌هایی که در سرزمین‌های پرباران و معتدل واقع شده‌اند اغلب دارای آب شیرین هستند و میزان واردات آن‌ها بیشتر از میزان تبخیر آن‌ها بوده و غالباً "قسمتی از آب آن‌ها بوسیله جویبارها و رودخانه‌هایی سرریز می‌گردند . ولی دریاچه‌هایی که در مناطق کم باران و خشک قرار گرفته‌اند بدلیل فزونی میزان تبخیر بر واردات ، آب شور و غلیظی داشته و اغلب از نظر استخراج نمک و املاح دیگر مورد بهره برداری قرار می‌گیرند . پاره‌ای از این گونه دریاچه‌ها درفصول گرم و خشک بکلی از آب تهی شده و خشک می‌گردند و فقط نم‌کاری از آن‌ها بجای می‌ماند . بطور کلی دریاچه‌هایی که میزان واردات آن‌ها بر میزان تبخیر فزونی داشته باشد جزو دریاچه‌های دائمی و آن دسته‌ای که بر عکس میزان تبخیر آن‌ها بر وارداتشان افزون باشد جزو دریاچه‌های موسمی طبقه بندی می‌گردند . بزرگترین دریاچه جهان دریاچه خزر (که بدلیل وسعت زیاد حتی دریای خزر نیز گفته می‌شود) ، با وسعت حدود ۴۴۰۰۰۰ کیلو متر مربع ، و عمیق‌ترین آن‌ها دریاچه بایکال واقع در جنوب سیبری ، به ژرفای ۱۶۲۰ متر ، و پست‌ترین دریاچه بحرالعیات به ارتفاع ۳۹۵- متر ، و مرتفع‌ترین آن‌ها دریاچه تی‌تی‌کا واقع در بولیوی ، به بلندی ۳۸۱۲ متر است .

CRATER LAKE

دریاچه آذرین

آب فراوانی که در دهانه یک آتشفشان جمع شده و دریاچه کوچکی را تشکیل داده باشد . مانند دریاچه آذرین اورگون که ۶۰۰ متر ژرفا داشته و ارتفاع سطح آب آن ۱۸۷۷ متر بالاتر از سطح آب‌های آزاد بوده و پیرامون آن حدود ۴۸ کیلو متر است . (تصویر در صفحه ۱۶۱)

FINGER LAKE

دریاچه انگشتی

دریاچه باریک و درازی که در امتداد بستر یک روانه یخ بسته پدید آمده باشد . غالب این دریاچه‌ها در نتیجه فرسایش حاصل از یخبندان پدید آمده و بعضی از آن‌ها نیز بر اثر انباشته شدن توده‌های سنگ نوع یخرفت و ایجاد سدهای طبیعی در انتهای دره‌های مشرف بدریا ایجاد شده‌اند .

RESERVOIR

دریاچه سد

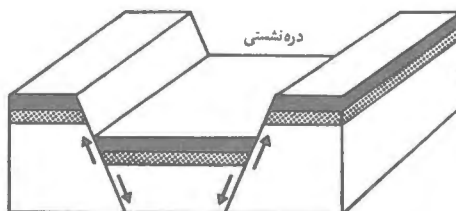
— مخزن سد

LIMNOLOGY

دریاچه‌شناسی

بررسی‌های علمی درباره آب دریاچه‌ها و برکه‌ها از نظر فیزیکی ، شیمیایی ، زیست شناسی و سایر خصوصیات آن‌ها .

تختی را پدید آورده باشد مانند دره رود اردن .



دره نشستی

INTERLOCKING SPUR

دژه هفتی

دره‌ای که مقطع عرضی آن شکل عدد ۷ باشد و رودخانه پر پیچ و خمی در آن جاری باشد .

U SHAPED VALLEY

دژه U شکل

دره‌ای که مقطع عرضی آن شکل U بوده و کف آن نسبتاً مسطح و دیواره‌های شیب‌دار داشته باشد . این گونه دره‌ها معمولاً بر اثر فرسایش حاصله از حرکت یخچال‌های طبیعی پدید می‌آیند .

V SHAPED VALLEY

دژه V شکل

— دره هفتی

SEA

دریا

الف — توده آب پهناور و گسترده‌ای که پیرامون آن را خشکی فرا گرفته باشد ، مانند دریای خزر .
ب — قسمتی از یک اقیانوس که در مجاورت یک قاره قرار گرفته باشد ، مانند دریای عمان .
پ — در پاره‌ای از بخش‌های خاوری ایران بمفهوم رودخانه بکار می‌رود ، مانند آمو دریا .

دریا بار

- ۱ — کنار دریا ، ساحل .
- ۲ — شهری که در ساحل دریا باشد ، مانند بندر .
- ۳ — باران سیل آما .
- ۴ — طغیان رودخانه .

SEAPORT

دریا بندر

بندر و یا بندرگاهی بر کنار دریا که برای رفت و آمد کشتی‌های دریا پیمای مساعد باشد .

LAKE

دریاچه (Daryācheh)

گودال تقریباً "بزرگی در پوسته زمین ، که از آب پر شده باشد .



دریاچه آذرین

تبخیر زیاد با املاح نمکی فراوان همراه باشد، مانند دریاچه بحر المیت با درجه شوری ۲۴۰ در هزار (یا ۲۴۰ گرم در لیتر) و یا دریای خزر که درجه شوری آن ۱۷۰ در هزار است و به آن دریاچه شور نیز می‌گویند.

SEASICKNESS

دریا زدگی

عارضه‌ای مانند تهوع، سرگیجه و سستی و مانند آن که در حرکت بر آب به علت نوسانات کشتی به بعضی اشخاص دست می‌دهد.

علت دریا زدگی که گونه‌ای بیماری حرکت زدگی است، تاثیر حرکت بر لاهیرنت حساس گوش و بر مخچه است و پاره‌ای عوامل دیگر مانند ترس، تحریکات بصری، تهویه ناقص، بخارات و یا بوهای موزی و عفونت نیز در آن موثرند.

LAKE

دریا زه

— دریاچه

BEACH/ SEA-SHORE

دریا کنار

نواری از خشکی که پیرامون دریا را فرا گرفته باشد. این قسمت از خشکی که به آن پلاژ نیز گفته می‌شود در واقع حفاصل ساحل دریا هنگام آب بالا (مد) و آب پایین (جزر) بوده و بوسیله حرکات آب دریا شکل گرفته است. دریا کنار به شکل‌های گوناگونی از ماسه شن و صخره و امثال آن دیده می‌شود که همه آنها تحت فرسایش حاصله از آب تغییر شکل داده است.

PELAGIC/ PLAGIAN

دریا میانی

مربوط به اعماق آب و دور از خشکی مانند نهشت‌های دریایی دور از ساحل.

CONTINENTAL SEA

دریای قاره‌ای

شاخه‌ای از اقیانوس که بدون قاره کشیده شده باشد. مانند

SALT LAKE

دریاچه شور

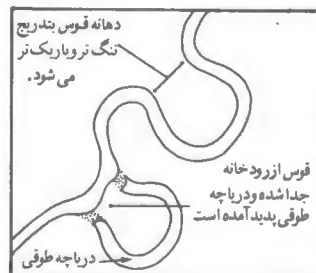
— دریاچه نمک

OXBOW LAKE

دریاچه طوقی (D-ye-toqi)

رودخانه‌ای که قوسی را به شکل یک دایره کامل طی کرده و سپس مسیر خود را از کنار دایره مزبور که به آن دریاچه طوقی می‌گویند ادامه داده باشد.

همانطوری که در شکل دیده می‌شود، نخست گلوگاه زمین واقع میان دو باریکه بریده می‌شود و رودخانه بیک خط مستقیم تبدیل می‌گردد. سپس قسمت دایره‌ای شکل رودخانه که از بستر اصلی جدا مانده است بیک دریاچه تبدیل می‌شود.



دریاچه طوقی

SEASONAL LAKE

دریاچه فصلی

آبگیری که فقط در فصلهای پر باران آب داشته و در سایر فصول خشک و یا بصورت شوره زار و یا گل زار درآید.

TARN

دریاچه کوهستانی

دریاچه کوچکی در کوهستان که معمولاً از جمع شدن آب در یک چالگاه پدید آمده باشد.

SALT LAKE

دریاچه نمک

دریاچه‌ای واقع در یک منطقه گرم و خشک که آب آن بر اثر

دریای بالتیک ، خلیج فارس و خلیج هودسن .

دزده رود (Dozdeh rud) BOURNE

رودی که گاه دارای آب و گاه خشک است و با رودی فصلی واقع در یک منطقه گچی که بستر آن جز در فصل بارندگی و با زمستان که سطح آب های زیر زمینی بالا می آید همواره خشک است .

دژ (Dezh) FORT

قلعه ، حصار ، دژ

دسامبر DECEMBER

— ماههای اروپائی

دسترسی ACCESSIBILITY

اصطلاحی است در جغرافیای شهری و ترابری به مفهوم سهولت و با اشکال در حرکت و جابجائی میان نقاط گوناگون، مانند مرکز شهر و حومه آن و با پایتخت و نقاط مختلف یک کشور .

دستگرد (Dastگرد)

۱ — روستا ، قریه

۲ — زمین هموار

۳ — زمین و ملک زراعتی

۴ — بنائی مانند کوشک که دورادور آن را خانههایی ساخته باشند .

دشت PLAIN

— جلگه

دشت آبرفتی ALLUVIAL PLAIN

(Dasht-e-abrofti)

— جلگه آبرفتی

دشتبان FIELD WATCHMAN

نگهبان دشت ، پاسبان کشتزار و مزرعه ، مأمور محلی ده که وظیفه او حفاظت مزارع دهقانان از ویرانی و دستبرد این و آنست . در بعضی نقاط ایران دشتبان امور آبیاری را نیز سرپرستی می کند .

دشت ساحلی COASTAL PLAIN

دشتی که از کرانه های دریا شروع شده و به نزدیک ترین ارتفاعات ساحلی پایان یابد . دشت ساحلی درواقع حاصل مواد آبرفتی دریا بوده و معمولاً " از شن و ماسه و گل و مواد گیاهی ترکیب یافته و غالباً " بدست انسان تغییراتی در آن

داده شده است .

دشت سیلابی FLOOD PLAIN

— جلگه سیلابی

دشتگون (Dashtgun) PENEPLAIN

دشت تقریباً " هموار و مسطحی که بر اثر فرسایش حاصله از آب باران و رودخانه پدید آمده باشد . نوع مرتفع دشتگون را فلات می نامند .

دشت یخابرفتی OUTWASH PLAIN

(Dasht-e-yakhābrofti)

ریگ و شن و ماسه و مواد رسی که بر اثر آبرفت یخهای ذوب شده یک یخسار ، یا یک یخچال به مرور زمان ته نشین گردیده و منطقه نسبتاً " پهناوری را به شکل دشت تحت پوشش قرار داده باشد .

دغ (Dagh) PLAYA

یا دق یا دک ۱ — زمینی که علف و گیاه در آن نروید .

۲ — زمین سخت و کوبیده شده ای که کنده نشود .

دقیقه MINUTE

۱ — واحدی برای اندازه گیری زمان ، معادل $\frac{1}{60}$ ساعت و یا ۶۰ ثانیه .

۲ — واحدی برای اندازه گیری زاویه برابر $\frac{1}{60}$ درجه و یا ۶۰ ثانیه .

دک (Dak) PLAYA

یا دق — دغ

دکتر DOCTOR

باد مخصوصی است در افریقای باختری و پاره ای دیگر از نقاط دنیا که بواسطه اثر تعدیل کننده ای که روی هوا دارد موجب مطبوع شدن هوا گردیده و به انبساط خاطر بیمارانی که از ناراحتی های تنفسی در هوای بد رنج می برند منجر می شود و به همین مناسبت به نام دکتر مشهور گردیده است . باد دکتر را هرمتن (Harmattan) نیز می نامند .

دکلی نزون DECLINATION

یکی از ابعاد سیستم مختصات نجومی است و آن عبارت از زاویه ای است که قائم بر نقطه فضائی با سطح نیمگان (سطح استواء) عالم بوجود می آورد و یا عبارت دیگر قطعه قوسی از یکی از نیمروز (نصف النهار) های عالم محدود میان نیمگان (استواء) عالم و جرم آسمانی که روی آن نیمروز قرار گرفته

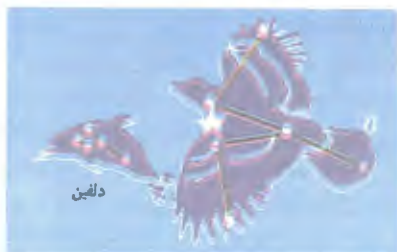


دلتای رود نیل

DELPHINUS

دلفین

صورت فلکی در نیمکره شمالی که بنام صلیب نیز مشهور است. در این صورت که بیک نوری شباهت دارد ستاره نسر طائر درخشان‌ترین ستاره آن را تشکیل می‌دهد که بی شباهت به الماس نیست.



دلفین

AQUARIUS

دلو (Dalv)

یازدهمین صورت فلکی واقع در منطقه البروج مطابق بابهمین ماه در تقویم رسمی ایران.



دلو

FIRE - DAMP

دم (Dam)

بخار و یا ماده منفجره‌ای که از مخلوط شدن هوا و گاز متان بوجود می‌آید.
گاز دم در معدن‌های زغال سنگ یافت می‌شود.

است. دگلی نزون هر جرم آسمانی مشابه عرض جغرافیائی نقاط روی سطح زمین است و بهمان ترتیب نسبت به استواء عالم ممکن است شمالی و یا جنوبی باشد.

METAMORPHOSIS

دگر دیسی (Degardisi)

تغییر مشهود و گمابیش ناگهانی در شکل یا ساختمان یک جانور در دوران زندگی بعد از جنینی، مانند تغییر شکل نوزاد قورباغه.

UNCONFORMITY

دگر شیپی (Degarshibi)

این واژه برای یک سطح فرسایش یا سطحی که در آن رسوب گذاری برای مدتی متوقف بوده بکار برده می‌شود. از دگر شیپی برای تعیین تاریخ فعالیت‌های کوه‌زایی و حرکات یا جنبشهای مختلف پوسته خارجی زمین در گذشته استفاده می‌شود. گاهی اوقات کانیهای با ارزش یا مخازن نفتی قابل ملاحظه با این پدیده همراهند.

METAMORPHISM

دگرگونگی

اعمال فیزیکی و یا شیمیایی، که موجب تغییراتی در جنس ترکیب و ساختمان سنگها گردیده و خصوصیات و ظاهر آنها را عوض نماید. این عمل بوسیله عواملی مانند فشار، گرما و تاثیر آب انجام می‌پذیرد.

ALLOTROPY

دگروارگی (Degarvāregi)

موجود بودن بعضی عناصر شیمیایی به چند صورت (موسوم به اشکال دگروار آن عنصر) متفاوت در خواص فیزیکی. هر یک از این اقسام را یک (شکل) دگروار آن عنصر خوانند. نمونه بارز آن در گربن دیده می‌شود که سه دگروار آن گربن بی شکل، گرافیت و الماس است.

DELTA

دلتا

منطقه‌ای از موادر سوبی، واقع در دهانه یک رودخانه که موجب هموار شدن زمین و شاخه شاخه شدن رودخانه می‌گردد. علت انتخاب این واژه شباهت زیادی است که دهانه رودخانه نیل (واقع در مصر) به حرف یونانی دلتا (Δ) داشته و از زمان باستان به همین عنوان نامیده شده است، در حالیکه دهانه سایر رودخانه‌ها ممکن است شباهتی به حرف مزبور نداشته باشند.

DRY DELTA

دلتای خشک

— پنجه آبرفتی

LACUSTRINE DELTA

دلتای دریاچه‌ای

دلتای رودخانه‌ای که بیک دریاچه وارد شود.

THERMOSPHERE

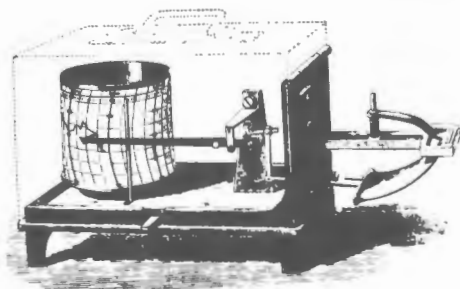
(D-koreh) دماکره

— دما اسپهر

THERMOGRAPH

دما نگار

دما سنخ خودکاری که دمای هوا را بطور پیوسته اندازه گیری و روی نوار مخصوصی ثبت نماید. این دستگاه از یک دما سنخ و یک غلطک استوانه ای که در جهت گردش عقربه های ساعت بدور خود می چرخد تشکیل یافته و تغییرات دما بوسیله قلم مخصوصی روی نوار کاغذی که به دور غلطک مزبور پیچیده رسم می گردد.



دما نگار

THERMOGRAM

دما نگاشت

منحنی نمایش دمای هوا، که بوسیله ی دما نگار ثبت می شود.

CRITICAL TEMPERATURE

دمای بحرانی

حرارتی که از نظر حیات و یا رشد گیاه اهمیت و یا حساسیت داشته باشد. مانند دمای صفر درجه سانتیگراد برای گیاهانی که بویژه در حالت شکوفه کردن باشند و یا دمای ۶ درجه سانتیگراد که غالب گیاهان در حرارت کمتر از آن قادر به زیست نیستند. این دما در واقع دمای میان مرگ و زندگی گیاهان را مشخص می سازد.

DRY BULB TEMPERATURE

دمای خشک

دمائی که توسط یک دماسنج معمولی اندازه گیری شود. یکمک دمای خشک و دمای مرطوب رطوبت نسبی را اندازه می گیرند.

SHADE TEMPERATURE

دمای سایه

دمایی که بوسیله دماسنج نصب شده در سایه مجاور آفتاب اندازه گیری شود.

WET - BULB TEMPERATURE

دمای مرطوب

دمای قرائت شده توسط دماسنجی که اطراف مخزن جیوه

TEMPERATURE

(Damā) دما

یکی از عوامل موثر در آب و هوا که میزان گرما و یا سرمای هوا را توصیف می کند و مقدار آن با شیوه ها و وسایل مختلف اندازه گیری می شود. (برای توضیح بیشتر — درجه سانتیگراد درجه فارنهایت و درجه رومر) بیشترین درجه حرارت جهان که در سایه مجاور آفتاب اندازه گیری شده ۵۸ درجه سانتیگراد یا ۱۳۶/۴ درجه فارنهایت است که مربوط به عزیزیه بوده و کمترین درجه حرارت جهان که تا کنون اندازه گیری شده ۸۹- درجه سانتیگراد یا ۱۲۷- درجه فارنهایت است که مربوط به جنوبگان (منطقه قطب جنوب) می باشد.

THERMOSPHERE

(D-espehr) دما اسپهر

طبقاتی از جو زمین که در ارتفاعات بیشتر از ۸۰ کیلو متر قرار دارند. در این طبقات دما منظم با افزایش ارتفاع زیاد می شود. دما اسپهر یا یونسپهر در واقع منطبق است.

THERMAL METAMORPHISM

دما دگرگونی

دگرگونی حاصله از افزایش دما.

THERMOMETER

دما سنخ

دما سنخ یا گرماسنج دستگاهی است که برای اندازه گیری و سنجش دما بکار می رود. از معمولی ترین انواع آن، دماسنج جیوه ای یا الکلی را که عبارت از لوله شیشه ای مدرج حاوی جیوه یا الکلی است می توان نام برد. این دستگاه که به آن حرارت سنخ یا میزان الحراره نیز می گویند دما را بر حسب سانتیگراد یا فارنهایت اندازه گیری می کند.

THERMAL FRACTURE

دما شکست

ترک خوردن و خرد شدن و شکاف برداشتن سنگ در نتیجه تغییر ناگهانی دما.

CAPE

دماغه

نقطه یا قطعه ای از ساحل که در دریا پیش رفته باشد. به این عارضه راس نیز می گویند.

SAND BAR

دماغه شنی

رشته ای از شن و سنگریزه که در دهانه رودخانه های که بیک خلیج می ریزند جمع شده باشد. چگونگی تشکیل این رشته نبودن جریان های دریائی در داخل خلیج و در نتیجه ته نشین شدن مواد موجود در آب رودخانه ها در دهانه آن ها است. افزایش این رسوبات اغلب باعث پر شدن خلیج و به اصطلاح کور شدن آن می گردد.

شده و در نتیجه هوای گرم در بالای هوای سرد قرار می‌گیرد. این وضعیت در طبقات بالای جو نیز بدین صورت پدید می‌آید که توده‌های هوای سرد بر اثر وزش باد و با عوامل دیگر از زیر توده‌های هوای گرم عبور کنند و یا بر عکس توده‌های هوای گرم بر فراز توده‌های هوای سرد قرار گیرند. این وضعیت ممکن است تا چندین روز پایدار بماند.

DEMOCRACY

دموکراسی

حکومتی که در آن قدرت عالیه منبعت از ملت است و ملت اعمالش را هدایت می‌کند، حکومت مردم بر مردم. دموکراسی نظریه‌ای است فلسفی و مبنای آن این است که مردم حق و مآلاً "لیاقت دارند که بر سازمان‌های خود به صلاح خویش نظارت کنند. این نوع حکومت برای افراد مردم ارزش بسیار قائل است و معتقد است که قیود لازم برای محدود کردن آزادی فرد به منظور جلوگیری از هرج و مرج باید با رضایت اکثریت افراد و با رعایت اصل برابری بر آنها تحمیل شود.

BLIZZARD

دمه (Dameh)

توفانی از برف که گاه با یخ ریزم‌هایی توأم بوده و با باد شدیدی همراه است. این توفان اغلب قابلیت دید را تا حدود صفر کاهش می‌دهد و ممکن است با بارش برف توأم باشد و یا برف باریده شده را به صورت گرد به همراه حمل نماید. دمه در آمریکای شمالی اغلب با باد سردی که از سوی نواحی قطبی می‌وزد همراه بوده و برای مراتع و سرزمین‌های باز و هموار خطرهای جانی در پی دارد. این پدیده در مناطق قطبی بیشتر دیده شده و گاه تا چند روز ادامه می‌یابد به طوری که سرزمین ادلای لند (Adelie Land) واقع در منطقه جنوب را خانه دمه یا The Home Of The Blizzard می‌گویند.

CONDENSATION TRAIL

دنباله تکاثف

خط باریک ابری ماندنی که در پی هواپیما می‌کند در آسمان صاف و سردی پرواز می‌کند دیده می‌شود. چگونگی پیدایش این خط بدین گونه است که بخار آبی که همراه با سوخت هواپیما از اگزوزهای آن خارج می‌شود در منطقه کم فشار پشت بالهای هواپیما بحالت تکاثف درآمده و به صورت رشته باریکی از ابر در آسمان آشکار می‌گردد.

COMETS

دنباله داران

با ستارگان دنباله دار، اجرام آسمانی دارای ماهیت سحابی که در مسیری در حول خورشید حرکت می‌کنند.

(با مایع دیگر) آن را بوسیله یک لفافه مرطوب پوشانیده باشند. بکمک دمای مرطوب و دمای خشک رطوبت نسبی را اندازه می‌گیرند.

ABSOLUTE TEMPERATURE

دمای مطلق

مقیاسی برای سنجش دما که بر صفر مطلق (۲۷۳/۱۶- درجه سانتیگراد) مبتنی باشد. این سیستم که مقیاس کلوین نام دارد دارای ارزش علمی فوق العاده‌ای است و به آسانی قابل تبدیل به سیستم سانتیگراد یا صد قسمتی می‌باشد. برای این منظور کافی است که به درجه سانتیگراد ۲۷۳ درجه بیفزائیم تا درجه کلوین بدست آید.

این سیستم از این جهت قابل اهمیت است که فاقد کمیت منفی است و برای اندازه‌گیری دمای لایه‌های بالایی جو بکار می‌رود.

لازم به توضیح است که صفر مطلق یا ۲۷۳- درجه سانتیگراد پست‌ترین دمایی است که ممکن است به آن رسید. در این دما هرگونه جنبش مولکولی ظاهراً "متوقف می‌گردد" (تجربیات آزمایشگاهی نشان داده است که جنبش مولکولی در این دما کاملاً "متوقف نمی‌گردد و مقداری انرژی جنبشی به نام انرژی صفر مطلق در ماده باقی می‌ماند).

DESIRABLE TEMPERATURE

دمای مطلوب

دمایی که برای زیست انسان مطلوب باشد. مقدار دمای مطلوب از راه فرمول زیر بدست می‌آید:

$$I = 15 + (\text{درجه حرارت تر} + \text{درجه حرارت خشک}) \times 0.4$$
 در پاره‌ای کشورها مانند ایالات متحده آمریکا هنگامیکه I بین ۶۰ و ۶۵ باشد شرایط مطلوب است و زمانی که مقدار I به رقم ۸۰ افزایش یابد شرایط نا مطلوب اعلام می‌گردد و کارخانه‌ها و سازمان‌های اداری تعطیل می‌شوند.

INVERSION TEMPERATURE

دمای معکوس

افزایش دمای هوا متناسب با افزایش ارتفاع، بطوریکه هوای گرم‌تر روی هوای سردتر قرار گیرد، این حالت که قاعدتاً عکس وضعیت طبیعی است (در شرایط طبیعی افزایش دمای هوا و ارتفاع نسبت وارونه دارند، یعنی هر چه بر ارتفاع افزوده شود از دمای هوا کاسته می‌گردد) ممکن است هم در سطح زمین روی دهد و هم در طبقات بالای جو ایجاد شود، بدین ترتیب که در شب‌های زمستان که هوا آرام و آسمان صاف است لایه‌های زیرین هوا که در مجاورت زمین سرد و یخ زده قرار گرفتند زودتر از لایه‌های بالائی سرد

تبخیر مقداری کلسیم از خود بجای می‌گذارد و چکه‌های بعدی نیز به مرور زمان بر میزان آن می‌افزاید تا به ستون آهکی آویخته‌ای تغییر شکل یابد. به این عارضه کلفه‌شنگ یا استالاکتیت نیز می‌گویند. — دنگاله

STALAGMITE

(Dangāleh) دنگاله

ستونی از مواد معدنی مشابه دنگال که بر اثر چکیدن قطرات آب حاوی مواد معدنی از کف غار به صورت عمودی بالا آمده باشد. این عارضه که نام دیگر آن استالاگمیت است درست در زیر دنگال قرار گرفته و به مرور زمان به یکدیگر متصل شده و ستون واحدی را پدید می‌آورند. به این عارضه کلفه‌شنگ وارونه یا دنگال وارونه نیز می‌گویند.

— دنگال



دنگال و دنگاله

CONFLUENCE

(Doāb) دوآب

محلی که رودی به رود دیگر بریزد و یا دو رود بهم ملحق شده و یک رودخانه را تشکیل دهند.

GEMINI

(Do paykar) دو پیکر

— جوزا

DEUTERIUM

دوتریوم

نیدرژن سنگین، با علامت شیمیایی D که وزن اتمی آن

دنباله‌داران معمولاً دارای سری ابرمانند و درخشان هستند که در داخل آن یک یا دو و بیشتر هسته درخشان دیده می‌شود و وقتی به خورشید نزدیک می‌شوند دنباله‌دارها در عقب گسترده می‌شود و هنگامی که از خورشید دور می‌شوند دنباله پیشاپیش سر حرکت می‌کند.

سر دنباله‌داران ظاهراً از ذرات سنگ و ماسه متفرق در محیطی گازی تشکیل یافته است که در نتیجه فشار تشعشعی خورشید در جهت متقابل رانده می‌شود و دنباله‌دارها را تشکیل می‌دهد که طول آن گاه به ۱۶۰ میلیون کیلومتر می‌رسد.

از جمله معروفترین دنباله‌داران ستاره دنباله‌دار هالی است که هر ۷۵ سال یک بار بدور خورشید می‌گردد. طبق محاسباتی که به عمل آمده است این ستاره در سال ۱۹۸۶ در آسمان زمین ظاهر گردید.



دنباله داران

STALACTITE

(Dangāl) دنگال

ستونی از مواد معدنی که بطور قائم از سقف یک غار آویخته شده باشد. متداولترین انواع این عارضه دنگال کربنات کلسیم است که از سقف غارهای آهکی آویخته شده است. چگونگی پیدایش این عارضه بدین نحو است که قطره‌های باران حاوی دی اکسید کربن با برخورد پوسته آهکی سقف غار کربنات کلسیم را در خود حل کرده و پس از عبور از شکافهای زمین از سقف غار به پائین می‌چکد و پس از

ERA

دوران (Dowrān)

هر یک از بزرگترین تقسیمات زمانی زمین شناسی .

ARCHAEOZOIC ERA

دوران پازین زیوی

(D-e-pārin zivī)

این دوران از کهن‌ترین اعمار تاریخ زمین است که در آن نخستین سنگهای ته‌نشستی تشکیل گردیده . در این دوران هیچگونه سنگارهای در ته‌نشست‌ها نمی‌توان یافت ، ولی به دلیل وجود کربن می‌توان تصور کرد که در نیمه دوم این دوران گونه پستی از موجودات زنده وجود داشته‌اند .

PALEOZOIC ERA

دوران دیرین زیوی

(D-e-dīrin zivī)

این دوران پس از دوران نخست زیوی شروع شده و معنی آن زندگی قدیمی است . طی این دوران نشانه‌های متعددی از زندگیهای گوناگون که در حال گسترش سریع بوده‌است به چشم می‌خورد این دوران که از ۶۰۰ میلیون سال پیش بدرازا کشیده است از دوره‌های چندی که بترتیب از قدیمی‌تر به جدیدتر عبارتند از : کامبرین ، اوردوویسین ، سیلورین ، دوونین ، کربونیفر و پرمین تشکیل یافته است .

MESOZOIC ERA

دوران میان زیوی

(D-e-miyan zivī)

دومین دوران از دورانهای سه گانه زمین شناسی که بعد از دوران دیرین زیوی و پیش از دوران نوزیوی واقع شده و به سه دوره تریاسیک ، ژوراسیک و کرتاسه تقسیم میشود . این دوران از ۲۰۰ میلیون تا ۷۰ میلیون سال پیش به درازا کشیده و طی آن خزندگان و نرم تنان و نوعی از پرندگان اولیه ظاهر شده‌اند و آتشفشانها به فعالیت اشتغال داشته‌اند .

PROTOZOIC ERA

دوران نخست زیوی

(D-e-nakhost zivī)

دورانی را که طی آن لایه‌هایی از ته‌نشست‌ها تشکیل یافته و تا اندازه‌ای از سایر لایه‌ها قابل تشخیص است و محتوی بقایای گیاهان و جانوران می‌باشد دوران نخست زیوی یا آغاز زیوی نامیده‌اند .

پارهای از دانشمندان دو دوران نخست زیوی و پازین زیوی را به شکل یک دوران در نظر گرفته و آنرا دوران پیش از کامبرین (پری کامبرین) نامده‌اند .

CAINOZOIC ERA

دوران نوزیوی

(D-e-nozivī)

با دوران نوزیست (زندگی نو) که پس از دوران میان زیوی (میان زیست) واقع شده و دوره‌های سوم و چهارم تقسیم

۲/۰۱۳۶۳ و عدد جرمی آن ۲ است . در ۱۹۳۲ کشف شد . آب معمولی از حیث وزن ، به ازای ۵،۰۰۰ جزء هیدروژن معمولی یک جزء دوتریوم دارد . دوتریوم از الکترولیز تدریجی آب بدست می‌آید . هسته اتم آنرا دوتون یا دوترون می‌نامند . آب سنگین اکسید دوتریوم است .
← هیدروژن

SMOKE

دود (Dud)

محصول گازی شکل و مرئی احتراق ناقص ، دودها بر حسب منبع پیدایش آن‌ها متفاوتند ولی مشتمل بر گاز داغی هستند که در آن ذرات کربن و مواد قیری یا دوده به حالت معلق وجود دارد .

دوده‌های شهرها را آلوده و زندگی را تهدید می‌کند ، به همین جهت از روش‌های مختلفی برای تقلیل مقدار آن استفاده می‌شود .

FUMAROLE

دود خان

سوراخ کوچکی در زمین ، که از آن بخارهای اسید هیدرو کلریک دی اکسید گوگرد و آمونیم کلرید به خارج می‌جهد . از مهمترین دودخان جهان ، دره Ten Thousand Smokes آلاسکا را می‌توان نام برد .

CHIMNEY

دودکش

الف - شکافی در صخره‌های عمودی که غالباً " مورد استفاده کوهنوردان واقع شده و از آن بالا می‌روند .

ب - روزنه‌ای در کوه آتشفشانی که بخار و دود از آن خارج می‌شود .

پ - ستونی عمودی از تخته سنگ .

SMOG

دود مه (D-meh)

دود مه آلودی که غالباً " برنگ زرد مایل به قهوه‌ای بوده و بر فراز شهرهای صنعتی و بر جمعیت دیده میشود . این دود غالباً " بیماریهای ریوی را همراه داشته و عوارض خطرناک و مرگباری را در پی دارد .

این واژه از دو کلمه فارسی دود و مه و یا دو کلمه انگلیسی Smoke (دود) و Fog (مه) ترکیب یافته و از سال ۱۹۰۵ به بعد شناخته شده است . دود مه‌ای که شهر لندن را در زمستان سال ۱۹۵۲ در بر گرفت ۴۰۰۰ نفر تلفات بر اثر عوارض تنفسی و مشابه آن از خود بحای گذاشت .

EPOCH

دوره (Dowr)

هر یک از تقسیمات جزء یک دوره زمین شناسی .

QUATERNARY PERIOD دوره چهارم زمین شناسی
— آدم زیوی

CARBONIFEROUS PERIOD دوره زغالینه
(Doreh-ye-zoghālineh)
— کربنیفر

EARTHQUAKE PERIOD دوره زمین لرزه
مدت زمانی که یک منطقه تحت تاثیر زمین لرزه‌ای مداوم و ناگسسته قرار گیرد.

TERTIARY PERIOD دوره سوم زمین شناسی
دوره‌ای از زمین شناسی که از ۷۰ میلیون تا یک میلیون سال پیش بدرازا کشیده است. این دوره که بخشی از دوران نوزیوی (نوزیست) است پس از دوره دوم آغاز شده و تا پیش از دوره چهارم ادامه می‌یابد.

GEOLOGICAL PERIODS دوره‌های زمین شناسی
— ازمنه زمین شناسی

AMPHIBIANS دوزیستان (Dozistān)
رده‌ای از جانوران مهره‌دار خونسرد که در بسیاری از خصوصیات حد وسط ماهیها و خزندگان هستند. از جمله دوزیستان قورباغه، سمندر، وزغ و سوسمار آبی را می‌توان نام برد. در حقیقت دوزیستان از زندگی آبی به زندگی در خشکی یا در آب و خشکی دگردیسی می‌یابند.

GOVERNMENT دولت
عنوان قوه مجریه و هیئت که اداره کشور یا یک واحد سیاسی نظیر آن را بر عهده دارد. ریاست هیئت دولت یا شورای وزیران بسته به نحوه حکومت و قانون اساسی کشورها به عهده نخست وزیر، صدر اعظم و رئیس‌جمهور (یا به وسیله معاون وی) و یا در موارد نادری به عهده پادشاه می‌باشد.

FEDERATION دولت فدرال
— فدراسیون

CENTRAL GOVERNMENT دولت مرکزی
یا "حکومت مرکزی" اصطلاحی است که معمولاً در کشورهای فدراتیو یا نظایر آن (که هر ایالت یا استان دارای حکومت خود مختار و نسبتاً مستقل است) به دولت مستقر در پایتخت که اداره امور دفاعی و سیاست خارجی را نیز به عهده دارد، اطلاق می‌گردد. در مواردی نیز که در یک کشور، حکومت‌های متعددی در مناطق مختلف حاکمیت دارند و کشمکش

می‌شود. طی این دوران سطح زمین پس از یک سری تغییر شکل‌های گوناگون منظره کنونی را بخود گرفته و خزندگان دوران میان زیوی جای خود را به پستانداران و پرندگان داده‌اند.

انسان در اواخر این دوران پدیدار شده و بعداً "بر روی زمین فرمانروا گردیده است.

از ویژگی‌های این دوران سرد شدن آب و هوا و یخبندان‌های متعدد آتست.

TROPOPHYTE دورست (Dorost)
گیاهانی که در یک فصل به صورت نمرست و در فصل دیگر به صورت خشک‌رست عمل نمایند. مانند درختانی که خود را با آب و هوای خشک فصول کم آبی و آب و هوای مرطوب فصل‌های پر آبی ساوانا تطبیق می‌دهند.

TELEMETER دور سنج (Dur sanj)
نام هر یک از دستگاه‌های گوناگونی است که برای اندازه گیری فاصله بین دو نقطه بکار می‌رود. از انواع دورسج می‌توان استادیای و انواع تله‌رومتر و دیستومات‌ها را نام برد.

REMOTE SENSING دور کاوی (D-kāvi)
کسب اطلاعات و ثبت داده (Data) های فراوان، با استفاده از عکس‌های هوایی و دستگاه‌های الکترونیکی هوا برد را دور کاوی می‌نامند.

HYBRID دورگه (Dorageh)
از نظر نژاد شناسی، ثمره پیوند دو نژاد خالص را دورگه‌های آن نژاد می‌نامند. در اصطلاح اروپایی ولاتین به دورگه‌های سفید و سیاه مولاتو (Mulatto) و دورگه‌های سرخ و سفید مستیزو Mestizo می‌گویند.

PANORAMA دور نما (Durnamā)
منظره‌ای که از افق یک منطقه تهیه گردد و تمام جزئیات طبیعت در آن نشان داده شود. دورنمای ترسیمی که معمولاً هنگام تنظیم گزارشهای صحرایی تهیه می‌گردد قاعدتاً بر اساس یک سری اصول هندسی بنام پرسپکتیو رسم می‌شود.

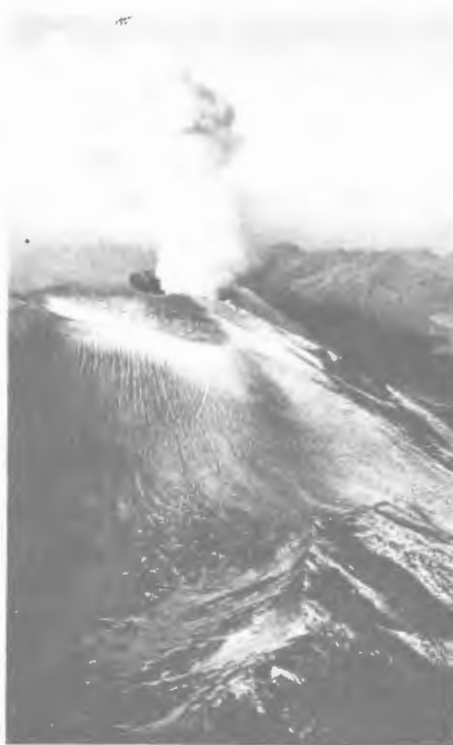
PERIOD دوره
در اصطلاح زمین شناسی، یکی از تقسیمات زمانی، که کوتاهتر از دوران و درازتر از دور است.

PEDIOCRATIC PERIOD دوره آرامش
دوره سکون و آرامش پوسته زمین که در حد فاصل دو دوره کوهزائی واقع شده باشد.

CRATER

دهانه آتشفشانی

گودال قیف مانندی که بر فراز قلمه‌های آتشفشان دیده می‌شود و محل خروج مواد گداخته و دود و گاز است.



دهانه آتشفشان

MOUTH OF RIVER/ESTUARY

دهانه رودخانه

جایی است که رودخانه به دریا متصل شده و آب تازه آن، با آب دریا مخلوط می‌شود. این قسمت که به آن مصب نیز گفته می‌شود معمولا "قیفی" شکل است و محل مناسبی برای ایجاد بندرگاه می‌باشد.

دهدار (Dehdār)

آنکه کارهای ده یا یک دهستان را اداره کند.

دهستان

قسمتی از تقسیمات کشوری که معمولا "از چند روستا یا ده تشکیل یافته و خود قسمتی از یک بخش است. حاکم دهستان را دهمدار می‌گویند.

FARMER

دهقان

مهرب دهگان به مفهوم:

بر سر بدست آوردن قدرت مطلق ادامه دارد، به حکومتی که پایتخت را در اختیار دارد، گفته می‌شود. که مورد اخیر بیشتر در ادوار گذشته پیش آمده است.

DOLMEN

دولمن

آثاری از دوران پیش از تاریخ که از دو یا چند تخته سنگ قائم که روی سر آنها یک تخته سنگ افقی نصب شده تشکیل یافته باشد. از اینگونه آثار به عنوان مقبره‌های دوران نوسنگی استفاده می‌شده است.

DOLOMITE

دولومیت

سنگ معدنی نیمه شفاف که از منیزیم و کربنات کلسیم به فرمول $\text{CaMg}(\text{CO}_3)_2$ ترکیب یافته است. این سنگ بنام D.G. Dolomieu زمین‌شناس قرن هجدهم فرانسه نامیده شده.

DOLINE / DOLINA

دولین

فرورفتگی‌های نمکی را در کویر و همچنین در نواحی آهکی که ناشی از حل شدن آهک است دولین می‌گویند. شکل این گونه فرورفتگیها غالبا "مدور یا بیضی شکل است.

DOMINION

دومینیون

سرزمینی مطیع یا تحت استیلای یک فرمانروا یا مقام عالی دیگر. این اصطلاح مخصوصا "در مورد دومینیون‌های ملل مشترک المنافع بریتانیا بکار می‌رود.

واژه دومینیون را بشرح زیر نیز تعریف کرده‌اند:

دولت خود مختاری از کلنی‌های سابق بریتانیا که در حال حاضر دارای استقلال کامل بوده و فقط وابستگی ظاهری با دولت انگلستان داشته باشند.

DEVONIAN

دونین

چهارمین دوره از دوران دیرین زیوی (کهن زیست) که زمان آن مربوط به ۴۰۰ تا ۳۵۰ میلیون سال پیش است. علت انتخاب واژه Devonian این است که، تخته سنگهای مربوط به این دوره نخستین بار در ناحیه Devon واقع در انگلستان پیدا شده است.

— از من زمین شناسی

VILLAGE

ده (Deh)

یا روستا، آبادی کوچک در خارج شهر و کوچک‌ترین عضو تقسیمات اداری کشور ایران.

ساختن دینامیت و سایر مواد منفجره و نیز در ساختن صافیها و غیره بکار می‌برند. دیاتومه‌ها احتمالا " منشاء قسمت عمده ذخائر نفتی می‌باشند.

دیوار

۱ - شهر

۲ - سرزمین

CARBON DIOXIDE دی اکسید کربن
گازی که از یک قسمت کربن و دو قسمت اکسیژن ترکیب یافته باشد. گاز دی اکسید کربن حدود ۰/۰۳ از جو زمین را اشغال نموده است.

DISPERSION DIAGRAM دیاگرام پراکنش
نموداری برای نمایش پراکندگی کمیت‌ها در واحد زمان که برای یک مدت زمان معین رسم شده باشد. مثلا "برای نمایش پراکندگی ریزش باران از نموداری به شکل یک ستون عمودی که بر حسب میلی متر یا واحد دیگری مدرج شده باشد استفاده می‌شود و برای هر سال یا هر ماه ستون جداگانه‌ای منظور می‌گردد که بلندی هر کدام متناسب با ریزش باران در آن سال یا در آن ماه است.

DIP دیپ
الف - حداکثر زاویه شیب یک چینه‌رسمی در یک نقطه معین. این زاویه نسبت به سطح افق بر حسب درجه اندازه‌گیری می‌شود و جهت افقی آن نیز بوسیله قطب نما سنجیده می‌گردد.

ب - زاویه قاسمی که راس آن در چشم بیننده قرار داشته، یک ضلع آن به موازات سطح افق و ضلع دیگر امتداد جرم فضائی را تشکیل دهد.
پ - زاویه میان سطح افق و امتداد نیروی میدان مغناطیسی زمین در هر نقطه.
ت - لحظه‌ای که در موقع نخستین افزایش زاویه ارتفاعی، جرم آسمانی که در حال عبور از نیمروز (نصف النهار) باشد قابل تشخیص گردد.

PARALLAX دیدگشت (*Didgasht*)
تغییر وضع ظاهری یک شیئی بر حسب تغییر وضع شخص ناظر یا نسبت به دو ناظر که به آن اختلاف منظر نیز می‌گویند. دید گشت را بوسیله زاویه دو شعاع رویت می‌سنجند. اگر مطابق شکل S خورشید و C یک ستاره در آسمان و A و B دو وضعیت متقاطر زمین حین گردش به دور خورشید باشد، در این حال زاویه دیدگشت یا اختلاف منظر

۱ - روستائی.

۲ - حافظ سنن و روایات ایرانی.

۳ - ایرانی.

۴ - صاحب ده و رئیس روستا.

۵ - مالک زمین، صاحب زمین.

VILLAGE دهکده

دهکده یا روستا، مجموعه‌ای از خانه‌های مسکونی است که کوچکتر از شهرک باشد. معمولا " دهکده فاقد شهرداری بوده و محل مسکونی کشاورزان را تشکیل می‌دهد و از نظر اداری بوسیله دهبان اداره می‌شود.

ده کیا (*Deh kiya*)

رئیس ده، دهخدا، کد خدا.

DECADE دهه (*Daheh*)

ده واحد از چیزی، از این اصطلاح بیشتر برای تعریف مدتی معادل ده روز یا ده سال استفاده می‌شود.

دی (*Dey*)

مقتبس از واژه اوستائی دئوش به مفهوم آفریننده و دادار، نام دهمین ماه در تقویم رسمی ایران و هشتمین، پانزدهمین و بیست و سومین روز هر ماه خورشیدی. این واژه عینا " به همین صورت در تقویم اوستائی موجود بوده و بعدها به تقویم جلالی راه یافته و از سال ۱۳۰۴ خورشیدی بنام دهمین ماه در تقویم ایران رسمیت یافته است.

DIABASE دیاباز

سنگ آذرینی با ۴۵ تا ۵۲ درصد سیلیس که در خروج‌های کوچکی مانند دیوال دیده می‌شود. اینگونه سنگ‌ها دارای رنگی تیره و بافتی ریزو یا متوسط بوده و گاه بصورت ستون‌های سنگی، سخت و منجمد گردیده‌اند و به آن‌ها دولریت (*Dolerite*) نیز می‌گویند.

DIATOM دیاتومه

رستنی ذره‌بینی از گروه جلبکها، که بصورت سلولهای منفرد و هم بصورت دسته جمعی وجود دارد. رنگ آنها معمولا " مایل به زردی یا خرمائی است و در آبهای شیرین یا شور یا در خاکهای مرطوب و با بر سطح مرطوب رستنیهای دیگر زیست می‌کنند. در ناحیه شمالگان و سایر نواحی سرد فراوانتر از جاهای دیگری یافت می‌شوند. "خاکهای دیاتومدار" و "دیاتومیت" (سنگهای دیاتومه‌ای) از بهم پیوستن پوسته‌های سیلیسی خارجی آنها تشکیل شده است. دیاتومیت را در صنعت برای عایق‌سازی سبب به حرارت و صوت و در

دیزج (Dizaj)

یا دیزج—دیزه

دیزگ (Dizag)

یا دیزج—دیزه

FORT

دیزه (Dizeh)

یا دیزج، قلعه، دز، دژ.

DICTATORSHIP

دیکتاتوری

حکومت مطلقه یک فرد یا یک گروه خاص یا یک طبقه خاص بدون اینکه ملازم رضایت مردم باشد.

BLOW-HOLE

دیگ جن (Dig-e-jen)

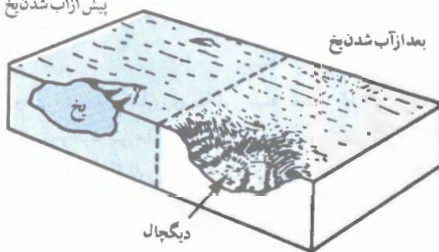
سوراخی که در سقف صخره‌های سنگی غار مانند ساحل دریا طبعیها "بوسیله" آب بوجود آمده و هنگام آب بالا (مد) آب از آن با فشار به بیرون می‌جهد.

KETTLE HOLE

دیگچال (Digchāl)

حفره‌ای که معمولاً "از آب پر بوده و به دلیل آب شدن توده یخی‌هایی که قبلاً" در آن جا وجود داشته‌اند پدید آمده باشد.

پیش از آب شدن یخ



دیگچال

MUD - POT

دیگچه گل (Digcheh-ye-gel)

حوضچه‌ای از گل جوشان که معمولاً "از مواد سولفوریه بوده و در منطقه آتشفشان‌های کوچک فعال دیده می‌شود، قطر این دیگچه‌ها گاه تا حدود ۱ متر می‌رسد. (تصویر در صفحه ۱۷۲)

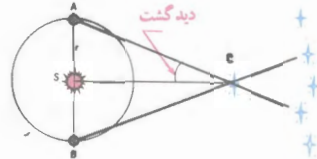
GIANT MARMIT

دیگ غول (Dig-e-ghul)

حفره‌هایی که توسط جریان سریع آب در تنداب‌ها و زیر آتشفارها و یا محل‌های دیگر بوجود آمده باشد. جریان آب به صخره‌های سختی که به طور منفرد و مجزا در ته

ستاره C زاویه‌ای است معادل ACS که در واقع زاویه رویت شعاع مدار گردش زمین به دور خورشید از ستاره C می‌باشد.

بوسیله زاویه دیدگشت خورشید می‌توان فاصله زمین را از خورشید حساب کرد و بر اساس همین عامل فاصله زمین تا ستارگان نزدیک به منظومه خورشیدی را نیز محاسبه نمود.



دیدگشت

PALEOECOLOGY

دیرین‌پوهنشناسی

بررسی بستگی شکل‌های زندگی در دوره‌های زمین‌شناسی گذشته با محیط آن دوره‌ها.

PALAEONTOLOGY

دیرین‌شناسی

بررسی علمی سنگواره‌ها از نظر شناخت زندگی و مطالعه جانوران و گیاهان در گذشته. دامنه این علم بسیار وسیع است و از آن علوم دیگری از قبیل چینه‌شناسی، فسیل‌شناسی، آب و هواشناسی و غیره منشعب می‌گردد.

PALEOCHRONOLOGY

دیرین‌گاه‌شناسی

بررسی دوره‌های زمین‌شناسی از روی توالی نوع و شکل جانوران که بصورت سنگواره در چینه‌های زمین باز مانده است.

PALEOBOTANY

دیرین گیاه‌شناسی

بررسی گیاهان روزگارهای گذشته به کمک سنگواره‌های آن‌ها.

PALEOGRAPHY

دیرین‌نگاری

بررسی و تفسیر نوشته‌های باستانی و ویژگی‌های آن‌ها و با دانش قرائت خطوط قدیم، علم خطوط باستانی.

PALEOCLIMATOLOGY

دیرین‌واشناسی

(Dirin vāshenāsi)

بررسی آب و هوا یا اقلیم دوران‌های زمین‌شناسی.

— ازمنه زمین‌شناسی

را به اندازه یک سانتی متر در طول زمانی برابر یک ثانیه جابجا نماید. این نیرو واحدی است در سیستم C.G.S

DYNAMIC

دینامیک

بخشی از علم مکانیک که در آن از حرکت دستگاهها و ذرات و اجسام تحت تاثیر نیروها گفتگو می شود.

دیوار بست (Divār bast)

- ۱- دیواری که برای جلوگیری از ریزش خاک و یا به منظور ایجاد سطح مستوی در دامنه ارتفاعات ایجاد شده باشد.
- ۲- جایی که بوسله دیوار محصور شده باشد.

COLD WALL

دیوار سرد (D-e-sard)

حد فاصل میان دو آب با دمای متفاوت، مانند لایه میان جریان های دریائی لابرادور و گلف استریم با آب معمولی اقیانوس اطلس.

SOUND BARRIER

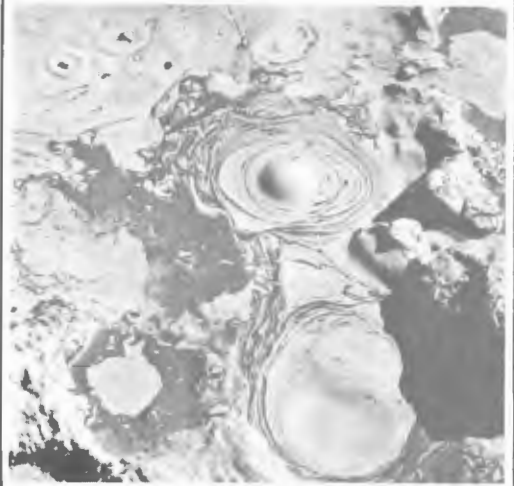
دیوار صوتی

چون صوت در هوا بوسله امواج فشار منتقل می شود لذا بر اختلال فشاری که در هوا پدید آید با سرعت صوت منتقل می گردد. برای اینکه وسیله نقلیه هواپرد (هواپیما) در هوا حرکت کند باید ذرات هوای واقع در مسیر آن راه را برای آن باز کنند. تا زمانی که سرعت هواپیما کمتر از سرعت صوت است عمل باز کردن راه به آسانی صورت می گیرد (زیرا امواج فشار ناشی از حرکت هواپیما که با سرعت صوت منتشر می شوند به فاصله معتناهی در جلوی هواپیما حرکت می کنند و در واقع ذرات هوا را از سر راه هواپیما دور می سازند). هنگامی که سرعت هواپیما به سرعت صوت نزدیک می شود ذرات هوا مجال دور شدن از سر راه هواپیما راه نمی یابند و در جلوی هواپیما انباشته می شوند و امواج فشار بر سطح آن ها مجتمع می گردند و موج تراکمی نیرومندی ایجاد می کنند که به آن دیوار صوتی می گویند. اگر موتور هواپیما نتواند نیروی کافی برای غلبه بر این سد تولید کند پرواز متوقف می گردد ولی وقتی هواپیما از عهده مقاومت با امواج ضربتی دیوار صوتی بر آید و سرعت گیرد و به سلامت از دیوار صوتی بگذرد، صدایی ناشی از موج ضربتی که با تغییرات ناگهانی فشار، جرم مخصوص و دما همراه است و بنام غرش صوتی موسوم است از آن بر می خیزد که به آن شکست دیوار صوتی می گویند.

DIKE / DYKE

دیوال (Divāl)

دیواره قاشمی از سنگهای آذرین که از رانده شدن مواد مذاب بسوی پوسته زمین و سرد و سخت شدن آن پدید آمده باشد.



دیگچه گل

بستر رودخانه قرار دارند، حرکت دورانی می دهد و این امر موجب می شود که، سنگهای سخت کم کم سنگهای سست بستر رودخانه را بسایند و حفره های که بویژه در عمق بتدریج بزرگتر می شود بوجود آورند. این حفره ها شکل دیگری را پیدا می کنند که دارای دیوارهای قائم بوده و ته آن مقعر است. دیگ گول های دره اوین تهران که به آن هفت حوض می گویند از این گونه عوارضند.

DRY FARMING

دیم (Deym)

شیوای است در کشاورزی مناطق نیمه خشک که در آن از رطوبت موجود در خاک استفاده شده و بدون بهره گیری از شیوه آبیاری به کشاورزی پرداخته می شود. در این طریقه برای جلوگیری از تبخیر آب و حفظ رطوبت خاک از وسایل و روش های گوناگونی مانند پوشانیدن زمین با کاه و سنگ و مانند آن و حتی ذخیره باران در سال برای یک کشت استفاده می شود.

این شیوه در سرزمین هایی قرین موفقیت است که بارش سالیانه آنها ۲۵ تا ۵۰ سانتی متر باشد. گیاهانی که برای زراعت دیم قابل کشت هستند عبارتند از: گندم، جو، ذرت، جلودار، سیب زمینی، پنبه و علوفه.

دیمه (Dimeh)

بارانی که بطور آرام و پیوسته بارد. این گونه بارندگی معمولاً بدون رعد و برق بوده و غالباً به مدت ۵ تا ۶ روز بدرازا می کشد.

DYNE

دین

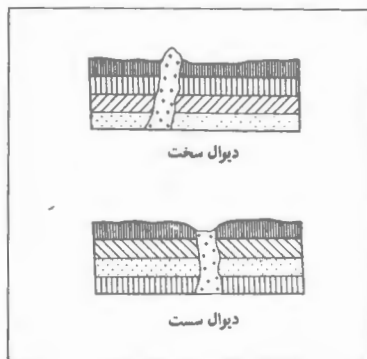
نیروی است که روی جرمی معادل یک گرم اثر گذارد تا آن

CORONA

دیهیم (Deyhim)

— تاج خورشیدی

اگر این مواد در مقایسه با مواد مجاور خود سخت تر باشند ستون قائمی را در روی پوسته زمین ایجاد می کنند ولی چنانچه جنس آن ها نسبت به مواد مجاور سست تر باشد گودالی را که کف آن پائین تر از سطح زمین های مجاور است پدید می آورند.



دیوال

DUST STORM

دیوباد (Div bād)

عبارت از بادی است که مخصوص نواحی خشک و نیمه خشک بوده و بر اثر وزش آن ابر متراکمی از گرد و غبار در فضا ایجاد می شود. تراکم این ابر غبار آلودگاه آنقدر زیاد است که جلوی دید را کاملاً گرفته و ارتفاع آن گاه تا ۳۰۰۰ متر می رسد. در چنین حالتی در هر کیلو متر مکعب هوا، حدود ۴۰۰۰ تن غبار وجود دارد.



دیوباد

DIORITE

دیوریت

— دیاباز

دیولاک (D-lākh)

۱ - صحرائی که از آبادی بدور باشد.

۲ - جایگاه خراب، خرابه

۳ - چراگاه دوردست

۴ - سردسیر

متوسط ۶۶/۵ سانتی متر .



ذات الكرسي

MAIZE / CORN

ذرت

گیاهی از دسته غلات و از تیره گندمیان . این گیاه مدت‌ها پیش از ورود سفید پوستان به قاره امریکا اهلی شده بود و کشت می‌شد .

ذرت در پارهای کشورها برای تغذیه انسان و حیوان و استخراج نشاسته به مصرف می‌رسد . سنبله‌های ذرت را بلال می‌نامند .

LIGHTNING

ذرخش (Zarakhsh)

← آذرخش

ذرع (Zar')

← گز

COMETS

ذوات الاذناب

← دنباله داران

ذوالحجه

نام دوازدهمین ماه در تقویم هجری قمری که در فارسی ذیحجه نیز گفته می‌شود ، وجه تسمیه این ماه بدین مناسبت است که مناسک حج در آن به عمل می‌آید .

ذوالقعدة

نام یازدهمین ماه در تقویم هجری قمری . وجه تسمیه این ماه بدین مناسبت است که عرب‌ها در این ماه جنگ نمی‌کردند در فارسی به این ماه ذیقعدة نیز می‌گویند .

ذیحجه

← ذوالحجه

ذیقعدة

← ذوالقعدة



ذات الحلق (Zātolhalq) ARMILLARY SPHERE

یکی از اسبابهای نجومی قدیم که مشتمل اُیست بر مجموعهای از حلقه‌ها (برای نمایش دایره مهم آسمان) و کره کوچکی در مرکز آن به منزله زمین . از این دستگاه در رصد های نجومی بهره‌گیری می‌شده است .



ذات الحلق

ذات الكرسي (Zātolkorsi) CASSIOPEIA

صورت فلکی واقع در نیمکره شمالی که آن را به صورت زنی نشسته بر تخت تصویر کرده‌اند . ابر نواختر تیکوبراه در این صورت پیدا شده .

ذراع (Zarā')

نام چندین واحد قدیمی برای اندازه‌گیری طول که جملگی مبتنی بر فاصله آرنج تا نوک انگشت وسطی بوده‌اند .

ذراع مصر باستان ۵۲/۵ سانتی متر ، ذراع روم باستان ۴۴/۳۶ سانتی متر و ذراع یونان باستان ۴۶/۲۹ سانتی متر بوده‌اند .

در کشورهای اسلامی انواع ذراعها رایج بوده ، از آن جمله ذراع شرعی به طول ۴۹/۸ سانتی متر ، ذراع سپاه به طول ۵۴/۵۴ سانتی متر و ذراع شاهی یا ذراع مساحی بطول

RADIO TELESCOPE

رادیو تلسکوپ

دستگاهی است که برای گردآوری و بررسی امواج رادیویی که از فضا می‌آیند بکار می‌رود.



رادیو تلسکوپ

RADIOSONDE

رادیوسوند

دستگاه هواشناسی خودکاری است که توسط بالن اکسیژن با ارتفاع حدود ۳۰ کیلومتری به فضا پرتاب می‌گردد تا وضع هوا را بخاطر خودکار ثبت و توسط فرستنده رادیویی به زمین مخابره نماید.

RADIUM

رادیوم

فلز سفید رنگ رادیواکتیوی است با علامت شیمیائی Ra که در هوا سرعت کسیده مسود و آب را تجزیه می‌کند. همسرین خاصیت رادیوم و ترکسات آن رادیواکتیوینه بودن آن است و از تلاش آن عنصری گاری سام رادون تولید می‌گردد. رادیومها علاوه بر شتعتعات سه گانه آلفا و بتا و گاما، انرژی حرارتی نیز صادر می‌کنند که مقدار آن ۱۳۲ کالری بازاء هر گرم رادیوم در ساعت است.

فلز رادیوم توسط پیر کوری و همسرین ماری کوری در سال ۱۸۹۸ کشف شد. از این فلز در درمان سرطان و تهیه رنگهای درخشان استفاده می‌شود.

CAPE

رانی

سهم دماغه

ORDER

راسته

سوره سدی

DRIFT

رانه

الف - حرکت آرام سطح آب دریا، دریاچه و غیره که به علت



RADAR

رادار

افسان شده از حروف اول جمله

Radio Detecting And Ranging به معنی آشکارسازی و فاصله یابی رادیویی. رادار در واقع مثل چراغ فوه عمل می‌کند. بدین معنی که در تاریکی برای یافتن راه بکار می‌رود. منتهی در رادار بجای نور از امواج رادیویی بسیار کوتاه استفاده می‌شود. این امواج را توسط دستگاهی شبیه نور افکن منورکر و به خارج صادر می‌کنند که پس از برخورد با یک سنی بصورت امواج باز تافه به دستگاه اولیه بر می‌گردند و توسط دستگاه آشکار - کسدهای بر صفحه رادار نمایان می‌گردند.

از دستگاه رادار برای ناوبری و هدایت هواپیماها و کشتی‌ها بحوبی بهره‌برداری می‌شود و از سال ۱۹۴۶ رسماً در مسایل بحومی از قبیل تحقیق در سارات و امارات آن‌ها و بررسی دراب متحرک در فضا مورد استعمال نمایان نوجهی یافته است.

RADIAN

رادیان

رویه مرکزی دایره‌ای که کمای برابر طول شعاع همان دایره را در بر گرفته باشد. یک رادیان برابر $57^{\circ} 17' 44''/6$ است. محیط هر دایره برابر است با 2π رادیان.

RADIO ACTIVITY

رادیواکتیوینه

به معنی انرژی تشعشعی فعال، که بر اثر تلاشی خود بخود هسته اتم و صدور ذرات یا تشعشع الکترو مغناطیسی منسی است. عناصری که خاصیت صدور ذرات تشعشعی را دارند عناصر رادیواکتیو نامیده می‌شوند.

در حقیقت عناصر رادیواکتیو در حال انتقال و تحویل و تبدیل از یک عنصر به عنصر شیمیائی دیگر هستند. از جمله عناصر رادیواکتیو اورانوم و رادیوم را می‌توان نام برد.

رادیواکتیوینه را هابری بکرل در سال ۱۸۹۶ کشف کرد و در سال ۱۸۹۸ پیر کوری و همسرین ماری کوری ثابت کردند که یوریم نیز از عناصر رادیواکتیو است.

اتم‌های رادیواکتیو مورد استعمال بسیاری دارند، از جمله فواید آن‌ها شوه تاریخ گذاری توسط رادیوکربن است. مواد رادیواکتیو در مقابل فواید علمی و فنی فواید خطرات و ریان‌های حیاتی نیز دارد و نوعی بیماری به نام سماری‌های تشعشعی را پدید می‌آورد.

راهبر (Rāhbar) VIADUCT

۱- نوعی پل که برای عبور راه‌آهن یا جاده در دره یا زمین پست یا بر فراز جاده ساخته می‌شود و عموماً "مشتعل بر طاقهائی است که جاده بر آن‌ها قرار می‌گیرد و معمولاً از فولاد یا بتون ساخته می‌شود.

۲- شخصی که عملیات راهپیمائی را هدایت کند.

راه تجارتي TRADE ROUTE

راه دریائی، خشکی و یا هوائی که برای برقراری داد و ستد دایر شده باشد.

راهدار خانه TURN PIKE

دروازه‌ای که برای دریافت حق راهداری در مسیر یک‌راه ایجاد شده باشد.

راه دایره عظیمه GREAT CIRCLE ROUTE

راه دایره عظیمه عبارت از راهی است که بر پاره قوس دایره عظیمه‌ای که از دو نقطه مزبور عبور کرده منطبق باشد. این راه کوتاهترین راه میان دو نقطه مورد نظر بوده و در واقع همان مسیری است که هواپیماها و کشتی‌ها برای رسیدن از نقطه‌ای به نقطه دیگر می‌پیمایند.

راه دایره عظیمه میان نقاط هم عرض شمالی، از شمال مداری که بر نقاط مزبور گذشته، و در مورد نقاط هم عرض جنوبی، از جنوب مداری که بر نقاط مزبور می‌گذرد عبور می‌نماید.

راه دریائی SEA WAY

آبراهه‌ای که برای کشتی‌های بزرگ و اقیانوس پیما قابل عبور باشد.

راه کمربندی RING ROAD

راهی که در پیرامون یک منطقه مسکونی دایره وار ساخته شده باشد و از پارهای قسمتهای آن شاخه‌هایی جدا شده و آن را به درون منطقه مزبور پیوند دهد.

به این راه جاده کمربندی نیز می‌گویند و معمولاً "از نظر کاستن حجم ترافیک داخل شهرها و سهولت دستیابی به حومه شهرها بکار می‌رود.

راهگذر

۱ - گذرگاه یا معبر.

۲ - دره تنگ میان دو کوه.

راه مالرو DROVE

راه عبور گله و یا جانوران دیگر، که از زمان‌های بسیار قدیم وجود داشته است. اینگونه راهها برای عبور و مرور اتومبیل

و زش باد تولید می‌شود.

ب - هر گونه ماده رسوبی که بر اثر عوامل مختلفی مانند حرکت یخچالها، وزش باد و جریان آب رودخانه‌ها و غیره جابجا گردند.

پ - جابجائی سطحی هر گونه مواد سبک مانند شن و ماسه، برف و غیره بر اثر وزش باد.

رانه قاره‌ای CONTINENTAL DRIFT

← نظریه رانه قاره‌ای

راود (Rāvad) PASTURE

زمین تپه ماهور و پر آب و علفی که گیاهان فراوان در آن روئیده باشد. به این گونه زمین‌ها چراگاه و سبزهزار نیز می‌گویند.

راه ROAD

راه عبارت از شبکه ارتباطی است، که به منظور حمل و نقل کالا و مسافر میان شهرها و روستاها و نقاط مهم احداث می‌گردد. انواع راهها عبارتند از:

الف - راه آهن که مسیری است متشکل از ریلهای کنار هم نشاندۀ که واگن‌های حمل و نقل مسافرو کالا بوسیله لکوموتیو روی آن از جایی به جای دیگر حرکت می‌کنند.

ب - راه آسفالتی - راهی است زیر سازی شده که روی آن را بوسیله لایه‌ای از مخلوط قیر و شن و ماسه بنام آسفالت پوشانیده‌اند.

پ - راه شنی - راهی است زیر سازی شده که سطح آن را لایه‌ای از شن و ماسه کوبیده شده پوشانیده است اینگونه راهها معمولاً در تمام فصول سال قابل بهره‌برداری هستند.

ت - راه خاکی راهی است که زیر سازی نشده و سطح آن را مصالح نامقاوم و سست پوشانیده است.

معمولاً "راههای خاکی در فصول بارانی قابلیت عبور خود را از دست می‌دهند.

ث - راه پیاده‌رو - راهی است که به مرور ایام و با عبور مردم از جایی به جای دیگر بوجود آمده و اغلب بوسیله انسان و حیوانات باربر، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

راه آهن (Rāh āhan) RAILWAY

مسیری متشکل از ریل‌های کنار هم نشاندۀ که واگن‌های حمل و نقل مسافر و کالا و ارا به‌ها و وسایل مشابه بوسیله لکوموتیو و نیز ارا به‌های خود رو بر آن حرکت می‌کنند و نیز سازمانی که متصدی حمل و نقل بوسیله چنین مسیری است.

مناسب نیست .

راه نگار (Rāh negār) ODOGRAPH

راه نگار دستگاهی است که روی خودرو (اتومبیل) نصب شده و برای نقشه برداری مسیر راهها بکار می رود . این دستگاه از یک مسافت سنج و یک قطب نما برای تعیین سمت امتدادها ترکیب یافته است و بر اساس سیستم فتو الکتریک کار می کند و نقشه مسیر راه را بطریقه الکترونیکی مستقیماً روی کاغذ رسم می نماید .

راهنما ROAD MAP

نقشه ای به مقیاس متوسط یا کوچک که بطور اخص شبکه راهها و خطوط ارتباطی را همراه با پارامای عوارض مشخص و چشم گیر نشان دهد . منظور از تهیه این گونه نقشه ها کسب اطلاع از چگونگی شبکه راهها و میزان استعداد و ظرفیت آنها از نظر ترافیک است . به این گونه نقشه ها ، نقشه راهها نیز می گویند .

راهنمای نقشه MAP LEGEND

شرح علائم و نشانه ها و رنگهایی که در متن نقشه بکار رفته است . راهنمای نقشه نام دارد . راهنمای نقشه را معمولاً "در محل مناسبی از حاشیه نقشه و یا بر حسب مورد در پشت نقشه جای می دهند و نمایش دهند انواع عوارضی است که در نقشه بکار رفته است . به راهنمای نقشه علائم قراردادی نیز می گویند .

رایت اسنسیون RIGHT ASCENSION

یکی از ابعاد سیستم مختصات نجومی برای بیان موقعیت اجرام آسمانی ، این بعد که مشابه طول جغرافیائی است و سالیانه برای تمام اجرام آسمانی بصورت فهرست های مخصوصی بنام افریز یا تقویم های نجومی منتشر می گردد عبارت از پاره قوسی است از استواء عالم واقع میان نقطه α یا برابرا بران بهاری و دایره ساعتی مار بر جرم آسمانی مورد نظر که بر حسب زمان از صفر تا ۲۴ ساعت رو به خاور اندازه گیری می شود .

رای عمومی PLEBISCITE

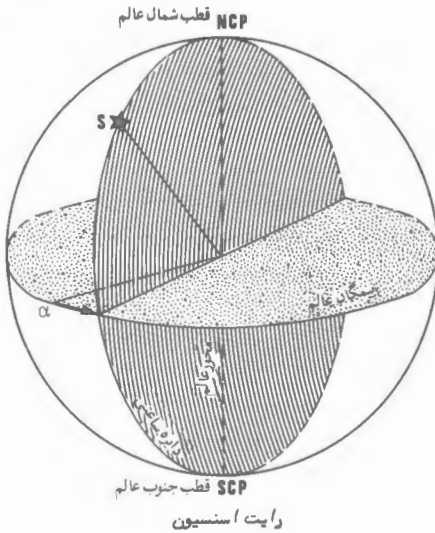
نظر مردم که معمولاً "بوسیله رای دادن عمومی حاصل می شود .

ربایش ABSTRACTION (Robāyesh)

رودگیری

ربع مسكون INHABITED QUARTER

"ن قسمت از کره زمین که محل سکونت نوع بشر باشد .



ربع الآخر

نام ماه چهارم در تقویم هجری قمری که ربع الثاني نیز گفته می شود .

ربع الاول

نام ماه سوم در تقویم هجری قمری .

ربع الثاني

← ربع الآخر

رجب

یا رجب المرجب نام هفتمین ماه در تقویم هجری قمری .

رجل الجبار (Rej-ol-jabbār) RIGEL

یا رجل الجوزا ، ستاره بتا از صورت فلکی جبار که از دو خورشید یکی سفید و دیگری آبی تشکیل یافته است و از نظر درخشندگی ظاهری هشتمین ستاره بشمار می رود .

رجل الجوزا (Rej-ol-jozā) RIGEL

← رجل الجبار

رجل قنطورس

(Rejle qanturas) RIGEL KENTAURUS

ستاره آلفا از صورت فلکی قنطورس که از لحاظ درخشندگی ظاهری سومین ستاره آسمان زمین است و از همه ستارگان درخشان به رمین نزدیک تر است و فاصله اش از زمین حدود ۴/۳ سال نوری است .

رخام (Rokham)

نوعی سنگ گچ نیمه شفاف دانه ریز سفید یا رگه دار که برای مجسمه سازی و تزئین بکار می رود. بسیار نرم است و به این جهت به آسانی قابل تراشیدن است.

رخساره FACIES

- ۱ - طبیعت واقعی و یا مشخصات حقیقی یک سنگ.
- ۲ - طبقه بندی مشخصی که یک چینه را از چینه دیگر از نظر سنگ شناسی و نوع سنگواره متمایز سازد.

رخشانکوه (Rakshānkoreh) PHOTOSPHERE

یا فوتوسفر قسمت بسیار درخشان خورشید که با چشم غیر- مسلح دیده می شود. این قسمت در واقع طبقه ای است نورانی از گازها که ضامتش از چند صد کیلو متر تجاوز نمی کند و بین گازهای متراکم داخل خورشید و گازهای خنک تر و رقیق تر رنگینکوه واقعست دمای گازهای رخشانکوه به حدود ۶۰۰۰ درجه سانتیگراد تخمین زده می شود.
— خورشید (تصویر در صفحه ۱۸۷)

رخنمون (Rakhnāmun) OUTCROP

— بروزند

رده (Radeh) CLASS

— رده بندی

رده بندی CLASSIFICATION

طبقه بندی منظم موجودات زنده بر اساس شباهت و ارتباط آن ها با یکدیگر.
در رده بندی، موجودات زنده را به دو مملکت گیا (گیاهان) و زیا (جانوران) تقسیم می کنند. ترتیب طبقه بندی نزولی بعد از رده بندی عبارتست از: سلسله، رده، راسته، تیره، نوع و جنس.

رده بندی کوپ KOEPE CLASSIFICATION

کلارنس کوپ رده بندی نسبتاً ساده ای از اقلیم ها ترتیب داده که در آن سعی شده است اقلیم های کاملاً مشابه چنان ترتیب داده شوند که قابل مقایسه با گروه های دیگر و در عین حال متفاوت با آنها باشند. در این رده بندی که درجه حرارت و بارندگی عوامل اصلی آن محسوب می شوند شانزده نوع اقلیم وجود دارد.
— اقلیم

رزم آرایشی TACTICS

دانش و فن به کار گماردن نیروهای نظامی در نبرد.

RESIN

رزین (Rezin)

نام هر یک از افراد طبقه ای از اجسام جامد یا نیم جامد بی شکل که دارای رنگی از زرد روشن تا قهوه ای تیره و طعم بی مزه و بی بو یا کمی معطر هستند. رزین ها غالباً "نیم شفاف و گاهی شفافند و قابل اشتعال هستند و با شعله دود آلود می سوزند. رزین ها بیشتر ریشه و منشاء گیاهی دارند و آن ها را به طریق آزمایشگاهی و ترکیبی نیز می سازند. در ترکیب همه رزین ها کربن و اکسیژن و هیدروژن یافت می شود. رزین های طبیعی که معمولاً "بصورت ترشحاتی از گیاه خارج می شوند دارای جوهرهای روغنی هستند و غالباً "خاصیت چسبندگی دارند.

REGIME

رژیم

طرز حکومت یا اداره، خصوصیت حکومت یا نظام اجتماعی (مانند رژیم جمهوری، رژیم سلطنتی و)

CLAY

رس (Ross)

الف - مواد ته نشین شده بسیار ریز و نرمی که نگهدارنده رطوبت بوده و در صورت مخلوط شدن با آب به ماده خمیری شکل قابل انعطافی مبدل می گردد. مواد اصلی اینگونه خاکها، معمولاً "از سیلیکات آلومینیم تشکیل یافته و پس از خشک شدن بشکل قطعات نامنظمی ترک خورده و تغییر شکل می دهد. از ویژگیهای خاک رس این است که پس از اشباع شدن آب موجود در میان ذرات آن بسوی بالا رانده شده و به اصطلاح آب پس می دهد. روی همین خاصیت از خاک رس برای پوشش سقفها و جلوگیری از نفوذ آب بسوی طبقات زیر استفاده می شود.

ب - رس، در مبحث خاکشناسی به خاکی گفته می شود که اندازه ذرات آن از ۰/۰۰۲ میلیمتر کوچکتر باشد.
پ - در مبحث معدن شناسی، رس به موادی گفته می شود که عموماً "از سیلیکات آلومینیم و سیلیکات آهن ترکیب یافته باشد.

انواع رس عبارتند از: ۱- کائولینیتها ۲- منتوری لونیتها ۳- شبه میکا.

CLAY

رست (Rost)

— رس

رستاق (Rostaq)

واژه مرع شده از لفظ فارسی روستاء به ناحیه ای که دارای مزارع و قریه ها باشد، اطلاق می گردد.
این واژه را جغرافیدانان مسلمان بکار برده اند و هنوز در پاره ای روستاهای ایران بصورت پسوند متداول است.

رستنی‌ها

PLANTS

یا گیاه، هر یک از افراد گروهی از موجودات زنده که نوعاً فاقد حرکت خود بخود و با دادن پاسخ سریع حرکتی و اعضای حواس و عصبی می‌باشند و از نظر رده‌بندی جزو مملکت گیا محسوب می‌گردند.

رس کوره‌ای

FIRE CLAY

گونه‌ای خاک رس که در برابر آتش مقاوم بوده و از آن برای پوشش داخلی کوره‌ها استفاده می‌شود.

رسوب

PRECIPITATION

موادی که از حالت محلول در مایع، بصورت جامد جدا شود و همچنین عمل جدا شدن آنها را نیز می‌گویند. به طور کلی تولید رسوب مربوط به جنس محلول است. مثلاً نمک طعام را می‌توان به وسیله تبخیر یا خنک سازی، به حالت متبلور از محلول جدا ساخت. افزودن بعضی معرفهای مخصوص به بعضی محلولها سبب تشکیل ماده جامد لاینحلی می‌شود که رسوب می‌کند.

رسوبشناسی

SEDIMENTOLOGY

شاخه‌ای از زمین شناسی که ترکیب و چینه‌شناسی ته‌نشست‌ها را بررسی می‌کند.

رشت (Rasht)

خاک و گرد و غبار تیره.

رشته (Reshteh)

RANGE / CHAIN

هر گونه عارضه جغرافیائی ممتدی را زنجیره و یا رشته و یا سلسله می‌گویند. مانند رشته کوههایی که بطور موازی و ممتد قرار گرفته باشند و یا رشته جزیره‌هایی که بطور ممتد در پهنه آب دریا گسترده شده باشند.

رشته کوه

RANGE OF MOUNTAIN

رشته‌کوه، ردیفی از کوهها یا تپه‌ها و گاهی به معنی سلسله کوه استعمال می‌شود.

رشن (Rashn)

KNOLL

تپه یا پشته مدور و کوچکی را گویند.

رصد (Rasad)

OBSERVATION

چشم دوختن به چیزی در اصطلاح نجومی، نشانه روی به اجرام آسمانی و تحت نظر گرفتن حالات و حرکات آنها.

رصدخانه

OBSERVATORY

ساختمان و یا سازمانی که برای رصد کردن و ثبت پدیده‌های

نجومی تأسیس شده است.

مصریان و بابلیها نخستین اقوامی هستند که از درون معابد و برجها به رصد اجرام آسمانی می‌پرداختند.

کهن‌ترین سندی که درباره رصدخانه‌ها و مشاهدات نجومی وجود دارد مربوط به حدود ۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح است که وجود رصدخانه‌ای را که بفرمان بطلمیوس اول در اسکندریه ساخته شده، ثابت می‌کند.

مأمون خلیفه عباسی، طی سال‌های ۱۹۸ تا ۲۱۸ هجری - قمری رصدخانه‌ای در بغداد دایر کرد و رصدخانه دیگری در حوالی دمشق بنا نهاد.

در قرن سوم هجری قمری منجمین دیگری با بکار گرفتن ابزار آلات دقیق تر و مهمتر در شیراز و نیشابور به رصد ستارگان اشتغال داشتند. سلاطین آل بویه در اواخر قرن چهارم به تأسیس رصدخانه‌های کامل‌تری امر دادند. و منجمینی چون عبدالرحمان صوفی، ابن الاَلم و ابوالوفای بوزجانی در رصدخانه‌های مزبور به تحقیق درحال ستارگان پرداختند. سلاطین سلجوقی نیز رصدخانه‌های چندی در ایران شمالی بنا نهادند که از میان آنها رصدخانه‌های ری و نیشابور که به امر ملکشاه سلجوقی در سال ۴۶۷ هجری قمری تأسیس گردید از اهمیت خاصی برخوردار است.

در همین رصدخانه‌ها بود که منجمین مشهوری چون ابوالعباس - لوکری، میمون ابن نجیب واسطی، ابوالمظفر اسفزاری و احتمالاً حکیم عمر خیام به اصلاح تقویم ایران پرداختند و پایه‌های تقویم کنونی ایران یعنی تقویم جلالی یا ملکی را پایه گذاری کردند.

هلاکوخان مغول در سال ۶۵۷ هجری قمری رصدخانه بزرگی تحت سرپرستی خواجه نصیرالدین طوسی در مراغه ایجاد نمود که زیج فارسی معروف به ایلخانی یادگار آن است.

به امر الغ بیگ پسر شاهرخ تیموری رصدخانه‌ای در سال - ۸۲۴ هجری قمری در سمرقند ساخته شد و زیج معروف الغ بیگی به کمک علماء مشهوری چون غیاث الدین جمشید - کاشانی و قاضی زاده رومی و ملاعلی قوشچی تدوین گردید. نخستین رصدخانه معتبر اروپا در سال ۱۴۷۲ میلادی (حدود - سال ۸۷۶ هجری قمری) در نورمبرگ تأسیس گردید و بدنبال آن رصدخانه‌های بزرگتر و کاملتری بتدریج بنا شد.

با اختراع تلسکوپ (در سال ۱۶۰۹ میلادی) عصر تازه‌ای در تحقیقات نجومی آغاز گردید و رصدخانه‌ها به مرحله نوینی گام نهادند.

امروزه در سراسر جهان حدود ۵۰۰ رصدخانه به رصد ستارگان اشتغال دارند که از میان آنها رصدخانه کوه پالومار واقع در ایالت کالیفرنیا آمریکا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

HYGROMETER

رطوبت سنج

— مسح

ABSOLUTE HUMIDITY

رطوبت مطلق

میزان بخار آب موجود در واحدی از حجم هوا که معمولاً "بر حسب گرم در متر مکعب" بیان می‌شود.

RELATIVE HUMIDITY

رطوبت نسبی

نسبت میان بخار آب موجود در حجم معینی از هوا به میزان بخار آب موجود در همان حجم هوایی که در همان درجه حرارت به حالت اشباع رسیده باشد. رطوبت نسبی نام دارد. این نسبت معمولاً "بر حسب درصد بیان می‌شود."

THUNDER

رعد

— تندر

رقبه (Raqaabah)

الف — اصطلاح اداری متداول در عهد صفویه و بعد از آن که عبارتست از یک عده ده واقع در یک بلوک یا ناحیه به ویژه روستاهایی که تشکیل املاک موقوفه و خالصه را می‌دهد.
ب — زمینی که نزدیک به آب رودخانه باشد.
پ — زمین‌های متعلق به یک ده.
ت — حق مالکیت نسبت به زمین.
ث — زمینی که به کسی داده شود که تا پایان عمر از آن استفاده کند.
جمع آن رقبات است.

NUTATION OF THE EARTH AXES

رقص محور زمین

به علت عدم انطباق مدار ماه بر صفحه دایرة البروج، نیروهای گرانشی ماه و خورشید دائماً تغییر می‌کنند و در نتیجه در حرکت محور زمین تزلزلی پدید می‌آید و مدار تقدیمی محور بصورت منحنی کنگره‌داری در می‌آید که به آن رقص محور زمین می‌گویند. رقص ناشی از تاثیر ماه دامنه‌اش حدود ۹/۲۱ ثانیه و دورماش حدود ۱۸/۶ سال و رقص ناشی از تاثیر خورشید حدود ۱/۲ ثانیه و دورماش یکسال است. (تصویر در صفحه ۱۸۱)

CLOUDBURST

رگبار

بارندگی ناگهانی و شدیدی که میزان باران آن گاه تا ۱۰۰ میلیمتر در ساعت می‌رسد. مدت ریزش این نوع باران غالباً "کوتاه بوده و به مناطق کوچک و محدودی منحصر می‌گردد. این بارندگی اغلب با توفان و باد شدیدی همراه بوده و گاه خرابی و زیانهای قابل توجهی از خود باقی

در این رصدخانه تلسکوپی نصب شده که قطر آینه آن ۵۰۸ سانتی متر و ضخامت آن ۶۸ سانتی متر و وزن آن ۱۴/۵ تن است.

دانشمندان به کمک تلسکوپ مزبور، اعماق فضا را تا بیش از دو میلیون سال بوری شناسائی کرده‌اند.



رصدخانه

رطل (Ratl)

واحد وزن قدیمی معادل دوازده اوقیه و برابر ۸۴ مثقال. انواع رطل عبارتست از:

- ۱ — رطل بغدادی برابر ۹۰ مثقال.
- ۲ — رطل عراقی برابر ۹۱ مثقال.
- ۳ — رطل مدنی برابر ۱/۵ رطل عراقی.

HUMIDITY

رطوبت

جو آمیخته با بخار آب را، رطوبت می‌گویند. در نتیجه تبخیر، همواره مقداری بخار آب در هوا موجود است و آن فشاری در جمیع جهات اعمال می‌کند که در اصطلاح هواشناسی آن را فشار بخار موجود در هوا می‌خوانند.

اردیبهشت می بارد .

این بارندگی ها در کشتزارهای قهوه واقع در جنوب خاوری آسیا به رگبارهای شکوفه موسوم است .

رگه (Rageh) VEIN

حفره یا شکافی در یک تخته سنگ که از مواد معدنی ته نشین شده انباشته گردیده باشد . این مواد بیشتر از جنس بلورین بوده و گاه با مواد فلزی کانی نیز همراهند .

رمبش (Rombesh) EFFONDREMENT

خاصیت حل کننده آبهای زیر زمینی باعث می شود که گچ و آهک بوسیله اینگونه آبها حل شده و به پدید آمدن حفره ها و غارهای زیر زمینی منجر گردد . چون این عمل همچنان ادامه خواهد یافت لذا پر واضح است که سقف اینگونه حفره ها و غارها پس از مدتی خراب می شود و به اصطلاح ریزش می کند . این وضعیت را رمبش می نامند . رمبش گاه به فرو ریختن ساختمان ها و ایجاد سانه می انجامد .

رمضان

یا رمضان المبارک ، نهمین ماه سال در تقویم هجری قمری و ماه روزه گیری مسلمانان .

رمل (RamL) GRAVEL

— شن

رنگ آمیزی ارتفاعات LAYER TINTING

رنگ آمیزی قسمت های واقع در میان منحنی های تراز یک نقشه به منظور مشخص نمودن و متمایز ساختن پستی ها و بلندی ها از یکدیگر . در این شیوه معمولاً " به ترتیب از رنگ های سبز و زرد و قهوه ای و گاه قرمز و بنفش و سفید برای نمایش مناطق پست و ارتفاعات و قله کوهها استفاده می شود و گاه نیز گام های مختلف یک رنگ را برای این منظور بکار می گیرند .

شیوه رنگ آمیزی ارتفاعات نه تنها موجب زیبایی و خوانا تر شدن و گویایی بیشتر نقشه می گردد . بلکه بکار گرفتن رنگهای مناسب در بهتر نمایاندن شکل واقعی زمین نیز کمک شایانی می کند . (تصویر در صفحه ۱۸۲)

رنگینگره (Ranginkoreh) CHROMOSPHERE

یا فام اسپهر ، طبقاتی پهنای یا غلافی از گازهای با چگالی بسیار کم که جرم خورشید را فرا گرفته و روی سطح ظاهری خورشید یعنی رخنه گر قرار دارد . در قاعده رنگینگره طبقاتی است به ضخامت حدود ۱۵۰ تا

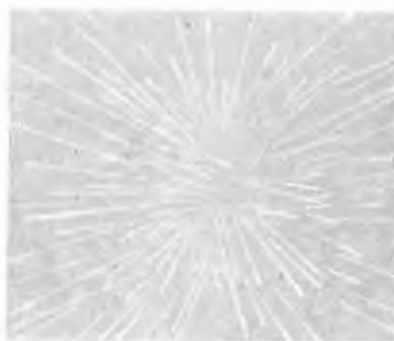


رَقصِ محورِ زمین

می گذارد . اینگونه بارندگی ها کمبیشتر در بخش های کوهستانی دیده می شود بدلیل توقف ناگهانی جریان هوای گرم لایه های بالائی جو نواحی کوهستانی روی می دهد .

رگبار شهابی METEOR SHOWER

در بعضی مواقع سال ، تعداد فراوانی از شهاب ها به مراتب بیشتر از مواقع عادی در قسمت معینی از آسمان پدید می آیند که به آنها رگبار شهابی می گویند . یک رگبار شهابی ، تقریباً بطور موازی وارد جو زمین می گردد و به نظر می رسد که از یک نقطه آسمان به جو زمین وارد می شوند . ارتباط پاره ای از رگبارها با بعضی ستارگان دنباله دار ظاهراً " به تحقق پیوسته است . بدین ترتیب که از تلاشی شدن تدریجی یک ستاره دنباله دار ، مداری از خرده سنگ پدید می آید که وقتی زمین از چنین مداری بگذرد تعداد فراوانی از سنگهای مزبور به جو زمین وارد شده و رگبار شهابی پدید می آید .

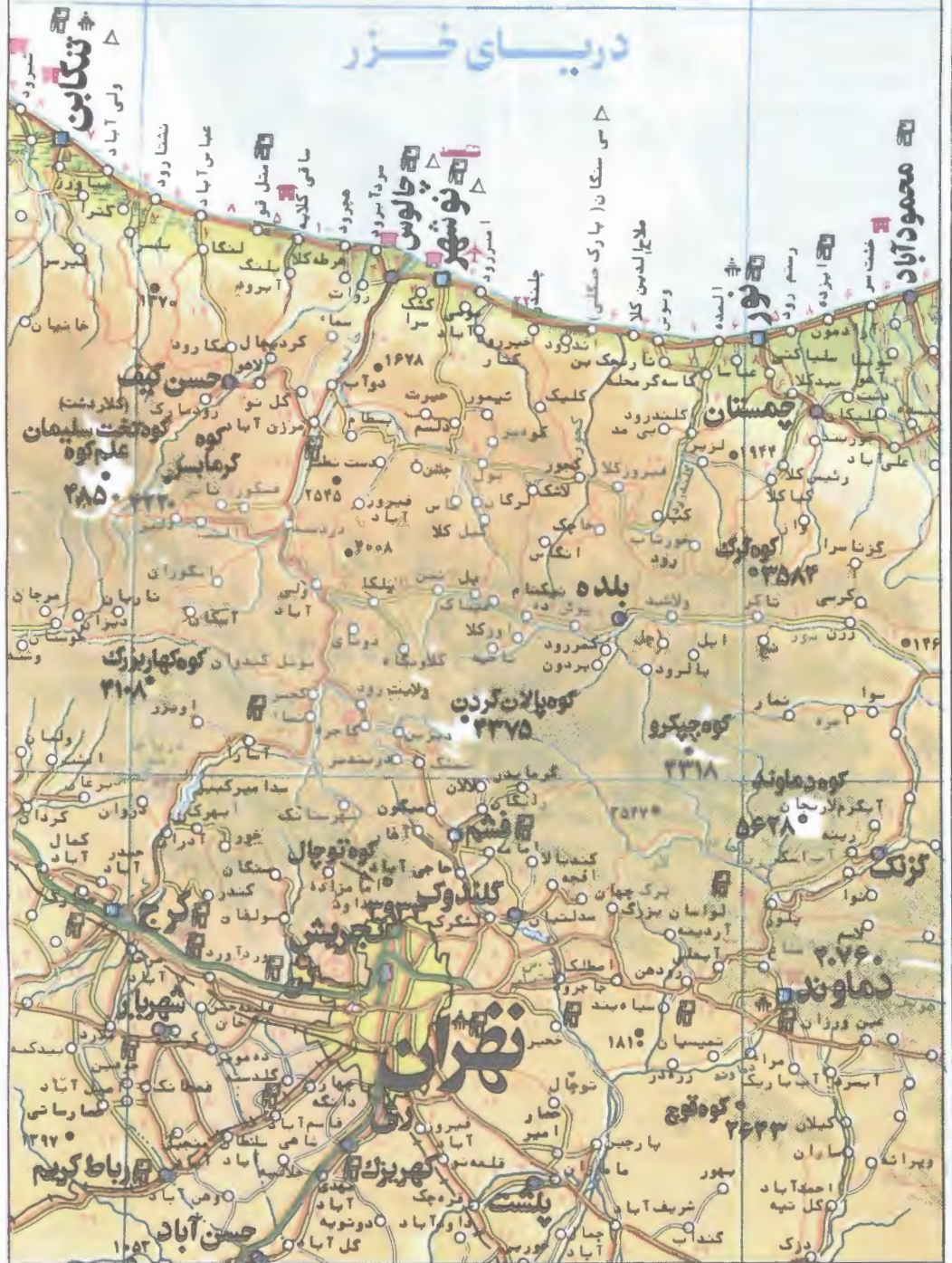


رگبار شهابی

رگبارهای بهاری SPRING SHOWERS
رگبارها و باران های شدیدی که در ماههای اسفند تا اواسط

مقیاس ۱:۱۰۰۰۰۰۰

دریای خزر



پ - حرکت یخ درون یخچال‌های طبیعی .

روانه (Ravāneh) STREAM

آبی که در مجرا یا بستری جریان داشته باشد . روانه‌ها بر حسب بزرگی آنها به اسامی مختلف خوانده می‌شوند . چنانکه روانه بزرگ باشد آبرود و روانه‌های کوچک را آبنای می‌نامند و روانه‌های کوچکتر از آبنای را جویبار می‌گویند .

روانه دائمی PERENNIAL STREAM

جوی و یا رودخانه‌ای که در تمام طول سال آب در آن جریان داشته باشد .

روانه زیرزمینی UNDERGROUND STREAM

آبی که در مجرای طبیعی زیر زمینی جریان داشته باشد .

روانه ناموافق DISCORDANT STREAM

آبرو و یا رودخانه‌ای که بستر آن نسبت به خواب و فرم کلی زمین (از نظر ساختمان) هماهنگ نباشد .

روئیدنی‌ها VEGETATIONS

حیادارانی بنام گناه که قسمت بزرگی از پوسته زمین را پوشانیده‌اند .

روباره (Rubarah) SCORIA

۱- نوعی کدازه آتشفشانی که پس از سفت شدن بر اثر خروج گاز منحل‌شده و بصورت حوض لغایی درآمده‌باشد .
۲- فضولایی که در موقع دوب مواد معدنی در کوره فلزکاری حاصل می‌شود . وجه سمه این واژه آنست که فضولات غلب سکی روی بار (یعنی موادی که در کوره دوب می‌کند) قرار می‌گیرد .

روبرویی OPPOSITION

وصعت دو حرم آسمانی در حالتی که اختلاف طول آن‌ها (آنحانکه از زمین دیده می‌شود) برابر ۱۸۰ درجه باشد .

رود (Rud) RIVER

→ رودخانه

رودبار

جائی که در آن یک رودخانه بزرگ و یا چند رود جاری باشد .

۳۰۰ کیلومتر که طبقه برگردان نام دارد . ضخامت رنگینکوه

از ۸۰۰۰ تا ۱۳۰۰۰ کیلومتر و دمای آن ۶۰۰۰ درجه مطلق (کلوین) تا ۱۰۰۰۰۰۰ درجه مطلق است . وجه تسمیه رنگینکوه به مناسبت نور سرخ رنگی است که تشعشع می‌کند . این قسمت از خورشید فقط در خور گرفت کلی آشکار می‌گردد و رنگ سرخ آن را از شیدرن می‌داند . نور تاج خورشید و همچنین زئامه‌های خورشیدی حرو رنگینکوه هستند .

مطالعات خورشیدی حاکی از آنست که این لایه در یک حالت تلاطم دائمی است و از آن نوده‌های بزرگ کار به ارباع رباد پربان می‌شود .

وجه تسمیه رنگینکوه با قام اسپهر به علت رنگ بسیار روشن (صوری) است که عمدتاً " معلول خطی در طیف شیدرن به طول موج ۶۵۶۳ / آنکسروم است که به خط H آلفا موسوم است .

رنگین کمان RAINBOW

کمان نورانی رنگینی که بر اثر شکست و بازتاب داخلی نور خورسید بوسیله قطره‌های باران پدید می‌آید . این پدیده هنگامی دیده می‌شود که خورسید در پشت بیننده واقع شده و قطره‌های باران در برابر او قرار گرفته باشند . در چنین حالتی نور خورشید بوسیله قطره‌های باران شکسته شده و طیف رنگین نور خورشید پدیدار می‌گردد . در مرحله نخست رنگ قرمز در خارج و رنگ بنفش در داخل کمان مورد بحث قرار می‌گیرد و رابویه دید شعاع آن در چشم بیننده حدود ۴۱ تا ۴۳ درجه است . در مرحله بعد طیف رنگین نور خورشید حالت عکس مرحله نخست را پیدا می‌کند و رابویه دید شعاع آن در چشم بیننده به حدود ۵۴ درجه افزایش می‌یابد . به این پدیده قوس قزح نیز گفته می‌شود (تصویر در صفحه ۱۸۷)

رواناب (Ravānā) RUNOFF

آب بارانی که از سطح زمین عبور کرده و پس از جذب شدن مقداری از آن بوسیله خاک وارد جویبار و یا رودخانه شده و با آب بارانهائی که بدرون زمین فرو رفته‌اند و به صورت چشمه آشکار می‌نوبند ، نوام و در محاری سطحی روان می‌گردند . مقدار رواناب سنگی دارد به شب زمین ، طبیعت و جنس خاک ، وجود و یا عدم وجود گناهان و میران بارندگی .

روانش (Ravānesh) FLOW

حرکت مایعات از نظر جغرافیائی :

الف - جریان بافتن و روان شدن آب با کدازه‌های آتشفشانی تحت تاثیر نیروی کشش زمین .

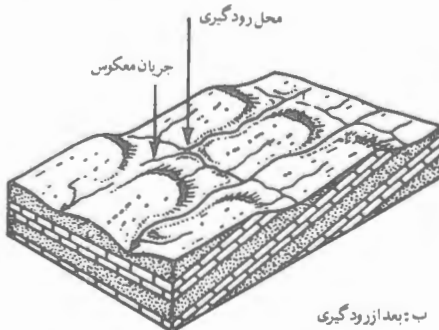
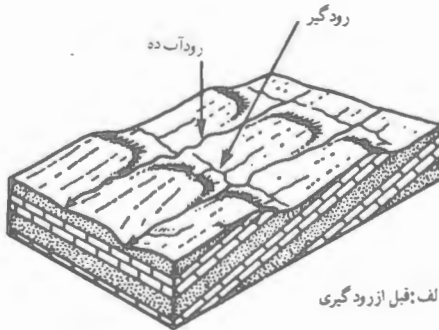
ب - جریان بافتن و روان شدن هوا از یک منطقه فرابار به یک منطقه فرو بار که در نتیجه آن باد تولید می‌شود .

شدید در آن آب جریان داشته باشد .

RIVER CAPTURE

رودگیری

عمل گسترش آبریز و پهناور شدن بستر یک رودخانه به کمک رودخانه دیگر . بطور کلی این عمل غالبا "بوسیله تغییرات سطح زمین ، توسط فرسایش و با حایجائی سطحی ، توسط باد و غیره انجام می گردد . بدین ترتیب که رودخانه (رودگیر) به وسیله گسترش یکی از سرچشمه هایش به رود بزرگ دیگری که در نزدیکی رودگیر جریان دارد متصل شده و تعدادی از سرچشمه های رود فوق را به رودگیر متصل نموده و جهت جریان قسمتی از رود اصلی را نیز معکوس می نماید . بدین - وسیله مقدار زیادی از آب رودخانه (آبدۀ) کم شده و به رودگیر اضافه گشته و در نتیجه بستر رودخانه نیز پهن تر می گردد .



رودگیری

رود لاک (R-lākh)

— رودبار

NAPPES

رورانده (Rurānd)

چین خوابیده ای که از محل اصلی خود حرکت زیادی کرده و از دامنه زیرین خود جدا شده باشد . (تصویر در صفحه ۱۸۵)

RIVER LOAD

رودبار

موادی که بوسیله آب رودخانه ها حمل می شود . این مواد عبارتند از :

الف - مواد محلول در آب .

ب - مواد معلق در آب .

پ - مواد و قطعاتی که در امتداد بستر رودخانه بوسیله آب حمل می شوند .

بطور کلی ، حداکثر باری که بوسیله یک رودخانه حمل می شود بستگی به سرعت و حجم آب رودخانه و هم چنین اندازه قطعات بار دارد .

MEANDER

رودپیچ

— چماق

RIVER

رودخانه

مجرای طبیعی آبهای سطح زمین که بسوی دریا ، دریاچه و یا آبگیرهای داخلی یک کویر یا یک رودخانه اصلی و یا باتلاق و امثال آن روان باشد .

مهمترین رودخانه های جهان به ترتیب طول عبارتند از :

۱- رود نیل ، ۶۶۹۵ کیلومتر ، در مصر و سودان .

۲- رود آمازون ، ۶۵۲۰ کیلومتر ، در برزیل .

۳- رود یانگ تسه ، ۶۳۸۰ کیلومتر در چین .

۴- رود می سی سی پی ، ۶۰۲۰ کیلومتر ، در ایالات متحده امریکا .

۵- رود آب ، ۵۴۱۰ کیلومتر در شوروی .

POTAMOPANKTON (R-darvāzi)

رود دروازی

دروازیانی که در آب هایی که به آرامی در جریان هستند زندگی می کنند .

— دروازی

STONE RIVER

رود سنگ

روانه ای از گرداله ها که از سنگریزه تشکیل شده و بسوی پایین دره حرکت می کند .

DISTRIBUTARY

رود شاخه

شاخه ای از دلتای یک رودخانه که بدون اتصال مجدد به شاخه اصلی بطور مستقل به دریا ختم شود .

KNICK POINT

رود شکن

محل تغییر شیب در نیمرخ یک رودخانه .

SEASONAL RIVER

رود فصلی

رودخانه ای که فقط در فصلهای باران و یا هنگام بارندگی های

نصف النهار با یکدیگر برابر نیستند، از این رو میانگین زمانهای مزبور را بعنوان روز خورشیدی متوسط انتخاب می کنند. — زمان خورشیدی متوسط

روز ستاره ای
SIDEREAL DAY
فاصله زمانی میان دو عبور متوالی یک نصف النهار از مقابل یک ستاره معین را یک روز ستاره ای یا یک روز نجومی می گویند. یک دور گردش کامل زمین نسبت به یک ستاره ۲۳ ساعت و ۵۶ دقیقه و ۴/۰۹۹۶ ثانیه بطول می انجامد که این مدت از یک شبانه روز معمولی (شبانه روز خورشیدی) ۴ دقیقه کوتاهتر است و به همین جهت ستارگان هر شب ۴ دقیقه زودتر از زمان شب پیش طلوع می کنند.
— روز خورشیدی

روز عرفی (R-e-orfi)
CIVIL DAY
— روز معمولی

روز قمری
LUNAR DAY
مدت زمان میان دو عبور متوالی کره ماه از فراز یک نصف النهار زمین را یک روز قمری می گویند که مدت آن ۲۴ ساعت و ۵۰ دقیقه است.

روز معمولی
CIVIL DAY
روز خورشیدی متوسط یا روز عرفی که طول آن ۲۴ ساعت است و از یک نیمه شب شروع شده و به نیمه شب بعد پایان می یابد.

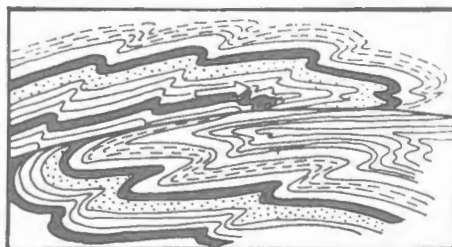
روز ستاره ای
SIDEREAL DAY
— روز ستاره ای

روز و شب
DAY & NIGHT
— شبانروز

روستا
VILLAGE
— ده

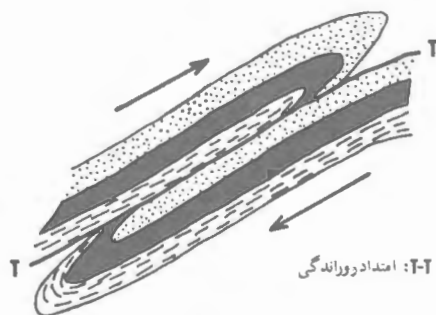
روشنه (Roshaneh)
GLADE
فضای باز یا مبری در یک درختزار یا جنگل که ممکن است طبیعی و یا بطور مصنوعی ایجاد شده باشد.

روی
ZINC
عنصر فلزی نرم (با علامت شیمیائی Zn) برنگ سفید مایل به آبی با چگالی ۷/۱ و نقطه ذوب ۴۱۹ درجه سانتیگراد که در حرارت معمولی شکننده و بلورین است. کاربرد اصلی آن به مناسبت مقاومت زیاد آن در مقابل خوردگی جوی،



روراند

رواندرگی (Rurāndegi)
OVERTHRUST
راندرگی افقی توده ای از سنگ روی سنگهای دیگر در امتداد یک گسستگی.



T-T: امتداد رواندرگی

رواندرگی

روز (Ruz).
DAY
— شبانروز

روز خورشیدی
SOLAR DAY
فاصله زمانی میان دو عبور بی در بی خورشید از فراز نصف النهار معینی از زمین را یک روز خورشیدی می گویند. از آنجائیکه مدار گردش زمین به دور خورشید بیضی بوده و محور چرخش زمین نسبت به سطح مدار مزبور قدری متمایل است، از این رو فاصله زمانی مزبور اندکی در تغییر بوده و مقدار متوسط آنرا برابر ۲۴ ساعت یا ۸۶۴۰۰ ثانیه محسوب می دارند.

طول یک روز خورشیدی تقریباً ۴ دقیقه از طول یک روز ستاره ای بلندتر بوده و به همین جهت ستارگان روزانه ۴ دقیقه زودتر از روز پیش طلوع و غروب می کنند.
— روز ستاره ای

روز خورشیدی متوسط
MEAN SOLAR DAY
یک روز خورشیدی متوسط که اندازه آن ۲۴ ساعت باشد، چون فاصله زمانی میان عبورهای متوالی خورشید از فراز یک

دیگر را گویند.

بالاخص در زمین‌شناسی به قسمتی از این علم گفته می‌شود، که از شکل و ساختمان جانوران و گیاهان بحث می‌کند.

AFFLUENT / TRIBUTARY

ریزابه

جوی یا رودخانه‌ای که به جوی و یا رودخانه دیگری می‌پیوندد.

ریز بار

ابری که باران ریز از آن فرو ریزد. در اصطلاح هواشناسی باران تند یا دانه‌های ریز را نیز می‌گویند.

MICROMETER

ریزسنج

آلتی است که برای اندازه‌گیری قطر اجسام بسیار کوچک بکار می‌رود.

PRECIPITATION

ریزش

نیزول باران و برف و انتقال رطوبت از جو به سطح زمین را ریزش می‌گویند.

ریژ

۱- ریگ درشت.

۲- زمین پشته پشته. این واژه در اورامانات متداول است.

SERIES

ریسه

چینه‌بندی‌های متعلق به یک دور زمین‌شناسی را ریسه می‌گویند.

PEBBLE

ریگ

ریگ عبارت از خرده سنگی است که بوسیله باد یا آب سائیده شده و تقریباً "گرد و صیقلی گردیده باشد. از نظر اندازه ریگ درشت‌تر از شن و کوچکتر از قلوه سنگ است و قطر آن بین ۱۰ تا ۵۰ میلی متر است.

PEBBLE MOUND

ریگ پشته

توده‌ای از ریگ که روی هم انباشته شده باشد، به آن ریگ تود یا ریگ توده نیز می‌گویند.

DUNE

ریگ روان

— تلماسه

SANDY REGION

ریگزار

زمین پوشیده از ریگ که به آن ریگستان نیز می‌گویند.

SCOUR

ریگفرسائی

ریگ مالی و فرسایش کف دریا و بستر رودخانه‌ها بر اثر

برای پوشش روی فولاد و اندود کردن آپکاری و پاشیدن فلزی می‌باشد. همچنین برای ریخته‌گری روی حلبی‌ها ورق‌های پوشش بام و بعضی کارخانه‌های شیمیائی بکار برده می‌شود. اکسید آن ضد عفونی‌کننده، با ارزشی است.

EPIGENE

رویه زایی

عملیات زمین‌شناسی که روی پوسته زمین انجام شود و طی آن سنگ‌های سطحی پدیدار و شکل گیرند.

EXFOLIATION

رویه سائی

ورقه ورقه و یا پوسته شدن سنگهای سطحی زمین در مناطق کویری. این عمل بر اثر تابش آفتاب و گرم شدن و انبساط سنگها در روز، و سرد شدن و انقباض آنها در شب انجام می‌شود. این عمل علاوه بر سرد و گرم شدن بر اثر واکنشهای شیمیائی، تاثیر آب و یخبندان و امثال آن نیز ممکن است روی دهد.

PAVEMENT

رهفرش (Rahfarsh)

۱- پوشش سطح جاده‌ها و خیابان‌ها و پیاده روها. رهفرش ممکن است از جنس بتون، ماکادام، آسفالت، بتون قیری و یا آجر و چوب و سنگ باشد.
۲- سطح سنگی که بر اثر عوامل جوی مختلف مانند آب و هوا و باد و یخبندان و غیره تحت فرسایش قرار گرفته باشد.

RIAL

ریال

واحد پول رسمی و رایج ایران معادل یک صد دینار.

MORPHOLOGY

ریخت

۱- در زیست‌شناسی. سیای عمومی یک موجود زنده یا اجزای آن.
۲- در زمین‌شناسی. ساختمان خارجی سنگها از لحاظ ارتباط آنها با تحولات فرسایشی یا پستی و بلندی سطح زمین.

MORPHOGENESIS

ریختزائی (Rikhtza'i)

وجود آمدن شکل مشخص و معین در موجودات زنده.
در بررسی‌های ریختزائی از روشهای اطلاعات و نظریه‌های ریختشناسی فیزیولوژی، زیست‌شیمی، توارث، فیزیک و ریاضیات استفاده می‌شود.

MORPHOMETRY

ریخت سنجی

تعیین اندازه‌های واقعی عوارض سطحی ریخت و شکل زمین را گویند.

MORPHOLOGY

ریختشناسی

علم بررسی شکل و ریخت عوارض و پدیده‌ها و یا هر چیز

بوده و با پارهای ترکیبات معدنی همراه باشد. این سنگ از دانه‌های بلورین کوچکی ساخته شده و رنگ آن ممکن است سفید، خاکستری و یا قرمز باشد و گاه با مواد شیشه‌ای همراه هستند.

جایجا شدن رسوبات شنی حاصله از جزر و مد دریا و جریان آب رودخانه‌ها.

RHYOLITE

ریولیت

سنگ آذرینی که آمیخته‌ای از فلدسپات‌های قلیایی و کوارتز



رخشانگره



رنگین کمان

نقطه تابش بر آن سطح قائم شود.

DIHEDRAL ANGLE

زاویه دو سطحی

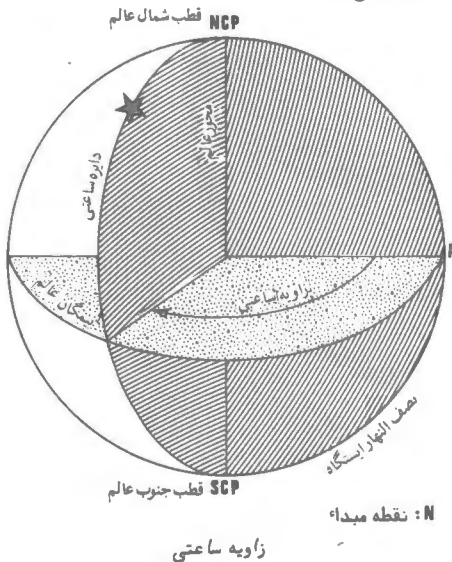
— زاویه

HOOR ANGLE

زاویه ساعتی

زاویه دو وجهی بین سطح نصف النهار ایستگاه و سطح دایره ساعتی را که از نقطه آسمانی (مانند یک ستاره) می گذرد زاویه ساعتی می نامند. این زاویه را بر حسب زمان و یا درجه اندازه می گیرند و جهت اندازه گیری آن از نصف النهار ایستگاه بسوی غرب بوده و اندازه آن بین صفر تا ۳۶۰ درجه است.

از نظر زمانی هر ۱۵ درجه از زاویه ساعتی برابر یک ساعت بوده و لذا اندازه آن از نظر زمانی بین صفر تا ۲۴ ساعت در تغییر می باشد.



زاویه ساعتی

THEODOLITE

زاویه یاب

دستگاهی است که برای اندازه گیری زاویه های افقی و قائم بکار می رود. این دستگاه که به آن تئودولیت نیز گفته می شود از یک تلسکوپ، یک آلیاد و یک صفحه مدرج افقی و یک صفحه مدرج قائم و حباب تراز تشکیل یافته و پاره ای از آن ها قادرند زوایا را با دقت دهم ثانیه اندازه گیری نمایند. از زاویه یاب در کارهای نجومی، نقشه برداری و ساختمانی و امثال آن استفاده می شود.

(تصویر در صفحه ۱۸۹)



BIRTH PLACE

زادبوم (Zādbum)

الف — محل تولد یا جایی که شخص در آن جا زائیده شده.
ب — میهن یا سرزمین مادری که به آن وطن نیز می گویند.

CAVE/ HUT

زاغه

سوراخی که در کوه، تپه و یا بهایان برای استراحت چارپایان آماده کنند.

ZAMBO

زامبو

آدم های دورگه ای که از آمیزش نژادهای سرخ و سیاه در آمریکای لاتین بوجود آمده اند.

زاو (Zāv)

شکاف، رخنه و دره میان دو کوه.

JUPITER

زاوش (Zāvash)

واژه یونانی معادل برجیس و مشتری — برجیس

ANGLE

زاویه

۱ — در هندسه مسطحه:

شکل حادث از دو نیم خط که از یک مبدا بنام راس زاویه آغاز شوند. از انواع زوایای مسطحه زاویه قائم، زاویه حاده، و زاویه منفرجه را می توان نام برد.

۲ — در هندسه فضائی:

زاویه دو خط عبارتست از: زاویه دو نیم خطی که از یک نقطه فضا به موازات آن دو خط رسم شود. زاویه یک خط با یک صفحه را زاویه آن خط با تصویرش بر آن صفحه تعریف می کنند.

از انواع زوایای فضایی زاویه چند وجهی یا کنج و زاویه دو وجهی را می توان نام برد.

زاویه دو وجهی عبارتست از: شکل حادث از دو نیم صفحه متقاطع. زاویه دو سطحی را با زاویه مسطحه آن اندازه می گیرند.

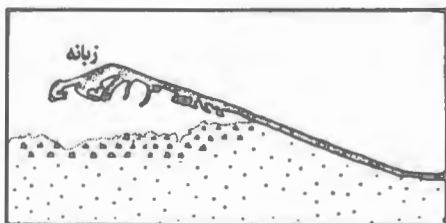
بطور کلی زوایا را با واحدهایی چون درجه، رادیان و گراد می سنجند.

ANGLE OF INCIDENCE

زاویه تابش

زاویه بین شعاع نوری که بر یک سطح می تابد با خطی که از

که یک انتهایش به زمین پیوسته است، و اغلب بواسطه جریانهای ساحلی در سراسر مدخل خلیج تشکیل می‌شود.



زبان

PROMINENCES

زبانهای خورشیدی

بخش‌هایی از رنگینکره خورشید که به علت نامعلومی تا ارتفاعات بالاتر از سطح فوقانی عادی رنگینکره گسترش می‌یابد. زبانهای خورشیدی را از طریق خور گرفت کلی و با استفاده از طیف‌نما می‌توان مشاهده نمود.

زبانهای خورشید به شش طبقه تقسیم می‌گردند. فعال، فورانی، کلفی، تاجی، طوفانی و آرام. زبانهای آرام بسیار عظیمند و ارتفاعشان نسبت به سطح خورشید به حدود ۸۰۰۰۰ کیلومتر می‌رسد. زبانهای فورانی نسبتاً کوچکترند و ارتفاع متوسطشان حدود ۳۰،۰۰۰ کیلومتر است و سرعت خروجشان از خورشید به بیش از ۳۰۰ تا ۴۰۰ کیلومتر در ثانیه می‌رسد. هنوز توجیه قانع کننده‌ای برای نیروی شگرفی که علیرغم نیروی عظیم جاذبه خورشید ماده را به این ارتفاعات می‌برد پیدا نشده. عده زبانهای خورشید رابطه مستقیم با عده کلف‌های خورشید دارد.

— خورشید

TALWIND

زبر باد (zebar bād)

بادی که در طبقات بالای یک دره می‌وزد.

TOPAZ

زبرجد

سنگی است قیمتی که ترکیبش عبارتست از سیلیکات طبیعی و منیزیم. وزن مخصوص آن بین ۳/۳ تا ۳/۴ متغیر است و دارای شفافیت و جلای شیشه و رنگش سبز مایل به زرد (سبز زیتونی) است.

TOPSOIL

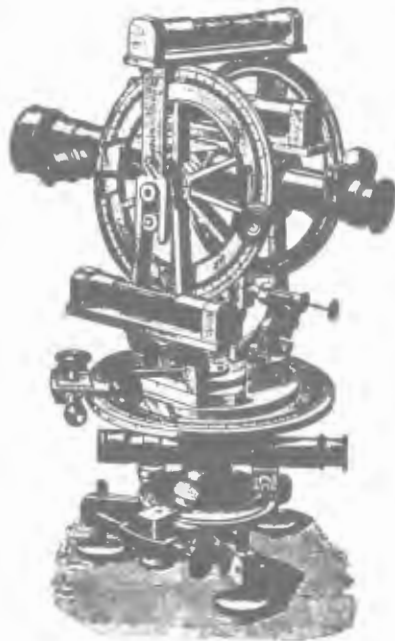
زبر خاک (zebarkhāk)

آن قسمت از خاک سطحی که برای کشاورزی بکار می‌رود.

TRACHYTE

زیره سنگ

سنگ آذرینی از دسته سنگ‌های سماکی که دارای بلورهای فلدسپات و پیروکسن و گاهی میکا سیاه و آمفیبول می‌باشد. این سنگ در موقع لمس زیر است و به گل پخته شباهت دارد.



زاویه یاب

زایچه (zāyjuh)

— زیج

LANGUAGE

زبان

وسیله صوتی منظمی که انسان برای ارتباط با هم‌نوع خود به کار می‌برد. این وسیله که خاص انسان است در میان نوع بشر عمومی است و اساس و آغاز آن دانسته نیست زبان‌هایی که شباهت منظم و با قاعده‌ای با یکدیگر دارند مرتبط و خویشاوند شمرده می‌شوند.

LINGUISTICS

زبان‌شناسی

نام علمی تحقیق زبان که رایج‌ترین وظیفه آن تحقیق توصیفی هر زبان است بصورتی که در زمان معینی متداول است.

مسئله تحقیق تحول تاریخی هر زبان و رابطه آن با سایر زبان‌های مشابه از قرن ۱۹ میلادی در آلمان رواج گرفت. زبان‌شناسی از علوم انسانی و یا پاره‌ای علوم دیگر مانند فیزیک (از نظر فونتیک) رابطه دارد.

SPIT

زبان

باریک‌های از ریگ و شن و ماسه که بصورت دماغ‌های از خشکی در دریا پیش‌رفته باشد. تفاوت آن با بنداب در آن است

زحل
—کیوان

SATURN

زدایش (Zodāyesh)

زدودن و پاک کردن رویه مصالح و عوارضی که بوسیله مواد ته نشستی پوشیده شده باشد. این عمل بیشتر هنگام بررسی سنگواره‌ها انجام می‌شود.

GOLD

زد
یا طلا، عنصر فلزی دارای رنگ زرد درخشان و براق با علامت شیمیائی (Au) و از گرانبهاترین فلزات است. چگالی آن ۱۹/۳ و نقطه ذوبش ۱۰۶۳ درجه است. طلا از همه فلزات چکشوارتر و قابلیت مفتول شدن آن نیز بسیار زیاد است. از لحاظ شیمیائی، طلا بی اثر است و در هوا حتی اگر آن را به شدت حرارت دهند تغییری عارض نمی‌شود. معادن طلا در سراسر کره زمین یافت می‌شود و در آب دریا نیز فراوان است، ولی استخراج آن از آب دریا مقرون به صرفه نیست. مهمترین منابع طلای جهان افریقای جنوبی، اتحاد جماهیر شوروی، کانادا و ایالات متحده امریکا است. طلا معمولاً همراه با نقره یا فلزات دیگر چنان در رگه‌های کوارتزی پراکنده است که به چشم دیده نمی‌شود. همچنین در نهشته‌های آبرفتی یافت می‌شود که آن را با شستن خاک (طلاشویی) و ته نشین کردن فلزات بدست می‌آورند. طلا را عموماً به عنوان وسیله موانه معاملات بین‌المللی پذیرفته‌اند و همواره به عنوان پشتوانه پول مقبول بوده است. مهمترین مورد استفاده طلا در ساختن زینت آلات و جواهرات است.

AGRICULTURE

زراعت
—کشاورزی

DRY FARMING

زراعت دیم
—کشاورزی دیم

زراه (Zarāh)
—دریا

JELTOZIOM

زرد خاک
—بادرفت

CHARCOAL

زغال
ماده‌ای که بیشتر آن کربن خالص است و از تقطیر تخریبی چوب، مواد حیوانی و یا قند بدست می‌آید. زغال‌ها معمولاً سوختی و حرارت زا هستند.

زغال سنگ

COAL

ماده‌ای معدنی، که از بقایای گیاهان پدید آمده و دارای مقداری کربن و مقداری ترکیبات آلی و مقداری آب است. معمولاً زغال سنگ را بر حسب میزان کربن و مواد فرار موجود در آن و هم چنین رنگ و سختی و عمر آنها طبقه بندی می‌کنند.

زغال سنگ‌ها در حقیقت سنگهایی هستند که از ته نشست مواد گیاهی در آبهای کم عمق و با باتلاقها پدید آمده‌است. سنگینی لایه‌های ته نشین شده فوقانی به تشکیل زغال در لایه‌های زیرین کمک کرده و هر چه فشار طبقات بالا بیشتر باشد بر مرغوبیت زغال سنگ می‌افزاید. زغال سنگ معمولاً از ۸۰ درصد کربن تشکیل یافته و در سطح پاره‌ای از آنها آثار پاره‌ای گیاهان که تشکیل دهنده زغال هستند دیده می‌شود. اهمیت اقتصادی و صنعتی زغال سنگ بسته به میزان کربن آن است بدیهی است هر قدر کربن زغال زیادتر باشد بهتر می‌سوزد.

از زغال سنگ می‌توان شیدرو کربورهائی چون گودرون، آمونیاک و همچنین کوک که ماده سوختنی کوره‌های ذوب فلزات است بدست آورد.

زغال قهوه‌ای

LIGNITE

نوعی زغال سنگ که دارای ظاهری چوبین بوده و در واقع مرحله دوم تبدیل مواد گیاهی به زغال سنگ را طی می‌کند. این زغال خرمایی یا زرد رنگ بوده و شعله‌های آن پر دود و نیروی حرارتی آن کم است.

زغال قیری

BITUMINOUS COAL

یا زغال سیاه، بهترین نوع زغال سنگ برای تهیه کوک است و مصرف بسیار دارد. همانطوریکه از نام آن پیداست، رنگ آن سیاه و کربن خالص آن ۴۸ درصد می‌باشد.

زغال قیری تقریباً ۵۲ درصد ذخیره زغالی جهان را تشکیل می‌دهد و بیشتر از سایر انواع زغال سنگها در صنایع مصرف می‌شود.

زغال کوک

COKING COAL

باقیمانده زغال سنگی که به دلیل کمبود هوا و اکسیژن بطور ناقص سوخته باشد.

CARBONIFEROUS PERIOD

زغالینه

—کربونifer

EARTHQUAKE

زلزله

—زمین لرزه

TSUNAMI

زلزله دریائی

—آبلرزه

عمل که نخستین بار بوسیله یک نفر انگلیسی بنام ویلیام هولت در سال ۱۹۰۷ میلادی پیشنهاد شده و از زمان جنگ جهانی یکم در پارهای کشورها متداول شده است بدین ترتیب است که در آغاز بهار یک ساعت بزمان رسمی افزوده شده و در آغاز پاییز با کاستن یک ساعت مجدداً آن را به زمان رسمی پیشین باز می گردانند.

زمان جهانی UNIVERSAL TIME
زمان گرینویچ، زمان خورشیدی متوسط نصف النهار صفر درجه که از رصدخانه گرینویچ انگلستان می گذرد. این زمان از نظر علمی و ارتباطات بین المللی رسمیت دارد.
— زمان

زمان خورشیدی حقیقی REAL SOLAR TIME
— زمان خورشیدی ظاهری

زمان خورشیدی ظاهری APPARENT SOLAR TIME
زمانی است که بر حسب حرکت ظاهری خورشید اندازه گیری شود.
بر اساس این تعریف ظهر ظاهری در واقع لحظه ای است که خورشید حقیقی به بلندترین نقطه مدار حرکت ظاهری خود در آسمان رسیده و اجسام روی زمین کوتاهترین سایه روزانه را دارا باشند.
این زمان در واقع همان زمانی است که بوسیله ساعتهای آفتابی بدست می آید.

یک شبانروز خورشیدی حقیقی (با ظاهری) فاصله زمانی دو عبور متوالی مرکز خورشید از مقابل نصف النهار ایستگاه است.

زمان خورشیدی متوسط MEAN SOLAR TIME
به سبب متممیر بودن طول شبانروز خورشیدی حقیقی که ناشی از بیضی بودن مدار گردش زمین بدور خورشید و میل محور آن نسبت به سطح دایره البروج است نا متناسب بودن زمان شمسی حقیقی آشکار می گردد. بهمین جهت زمان شمسی متوسط که مبداءش ظهر است بکار گرفته شد و آن عبارت از زمانی است مبتنی بر گردش ظاهری یک خورشید موهومی که در مقایسه با خورشید حقیقی دارای سرعت متوسط و یکنواختی باشد.

تفاوت زمان خورشیدی حقیقی و زمان خورشیدی متوسط را تعدیل زمان می نامند.

— روز خورشیدی متوسط

زمان رسمی STANDARD TIME
زمان متوسط مربوط به یک نصف النهار معین که برای منطقه

زلزله سنج SEISMOMETER
— لرزه سنج

زلزله شناسی SEISMOLOGY
— لرزه شناسی

زلزله نگار SEISMOGRAPH
— لرزه نگار

زم (Zam) COLD WIND
باد سرد و شدید.

زمان TIME
توصیف وقوع یک رویداد مستلزم مشخص کردن لحظه وقوع و مدت دوام آن است. مقیاس زمان مبتنی بر حرکت وضعی زمین، حرکت انتقالی آن، و نوسانهای اتمی، در انواع زیر خلاصه می شود:

الف — زمان نجومی
ب — زمان شمسی حقیقی
پ — زمان شمسی متوسط
ت — زمان محلی یا زمان عرفی

ث — زمان عمومی یا جهانی — چون کاربرد زمانهای محلی یا عرفی، در غالب کارهای علمی و فنی با اشکالاتی مواجه می شود، از این رو، زمان شمسی متوسط گرینویچ (گرینیچ) را به نام زمان عمومی یا زمان جهانی بکار می گیرند. این زمان در حمل و نقلهای جهانی و برنامه های پرواز هوایی رواج فراوانی دارد.

ج — زمان تقویمی — مقیاس یکنواختی است برای زمان که بوسیله حرکت سیارات به دور خورشید تعریف می شود و به وسیله تصحیح بی نظمی های زمان شمسی متوسط تعیین می گردد.

چ — زمان اتمی — زمانی است که از شماردن نوسانهای ثابت پارهای عناصر شیمیایی بدست آید. امروزه نوسانگرهای بسیار دقیقی ساخته شده اند که قادرند زمان را با دقت فوق العاده زیادی اندازه گیری کنند.

— شبانروز

زمان استاندارد STANDARD TIME
— زمان رسمی

زمان بهره گیری از روشنائی روز DAYLIGHT SAVING TIME
زمانی که برای بهره گیری از روشنائی روزهای تابستان افزودن یک ساعت به زمان رسمی در تابستان

SIDEREAL TIME

زمان نجومی

زمانی که بر اساس چرخش کره زمین نسبت به نقطه برابران بهاری، اندازه‌گیری شود زمان نجومی نام دارد.

— روز ستاره‌ای، سال ستاره‌ای

EMERALD

زمرد

سنگ قیمتی سبز رنگ و شفاف که بهترین نوع آن در آمریکای جنوبی یافت می‌شود. زمردهای مشرق رمین از انواع سنگ سنباده است و هر چه پر رنگ تر باشد گرانباتر است.

WINTER

زمستان

الف — بطور کلی سردترین فصل سال را زمستان می‌گویند.

ب — سه ماه دی، بهمن و اسفند (تقریباً) مطابق با دسامبر، ژانویه و فوریه) در نیمکره شمالی، و تیر و مرداد و شهریور (تقریباً) مطابق با ژوئن، ژوئیه و اوت) در نیمکره جنوبی، فصل زمستان نام دارد.

پ — از نظر نجومی مدت زمان گردش کره زمین بدور خورشید در حد فاصل یکم دی (۲۲ دسامبر) تا پایان روز ۲۹ اسفند (۲۱ مارس) در نیمکره شمالی و یکم تیر (۲۲ ژوئن) تا پایان روز ۳۱ شهریور (۲۲ سپتامبر) در نیمکره جنوبی را زمستان می‌نامند.

— فصل

HIBERNATION

زمستانخوابی

عادت طبیعی بعضی از جانوران که قسمتی از فصل سرما را در خواب کامل یا نیمه خواب بسر می‌برند. ظاهراً این حالت برای دفاع در مقابل سرما و کمپایی غذا در فصل سرما است.

این گونه جانوران می‌توانند مقدار کافی اندوخته غذایی در بدن خود نگهدارند و هنگامی که از خارج غذا به مقدار کافی به دست نمی‌آید از آن استفاده کنند.

در زمستانخوابی رشد متوقف می‌گردد و فعالیت بدنی به کمترین مقدار می‌رسد.

تابستانخوابی در مقابل زمستانخوابی قرار دارد و آن عبارت از دوره خوابی است برای فرار از گرما و کمی آب.

GEOCHRONOLOGY (Zamgāh Shenāsī)

زمگاه شناسی (Zamgāh Shenāsī) دانش تعیین مقیاس‌های زمانی زمینشناسی که بوسیله آنها بتوان تاریخ مرحله‌های فرگشت زمین و ساکنان آن را معلوم ساخت.

INTENSE COLD

زمهریر

در هواشناسی متداول میان مسلمانان، طبقه‌ای از لایه‌های

نسبتاً وسیعی تعمیم و رسمیت یافته‌باشد زمان رسمی یا زمان استاندارد یا عرفی نام دارد. برای برقراری یک سیستم زمانی بین المللی، کره زمین را به ۲۴ قاچ ۱۵ درجه‌ای تقسیم کرده‌اند و زمان متوسط نصف النهار مرکزی هر قاچ را به عنوان زمان رسمی سرتاسر آن قاچ تعیین کرده‌اند. در پاره‌ای موارد استثنائی (مانند زمان رسمی ایران) نصف — النهارهایی را که مضرب ۷/۵ درجه می‌باشند، مبنای زمان رسمی قرار داده‌اند.

APPARENT TIME

زمان ظاهری

زمان ظاهری یا زمان محلی، زمانی است که بر حسب گردش ظاهری خورشید اندازه‌گیری شود. بر اساس این تعریف ظهر ظاهری در واقع لحظه‌ای است که خورشید به بلندترین نقطه مدار حرکت ظاهری خود در آسمان رسیده و اجسام روی زمین کوتاهترین سایه روزانه خود را دارا باشند.

CIVIL TIME

زمان عرفی

یعنی زمان شمسی متوسط به علاوه ۱۲ ساعت. با این تعریف مبدأ زمان عرفی نیمه شب است و جنبه محلی دارد.

زمان متوسط گرینویچ (گرینویچ)

GREENWICH MEAN TIME (G.M.T)

زمان رسمی کشور انگلستان و اروپای باختری، که بر مبنای زمان محلی گرینویچ یا زمان نصف النهار صفر استوار است. این زمان از نظر تسهیل در برنامه پرواز هواپیماها و همزمان ساختن گزارش‌های هواشناسی و امثال آن نقش موثری ایفا می‌کند و به عنوان زمان بین المللی بکار می‌رود.

LOCAL TIME

زمان محلی

زمان محلی عبارتست از زمان نقاط مختلف سطح زمین که بر حسب موقعیت خورشید محاسبه می‌گردد. مثلاً "ظهر محلی هر نقطه عبارت از لحظه‌ای است که خورشید در بلندترین وضعیت خود در آسمان آن نقطه قرار گرفته باشد. چون بطور کلی زمان بر اساس چرخش زمین حول محور خود پدید می‌آید، از اینرو کلیه نقاطی که روی یک نصف النهار قرار گرفته‌اند همزمان خواهند بود و بدیهی است که نقاط واقع بر روی نصف النهارهای مختلف از نظر زمانی با یکدیگر تفاوت خواهند داشت. بدین ترتیب که نقاط خاوری از نظر زمانی جلوتر از نقاط باختری هستند. چون کره زمین در مدت ۲۴ ساعت ۳۶۰ درجه به دور خویش می‌گردد از این رو هر ساعت برابر ۱۵ درجه و یا هر ۴ دقیقه زمانی برابر یک درجه خواهد بود.

زمان محلی را زمان ظاهری (Apparent Time) نیز می‌گویند.

و با تعیین سن این سنگها میتوان سن واقعی زمین را نیز پیدا کرد. حداکثر سنی که تا بحال برای سنگهای آسمانی بدست آمده عدد ۴۰۵۰۰۰۰۰۰۰ سال بوده است. — ساختمان زمین (تصویر در صفحه ۱۹۴)

LANDSCAPE ARCHITECTURE

زمین‌آرایی

هنر طرح‌ریزی و اجرای نقشه‌هایی برای زیبا کردن قطعه زمینی از راه تنظیم و ترتیب درختان و بوته‌ها و گل‌ها، بدان سان که با ساختمان‌های مجاور هماهنگ باشد.

WOLD

زمین بایر

زمینی که فاقد روئیدنی بوده و بکر و لم بزرع باقی مانده باشد.

LOWLAND

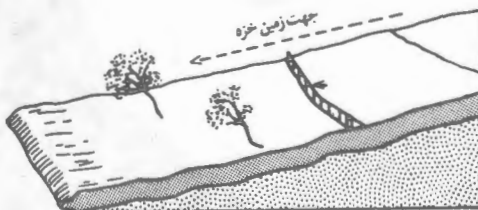
زمین پست (Z-e-past)

زمینی که ارتفاع آن کمتر از ۱۸۰ متر باشد.

SOIL CREEP

زمین خزه (Z-khazeh)

حرکت یکنواخت و بسیار آرام و نا محسوس خاک و سنگهای سطحی در امتداد شیب زمین. علت حرکت این مواد تابش نور خورشید و گرم شدن و ترک خوردن خاک و سپس پر شدن شکافهای سطحی با آب باران و در نتیجه بسته شدن شکافها و حرکاتی از این قبیل است که بالطبع به لغزیدن آرام خاک در سراسیم می‌انجامد.



زمین خزه

GEOMORPHOLOGY

زمین‌ریخت‌شناسی

علم بررسی عوارض طبیعی زمین و با ترتیب و شکل پوسته آن و رابطه میان عوارض طبیعی و ساختمان زیر پوسته زمین، به این علم ژئومورفولوژی نیز می‌گویند.

TECTONIC

زمین‌ساخت

علم بررسی کلیه نیروهای درونی که منجر به پدید آمدن عوارض پوسته زمین می‌گردند.

PLATE TECTONIC

زمین‌ساخت صفحه‌ای

سنگ اسپهر یا لیتوسفر از چند صفحه مجزا با ضخامت متوسط

هوا که در بالای طبقه نسیم قرار دارد و دارای سرمای بسیار بوده و موجب برودت هوا و نزول برف در ارتفاعات می‌گردد. در ادبیات عرب زمهریر به معنی شدت سرماست و از نظر اعتقادات مذهبی طبقه‌ای از جهنم محسوب می‌گردد.

EARTH

زمین (Zamin)

سیاره مسکونی انسان، که در مداری میان دو سیاره زهره و مریخ بدور خورشید در گردش بوده و بیک شبه کره دو سر بهین شباهت دارد. قطردایره استوائی زمین ۱۲۷۵۶ کیلومتر و قطر دایره قطبی (یا قطر دایره نصف النهاری) آن ۱۲۷۱۴ کیلومتر می‌باشد. میزان فشردگی (فرورفتگی دوقطب) زمین $\frac{1}{294}$ تا $\frac{1}{33}$ است. در حالیکه فشردگی شبه کره بین المللی که در سال ۱۹۲۴ به عنوان نزدیک ترین شکل هندسی به شکل واقعی زمین انتخاب شده $\frac{1}{297}$ است.

پیرامون استوائی کره زمین ۴۰۰۷۳ کیلومتر و پیرامون نصف النهاری آن ۴۰۰۰۸ کیلومتر بوده و مساحت سطح آن $۵۱۰/۱ \times ۱۰^۶$ کیلومتر مربع است و جرم آن ۶×۱۰^{۲۱} تن می‌باشد و $۵/۵$ برابر از آب سنگین تر است.

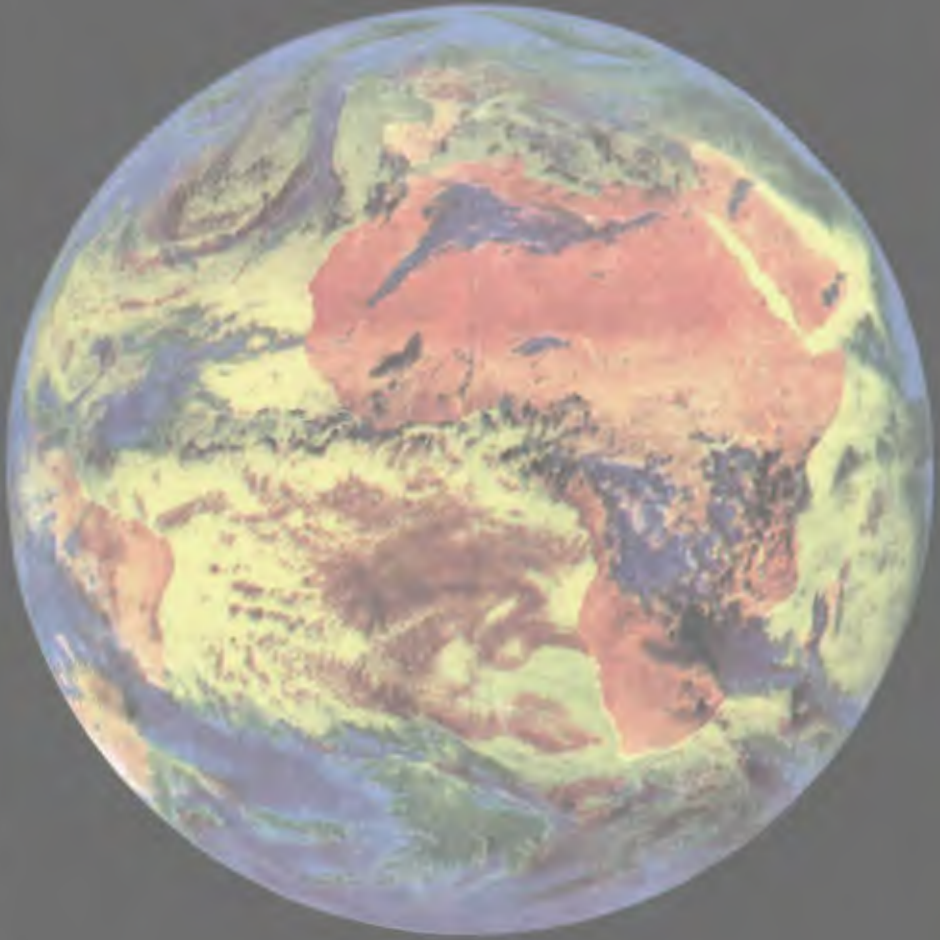
زمین از لحاظ بزرگی، پنجمین و از حیث فاصله از خورشید سومین سیاره منظومه شمسی است و یک قمر دارد و زمان گردش بدور خورشید $۳۶۵/۲۵۶$ روز و زمان چرخش حول محور قطبین ۲۳ ساعت و ۵۶ دقیقه است و تنها سیاره‌ای است که از وجود حیات در آن اطلاع قطعی داریم و تقریباً ۴،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ سال از عمر آن می‌گذرد.

فاصله متوسط آن از خورشید ۱۴۹،۶۰۰،۰۰۰ کیلومتر است و پیرامون آن را پوششی از گاز بنام جو فرا گرفته و وسعت خشکیهای آن حدود ۱۴۹،۰۰۰،۰۰۰ کیلومتر مربع و وسعت اقیانوسهای آن تقریباً ۳۶۱،۰۰۰،۰۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد. زمین از یک سری لایه‌هایی که مانند پوست پیاز روی هم قرار گرفته‌اند تشکیل یافته که ضخامت این لایه‌ها متفاوت است و به طور کلی به سه طبقه تقسیم می‌شوند که عبارتند از: ۱- پوسته زمین ۲- زیر پوش یا جبه زمین ۳- هسته یا توده مرکزی زمین.

قسمت اعظم و در ضمن قدیمی‌ترین بخش تاریخ زمین را دوران پرگامبرین تشکیل میدهد.

آزمایشات متعددی که بر روی سنگهای مختلف متعلق به این دوران انجام شده اعداد متفاوتی را بدست داده که کمترین آنها ۶۰۰ میلیون سال و بیشترین آنها ۳/۵ میلیارد سال بوده‌است بنابراین میتوان گفت که دوران مزبور حداقل در فاصله زمانی بین ۳/۵ میلیارد تا ۶۰۰ میلیون سال پیش گسترش داشته است.

برای تعیین سن زمین بایستی از سنگهای آسمانی کمک گرفت



نیروهای موثر بر مواد مزبور و نتایج حاصله از آن، و پراکندگی سنگهای پوسته زمین و سرگذشت زمین و همچنین گیاهان و جانورانی که در دوره‌های مختلف زمین‌شناسی وجود داشته‌اند گفتگو می‌شود.

این دانش بصورت زیر طبقه‌بندی می‌شود:

الف - زمین‌شناسی طبیعی، شامل معدن‌شناسی، سنگ - شناسی، زمین‌ساخت و زمین‌ریخت‌شناسی.

ب - زمین‌شناسی تاریخی، شامل چینه‌شناسی و دیرین - شناسی.

— ازمه زمین‌شناسی

GEOCHEMISTRY

زمین‌شیمی

دانشی مرکب از زمین‌شناسی و شیمی که توزیع، فراوانی و واکنشهای عناصر شیمیائی‌ای که پوسته زمین از آن‌ها ترکیب یافته است بررسی می‌کند.

GEOPHYSICS

زمین‌فیزیک

بررسی پدیده‌های ساختمانی زمین، شامل قسمت‌های خشکی، آبها و همچنین جو زمین از نظر فیزیکی و ارتباط آن با دانش زمین‌شناسی.

بطور کلی موضوعاتی مانند هواشناسی، آب‌شناسی و زلزله - شناسی، ارتباط نزدیکی با زمین‌فیزیک دارد.

تجسّات گرانشی و مغناطیسی و تشعّشی از وسایل کار تحقیقات زمین‌فیزیک است.

ARABLE LAND

زمین قابل کشت

— زمین کشتی

ARABLE LAND (Z-e-keshtani) زمین کشتی

زمینی که برای شخم زدن مناسب باشد که این گونه زمینها از مراتع دائمی و یا اراضی جنگلی متمایز است. بعضی وقتها این اصطلاح مخصوصاً "برای سرزمینی که واقعا" شخم زده شده و محصولات روی آن کشت شده باشد بکار برده می‌شود.

حدود ۱۰۰ کیلومتر پوشیده شده و در واقع به حالت شناور روی گوشته زمین قرار گرفته است و با کندی بسیار در جهات معین حرکت می‌کند. عامل این حرکت جریان‌های همرفتی عنوان شده است. در اثر دور شدن صفحات مزبور از یکدیگر تعدادی شکست‌های باریک و طولیل و موازی بوجود می‌آید که به وسیله مواد گداخته‌ای که از پایین به بالا در حال صعود هستند بتدریج پر می‌شوند و قشر جدید اقیانوس به صورت رشته کوههایی در حد فاصل بین دو صفحه ایجاد می‌گردد. مواد گداخته‌ای که بر اثر جریان‌های همرفتی از اعماق زمین به زیر سنگ اسپهر آمده‌اند، بتدریج سرد شده و با افزایش وزن مخصوص پس از طی مسافتی موازی با پوسته زمین مجدداً به قسمت‌های عمیق‌تر بر می‌گردند و همراه با آن سنگ اسپهر نیز جابجا شده و در محلی که دو جریان مخالف با یکدیگر برخورد می‌کنند یکی از صفحات که دارای فشار بیشتری است به زیر صفحه دیگر رفته و تا اعماق صدها کیلومتر نفوذ می‌کند و گودال‌های اقیانوسی را در آن محل بوجود می‌آورد. این نظریه که توسط منارد مکنزی و مورگان در سال ۱۹۲۰ بیان شده است، نظریه و کثر را در مورد جابجا شدن قاره‌ها بخوبی توضیح می‌دهد و تا حد زیادی سایل و ابهامات نظریه‌های قدیمی را جوابگوست.

GEODESY

زمین‌سنجی

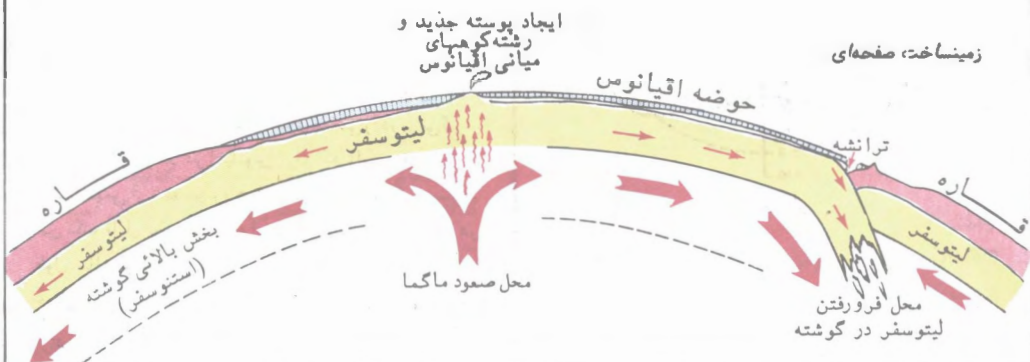
دانش مربوط به اندازه‌گیری ابعاد، شکل، وزن و تراکم زمین و مانند آن، و همچنین عملیات نقشه‌برداری که در سطح وسیعی از زمین انجام شود و انحنا، سطح زمین در محاسبات مربوطه مورد توجه قرار گیرد.

روش‌های عمده زمین‌سنجی عبارتند از: مثلث بندی‌های کلاسیک و ماهواره‌ای، پیمایش، ترازبایی و گرانی سنجی.

GEOLOGY

زمین‌شناسی

دانشی که درباره ترکیب، ساختمان و تاریخ پیدایش زمین بررسی می‌کند. در این دانش راجع به مواد سازنده زمین و



LANDSLIDE

زمین لغزه

ریزش سنگ و خاک، از فراز کوه روی دامنه و پای آن بر اثر عواملی مانند باران شویی، زمین لرزه و نیروی کشش زمین و غیره.

گاهی اوقات زمین لغزه سبب ایجاد سد در برابر نهرها و باعث سیل و انهدام جنگلها، کشتزارها و خانهها و خسارات دیگر می شود.

DEAD GROUND

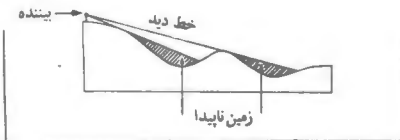
زمین مخفی

— زمین ناپیدا

DEAD GROUND

زمین ناپیدا

قسمتهائی از سطح زمین که بدلیل شکل و فرم از چشم یک بیننده مخفی بماند و دیده نشود.

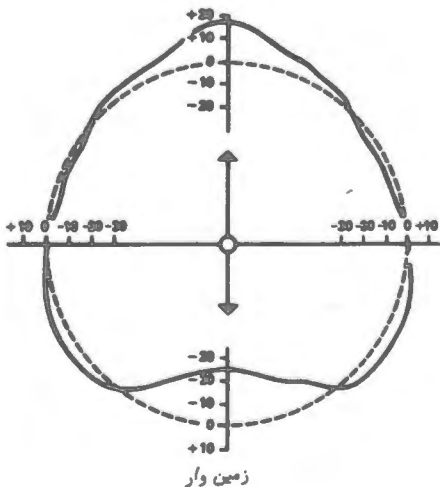


زمین ناپیدا

GEOID

زمین وار

شکلی که از گسترش سطح اقیانوسها و دریاها و آزاد زمین پدید آید. زمین وار از نظر علم زمین سنجی (ژئودزی) حرف شکل زمین بوده و شباهت زیادی به یک گویوار (شبه کره) پخت (فشرده) دارد.



زمین وار

CHAIN

زنجیره

— رشته

MAIN LAND

زمینلاد (zaminlād)

پهنه وسیعی از خشکی که شامل جزء اعظم خاک یک کشور است (معمولاً در مقابل جزیره و شبه جزیره گفته می شود).

EARTHQUAKE

زمین لرزه

جنبش سریع و محسوسی که در نتیجه جابجائی و یا جابگیری تخته سنگهای زیر پوسته زمین پدید آید. در نتیجه این جنبش، یک سری لرزشهای موجی شکل پدید می آید و گاه تغییرات ارتفاعی پوسته زمین را باعث می گردد و اغلب ضایعات و زیانهای جانی و مالی فراوان از خود باقی می گذارد. زمین لرزه بیشتر مخصوص نواحی آتشفشانی بوده و گاه با خروج و فوران کوههای آتشفشان همراه می گردد و در حالات شدید شکستها و بریدگیهای مهم و مشخصی در روی پوسته زمین از خود بجای می گذارد.

غالب زمین لرزهها، حداقل با سه نوع موج لرزاننده همراه است، که اثرات آنها حتی تا فاصلههای بسیار دوری از کانون زمین لرزه قابل تشخیص و ثبت می باشد. در مرکز وقوع زمین لرزه سه موج مزبور بطور همزمان اثر گذارده و ساختمانها و تاسیسات واقع در این منطقه را با نوسانهای شدید بعقب و جلو می برد و حداکثر خسارت و زیان را در محلی که امواج مزبور بطور مورب به سطح زمین می رسند وارد می سازد.

زمین لرزههای بزرگ، علاوه بر امواج مزبور، اغلب با یک سری تکانهای دیگر نیز همراه است و اگر چنانچه در زیر آب و با در نزدیکی آن بوقوع پیوندد، آب دریا را بشدت به تلاطم آورده و امواج آن را اغلب تا فواصل قابل ملاحظه ای به اطراف پرتاب می نماید و ضایعات جانی قابل ملاحظه ای از خود بجای می گذارد که در مقایسه با ضایعات خود زمین لرزه از اهمیت بیشتری برخوردار است.

زمین لرزه در پاره ای مناطق مانند جزایر هاوایی بطور روزانه بوقوع می پیوندد و اغلب در طول سال صدها زمین لرزه خفیف زمین را به لرزش در می آورد و در عین حال سرزمینهای نیز یافت می شود که به ندرت تحت تاثیر زمین لرزه قرار می گیرند. بطور کلی مناطق زلزله خیز زمین را به سه بخش زیر می توان تقسیم کرد:

الف — کرانه های باختری امریکای شمالی و جنوبی.

ب — نواری که اروپای جنوبی و آسیای جنوبی را در بر می گیرد.

پ — کمربندی واقع در اقیانوس آرام که ژاپن، فیلیپین و

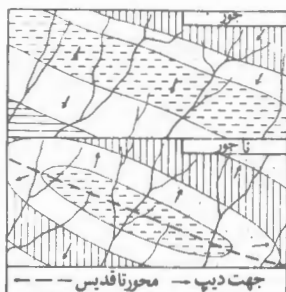
قسمت مهمی از شبه جزیره هندوچین را بهم متصل می سازد.

این نکته قابل توجه است که از هزاران زمین لرزه ای که در

طول سال بوقوع می پیوندد، فقط حدود صد تای آنها با

خسارت و ویرانی توأم بوده و بقیه اثر چندانی بهمی از خود

باقی نمی گذارند.

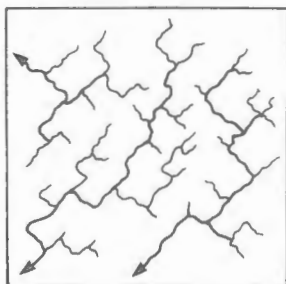


زهکشی جور

RECTANGULAR DRAINAGE

زهکشی راستگوشه

شاخه‌هایی که شاخه‌های فرعی تحت زاویه تقریباً "قائم" به شاخه‌های اصلی متصل گردند.



زهکشی راستگوشه

DENDRITIC DRAINAGE

زهکشی شجری

شبکه‌ای از چندین شاخه که بیک جویبار یا یک رودخانه منتهی گردند.

به عبارت دیگر، نوعی زهکشی که چون ریزابه‌های متعدد به پیرودی بریزند و به هر یک از این‌ها نیز ریزابه‌های کوچکی وارد شوند، تشکیل می‌گردد.

وجه تسمیه این نام بدین جهت است که مجموعه این روانه‌ها طرحی شبیه شاخه‌های درختان را مجسم می‌سازند. (تصویر در صفحه ۱۹۸)

RADIAL DRAINAGE

زهکشی شعاعی

شاخه‌هایی که بصورت خطوط شعاعی نسبت به یک نقطه مرکزی که قاعدتا "بلندترین نقطه و یا قله یک برجستگی است، رو به خارج جریان داشته باشد. (تصویر در صفحه ۱۹۸)

FAUNA

ژیا

مجموع حیات حیوانی یک سرزمین یا یک دوره زمین‌شناسی.

XENOMORPHE

ژئومورف

یک نوع بافت سنگ آتشفشانی است که بلورها فاقد سطوح و یالهای مشخص بوده و در زیر میکروسکپ حدود بلورها نامنظم و کروی و یا دندانه‌ای است.

SEEPAGE

زه (Zeh)

الف - فرو رفتن تدریجی آب بدرون خاک.
ب - تراوش آرام و تدریجی آب از لایه‌های زیر به روی پوسته سطحی زمین.

DRAIN

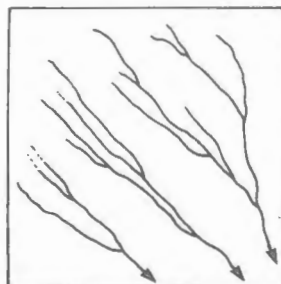
زهاب (Zehāb)

آبراهه‌ای که برای بیرون کشیدن آب‌های زاید یک منطقه به طور ساختگی ایجاد شود.

PARALLEL DRAINAGE

زهاب‌های همرو

شبکه‌ای از جو و یا رودخانه‌ها و زهابهایی که مسیر آنها با یکدیگر موازی باشد.



زهاب‌های همرو

VENUS

زهرة

— ناهید

DRAINAGE

زهکشی

بیرون کشیدن آب‌های اضافی یک منطقه بطور طبیعی و یا مصنوعی.

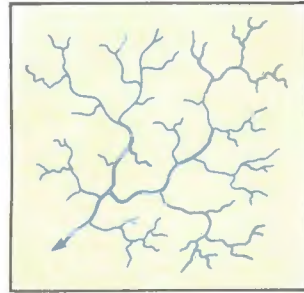
در کشاورزی آب اضافی زمین را به وسیله زهکشی می‌گیرند، زهکشی در حدود ۴۰۰ قبل از میلاد در حوضه رود نیل معمول بوده‌است.

ACCORDANT DRAINAGE

زهکشی جور

موافق بودن و یا جور بودن نوع و جنس و ساختمان سنگ‌ها از یک طرف و شکل زهاب‌های سطحی از طرف دیگر.

معروفترین زیج‌ها عبارتند از: زیج الخ بیک یا زیج گورگانی، زیج ایلخانی که بوسیله خواجه نصیرالدین طوسی تنظیم شده، زیج بتانی، زیج خاقانی، زیج سنجرى و زیج ملکشاهی و غیره از بابت دقتی که در تنظیم این گونه زیج‌ها بکار می‌رفته است همین بس که به‌گوئیم طبق آخرین مشاهدات و محاسبات امروزی طول متوسط سال شمسی ۳۶۵ شبانه روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۵/۹۷۵ ثانیه تعیین شده و حال آنکه طبق زیج سنجرى طول سال شمسی ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۵ دقیقه و ۴۴ ثانیه تعیین گردیده است.



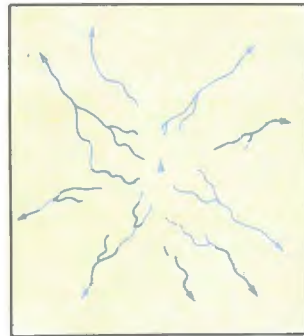
زهگشی شجرى

UNDERCUTTING (Zirbori) زیربری

الف - فرسایش ساحل رودخانه بر اثر جریان آب به‌ویژه در سرپیچ‌ها.

ب - فرسایش شن و ماسه و مواد نرم زیر یک تخته سنگ بر اثر وزش باد در یک منطقه کویری.

پ - فرسایش پای صخره‌ها و پرتگاه‌های ساحلی بر اثر برخورد امواج دریا به پای صخره مزبور.



زهگشی شعاعی

MANTLE (جبهه) زیرپوش

لایه‌ای از زمین، به ضخامت حدود ۲۹۰۰ کیلومتر که میان پوسته خارجی و توده مرکزی زمین واقع شده است.

SUBSOIL زیر خاک

لایه‌ای از خاک که در زیر پوسته خارجی زمین قرار گرفته است.

مواد آلی این قسمت از خاک سطحی کمتر است و چون کمتر از خاک در معرض اکسایش و آب گرفتن است لذا مواد معدنی آن با مواد معدنی خاک متفاوت می‌باشد.

UNDERGROWTH (Zir-rost) زیر رست

بوته‌ها یا درختهای کوچکی که زیر درختهای بزرگتر بایمن آنها می‌رویند.

BIOSPHERE (Zist-espehr) زیست اسپهر

آن قسمت از زمین که از نظر گونه‌های مختلف زیست مورد بهره‌برداری قرار گرفته و به سه بخش سنگ اسپهر، آب اسپهر و آتمسفر تقسیم می‌گردد.

BIOECOLOGY (Z-bum Shenāsi) زیست بوم شناسی

بخشی از بوم‌شناسی که وابستگی‌های میان ساز و اره‌های زنده را بررسی می‌کند.

BIOMETRY زیست‌شناسی

شعبه‌ای از زیست‌شناسی که در آن از ریاضیات و مخصوصاً "علم

OLIVE زیتون

میوه‌ای است که در آب و هوای مدیترانه‌ای می‌رویید و دارای برگ‌های باریکی است. این گیاه به باران فراوان نیازی ندارد و از میوه آن روغنی بنام روغن زیتون گرفته می‌شود که مصرف خوراکی دارد.

درخت زیتون همواره سبز بوده و در دوران باستان به عنوان نشانه صلح و دوستی بکار می‌رفته است.

EPHEMERIES (Zij) زیج

مهرجانه و آوازه فارسی زیج به معنی جداول نجومی که موقعیت اجرام آسمانی را در فواصل زمانی معین مثلاً "سالانه تعیین می‌کند.

عمل تنظیم زیج احتمالاً "از زمان ساسانیان در ایران متداول بوده و قدیمی‌ترین آنها زیج شهریار است که احتمالاً در زمان سلطنت انوشیروان (۵۵۵ میلادی) تهیه شده و در ۷۹۰ میلادی از پهلوی به عربی ترجمه شده است.

از موادی که در غالب زیج‌های ایرانی مندرج است اینها را می‌توان نام برد. گاهشماری، جداول خطوط مثلثاتی، جداول مختصات و تبدیلات و سایر مقادیر نجومی، جداول جغرافیایی، جداول صور نجومی و جداول استخراج احکام نجومی.

به کمک میکروسکوپ الکترونی بررسی ساختمان سلول‌های بسیار کوچک میسر گردید و اندازه و شکل ویروس‌ها و موادی که دیواره‌های باخته‌ها را تشکیل می‌دهند آشکار شد. با دستگاه‌های اندازه‌گیری الکتریکی دقیق، ولتاژهای بسیار ضعیف حاصل از اعمال مغز و قلب و اعضای دیگر اندازه‌گیری و انتقال تحریکات عصبی بهتر شناخته شد.

قسمت مهمی از بررسی‌های زیستفیزیک در دهه سوم قرن بیستم میلادی با تاثیر اشعه ایکس بر ژن‌های تورانی پایه‌گذاری و فعال گردید.

زیستکوره (Zistkoreh) BIOSPHERE
—زیست اسپهر

زیستگرد (Zistgard) PHENOLOGY
دانشی که درباره اثرات تغییر فصل روی زندگی جانوران و گیاهان گفتگو می‌کند. مانند زمان شکوفه کردن و جوانه زدن، برگ و بار دادن و رسیدن میوه گیاهان و ظهور و ناپدید شدن حشرات و مهاجرت پرندگان و رابطه میان زمان وقوع و موقعیت جغرافیائی محل وقوع این رویدادها.

زینکوه (Zinkuh) SADDLE
قسمتی از یک کوه که میان دو قله مجاور هم واقع شده و شباهت به زین اسب داشته باشد.

زینگی فشار (Zinegi-ye-feshār) GRADIENT PRESSURE
در چند تغییرات افقی فشار جو در جهت معینی از سطح زمین که بوسیله رسم منحنی‌های همفشار روی نقشه‌های هوا-شناسی مشخص می‌گردد، بدین ترتیب که نزدیکی منحنی‌های همفشار نشانه تغییر سریع فشار هوا و بر عکس دوری منحنی‌های همفشار معرف شیب کم است.
در واقع منحنی‌های همفشار در روی نقشه‌های هواشناسی همان نقش منحنی‌های تراز را در روی نقشه‌های توپوگرافی از نظر نمایش ارتفاعات بر عهده دارند.

زی‌واب‌شناسی (Zivāb shenāsi) BIOCLIMATOLOGY
دانش بررسی آب و هوا و بستگی آن به ردی و بهداشت زیست. یکی از هدف‌های این دانش بررسی و تعیین مطلوب‌ترین شرایط آب و هوا برای زیست انسان است.

آمار برای مطالعه در موجودات زنده استفاده می‌شود. زیست‌شناسان به کمک این علم توانسته‌اند در باروری و نوع و خصوصیات دیگر گیاهان و جانوران تغییرات مطلوب بدهند و ارتباط میان موجودات زنده را با یکدیگر و با محیطشان بهتر بفهمند.

زیست‌شناسی BIOLOGY
علمی است که با موجودات زنده و فرایندهای حیاتی سرو کار دارد. زیست‌شناسی به مفهوم اعم شامل جانورشناسی، گیاهشناسی، ریخت‌شناسی، ژنتیک، رویانشناسی و رشته‌های وابسته به آن است.

زیست‌شناسی دریائی MARINE BIOLOGY
شاخه‌ای از زیست‌شناسی آبزیان که درباره جانورانی که در آبهای شور زندگی می‌کنند بررسی می‌کند.
به عبارت دیگر علم بررسی گیاهان و جانوران دریائی و وابستگی آنها به یکدیگر از جنبه بوم‌شناسی، زیست‌شناسی دریائی نام دارد.
موجودات دریائی را بر حسب نوع زندگی به‌شناسی، دروازی و بن‌زی تقسیم می‌کنند.

زیست‌شناسی فضائی SPACE BIOLOGY
دانش اعمال حیاتی موجودات زنده از جمله انسان در موزاء جو و بیرون از تاثیرات کره زمین. در نتیجه تحقیقات زیست‌شناسی فضائی وسایل ایمنی انسان را در پروازهای فضائی فراهم آورده‌اند و جو مناسب با زندگی درون کابین‌های سفاین فضائی ایجاد نموده‌اند و دما را تحت نظم آورده و سپر محافظ در برابر تشعشعات کیهانی اختراع نموده‌اند.
تغییراتی که در موجودات فرستاده شده به فضا صورت می‌گیرد، بوسیله دستگاه‌های مخصوص اندازه‌گیری می‌شود و با رادیو به آزمایشگاه‌های زمینی مخابره می‌گردد تا از روی آن‌ها معلومات زیست‌شناختی بدست آید.

زیست‌شناسی کیهانی EXOBIOLOGY
بررسی خاستگاه زندگی (منشاء حیات) با در نظر گرفتن امکان وجود زندگی در بیرون از کره زمین.

زیست‌شناسی گیاهی PHYTOLOGY
شاخه‌ای از زیست‌شناسی که به بررسی گیاهان می‌پردازد.

زیستفیزیک BIOPHYSICS
علم تحقیق در دستگاه‌های زنده بر اساس علم فیزیک و به وسیله روش‌های آن.

GEOMORPHOLOGY

ژئومورفولوژی

— زمین ریخت شناسی

FATHOMETER

ژرفا سنج

اسبابی برای تعیین عمق دریاها و اقیانوس‌ها که به کمک سرعت صوت در آب کار می‌کند.

این دستگاه در ضمن اینکه کشتی راه خود را می‌رود، زمان لازم را برای اینکه صوت به کف اقیانوس برسد و امواج منعکس آن به کشتی بازگردد اندازه می‌گیرد و از روی آن عمق را خود بخود ثبت می‌کند و بطور همزمان عملیات نمونه‌برداری از کف اقیانوس بوسیله فاشک‌ها و یا مته‌های مخصوصی که نهشت‌های اقیانوس را با خود بالا می‌آورند نیز انجام می‌شود.

BATHYMETRY

ژرفا سنجی

اندازه‌گیری عمق آب دریاها و اقیانوس‌ها، که به آن عمق—سنجی نیز می‌گویند.

— آبنگاری

CONTINENTAL SHELF (zharfā shib)

ژرفاشیب (zharfā shib) آن قسمت از کف دریاها و اقیانوسهایی که پیرامون خشکی یا قاره‌ای را فرا گرفته و از حاشیه خشکی شروع شده و با شیب ملایمی (یک درجه یا کمتر) تا جاییکه شیب دریا به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یابد ادامه پیدا می‌کند. ژرفای حاشیه خارجی این قسمت میان ۱۲۰ متر (۶۵ فathom) تا ۳۷۰ متر (۲۰۰ فathom) توصیف و ثبت شده و بطور متوسط ژرفای میانگین ۱۳۰ متر برای این منظور توصیه گردیده است. پهنای این قسمت بر حسب وضعیت توپوگرافی زمین متغیر بوده و گاه به بیش از ۱۵۰ کیلومتر می‌رسد. حال آنکه کرانه‌های کوهستانی دارای عرض کمتری بوده و حتی از یک کیلومتر نیز بیشتر نمی‌شود.

ژرفای دریا در بعد از این قسمت یک باره به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته و در نتیجه حاشیه خارجی آن بصورت پرتگاههای زیر دریائی دیده می‌شود. و در واقع کرانه زیر آبی خشکی را مشخص می‌سازد. مسئله ژرفا شیب یا فلات قاره و تداخل آن با قوانین بین الطلی مالکیت بر آب‌های ساحلی مشکلات بزرگی را از نظر ماهیگیری و منابع زیر دریائی مانند نفت و گاز بوجود آورده است.

(تصویر در صفحه ۲۰۱)

SOUNDING

ژرفا یابی

عمل اندازه‌گیری ژرفای آب که ساده‌ترین طریقه آن استفاده از یک مفتول است که در انتهای آن وزنه‌ای آویخته شده.



SEXOLOGY

ژاد شناسی

شاخه‌ای از زیست‌شناسی که موضوع آن جنسیت (SEX) است.

DEW

زاله

— شبنم

JANUARY

ژانویه

— ماههای اروپائی

GEOID

ژئوئید

— زمین وار

GEOPOLITICS

ژئوپولیتیک

علم سیاست وابسته به زمین و دانش ارتباط میان محیط طبیعی زندگی و سیاست.

از قرن نوزدهم میلادی جغرافیای علمی برای توضیح محیط اجتماعی و سیاسی بشر بکار گرفته شد و طرفدارانی پیدا کرد. در خلال جنگ‌های اول و دوم مسئله ژئوپولیتیک جنبه حاد و تندروی و افراطی پیدا کرد. بعد از جنگ دوم مکتب‌های ژئوپولیتیکی معتدل‌تری در پاره‌ای جاها مانند فرانسه پیدا شده و پاره‌ای جنبه‌های افراطی آن حذف شده است.

GEODESY

ژئودزی

— زمینسنجی

GEODESIC

ژئودزیک

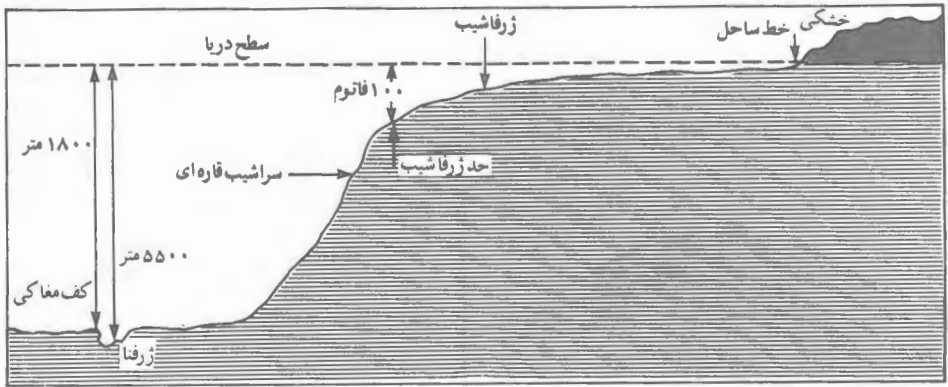
خطی واصل بین دو نقطه که طولش حداکثر و یا حداقل باشد، یعنی از همه خطهای دیگر واصل میان آن دو نقطه بلندتر و یا از همه کوتاهتر باشد. مفهوم ژئودزیک تعمیم مفهوم خط مستقیم است که کوتاهترین راه بین دو نقطه یک صفحه می‌باشد.

بر سطح کره، کوتاهترین راه میان دو نقطه، قوس دایره عظیمه‌ای است که بر آن دو نقطه می‌گذرد. پس ژئودزیک‌های یک کره قوس‌های دایره عظیمه آن می‌باشند. هر خط مستقیمی که تماماً "بر یک سطح قرار گیرد، ژئودزیک آن می‌باشد.

GEOPHYSICS

ژئوفیزیک

— زمینفیزیک



ژرفا شیب

۱۸۰ تا ۱۳۵ میلیون سال پیش .
این نام بدلیل انتساب زمین های کوهستان ژورا واقع در
کوهستان آلپ بدوره مورد بحث اقتباس گردیده است .
— ازمنه زمین شناسی

ETANG

ژی (Zhy)

— استخر

GYROSCOPE

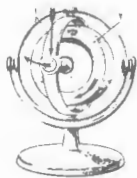
ژیروسکوپ

چرخ یا قرص سنگین متقارنی که میتواند به آزادی حول محوری
دوران کند و این محور خود چنان در قلاب بستنی سوار شده
که می تواند به آزادی هر امتدادی را در فضا بگیرد .

ژیروسکوپ یا دوران نما بوسیله فوکو دانشمند فرانسوی در
سال ۱۸۵۱ برای اثبات چرخش زمین ساخته شد .

اگر محور ژيروسکوپ را که با سرعت می چرخد متوجه خورشید
کنیم ، امتداد محور آن ظاهرا " همراه با حرکت خورشید در
آسمان حرکت می کند . این امر ناشی از آنست که ژيروسکوپ
در عین اینکه زمین در زیر آن می گردد ، وضع خود را در
فضا حفظ می کند .

در ژيروسکوپ های امروزی چرخش دستگاه بوسیله نیروی برق
تامین می شود و از آن در امور مختلفی چون کشتیرانی ،
هواپیمائی ، نقشه برداری استفاده فراوان می شود .



ژیروسکوپ

GISEMENT

ژیزمان

— ازیموت

این کار امروزه با دستگاههایی که امواج مافوق صوت ایجاد
می کنند بدین ترتیب انجام می شود که ارتعاشات رادیویی
را به اعماق آب فرستاده و امواج منعکسه را مجدداً دریافت
و از اختلاف فاز امواج فرستاده شده و دریافت شده عمق آب
را محاسبه می کنند . به این عمل عمق یابی نیز گفته می شود .

BATHOLITH

ژرفسنگ (Zharfsang)

— باتولیت

DEEP OCEAN

ژرفنا (Zharfna)

بخشی از کف دریا یا اقیانوس که ژرفای آن بیش از ۵۵۰۰
متر باشد . ژرف ترین بخش شناخته شده روی زمین گودالی
است بنام ژرفنای ماریانا واقع در اقیانوس آرام به عمق
۱۱۰۳۵ متر . موقعیت ژرفنا بر خلاف تصور میان اقیانوس ها
نیست بلکه بیشتر در حاشیه جزیره های کوهستانی بویژه در
دامنه آتشفشان های فعال و مناطق زمین لرزه خیز دیده
می شود .

— ژرفا شیب

BATHYAL ZONE

ژرفین (Zharfin)

قسمتی از کف دریا که از لبه خارجی فلات قاره شروع شده
و با شیبی میان ۲ تا ۵ درجه تا ژرف ترین قسمت ادامه
می یابد .

JUNE

ژوئن

— ماههای اروپائی

JULY

ژوئیه

— ماههای اروپائی

JURASSIC

ژوراسیک

دومین دوره زمین شناسی از دوران میان زویو مربوط به



COAST

ساحل

← کرانه

LEFT BANK RIVER

ساحل چپ رودخانه

← ساحل راست رودخانه

RIGHT BANK RIVER

ساحل راست رودخانه

ساحلی از رودخانه که در طرف راست ناظری که در جهت جریان آب حرکت می‌کند قرار گرفته باشد. ساحل مقابل یعنی طرف چپ ناظر را ساحل چپ می‌گویند.

STRUCTURE

ساخت

ترتیب و جایگزینی سنگ‌های پوسته زمین. این واژه گاه به مفهوم وسیع‌تری که در برگیرنده طبیعت و شکل اولیه سنگ‌های قبل از فرسایش است نیز بکار می‌رود.

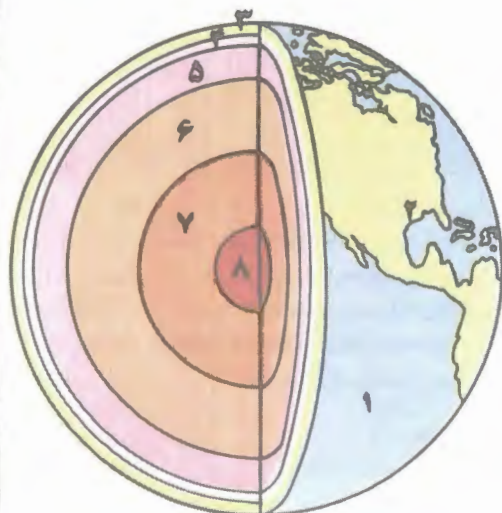
STRUCTURE OF THE EARTH

ساختمان زمین

بررسی‌های علمی نشان داده‌است که زمین از لایه‌های متعددی که مانند پوست پیاز روی هم قرار گرفته‌اند تشکیل یافته‌است. نظر دانشمندان درباره ضخامت این لایه‌ها متفاوت است ولی وجود سه لایه متمایز در نزدیک سطح زمین تقریباً مسلم است. نتایج حاصله از زلزله نشان می‌دهد که در اعماق ۱۲ کیلومتری، ۳۷ کیلومتری و ۶۰ کیلومتری سطح زمین تمایز بارزی میان لایه‌ها وجود دارد و خواص فیزیکی آنها بطور فاحش فرق می‌کند. در عمق ۲۹۰۰ کیلومتری لایه متمایز با سطح انفصال دیگری وجود دارد که تغییر لایه در آن جا فاحش‌تر است. زمین‌شناسان بر این عقیده هستند که در این جا به هسته مرکزی زمین برخورد می‌شود که احتمالاً از آهن و نیکل مذاب است و شعاع آن حدود ۳۴۷۰ کیلومتر می‌باشد.

بطور کلی ساختمان زمین را می‌توان بشرح زیر خلاصه کرد:

- ۱ - پوسته اقیانوسی ۱۰ کیلومتر.
- ۲ - پوسته قاره‌ای ۴۰ تا ۷۰ کیلومتر.
- ۳ - سنگ اسپهر ۷۰ تا ۲۵۰ کیلومتر.
- ۴ - نرم اسپهر ۷۰ تا ۲۵۰ کیلومتر.



ساختمان زمین

SAROS

ساروس

دور ی به مدت ۲۲۳ ماه قمری برابر ۱۸ سال شمسی و ۱۱ روز و ۸ ساعت (و یا ۱۰ روز و ۸ ساعت چنانچه در این فاصله پنج سال کبیسه باشد) که دوره تکرار خورش گرفت است. ساروس را از روزگار باستان می‌شناختند و بابلیهای قدیم برای پیشگویی گرفت‌ها از آن استفاده می‌کردند. ← گرفت و خورش گرفت

ACCLIMATION

سازش

خوگرفتن و عادت کردن به آب و هوای غیر عادی. مانند سازگاری مردمی که از یک منطقه سردسیر به یک منطقه گرمسیر و یا بر عکس مهاجرت نمایند و یا کسانی که برای پژوهش‌های علمی و یا ورزش کوهنوردی از مناطق پست به کوهستان‌های بلند مسافرت نمایند.

UNITED NATIONS ORGANIZATION سازمان ملل متحد

موسسه‌ای است بین‌المللی که برای حفظ صلح جهانی و روابط بین ملل جهان تشکیل شده. این سازمان که در سال ۱۹۴۴ جانشین جامعه ملل گردیده‌است، نخست تحت عنوان

STANDARD TIME ساعت رسمی
— زمان رسمی

MEAN SOLAR TIME ساعت شمسی متوسط
— زمان خورشیدی متوسط

LOCAL TIME ساعت محلی
— زمان محلی

SIDEREAL TIME ساعت نجومی
— زمان نجومی

YEAR سال
مدت زمانی که یک سیاره بدور خورشید می‌گردد سال نام دارد. از نظر نجومی سال را به انواع زیر تقسیم می‌کنند:
الف — سال ستاره‌ای (Sidereal Year) که مدت آن ۳۶۵/۲۵۶۴ روز و یا ۳۶۵ روز و ۶ ساعت و ۹ دقیقه و ۹/۵۴ ثانیه است.

ب — سال خورشیدی (Solar Year) که عبارت از زمان متوسط یک دور گردش کامل زمین بدور خورشید است. این مدت برابر ۳۶۵/۲۴۲۲ روز یا ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۵/۵۱ ثانیه است.

پ — سال رسمی یا سال عرفی (Civil Year) که مدت آن ۳۶۵ روز متوسط خورشیدی است، که هر روز برابر ۲۴ ساعت است، و برای جبران اعشار آن (۲۴۲۲/۵ روز)، مجموع اعشار فوق را هر چهار سال معادل یک روز دانسته، و به سال چهارم یک روز می‌افزایند و به آن سال کبیسه می‌گویند. مع الوصف چون مقدار ۱۳۲۱۴۷۸/۵ روز همچنان اضافه می‌ماند، لذا برای جبران آن در پایان هر قرن یک روز به سال می‌افزایند و آن را نیز سال کبیسه می‌نامند مشروط بر اینکه دور رقم دست چپ عدد قرن به عدد ۴ قابل قسمت باشد به این ترتیب سالهای ۱۶۰۰ و ۲۰۰۰ میلادی و هم — چنین سالهای ۱۲۰۰ و ۱۶۰۰ هجری شمسی سال کبیسه بوده و سالهای ۱۷۰۰ و ۱۸۰۰ و ۱۹۰۰ میلادی و سالهای ۱۳۰۰ و ۱۴۰۰ و ۱۵۰۰ هجری شمسی سال کبیسه نخواهند بود.

TROPICAL YEAR سال اعتدالی
— سال خورشیدی

ANOMALISTIC YEAR سال انحرافی
فاصله زمانی میان دو عبور متوالی زمین از نقطه پری هلیون مدارش بدور خورشید. مدت سال انحرافی ۳۶۵/۲۵۶۳۶

مشهور آتلانتیک بوسیله سران دولت‌های آمریکا و انگلیس مشتمل بر هشت ماده پایه‌گذاری شد و دولت‌های دیگر سر سدرج به صف امضاء کنندگان آن پیوستند و مقدمات سازمان ملل را بوجود آوردند و سرانجام در سال ۱۹۴۵ رسماً موجودیت آن را اعلام داشتند.

سازمان ملل متحد دارای ۶ رکن اصلی است ۱- مجمع عمومی ۲- شورای امنیت ۳- شورای اقتصادی و اجتماعی ۴- شورای قیمومیت و سرزمین‌های غیر خود مختار ۵- دیوان دادگستری بین‌المللی ۶- دبیرخانه که بعدها سازمان‌های دیگری چون یونسکو و یونسف و غیره نیز به آن پیوستگی یافته‌اند.

FORMATION سازند (Sāzand)

الف — چینه بندی‌های متعلق به یک عصر.
ب — مجموعه جبهه‌هایی که دارای خواص سنگی و یا زیستی مشترک باشند.
پ — هر دسته از سنگهای واقع در یک ناحیه کمابیش مربوط بهم را گویند.

HOOR ساعت (Sā'at)
واحد زمان، که معادل $\frac{1}{۲۴}$ شب‌روز، و برابر ۶۰ دقیقه است.

WATCH/CLOCK ساعت
اسبابی برای اندازه‌گیری زمان و تشخیص کمابیش دقیق تساوی فواصل زمانی.

انواع ساعت عبارتند از: ساعت مکانیکی، ساعت الکتریکی، ساعت الکترونی، ساعت اتمی، ساعت آبی، ساعت آتانی و ساعت شنی.

خستین ساعتی که انسان ساخته است احتمالاً "ساعت آتانی" است، پس از آن ساعت‌های آبی و شنی حای آن را گرفت و بالاخره ساعت‌های مکانیکی به میدان آمد. ساعت‌های الکتریکی و الکترونی و اتمی ساعت‌هایی هستند که طی سال‌های اخیر ساخته شده و از دقت فراوانی برخوردارند. بطور مثال ساعت اتمی دقیقی معادل ۱ ثانیه در ۳ میلیون سال دارد.

SUN DIAL ساعت آفتابی
— شاخص آفتاب

SUMMER TIME ساعت تابستانی
— زمان بهره‌گیری از روشانی روز

REAL TIME ساعت حقیقی
— زمان خورشیدی ظاهری

محسوب می‌دارند تا خرده‌های آن مستهلک گردد.

CHRONOLOGY

سالماري (Sālmāri)

— گاهشماری

CIVIL YEAR

سال معمولی

سال معمولی یا سال عرفی، مدت زمانی است حتی‌الامکان نزدیک به سال خورشیدی حقیقی، و مشتمل بر تعداد صحیح روز خورشیدی متوسط. سال معمولی عادی مشتمل است بر ۳۶۵ روز و سال معمولی کبیسه مشتمل بر ۳۶۶ روز می‌باشد.

SIDEREAL YEAR

سال نجومی

— سال ستاره‌ای

LIGHT YEAR

سال نوری

سال نوری عبارت از مسافتی است که نور با سرعتی معادل ۳۰۰۰۰۰ کیلومتر در ثانیه در مدت یک سال پیماید. این مسافت تقریباً $(9/461 \times 10^{12})$ کیلومتر است. فاصله نزدیک‌ترین ستاره (خارج از منظومه شمسی) به زمین بنام آلفا - قنطورس حدود $4/3$ سال نوری است.

سال‌های خطا و ایغور (Sālhā-ye-khātā-va-ighur) نام دوره‌های دوازده ساله در نوعی گاهشماری منسوب به خطائیان و ایغورها که اصلاً "چینی و ترکی است و پس از استیلای مغول در ایران رواج یافت. نام هر یک از سال‌های این دوره مرکب از اسم یک جانور به اضافه لفظ شیل یعنی سال است، از این قرار:

- ۱- سیچقان شیل (سال موش) ۲- اودشیل (سال گاو)
- ۳- پارس شیل (سال پلنگ) ۴- توشقان شیل (سال خرگوش)
- ۵- لوی شیل (سال نهنگ) ۶- شیلان شیل (سال مار)
- ۷- یونت شیل (سال اسب) ۸- قوی شیل (سال گوسفند)
- ۹- پیچی شیل (سال بوزینه) ۱۰- تخاقوی شیل (سال مرغ)
- ۱۱- ایت شیل (سال سگ) ۱۲- تنگوز شیل (سال خوک)

سامان

- ۱- بلندی‌های کنار زمین همواری که در آن زراعت کرده باشند.
- ۲- مرز و حد و نشانه مرزی.

CENTIGRADE

سانتیگراد

— درجه سانتیگراد

CENTIGRAMME

سانتیگرم

واحد وزنی است برابر یک صد گرم با علامت اختصاری Cg.

شبانروز خورشیدی متوسط است.

چون خط واصل میان دو نقطه افلیون و پری هلیون زمین سالانه به اندازه ۱۱ ثانیه جابجا می‌شود، از این رو با سال‌های نجومی و خورشیدی متفاوت است.

VARVE

سالچینه (Sālchīneh)

دو لایه رسوبی انباشته شده روی هم که لایه زیرین به دلیل درشتی دانه‌ها از لایه بالائی که دارای دانه‌های ریزتری است کاملاً متمایز باشد. این گونه رسوبات معمولاً در کف دریاها و دریاچه‌هایی که رودخانه‌هایی به آن می‌ریزند دیده می‌شود. با شمارش این لایه‌ها می‌توان تعداد سال‌هایی را که از پایان عصر یخبندان گذشته است تخمین زد، بدین ترتیب که لایه درشت مربوط به بهار و تابستان بوده و لایه ریز متعلق به پاییز و زمستان است. در واقع دو لایه متوالی که به آن سالچینه گفته می‌شود دقیقاً یک سال را مشخص می‌سازد. این شیوه بوسیله Baron G. de Geer سوئدی ارائه شده است.

SOLAR YEAR

سال خورشیدی

یا سال اعتدالی، مدت زمان یک بار گردش کامل زمین به دور خورشید را یک سال خورشیدی می‌گویند که مدت آن $365/2422$ روز متوسط است.

SIDEREAL YEAR

سال ستاره‌ای

مدت زمان یک بار گردش کامل زمین به دور خورشید که نسبت به یک ستاره معین انجام شود، یک سال ستاره‌ای یا سال نجومی نام دارد. این مدت $365/2564$ روز متوسط خورشیدی و یا ۳۶۵ روز و ۶ ساعت و ۹ دقیقه و $9/54$ ثانیه است.

SOLAR YEAR

سال شمسی

— سال خورشیدی

CIVIL YEAR

سال عرفی

— سال معمولی

LUNAR YEAR

سال قمری

برابر است با دوازده ماه قمری یا $354/367$ روز خورشیدی متوسط.

LEAP YEAR

سال کبیسه

سال ۳۶۶ روزه را یک سال کبیسه می‌گویند. از آنجائیکه هر دور گردش کامل زمین به دور خورشید تقریباً $365/25$ روز به طول می‌انجامد از این رو هر چهار سال یک بار یک روز به تعداد روزهای سال افزوده و بجای ۳۶۵ روز آن را ۳۶۶ روز

می‌گردد و یا چسبنده‌هایی که پیرامون سنگ‌ها و یا مواد اصلی را گرفته‌اند زدوده شده و مواد اصلی از هم جدا می‌شوند.

PHYSICAL WEATHERING ساینده طبیعی

خرد شدن و فرو ریختن سنگ‌ها و دیگر مواد مشابه بر اثر عامل آب و هوا (مانند یخبندان و تغییرات درجه حرارت) بدون دخالت عوامل شیمیائی.

SHADOW سایه

تاریکی نسبی در فضا بر یک پهنه که به سبب متوقف شدن امواج نور یک منبع نور بواسطه یک جسم حاجب ماورا حادث شود.

اگر ابعاد منبع نور معتابه باشند، دو ناحیه در وراء شیئی نسبت به منبع نور تشکیل می‌گردد. یک ناحیه مرکزی که بکلی از دریافت نور محروم است که به آن سایه یا ظل می‌گویند و دیگر ناحیه روشن‌تر که بر ناحیه اول محیط می‌باشد و از قسمت‌هایی از منبع بدان نور می‌رسد و آنرا نیمسایه و یا شبه ظل می‌نامند.

توجیه خور گرفت و مهرگرفت (کسوف و خسوف) براساس همین ملاحظات است. (تصویر در صفحه ۲۰۶)

HILL SHADING سایه زنی ارتفاعات

یکی از شیوه‌های بسیار متداولی که برای مشخص نمودن ارتفاعات نقشه بکار می‌رود، سایه زنی نام دارد. در این سیستم که به آن استومپاژ نیز گفته می‌شود و ارتفاعات را برجسته نمایش می‌دهد، از تابش یک نور مایل استفاده می‌شود. معمولاً نور مزبور را از سوی شمال باختری تابانیده و دامنه‌های جنوبی و خاوری ارتفاعات را سایه می‌زنند. (تصویر در صفحه ۲۰۶)

CHLOROPHYLL سبزینه (Sabzineh)

رنگیزه سبز در گیاهان که در کلروپلاست‌ها متمرکز است و سبب سبزی رنگ گیاهان و انجام یافتن عمل فتوسنتز می‌باشد. نور آفتاب و مقدار ناچیزی از آهن در ساخته شدن آن تاثیر کلی دارند. بهمین جهت کمبود نور و فقدان ترکیبات آهن موجب پژمرده شدن گیاه می‌شود و رنگ سبز آن از میان می‌رود. سبزینه در تشکیل گویچه‌های قرمز خون موثر است.

SEPTEMBER سپتامبر

— ماههای اروپائی

SHIELD سپهر (Separ)

سنگپوشی از دوران پری کامبرین که از نخستین دوران تاریخ

CENTIMETER سانتیمتر

یکی از اجزاء سیستم صد قسمتی (متریک) اندازه‌گیری فاصله است که مقدار آن ۰/۰۱ متر است. این واحد را با علامت اختصاری cm نمایش می‌دهند.

یک سانتیمتر = ۰/۰۱ متر

یک سانتیمتر = ۰/۳۹۳۷ اینچ

یک سانتیمتر مربع = ۰/۰۰۰۱ متر مربع

یک سانتیمتر مربع = ۰/۱۵۵ اینچ مربع

یک سانتیمتر مکعب = ۰/۰۰۰۰۰۱ متر مکعب

یک سانتیمتر مکعب = ۰/۰۰۱ لیتر

یک سانتیمتر مکعب = ۰/۰۶۱۰۳ اینچ مکعب

SQUARE CENTIMETER سانتیمتر مربع

واحد اندازه‌گیری سطح در سیستم متریک که عبارت از مساحت مربعی است که هر ضلعش یک سانتیمتر باشد. علامت اختصاری آن cm^2 است.

CUBIC CENTIMETER سانتیمتر مکعب

واحد حجم در سیستم متریک که عبارت از حجم مکعبی است که هر ضلع آن یک سانتیمتر باشد. علامت اختصاری آن cm^3 است.

SAVANA ساوانا

— علفزار استوائی

ABLATION سایش (Sāyesh)

— فرسایش

WEATHERING ساینده (Sāyand)

— وافرسانی

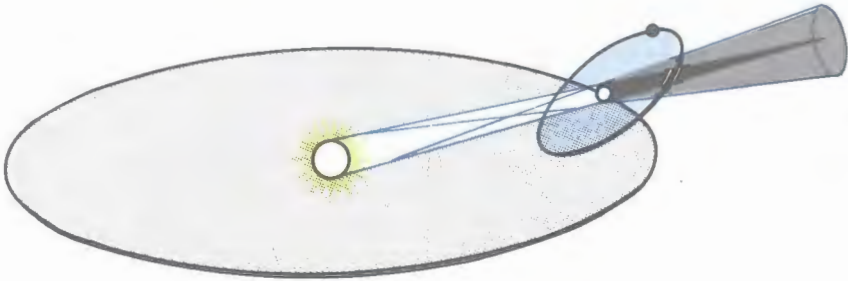
ORGANIO WEATHERING ساینده اندامگانی

(S-e-andāngāni)

خرد شدن سنگ و تغییر یافتن خاک و مواد سطحی به وسیله گیاهانی چون گل‌سنگ و خزه. این گونه گیاهان اسید مخصوصی ترشح می‌کنند که باعث حل شدن املاح موجود در سنگ می‌گردد. همچنین گیاهان معمولی نیز با دوانیدن ریشه‌های خود به زیر لایه‌های خاک باعث تغییراتی در پوسته زمین می‌گردند و جاندارانی مانند خرگوش، موش و کرم و امثال آن نیز در تغییر وضعیت خاک و مواد سطحی موثرند.

CHEMICAL WEATHERING ساینده شیمیائی

زدودن و پاک کردن سنگ‌ها با اعمال شیمیائی. در نتیجه این عمل مواد معدنی اولیه به مواد معدنی ثانوی تبدیل



سایه

درجه جنوبی قابل دیدن است. (تصویر در صفحه ۲۰۷)
 ← سپیده شمالی

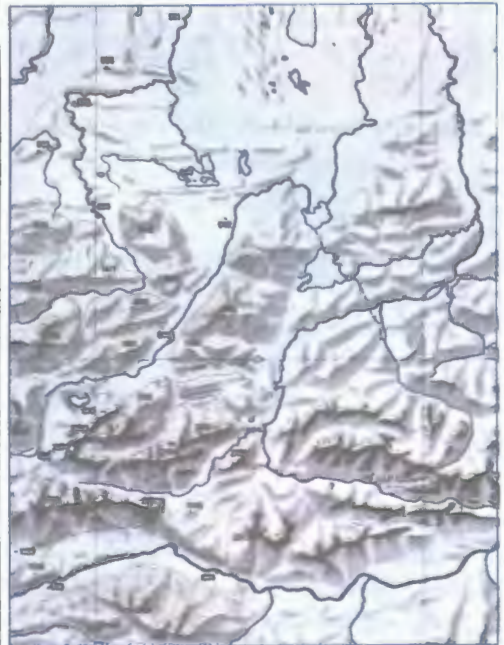
سپیده جَوّی (Sepideh-ye-Javvi) AURORA
 پدیده‌ای نورانی که به اشکال و رنگهای گوناگون، هنگام شب در آسمان مناطق قطبی مغناطیسی زمین دیده می‌شود. سپیده جوی که به آن سپیده قطبی نیز می‌گویند یکی از با شکوه‌ترین پدیده‌های طبیعی هستند و به رنگهای سرخ، زرد، سبز، آبی و بنفش پدید می‌آیند و شکل آنها بصورت شمع‌های نور، پرده‌های آویخته و غیره دیده می‌شود. سپیده‌جوی در ارتفاعات حدود ۵۰ تا ۹۵۰ کیلومتری روی می‌دهد و آنها را ناشی از الکترونها و پروتون‌های سریع‌السیر صادر از خورشید می‌دانند که در منطقه کمربند وان‌آلن بدام افتاده و سپس تحت تاثیر میدان مغناطیسی زمین به جانب نواحی قطبی روانه می‌شوند. این ذرات که دارای بار الکتریسته هستند پس از برخورد با مولکول‌های هوا تحریک گردیده و از آنها نور ساطع می‌شود. (تصویر در صفحه ۲۰۷)

سپیده دم (S-dam) DAWN
 هنگام دمیدن صبح صادق، سحرگاه.
 ← صبح صادق

سپیده شمالی

AURORA BOREALIS/NORTHERN LIGHT

پدیده نورانی در نیمکره شمالی زمین را سپیده شمالی یا فبیر شمالی گویند. این پدید غالباً "در شبهای مناطقی که عرض جغرافیای زیادی دارند، قابل دیدن است. علت وقوع این پدیده را ناشی از الکترونها و پروتونهای سریع‌السیر صادره از خورشید می‌دانند، که تحت تاثیر میدان مغناطیسی زمین بسوی نواحی قطبی روانه می‌شوند. این ذرات پس از ورود



سایه زنی ارتفاعات

طبیعی تقریباً ثابت و دست‌نخورده باقی مانده و بخش‌هایی از آن سر از خاک بر آورده و در معرض دید قرار گرفته باشد.

سپیده جنوبی

AURORA AUSTRALIS/SOUTHERN LIGHT

پدیده‌ای نورانی در نیمکره جنوبی زمین، سپیده جنوبی یا فجر جنوبی، غالباً "در عرض‌های جغرافیایی بیشتر از ۶۵

نزدیک ترین ستاره بزمین خورشید است که نور آن در ۸ دقیقه و ۲۰ ثانیه بزمین می رسد و پس از آن ستاره آلفا - قنطورس است ، که ۴/۳ سال نوری از زمین فاصله دارد .
به ستارگان ، ثوابت نیز می گویند .

DOUBLE STARS

ستارگان بستایی

(S-e-bastā'ī)

← ستارگان دوگانه

VARIABLE STARS (S-e-tapandeh)

ستاره ای که نور آن متغیر است . ستارگان تپنده را به متغیرهای متناوب و متغیرهای نامتناوب تقسیم می کنند . ستارگان تپنده متناوب آنهایی هستند که نورشان متناوبا " تغییر می کند .
پندار دانشمندان درباره این ستارگان این است که متناوبا " منقبض و منبسط می شوند .

ستارگان تپنده نامتناوب مشتمل بر نواختران و تپنده های بی قاعده هستند ، علاوه بر دو دسته که در بالا شرح داده شد ستارگان تپنده دیگری نیز وجود دارند که به آن ها تپنده های گرفتی می گویند . این ستارگان در حین گردش بدور مرکز نقل خود سبب گرفت یکدیگر می شوند و لذا نورشان بنظر ما متغیر می آید و حال آنکه آن ها متغیر نیستند .

به جو زمین ، با مولکولهای هوا (اکسیژن و ازن) برخورد کرده و آنها را تحریک می کند و از این تحریک ، نور ساطع می گردد .

این پدیده در نواحی شمال نروژ و جنوب گروئنلند به شکل حلقه ای نورانی که قطب شمال مناطیس را در بر گرفته است آشکار می گردد . بسامد و با کثرت وقوع سپیده شمالی نا معلوم بوده و در روز و حتی در آسمان ابری نامرئی ، و در شب های مهتابی و پگاه و شامگاه خیلی ضعیف به نظر می رسد .

AURORA

سپیده قطبی (S-e-qotbi)

← سپیده جوی

STARS

ستارگان (Setāregān)

اجرام آسمانی عظیم و به حالت گازی که با نور خود می درخشند ، از ایام قدیم برای مشخص کردن ستارگان از اشکال خیالی بنام صورتهای فلکی استفاده می شده است . ستارگان که ظاهرا " ثابت و بی حرکت به نظر می رسند در حال حرکت بوده و چنین به نظر می رسد که این اجرام در دستگاههای عظیمی بنام کهکشان متمرکز شده اند که کهکشان ما ، یکی از آنهاست .



BINARY STARS

ستارگان مزدوج
— ستارگان دوتائی

DOUBLE STARS

ستارگان مضاعف
— ستارگان دوگانه

MORNING STAR

ستاره بامدادی
— ستاره شامگاهی

COMET

ستاره دنباله دار
— دنباله داران

ASTEROIDS

ستاره دیسی
— سیارگان

ASTROMETRY

ستاره سنجی
شاخه‌ای از ستاره‌شناسی که به کمک روابط هندسی به اندازه گیری وضع، حرکت و فاصله سیاره‌ها، ستارگان و دیگر جرم‌های فلکی می‌پردازد.

CANOPUS

ستاره سهیل
ستاره آلفا از صورت فلکی جنوبی سینه که پس از نعرای یمانی درخشنده‌ترین ستاره آسمان است، این ستاره در نقاطی که عرض شمالی آنها بیش از ۳۷ درجه باشد مرئی است و به همین جهت در سرزمین‌های اسلامی شمالی چیزی از افق بالا نمی‌آید و بسبب ندرت پدید آمدنش صرب المثل شده است.

EVENING STAR

ستاره شامگاهی
سیاره‌های تیر (عطارد) و ناهید (زهره) که اولی بلافاصله پس از غروب آفتاب و دومی تا مدتی پس از غروب خورشید در آسمان زمین دیده میشوند.

به این دو سیاره ستاره بامدادی نیز می‌گویند زیرا سیارات مزبور گاه قبل از طلوع خورشید در آسمان زمین قابل رؤیت هستند.
— تیر و ناهید

ASTRONOMY

ستاره‌شناسی
علم تحقیق درباره خورشید و ماه و ستارگان و سیارات و دیگر اجرام آسمانی را نجوم یا ستاره‌شناسی گویند.

POLAR STAR

ستاره قطبی
عنوان نزدیک‌ترین ستاره به قطب شمال کره عالم. هزاران سال است که ستاره جدی از صورت فلکی خرس کوچک، ستاره قطبی است و به همین مناسبت معمولاً "اصطلاح ستاره قطبی" با ستاره جدی مترادف است.
فاصله ستاره جدی تا قطب شمال عالم حدود ۱ درجه است.
در حدود ۵۰۰۰ سال پیش نزدیک‌ترین ستاره به قطب شمال

FIXED STARS

ستارگان ثابت
— ستارگان

CIRCUMPOLAR STARS

ستارگان حول قطبی
— ستارگان دور قطبی

COMETS

ستارگان دنباله دار
— دنباله داران

DOUBLE STARS/BINARY STARS

ستارگان دوتائی
یا ستارگان مزدوج، دو ستاره‌ای که همانند زمین و ماه بر گرد گرانشگاه مشترکشان می‌گردند. اگر تمیز دادن دو ستاره مزبور با تلسکوپ میسر باشد، آن‌ها را دوتائی بصری می‌نامند و آن ستارگانی که صفحه مدارشان بقدری به شعاع رویت ناظر نزدیک است که ظاهراً "سبب گرفت یکدیگر می‌شوند ستارگان دوتائی گرفته و آن دسته که تفکیک آن‌ها جز از طریق طیفی میسر نباشد، دوتائی طیفی نام دارند.

CIRCUMPOLAR STARS

ستارگان دور قطبی
آن دسته از ستارگانی که همواره بالای افق بوده و طلوع و غروب نمی‌کنند و در تمام شب‌های سال قابل دیدن هستند. شمار ستارگان دور قطبی بر حسب عرض جغرافیائی متفاوت است و با دوری از نیمگان زمین افزایش می‌یابند.
از جمله ستارگان دور قطبی که در عرض جغرافیائی حدود ۴۰ درجه شمالی دیده می‌شوند ستارگان خرس بزرگ (دب اکبر) و ذات الکرسی را می‌توان نام برد.

DOUBLE STARS

ستارگان دوگانه
دو ستاره‌ای که شعاع‌های رویت آن‌ها از زمین بقدری بهم نزدیک است که با چشم غیر مسلح یک ستاره به نظر می‌آیند ولی با تلسکوپ از هم تمیز داده می‌شوند.

GIANT STARS

ستارگان غولپیکر
— غولپیکران

DWARF STARS

ستارگان کوتوله
— کوتوله‌ها

VARIABLE STARS

ستارگان متغیر
— ستارگان تپنده

بوده و از اکسید آهن سخت شده یا کربنات کلسیم و مانند آن تشکیل یافته باشد.

سد (Sadd) DAM

دیواره‌ای که عمود بر جهت جریان آب رودخانه ساخته شود و آب را در پشت خود جمع نماید. این دیواره که به آن بند نیز گفته می‌شود ممکن است از جنس خاک معمولی باشد (بزرگترین سد خاکی جهان سد منگلا در پاکستان است) و یا با استفاده از سنگ و مصالح ساختمانی غیر قابل تراوش ساخته شود. سدها معمولاً "طوری ساخته می‌شوند که یا وزن آن‌ها در برابر نیروی آب ایستادگی کند (که به آنها سدهای سنگین می‌گویند) و یا شکل آن‌ها نیروی آب را خنثی سازد (مانند سدهای قوسی) غیر از خاک و مصالح ساختمانی، از بارهای مصالح دیگر مانند فولاد یا چوب و الوار نیز برای ساختمان سد استفاده می‌شود و علاوه بر آن ممکن است سد را بصورت تک سدی یا چند سدی بنا نهاد که در هر حال هدف از ساختمان آن‌ها عبارتست از:

الف: ذخیره آب برای کشاورزی و یا مصرفهای انسانی.

ب: استفاده از نیروی آب جمع آوری شده برای تولید الکتریسیته.

پ: بالا آوردن سطح آب و جاری ساختن آن در آبراهه‌ها.

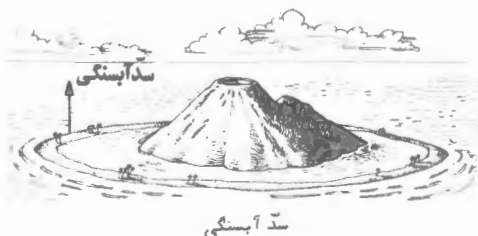
ت: کنترل آب و جلوگیری از جاری شدن سیل.

(تصویر در صفحه ۲۱۰)

سد آبسنگی (S-e-ābsangi) BARRIER REEF

عبارتست از مجموعه‌ای از آتسنگ‌های مرجانی که به موازات ساحل قرار گرفته و بوسیله آب نسبتاً ژرف و پهناوری، از ساحل اصلی جدا شده باشد.

← آتسنگ مرجانی

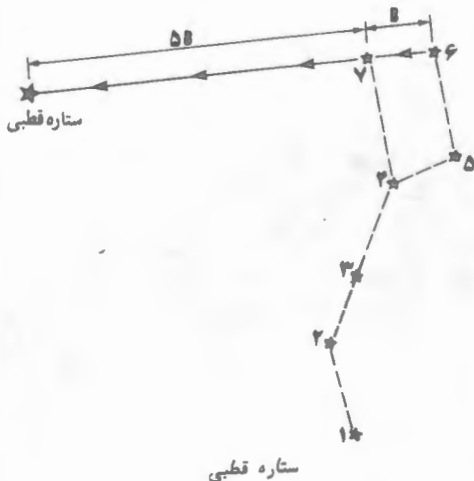


سده (Sadeh) CENTURY

دوره صد ساله، بویژه هر یک از ادوار صد ساله‌ای که از یک مبدأ زمانی معین شروع شده باشد، مثلاً "سده یکم یا قرن اول هجری دوره صد ساله‌ای است از هجرت که تا پایان سال ۱۰۰ هجری ادامه داشته است.

عالم ستاره‌الفا از صورت فلکی تنین بوده است و حدود ۱۲۰۰۰ سال بعد، ستاره نسر واقع ستاره قطبی خواهد بود.

← تقدیم اعتدالین



ستوده (Setordeh) CLEARING

قطعه زمینی که برای کشاورزی پاک گردیده باشد. این اصطلاح بیشتر در زمین‌های جنگلی و پوشیده از گیاهان بکار می‌رود.

ستیف (Setigh) CREST

بلندترین تپه یک تپه یا یک رشته کوه را ستیف می‌گویند.

ستیف‌های جور (Setigh-hay-e-jor) ACCORDANT SUMMIT LEVELS

قلل و ستیف کوههایی که تقریباً در یک سطح قرار گرفته باشند.

سحاب (Sahab) CLOUD

← ابر

سحابی برون کهکشانی (Sahabi-e-bayron-e-kehkeshani) EXTRAGALACTIC NEBULA

← کهکشان

سحابیه (Sahabiya) NEBULAE

← ابری‌ها

سحرگاه (Sahragah) DAWN

با سپیده دم ← صبح صادق

سخته (Sakhteh) HARDPAN

لایه سخت شده‌ای از خاک، که در مقابل رطوبت نغود ناپذیر



—

سراب

۱ - سرچشمه .

۲ - جایی که آب از رودخانه به جوی می‌آید .

سراب

MIRAGE

سراب عبارتست از نوعی خطای دید که بر اثر شکست نور ، بوسیله جو زمین پدید می‌آید . این پدیده مخصوصاً در بیابان‌ها و کویرهای گرم و جایی که هوای مجاور زمین گرم و رقیق می‌شود بوجود می‌آید ، بدین ترتیب که نور موجود در آسمان ، بسوی بالا تاب برداشته و سطح لرزانی از آب را در نظر مجسم می‌سازد و اشیاء را بصورت شناور در آن نشان می‌دهد . سراب در روزهای گرم مناطق معتدله نیز در سطح جاده‌ها به چشم می‌خورد . یکی از انواع سراب‌ها ، سراپی است که تصویر دوگانه از اشیاء را نمایان سازد . گاهی اوقات سراب بر اثر قرار گرفتن لایه گرمی از هوا روی لایه سرد مجاور

زمین نیز بوجود می‌آید ، این گونه سراب‌ها ، خاص مناطق سردسیر و بویژه مناطق قطبی است ، که در نتیجه کشتی‌ها و کوههای یخ را بصورت وارونه و معلق در آسمان جلوه‌گر می‌سازد . (تصویر در صفحه ۲۱۱)

سراپه (Sarābeh)

MIRAGE

— سراپ

سرازیر

SLOPE

آنچه که دارای نشیب است ، سطح مایل ، سراشیب و رو به پائین ، مقابل سر بالا .

سراشیب (Sarāshib)

SLOPE

آنچه که رو به پائین باشد — سرازیر

BORDER

سرحد

— مرز

LATERITE

(Sorkhāk)

گونه‌ای خاک سرخ رنگ که در مجاورت سطح زمین بر اثر سایند بوجود آمده باشد. این گونه خاک که اکثراً در مناطق گرم و مرطوب دیده می‌شود شامل تیدرو اکسید آهن و تیدرو اکسید آلومینیم است. سرخاک هنگام استخراج نرم بوده و پس از قرار گرفتن در مجاورت هوا سخت می‌شود و روی همین خاصیت اغلب در کارهای ساختمانی مورد استعمال دارد. این خاک در کشورهای هندوستان، مالزی، اندونزی و مناطق گرم و مرطوب افریقا و امریکای جنوبی فراوان یافت می‌شود.

RED CLAY

(Sorkh rost)

رسوبات دریایی بسیار نرمی که شامل تیدرات و سیلیکات آلومینیم بوده و تحت تاثیر رنگ سرخ اکسید آهن قرار گرفته باشد. این مواد بر اثر غبارهای کیهانی و آتشفشانی و موارد دیگری که به همراه کوههای یخی به دریا حمل می‌گردند، و همچنین بقایای غیر قابل حل جانوران دریایی پدید می‌آیند و بیشتر در کف اقیانوسها دیده می‌شوند.

PTERIDOLOGY

برخس شناسی

شاخه‌ای از گیاه شناسی که به بررسی سرخسها می‌پردازد.

RED MUD

(Sorkhgel)

رسوبات دریایی که شباهت زیادی به گل کبود داشته و تحت تاثیر اکسید آهن، رنگ قرمز گرفته‌اند. این مواد شامل غبارهای بادبرده بوده و بیشتر در کرانه‌های نیمگانی (استوایی) اقیانوس اطلس در امریکای جنوبی و دریای چین دیده می‌شود.

CELLAR

(Sardāb)

اتاقی در زیر زمین که برای استفاده از خنکی هوا در تابستان ساخته شود.

COLD REGION

سردسیر

جای سرد. — ییلاق

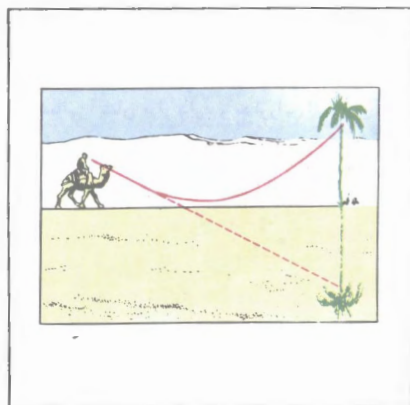
سر دهقان

کشاورزی که سر پرست دهقانهای یک جفت زمین باشد. این اصطلاح در خراسان متداول است.

EFFLUENT

(Sarrizeh)

سر ریزه روانه‌ای که از یک دریاچه سرچشمه بگیرد.



سراب

CONTINENTAL SLOPE

سراسیمپ قاره‌ای

قسمتی از کف دریا و اقیانوس، که از لبه خارجی فلات قاره شروع شده و تا ژرف‌ترین قسمت، گسترش یافته باشد. شیب این قسمت بین ۲ تا ۵ درجه است. — ژرفا شیب

LEAD

سرب (Sorb)

عنصر فلزی سنگین با علامت شیمیایی Pb نقره‌فام. نسبتاً نرم که در مقابل کشش بی استقامت است و الکتریسته و حرارت را بخوبی هدایت نمی‌کند و در مقابل پاره‌ای اسیدها مقاومت نشان می‌دهد.

از این فلز بخاطر جرم مخصوص زیادش به عنوان سپر محافظ در مقابل اشعه ایکس و تشعشعات راکتورهای هسته‌ای بکار می‌رود و استعمالش در کارهای لوله‌کشی آب خطرناک است. مهم‌ترین کشورهای تولید کننده سرب عبارتند از: استرالیا، ایالات متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی.

UP HILL

سربالا

آنچه رو به بالا باشد، مقابل سرازیر، محلی که رو به بالا برود.

SERPENTINE

سربانگین

سنگی از جنس سیلیکات آمیده‌ی منیزیم، که معمولاً رنگ سبز دارد، و پنبه‌کوهی نوعی از آنست. بعضی از انواع آن بصورت سنگ ساختمانی زینتی بکار می‌رود.

SOURCE

سرچشمه

جایی که رودخانه از آن جا آغاز شود سرچشمه نام دارد. سرچشمه یک رودخانه ممکن است چشمه، دریاچه، یخچال، مظهر یک مجرای زیر زمینی و یا یک باتلاق تراونده باشد.

و اجتماعی همراه است .

CANCER

سرطان

یا خرچنگ ، چهارمین صورت فلکی در منطقه البروج که در نیمکره شمالی آسمان قرار دارد و مدار رأس السرطان از همین نام اقتباس شده است .



سرطان

HOAR FROST

سرما ریزه (Sarmā rizeh)

— بسم

FROSTBITE

سرما زدگی

یخ زدن پارهای از اعضا بدن که در مقابل سرما بدون حفاظ مانده باشند و یا یخ زدن پاها بدلیل تنگی کفش و جلوگیری از گردش خون در هوای زیر صفر ، معمولاً " در چنین حالاتی انگشتان دست یا پا سیاه شده و اغلب به بیماری غانغرا یا منجر می گردد .

CAPITALISM

سرمایه داری

نظام اقتصادی که در آن مالکیت خصوصی وسایل تولید در دست طبقه ای متمرکز شده است که فقط بخش کمی از افراد جامعه را تشکیل می دهند و در برابر این طبقه ، طبقه انبوه و فقیر کارگر قرار دارد که تنها منبع درآمد برای ادامه حیاتش ارزش کار اوست که مانند یک کالا در بازار عرضه و تقاضا به فروش گذاشته می شود .

در این نظام وسایل تولید و توزیع کالا تحت نظارت سرمایه داران و مالکین خصوصی است و تنها انگیزه سرمایه داران در چگونگی اداره " تولید و توزیع و مبادله ، تحصیل نفع شخصی است . نظام های سرمایه داری در نهایت به نظام سرمایه داری انحصار طلب تبدیل می گردد .

WATER TABLE

سطح آب زیر زمینی

— سطح اشباع

LEVEL OF SATURATION

سطح اشباع

سطحی از پوسته زمین که سوراخ ها و خلل و فرج سنگ های آن از آب مملو و اشباع شده باشد .

معمولاً " منافذ و سوراخ های سنگ ها بر اثر بارندگی ممتد از آب پر شده و با رسیدن به سطح غیر قابل نفوذی مانند

SUNRISE

سر زدن آفتاب

یا طلوع خورشید ، زمانی که مرکز کره خورشید در افق خاوری ظاهر شده و به دلیل چرخش زمین رو به بالا می آید ، طلوع یا سرزدن آفتاب نام دارد .

TERRITORY

سرزمین (Sarzamin)

زمینی که بیک دولت تعلق داشته باشد و همچنین به پهنه وسیعی از زمین نیز گفته می شود .

MANDATE TERRITORY

سرزمین تحت قیمومیت

منطقه ای که پس از جنگ جهانی اول از دست کشورهای آلمان و عثمانی خارج گردید و به موجب پیمان صلح ، تحت قیمومیت و سرپرستی کشورهای پیروز قرار گرفت . بنا بر پیمان مزبور موافقت شد به کشورهایی چون عراق ، سوریه و فلسطین به محض آمادگی ، خودمختاری و استقلال داده شود و سرزمین هایی از افریقا که تحت اشغال آلمان بوده است تا زمان مناسب ، تحت قیمومیت نیروهای پیروز در جنگ باقی بمانند و پاره ای از سرزمین های اشغالی آلمان مانند افریقای جنوب باختری و کلنی های آلمان در استرالیا به طور دائم تحت سرپرستی و قیمومیت نیروهای پیروز باقی مانده و جزو سرزمین های متصرفی آنان منظور خواهند شد . غالب این سرزمین ها بعد از جنگ جهانی دوم به صورت سرزمین های تحت قیمومیت سازمان ملل متحد درآمدند و در حال حاضر بیشتر آن ها دارای استقلال هستند .

SLIDE

سرسره (Sorsoreh)

الف — توده سنگ و خاکی که از دامنه یک کوه به طور آرام و یک نواخت به پائین سرازیر شده باشد .

ب — رد پای که از لغزش خاک و سنگ لغزنده روی دامنه یک کوه به جای مانده باشد .

ZENITH

سرسو (Sarsu)

نقطه ای از آسمان (یا کره عالم) که درست در بالای سرنابر قرار گرفته باشد . به این نقطه سمت الرأس نیز گفته می شود . — کره عالم .

DIVAGATION

سروش (Soresh)

لغزیدن و سریدن جانبی بستر یک رودخانه در نتیجه انباشته شدن مواد رسوبی در کرانه مقابل .

CENSUS

سرشماری

شمارش رسمی جمعیت یک کشور یا یک شهر و یا یک واحد اداری که معمولاً " بانوعی طبقه بندی از لحاظ شرایط اقتصادی

AQUIFER LEVELS

سطوح آبدار

سنگهای اشباع شده از آب را که در اعماق مختلف قرار گرفته‌اند سطوح آبدار می‌گویند. ژرفای پاره‌ای از این سطوح در برخی دره‌ها از نیم متر تا دهها و حتی صدها متر می‌رسد و در باتلاق‌ها خیلی به سطح زمین نزدیکند.

سمیر آتشفشانی (Sa'ir-e-ātashfeshāni) LAVA
— گدازه

WATER TABLE

سفوف آب

— سطح اشباع

AMBASSADOR

سفیر

کسی که به نمایندگی دولت و کشوری در کشور دیگر امور مربوط به مملکت خود را انجام دهد.

عالی‌ترین نماینده سیاسی یک کشور در کشور دیگر را که امور سفارت کبری را بر عهده داشته باشد. سفیر کبیر می‌نامند.

FREE FALLING

سقوط آزاد

حرکت جسم وزینی که در میدان جاذبه زمین از حال سکون خارج شده و بطور آزاد بیفتد.

تجربیات اولیه درباره سقوط آزاد از گالیله است. اگر جسمی در خلا سقوط آزاد کند، شتاب حرکت آن در هر محل مقدار ثابتی است که به آن شتاب ثقل می‌گویند.

SEXTANT

سکستان

دستگاهی است برای اندازه‌گیری زاویه. این دستگاه به ویژه در امر ناوبری و هدایت کشتی‌ها با اندازه‌گیری زاویه ارتفاعی خورشید یا ستارگان استفاده می‌شود. سکستان به طور کلی عبارت است از یک قاب حامل، یک قوس مدرج، یک دوربین، دو آینه مسطح که عمود بر صفحه سکستان قرار دارد و یک بازو که ورنیه مدرج بر آن ثبت گردیده و به وسیله آن زاویه گردش قرائت می‌گردد. (تصویر در صفحه ۲۱۴)

BANK

سکّو (Sakku)

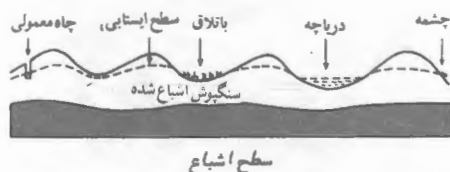
بخشی از کف دریا یا بستر رودخانه که نسبت به اطراف برآمدگی داشته و به دلیل کافی بودن ارتفاع آب قابل کشتیرانی باشد.

SANDBANK

سکوی شنی

توده‌ای از شن و ماسه که در رودخانه یا دریا انباشته شده و هنگام فرو نشستن آب رودخانه یا جزر دریا از آب خارج و آشکار گردد.

سنگ‌های رسی در همانجا متوقف می‌گردد و به شکل چشمه سارهای مختلف در سطح زمین آشکار می‌شود. بدیهی است متناسب با خارج شدن آب از این چشمه‌ها، سطح آبهای زیرزمینی افت کرده و پایین می‌رود. قاعدتا "سطح آبهای زیرزمینی در فصل‌های مرطوب بالا آمده و بر عکس در فصل‌های خشک پایین می‌رود ولی هیچگاه از سطح معینی بالاتر و یا پایین‌تر نخواهد رفت. پایین‌ترین سطح آبهای زیرزمینی را سطح آب دائمی آن منطقه می‌نامند.



SEPARATION PLANE

سطح انفصال

— ساختمان زمین

WATER TABLE (Sath-e-istābi)

— سطح اشباع

PLANE OF THE ECLIPTIC

سطح دایره البروج

سطح مدار حرکت ظاهری خورشید، و یا سطح مدار گردش زمین بدور خورشید.

— دایره البروج

SEA LEVEL

سطح دریا

تراز آب اقیانوس، در صورتی که خالی از تاثیر کشند امواج باشد.

FAULT PLANE (S-e-gosalesh)

سطحی است که در امتداد یک گسله واقع شده باشد.

MEAN SEA LEVEL/M.S.L

— سطح مبنای ارتفاعات

MEAN SEA LEVEL/M.S.L

سطح متوسط دریا

سطح متوسط آب دریاها و آزاد که در نتیجه اندازه‌گیری‌های متعدد بدست آمده باشد. این سطح به عنوان مبنای اندازه‌گیری ارتفاعات به کار می‌رود. این واژه را با علامت اختصاری M.S.L. نمایش می‌دهند و به این واژه سطح مبنای ارتفاعات نیز می‌گویند.

VIRGO / VIRGIN

سنبله (Sonboleh)

یا عذرا، ششمین صورت فلکی در منطقه البروج. در این صورت بیش از پانصد ابری کشف گردیده و در سال ۱۹۳۶ ابر نواختاری در آن ظاهر گردیده است.



سنبله

REMOTE SENSING

سنجش از دور

← دور کاوی

SANSKRIT

سنسکریت

زبان علمی قدیم و مقدس هندوان، یکی از زبان‌های مهم هند و ایرانی از شعبه زبان‌های هند و اروپایی که با زبان اوستا خویشاوندی نزدیک دارد.

کهن‌ترین صورت زبان سنسکریت، زبان ودایی نام دارد که سرودهای ودا بدان نوشته شده. و مربوط به حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح است.

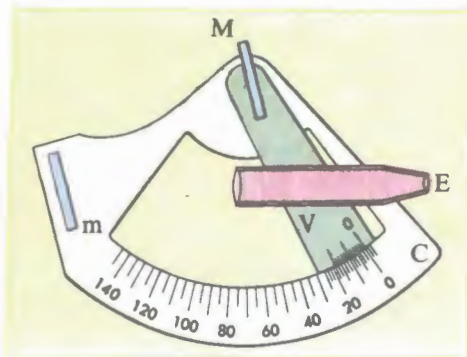
آثاری که بدین زبان باقی مانده است، جزو قدیم‌ترین آثار زبان‌های هند و اروپایی است.

ROCK

سنگ

توده متراکم و سختی از ذرات و مواد معدنی که بخشی از سنگگره را تشکیل داده است. این ماده که مخلوطی است از مواد مختلفی مانند شن، ماسه، ریگ، گل، انواع صدف‌ها و مرجان‌ها و رس، به سه دسته اصلی به شرح زیر تقسیم می‌گردد.

الف! سنگهای تهنشتی ب! سنگهای آذرین پ! سنگهای دگرگون.



ع = قوس مدرج
E = دوربین
M = آینه
m = آینه نیم شفاف
V = بازوی ورنیه‌ای
سگتانت

CONTINENTAL PLATFORM

سکوی قاره‌ای

قاره و پایاب‌های پیرامون آن که تا لبه سراسیمب قاره‌ای گسترده شده باشد و یا بزبانی دیگر قسمتهای افقی پوسته زمین (اعم از خشکی یا زیر آب) تا لبه گودال‌های زیر آب.

سلخ (Salkh)

روز آخر هر ماه قمری.

PHYLUM

سلسله

← رده بندی

CHAIN/ RANGE OF MOUNTAIN

سلسله کوه

← رشته کوه

ZENITH

سمت الرأس

← سر سو

NADIR

سمت القدم

← پاسو

DIRECTION FINDING

سمت یابی

← جهت یابی

سنار (senār)

جایی در دریا که دارای ژرفای کم باشد و کشتی در آن جا به گل نشیند و از حرکت باز ایستد.

IRON ORE

سنگ آهن

عموم کانهای آهن را شامل شده و مهمترینشان عبارتند از: هماتیت (اکسید آهن Fe_2O_3)، لیمونیت (اکسید آبدار آهن $Fe_2O_3 \cdot nH_2O$)، مانیتیت (اکسید مغناطیسی آهن Fe_3O_4)، سیدریت (Co_3Fe) و پیریت (S_2Fe).

ROCK FLOUR

سنگارد (Sangard)

خرده سنگهایی که تحت تاثیر یخچالهای طبیعی نرم و آرد شده باشند، این ذرات اغلب به شکل آبگونه شیری رنگ، در آبی که از انتهای یخچالها روان است دیده می شوند.

LITHOSPHERE

سنگ اسپهر (Sang espehr)

— سنگره

ACID ROCK

سنگ اسیدی

نوعی سنگ آذرین که مواد سیلیسی آن گاه به بیش از ۶۵ درصد می رسد. بطور کلی این گونه سنگها ترکیبی از سیلیکاتها و اکسید فلزات هستند و از انواع آن ها سنگ گرانیت، رپولیت و سنگ شیشه را می توان نام برد.

CONCRETION

سنگال (Sangāl)

توده کرهمانندی در داخل یک سنگ که از جدا شدن بعضی کانهای محلول (مانند کوارتز و کلسیت) و اجتماع مجدد آنها دور یک هسته بوجود آمده باشد.

BED ROCK

سنگبستر (Sangbastar)

تخته سنگ یک پارچه ای که در زیر مواد سستی مانند خاک و ماسه و امثال آن قرار گرفته باشد. گاهی اوقات سنگبستر در زیر پوشش نازکی از مواد سست و در وسعتی به پهنای چند صد متر مربع واقع شده و اغلب در سراسیمها بدون هیچ گونه پوششی به چشم می خورند.

CRYSTALLINE ROCK

سنگ بلور لایه

(Sang-e-bolur layeh)

سنگی که از مواد معدنی بلورین تشکیل یافته باشد. این گونه سنگها ممکن است در نتیجه دگرگونی و یا سرد شدن فوری پدید آمده باشند.

PUMICE

سنگ پا

نوعی سنگ آذرین که بدلیل دارا بودن خلل و فرج، و منافذ فراوان خیلی سبک بوده و روی آب می ایستد این سنگ که ظاهری اسفنجی شکل دارد بر اثر خروج گاز و بخارهای موجود در مواد گداخته و سپس سرد و سخت شدن آن پدید می آید.

METEORITE

سنگ آسمانی

یا شهابسنگ، تخته سنگ بزرگی از نوع شهاب که بدلیل عظمت جثه در جو زمین بطور کامل نابود نشده و قسمتی از آن به سطح زمین رسیده باشد. پاره ای از این اجرام اساساً فلزی بوده و از فلزاتی مانند آمیزه (آلیاژ) آهن و نیکل ترکیب یافته اند و دسته ای دیگر از زمره سیلیکات فلزها بوده و پاره ای از آن ها فقط منشاء سیلیسی دارند و تا کنون در هیچ موردی اثری از عوامل شیمیائی در آن ها دیده نشده است. یکی از معروفترین سنگهای آسمانی قطعه سنگی است که در نزدیکی Winslow واقع در ایالت آریزونا ای آمریکا بزمین فرو افتاده و گودالی به قطر ۱۲۵۱ متر و ژرفای ۱۷۴ متر پدید آورده است. این طور برآورد شده که این سنگ حدود ۵۰۰۰۰ سال پیش سقوط کرده و عملیات ثقل سنجی اخیر نشان داده است که در زیر آن توده فلزی سنگینی حدود ۳ میلیون تن در عمق ۲۵۰ تا ۲۷۵ متری سطح زمین انباشته گردیده است.

MILL STONE

سنگ آسیا

سنگی است از جنس سیلیس که بر جستگیهای سیلیسی آن موجب خشونت سطح آن میشود. در سنگ آسیا، آهک مثل تاروپودی سیلیس را در بر می گیرد و در نتیجه انحلال موجب تخلخل آن می گردد. از سنگ مزبور همانگونه که از نام آن بر می آید بدلیل سختی و دارا بودن خلل و فرجهای خشن و سخت در ساختن سنگ آسیا بکار می رود.

DETRITUS / ROCK FLOUR

سنگ آواری

سنگهایی که از محل اصلی خود رانده شده و در محل دیگری انباشته شده باشند. به عبارت دیگر سنگی که از خرد و ریزهای سنگهای دیگر ساخته شده است.

LIMESTONE

سنگ آهک

سنگی ته نشستی، که تمام یا قسمت عمده آن کربنات کلسیم ($CaCO_3$) است. معمولاً سفید است ولی به سبب مواد خارجی ممکن است به رنگهای دیگر در آید. سنگ آهک از ته نشست و تخریب استخوان بندی بی مهرگان دریائی، و گاه از رسوبهای شیمیائی پیدایش می یابد. این سنگ از منابع تهیه آهک بوده و در استخراج آهن، ساختن سیمان پرتلند و هم به عنوان سنگ ساختمانی بکار می رود. از انواع مختلف آن "آهکرس"، "گل سفید"، "دولومیت" و "مرمر" است.

PORPHYRY (Sang-e-somāk) **سنگ سماک**
یا سنگ سماق نوعی سنگ که از دانه‌های بلورین درشتی
پدید آمده است.

ROCK - FALL (Sangshār) **سنگشار**
ریزش آزاد توده‌های سنگ از فراز یک کوه.

LITHOLOGY / PETROLOGY **سنگشناسی**
بخشی از زمینشناسی که موضوع آن تحقیق در منشأ ساختمان،
خواص و تاریخ سنگهای قشر جامد زمین است.
سنگشناسی مشتمل بر مباحث سنگنگاری (توصیف منظم سنگها)
و سنگزائی (بررسی منشأ اقسام مختلف سنگها) می‌باشد.

SOAP STONE **سنگ صابون**
نوعی سنگ دگرگون که در لمس مانند صابون است. رنگ این
سنگ از خاکستری تا سبز است و در مقابل اسیدها و حرارت
سخت مقاومت دارد و آنچنان نرم است که با کارد می‌توان
آن را برید.

DESERT PAVEMENT **سنگفرش بیابانی**
پهنه نسبتاً هموار و سنگفرش ماندنی در بیابان، که بدلیل
فرسایش مواد سطحی صاف و تقریباً صیقلی شده باشد. در
اینگونه مناطق که اغلب کویری هستند، ذرات سطحی پوسته
زمین، بوسیله آب نمک غلیظی که آب آن تبخیر شده است به
یکدیگر چسبیده و پوسته سختی را بوجود آورده‌اند.

PHOSPHATE ROCK **سنگ فسفات**
فسفات کلسیم که معمولاً با کربنات کلسیم و پاره‌های کانی‌های
دیگر همراه است و منشأ دریایی دارد.
از سنگ فسفات برای ساختن کود شیمیائی و کبریت و انواع
اسیدهای فسفریک استفاده می‌شود.

LITHOSPHERE (Sangkoreh) **سنگکره**
پوسته جامد زمین که از یک لایه نرم و نازک خاک و توده‌ای
از سنگ و مواد سخت دیگر ترکیب یافته و ضخامت آن به
چندین کیلومتر می‌رسد.

QUARTZITE **سنگ کوارتز**
سنگ خیلی سخت و مقاومی که بطور عمده از کوارتز تشکیل
یافته باشد.

GALENA **سنگ گالن**
سنگ سربی که بصورت سولفید سرب با فرمول Pbs در
معدن یافت می‌شود. این سنگ که نرم و سنگین است بشکل

HEADLAND / PROMONTORY (Sangpuz) **سنگپوز**
قسمتی از خشکی که در دریا، دریاچه و یا هر عارضه آبی
دیگر پیش رفته باشد.

MANTLE ROCK **سنگپوش**
لایه سستی از مواد سنگی، که سطح آن با خاک پوشیده شده،
و بخش وسیعی از پوسته زمین را در بر گرفته باشد.
ضخامت این لایه در نقاط مختلف متفاوت است.

FLINT **سنگ چخماق**
— آتشرنه

CAIRN **سنگچین**
توده سنگهایی که در زمان قدیم بپاد بود چیزی، روی هم
چیده شده باشند. امروزه از سنگ چین به عنوان یک نشانه
زمینی استفاده می‌شود.

GRANITE **سنگ خارا**
نوعی سنگ آذرین که دارای دانه‌های درشت بوده و علاوه
بر پاره‌های مواد معدنی دارای کوارتز و فلدسپات نیز باشد.
این سنگ یکی از خشن‌ترین و سخت‌ترین و فراوان‌ترین سنگهای
طبیعت را تشکیل می‌دهد و غالباً در کارهای ساختمانی به
کار می‌رود.

PELITE (Sangros) **سنگرس**
سنگی که از دانه‌های ریز رس تشکیل یافته باشد.

SHALE **سنگ رستی**
نوعی سنگ ته‌نشستی که از تحت فشار قرار گرفتن رس‌های
ته‌نشین شده پدید آمده باشد. این گونه سنگها معمولاً
لایه لایه بوده و به آسانی ورقه ورقه می‌شوند. این گونه
سنگها در صنعت سیمان سازی کاربرد فراوان دارند.

SCREE / TALUS (Sangriz) **سنگریز**
توده‌ای از تخته سنگ یا خرده سنگ‌های شکسته که در پای
تندان یا در دامنه کوه انباشته شده باشد. این سنگها به
سبب وابفرسائی از کوه جدا شده و تحت تاثیر نیروی ثقل
به پائین غلطیده‌اند. معمولاً شیب سنگریز به قدری زیاد
است که کمترین اختلالی به لغزش تمام توده به سوی پائین
منجر می‌گردد.

PETROGENESIS (Sangzā'i) **سنگزائی**
عمدتاً پدید آمدن سنگها به خصوص سنگهای آذرین را
گویند.

سست آن بصورت لایه‌هایی در ته حوضه انجام می‌گیرد. این لایه‌ها گاهی بصورت گنبدی نمکی به سطح زمین راه می‌یابند. کاربرد عمده آن در مواد غذایی و همچنین منبع عمده هیپو کلریت (سفید کننده و گندزدا) می‌باشد.

سنگواره (Sangvāreh) FOSSIL

باقیمانده قسمت‌های سخت موجودات زنده (جانوران و گیاهان) که طی سالیان بسیار طولانی در زیر مواد رسوبی مدفون شده و بوسیله مواد معدنی جایگزین گردیده باشد.

سنگهای آبکش PERVIOUS ROCKS

سنگهایی که بدلیل دارا بودن سوراخ‌های فراوان آب را به آسانی از خود عبور دهند به این گونه سنگها، سنگهای نفوذ پذیر نیز می‌گویند.

سنگهای آذرین (Sanghā-ye-āzarin) IGNEOUS ROCKS

سنگهایی که از انجماد مواد مذاب پدید آمده و یکی از سه دسته سنگهای اصلی پوسته زمین را تشکیل داده‌اند. این سنگها که به آن سنگهای آذرین می‌گویند، ممکن است پس از خروج و رسیدن به سطح زمین منجمد شوند که به آن‌ها گدازه یا سنگهای آتشفشانی می‌گویند و یا درون مجاری و شیارهای پوسته زمین جریان یافته و در یک گودال انباشته شوند و یا اینکه در زیر پوسته زمین و تحت فشار انباشته گردید. در غالب سنگهای آذرین، بلورهای از مواد مختلف معدنی دیده می‌شود ولی هیچگونه سنگواره‌ای در آن‌ها به چشم نمی‌خورد.

سنگهای برمفاکی (S-hā-ye-barmaghāki) HYPABYSSAL ROCKS

سنگهای آذرینی که بطرف سطح زمین رانده شده ولی قبل از رسیدن به سطح زمین، در شکافها منجمد شده باشند. — سنگهای آذرین

سنگهای تهنشتی SEDIMENTARY ROCKS

سنگهایی هستند که از بهم چسبیدن و سخت شدن تهنشتیهای معمولاً بصورت لایه‌ها یا بسترها تشکیل شده باشند. این گونه سنگها بر دو نوعند.

- ۱- سنگهای تهنشتی پاره‌ای.
- ۲- سنگهای تهنشتی نا پاره‌ای.

سنگهای خروجی EXTRUSIVE ROCKS

سنگهای آذرینی که در گدازه‌های سطحی سخت و منجمد شده باشند. به این گونه سنگها، سنگهای آتشفشانی نیز می‌گویند.

بلورهای مکعبی شکل دیده شده و معمولاً در لایه‌های سنگهای آهکی دوره کربونفر بدست می‌آید.

سنگ گچ (ژیپس) GYPSUM

سولفات کلسیم آبدار ($\text{CaSO}_4 \cdot 2\text{H}_2\text{O}$)، که لایه‌های وسیع آن در سنگهای رسوبی همراه با سنگ آهک، شیل رسوبی و یا گل رس پیش می‌آید که به صورت‌های توده‌ای، ورقه ورقه و یا رشته‌ای یافت می‌شود و برای تهیه "گچ به کار می‌رود. گچ رسیده (Cao) را از حرارت دادن سنگ گچ (تا حدود ۱۲۰ درجه سانتیگراد) بدست می‌آورند.

سنگلاخ (Sanglākh) STONY LAND

زمین پر سنگ و یا زمینی که در آن سنگریزه فراوان یافت شود. به آن سنگستان هم می‌گویند.

سنگ لوح (Sang-e-loh) SLATE

گونه‌ای سنگ دانه ریز که از تهنشت و تحت فشار و گرما قرار گرفتن مواد رسی پدید آمده است. این سنگ که به آسانی ورقه ورقه می‌شود برای پوشش بام‌ها بکار می‌رود. سنگ لوح به آسانی متورق میشود و رنگ آن معمولاً "خاکستری یا سیاه است، اما انواع قرمز، سبز، ارغوانی و قهوه‌ای آن هم دیده میشود. سنگ لوح بسیار ظریفتر و صافتر از اردوال است.

سنگ معدن ORE — کانه

سنگ مقاوم RESISTANT ROCK

سنگی که بدلیل سختی و یا ترکیبات خاص شیمیایی در برابر آب و هوا و فرسایش مقاومت نماید.

سنگ نشانه CAIRN — سنگچین

سنگ نگاره (S-negāreh) PETROGLYPH

نقش روی سنگ یا دیوار غارها که از انسان‌های پیش از تاریخ بجای مانده است.

سنگنگاری (Sangnegāri) PETROLOGY — سنگشناسی

سنگ نمک SALT

سنگی که عمدتاً از بلورهای نمک طعام (CINa) تشکیل شده است. تشکیل آن در دریاهای مناطق گرم و یا دریاچه‌هایی با تهخیر بالا، بصورت تراکم نمک بر اثر تهخیر زیاد و ته-

سنگهای نفوذپذیر

PERMEABLE ROCKS/ PERVIOUS ROCKS

سنگهای سوراخ‌داری که آب بدون آن‌ها نفوذ کرده و به آسانی از آن‌ها عبور کند.

سنگهای نفوذ ناپذیر

IMPERMEABLE ROCKS/ IMPERVIOUS ROCKS

سنگهایی که فاقد خلل و فرج بوده و آب قادر به رخنه و با عبور از آن نباشد.

INTRUSIVE ROCKS

سنگهای نفوذی

سنگهایی که بر اثر انجماد مواد مذاب قبل از رسیدن به سطح زمین پدید آمده باشند. این سنگها گونهای از سنگهای آذرین هستند. — سنگهای آذرین

BATHYSPHERE (Sangin espehr) سنگین اسپهر

آن قسمت از زمین که در زیر پوسته بیرونی آن واقع شده است. ساختمان و طبیعت این قسمت از زمین تاکنون بدرستی شناخته نشده ولی قدر مسلم این است که این قسمت کاملاً متراکم و فشرده بوده و احتمالاً دارای گرمای زیادی است.

BATHYSPHERE

سنگینکوره (Sanginkoreh)

— سنگین اسپهر

SUPERSONIC

سوپر سونیک

یا ابر صوتی

— دیوار صوتی

METABOLISM

سوخت و ساز

مجموعه اعمالی که در سلولها و انساج بدن به منظور عمل اصلی تغذیه و تبادلات مواد غذایی (جذب مواد لازم و دفع مواد زائد) انجام می‌شود. سوخت و ساز شامل دو مرحله است. در مرحله نخست، سلولها و انساج مواد غذایی را جذب می‌کنند و آنها را بصورت مواد شیمیائی و ترکیبی خود در می‌آورند و جزو ساختمان پروتوپلاسم خود ذخیره می‌کنند. به این مرحله آنابولیسم می‌گویند. در مرحله دوم که به مرحله کاتابولیسم موسوم است، سلولها و انساج مواد پروتوپلاسمی خود را تجزیه کرده و می‌سوزانند و فضولات حاصل را به محیط داخلی دفع می‌کنند.

SOVKHOS

سوخور

واژه روسی به مفهوم گونه‌ای کشاورزی که در آن از نیروی کشاورز اجیر شده استفاده می‌شود.

سنگهای آذرینی که بسرعت سرد شوند بصورت سنگهای بلورین در می‌آیند از جمله این سنگها می‌توان بازالت را نام برد.

METAMORPHIC ROCKS

سنگهای دگرگون

سنگهایی که از تغییرات بافت سنگ و کانی‌های سنگ ساز دیگر و بر اثر عوامل درونی زمین، مانند فشار، حرارت و غیره بوجود آمده باشند. مشروط بر اینکه این تغییرات بحدی پیشرفته باشد که سنگ جدیدی را که با سنگ نخستین یکی متفاوت است بوجود آورده باشد.

SEDIMENTARY ROCKS

سنگهای رسوبی

— سنگهای ته‌نشستی

ERRATIC BLOCKS

سنگهای سرگردان

قطعه سنگهای بزرگی که بوسیله یخچال حمل شده و در گوشه و کنار پراکنده شده باشند.

در پارهای مناطق گیتی مانند داکوتای جنوبی (در ایالات متحده امریکا) این گونه سنگها آنچنان فراوانند که سطح زمین را بکلی پوشانیده و مانع کشت و زرع می‌گردند.

ALKALINE ROCKS

سنگهای قلیائی

سنگهای آذرینی که سرشار از مواد سدیم، پتاسیم، ولیتیوم و مانند آن باشد.

ROCHE MOUNTONN'EE

سنگهای گرده گوسفندی

(S-hā-ye-gordeh-gusfandi)

سنگهای گرد شده‌ای که بر اثر عمل یخچالها بصورت پشته گوسفند در آمده و صاف و خط‌دار هستند.

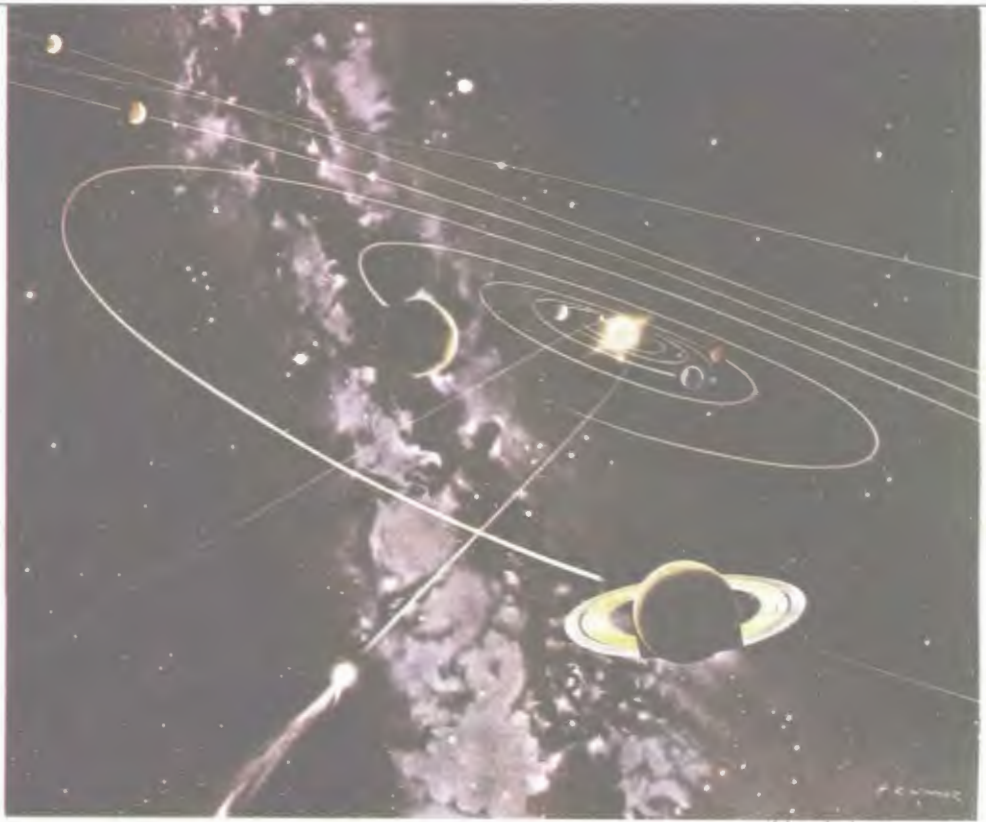
STRATIFIED ROCKS

سنگهای طبق

بعضی از سنگهای ته‌نشستی (مانند استلاکیت و استلاگمیت) طبق نیستند، اما اغلب این سنگها طبق‌اند، و این امر یکی از طرق تشخیص آنهاست از سنگهای دیگر. از مشخصات دیگر سنگهای ته‌نشستی وجود فسیل‌ها در آنها است.

PLUTONIC ROCKS (S-hā-ye-maghāki) سنگهای مفاکی

سنگهای آذرینی که در اعماق قابل توجهی از پوسته زمین به آرامی سرد و سخت شده و دارای بافت بلورین نسبتاً درشتی باشند. بهترین نمونه این گونه سنگها، سنگ گرانیت است.



تصویری تخیلی از سیارات

جدول مشخصات کلی سیارات

سیاره	قطر استوائی به کیلومتر	حجم نسبت به زمین	فاصله متوسط از خورشید به کیلومتر	زمان گردش به دور خورشید سال	زمان چرخش حول محور قطب روز	تعداد قمر
تیر (عطارد)	۴۸۷۸	۰/۰۵۶	۵۷,۹۰۰,۰۰۰	۸۷/۶۰	۵۸ ۱۵ ۳۶	-
ناهید (زهره)	۱۲۱۰۴	۰/۸۶	۱۰۸,۰۲۰,۰۰۰	۲۲۴/۲۷۵	۲۴۳ - ۱۴	-
زمین (ارض)	۱۲۷۵۶	۱	۱۴۹,۰۶۰,۰۰۰	۳۶۵/۲۵۶	۲۳ - ۵۶	۱
بهرام (مریخ)	۶۷۹۴	۰/۱۵	۲۲۷,۹۰۰,۰۰۰	۳۲۱/۲۰	۲۴ - ۳۷	۲
برجیس (مشتري)	۱۴۲۸۰۰	۱۳۲۳	۷۷۸,۳۰۰,۰۰۰	۳۱۴/۶۳۰	۹ - ۵۰	۱۶
کیوان (زحل)	۱۴۰۰۰۰	۷۵۲	۱,۰۴۲,۷۰۰,۰۰۰	۱۰۶۶/۸۰۵	۱۰ - ۱۵	۲۳
اورانوس	۵۱۸۰۰	۶۴	۲,۰۸۶,۹۰۰,۰۰۰	۴/۷۲۵	۳ - ۲۳	۱۵
نپتون	۴۹۵۰۰	۵۴	۴,۰۴۹,۶۰۰,۰۰۰	۲۸۹/۴۴۵	۱۵ - ۴۸	۲
پلوتون	۲۴۰۰	۰/۰۱	۵,۹۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۴۷	۶ ۷ ۱۲	۱

توضیح: ۱- در محاسبه حجم سیارات، حجم زمین برابر ۱ فرض گردیده است.

۲- زمان گردش و چرخش سیارات بر حسب ساعت و روز و سال متداول در زمین بیان گردیده است.

۳- ارقام این جدول از کتاب THE ATLAS OF THE SOLAR SYSTEM / انتشارات THE ROYAL ASTRONOMICAL SOCIETY چاپ ۱۹۸۴ اقتباس شده است.

به سمت جنوب و در جهت گردش عقربه‌های ساعت سنجیده می‌شوند با حرف S (معرف جنوب) شروع و با حرف W (معرف باختر) پایان می‌یابند مانند $38^{\circ} 65' S$ و بالاخره بیرنگهای واقع در ربع چهارم که نسبت به سمت شمال در جهت خلاف گردش عقربه‌های ساعت مورد سنجش قرار می‌گیرند با حرف N (معرف شمال) آغاز و با حرف W (معرف باختر) خاتمه می‌یابند مانند:

N $57^{\circ} 45' W$

سیا خاک (Siyā khāk) BLACK EARTH
— خاک چرنوزیوم

سیارات PLANETS
اجرام فلکی منظومه شمسی غیر از شهاب‌و ستارگان دنباله‌دار که حول خورشید گردش می‌کنند. روشنایی این اجرام به سبب بازتاب نور خورشید است و تفاوت آن با ستارگان یا ثوابت در تغییر وضع سیارات نسبت به صورت‌های فلکی است. معمولاً سیارات به وسیله تلسکوپ بصورت قرصی مشاهده می‌شوند در حالیکه هر قدر هم تلسکوپ قوی باشد باز ثوابت یا ستارگان بصورت یک نقطه دیده می‌شوند. سیارات عمدتاً دارای دو حرکت هستند اول حرکت انتقالی بدور خورشید و دوم حرکت وضعی بدور یکی از قطره‌های خود بنام محور چرخش. مدار حرکت انتقالی هر سیاره بیضی است و خورشید در یکی از کانون‌های آن قرار دارد و حرکت جملگی آن‌ها بدور خورشید از مغرب به مشرق است.
(تصویر و جدول سیارات در صفحه ۲۱۹)

سیارات زیرین SUPERIOR PLANETS
یا سیارات بیرونی و یا سیارات علوی — سیارات هفتگانه

سیارات زیرین INTERIOR PLANETS
یا سیارات درونی، یا سیارات سفلی — سیارات هفتگانه

سیارات هفتگانه SEVEN PLANETS
یا سیارات سبعة، در نجوم قدیم هفت سیاره زحل، مشتری، مریخ، خورشید، زهره، عطارد و قمر (ماه) را سیارات هفتگانه می‌نامیدند. زحل و مریخ را نحسین (دو نحس) و مشتری و زهره را سعدین (دو سعد) و خورشید و ماه را نیرین (دو نورانی) می‌خواندند و بقیه را خصمه متحیره (پنج سرگردان) می‌دانستند.

علاوه بر این زحل و مشتری و مریخ را سیارات علوی (Oliv) و زهره و عطارد و ماه را سیارات سفلی (Sofli) بشمار می‌آوردند.

سوده رخ (Sudeh rokh) SLICKENSIDE
سطوح صیقلی شده و شیار دار که از لغزش توده‌ای از سنگ روی توده‌ای دیگر بوجود آمده باشد.

سور RAMPART
دیوار گرداگرد شهر.

سوسیالیسم SOCIALISM
نظریه‌ای سیاسی و اقتصادی، برای اصلاح امور جامعه، مبتنی بر اینکه کلیه عوامل و وسایل تولید و پخش کالا باید به مالکیت دسته جمعی مردم درآید و دولت به نمایندگی مردم آن‌ها را بر طبق اصول دموکراسی اداره کند.
سوسیالیسم با مالکیت خصوصی مخالف است و هواخواه این است که رفاه جامعه را بوسیله اشتراک مالکیت تامین نماید.

سولونچک SOLOONCHAK
واژه روسی به مفهوم خاکی که مقدار قابل توجهی املاح نمکی در آن موجود باشد. این گونه خاک‌ها بیشتر در مناطقی که میزان تبخیر آب زیاد باشد دیده می‌شود. در این مناطق املاح نمکی از راه خاصیت لوله‌های موئین از لایه‌های زیرین به سطح خاک تراوش کرده و در مجاورت تابش آفتاب و گرمای زیاد بخار شده و پوسته خاکستری رنگی از خود بجای می‌گذارد.

سوماترا SUMATRA
بادی که مخصوص نواحی تنگه مالاکا بوده و معمولاً با رعد و برق همراه است. این باد شب هنگام و بطور ناگهانی می‌وزد و باران‌های سیل آسایی را گاه به همراه دارد.

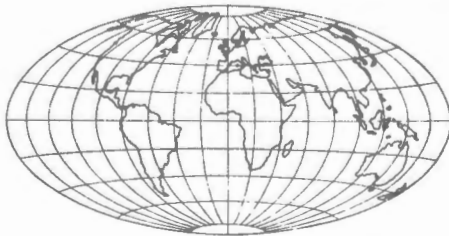
سویه (Suyeh) BEARING
یا بیرینگ زاویه‌ای است که هر امتدادی را با خط بنای شمال و یا جنوب در یکی از ربع‌های چهارگانه دایره و در سمت خاور و یا باختر خط مبنا بوجود می‌آورد. از ویژگیهای بیرینگ این است که مقدار آن همواره بین صفر تا ۹۰ درجه در نوسان است و جهت آن با NE برای ربع یکم، SE برای ربع دوم، SW برای ربع سوم و NW برای ربع چهارم مشخص می‌گردد.
بطور مثال بیرینگ‌های واقع در ربع یکم که نسبت به جهت شمال و در جهت گردش عقربه‌های ساعت سنجیده می‌شوند با حرف N (معرف شمال) شروع و با حرف E (معرف خاور) پایان می‌یابند. مانند $42^{\circ} 25' N$ و بیرینگ‌های واقع در ربع دوم که نسبت به سمت جنوب و در خلاف جهت گردش عقربه‌های ساعت اندازه‌گیری می‌گردند با حرف S (معرف جنوب) آغاز و با حرف E (معرف خاور) خاتمه می‌یابند مثل $39^{\circ} 45' E$ و بیرینگ‌های واقع در ربع سوم که نسبت

گیاهی است پیچنده که دارای ساقه‌های زیر زمینی بسیار ضخیم با اندوخته نشاسته‌ای فراوان که در هندوچین و ژاپن و هندوستان در اغذیه بجای سیب زمینی معمولی از آن استفاده میشود.

سیرا
SIERRA
واژه اسپانیایی به مفهوم رشته کوه ممتدی که قله‌های مرتفع و دندانه ماندی داشته باشد. این اصطلاح بطور وسیعی در اسپانیا، مکزیک و امریکای لاتین بکار می‌رود.

سیروکو
SIROCCO
واژه ایتالیایی به مفهوم باد گرم مرطوب و گاه خشکی که از سوی صحرای شمال آفریقا و جزیره سسیل و جنوب ایتالیا به طرف شمال می‌وزد. این باد هنگام عبور از فراز صحرا بسیار گرم و خشک و غبارآلود بوده و با گذشتن از روی دریای مدیترانه رطوبت قابل توجهی به‌مراه می‌برد و به بادی گرم و مرطوب دگرگون می‌شود. باد سیروکو معمولاً "در تمام فصلهای سال غیر از تابستان که بندرت دیده می‌شود، می‌وزد و در فصل بهار به شدیدترین حالت خود می‌رسد و اغلب تا یکی دو روز دوام می‌آورد. این باد اغلب به کشتزارها و باغها به ویژه به شکوفه‌های انگور و زیتون زیان فراوان وارد می‌سازد.

سیستم تصویر آیتوف
AITOFF'S PROJECTION
نوعی سیستم تصویر مخروطی نقشه که در آن مساحت ثابت می‌ماند. این سیستم بوسیله دانشمندی به همین نام ارائه شده و شامل تمام سطح کره زمین می‌گردد. در این سیستم خط استوا به عنوان محور افقی و نصف النهار مرکزی به عنوان محور قائم بکار می‌رود. نقشه مناطقی که در مرکز این تصویر واقع می‌شوند دارای دقت کاملاً "خوب و نواحی که در حاشیه تصویر قرار گرفته‌اند فاقد دقت بوده و بطور محسوسی تغییر شکل می‌دهند.



تصویر آیتوف

سیستم تصویر استرئوگرافی
STEREOGRAPHIC PROJECTION
نوعی سیستم تصویر، که نصف النهار و مدار تقاسم بصورت

سیارگان (Sayyarakān)
ASTEROIDS
اجرام کوچکی که غالباً " در مداری میان مریخ و مشتری به گرد خورشید در گردشند. منشأ این اجرام که تعداد آنها به حدود ۱۵۰۰ بالغ می‌گردد تا کنون شناخته نشده، بزرگترین سیارک این گروه سرس نام دارد که قطر آن حدود ۷۷۰ کیلومتر و حجم آن تقریباً $\frac{1}{5000}$ کره زمین است. به سیارگان بسته سیارات نیز می‌گویند.

سیاره شناسی
PLANETOLOGY
شاخه‌ای از ستاره شناسی که پیدایش، پراکندگی و ترکیب ماده را در سیاره‌ها و قمرهای آنها و در ستاره‌های دنباله‌دار، سیارگان و دیگر مواد دج (جامد) موجود در منظومه خورشیدی بررسی می‌کند.

سیال
SIAL
لایه سنگی نسبتاً کم وزنی از جنس سنگ خارا (گرانیت) که در زیر قاره‌ها قرار گرفته است. واژه سیال از دو کلمه سیلیکون و آلومینیم ترکیب یافته است.

سیاه چادر
BLACK TENT
چادرهایی که صحرانشینان و دامداران در صحرا برای خود بر پا می‌کنند.

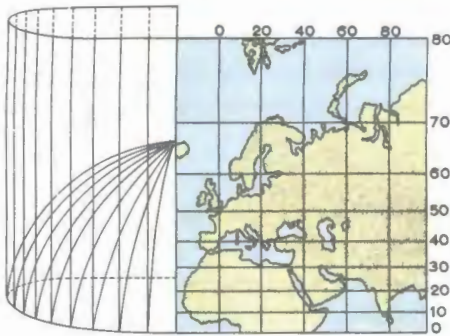
سیاه سنگ
BASALT
سنگ آذرین تیره رنگی که به انواع گوناگون وجود داشته و بر اثر سخت شدن گدازه‌های آتشفشانی بوجود آمده باشد. از این گونه سنگ در سراسر زمین به فراوانی یافت می‌شود.

سیب زمینی
POTATO
گیاهی است از تیره تاجریزه‌ها که جزو مواد غذایی عمده ساکنان مناطق معتدل بشمار می‌رود. احتمالاً " اصل آن از کوههای آند واقع در امریکای جنوبی بوده است که در قرن ۱۶ از پرو به اسپانیا برده شده.

سیب زمینی دارای مقدار زیادی یدرته‌های کربن است و به علاوه منبع نشاسته، آرد، الکل دگسترین و علفوه می‌باشد. سیب زمینی در زمان فتحعلی‌شاه قاجار بوسیله سرجان ملک به ایران وارد شد و در زمان محمد شاه قاجار و به کوشش حاجی میرزا آقاسی تا اندازه‌ای رواج پیدا کرد و امروز یکی از غذاهای عمده مردم ایران محسوب می‌گردد.

سیب زمینی هندی
YAM
گیاهی است از راسته تک لپه‌تپها جزو تیره سرگسیها که گاهی آنرا در دسته خداگانای بنام تیره "دیوسفوریاها" قرار میدهند.

زمین بوجود آمده و نصف النهارها و مدارهای کره زمین روی سطح استوانه بصورت خطوط مستقیم و متعامد تصویر می گردند.

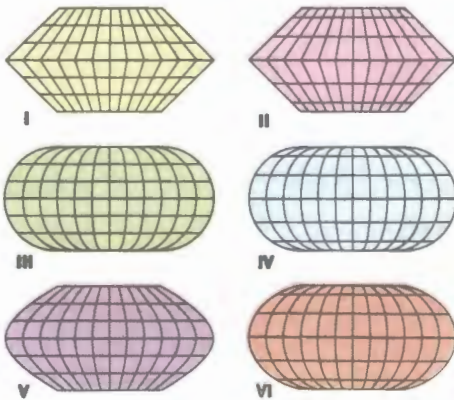


تصویر استوانه‌ای

ECKERT PROJECTION

سیستم تصویر اکرت

مجموعه‌ای از شش سیستم تصویر که برای تهیه نقشه جهان به کار می‌رود. در این مجموعه نصف النهارها و مدارها، طوری تصویر می‌شوند که مساحت به همان میزان حقیقی حفظ گردد. در این سیستم شکل قاره‌ها بشکل حقیقی آن‌ها کاملاً "نزدیک است".



تصویر اکرت

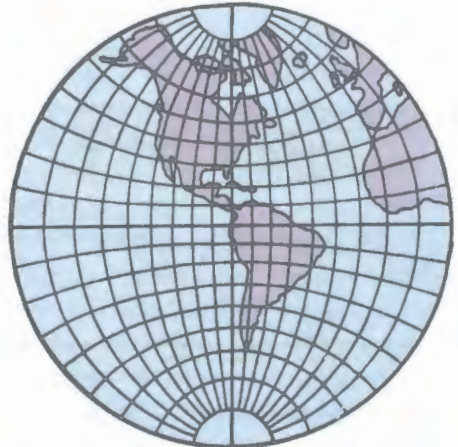
سیستم تصویر اورتوگرافی

ORTHOGRAPHIC PROJECTION

نوعی سیستم تصویر نقشه که بر اساس آن کره زمین آنچنانکه از فاصله بسیار دور دیده می‌شود تصویر گردیده و نیمکره‌ای از آن نمایش داده شود.

در این سیستم اشعه تصویر با یکدیگر موازی و عمود بر صفحه تصویر خواهند بود. از معایب این سیستم نادرست بودن

دو خط راست متعامد تصویر گردیده و سایر مدارها و نصف النهارها بصورت پاره قوس‌هایی از یک سری دایره تصویر شوند. این سیستم برای تهیه اطلس‌های جغرافیایی، نیمکره زمین و همچنین نقشه ستارگان آسمان بکار می‌رود.

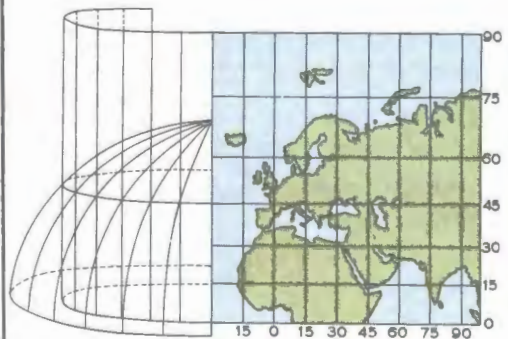


تصویر استرئوگرافی

سیستم تصویر استرئوگرافیک گال

GALL'S STEREOGRAPHIC PROJECTION

سیستم تصویر استوانه‌ای خاصی، که جای اینکه بر خط استواء مماس شود، کره زمین را در مدارهای ۴۵ درجه عرض شمالی و ۴۵ درجه عرض جنوبی قطع کرده و دایره‌های نصف النهارها و مدارات بصورت شبکه متعامدی از خطوط راست تصویر گردیده باشند. این سیستم شباهت زیادی به سیستم تصویر استوانه‌ای مرکاتور دارد.



تصویر استرئوگرافیک گال

سیستم تصویر استوانه‌ای

سیستم تصویری که از مماس نمودن یک استوانه با سطح کره

مسافات، جهات، شکل و مساحت بوده و بیشتر از نظر تهیه نقشه آسمان مورد استعمال دارد.



تصویر اورتوگرافی

سیستم تصویر اورتومورفیک

ORTHOMORPHIC PROJECTION

سیستم تصویر نقشه‌ای که بر اساس آن شکل مناطق کوچکی از نقشه کاملاً با شکل همان منطقه در طبیعت همانند باشد. به این شیوه، سیستم تصویر همال (کونفرمال) نیز می‌گویند.

سیستم تصویر بون (بن) BONNE'S PROJECTION

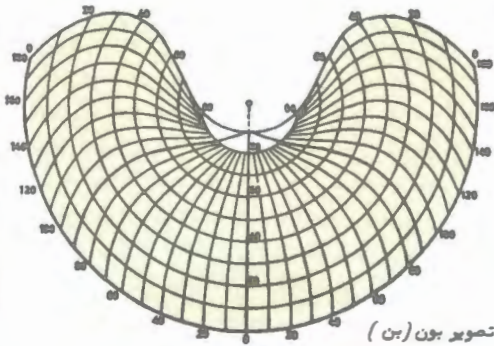
نوعی سیستم تصویر مخروطی نقشه است که دارای یک مدار استاندارد و یک نصف النهار مرکزی است. مقیاس این سیستم در امتداد نصف النهار مرکزی، که بصورت یک خط راست نمایش داده می‌شود، حقیقی بوده و مدارها بصورت دایره‌های متحد المركز و متساوی الفاصله در این سیستم نمایان گردیده و به استثنای نصف النهار مرکزی، سایر نصف النهارها به صورت منحنی‌هایی نمایش داده می‌شوند.

این سیستم از نوع سیستم‌های هم پهنه بوده و برای مناطق قطبی مناسب نیست.

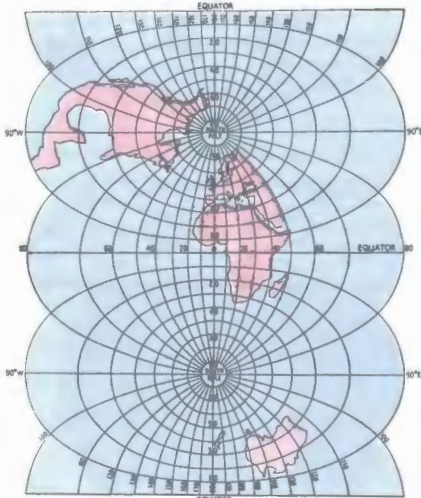
سیستم تصویر ترنسورز مرکاتور

TRANSVERSE MERCATOR PROJECTION

سیستم تصویر استوانه‌ای که سطح تصویر به جای تماس با استواء، با نصف النهارها تماس گردد و در واقع سطح تصویر ۹۰ درجه نسبت به حالت تماس با استواء چرخیده باشد.



تصویر بون (بن)



تصویر ترنسورز مرکاتور

سیستم تصویر سانشون فلمستید

SANSON FLAMSTEED PROJECTION/ SINUSOIDAL PROJECTION

نوعی سیستم تصویر مخروطی نقشه که در آن دایره استواء، بصورت مدار استاندارد (مدار تماس) انتخاب گردیده باشد. در این سیستم نصف النهار مرکزی بشکل خط راست و سایر نصف النهارها بصورت خط‌های خمیده تصویر گردیده و دایره استواء و مدارها موازی و عمود بر نصف النهار مرکزی، تصویر شده‌اند. چون در این سیستم نصف النهارها، منحنی‌های سینوسی هستند از این رو به این شیوه سیستم سینوسوئیدال نیز گفته می‌شود. (تصویر در صفحه ۲۲۴)

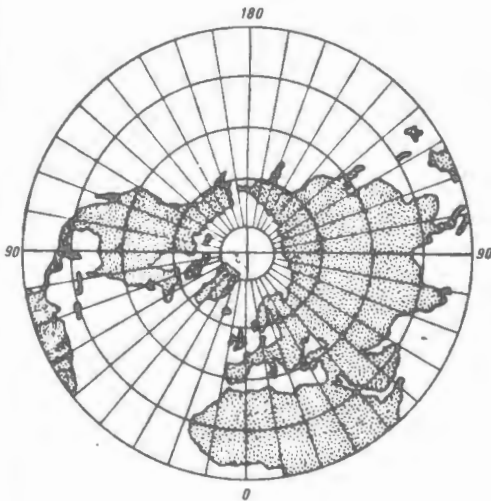
ZENITHAL PROJECTION/ AZIMUTHAL PROJECTION

نوعی سیستم تصویر نقشه که در آن صفحه‌ای را بر کره زمین تماس نموده و قسمتهای اطراف نقطه تماس را روی صفحه مبرور تصویر می‌کنند. این سیستم در واقع حالت خاصی از

POLAR PROJECTION

سیستم تصویر قطبی

سیستم تصویری است، در تهیه نقشه که صفحه تصویر بر قطب شمال یا قطب جنوب مماس شده باشد.



تصویر قطبی (از نیمکره شمالی)

سیستم تصویر لامبر

LAMBERT'S CONICAL PROJECTION

سیستم تصویر مخروطی

CONICAL PROJECTION

سیستم تصویر مخروطی

نوعی سیستم تصویر نقشه که براساس آن، مخروطی بر مداری از کره زمین مماس نموده و زمین را بر سطح آن تصویر می‌کنند. در این سیستم مدارها بصورت دایره‌های متحدالمرکز و نصف النهارها به شکل خط‌های شعاعی که مرکز آن‌ها یکی از دو قطب زمین است تصویر می‌شوند. مداری که مخروط تصویر را بر آن مماس می‌کنند مدار استاندارد می‌گویند و عمل تصویر، دقت خود را فقط در پیرامون مدار مزبور حفظ می‌کند.

از این رو برای تصویر تمام کره زمین، بایستی از مخروط‌های تصویر متعددی استفاده شود.

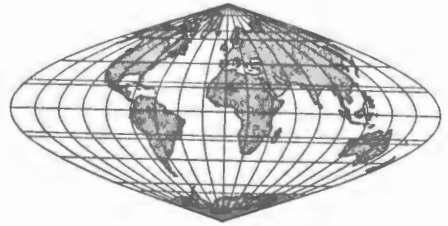
به این سیستم تصویر مخروطی لامبر نیز می‌گویند. (تصویر در صفحه ۲۲۵)

MERCATOR'S PROJECTION

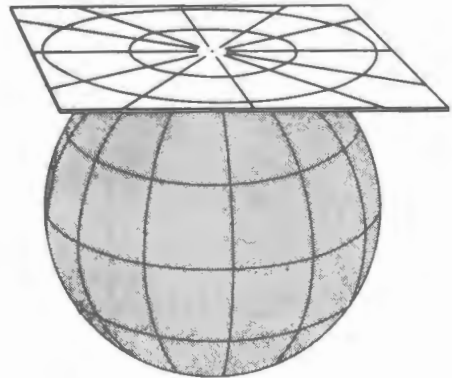
سیستم تصویر مرکاتور

گونه‌ای سیستم تصویر استوانه‌ای، که برای تهیه نقشه جهان نما به کار می‌رود. در این سیستم که نخستین بار به وسیله Gerhard Mercator در سال ۱۵۶۹ برای نقشه جهان نما، بکار گرفته شده است، نصف النهارها بصورت خط‌های راست عمودی و متساوی الفاصله و مدارها نیز به شکل

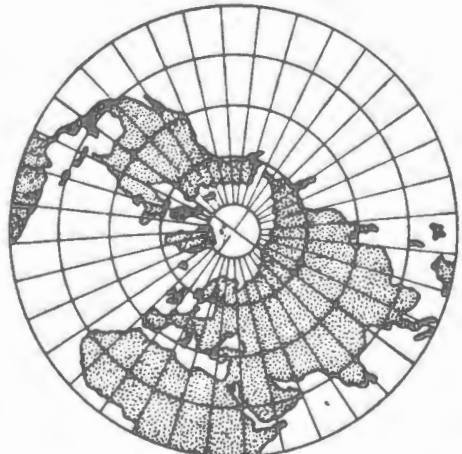
سیستم تصویر مخروطی است که ارتفاع مخروط بتدریج کاهش یافته و به یک نقطه تماس مبدل شده و در نتیجه مخروط تصویر بیک صفحه مستوی تغییر شکل یافته است. در این سیستم ازیموت یا سمت واقعی تمام نقاط تصویر شده نسبت به نقطه مرکزی که همان نقطه تماس است حفظ گردیده و این امتدادها در حقیقت بصورت خطوط شعاعی تصویر می‌شوند. به این سیستم، سیستم تصویر ازیموتال نیز می‌گویند.



تصویر سائون فلمستید



تماس صفحه و کره زمین



تصویر سمت الرأسی (ازیموتال)

استفاده نمی‌شود، زیرا اندازه‌ها در این عرض به ۶ برابر میزان واقعی افزایش می‌یابند. (این موضوع در مقایسه میان گروئنلند و امریکای جنوبی بخوبی محسوس است، در حالی که مساحت گروئنلند $\frac{1}{11}$ مساحت امریکای جنوبی است) یکی از موارد استعمال این سیستم تهیه چارت‌های دریا - نوردی و هواشناسی است. (تصویر در صفحه ۲۲۶)

سیستم تصویر مولوید MOLLWEIDE'S PROJECTION
نوعی سیستم تصویر نقشه که هم پهنه بوده و برای نمایش تمام سطح کره زمین روی یک صفحه بکار می‌رود. در این سیستم کلیه مدارها، و هم چنین نصف النهار مرکزی (که معمولاً "نصف النهار گرینویچ است)، بصورت خط مستقیم و عمود بر یکدیگر تصویر گردیده و سایر نصف النهارها به صورت قوس‌هایی که هر چه از نصف النهار مرکزی دور شوند بر انحنای آن‌ها افزوده می‌گردد نمایش داده می‌شود. این سیستم معمولاً "برای مطالعات جغرافیائی و بررسی پراکندگی پدیده‌ها بکار می‌رود. (تصویر در صفحه ۲۲۶)

سیستم تصویر نقشه MAP PROJECTION
نمایش نصف النهارها و مدارات زمین، بصورت شبکه‌ای بنام شبکه مختصات جغرافیائی را روی صفحه‌ای مستوی، مانند صفحه کاغذ، سیستم تصویر نقشه می‌نامند. از جمله سیستم‌های تصویر، سیستم‌های استوانه‌ای، مخروطی و یا مسطحه را می‌توان نام برد. عمل تصویر در این سیستم‌ها به روش هندسی و یا ریاضی انجام می‌شود.

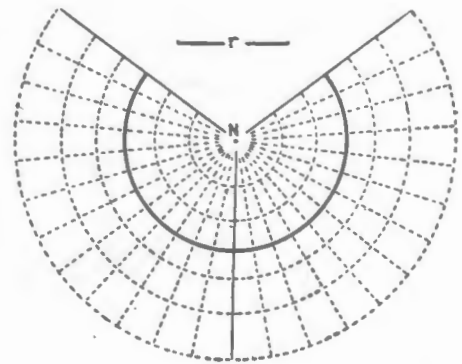
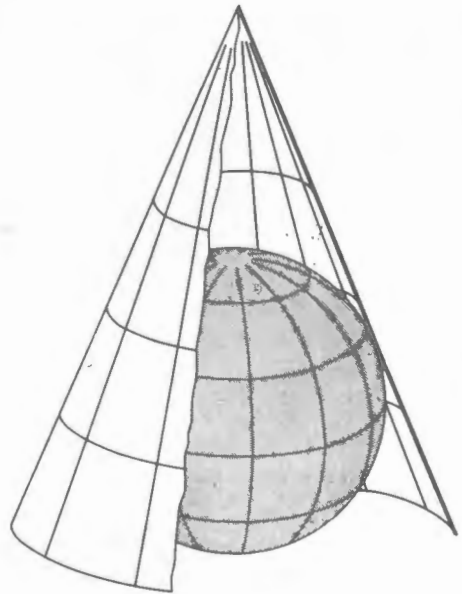
سیستم تصویر نومونیک GNOMONIC PROJECTION
گونه‌ای سیستم تصویر نقشه که در آن عمل تصویر از مرکز زمین انجام گرفته و سطح تصویر بصورت صفحه مماس بر سطح کره زمین انتخاب شده است. در این سیستم دوائر عظیمه بصورت خط‌های مستقیم تصویر می‌گردند.

سیستم تصویر هم پهنه EQUAL-AREA PROJECTION
نوعی سیستم تصویر نقشه که مساحت‌ها عیناً "به همان اندازه حقیقی تصویر می‌گردد.

سیستم تصویر همولوگرافی

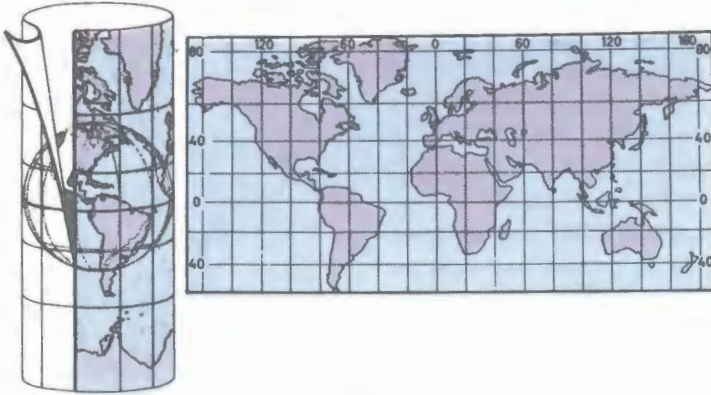
HOMOLOGRAPHIC PROJECTION
نوعی سیستم تصویر نقشه که در آن مساحت طبیعی با مساحت تصویری برابر بوده و نسبت میان مناطق روی نقشه به مناطق همانند آن در طبیعت ثابت باشد. — سیستم تصویر هم پهنه

سیستم تصویر یو. تی. ام U.T.M PROJECTION
— شبکه بندی یو. تی. ام

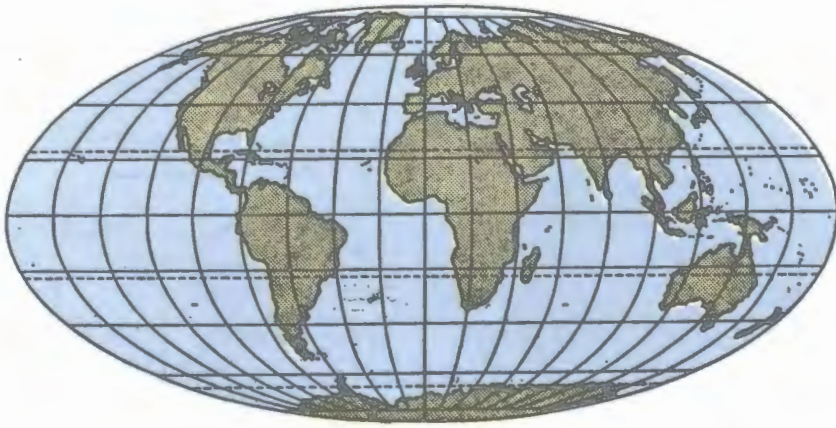


تصویر مخروطی

خط‌های مستقیم و مختلف الفاصله (که هر چه از استواء دور شویم به فاصله میان آنها افزوده می‌شود) تصویر می‌گردد. این سیستم در پیرامون خط استواء که محل تماس کره زمین با استوانه تصویر است دارای دقت کافی بوده و هر چه از آن دور شویم از دقت آن از نظر شکل و مساحت کاسته می‌گردد. بطوریکه مثلاً "قطعه زمینی به ابعاد 1×1 درجه که در مدار 60° عرض جغرافیائی واقع شده است هم از نظر پهنای و هم از نظر درازا به دو برابر اندازه حقیقی و یا چهار برابر مساحت واقعی تصویر گردیده است. به همین دلیل قاعدتاً از این سیستم برای تصویر مناطق بالاتر از عرض 80° درجه



تصویر مرکاتور



تصویر مولوید

تعیین می‌نمایند تا برای محاسبات نجومی بکار رود.
(تصویر در صفحه ۲۲۷)

HORIZON SYSTEM

سیستم مختصات افقی

در این سیستم زوایای قائم و افقی را به وسیله زاویه‌یاب یا تئودولیت اندازه‌گیری کرده و همانطوریکه از نام آن پیداست، سطوح مختصات عبارتند از: افق ایستگاه و دایره قائم مار بر جسم آسمانی (مانند ستاره).

مختص طولی این سیستم ازیموت و مختص عرضی آن ارتفاع است (ارتفاع ب) و نقطه مبدا آن نقطه شمالی است.
(تصویر در صفحه ۲۲۷)

BRUCKNER CYCLE

سیکل بروکنر

دوره پدیده‌های طبیعی مختلف و آب و هواهای گوناگون را

METRIC SYSTEM

سیستم متریک

یا "مقیاس متری"، عنوان سلسله‌ای اعشاری از مقیاسهاست که در اواخر قرن هجدهم در فرانسه رسمیت یافت و امروزه مقیاس رسمی بسیاری از کشورها می‌باشد. مبنای این مقیاس "متر" است که برابر $\frac{1}{40,000,000}$ نصف النهار پاریس می‌باشد. واحدهای عمده مقیاس متری عبارتند از: متر، کیلوگرم و لیتر.

EQUATORIAL SYSTEM

سیستم مختصات استوائی

در این سیستم که نیمگان عالم و دایره ساعتی سطوح مختصات را تشکیل می‌دهند، مختص طولی زاویه ساعتی و مختص عرضی زاویه دکلی نزون است.

زاویه دکلی نزون (←) و هم چنین زاویه ساعتی (←) اجرام آسمانی را نسبت به نصف النهار گرینویچ، همه ساله

FLOOD

سیل (Seyl)

آب فراوانی که بر اثر بالا آمدن سطح آب رودخانه یا دریا و دریاچه سرزمینی را بطور ناگهانی و غیر عادی فرا گیرد. سیل به گونه های زیر ممکن است دیده شود:

الف - سیل رودخانه ای - سیلی است که بر اثر ازدیاد حجم آب رودخانه و عدم تکافوی ظرفیت بستر آن، بالا آمده و اراضی پیرامون آن را فرا گیرد. معمولاً این گونه سیل ها پس از یک بارندگی شدید یا آب شدن یخ های رودخانه جریان می یابد. اصولاً هر رودخانه یک مسیر طبیعی دارد که در فصول پر آبی تحت پوشش قرار می گیرد و در واقع زبان و خسارتی به همراه ندارد، ولی اگر بستر رودخانه یا مسیر طبیعی آن به وسیله مواد رسوبی پر شود آب اضافی ناگزیر به اراضی اطراف پراکنده شده و خطرات جانی و خرابی های فراوانی را به همراه دارد.

ب: سیل دریاچه ای - این سیل معمولاً در پی بارندگی های استثنائی و غیر عادی رخ می دهد و بالطبع زمین های آبرگیر پیرامون خود را تحت پوشش قرار می دهد.

پ: سیل دریائی - این سیل بر اثر وقوع توفان های شدید و شکستن دیوارها و آب بندها به وقوع می پیوندد.

ت: شکستن سد نیز یکی دیگر از عوامل وقوع سیل است، که یکی از خطرناکترین و حادثه بارترین سیل هاست، مانند شکستن سد فروزوس (فرانسه) در سال ۱۹۵۹.

TORRENT/ FRESHET

سیلاب

روانهای که سیل در آن جریان داشته باشد و یا آب از آن به سرعت عبور کند.

DONGA

سیلابکند (Seylābkind)

۱- شکافها و شیارهایی که به سبب جاری شدن سیل در روی زمین پدید آید.

۲- نوعی آبکند که دارای دیوارهای شیب دار باشد و سیلاب های شدید در آن جاری شود.

۳- آبکندی که بر اثر فرسایش خاک پدید آید.

سیلابگیر (Seylābgir)

زمین پستی که سیلاب در آن جمع شود.

CHANNEL STORAGE

سیل بند

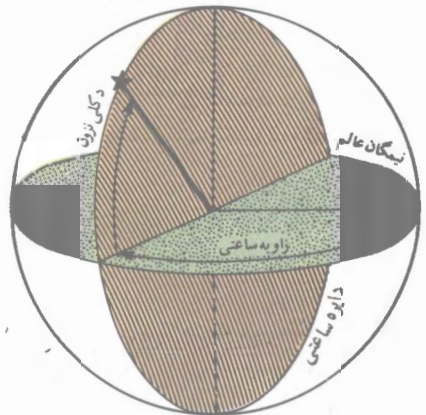
دیواره ای که روی رودخانه های سیلابی ساخته می شود تا از جریان سیل جلوگیری نماید.

FLOOD CONTROL

سیل بندی

کنترل سیل عبارت است از: عمل جلوگیری و معانعت از

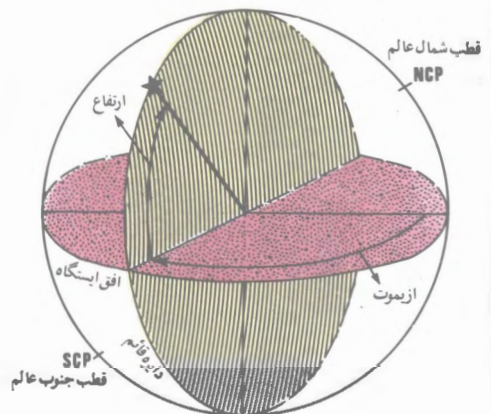
NCP قطب شمال عالم



SCP قطب جنوب عالم

تصویر مختصات استوائی

Z سرس



N پاسو

تصویر مختصات افقی

گویند. مانند دوره تبدیل سال های گرم و خشک به سال های سرد و مرطوب و یا دوره نوسان های آب دریای خزر (از نظر ارتفاع سطح آب) دوره این دگرگونی ها تا سال ۱۸۹۰ نا منظم پیش بینی می شد ولی پس از تجربیات و محاسباتی که به عمل آمده این دوره بطور متوسط حدود سی و پنج سال تخمین زده شد. بطور کلی سیکل این نوسانات بین ۵ تا ۵۰ سال برآورد شده است.

SEAL

سیل (Sil)

پوسته ای با ضخامت تقریباً ثابت از سنگ های آذرین که بین لایه سنگ های دیگر نفوذ کرده باشد.

سیمای که از ترکیب دو کلمه سیلیکون و میریم ساخته شده . دارای رنگی سبز است و سه برابر حرم مخصوص آب حرم دارد . دانشمندان رمین شاس بر این گمانند که دروسی تریس منطقه پیوسه حامد زمین "ماما" از سیمای ساخته شده است .

MERCURY

سمات

— حومه

CEMENT

سیمان

مواد آهنی یا سیلیسی و یا آهکی که بوسیله آب روان به سبب شده و در سبجه آمیختن با رسوبات سستی چون شن و ماسه آرمه سخت و سبب فرسوده ای را بوجود آورده باشد . حسیده های سیلیسی معمولاً بخته سک های سخت و مقاومی را پدید می آورند .

پراکندگی آب در زمینهای سلیکری . این عمل ممکن است یکی از سببهای زیر احجام شود :

الف — مهار کردن جریان آب ، با کاهش درخت .

ب — ایجاد آبگیر مصنوعی و منحرف ساختن آبهای اضافی بدرون آن .

پ — دیواره سازی و بر گرداندن آب به سبب اولیه .

ت — لایروبی و تخلیه رسوبات بستر اصلی ، و تلاش در مستقیم نمودن مسیر جریان آب .

PROLUVIUM

سیلرفت (Segetroft)

نهایت های حاصله از سیل های کل آلود را سیلرفت گویند .

SUBMERGIBLE

سیل گیر

زمینی که سیل در آن جریان یابد .

FLASH FLOOD

سیل ناگهانی

سیلاب کوتاه مدتی که بطور ناگهانی درون یک دره خشک جریان یابد . اینگونه سیلابها مخصوص مناطق خشک و کم بارانی است که رگبار شدید و کم دوامی در آن سارند . این سیلابها در حین جریان مواد فراوانی با خود حمل کرده و بشکل آب گل آلود غلیظی ، بستر خود را می پوشاند و اغلب احشام و حتی انسان را با خود می برد و راسبهای فراوانی از خود بجای می گذارد .

SILURIAN

سیلورین

سومین دوره از دوران دیرین ریوی (کهن رسب) که مربوط به ۴۴۰ تا ۴۰۰ میلیون سال پیش است .

— ازمنه رمین ساسی

SILICA

سیلیس

اکسید سیلیسیوم یا فرمول SiO_2 که جسمی است مرکب از سیلیسیوم و اکسیژن که املاح آن را سیلیکات ها می نامند . سیلیس خالص سفید و یا بی رنگ است و در طبیعت بصورت آزاد و هم بصورت سیلیکاتها فراوان است . سیلیس آزاد معمولاً "سیلور است و کوارتز از انواع آن محسوب می گردد . انواع سیلیس مورد استعمال فراوان دارد و مثلاً "در ساختن شیشه و اسبابهای صبری و سفالگری و غیره بکار می رود .

DESILICATION

سیلیس زدایی

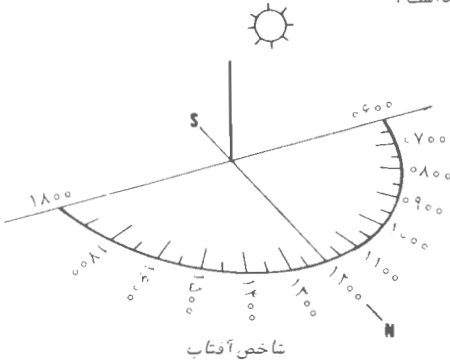
ردودن سیلیس از خاک یک منطقه پر باران .

SIMA

سیما

سنگ نسبتاً " سنگینی که شامل بازالت بوده و در زیر سیال واقع شده است .

گذاری نمائیم و آنها را به هم وصل کنیم یک منحنی شبیه سیمدایره پدید می آید که اگر آن را به دوازده قسمت مساوی تقسیم نمائیم هر قسمت معرف یکی از ساعات روز در حد فاصل طلوع تا غروب آفتاب خواهد بود و بدیهی است محل زمان ظهر حقیقی نیز دقیقاً در وسط کمان مزبور جای خواهد داشت.



CEPHALIC INDEX

شاخص سر

بخشی از مردم شناسی جبری، که درباره تعیین شکل کاسه سر بحث می کند، برای تعیین این شاخص پهنای حداکثر کاسه سر را به درازای حداکثر آن تقسیم و حاصل را در عدد ۱۰۰ ضرب می کنند بر اساس این شاخص، کاسه سرهایی که شاخص (C.I) آن ۷۵ یا کمتر باشد جزو گروه دراز سر، و شاخص ۸۳/۱ و بیشتر جزو گروه پهن سر، و شاخص میان دو دسته را جزو گروه میان سر محسوب می دارند.

C.V.P INDEX

شاخص سی.وی.پی

شاخصی که رابطه میان آب و هوا، روئیدگی ها و قابلیت بار - آوری خاک را بیان نماید. این شاخص که بویژه از نظر صنعت جوت در حور اهمیت است، عواملی از قبیل میانگین درجه حرارت گرمس ماههای سال، میانگین گرمای سالانه، میزان بارندگی، تخیر، غرق و طول مدت مناسب برای نمو گیاهان را مورد بررسی قرار می دهد.

CENTRALITY INDEX

شاخص مرکزیت

شیوه ای است که بوسیله W.Christaller دانشمند جامعه شناس ابداع شده و اساس آن بررسی های اسکان حوامع بر مبنای خدمات تلفنی است. این شیوه به شرح فرمول $C = (t - \frac{PT}{P})$ بیان می شود که در این فرمول C شاخص مرکزیت، t تعداد تلفن های شهری، T تعداد کل تلفن های منطقه، p جمعیت شهر و P کل جمعیت منطقه است.



INLET

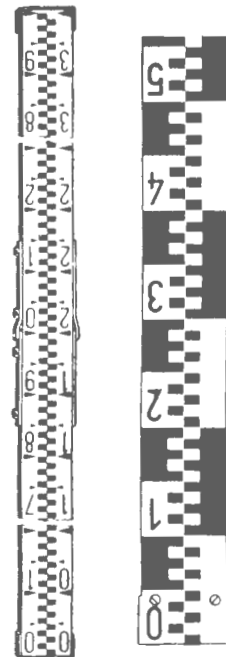
ساحابه

پسرفکی کوچکی از آب دریا که در زمان فارسی گاه به آن حور یا حدیث سر گفته می نمود

ROD

ساحص

میله فلزی یا جوی مدرجی که در عتبه برداری بکار می رود. ر این وسیله که به آن سر یا ساحص مدرج نیز می گویند برای تعیین مسافت و اختلاف ارتفاع استفاده می شود. هم چنین برای ابداع گیری ارتفاع آب رودخانه ها در طی فصل های مختلف سال بکار می رود



شاخص

SUN DIAL

شاخص آفتاب

هر ابزاری که برای تعیین زمان از طریق سایه حورشید مورد استفاده قرار گیرد شاخص آفتاب نام دارد. ساده ترین شاخص های آفتاب یا ساعت های آفتابی عبارت از دستک ساده ای است که بطور عمودی در یک زمین نسبتاً "مسطح و رو" برده شود. اگر سایه دستک مزبور را از طلوع تا غروب آفتاب دنبال کنیم و محل سایه سر دستک را روی زمینی علامت -

PRINCIPALITY

شاهزاده نشین

← امیر نشین

HALO

شایورد (Shāyvard)

← هاله

NIGHT

شب

حد فاصل میان غروب تا طلوع بعدی خورشید که معمولاً "بیمی از یک شبانروز است .

← شبانروز

شبادان (Shabādān)

با شادون و یا شسنان ، حابی که شب در آن آرام گیرد . این واژه در درفول متداول است .

← سرداب

DAY & NIGHT

شبانروز

واحدی از زمان که کمابیش برابر دوره حرکت روزانه یا دوره حرکت وضعی زمین است . از نظر علمی شبانروز به انواع زیر تقسیم می شود :

الف - شبانروز نجومی - که فاصله زمانی میان دو عبور متوالی نقطه برابریان بهاری از مقابل نصف النهار هر محل است و همچنین فاصله زمانی میان دو عبور متوالی یک ستاره از مقابل نصف النهار محل را نیز شبانروز نجومی می گویند . شبانروز نجومی به علت بی نظمی های حرکت زمین کاملاً ثابت نیست و در عرض یک قرن بطول آن ۱/۱ ثانیه افزوده می شود و مقدار کنونی آن ۲۳ ساعت و ۵۶ دقیقه و ۴/۰۹۱ ثانیه است .

ب - شبانروز شمسی حقیقی - عبارتست از فاصله زمانی میان دو عبور متوالی مرکز خورشید از فراز نصف النهار هر محل . که مدت آن به دلیل حرکت انتعالی زمین به دور خورشید حدود ۴ دقیقه بلندتر از شبانروز نجومی است . چون شبانروز شمسی حقیقی متغیر است از این رو مقیاس مناسبی برای زمان نیست و ناگزیر از سیستم دیگری بنام شبانروز شمسی متوسط استفاده می شود .

ب - شبانروز شمسی متوسط - عبارتست از فاصله زمانی میان دو عبور متوالی مرکز خورشید فرضی از فراز نصف النهار هر محل . شبانروز شمسی متوسط ۲۴ ساعت و هر ساعت به ۶۰ دقیقه و هر دقیقه به ۶۰ ثانیه تقسیم می گردد .

ج - شبانروز شمسی حقیقی و زمان شمسی متوسط را جداول زمان می نامند

ب - شبانروز عرفی - عبارتست از شبانروز شمسی متوسط که در سیمه ست آمار می شود که به آن شبانروز رسمی نیز

HALO

شادورد (Shādvard)

← هاله

FLUX

شار

در فارسی ریزش آب و در فیزیک ، مقدار سیال یا ذرات یا انرژی که در واحد زمان از یک سطح می گذرد .

شارستان

← شهرستان

CITIZEN

شارمند

← شهروند

PLUMB LINE

شاغول

ریسمانی که وزنه ای به انتهای آن آویخته باشد . اگر شاغول را از یک سر گرفته و از سر دیگر که وزنه به آن متصل است آن را رها سازند ریسمان در امتداد قائم و یا در امتداد کشش زمین قرار خواهد گرفت .

PADDY

شالی

شلتوک برنجی که هنوز پوستش کنده نشده باشد .

← برنج

RICE FIELD

شالیزار

زمینی که در آن برنج کاشته باشند ، کشتزار برنج .

EVENTIDE

شامگاه

۱- آغاز شب .

۲- زمان آغاز پیدایش تاریکی شب .

۳- سر شب .

۴- هنگام شب .

MOTORWAY

شاهراه

راه اتومبیل روی است که خطهای رفت و برگشت بوسیله برجین و یا سکوت مخصوصی ، از یکدیگر جدا شده و راندن سریع وسایل نقلیه را امکان پذیر می سازد .

به این واژه در آلمان Autobahn در فرانسه Autoroutes در ایتالیا Autostrade و در آمریکا Freeway گفته می شود .

LARGE RIVER

شاهرود

رود عظیم و بزرگ ، شط .

دو محور طولی و عرضی پدید آمده است. انواع شبکه‌بندی نقشه عبارتست از:

الف - شبکه‌بندی جغرافیائی - که از تلاقی مدارها و نصف - السهارها بوجود می‌آید.

ب - شبکه‌بندی قائم الزاویه که از تلاقی خطوط مستقیم و منعابد پدید می‌آید.

شبکه‌بندی نوع اول، بین المللی بوده و در تمام دنیا یکسان می‌باشد. مبدا: نصف النهارات، نصف النهار گرینویچ، و مبدا: مدارات، خط استوا می‌باشد و برای نقاط مختلف دنیا مختصات ثابتی بدست می‌آید.

شبکه‌بندی نوع دوم متغیر بوده و در نقشه‌ها و با اطلسهای جغرافیائی جهت تقسیم نقشه به اجزاء کوچکتر و برای سهولت دریافت نقاط مورد نظر در روی نقشه، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در بیشتر نقشه‌ها برای مطبوع فوق نیز از شبکه‌بندی جغرافیائی استفاده می‌نمایند و از شبکه‌بندی قائم الزاویه بیشتر در نقشه‌های شهری مقیاس بزرگ استفاده می‌شود. — اندکس نقشه، عرض جغرافیائی، طول جغرافیائی.

شبکه بندی یو. پی. اس

U.P.S

(UNIVERSAL POLAR STEREOGRAPHIC GRID)

شبکه‌بندی نقشه‌ای خاص مناطق محدود میان ۸۰ درجه عرض شمالی، تا قطب شمال و ۸۰ درجه عرض جنوبی، تا قطب جنوب، که مکمل شبکه‌بندی یو. تی. ام در سیستم تصویر قطبی است. اساس این سیستم ایجاد شبکه‌های قائم الزاویه صد کیلومتری در طرفین نصف النهار صفر و ۸۰ درجه است.

شبکه بندی یو. تی. ام

U.T.M

(UNIVERSAL TRANSVERSE MERCATOR GRID)

شبکه‌بندی نقشه‌ای خاصی که مخصوص مناطق واقع در میان مدارهای ۸۰ درجه عرض شمالی و ۸۰ درجه عرض جنوبی است و در واقع مکمل سیستم تصویر ترنسورز مرکاتور بوده و اساس آن ایجاد شبکه‌های قائم الزاویه صد کیلومتری در شمال و جنوب خط استوا است.

شبنم

DEW

شبنم با زاله عبارت از بخارات اشیاء سده‌ای است که با سرد شدن لایه‌های رطوبت هوا بصورت قطره‌های آب روی برگ گیاهان، و با اشیاء واقع بر سطح زمین پدیدار می‌شود. هر حدر رطوبت هوا بیشتر و درجه حرارت سطح زمین کمتر باشد بر میزان شبنم افزوده خواهد بود و بر عکس. لازمه ایجاد شبنم علاوه بر رطوبت کافی هوا و سردی لایه‌های

می‌گویند و در واقع همان شبانروزی است که در تقویم‌ها قید شده است.

SOLAR DAY

شبانروز خورشیدی

— شبانروز

MEAN SOLAR DAY

شبانروز خورشیدی متوسط

— شبانروز

CIVIL DAY

شبانروز عرفی

— شبانروز

SIDEREAL DAY

شبانروز نجومی

— شبانروز

JET

شیق (Shabaq)

نوعی رغال سنگ سیاه و سخت و متراکم که سطحی صیقلی و درخشان دارد.

NETWORK

شبكة

دستگاهی از خطوط یا راه‌ها و محراها که همانند توری در هم بافته شده باشد. و نیز دستگاه یا گروهی که احزای آن با یکدیگر مرتبطند. استعمال شبکه برای نمایش دادن روابط و سبب‌های در هم پیچیده رواج بسیار دارد و در مسایلی از قبیل بویولوژی و هندسه نقش ارزنده و مهمی بر عهده دارد.

— شبکه بندی نقشه

ALFA NUMERIC NET

شبكة الفبا شماری

شبكة قائم الزاویهای در روی نقشه که یک ضلع آن با حروف الفبا و ضلع دیگر با شماره مشخص شده و برای سهولت در تعیین موقعیت نقاط روی نقشه کار می‌رود. این شیوه بیشتر در اطلس‌ها و سبده فهرست نام‌های جغرافیائی مورد استعمال دارد.

NATIONAL GRID

شبكة بندی ملی

نوعی شبکه بندی نقشه که بر مبنای سیستم تصویر ترنسورز مرکاتور ترسیم شده باشد.

MILITARY GRID

شبكة بندی نظامی

گونه‌ای شبکه بندی نقشه که بیشتر کاربرد نظامی دارد.

— شبکه بندی یو. پی. ام و یو. پی. اس

MAP GRID

شبكة بندی نقشه

برای تعیین موقعیت و با مختصات نقاط مختلف، از سیستم خاصی بنام شبکه بندی استفاده می‌شود که در واقع از تلاقی

شخسار (Shakhsār)

- ۱- جایی که درختان انبوه در آن روئیده باشد.
- ۲- زمین سخت و نا هموار در دامنه کوه سنگلاخ.

PLOWH

شخم

شیارهایی که برای زراعت در زمین ایجاد کنند.

FIELD DENSITY

شدت میدان

در فیزیک، نیرویی که یک میدان الکتریکی، میدان مغناطیسی و یا یک میدان گرانشی را مشخص می‌کند.

شدت میدان گرانشی عبارتست از نیروی وارد بر واحد جرم واقع در آن نقطه و شدت میدان مغناطیسی در یک نقطه عبارتست از نیروی وارد بر واحد جرم مغناطیسی شمالی واقع در آن نقطه.

شدت و بزرگی زمین لرزه

INTENSITY & MAGNITUDE OF AN EARTHQUAKE

امواج حاصل از ارتعاشات زمین لرزه بر حسب نزدیکی و با دوری نقاط مختلف از محل وقوع، اثرات متفاوت از خود بجای می‌گذارند. بدین ترتیب که ساکنین زمین هرچه از محل وقوع زلزله دورتر باشند، زمین لرزه را خفیف‌تر حس می‌کنند تا جایی که جز لرزه نگارهای حساس دیگر کسی قادر به احساس ارتعاشات مزبور نمی‌گردد و به همین جهت شدت زمین لرزه را در نقاط مختلف با اعداد مختلف نشان می‌دهند.

برای توصیف شدت زلزله، مقیاس‌های گوناگونی وجود دارد که مهمترین آنها مقیاس با درجه مرکالی است.

باید توجه داشت که شدت زلزله که در واقع توصیف اثرات تخریبی آن در نقاط مختلف است، با بزرگی زمین لرزه که در ارتباط با مقدار انرژی آزاد شده بیان می‌گردد، متفاوت است.

از آنجائیکه نقاط مختلف زمین از نظر ساختمان زمین‌شناسی و خواص فیزیکی سنگها یکنواخت نیستند و از طرفی نیروهای بوجود آورنده زمین لرزه از لحاظ کمیت و کیفیت، جهت و نحوه عمل بسیار متفاوتند و از سوی دیگر آزاد شدن انرژی و بویژه موقعیت کانون‌های زمین لرزه برای هر زلزله خاص آن زمین لرزه می‌باشد، از این رو زلزله‌شناسان علاوه بر شدت زمین لرزه که در ارتباط با اثرات تخریبی زلزله می‌باشد، برای ارزیابی و بیان قدرت زلزله ناگزیر از کاربرد اصطلاح دیگری بنام بزرگی زمین لرزه می‌باشند.

بطور کلی بزرگی یک زلزله، (این واژه، نخستین بار در سال ۱۹۳۵ به وسیله C.F. Richter بجای شدت زمین لرزه به کار رفته است) با مقدار انرژی که آزاد می‌کند اندازه‌گیری می‌شود و واحد آن ریشتر می‌باشد. یکی از ویژگی‌های بزرگی

زیرین جو، این است که هوا کاملاً آرام باشد تا هوای مرطوب مدتی، در مجاورت سطح زمین سرد ثابت بماند.

JET

شبه (Shabah)

← شیق

PENINSULA

شبه جزیره

بخشی از خشکی که در آب پیش رفته و سه طرف آن را آب فرا گرفته باشد، مانند شبه جزیره عربستان.

PLANETOID

شبه سیاره

← سیارکان

SPHEROID

شبه کره

شکلی که از چرخش یک شکل هندسی شبه دایره حول یکی از قطرهای آن بدست آید.

EQUILIBRIUM SPHEROID

شبه کره توازنمند

شکل هندسی فرضی کره زمین که بوسیله یک اقیانوس سراسری بدون جزر و مد پوشیده شده و ژرفای آن در همه جا ثابت و یکسان باشد.

ACCELERATION OF GRAVITY

شتاب ثقل

شتاب سقوط آزاد یک جسم در خلا از نقطه‌ای از سطح زمین یا مجاور آن.

شتاب ثقل را با حرف g نمایش می‌دهند و مقدارش در نقاط مختلف زمین کمابیش متفاوت است و با ازدیاد ارتفاع کاهش می‌یابد.

مقدار شتاب ثقل در قطب‌های زمین ۹/۸۳۲۱ متر در ثانیه و در نیمگان ۹/۷۷۹۹ متر در ثانیه است که مقدار متوسط آن طبق تعریف کمیسیون بین‌المللی اوزان و مقیاس‌ها ۹/۸۰۶۶۵ متر در ثانیه می‌باشد که معمولاً آن را معادل ۹/۸۰ و یا ۹/۸۱ متر در ثانیه منظور می‌کنند.

INTENSE COLD

شجام

سرماي سخت و شدیدی که درختان را خشک کند.

← زمهریر

DENDRITIC

شجری (Shajari)

هر چیزی که دارای شکلی شبیه درخت یا بوته باشد. مانند زهکشی شجری و یا شکل ظاهری پارهای سنگها و کانی‌ها.

METEOR

شخانه (Shakhāneh)

← شهاب

SIRIUS *(Sha' rāy-e-yamāni)* **شعرای یمانی**
ستاره آلفا از صورت فلکی سگ بزرگ که درخشانترین ستاره آسمان زمین است.

ستاره شعرای یمانی از ستارگان سفید رشته اصلی (— غول پیکران و کوتوله‌ها) است. درخشندگی ظاهری آن ناشی از نزدیکی آن به خورشید (فاصله‌اش از خورشید ۸/۷ سال نوری است) می‌باشد و از جمله ستارگان دوتایی محسوب می‌گردد. این ستاره ۲۷ بار از خورشید درخشانتر است و نزدیکترین ستاره به منظومه خورشیدی بشمار می‌آید و بهمین جهت درخشانترین ستاره آسمان زمین محسوب میگردد.

EVENING TWILIGHT **شفق**
نوری که تا مدتی پس از غروب خورشید از آسمان به زمین می‌تابد. در مقابل شفق، فلق یا فجر قرار دارد که آن نوری است که از مدتی پیش از طلوع خورشید به زمین می‌تابد.
پدیده‌های شفق و فجر از لحاظ تعیین وقت نمازهای صبح و شام در میان مسلمانان اهمیت دارد. هنگام صبح، ابتداء نور بشکل ستون روشن باریکی پدید می‌آید که آن را صبح کاذب یا فجر کاذب می‌نامند. پس از آن صبح صادق می‌آید که نخست بشکل خط سفید ضعیفی است، و بتدریج بزرگتر می‌شود و بصورت هلالی در امتداد افق نمایان می‌گردد که این همان وقت نماز صبح است. چگونگی شفق نیز بر همین گونه است منتها برخلاف ترتیب مذکور.

AURORA AUSTRALIS **شفق جنوبی**
— سپیده جنوبی

AURORA **شفق جوی**
— سپیده جوی

AURORA BOREALIS **شفق شمالی**
— سپیده شمالی

AURORA **شفق قطبی**
— سپیده جوی

FISSURE **شکاف**
در اصطلاح زمین شناسی و معدن شناسی، ترک یا شکستگی طویل. در این اصطلاح، معمولاً "ترک یا درزهای راکه طولش تا حدود چند متر باشد شکاف نمی‌خوانند.

CLEAVAGE *(Shekāft)* **شکافت**
تخته سنگی که تحت تاثیر فشار زیاد شکافته شده و به لایه‌های نازکی تبدیل شده باشد. شناختن شکافت از نظر استخراج معدن، دارای اهمیت فراوان است.

زلزله این است که تفاوت درجات بزرگی زمین لرزه لگاریتمی است. بدین معنی که افزایش یک واحد، ده برابر بر دامنه امواج زمین لرزه می‌افزاید. بطور مثال زلزله‌ای به بزرگی ۸ ریشتر ده هزار بار قوی‌تر از زلزله‌ای به بزرگی ۴ ریشتر است.
($10 \times 10 \times 10 \times 10 = 10000$)
— درجه ریشتر و درجه مرکالی

CASCADE *(Shorshoreh)* **شرشه**
دستمای از آبشارهای کوچک پله کانی شکل. معمولاً "شرشه‌ها بطور مصنوعی ایجاد می‌گردند.

EAST **شرق**
— چهار جهت اصلی

FAR EAST **شرق اقصی**
— خاور دور

FAR EAST **شرق دور**
— خاور دور

NEAR EAST **شرق نزدیک**
— خاور نزدیک

EASTERLY *(Sharq vazān)* **شرق وزان**
بادهایی که از جانب خاور می‌وزند. مانند شرق وزان‌های قطبی که بادهای شدید بسیار سردی هستند که از فراپارهای قطبی به جانب نواحی معتدله می‌وزند. به سبب چرخش زمین، وزش آنها عموماً "در نیمکره شمالی از شمال خاوری و در نیمکره جنوبی از جنوب خاوری است. سطح فاصل بین شرق وزان و بادهای غالب (غرب وزان) نواحی دارای عرض جغرافیائی نسبتاً کم موسوم به جبهه قطبی است.

MIDDLE EAST **شرق وسطی**
یا شرق میانه — خاور میانه

ABRASION *(Shostosāb)* **شست و ساب**
سائیدگی قسمتی از پوسته زمین به علت عواملی مانند آب و باد و یخبندان.

LARGE RIVER **شط**
لفظ عربی به مفهوم رودخانه بزرگ که بیشتر در عراق متداول است ولی در کشورهای دیگری مانند کشورهای شمال افریقا از این واژه به معنی دریاچه نمکی و امثال آن استفاده می‌شود.

شعبان
یا شعبان المعظم، نام هشتمین ماه در تقویم هجری قمری. شب پانزدهم شعبان را شب برات یا لیلة البرات می‌نامند.

ته نشین گردد. بنابر آزمایش‌هایی که بعمل آمده است کلفتی شلکای کف اقیانوس اطلس حدود ۳۷۰۰ متر است که برای ته نشین شدن آن زمانی حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون سال لازم است.

شلیاق (Shalyāq) LYRA

صورت فلکی نسبتاً کوچکی مشتمل بر عده‌ای از جالب‌ترین اجرام آسمانی که ستاره‌ها و نرواق جزو آنست. این ستاره بعد از ستاره شعرای یمانی درخشان‌ترین ستاره آسمان زمین به شمار می‌آید.

رگبارهای شبانه صورت فلکی شلیاق مشهورند.



شلیاق

NORTH

شمال

← چهار جهت اصلی

GEOGRAPHICAL NORTH

شمال جغرافیائی

← شمال حقیقی

TRUE NORTH

شمال حقیقی

امتداد نصف النهار هر نقطه رو به سمت قطب شمال زمین را شمال حقیقی یا شمال جغرافیائی آن نقطه می‌نامند.

GRID NORTH

شمال شبکه قائم الزاویه

اگر به شبکه جغرافیائی که از تلاقی نصف النهارها و مدارهای نقشه پدید می‌آید توجه کنیم مشاهده می‌شود که خطوط مزبور منحنی بوده و چهار ضلعی‌های حاصله دارای شکل و اندازه‌های متفاوت هستند. برای برطرف ساختن این مشکل، از شبکه‌بندی خاصی بنام شبکه بندی قائم الزاویه که در نتیجه تلاقی خطوط مستقیم و متعامدی بوجود می‌آید استفاده می‌گردد. در چنین حالتی امتداد شمالی محورهای شبکه مزبور را شمال

CREVASSE

شکاف یخی

شکافهای عمیق یخچالهای طبیعی که ممکن است مرضی و با طولی باشند. نمونه‌ای از اینگونه شکافها را در محل تبدیل یخچال به یخشار می‌توان مشاهده نمود.

REFRACTION

شکست

با انکسار، شکستن موج هنگام عبور از محیطی به محیط دیگر که در آن، سرعت انتشار موج با سرعت آن در محیط اول متفاوت است. در مورد نور، شعاعی که از محیط اول بر مرز دو محیط می‌تابد شعاع تابش و شعاع حاصل از شکست را شعاع شکست می‌نامند. ستارگان به علت شکست‌های متوالی نور آنها در طبقات جو، بالاتر از محل واقعی خود دیده می‌شوند. پدیده‌هایی چون سراب و رنگین کمان نیز ناشی از شکست و بازتاب کلی است.



شکست

ATMOSPHERIC REFRACTION

شکست جوی

انحراف شعاعهای تابنده از اجرام آسمانی هنگام عبور آنها از لایه‌های جو زمین علت وقوع این پدیده اختلاف سرعت نور در خلأ و هوای زمین است. پدیده شکست جوی باعث می‌گردد که ستارگان بالاتر از محل واقعی خویش دیده شوند.

BREAKER

شکن

موجی از آب که بدلیل کمی عمق سواحل و مالش آب به زمین، به کف تبدیل گردد. همچنین موجی که بدلیل برخورد به تخته سنگهای کرانه دریا و یا سایر اجسام سخت ساحلی شکسته شود.

OOZE

شلکا (Shelkā)

ته‌نشست‌های دریائی بسیار نرمی که در اعماق اقیانوسها انباشته شده و از بقایای موجودات دریائی و غبارهای آشفته‌آنی که بوسیله باد حمل گردیده‌اند تشکیل یافته باشد. این مواد که گل مایع نیز نام دارند بر دو نوعند: آهکی و سیلیسی. بطور کلی شلکا خیلی به کندی ته نشین می‌شود، بطوریکه حدود بیست هزار سال لازم است تا ۲/۵ سانتیمتر آن

شبکه قائم الزاویه می‌نامند .

شمالگان

ARCTIC

مناطق ، آبها و یا هر چیزی که منسوب به قطب شمال کره زمین باشد ، مانند مدار شمالگان (مدار قطب شمال) دریای شمالگان (دریای قطب شمال) و بانواحی شمالگان یعنی نواحی قطب شمال واژه شمالگان گاه به معنی اخص نواحی شمالگان نیز به کار رفته است .

شمال مغناطیسی

NORTH MAGNETIC POLE

— قطب مغناطیسی

شن (Shen)

GRAVEL

سنگ ریزه‌های مدوری از نوع مواد رسوبی که معمولاً با مواد نرمتری مانند ماسه و رس همراه است .
اندازه قطر شن معمولاً ۲ تا ۱۰ میلی متر است .

شنازی (Shenāzi)

NEKTON

جانوران و یا گیاهانی که بصورت شناور در لایه‌های سطحی آب دریا زندگی می‌کنند .
این جانوران دریائی نسبتاً بزرگ و دارای فعالیت شناگری بسیار هستند .

شناوه (Shenāveh)

BUOY

جسم شناوری که بوسیله ریسمان یا کابل و یا زنجیر و امثال آن به کف بستر دریا و دریاچه و مانند آن متصل باشد و موقعیت خاصی را مشخص سازد .

از شناوه برای مشخص نمودن خط مرز دریاچه‌های مرزی و یا گذرگاه‌های قابل کشتیرانی در سواحل و بندرگاه‌ها و امثال آن استفاده می‌شود .

ESKER

شن ریشه (Shen riseh)

رشته باریکی از شن و ماسه که قبلاً بستر جویباری بوده و در زیر برف و یخ مدفون شده و سپس با آب شدن آن‌ها دوباره آشکار گردیده باشد .

SANDY

شن زار

زمین و یا بهابان پر شن .

SALINITY

شورا (Shurā)

— درجه شوری آب

SALT LAND

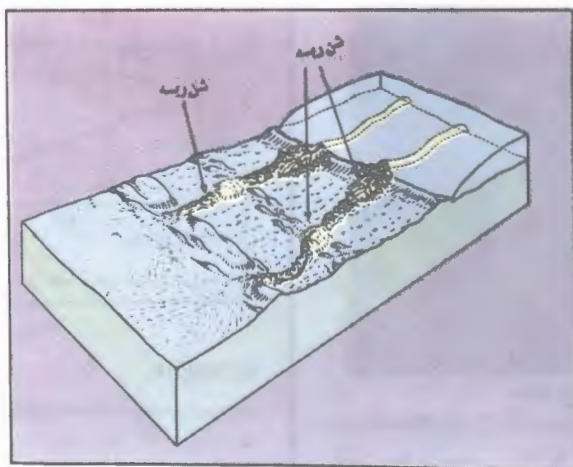
شور بوم (Shur bum)

یا شور بوم ، زمین شورایی که در آن چیزی بعمل نیاید .
— شور زار

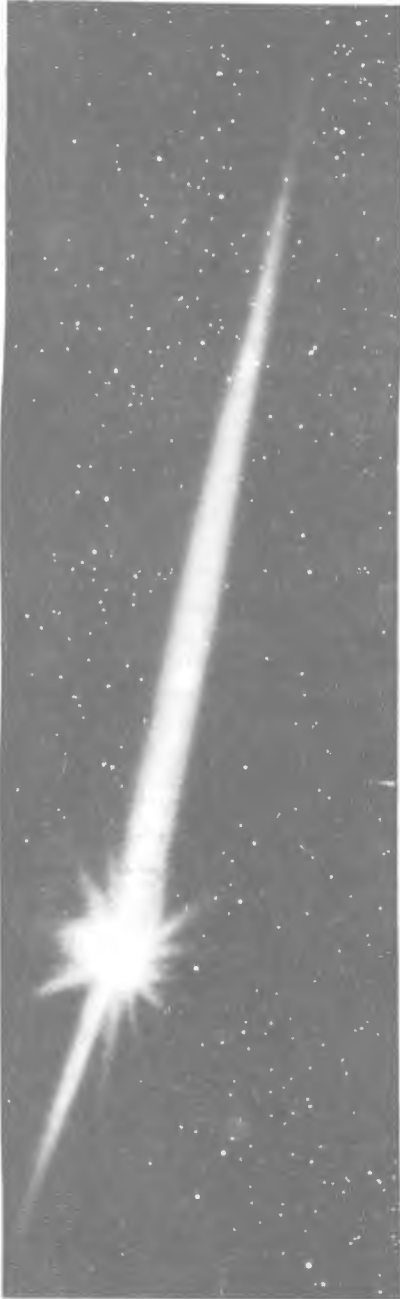
SALINE SOILS

شور خاک

نوعی خاک که با مقدار قابل توجهی نمک بویژه املاح سدیم همراه باشد . این گونه خاک بیشتر در مناطق کویری گرم که تبخیر آب در آن زیاد است دیده می‌شود . آب این اراضی بر اثر خاصیت لوله‌های موئین از طبقات زیر سطح خاک منتقل شده و سپس تبخیر می‌گردد و پوسته خاکستری رنگی در روی سطح زمین پدید می‌آورد .



شن ریشه



شهاب

CITY

(Shahr) شهر

مناطق مسکونی خیلی بزرگ را گویند. اصطلاح City در پاره‌ای کشورهای اروپائی زمانی بکار می‌رود که شهر قدیمی بوده و از نظر مسیحیت دارای کلیسا و اسقف باشد. ضمناً

SALTPETER

شوره

نیترات طبیعی پتاسیم که به آن شوره قلمی نیز می‌گویند. جسمی است سفید و متبلور مرکب از پتاسیم، نیتروژن و اکسیژن. شوره در آب محلول است و در صنعت باروت سازی بکار می‌رود و علاوه بر آن در کبریت سازی و نگهداری مواد غذایی و هم چنین در امور پزشکی کاربرد دارد.

SALT-FLAT

شوره زار

- ۱- زمینی که دارای شوره باشد.
- ۲- زمین پر از شوره‌ای که گیاه در آن نرود.

WASHOUT

شویش (Shuyesh)

← آب بردگی

METEOR

شهاب

جرم جامدی که از فضای خارج وارد جو زمین گردیده و به علت مقاومت هوا و مالش با ذرات جو داغ و مشتعل می‌گردد و بصورت جرم شعله‌وری بنام شهاب به چشم دیده می‌شود. معمولاً "سرعت این اجرام که حدود ۸۰ کیلومتر در ثانیه است، در فاصله ۱۵۰ تا ۸۰ کیلومتری زمین به حالت اشتعال در آمده و در فاصله ۸۰ کیلومتری به پائین سوخته و نابود می‌گردند. اصولاً "بررسی‌های مربوط به سرچشمه و منشأ شهاب‌ها تا کنون بجائی نرسیده و نتایج مفیدی بدست نیامده است. بیشتر این اجرام کوچک بوده و با ورود به جو زمین آنچنان شعله‌ور و کوچک و کوچکتر می‌شوند که اغلب جز غباری از آنها بسطح زمین نمی‌رسد. مع الوصف گاهگاه اجرام بزرگتری نیز جذب زمین می‌شوند که به آنها سنگ آسمانی می‌گویند.

← سنگ آسمانی

FALLING STAR

شهاب ناقب

← سیر شهاب

METEORITE

شهاب سنگ

← سنگ آسمانی

LITHOMETEOR

شهابگرد (Shahābgard)

ذرات گرد و غبار موجود در فضا و هم چنین ذرات دود معلق در فضا.

METEOROID

شهابوار (Shahābvār)

کلیه سنگهای آسمانی قبل از ورود به جو زمین.

شه‌بندر (Shahbandar)

- ۱- بندرگاه بزرگ.
- ۲- بندر آزاد. ۳- رئیس بندر.

TOWN

شهرک

منطقه مسکونی که تراکم ساختمانها و جمعیت آن بیشتر از یک دهکده و کمتر از یک شهر باشد.

MILLIONAIRE CITY

شهر میلیونی

شهری که جمعیت آن یک میلیون نفر یا بیشتر باشد.

CITIZEN

شهروند (Sh-vand)

کسی که در شهر زندگی می کند و از حقوق و مزایای مدنی برخوردار است.

URBAN

شهری

هر چیزی که به شهر بستگی داشته باشد و از نظر شهری مورد بررسی قرار گیرد و به شاخه ای از جغرافیای شهری وابسته باشد.

شهریور

مقتبس از واژه پهلوی شتریور به مفهوم کشور برگزیده و فرشته نگهبان فلزات، و نام ششمین ماه در تقویم رسمی ایران و چهارمین روز هر ماه خورشیدی. واژه شهریور عیناً به همین صورت در تقویم اوستائی موجود بوده و بعدها در تقویم جلالی راه یافته است و از سال ۱۳۰۴ خورشیدی بنام ششمین ماه سال هجری شمسی در تقویم ایران رسمیت یافته است.

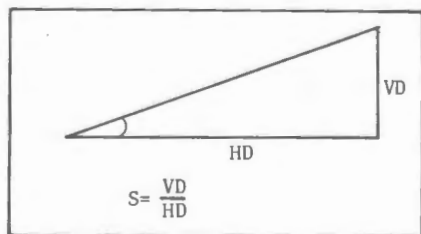
SLOPE

شیب

میزان سر بالا یا سرازیری زمین را شیب زمین می گویند. به طور کلی شیب هر امتداد عبارتست از نسبت اختلاف ارتفاع میان دو نقطه ابتدائی و انتهائی امتداد مزبور (VD) به فاصله افقی میان همان دو نقطه (HD).

شیب هر امتداد را یکی از طرق زیر محاسبه می کنند:

الف - شیب نسبی. ب - شیب درصد. پ - زاویه شیب.



شیب

HADE

شیب ضام

زاویه میان سطح یک گسله و خط قائم. (تصویر در صفحه ۲۳۸)

CLINOMETER

شیب سنج

شیب سنج دستگاهی است مکانیکی که برای اندازه گیری زاویه

به مناطقی که دارای انجمن شهر و شهرداری باشند نیز، گفته می شود.

POLICE

شهریاری

اداره ای که وظیفه حفظ امنیت شهر و استقرار نظم و تعقیب بزهکاران را بر عهده داشته باشد. شهریاری قاعداً تابع وزارت کشور است.

شهر بند (Sh-band)

باروی شهر، حصار شهر، دیوار دور شهر.

MUNICIPALITY

شهرداری

اداره ای که در هر شهر برای پاکیزه نگهداشتن خیابانها و کوچهها و مواظبت پارکها و تاسمین روشنائی و تقسیم آب و غیره دایر است و تحت نظر انجمن شهرانجام وظیفه می کند.

URBAN MORPHOLOGY

شهر ریختشناسی

بررسی های منظم و سیستماتیک شکل و ریخت یک شهر.

URBANISME

شهرسازی

(ماخوذ از کلمه لاتین Urbis به معنی شهر).

کنگره بین المللی معماران جدید در سال ۱۹۳۵ "منشور آتن" را بوجود آورد. از سال ۱۹۴۱ به بعد این منشور در فرانسه منتشر و معمول گردید. این منشور چهار عمل یا وظیفه شهر را مدون کرده و باین ترتیب چهارچوب مطالعات شهرسازی را مشخص ساخته است.

۱- شهر باید برای مردم مسکن سالم آماده کند. (فضا، هوای صاف و خالص و آفتاب).

۲- محلهای کار را طوری سازمان دهد که فعالیت انسانی طبیعی در آنها امکان پذیر باشد.

۳- تاسیسات ضروری برای تفریح را پیش بینی کند که بتوان از ساعات فراغت به خوبی استفاده کرد.

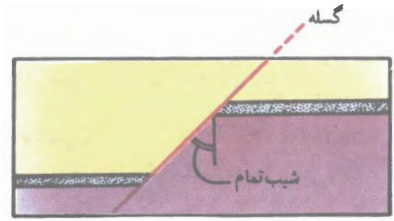
۴- ایجاد شبکه حمل و نقل بطوریکه محل کار و سکونت و تفریح را بهم ارتباط دهد.

TOWNSHIP

شهرستان

قسمتی از تقسیمات کشوری که معمولاً از چند بخش تشکیل یافته و خود قسمتی از یک استان یا فرمانداری کل است. حاکم شهرستان را فرماندار می گویند.

تا قبل از سال ۱۳۱۶ هجری شمسی که قانون تقسیمات کشوری به تصویب رسید، بجای شهرستان از واژه ولایت استفاده می شد.



شیب تمام

شیب امتدادهای روی زمین بکار می‌رود. این دستگاه در انواع گوناگونی ساخته می‌شود که نوعی از آن زاویه شیب را بر حسب واحدهای قوسی یا زاویه‌ای (مانند درجه یا گراد) و دسته دیگر زاویه شیب را بر حسب واحدهای خطی و بصورت چند در صد اندازه می‌گیرند.

MOUNTAIN SLOPE

شیب کوه

← شیب

OBSIDIAN

شیشه آتشفشانی

سنگ آذرینی با حدود ۶۵ درصد سیلیس که ظاهراً "به شیشه‌ای کدر و نار شباهت دارد.

FISHERY

شیلات

سدی که در کرانه‌های دریای خزر بویژه در گیلان از چوب در عرض رودخانه‌ها می‌بندند و از آن برای بدام انداختن ماهی و صید آن استفاده می‌کنند.

REEF

صخره آبی

← آبسنگ

IGNEOUS ROCKS

صخره‌های آتشفشانی

← سنگهای آذرین

ABSOLUTE ZERO

صفر مطلق

دمایی که در آن حجم یک گاز کامل صفر می‌شود. بر طبق محاسبات فیزیکی دمای صفر مطلق $273/16$ - درجه سانتیگراد است. این دما پست‌ترین دمای است که ممکن است به آن رسید. و بهین جهت صفر منطقی درجه بندی دما در درجه بندی کلوین می‌باشد. سابقاً "بر این گمان بودند که در دمای صفر مطلق هرگونه جنبش مولکولی متوقف می‌گردد ولی مکانیک کوانتوم و پاره‌ای بررسی‌های ریاضی و فیزیکی نشان می‌دهد که در دمای صفر مطلق مقداری انرژی جنبشی موسوم به انرژی صفر مطلق در ماده باقی می‌ماند.

← دمای مطلق

SOUTHERN CROSS

صلیب جنوبی

مجموعه‌ای مرکب از چهار ستاره واقع در نیمکره جنوبی که به شکل صلیب یا یک لوزی قرار گرفته و بلندترین قطر آن متوجه قطب جنوب است. اگر امتداد قطر مزبور را $4/5$ برابر قطر کوچک رو سمت جنوب امتداد دهند به نقطه قطب جنوب می‌رسند.

از این سارگان همانند ستارگان دب اکبر و دب اصغر واقع در نیمکره شمالی برای جهت یابی در نیمکره جنوبی استفاده می‌شود.

GUM

صمغ

مابع کم و بیش لزج و چسناکی که از برخی درختان به خارج ترشح می‌شود و در مجاورت هوا منجمد شده سختی مخصوص پیدا می‌کند و در صنعت از آن استفاده می‌شود.

پاره‌ای از صمغها در آب حل می‌شوند و برخی که در آب حل نمی‌گردند مقدار زیادی آب جذب کرده و در نتیجه باد می‌کنند.

ARABIC GUM

صمغ عربی

اصطلاحی برای هر یک از مواد کولوئیدی متعدد، که از بعضی گیاهان ترشح یا از آنها استخراج می‌شود.

صمغ عربی از صمغ‌های قابل حل شدن در آبست، و از اقسام افاقیا خاصه اقسام افریقائی بدست می‌آید، رنگش از سفید تا سرخ تغییر می‌کند.



EXPORTS

صادرات

اجناسی که تحت عنوان اقلام تجارتی بخارج از یک کشور صادر می‌شود. بطور کلی صادرات بر دو نوعست، صادرات مرئی مانند کتدم، ماشین آلات و امثال آن و صادرات نامرئی مانند دریافت حق ترانزیت بیمه و جهانگردی.

INVISIBLE EXPORTS

صادرات نامرئی

اقلامی که بصورت فروش خدمت به کشورهای بیگانه ارائه شود صادرات نامرئی نام دارد. مانند درآمدهائی که به عنوان دریافت حق عبور از کالاهای ترانزیت دریافت می‌شود یا عوایدی که از راه حمل کالا بوسیله سرویس‌های کشتیرانی ملی بدست آید و یا درآمدهائی که از راه جهانگردی دریافت شود.

LIGHTNING

صاعقه

← آذرخس

صبح صادق

لحظاتی است پس از صبح کادب یا محرکادب که روشنی خورشید شکل خط سفید صیغی در افق پدیدار می‌شود و بتدریج بزرگتر می‌گردد و بصورت هلالی در امتداد افق در می‌آید که این سانه وقت نماز صبح است.

← نفق

صبح کادب

لحظاتی از روز که سور خورشید بشکل سنونی روشن و باریک در افق ظاهر می‌شود و لحظاتی پس از آن صبح صادق آغاز می‌گردد.

← شفق

DESERT

صحرا

← بیابان

صحرا دار

کناورزی که قسمتی از زمین واقع در بیابان یا صحرا را زراعت کند. این اصطلاح در خراسان متداول است.

CLIFF

صخره

← سدان

INDUSTRY

صنعت

در اصطلاح اقتصاد، اقدام تولیدی، بخصوص ساختن اشیاء با اقدام در تهیه بعضی از خدمات (از قبیل حمل و نقل و ارتباطات) که سرمایه و نیروی کار نسبتاً بزرگی را بکار می‌گیرد. اصطلاح صنعت گاه به عنوان اسم جمع به فعالیتهای تولیدی یک کشور یا یک منطقه بطور کلی، و گاه در مورد فعالیتهای مربوط به یک رشته خاص تولیدی (مثلاً "صنعت فولاد سازی") بکار می‌رود.

SOUND

صوت (Sowt)

امواج متناوب طولی تراکم و رقت که در محیط ماده قابل ارتجاعی اعم از حامد یا مایع یا گازی منتشر و منتقل گردد.

CONSTELLATION

صورت فلکی

مجموعه‌ای از ستارگان که بر حسب ظاهر شکل خاصی برای آنها قائل شده و هر یک را بر حسب شکل مربوط نامگذاری کرده‌اند.

سابقه نامگذاری صورتهای فلکی بسیار قدیمی است و لااقل به ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد می‌رسد که نخست به یونانیان و سپس به رومیان منتقل شده و آنها به مناسبتهائی اسامی فهرمانان و اشخاص و موجودات اساطیری و یا جانوران عادی را بر آنها سپاده‌اند. عربهای قبل از اسلام طریقه دیگری برای تشخیص صورتهای فلکی داشته‌اند ولی بعد از اسلام بتدریج صورتهای یونانی را اقتباس و اختیار کرده‌اند. بطور کلی تعداد صورتهای فلکی آسمان ۸۸ عدد است که از جمله مهمترین آنها صورتهای جبار، سرطان، قنطورس، قوس، عقرب، حمل، سنبله، دب اکبر، دب اصغر، دلو و میزان و غیره را می‌توان نام برد.

CONSTELLATION

صورتهای نجومی

— صورت فلکی

PHASES OF THE MOON (Sovar-e-māh)

صور ماه

— اهله قمر



ALBEDO

ضریب بازتاب

ضریب بازتاب یا نسبت میان تمام اشعه‌هایی که توسط خورشید بر یک سطح تابیده می‌شود به آن مقدار از اشعه‌هایی که از سطح مرسور منعکس می‌گردد. این مقدار بر حسب درصد بیان می‌شود. بطور کلی، ضریب بازتاب کره زمین بطور متوسط حدود ۴۰ درصد است. باین معنی که کره زمین بطور متوسط ۴۰ درصد از اشعه‌ای که از خورشید دریافت می‌دارد به خارج منعکس می‌سازد. ضریب بازتاب برای مواد مختلف متفاوت است، بطور مثال ضریب بازتاب خاک تیره ۳ درصد و برف ۸۵ درصد و آب ۲ درصد است.

DISINTEGRATION COEFFICIENT ضریب تلاشی

تقلیل نسبی تعداد اتم‌های یک ماده رادیواکتیو در یک ثانیه.

DEMOGRAPHIC COEFFICIENT ضریب جمعیت شناسی

— ضریب انبوه نگاری

ANTIFREEZING SOLUTION

صد یخ

ماده‌ای که آن را به مایعی می‌افزایند تا نقطه انجماد مایع را پائین آورد.

COEFFICIENT OF EXPANSION

ضریب انبساط

نسبت ازدیاد طول یا سطح یا حجم یک جسم باز، یک درجه افزایش دما به طول یا سطح و یا حجم اولیه آن. در صورت استساظ سطحی دو برابر و ضریب انبساط حجمی سه برابر ضریب استساظ خطی است.

DEMOGRAPHIC COEFFICIENT

ضریب اسبوه نگاری

ضریبی که میزان جمعیت آینده هر منطقه را تعیین نماید. مانند ضریبی که در فرمول $C=dR$ کار رفته است. در این فرمول C عبارتست از ضریب جمعیت، d تراکم جمعیت در هر کیلومتر مربع و R روید افزایش خالص جمعیت.

INDEX OF REFRACTION

ضریب انکسار

ضریب انکسار (مطلق) یک محیط عبارتست از نسبت سرعت نور در خلأ به سرعت نور در آن محیط.

ضریب انکسار یک محیط نسبت به محیط دیگر عبارتست از نسبت ضریب انکسار اولی به ضریب انکسار دومی و برابر نسبت سرعت نور در محیط دوم به سرعت آن در محیط اول می‌باشد. ضریب انکسار یک محیط نسبت به هوا تقریباً مساوی ضریب انکسار مطلق آن محیط است.

PLUVIOMETRIC COEFFICIENT

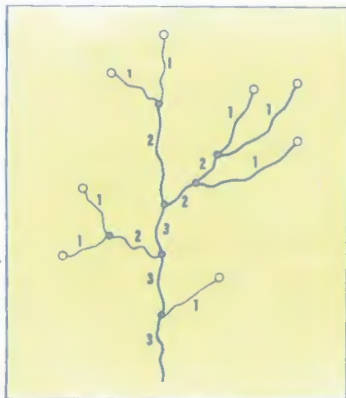
ضریب بارانسنجی

مقدار متوسط بارندگی یک منطقه در یک مدت معین (مثلاً یک ماه) که بر حسب درصد بارندگی عادی آن منطقه بیان می‌شود. توضیح اینکه بارندگی عادی، مقدار ریزش متوسط سالانه‌ای است که بطور یکسان در سی تمام ماههای سال تقسیم شده باشد. بطور مثال فرض کنیم ریزش متوسط سالانه در ایران ۳۵ سانتیمتر و متوسط بارندگی ماهانه در فروردین ۴ سانتیمتر باشد. در این صورت ضریب بارانسنجی (P.C) فروردین ماه عبارتست از:

$$\frac{35}{365} \times 31 = 2.97$$

$$P.C = \frac{2}{2.97} = 1.35$$

این طبقه بندی بدین ترتیب است که اگر روانه‌ای را شاخه‌های یک درخت تشبیه سازیم . شاخه‌های ابتدائی یا شاخه‌هایی که هیچ گونه آبریزی به آن‌ها متصل نمی‌گردد شاخه‌های درجه ۱ ، شاخه‌هایی که شاخه‌های درجه ۱ به آن‌ها می‌پیوندند شاخه درجه ۲ و به همین ترتیب از پیوستن شاخه‌های درجه ۲ به یکدیگر شاخه درجه ۳ که در واقع شاخه اصلی روانه است پدید می‌آید . شاخه درجه سومی که بدهانه رودخانه منتهی می‌شود بن شاخه نام دارد .



طبقه‌بندی روانه‌ها

URBAN HIERARCHY طبقه بندی شهری

طبقه بندی شهرها از نظر وسعت یا میزان پیشرفت آنها .

LEVEL طراز

← تراز

SKETCH/ PLAN طرح

← کرده

SPATE طوفیان

سیلابی شدن و طوفیان ناگهانی یک رودخانه بر اثر بارندگی شدید یا آب شدن ناگهانی برف‌های سرچشمه .

FLOOD طوفیان آب

← سیل

GOLD طلا

← زر

PLATINUM طلای سفید (پلاتین)

عنصر فلزی به رنگ سفید مایل به خاکستری با علامت شیمیائی



GEOANTICLINE / GEANTICLINE

طاقزمین

← تاقزمین

TRIBE

طایفه

گروهی از مردم که دارای سرزمین واحد ، لهجه‌ای مشترک و فرهنگ و راه و رسم زندگی یکسان و نسبتاً " یکخواهی باشند .

SPECTRAL CLASSES

طبقات طیفی

تقسیماتی که برای ستارگان یا ثوابت بر حسب مشخصات طیفی آنها قایل شده‌اند .

ستارگان را به ده طبقه طیفی تقسیم می‌کنند و این طبقات را بر حسب تنزل دما به ترتیب با حروف F , A , B , O , G , K , M , R , N و نامایش می‌دهند . و هر یک از طبقات را نیز به نوبه خود به ده طبقه جزئی تقسیم کرده و آنها را با ارقام ۱ تا ۱۰ ، ۲۰ ، ۳۰ ، ۴۰ و ۹ شماره گذاری می‌کنند مانند G_۱ و K_۲ و F_۳ .

REVERSING LAYER

طبقه برگردان

نخستین طبقه از طبقات جو خورشید واقع میان رخشانکره و رنگینکره ، که ضخامتش احتمالاً " از چند صد کیلومتر بیشتر نیست و دمای آن از رخشانکره کمتر است .

این لایه شامل اجسام بسیط به حالت گازی یا بخاری می‌باشد .

WINDS CLASSIFICATION

طبقه بندی بادهای

← طبقه بندی بوفورت

BEAUFORT SCALE

طبقه بندی بوفورت

جدولی است که بوسیله ادمیرال فرانسیس بوفورت در آغاز قرن نوزدهم تنظیم گردیده و بوسیله آن انواع بادهای از نظر شدت و مدت از یکدیگر متمایز شده‌اند . فرانسیس بوفورت بر اساس این سیستم حد فاصل میان هوای صاف و آرام بدون رطوبت و تند باد یا توفان را به دوازده قسمت تقسیم کرده و بالنتیجه شدت پدیده‌هایی از این گونه را قابل اندازه‌گیری نموده است .

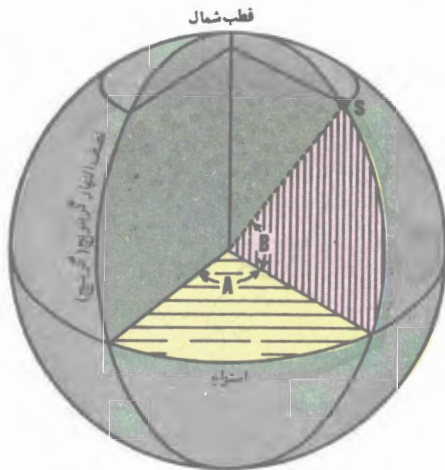
این سیستم از نظر بین المللی مورد پذیرش قرار گرفته است .

ORDER OF STREAMS

طبقه بندی روانه‌ها

یا درجه بندی جویبارها از نظر قرار گرفتن آنها در یک شاخه .

بر واضح است کلیه نقاطی که روی یک نصف النهار واقع شده‌اند هم طول بوده و از آنجائی که تمام نصف النهارها در نقطه قطب به یکدیگر برخورد می‌کنند لذا مسافت میان آنها متناسب با عرض جغرافیائی نقاط مختلف متفاوت خواهد بود. بدین ترتیب که مسافت یک درجه در روی دایره استوا برابر $111/32$ کیلومتر و در عرض 45 درجه معادل $78/848$ کیلومتر، در عرض 70 درجه برابر $38/187$ کیلومتر و در قطب معادل صفر است. چون هر 15 درجه طول جغرافیائی معادل یک ساعت است از این رو با در دست داشتن اختلاف میان زمان محلی و زمان متوسط گرینویچ می‌توان طول جغرافیائی هر نقطه از سطح زمین را تعیین نمود.



طول و عرض جغرافیائی

A طول جغرافیائی B عرض جغرافیائی

طول خاوری EASTING
فاصله خاوری هر نقطه نسبت به محور مبدأ طول‌های شبکه‌بندی قائم الزاویه.

طول نجومی ASTRONOMICAL LONGITUDE
طول نجومی هر نقطه، قوسی است از دایره البروج محدود میان نقطه بهایرانی و نقطه حاصله از تقاطع دایره عرض آن نقطه با دایره البروج که مقدار آن از صفر تا 360 درجه در جهت گردش عقربه‌های ساعت اندازه‌گیری می‌شود. (تصویر در صفحه ۲۴۴)

طیف (Teyf) SPECTRUM
از نظر فیزیکی طیف را به شرح زیر تعریف می‌کنند.
(۱) - نمود مرئی یا تصویر عکاسی توزیع شدت یک تشعشع

(۲) که از لحاظ شیمیایی بی‌اثر است. چگالی آن $21/46$ و نقطه ذوب آن 1769 درجه سانتیگراد می‌باشد.
طلای سفید چکش‌خوار و قابل مفتول شدن بوده و از آن می‌توان مفتولهایی به قطر یکپنزارم میلیمتر ساخت. برخلاف طلا جیوه در آن بی‌اثر است و به علت مقاومت شدید طلای سفید در مقابل خوردگی، آنرا (بصورت آلیاژ با فلزات دیگر) برای ساختن اسبابهای آزمایشگاهی، سیمهای برق و نقاط اتصال برق، استندهای وزن‌ها، و در جواهر سازی (برای ساختن ورقههایی که زیر جواهرات قرار داده می‌شود) به کار می‌برند. طلای سفید در طبیعت به شکل آلیاژ با فلزات دیگر موجود است و به طرق شیمیائی آن را استخراج می‌کنند. بیش از 80 درصد طلای سفید جهان از کوههای اورال (شوروی) بدست می‌آید. مهمترین موارد استفاده طلای سفید در جواهر سازی و دندان سازی است.

طلق TALC
← تالک

طلوع RISE
برآمدن یک ستاره از افق ظاهری یک محل که ناشی از حرکت وضعی زمین است. چون حرکت وضعی زمین به جانب مشرق است هر ستاره ناچار در نقطه‌ای از نیمه شرقی دایره افق طلوع می‌کند.

طلوع خورشید SUNRISE
← سرزدن آفتاب

طلوعین طلوع صبح کاذب و طلوع صبح صادق.

طوفان STORM
← توفان

طوفان گرد و غبار DUST STORM
← دیو باد و باد سام

طول جغرافیائی LONGITUDE
طول جغرافیائی هر نقطه از سطح زمین عبارت از قطعه قوسی است از دایره استوا که بین نصف النهار مبدأ (نصف النهار گرینویچ) و نصف النهار مآثر نقطه مزبور قرار گرفته باشد. طول جغرافیائی هر نقطه متناسب با واقع شدن آن نقطه در خاور یا باختر نصف النهار گرینویچ به طول خاوری یا باختری تقسیم می‌گردد که اندازه هر کدام صفر تا 180 درجه خاوری یا باختری است.

SPECTROGRAPH

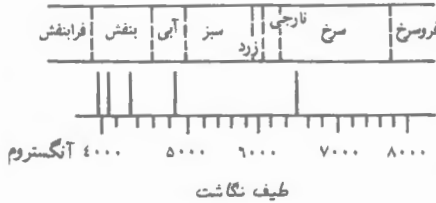
طیف نگار

دستگاهی است که برای تهیه تصویر عکاسی یا نمودار یک طیف بکار می‌رود.

SPECTROGRAM

طیف نگاشت

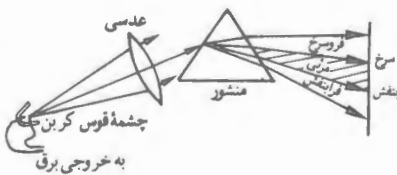
تصویر عکاسی یک طیف یا نمودار آن که به وسیله طیف نگار تهیه شده باشد.



SPECTROSCOPE

طیف نما

دستگاهی که برای تولید و مشاهده طیف‌ها بکار می‌رود. ساده‌ترین طیف‌نماها، طیف‌نمای منشوری است. بطور کلی طیف‌نماها مجهز به میکرومتری هستند که کمک آن طول موج انوار تجزیه شده را اندازه می‌گیرند. بعضی طیف‌نماها مجهز به دایره مدرجی هستند که به کمک آن می‌توان انحراف شعاعهای شکست را قرائت نمود. به این گونه طیف‌نماها، طیف سنج می‌گویند.

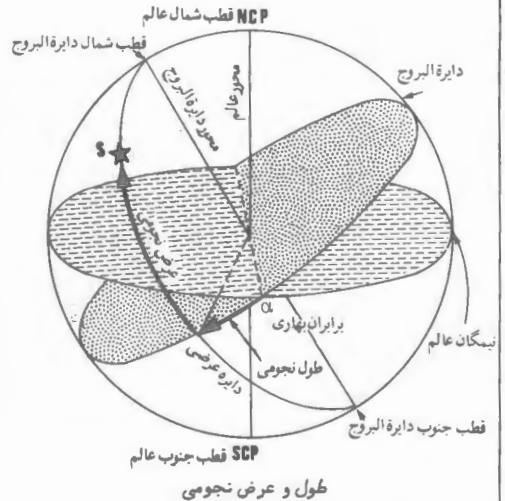


از نوع معین بر حسب طول موج، انرژی، بسامد، مقدار حرکت، جرم و یا هر کمیت وابسته دیگر.

(۲) - مجموعه بسامدهای بین دو حد کمابیش معین و معمولاً "دور از یکدیگر، که امواج دارای آن بسامدها واجد خاصیت مشترک مشخصی باشند.

(۳) - طرح تحلیل گروهی از اجرام در یک ناحیه بر حسب تزايد جرم‌ها، بنحوی که در آن، ذرات دارای جرم معین بطور فیزیکی از اجرام مجاور جدا شده باشند.

بطور کلی بعضی از طیف‌ها مربوط به تشعشعات و برخی مربوط به ذرات و برخی هم به هر دو بستگی دارند.



BROCKENSPECTRE

طیف بروکن

شخص و یا اشیائی که بر فراز قله کوه یا روی کوهستان‌های بلندی ایستاده باشد و نور خورشید از پشت به او تابیده و سایه ظاهری وی را به روی ابر و یا مه منعکس نماید. این سایه بصورت حلقه بورانی رنگین دیده می‌شود.

وجه تسمیه این طیف بدین جهت است که بر روی کوهی بنام بروکن در آلمان، از سده‌های خیلی پیش سایه‌های بزرگی پدیدار می‌شده است که اشخاص خرافاتی آن را ارواح مردگان می‌پنداشتند و جشن و نیایش مخصوصی بر روی قله آن بر پا می‌داشتند.

SPECTROMETER

طیف سنج

← طیف نما

FOG-BOW

طیف کوهستان

← مه‌کمان



ظرفیت CAPACITY

کنجایش یک ظرف یا مخزن از نظر حجم مایع یا گازی که در آن جای می‌گیرد.

اساساً "ظرفیت یک ظرف یا مخزن تقریباً" برابر حجم جسم حامدی است که در آن می‌گنجد، مشروط بر آن که جسم مزبور بصورت گرد درآمده باشد.

واحد ظرفیت در سیستم متریک لیتر است.

ظرفیت ترافیک TRAFIC CAPACITY

ظرفیت یک منطقه از نظر پذیرش و قابلیت جذب وسایل موتوری با توجه به رعایت ضوابط لازم از نظر محیط زیست.

ظهر NOON

لحظه عبور مرکز خورشید از فراز نصف النهار هر محل را ظهر آن محل می‌گویند.

ظهر حقیقی REAL NOON

لحظه عبور مرکز خورشید حقیقی از فراز نصف النهار هر محل که به آن ظهر شرعی نیز می‌توان گفت.

ظهر متوسط MEAN NOON

لحظه عبور مرکز خورشید متوسط از فراز نصف النهار محل.

ظهر نجومی SIDEREAL NOON

لحظه عبور نقطه براهران بهاری از فراز نصف النهار محل.



عارضه

FEATURE

آن قسمت از پوسته زمین که در معرض دید انسان قرار می‌گیرد چهره یا عارضه نام دارد .
عوارض زمین بر دو نوعند :

۱ - بخشی از چهره زمین که بطور طبیعی پدید آمده و اساس در ایجاد آن نقشی نداشته است . عارضه طبیعی نام دارد ، مانند کوه ، دره ، رودخانه و امثال آن .

۲ - آن قسمت از چهره زمین که بدست انسان ساخته شده باشد . عارضه مصنوعی نامیده می‌شود ، مانند راههای گوناگون شهرها و غیره .

عارضه طبیعی

NATURAL FEATURE

← عارضه

عارضه مصنوعی

ARTIFICIAL FEATURE

← عارضه

عالم (Ālam)

UNIVERSE

← جهان

عبور

TRANSIT

گذشتن یک نقطه یا یک جرم آسمانی از میدان دید تلسکوپ یا از محاذات یک دایره عطیمه ، عالم و یا گذشتن یک جرم فلکی از برابر قرص جرم بزرگتر دیگر . هر جرم آسمانی در طی یک شبانه‌روز دوبار از مقابل نصف النهار هر محل عبور می‌کند ، هنگامی که بالای قطب است عبور بالا و هنگامی که زیر قطب است عبور پایین نام دارد .

عدسی (Adasi)

LENS

قطعه‌ای از یک ماده شفاف مانند شیشه و یا پلاستیک که از دو طرف به دو سطح هموار که حداقل یکی از آنها محدب است محدود است . انحنای سطح مزبور این خاصیت را دارد که نور عبور کرده از آن را از هم دور (واکرا) و یا بهم نزدیک (همگرا) می‌کند .

یک عدسی با کشودگی فاصله کانونی و نسبت کانونی (f) آن مشخص می‌شود . این مشخصات را می‌توان در فرمول زیر نشان داد :

$$f = \text{نسبت کانونی} = \frac{\text{فاصله کانونی}}{\text{کشودگی}}$$

COLLIMATOR

عدسی موازی ساز

عدسی که کار آن موازی هم کردن شعاعهای نور است .

عراق (Erāq)

کرانه نهر یا ساحل دریا .

ARAB

عرب

نام مردم سامی عربستان یا جزیره العرب و در اصطلاح امروزی همه مردمی که زبان مادری آنان عربی است . در زبان فارسی ، واژه نازی معادل عرب است .

LATITUDE

عرض جغرافیائی

فاصله زاویه‌ای نقاط مختلف سطح زمین نسبت به خط استوا را عرض جغرافیائی می‌گویند که بر حسب قرار گرفتن نقطه در شمال و یا جنوب خط استوا به آن عرض شمالی و یا عرض جنوبی می‌گویند .

بطور کلی عرض جغرافیائی ، عبارت از زاویه‌ای است که رأس آن در مرکز کره زمین واقع شده و پاره قوسی از دایره نصف النهار مابین بر نقطه مورد نظر را در حد فاصل نقطه مزبور و خط استوا در بر گرفته باشد . عرض جغرافیائی در روی خط استوا برابر صفر و در قطب‌ها معادل ۹۰ درجه است . دایره‌هایی که به موازات دایره استوا روی کره زمین رسم شوند مدارهای عرض جغرافیائی نام دارند و در واقع هر کدام از آنها مکان هندسی نقاط هم عرض جغرافیائی می‌باشند . بطور متوسط هر درجه عرض جغرافیائی معادل ۱۱۱/۰۴۲ کیلومتر یا ۶۹ مایل است .

← طول جغرافیائی ، (تصویر طول و عرض جغرافیائی صفحه ۲۴۳) .

RAILWAY GAUGE

عرض راه آهن

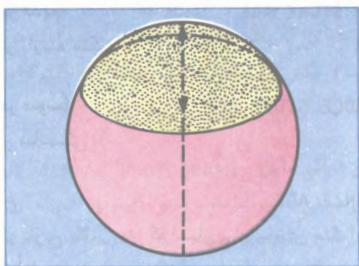
فاصله میان دو لبه داخلی خط آهن را عرض راه آهن می‌نامند . این فاصله در کشورهای مختلف متفاوت بوده و بطور کلی به سه نوع پهن ، معمولی و باریک تقسیم می‌شود . نوع پهن ، به راه آهنی گفته می‌شود که فاصله میان دو ریل آن ۱/۵ متر یا بیشتر باشد . این فاصله در نوع معمولی یا استاندارد ۱/۴۳۵ متر و در نوع باریک ۱/۰۶۷ متر یا کمتر است .

NORTHING

عرض شمالی

فاصله هر نقطه از نقشه نسبت به محور مبدأ عرض‌های شبکه‌بندی قائم الزاویه در جهت شمال .

ارتفاع آن قسمتی از قطر عمود بر صفحه قاطع است. مساحت عرقچین برابر است با حاصلضرب ارتفاع آن در محیط دایره عطیمه کره‌ای که عرقچین از آن حاصل شده.



عرقچین گوری

TRIBES

عسایر

طایفه

AGE

عصر

مدت زمان خاصی در تاریخ یا در رشد بشر و یا بطور اخص در تکامل فرهنگ و تمدن را عصر گویند.

IRON AGE

عصر آهن

دوره‌ای در توسعه صنعت، که با آغاز استعمال عمومی آهن شروع شده و هنوز هم ادامه دارد.

BRONZE AGE

عصر برنز

دوره‌ای از تاریخ که انسان برای ساختن جنگ افزار و دیگر وسایل خویش از برنز که آمیزه‌ای از مس و قلع است استفاده نموده. این دوره را که ضرورتی بدانستن مدت واقعی آن نیست عصر برنز می‌نامند و در واقع معرف دوره‌ای از فرهنگ انسانهای باستان بوده و پس از عصر حجر و عصر آهن شروع می‌گردد.

PALEOLITHIC AGE

عصر پارینه سنگی

این دوره که نخستین بخت عصر حجر را تشکیل می‌دهد منطبق است با اوایل دوره ریست انسان پیش از تاریخ که از ۵۰۰،۰۰۰ تا ۸۰۰۰ سال پیش به درازا کشیده است.

STONE AGE

عصر حجر

عصر حجر واژه‌ای است که توسط دیرین شناسان ارائه گردیده و مقدم بر عصر برنز قرار گرفته است. انسانهای این عصر از ابزارهای سنگی استفاده می‌کرده‌اند. این عصر که به حدود ۴۰۰۰ سال پیش محدود می‌گردد به دوره‌های پارینه سنگی، میانسنگی و نوسنگی تقسیم می‌شود.

این فاصله را بر حسب واحدهای خطی مانند متر و کیلومتر بیان می‌کنند.

ASTRONOMICAL LATITUDE

عرض نجومی

عرض نجومی هر نقطه فوسی است از دایره عرض آن محدود به آن نقطه و نقطه تقاطع دایره عرض آن با دایره البروج و آن را از صفر تا ۹۰ درجه بسوی قطب شمال دایره البروج با علامت مثبت و صفر تا ۹۰ درجه بسوی قطب جنوب دایره البروج با علامت منفی اندازه می‌گیرند.
— طول نجومی (تصویر در صفحه ۲۴۴).

ORDINATE

عرض نقطه

مقدار حیرری قضعای از محور y ها که مبدأ بین مبدأ مختص است و منتهایس تصویر آن نقطه بر محور مزیور، عرض هر نقطه یکی از مختصات آنست

HORSE LATITUDES

عرضهای اسی

کمربندی از منطقه نیمه استوائی واقع در سطح افقیوس که فشار جو آن زیاد است. این منطقه در نیمکره‌های شمالی و جنوبی میان بادهای سامان و بادهای غرب وزان واقع شده و با حرکت خورشید بسوی شمال و جنوب جابجا می‌شود. آب و هوای این منطقه پایدار بوده و بادهای ملایم و نسکی دارد و صما' هوای آن خشک است. این نام بوسیله کشنیراسهائی که در گذشته اسب به امریکا و هند عری حمل می‌کرده‌اند اسحاب شده است.

HIGH LATITUDES

عرضهای بالا

قسمی از سطح زمین در هر یک از دو نیمکره شمالی و جنوبی که عرضهای جغرافیائی آنها از حدود ۶۵ درجه به بالا است.

به علت تغییرات اقلیمی مرز مشترک عرضهای بالا و عرضهای میانه بوسیله مدار مشخصی قابل تحدید نیست.

MIDDLE LATITUDES

عرضهای میانه

قسمی از سطح زمین در هر یک از دو نیمکره شمالی و جنوبی که به علت تغییرات اقلیمی، بوسیله مدارهای مشخصی قابل تحدید نیست و بین عرضهای حدود ۴۰ درجه تا حدود ۶۰ درجه قرار دارد. و تقریباً "منطق با دو منطقه معتدله در اصطلاحات سابق می‌باشد.

SKULL CAP

عرقچین گروی

قسمتی از سطح کره که بوسیله صفحه‌ای قاطع از آن جدا شود. قاعده عرقچین دایره مقطع صفحه قاطع است با سطح کره و

عقده ذنب (Oqdeh-ye-zanab)

← ععدسی

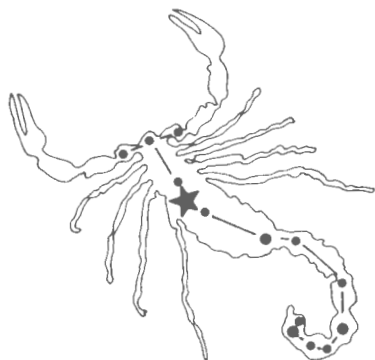
عقده رأس (Oqdeh-ye-ra's)

← ععدسی

SCORPIUS

عقرب

- ۱- باکژدم ، هشتمس صورت فلکی در منطقه البروج .
 - ۲- هشتمس برج سال هجری شمسی مطابق با آبان ماه .
- مدت زمان عبور خورشید از برج عقرب کواختر از دیگر برجهاست .



عقرب

MAGNETIC NEEDLE

عقربه مغناطیسی

میل آهن رابی که چون در یک میدان مغناطیسی قرار گیرد اعداد میدان را نشان دهد .

قطب نمای معمولی اساساً عقربهای است مغناطیسی که حول محوری قائم در صفحه‌ای افقی می‌تواند حرکت کند .

عکاسی بری متروگون TRIMETROGON PHOTOGRAPHY

مندی در عکسبرداری هوایی که از سه دوربین که یکی قائم و دو تای دیگر سبب به آن دارای ۶۰ درجه انحراف باشند استفاده می‌گردد . سه دوربین مرور بطور همزمان کار می‌کنند و مرتب آن اس است که پهنه وسیعی را در هر بار عکسبرداری زیر پوشش قرار می‌دهد و سپس از نظر سامانی مورد استعمال دارد . ر خمر در صفحه ۲۴۹

AERIAL PHOTOGRAPHY

عکاسی هوایی

فن عکسبرداری از اسباب کمک وسایل هواورد مانند هوا سنج عکاسی هوایی در جمع‌بافت زمین ساسی ، حیث ساسی ، مری نظامی و عکسبرداری از اهمیت فراوان برخوردار است . عکاسی هوایی پایه فن عکسبرداری جدید بطریق موزکرامری است .

NEW STONE AGE

عصر حجر جدید

← عصر نو سنگی

OLD STONE AGE

عصر حجر قدیم

← عصر پارینه سنگی

MIDDLE STONE AGE

عصر حجر متوسط

← عصر میانسنگی

BRONZE AGE

عصر مفرغ

دوره‌ای از تاریخ تکامل بشر که انسان برای ساختن جنگ افزار و دیگر وسایل خویش از برنز که آمیزه‌ای از مس و قلع است ، استفاده نموده . این دوره پس از عصر حجر و عصر آهن شروع می‌گردد .

MESOLITHIC AGE

عصر میانسنگی

بخشی است از عصر حجر که از پایان عصر دیرینه سنگی تا آغاز عصر نوسنگی ادامه دارد ، و بین ۶۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال به طول کشیده است .

NEOLITHIC AGE

عصر نوسنگی

دوره نوسنگی از اواخر هزاره چهارم قبل از میلاد شروع شده و به عصر برنز یعنی حدود ۱۴۰۰ تا ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح ادامه می‌یابد . از مشخصات این دوره استفاده از سنگ آتش رنه ، اهلی کردن جانوران ، کشت غلات ، سفالگری ساحمان مفره‌های مخصوص و اتحاد پرستگاههای خاصی مانند Stonehenge در انگلستان است .

ICE AGE

عصر یخبندان

روزگاری در زمین ساسی که مناطق پهناوری از فاره‌ها بوسیله یخسارها و یخچالها پوشیده شده بود . در آن روزگار که مربوط به اوایل دوران چهارگانه زمین ساسی است علاوه بر قسمتهائی از سطح اقیانوسها ، قسمت اعظم اروپا و شمال امریکا نیز زیر پوشش یخ قرار داشت که شنه جزیره گروینلند و نواحی قطب جنوب باقیمانده آن زمان است .

MERCURY

عطارد (otāred)

← نمر

عقدتین (Oqdatoun)

با دو عقده ، دو نقطه تقاطع مدار هر یک از اجرام منظومه شمسی با صفحه دایره البروج .

عقده‌ای را که حرم از آن بگذرد و وارد نیمکره ساسی عالم شود عقده رأس و دیگری را عقده ذنب می‌نامند .

$$S = \frac{F}{H} = \frac{A^\circ}{4000 \times 1000} = \frac{1}{40000}$$

عکس هوایی قائم VERTICAL PHOTOGRAPH

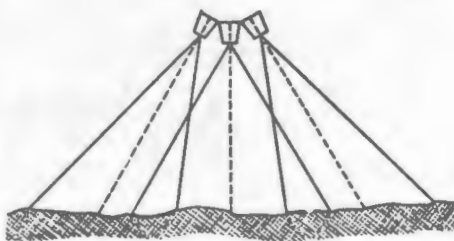
عکس هوایی که بطور قائم از سطح زمین برداشته شده باشد. این نوع عکس در عملیات تهیه نقشه از راه فتوگرامتری مورد استعمال دارد.

عکس هوایی مایل OBLIQUE AERIAL PHOTOGRAPH

عکس هوایی که بوسیله دوربینی که محور اپتیک آن در لحظه عکسبرداری نسبت به سطح زمین قائم نباشد تهیه گردد. اینگونه عکسها بدلیل مشکلاتی که از نظر مقیاس دارند کاربرد چندانی در تهیه نقشه ندارند و اغلب به منظور شناسایی بکار می‌روند. (تصویر در صفحه ۲۵۰)

علائم زمانی TIME SIGNALS

علائم رادیویی که به منظور اعلام زمان در سراسر گیتی پخش می‌گردد. مانند علائم رادیویی که از رصدخانه گرینویچ پخش گردیده و زمان دقیق را به منظور کاربردهای نجومی، جغرافیائی و غیره اعلام می‌دارد.



سیستم عکاسی تری متروگون

عکس هوایی AERIAL PHOTOGRAPH

عکس هوایی قائم و یا مایلی که توسط وسائط هوایی (مانند هواپیما) از سطح زمین برداشته شود و برای تهیه نقشه و مطالعات کلی شکل زمین و باستان شناسی بکار می‌رود. عکسهای هوایی بصورت نوارهای ممتدی که هر عکس قسمتی از عکس پهلویی را می‌پوشاند برداشته می‌شود. مقیاس عکس هوایی از رابطه میان ارتفاع هواپیما از سطح زمین و فاصله کانونی دوربین عکسبرداری بدست می‌آید. بطور مثال اگر ارتفاع هواپیما از سطح زمین ۴۰۰۰ متر و فاصله کانونی دوربین عکسبرداری ۸۰ میلی متر باشد مقیاس عکس مزبور عبارت خواهد بود از:



عکس هوایی قائم



عکس هوایی مایل

این دانش درباره رشته‌هایی از قبیل نقشه‌برداری، عملیات زمینی، فتوگرامتری، کارتوگرافی و ژئودزی بررسی می‌کند.

EARTH SCIENCES

علوم زمین

— دانش‌های زمینی

NATURAL SCIENCES

علوم طبیعی

دانشهائی که درباره پیدایش و زندگی جانوران، گیاهان و جمادات (موجودات بیجان و بی حرکت مانند سنگ و چوب) گفتگو می‌کند.



علفزار استوائی

LEGEND

علائم قراردادی نقشه

— راهنمای نقشه

PANNAGE

علفچر (Alafchar)

پولی به عنوان حق تعلیف که مالک یک چراگاه به ازا هر رأس دام و با بر اساس توافق‌های دیگر از صاحب دام یا کله دریافت می‌دارد.

GRASSLAND

علفزار

— گیاهستان

SAVANA / TROPICAL GRASSLAND

علفزار استوائی یا ساوانا، علفزار پهناوری است که در آن علفهای بلند و درختان و بوته‌های پراکنده‌ای روئیده باشد. باران در اینگونه علفزارها معمولاً در فصل گرم می‌بارد و در سایر فصول به دلیل وزش بادهای بسانان از نفوذ ابرهای باران‌زا جلوگیری می‌شود، به همین دلیل علفهای آن در فصل گرم تازه و شاداب بوده و ارتفاع آنها گاه تا چهار متر می‌رسد.

TOPOGRAPHIC SCIENCE

علم توپوگرافی

گردآوری و بررسی اطلاعات قابل سنجش سطح زمین و پدیده‌های مربوط به آن را علم توپوگرافی می‌نامند.

جزء آن ۱۸ جزئی طلست .
— قیراط

CAPELLA

عیق (Ayyuq)

ستاره آلفا از صورت فلکی ممسک الاغنه که از حیث درخشندگی سومین ستاره در عرضهای شمالی و پنجمین ستاره در آسمان زمین است .

این ستاره از هر ستاره درخشنده دیگر به قطب شمال نزدیکتر است و جزو غولپیکران بشمار می آید .
ستاره عیق با خورشید در یک طبقه طبیفی قرار دارد و از جمله ستارگان دوتایی طبیفی است .



عیق

CAUSALITY

علیت (Elliya)

بیان نسبت علت به معلول آن و بستگی و رابطه میان دو چیز یا دو رویداد ، مانند رابطه میان انسان و محیط زیست . این بستگی یکی از موضوعهای اساسی مورد بحث دانش جغرافیایی است که به آن کوره شناسی می گویند .

MAIN OWNER

عمده مالک

مالکی که دارای املاک بزرگ باشد .

REGIONAL DEVELOPMENT

عمران منطقه ای

— آمایش سرزمینی

AGE OF THE EARTH

عمر زمین

— زمین

BATHYMETRY

عمق سنجی

— ژرفا سنجی

SOUNDING

عمق یابی

— ژرفایابی

ELEMENT

عنصر

جسمی که بهیچوجه قابل تجزیه به عنصر دیگر نباشد و با وسایل عادی به عنصر دیگر تبدیل نگردد .

BOOTES

عوا (Avvā')

یکی از صورتهای فلکی نیمکره شمالی که در خرداد ماه دیده می شود . این صورت ظاهراً از ۲۲ ستاره مرکب است . یکمک تلسکوپهای کوچک میتوان ستارگان دوگانه جالب توجهی را در این صورت مشاهده کرد .

عوا صورت فلکی مشهوری است به شکل بادبادک که به آن سماک زامح (نگهبانی شمالی) می گویند . این صورت فلکی بقاصله ۵۰ میلیون سال نوری از زمین قرار دارد .

ERA

عهد

— دوران

FINENESS

عیار

نسبت وزن فلز قیمتی به وزن کل مخلوط دو فلز یا آلیاژ که معمولاً بر حسب عده اجزای فلز قیمتی در هزار جزء مخلوط بیان می شود .

در آلیاژهای طلا "عیار طلا" را بر حسب عده اجزای طلای خالص در ۲۴ جزء آلیاژ بیان می کنند ، مثلاً "طلای ۲۴ عیار طلای خالص است و طلای ۱۸ عیار آلیاژی است که در ۲۴



غابه (Ghābeh)

۱- زمین پست هموار.

۲- بیشه درختان انبوه و در هم پیچیده.

غار

CAVERN / CAVE

فضای خالی زیرزمینی که بطور طبیعی بوجود آمده و با فضای خارج پوسته زمین بوسیله روزنه پادانه‌های پیوستگی داشته باشد. این عارضه بویژه در زیر صخره‌های دره‌ای جایی که به علت سستی جنس بر اثر امواج آب شسته و خالی شده است و همچنین در زمینهای آهکی بر اثر حل شدن مواد آهکی در آب دیده می‌شود.

یکی از معروفترین غارها، غاری است در نیومکزیکوی امریکا بنام Carlsbad که طول آن حدود ۱۲۰۰ متر و عرض آن تقریباً ۲۹۰ متر و ارتفاع ۱۰۰ متر است.



غار

غارشناسی

SPELEOLOGY

تحقیق علمی درباره غارها و زندگی گیاهی و جانوری، در آنها.

غارنشین

CAVE DWELLER

ساکنان غار و انسان‌هایی که در پناهگاههای طبیعی زندگی می‌کنند.

غبار

DUST

ذرات کوچک ذره‌بینی مواد جامد موجود در هوا یا جویزمین که در حال تعلیق یا در حال فرونشستن آرام هستند، مقدار غبار در مناطق مختلف متفاوت است و در ارتفاعات زیاد و بر فراز اقیانوس‌ها به حداقل می‌رسد و در ارتفاعات کم و بر فراز شهرها به حداکثر می‌رسد.

اسباب و منابع غبار هوا عبارتند از: وزش باد بر زمین‌های خشک، محصولات گوناگون احتراق، فوران‌های آتشفشانی، ترشحات نمکی اقیانوس‌ها و گرده و مواد دیگر گیاهی و ذرات شهابسنگ.

بطور متوسط در هر کیلومتر مکعب هوا حدود ۱۰۰۰ تن غبار وجود دارد.

غبار آتشفشانی

VOLCANIC DUST

ذرات ریزی از مواد گداخته که از دهانه آتشفشان خارج می‌گردد. گاهی اوقات این ذرات تا ارتفاع بسیاری بالا رفته و همراه باد به مسافت‌های دور دستی برده می‌شود.

غبار جوئی (Ghobār-e-javvi)

ATMOSPHERIC DUST

← غبار

غبارسنج

DUST COUNTER

دستگاه اندازه‌گیری ذرات غبار موجود در واحد حجم هوا.

غدير

آبگیری که آب باران و سیل در آن جمع شود و بماند.

غرب

WEST

← چهار جهت اصلی

غربال‌های یخچالی

GLACIER CRIBBLES

سنگهای کوچکی که در سطح یخچال قرار دارند بر اثر تابش آفتاب گرم می‌شوند و حرارت خیلی بیشتری از یخ‌های اطراف خود دریافت می‌دارند و در نتیجه کم کم یخی را که در زیر آنها قرار گرفته است آب می‌کنند و بتدریج در آن فرو می‌روند و پس از چندی در ته چاه کوچک و نسبتاً قائمی قرار می‌گیرند. به مجموع این سوراخ‌ها غربالهای یخچالی می‌گویند.

غرب وزان

WESTERLIES

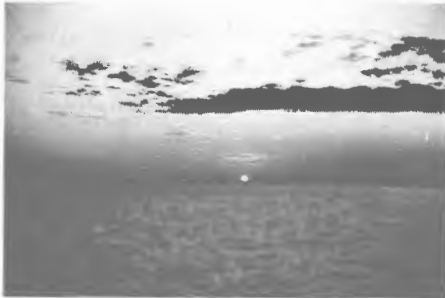
← بادهای غرب وزان

غرش آسمان

THUNDER

← تندر

تعداد غولپیکران در مقایسه با ستارگان کوتوله بسیار کم است.
— کوتوله ها



غروب خورشید

DEEP WATER

غرقاب

آب عمیق که شخص در آن غرق شود. کودالی که در بعضی نقاط دریا و رودخانه و امثال آن باشد.

DROWNED VALLEY

غوردره (Gharqdarreh)

درمای مشرف بدریا که از آب پر شده باشد.

SETTING

غروب

فرو شدن آفتاب و ماه و ستارگان.

SUNSET

غروب خورشید

هنگامی که خورشید در آسمان باختری بتدریج پایین رفته و مرکز آن با سطح افق مماس شود غروب نام دارد.

FIRST DAY OF A LUNAR MONTH (Ghorreh)

غره

شب اول ماه قمری.

— اهله قمر

CEREALS

غلات

آن دسته از دانه‌های گیاهی مانند گندم، جو، چاودار (گندم سپاه)، ذرت، برنج، ارزن و امثال آن که خوراک اصلی انسان را تشکیل می‌دهند.

غله خیز

جایی که در آن غله فراوان به عمل آید.

EBULLITION

غلیان (Ghalayān)

تبخیری که سرعت و همراه با تولید حباب‌های فراوان در داخل مایع انجام می‌گیرد.

SLIME

غلیژن (Ghalizhan)

لجن و لای کف حوض‌ها و جویها و تالاب‌ها

GIANT STARS

غولپیکران

دسته‌ای از ستارگان نسبتاً "خنک که دارای تابندگی زیاد هستند.

ستارگان غولپیکر دارای حجم و تابندگی نسبتاً زیاد هستند و ماده سازنده آن‌ها در حجم بزرگی پراکنده است. جرم مخصوص غولپیکران بسیار کم است و از سطح آن‌ها تشعشع حرارتی فراوانی خارج می‌گردد و تابندگی متوسط آن‌ها حدود صد برابر تابندگی خورشید است.

غولپیکران در واقع دوره تکاملی خود را می‌پیمایند و بهمین جهت بازده تشعشع حرارتی و انرژی آن‌ها رو به افزایش است.

ف

فاتوم

FATHOM

واحد اندازه گیری ژرفای آب دریا ، که اندازه آن برابر ۶ یا ۱/۸۲۹ متر است . صد فاتوم معادل یک کابل و هر ده کابل معادل یک میل دریائی است .

فار

LIGHTHOUSE

← فانوس دریائی

فارنهایت

FAHRENHEIT

← درجه فارنهایت

فاریاب (Faryāb)

← بار یاب

فاصله

DISTANCE

- ۱- فاصله دو نقطه ، طول قطعه خط مستقیم واصل میان آنهاست .
- ۲- فاصله یک نقطه از یک خط یا یک صفحه ، طول قسمتی از عمود وارد از این نقطه بر آن خط و یا آن صفحه است .
- ۳- فاصله دو خط یا دو صفحه موازی ، طول قسمتی از عمود مشترک آنهاست که به آن دو خط یا آن دو صفحه محدود باشد .
- ۴- فاصله دو خط متناظر ، طول قطعه ای است از عمود مشترک آنها که بین دو خط مزبور محدود باشد .

فاصله زاویه ای

ANGULAR DISTANCE

فاصله زاویه ای دو نقطه ، زاویه دو شعاع رویت آنهاست از محل دیدبانی .
در شکل صفحه ۲۶۵ اگر نقطه O حتم باظر و A و B دو ستاره باشند ، زاویه AOB فاصله زاویه ای دو ستاره را مشخص می کند .

فاصله سمت الرأسی

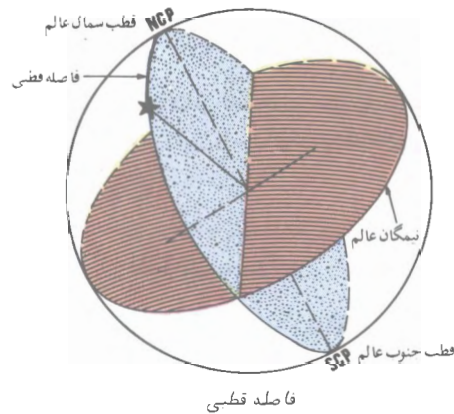
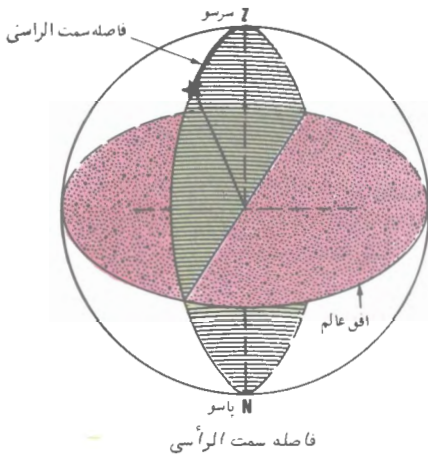
ZENITH DISTANCE

هرگاه ارتفاع یک حرم آسمانی ← ارتفاع h را از 90° درجه که نمایند ، مانند h را A_1 می نامند .
 $90^\circ - A_1 = Z.D.$

فاصله قطبی

POLAR DISTANCE

هرگاه دکل برون یک حرم آسمانی را از 90° درجه کم نمایند ، باقیمانده را فاصله قطبی می نامند و آن را $Co-Dec$ نمایش می دهند .
 $90^\circ - Dec = Co-Dec$



فاصله منحنی های تراز

CONTOUR-INTERVAL

فاصله قائم میان دو منحنی تراز منوالی روی نقشه که اندازه آن به مقیاس نقشه و میزان شیب ارتفاع زمین بستگی دارد .

فاضلاب

SEWAGE

- ۱- فاضلات اماکن مسکونی (فاضلات خانگی) .
- ۲- فاضلات کارخانجات و دستگاههای صنعتی (فاضلات صنعتی) .
- ۳- فاضلات سطحی ناشی از ریزش حوضی های کدواری محاری فاضلات می شود (فاضلات بوفی) .

فاکتور بارندگی

RAIN FACTOR

ساحنی که رابطه میان بارندگی و دما را نشان دهد . این رابطه را با فرمول زیر نمایش می دهد .

PHOTOTYPOGRAPHY

فتو تیپو گرافی

نوشتن اسامی نقشه به کمک ماشین‌های مخصوص. این ماشین‌ها حروف اسامی را بطریق عکاسی از روی دیسک‌های مخصوصی به اندازه‌های مناسب به روی فیلم منتقل نموده و اسامی مورد نظر را بصورت مثبت یا منفی تهیه می‌کنند و این فیلم را بعداً "روی نقشه می‌چسبانند".



فانوس دریائی

PHOTO GEOLOGY

فتو ژئولوژی

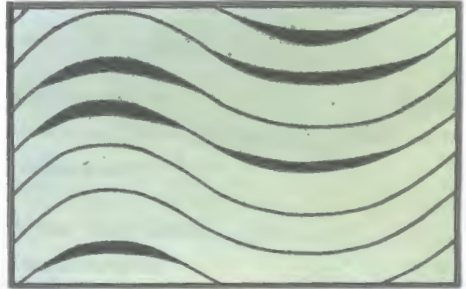
علم و تکنیک‌های مساحی و نقشه‌برداری به یاری عکاسی در بررسی‌های زمین شناسی.

$$R.F = \frac{\text{میزان بارندگی سالیانه بر حسب میلی متر}}{\text{میانگین دمای سالیانه بر حسب سانتیگراد}}$$

PHACOLITH

فاکولیت

باریکای از جنس سنگهای آذرین که عدسی شکل بوده و در یک تاقدیس یا در پائین یک ناودیس واقع شده باشد.



فاکولیت

CHROMOSPHERE

فام اسپهر

— رنگینکره

LIGHTHOUSE

فانوس دریائی

ساختمان برج ماندی که برای راهنمایی کشتی‌ها و یا آگاهی آنها بوسیله نور یا وسایل رادیویی در دریا ساخته شده باشد. تا اوایل قرن نوزدهم برای روشن نگه داشتن فانوس‌های دریائی از شمع‌های بزرگ و آتش زغال و یا چراغ‌های روغنی استفاده می‌شد؛ سپس گاز چراغ برای این منظور به خدمت درآمد و بعد از آن استیلن جای آن را گرفت و در سال ۱۸۵۸ برای نخستین بار برق را برای روشن کردن فانوس‌های دریائی بکار گرفتند.

استفاده از امواج رادیویی و رادار، فانوس‌های دریائی را از اهمیت سابق انداخته و پیام‌های رادیویی و الکترونیکی جانشین پیام‌های نورانی شده‌اند. به فانوس‌های دریائی فار نیز می‌گویند.

WILL-O'-THE WISP/IGNIS FATUUS فانوس شیطان

— آتش مرداب

FEODALISM

فتودالیزم

حکومتی که از مالکان عمده و اشراف تشکیل یافته باشد.

PHOTOSTAT

فتو استات

کپی‌برداری از روی نقشه یا تصاویر دیگر از راه برگرداندن تصویر منفی کاغذی به تصویر مثبت کاغذی.

ایالات متحده آمریکا را می توان نام برد .

فرآمایی (Farāmā'i) STRATEGY

دانش و فن به کار بردن نیروهای مسلح برای رسیدن به هدفهای کلی جنگ .

فرا بار (Farābār) HIGH PRESSURE

بخشی از جو که دارای فشار زیاد باشد .

فرا بوم (Farābum) UPLAND

ناحیه مرتفعی از یک سرزمین . از این واژه در مقابل فرو بوم استفاده می شود .

فرا خبوم (Farākhbum)

زمین و دشت پهناور .

فرا دشت (Farādasht) UPLAND PLAIN

دشت هموار و مرتفع .

فرا دما (Farādāmā) MEGATHERM

آن دسته از گیاهانی که به گرمایی احتیاج دارند که متوسط دمای ماهانه از ۱۸ درجه سانتیگراد بیشتر باشد .

فرا رفت (Farāraft) CONVECTION

← هرفت

فرا رو (Farāro) ANABATIC

هوا یا جریانی که بطرف بالا روان باشد .

فرازا (Farāzā) ELEVATION

الف - ارتفاع یا بلندی هر چیز یا هر نقطه نسبت به سطح تراز ی بنام سطح مبدا ، مانند سطح آب دریا .

ب - زاویه ارتفاعی میان سطح افق و نقطه ای که بالاتر از سطح افق ناظر قرار گرفته باشد .

فرا زاب (Farāzāb) UPSTREAM

محل بالا دست یک روانه آب یا یک رودخانه و یا یک جوی . مقابل واژه فرو داب .

فرا زایاب (Farāzāyāb) ALTIMETER

← ارتفاع سنج

فراژ دره (Farāzdarreh) HANGING VALLEY

دره ای فرعی که از ارتفاع زیاد به دره اصلی متصل گردد و جویبار آن بصورت آبشار به جویبار دره اصلی بریزد . این دره ها بیشتر مخصوص مناطق یخبندان بوده و دره اصلی

فتو سنتز PHOTOSYNTHESIS

تشکیل مواد آلی در اندام گیاهان عالی از ترکیب انیدرید کربنیک با آب ، تحت تاثیر نور خورشید . فتو سنتز برای حیات گیاهان و جانوران مهمترین پدیده شیمیائی در کره زمین است .

فتو گرامتری PHOTOGRAMMETRY

شیوه تبدیل عکسهای هوائی به نقشه های توپوگرافی با استفاده از ماشینهای فتو گرامتری که به آنها ماشینهای تبدیل نیز می گویند .

به عبارت دیگر ، فتو گرامتری هنر تهیه نقشه با استفاده از فن عکاسی است که اگر عکسبرداری از روی زمین انجام شود به آن فتو گرامتری زمینی و چنانچه عمل عکسبرداری از درون وسایل هوائی مانند هواپیما انجام گیرد به آن فتو گرامتری هوائی می گویند .

فتو گراور PHOTOGRAVURE

شیوه ای است در صنعت چاپ که تصویر اشیاء و عوارض روی ورقه های روی یا آلومینیم بشکل گود منعکس می گردد .

فتو لیتو گرافی PHOTOLITHOGRAPHY

← چاپ افست

فجر

← شفق

فجر جنوبی AURORA AUSTRALIS

← سپیده جنوبی

فجر شمالی AURORA BOREALIS

← سپیده شمالی

فجر کاذب

← شفق

فدراسیون FEDERATION

واحدی سیاسی متشکل از چند واحد سیاسی کوچکتر که دارای دولتی بنام دولت فدرال است . در حکومت های فدرال ، هر یک از واحدهای کوچک که معمولاً " ایالت یا کشور " نامیده می شوند ، پاره ای از اختیارات خویش را از قبیل روابط خارجی به دولت مرکزی واگذار می کنند . معمولاً " دول عضو دولت فدرال حق حاکمیت خود را در امور داخلی حفظ کرده و اموری از قبیل روابط خارجی ، ضرب سکه ، اعلان جنگ و صلح را به دولت فدرال واگذار می نمایند . از نمونه حکومت های فدرال ، دولت

مختلف طبیعی که یکی از مهمترین آنها آب و باد است، که بصورت‌های مختلف مانند برف، باران، دریا و رودخانه یخبندان و امثال آن، در عمل فرسایش تأثیر می‌گذارد. عمل فرسایش به دو صورت فیزیکی و شیمیایی انجام می‌شود.

SOIL EROSION

فرسایش خاک

خاک و سنگ پوسته زمین تحت تأثیر عوامل گوناگونی، مانند انسان، باد، آب، روئیدنی‌ها و غیره با سرعت نسبتاً قابل توجهی تغییر شکل داده و دگرگون می‌شود. فرسایش خاک به انواع زیر است:

الف - فرسایش بادی ب - فرسایش سیلابی ب - فرسایش جویباری و رودخانه‌ای.

NORMAL EROSION

فرسایش عادی

فرسایشی که بوسیله یک رودخانه و تحت شرایط مانند آب و هوای عرض متوسط جغرافیایی روی دهد.

LATERAL EROSION

فرسایش کناری

فرسایش کرانه‌های یک روانه (مانند رود و امثال آن) بر اثر جریان آب که بویژه در سر پیچ‌ها بطور وضوح دیده می‌شود.

LEAGUE

فرسخ

← فرسنگ

LEAGUE

فرسنگ (Farsang)

از مقیاس‌های سنجش طول در ایران که امروزه برابر ۶ کیلومتر محسوب می‌شود.

فرسنگ که ظاهراً "کلمه‌ای از ریشه پارتی است، مقیاسی برای فاصله بر حسب زمان بوده است. و به فاصله‌ای که یک پیاده در طول یک ساعت می‌پیماید گفته می‌شود.

MILESTONE

فرسنگسار (Farsangsār)

علامتی که در کنار جاده‌ها و در سر هر فرسنگ با سنگین یا ستون سنگی و مانند آن می‌گذارند تا مسافت طی شده را مشخص سازد.

SILT

فرش (Forsh)

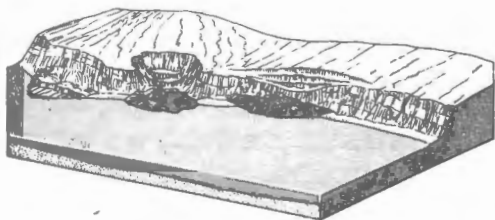
نهشتی ریزتر از ماسه و درشت‌تر از رس، که در رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و غیره بر جای گذاشته می‌شود. لفظ فرش اصطلاح محلی شمال ایران، برای اینگونه نهشت‌ها است.

SILT SOIL

فرشخاک (Forshkhāk)

خاکی که بیش از ۸ درصد آن از جنس فرش (Silt) باشد.

بر اثر حرکت یخچال فرسایش زیادی یافته و ژرفای قابل توجهی پیدا کرده است.



فراز دره

HYPSONETER

فرازسنج

← ارتفاع سنج

HORST

فرازمین (Farāzamin)

← کوه

HYPSONETRIC CURVE

فرازنما

منحنی که ارتفاعات را در مقابل وسعتها نمایش می‌دهد، و برای نشان دادن شکل متوسط سطح زمین به کار می‌رود.

MONADNOCK

فراسنگ (Farāsang)

تپه منفرد و یا توده سنگی که نسبت به زمینهای پیرامون خود برجسته‌تر باشد. اینگونه عوارض معمولاً به دلیل مقاومت جنس در مقابل فرسایش پدید می‌آیند.

PROCESS

فرایند (Farāyand)

از ترکیب دو واژه فرا (به سوی، پیش) و آیند (آمدن) بوجود آمده و به مفهوم زیر به کار می‌رود.

۱ - هر پدیده‌ای که بر حسب زمان تغییراتصالی داشته باشد. اعم از اینکه تغییر مزبور کند و یا سریع باشد، مانند فرایندهای طبیعت.

۲ - رشته‌ای از اعمال یا افعال هدفدار یا حرکات که به طریق مشخصی انجام گیرد، مانند فرایند تلاشی.

ABLATION

فرساب (Farsāb)

سائیدگی و یا فرسوده شدن و آب شدن رویه یخچالهای دائمی و همچنین پاک کردن قشر لجن یا درد آب از روی سنگهای بستر رودخانه.

EROSION

فرسایش (Farsāyesh)

فرسایش عبارتست از عمل فرسودن پوسته زمین بوسیله عوامل

SCHMIDT THEORY

فرضیه اشمید

فرضیه جدیدی است درباره تشکیل زمین و سایر منظومه‌های شمسی که بوسیله او، اشمید عضو فرهنگستان علوم شوروی اظهار شده است. بر اساس این فرضیه، خورشید ضمن حرکت در میان کهکشان، از ابری مرکب از گرد و غبار و گاز عبور کرده و قسمتی از آن را جذب نموده و سپس از آن خارج شده است، در نتیجه ابری از گرد و غبار فضاکی پیرامون خورشید را احاطه کرده و به گرد آن به‌دوران پرداخته است. ذرات غبار مزبور بر اثر برخورد به یکدیگر جذب هم شده و سیاره‌ها را پدید آورده است. آن قسمت از ابر مزبور که به خورشید خیلی نزدیک بوده بیشتر گرم شده و سیاره‌های کوچک و گداخته نزدیک خورشید را بوجود آورده و آن بخش که از خورشید دورتر بوده است سیارات نیمه گرم و برور سردتر و بزرگ‌تر را پدید آورده است. و اجسامی که مجالسی برای پیوستن به سیاره‌ها را نیافته‌اند بصورت سیاره‌های دنباله‌دار یا سیارک درآمدند. درحقیقت فرضیه اشمید که چندان از خطا خالی نیست تنها به تشکیل سیاره‌های منظومه شمسی محدود شده و اشاره‌ای به چگونگی تشکیل خورشید نمی‌کند.

CONTRACTION THEORY

فرضیه انقباض

طبق این فرضیه که با نظریه لاپلاس موافقت دارد، زمین توده گداخته‌ای بوده است که به آهستگی سرد گردیده و روی آن از پوسته‌ای پوشیده شده و چون درون زمین همچنان گداخته باقی مانده و بالطبع حرارت خود را برور از دست می‌دهد در نتیجه بایستی مانند تمام اجسامی که سرد می‌شوند متراکم و منقبض گردد و بناچار پوسته زمین چین و چروک‌های پیدا می‌کند که همان پستی‌ها و بلندی‌ها هستند. فرضیه انقباض نیروی واحدی را برای همه گسل‌ها قائل نیست و در واقع فرضیه‌ای یک طرفه است و نمی‌تواند پاسخ‌گوی همه رویدادها باشد. در این اواخر فرضیه دیگری بنام فرضیه تپش پیشنهاد شده که در واقع موجبات تصحیح اساسی تئوری انقباض را فراهم می‌سازد.

PLANETESIMAL HYPOTHESIS

فرضیه پیدایش سیارات
بر طبق این فرضیه که در سال ۱۹۰۴ بوسیله ف. ر. مولتون و ت. س. جمبرلین ارائه شده، سیارات از بهم پیوستن و چسبیدن اجسام جامد کوچکی بنام خرده سیارات تشکیل یافته‌اند. دانشمندان فوق بر این فرضند که در گذشته‌هایی بسیار دور، ستاره‌ای از کنار خورشید گذشته است و در نتیجه جاذبه متقابل، توده‌های عظیم گاز از دو ستاره فوران کرده و روی مدارهایی بیضی شکل دور خورشید به‌گردش درآمدند و با خنک شدن آن‌ها خرده سیارات پدید آمدند، از جمله

HYPOTHESIS

فرضیه (Farziyyeh)

حکم یا نظریه‌ای که برای توضیح و توجیه و تنظیم دسته‌ای از واقعیات مرضه می‌شود. هر فرضیه منشاء نتایج و پیشگویی‌هایی است و معمولاً "فرضیه‌ها بطور غیر مستقیم آزمایش می‌شوند و هر آزمایشی را که موفقیت آمیز باشد، موید فرضیه گویند. فرضیه‌هایی که واجد شرایط زیر باشند مقبول تلقی می‌گردند:

- ۱- واقعیات مورد نظر را توجیه کند.
 - ۲- چنان تقریر شده باشد که بتوان از آن نتایجی استخراج کرد.
 - ۳- با قوانین و فرضیه‌های تایید شده سازگار باشد.
 - ۴- نسبت به فرضیه‌های رقیب، واقعیتهای بیشتری را توجیه کند و راههای بیشتری را برای تحقیق عرضه نماید.
 - ۵- نسبت به فرضیه‌های رقیب ساده‌تر باشد.
- فرضیه‌ای که در شرایط بالا صدق کند، قانون شمرده می‌شود.

فرضیه آوارگی قطبین

THEORY OF POLAR WANDERING

بر اساس این فرضیه تغییر مکان قطب‌های زمین و به عبارت دیگر تغییر مکان مدارهای جغرافیایی می‌تواند موجب تشکیل یخسارهایی در اطراف هر یک از قطب‌ها به همانگونه که امروز در قطب شمال و قطب جنوب وجود دارد بشود و عصری از عصرهای یخبندان را پدید آورد. این فرضیه درباره علل یخبندان پیشنهاد شده است.

NEBULAR HYPOTHESIS (F-ye-abri)

فرضیه ابری
یا فرضیه لاپلاس، فرضیه‌ای است در کیهانزایی و پیدایش منظومه خورشیدی.

این فرضیه که در سال ۱۷۹۶ بوسیله پیر سیمون لاپلاس دانشمند فرانسوی عرضه شد، بر این اساس است که در آغاز یک سحابی یا توده‌های ابری شکل مرکب از ماده‌ای رقیق وجود داشته که دامنه آن تا ماورا مدار دورترین سیاره منظومه خورشیدی گسترده بوده است. این ابری که جرمی داغ و رقیق و گسترده بوده است دارای حرکت دورانی بوده و تدریجاً تحت تاثیر گرانش خود انقباض یافته و سردتر شده است. شکل آن در آغاز کروی و بر اثر افزایش سرعت برور بهضوی شده است. پس از مدتی که شتاب‌گیر از مرکز استوایی کمی بر جاذبه گرانشی فزونی یافت، حلقه‌ای از ابر مزبور از ماده اصلی جدا شد و باقیمانده ابری به انقباض خود ادامه داد تا اینکه بار دیگر همان کیفیت اتفاق افتاد و این عمل چند بار تکرار شد تا حلقه‌هایی به تعداد سیارات پدید آمد و با گسیخته شدن حلقه‌ها، ذرات روی هم انباشته و بخود پیچیده شدند و در نتیجه یک سیاره پدید آمد.

آنهايي که بزرگتر بودند مانند اجرام پراکنده در پیرامون خود را به خود جذب کرده و سیارات را بوجود آورده اند و شهابها همان خرده سیارات اند.

در سالهای اخیر اساس فرضیه های صحابی کانت و لاپلاس مورد توجه واقع شده و بصورت تازه ای بنام نظریه فباری ارائه شده است.

فرضیه تپش (P-y-e-tapesh) PULSATION THEORY
به موجب این فرضیه، زمین بصورت جسمی نورانی همانند سایر اجسام کیهانی همواره دستخوش نیروهای جاذبه و دافعه بوده است. نیروی جاذبه باعث کاهش حجم گردیده و نیروی دافعه موجب تشعشع و دفع ذرات ماده در فضای بین سیاره ای بوده است. در واقع نیروهای جاذبه موجب انقباض پوسته زمین و نیروهای دافعه باعث انبساط پوسته زمین می گردد و چون مبارزه این نیروها قطع نمی شود و مقاومتی که طبقات قشر سخت زمین در مقابل این حرکات از خود نشان می دهند موجب تجمع دوره ای انرژی برای مغلوب ساختن مقاومت مزبور می گردد لذا هر تغییر شکلی که بر اثر تکان های شدید بوجود می آید متناسب با دوره های تخلیه انرژی است. این فرضیه که اخیراً پیشنهاد شده با سایر تئوری های علمی کاملاً مطابقت دارد و پس از پاره ای اصلاحات می تواند به عنوان یک فرضیه جدید مورد پذیرش قرار گیرد.

فرضیه ترازمندی EQUILIBRIUM THEORY
فرضیه ای که طی آن تصور شود، کره زمین فاقد خشکی بوده و سراسر آن را اقیانوس نسبتاً "زرفی" فرا گرفته باشد.

فرضیه جابجائی قاره ها DISPLACEMENT THEORY
— نظریه رانه قاره ای

فرضیه صحابی NEBULAR HYPOTHESIS
— فرضیه ابری

فرضیه لاپلاس LAPLACE HYPOTHESIS
— فرضیه ابری

فرضیه نسبیت THEORY OF RELATIVITY
در این فرضیه بجای فاصله بین اشیاء یا اجرام، فاصله بین رویدادها در نظر گرفته می شود و زمان و فضا (جاگاه) با هم در آن دخالت دارند. بر اساس این فرضیه که توسط آلبرت اینشتین عرضه شده:

اولاً — زمان مطلق و بالنتیجه مقارنه زمانی مطلق وجود ندارد و زمان در دو دستگاهی که با یکدیگر ارتباط نداشته

باشند، یکی نیست.

ثانیاً — مکان هم مطلق و مستقل از آنچه در آن جای دارد نیست، بلکه تابع ماده ای است که در آنست و جهان در فضایی کروی قرار گرفته است.

ثالثاً — جرم مطلق وجود ندارد، بلکه جرم یک جسم بستگی دارد بصیرت سیر و حالت درونی و درجه حرارت آن و بر حسب تغییر آنها تغییر می کند.

اینشتین معتقد است که جهان، هر چند نامحدود است و از حد متصور تجاوز می کند مع الوصف متناهی است به عبارت دیگر اگر در این جهان، موجودی منحنی بصیرت نور بجنبه بعد از چند بیلیون سال به نقطه ای که از آنجا شروع کرده است خواهد رسید.

فرضیه هلمهولتز HELMHOLTZ THEORY
فرضیه ای که بنا بر آن منشاء انرژی نورانی ای که از ستاره ای گسیل می شود، انرژی پتانسیل گرانشی ستاره است. به این فرضیه، انقباض هلمهولتز نیز می گویند.

فرقه (Ferqeh) CASTE
گروهی از مردم با یک سری آداب و رسوم سنتی و موروثی که افراد آن از لحظه تولد تا دم مرگ شدیداً "خود را وابسته به آن دانسته و در رعایت آداب مربوطه مقید و محدود باشند. طبقات بالای این گونه گروهها که در میان هندوها فراوان دیده می شوند، از مزایا و مصونیت های ویژه ای برخوردار بوده و بر عکس طبقات پایین آن محرومیت های زیادی را تحمل می کنند. با وجودیکه این گروهها در هندوستان بتدریج رو به کاهش هستند، مع الوصف حدود ۲۴۰۰ گونه از آن ها وجود دارد که مانع بزرگی از نظر پیشرفت و توین سازی کشور محسوب می گردند.

فرگند (Farkand) RAVINE
دره تنگ و باریکی در سطح زمین که از دره کوچکتر و از آبکد بزرگتر است.

فرماندار GOVERNOR
— فرمانداری

فرمانداری GOVERNORSHIP
اداره ای که فرماندار یا ماموران زیر دست خود امور شهرستان را از آنجا اداره کند.

فرنگ EUROPE
اقتباس شده از واژه فرانک که به عربی فرنج یا فرنجه و به فارسی فرنگ یا فرنگی می گویند. نامی است که مسلمانان به اقوام ساکن قاره اروپا داده اند و فرنگستان نام مسکن این اقوام است.

MICROTHERM

فرودم (Forudamā)

آن دسه از گیاهانی که به گرمایی ساز دارد که متوسط دمای کمرسین ماه سال سن ۱۵ تا ۲۲ درجه سانتیگراد و متوسط دمای سردترین ماه سال بیشتر از ۶ درجه سانتیگراد باشد.

فروردین

واژه پهلوی به معنی فروهران پاک، نام حسنین ماه سال خورشیدی در تقویم رسمی ایران، نام روز نهم از هر ماه خورشیدی که به آن فروردین روز می‌گویند.

واژه فروردین جزو نام ماهها و روزهای سال در تقویم اوستایی معمول بعد از اسلام عیناً "سهمین" شکل ضبط شده و بعدها در تقویم حلالی و بالاخره در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در تقویم ایران رسمت یافته است.

OBLATE

فرورفتگی

قسمت یا قسمت‌هایی از یک کره که نسبت به اطراف فرورفته باشد. میزان فرورفتگی قطب‌های کره زمین حدود ۳۳/۰ درصد با تقریباً $\frac{1}{۲۹۵}$ است.

KATABATIC

فرورو (Foruro)

هوا و یا جریانی که بطرف پائین روان باشد.

PERCOLATION

فروروش (Foruravesh)

نفوذ و یا پائین رفتن آب از درون خاک و شکافهای سنگ. معمولاً در این حالت آب مواد معدنی قابل حل در خاک و سنگ را با خود به پایین می‌برد.

DEPRESSION/LOW PRESSURE (Forubār) فروبار

سیستم کمفشاری که در طبقات متوسط و بالای جو ایجاد گردد. و با ناحیه‌ای که در آن فشار جو نسبت به نواحی اطراف کمتر باشد. ناحیه فروبار ممکن است محض یا ساکن باشد. ناهای فروبار در سیمکره شمالی در خلاف جهت حرکت عقربه‌های ساعت و در سیمکره جنوبی در جهت گردش عقربه ساعت در حول مرکز فروبار می‌گردد.

SECONDARY DEPRESSION (Forubārak) فروبارک

فروبار کوچکی که در حاشیه یک فروبار اصلی و بزرگ واقع شده باشد.

LOWLAND

فروبووم (Forubum)

زمینی که ارتفاع آن از ۱۸۰ متر کمتر بوده و در مقابل فرابوم یا زمین مرتفع قرار گرفته باشد.

SUPERCOOLING

فروتاقت (Forutāft)

حالتی ناپایدار که در آن مایعی در دمایی باینس ترا از نقطه انجماد بحال مایع می‌ماند.

DOWN STREAM

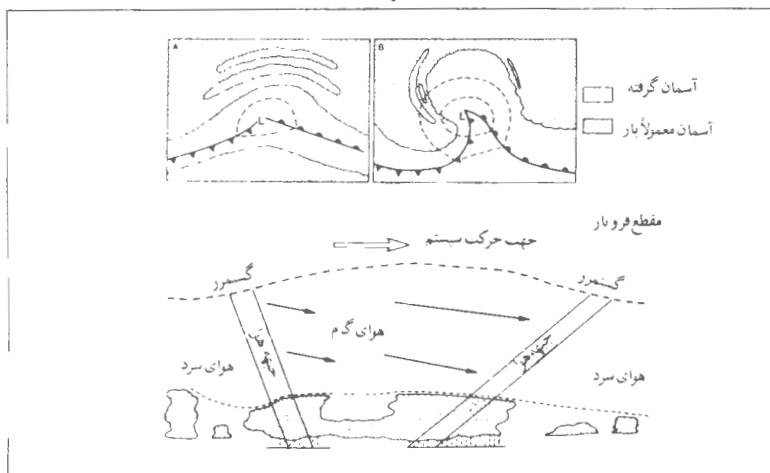
فروداب (Forudāb)

پایین دست یک روانه آب یا یک رودخانه یا یک حوی. مقابل واژه فرازاب.

AIRPORT

فرودگاه (Forudgāh)

تأسیساتی که برای فرود و یا پرواز وسایل حمل و نقل هوایی ساخته شده باشد.



فروبار

CULTURE

فرهنگ

عبارت است از مجموعه، تحلیلات (به صورت سمبل‌ها، علائم، آداب و رسوم، سنت‌ها، رفتارهای جمعی (۰۰۰) معمولی، هنری، تاریخی، ادبی، مذهبی و احساسی یک قوم یا ملت که در طول تاریخ فراهم آمده و شکل مشخصی گرفته است.

OVER POPULATION

فزونی جمعیت

وضعیتی که بر اثر فزونی گرفتن جمعیت در مقایسه با جمعیت مطلوب پدید آید و امکانات موجود جوابگوی نیازهای مردم نباشد.

PHOSPHORUS

فسفر

عنصر سافار با علامت شیمیایی (P)، که بر حسب ساختمان مولکولی آن به سه شکل سفید (باررد)، سرخ (یا سفید) و ساه دیده می‌شود. به شکل آزاد در طبیعت یافت شده و برای اولین بار از بحریه ادرار بدست آمده است. کانیهای عمده آن عبارتند از: آپاتیت و فسفریت. فسفر معمولی حامد و سفید بوده و حالت مومی دارد و خالص آن سیرک و شغاف که بسیار سمی و خطرناک است (۵۰ میلی‌گرم آن کشنده است). فسفر سفید در دمای معمولی در هوا اکسید شده و ایجاد دود سفید اکسید فسفر می‌کند که اثرزنی حاصل از اکسایش به صورت نور صانع می‌شود (این پدیده را فسفر سانس می‌نامند و وجه سمیه فسفر نیز همین است). فسفر سرخ به اندازه فسفر سفید خطرناک نیست و نسبتاً پایدار بوده و در ساختن کبریت‌های بی خطر گردهای آتش باری، حشره‌کشها، بمبهای دودزا و ماسد آنها بکار می‌رود.

PHOSPHORITE

فسفریت

سنگ فسفات

FOSSIL

فسیل

سنگواره

ATMOSPHERIC PRESSURE

فشار جو

فشار جو در هر نقطه عبارتست از وزن ستونی از هوا که در بالای آن نقطه وجود دارد. این فشار در سطح دریای آزاد حدود یک کیلوگرم بر سانتی متر مربع بوده و هر چه بر ارتفاع زمین نسبت به سطح دریا افزوده شود پهمان میزان ارتفاع ستون هوا کاسه شده و در نتیجه فشار جو نیز رو به کاهش می‌رود. فشار جو را با دستگاهی بنام بارومتر یا فشار سنج و بر حسب میلی بار اندازه می‌گیرند.

BAROMETER

فشارسنج

دستگاهی است برای اندازه گیری فشار جو، که ساده‌ترین

INCANDESCENT

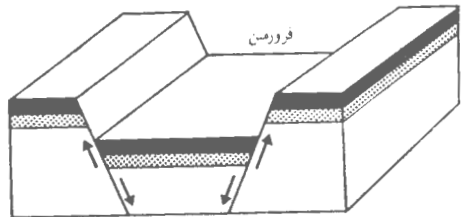
فروزان

حالت جسمی که بر اثر حرارت زیاد می‌درخشد.

GRABEN/ RIFT VALLEY

فروزمین

دره‌ای که بر اثر نشست زمین، در میان دو گسله موازی بوجود آمده باشد. طول این دره در مقایسه با عرض آن زیاد بوده و یکی از معروف‌ترین انواع آن دره رود اردن و بحرالمیت و دریای سرخ است.



فروزمین

AIR GLOW

فروزه (Foruzeh)

نور صغیی که نسبتاً در آسمان دیده می‌شود، این نور ارتباطی با مهتاب ندارد.

POLAR LIGHT

فروزه قطبی

سیده جوی

DEGRADATION

فروسائی (Forusā'i)

نسبت سدا کردن زمین بوسیله عواملی ماسد رودخانه‌ها و خاچا شدن مواد حاکی و نه شش بدن آنها درخای دیگر.

LEACHING

فروسب (Forushost)

عمل ردودن و سانس املاح نمکی با بالودن خاک بوسیله آب باران.

LOW TIDE

فروکشند (Forukeshand)

فروسنس آب دریا را فروکشند، کشند پایین و با جزر می‌نامند.

SUBSIDENCE

فروسیبی

افت بخشی از بوسه زمین که نسبت به زمین‌های پیرامون خود کودتر باشد.

ب - فرود آرام بوده‌های عظیم هوا بوسیله زمین که دارای خمیوسات و اخرچه بوده و افراش سریع فشار جو را موجب می‌گردد.

هوا هنگام فرود در حسن حالتی معمولاً گرم و خشک بوده و گاه به اعتدال هوا کمک می‌کند.

COMPACTION

فشوش (Feshoresh)

یکی از راههای تشکیل سنگ که طی آن مواد نرم، تحت تاثیر فشار لایه‌های زیرین و با فشار حاصله از جنبش‌های زمین به مواد سخت دگرگون می‌گردد، مانند ته نشین‌های نرمی که از جنس مواد رسی و گل و لای و لجن بوده و بر اثر تراکم به سنگ‌های رسی تبدیل گردیده‌اند.

SEASON

فصل

یکی از تقسیمات زمانی که بر اثر مدت زمان تابش آفتاب و شرایط جوی حاصله از تغییرات زمانی، شدت تشعشع خورشید مشخص و طبقه‌بندی گردیده‌باشد. از نظر نجومی این تقسیم بندی عبارتست از:

الف - یکم فروردین برابر ۲۱ مارس (هنگامی که خورشید ظاهری در نقطه اعتدال بهاری قرار دارد) تا سی و یکم خرداد برابر ۲۱ ژوئن (هنگامیکه خورشید ظاهری بر فراز مدار رأس السرطان قرار می‌گیرد) به مدت سه ماه یا ۹۳ روز که به آن بهار نیمکره شمالی می‌گویند.

ب - یکم تیر برابر ۲۲ ژوئن تا سی و یکم شهریور برابر ۲۲ سپتامبر (هنگامیکه خورشید ظاهری در نقطه اعتدال پاییزی قرار می‌گیرد) به مدت ۳ ماه یا ۹۳ روز که تابستان نیمکره شمالی نام دارد.

پ - یکم مهر برابر ۲۳ سپتامبر تا سی‌ام آذر برابر ۲۱ دسامبر (هنگامیکه خورشید ظاهری بر فراز مدار رأس الجدی قرار می‌گیرد) به مدت ۳ ماه یا ۹۰ روز که پاییز نیمکره شمالی نامیده می‌شود.

ت - یکم دی برابر ۲۲ دسامبر تا بیست و نهم (اگر سال کبیسه باشد تا سی‌ام) اسفند به مدت ۳ ماه یا ۸۹ روز (اگر سال کبیسه باشد ۹۰ روز) که زمستان نیمکره شمالی نام دارد. توجه: بهار نیمکره شمالی با پاییز نیمکره جنوبی و تابستان نیمکره شمالی با زمستان نیمکره جنوبی و بر عکس منطبق است. (تصویر در صفحه ۲۶۳).

GROWING SEASON

فصل رویش

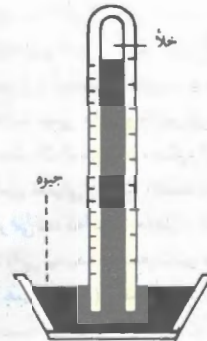
فصلی از سال که از نظر درجه حرارت و ریزش باران برای روئیدن گیاهان بومی مناسب باشد. معمولاً مدت این فصل متناسب با دوری از خط‌نیمگان (خط‌استواء) کوتاه‌تر گردیده و هرچه به خط‌نیمگان نزدیک‌تر باشد طولانی‌تر است و به همین جهت فصل رویش و نمو گیاهان در مناطق استوایی طولانی بوده و بر عکس در مناطقی مانند توندرا از ۲ تا ۳ ماه بیشتر نمی‌شود.

SPACE

فضا

تمام عالم به غیر از اشیاء را فضا گویند و زمین و جو و اجرام

نوع آن فشار سنج جیوه‌ای است که از یک طشتک مملو از جیوه و یک لوله شیشه‌ای که به طور وارونه نصب شده و دهانه آن در داخل طشتک جیوه قرار گرفته و مجموعه آنها در داخل یک محفظه قرار گرفته‌اند. و ستونی از جیوه متناسب با وزنی از جو که بر سطح طشتک وارد می‌گردد در درون لوله شیشه‌ای در حالت بالا و پایین رفتن دیده می‌شود. بدین ترتیب که اگر فشار جو افزایش یابد در ازای ستون جیوه نیز در درون لوله شیشه‌ای افزایش یافته و بر عکس در صورت کم شدن فشار جو، از طول آن کاسته می‌شود. چون فشار جو در ارتفاع صفر (یعنی سطح دریای آزاد) برابر ۷۶ سانتیمتر یا ۳۰ اینچ جیوه است، از این رو اندازه‌های بیشتر از ۷۶ سانتیمتر نمایانگر فشار بیشتر و بر عکس اندازه‌های کمتر از ۷۶ سانتیمتر معرف فشار کمتر است.



فشارسنج جیوه‌ای

فشارنگار

BAROGRAPH

فشارسنج خودکاری که فشار جو را بصورت نمودار و بطور پیوسته رسم نماید. برای رسم این نمودار از یک غلطک استوانه‌ای که در جهت گردش عقربه‌های ساعت حول محور خود می‌چرخد استفاده می‌شود. یک نوع فشارنگار تغییرات فشار را بوسیله فشارسنج جیوه‌ای نمایش می‌دهد ولی در معمولی‌ترین انواع آن از فشارسنج خشک استفاده می‌شود.

LIGHT PRESSURE

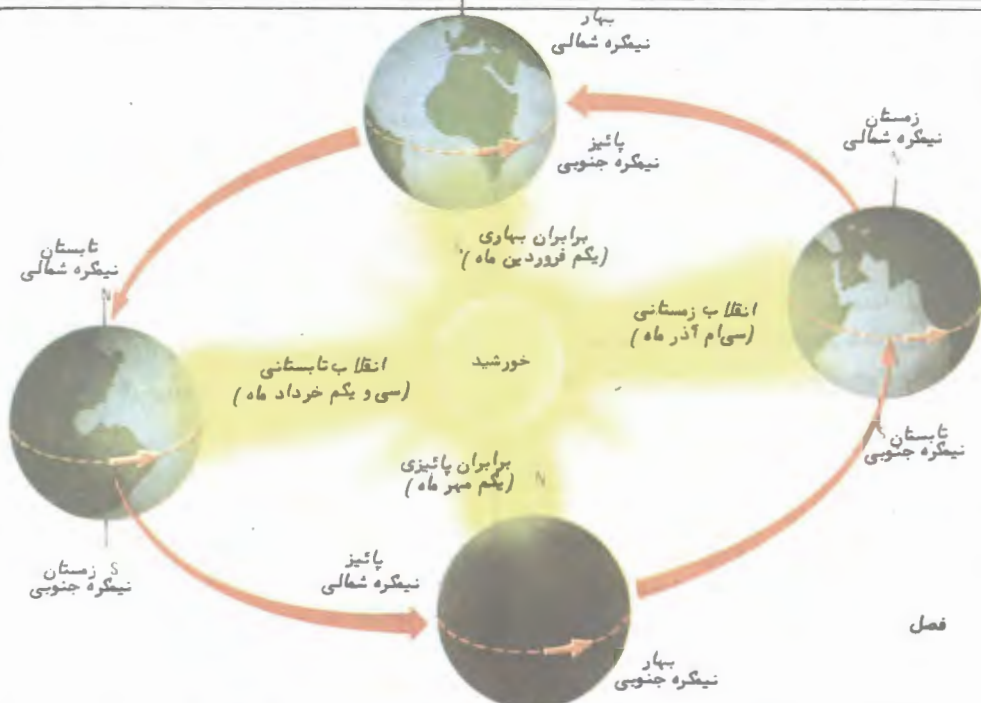
فشار نور

فشاری که از تابش نور بر یک سطح بر آن وارد می‌شود. هنگامی که ذرات نور به سطح آینه‌ای برخورد می‌کنند سبب پیدایش فشار نور می‌شوند. فشار نور با شدت روشنی یا قوی‌ترش افزایش می‌یابد. بطور مثال فشار نور بر سطح خورشید چندین برابر فشار نور آفتاب بر زمین است و بر سطح بعضی از ستارگان این فشار مقدار فوق‌العاده شکست انگیزی دارد.

ATMOSPHERIC PRESSURE

فشار هوا

— فشار جو



- الف - فلات Tectonic مانند فلات عربستان.
- ب - فلات Residual مانند فلات آبالاش.
- پ - فلات Intermont مانند فلات آتاتولی.
- ت - فلات Volcanic مانند فلات اتیوپی.

CONTINENTAL SHELF

فلات قاره
— ژرفاشیب

DISSECTED PLATEAU

فلات گسیخته
جلگه‌ای که بر اثر فرسایش، تعدادی دره در آن ایجاد شده و فلاتی را بوجود آورده باشد.

FELDSPATH

فلد سپات
یکی از مهمترین کانیهای آلومینیوم که در طبیعت فراوان است فلد سپات خالص شفاف و بی‌رنگ است، و در اکثر سنگهای آذرین یافت می‌شود.

METAL

فلز
عنصر شیمیایی ساده‌ای که دارای جلای مخصوص باشد. بطور کلی فلزات عناصر ساده‌ای هستند که در حرارت معمولی جامدند (غیر از جیوه) و همه حاجب یا مانع نور هستند و در غالب موارد وزن مخصوص آنها زیاد است. فلز هادی

فلکی و کهکشان راه شیری و کهکشانها درون آن قرار دارند. پاره‌ای فیزیکدانها فضا را بدو قسمت تقسیم کرده‌اند: S
الف - فضای نزدیک، که از هشتاد کیلومتری زمین شروع شده و تا مجاورت کره ماه ادامه دارد.
ب - فضای خارجی یا فضای دور، که ناحیه‌ای است که سیارات و اقمارشان در آن حرکت می‌کنند و زمین در آن تاثیری ندارد. فضای خارجی گاه تا فضای بین کهکشانها نیز ادامه می‌یابد.

SPACE EXPLORATION

فضا پویی
بررسی شرایط فیزیکی در فضا و سطح ستارگان، سیارات و قمرهای آنها توسط وسایط فضاپیمایی سرشنین دارویی سرشنین از جمله مقاصد این گونه‌پیشها، شناخت ماهیت مادی اجرام فلکی سازنده منظومه خورشیدی و فضای بین آنهاست.

SPACE TIME

فضا زمان
— چاگاه

PLATEAU

فلات
فلات عبارت از سرزمین مرتفع و تقریباً هموار و مسطحی است که گهگاه رشته ارتفاعات و دره‌هایی نیز در آن به چشم می‌خورد و پیرامون آنها را اغلب دامنه‌های شیب‌دار به اراضی پست مجاور متصل می‌سازد.
انواع فلاتها بشرح زیر است:

FOOT

فوت

← پا

PHOTON

فوتون

جزء تجزیه ناپذیر انرژی الکترومغناطیسی و با یک کوانتوم انرژی الکترومغناطیسی. انرژی یک فوتون حاصل ضرب عددی است ثابت موسوم به ثابت پلانک که مقداری است بسیار کوچک، بهمین جهت انرژی فوتون نور مرئی بسیار کوچکی است.

STROMBOLIAN ERUPTION

فوران استرومبولی

آتشفشانی که از دهانه‌های آن بطور متناوب مواد گداخته و گاز خارج شود. این واژه از آتشفشان استرومبولی واقع در جزیره لیپاری در شمال سیسیل که دارای همین ویژگی است اقتباس گردیده.

FISSURE ERUPTION

فوران تراکی

(Favarān-e-tarāki)

نوعی فوران آتشفشانی که دهانه آتشفشان در امتداد یک شکاف قرار گرفته باشد. در این گونه فوران گدازه‌های آتشفشانی بدلیل کمی چسبندگی در قسمت‌های ضعیف و نامقاوم پوسته زمین روان و پراکنده گردیده و پهنه وسیعی از سپاه سنگ‌های بازالتی را پدید می‌آورند.

PAROXYSMAL ERUPTION

فوران شدید

فوران و طغیان وحشتناک و شدید یک آتشفشان که معمولاً بعد از یک دوره خاموشی ممتد روی می‌دهد.

خوبی برای حرارت و الکتریسیته است و می‌توان آن‌ها را طوری براق کرد که نور را منعکس سازند.

بیشتر فلزها چکش‌خوار و قابل تبدیل به مفتول شدن یا به ورقه‌های نازک هستند.

INVAR

فلز انوار

آلیاژ (آلیاژ)ی است از فولاد که ۳۶ درصد نیکل به آن افزوده شده و بوسیله C.E. Guillaume ابداع گردیده است. این فلز به دلیل دارا بودن ضریب انبساط حرارتی ناچیز در ساختمان نوارهای اندازه‌گیری دقیق مسافت و کارهای دقیق نقشه‌برداری بکار می‌رود.

فلق (Falaq)

← شفق

FLUORITE

فلوئوریت

ماده معدنی شفاف که از ترکیب کلسیم و فلوراید با فرمول CaF_2 بدست می‌آید. این ماده دارای بلورهای مکعبی شکل است و برنگ‌های گوناگون از سفید تا ارغوانی تیره و آبی و سیاه دیده می‌شود و برای صنایع فولادسازی و ساختن اسید هیدروفلوریک و صنعت کاشی‌سازی بکار می‌رود.

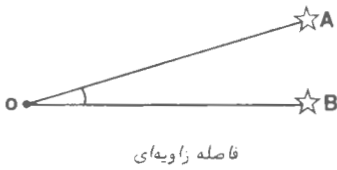
FLYSH

فلیش

سنگ شنی نخاله ماندنی از جنس صدفهای آهکی، رس، جوشنگ و کلوخهای آهکی که بیشتر در حاشیه رشته کوههای آلپ دیده میشود و مربوط به اوایل دوران سوم می‌باشد.



فوران استرومبولی



F SSURE ERUPTION

فوران شکافی

← فوران مرکزی

CENTRAL ERUPTION

فوران مرکزی

آتشفشانی که دهانه‌های خروجی آن‌ها در محل مشخصی به نام مرکز بار شده و از آن‌ها گاز و مواد گدازه خارج شود.

ERUPTION

فوران مواد آتشفشانی

عمل بیرون جبهیدن مواد حامد و مایع و یا گاز از درون زمین به روی پوسته زمین که در نتیجه فعالیت‌های آتشفشانی روی می‌دهد. این عمل یکی از شکلهای زیر صورت می‌گیرد:
الف - مرکزی: از یک دهانه خروجی و با چند دهانه سردک بهم.

ب - خطی: که گدازه‌ها از یک شکاف ممتد خارج می‌گردد. موادی که طی حمل فوران خارج می‌گردد، عبارتند از گازهایی از فیل سولفور، نئوزن، دی اکسید کربن، بخار آب، کف و بقایای معدنی، خاکستر، غبار، اسید و گدازه و امثال آن.

FEBRUARY

فوریه

← ماههای ابرهانی

STEEL

فولاد

کوفته‌ای آهن که از آمیزه (آلیاژ) آهن و کربن با کمی از مواد دیگر بوجود می‌آید. مقاومت فولاد بستگی به میزان کربن دارد. حتماً مقدار کربن از ۱/۵ درصد در فولاد تجاوز نکند. قابلیت جکش خواری را از دست می‌دهد و به جدن تبدیل می‌گردد.

TURQUOISE

فسروزه

با فسروزه، یکی از سنگ‌های آذرین که از مسافت نیدرانه آلومینیم طبیعی تشکیل یافته است. فسروزه همانند سبزه سبز است و به واسطه رنگ مخصوصی که دارد از میان سنگ‌های کرامپها به آسانی شناخته می‌شود.

رنگ فسروزه در برابر رطوبت یا خشکی هوا و هم چنین در ارتفاعات تغییر می‌کند و به سبب جلا و فروری که دارد، گرد و غبار و خرسی را به سهولت به خود جذب می‌کند و رنگی به سبز یا مظلومی، تیره می‌شود.

PHYSIOGRAPHY

فیزیوگرافی

← رسم رخت سیاسی



دو نصف النهار ۷/۵ درجه خاوری و ۲۲/۵ درجه خاوری محدود است. و در مورد سایر فاج‌ها سر و جمع سهمین موال است (— نقشه مناطق زمانی صفحه ۳۲۸)

ساعت رسمی در فاج صفر ساعت متوسط گرینویچ (گرینویچ) و در فاج شماره ۱ برابر زمان فاج صفر به علاوه ۱ و در فاج شماره ۲ برابر زمان فاج صفر ۳ + و در فاج ۶ — که در نیمکره غربی واقع است برابر است با زمان فاج صفر ۶ —.

SPHERICAL WEDGE

فاج کروی

حجم محدود به سطح یک کره و دو نیم صفحه‌ای که مارتیک قطر آن کره باشند.

اگر R شعاع کره و α زاویه دو سطحی حادث از دو صفحه، فاع بر حسب درجه باشد، حجم فاج کروی عبارت خواهد بود از:

$$V = \frac{\pi R^3 \alpha}{270}$$

CHAMPIGNON

قارچ بادی

سگی در یک ناحیه بیابانی که به قارچ نگاه داشته باشد. این گونه سگ‌ها بر اثر وزش بادهای سی و فرسایش قسمت‌های رسی پدید می‌آیند.



قارچ بادی

CONTINENT

قاره

— حسکاد

ANTARCTICA

قاره جنوبگان

قاره‌ای است به وسعت حدود ۱۳٬۲۰۳٬۹۰۰ کیلومتر مربع که در حوالی قطب جنوب زمین واقع شده است. به دلیل

قائم

VERTICAL

خطی که بر صفحه‌ای افقی، عمود باشد. مانند امتداد رسمال شاقول بر سطح زمین.

VISIBILITY

قابلیت دید

— دیداری

COMPETENCE OF A STREAM

قابلیت یک روانه

قابلیت یک روانه از نظر حمل درآب در اندازه‌های معین. معمولاً قابلیت هر روانه بر مبنای توانائی در حمل بزرگترین قطعه بیان می‌شود بدین‌جهت است سرعت آب عامل مؤثری در حمل قطعات خواهد بود. جدول زیر نسبت میان سرعت آب یک روانه و اندازه قطعه قابل حمل را نشان می‌دهد:

سرعت آب بر حسب کیلومتر در ساعت	قطر قطعه بر حسب میلی‌متر
۰/۴	۰/۵
۰/۸	۲
۱/۶	۶/۴

TIME ZONE

فاج ساعتی

بر اساس توافق که در سال ۱۹۱۱ میان کشورهای جهان به عمل آمد، کره زمین را به ۲۴ فاج کروی بوسیله ۲۴ نصف النهار که اختلاف طول هر دو نصف النهار متوالی ۱۵ دقیقه قوسی است تقسیم نموده‌اند و ساعت رسمی هر فاج را بر زمان نصف النهار مرکزی آن فاج مطبق نمودند.

به موجب این توافق نصف النهار مرکزی فاج شماره صفر، همان نصف النهار گرینویچ (گرینویچ) است و لذا فاج مرور به دو نصف النهار ۷/۵ درجه شرقی و ۷/۵ درجه غربی محدود گردیده است و فاج شماره ۱ در خاور فاج صفر قرار دارد و بین

و ۱۹۲ سیاره‌ای وجود نداشت ولی دانشمندان بعدها موفق شدند در محل ۲۴ سیارگان (با شبه سیاره‌ها) را بپایند و در محل ۱۹۲ نیز سیاره اورانوس را در سال ۱۷۸۱ کشف کنند و در نتیجه قانون بود را تأیید نمایند.

با وجودیکه بیشتر دانشمندان علم نجوم قانون بود را فاقد ارزش علمی می‌دانند ولی بجرأت می‌توان گفت این قانون یکی از شگفت‌انگیزترین قوانینی است که تا کنون بوسیله انسان درباره طبیعت بیان گردیده است.

BUYSBALLOT'S LAW

قانون بویس بالو

این قانون توسط هواشناس هلندی بنام بویس بالو در سال ۱۸۵۷ ارائه شده است. به موجب این قانون اگر شخصی در نیمکره شمالی پشت به باد بایستد، فشار هوا در قسمت سمت چپ وی کمتر از فشار هوا در سمت راست او خواهد بود. عکس این وضعیت نیز در نیمکره جنوبی صادق است. چگونگی بدین قرار است که در نیمکره شمالی باد حول نقطه کم فشار مرکزی در خلاف جهت گردش عقربه‌های ساعت و برعکس حول نقطه بر فشار مرکزی موافق جهت گردش عقربه‌های ساعت وزش می‌یابد و عکس این وضعیت در مورد نیمکره جنوبی به همین کیفیت صدق می‌کند.

PLAYFAIR'S LAW

قانون پلی‌فر

قانونی است که بوسیله J. Playfair ارائه شده و در آن رابطه میان رودخانه و بستر آن را مورد بررسی قرار می‌دهد.

LAW OF GENERAL GRAVITATION عمومی

قانون جاذبه عمومی صرفنظر از کیفیت طبیعی آن، اجسام دیگر را بسوی خود جذب می‌کند. میزان شدت یا نیروی کشش "اولا" تابع عظمت جسم یا مقدار جرم آنست. ثانیا "بستگی به فاصله دو جسم از یکدیگر دارد و به نسبت مجذور این فاصله کاهش می‌یابد.

بطور مثال جرم زمین حدود ۳۳۳۰۰۰ بار از جرم خورشید کمتر است. بنابراین نیروی جاذبه خورشید ۳۳۳۰۰۰ مرتبه بیشتر از زمین است. فاصله کیوان از خورشید نه برابر فاصله زمین تا خورشید است، بنابراین جاذبه خورشید نسبت به زحل هشتاد و یک مرتبه کمتر از نیروی جاذبه خورشید نسبت به زمین است.

DARCY'S LAW

قانون داری

معادله‌ای که در چند (میزان) عبور آب از یک آب‌را بیان نماید. این معادله که توسط یک دانشمند فرانسوی بنام H. Darcy در سال ۱۸۵۶ نوشته شده، عبارتست از
$$V = \frac{P}{L} \cdot H$$
 که در این معادله V سرعت، H مقدار آبی که از

سرما و بادهای سرد شدید و وجود یخهای شناور و کوههای عظیم یخ، این قاره تا ایام اخیر ناشناخته مانده بود و هنوز هم اطلاعات صحیح و کاملی از آن در دسترس نیست.

این قاره که پیرامون آن را یخسارها و برفناهای پهناوری فرا گرفته است، تقریباً "مستدیر بوده و فلات مرکزی آن را رشته کوههای عظیمی که ارتفاع پارامای از آنها حدود ۴۵۰۰ متر است تشکیل داده. دمای متوسط این قاره در سراسر سال زیر صفر است و در زمستان به حدود ۴۰ تا ۶۰- درجه می‌رسد.

قاف تا قاف

اصطلاح عامیانه به مفهوم سراسر جهان، از یک سوی عالم تا سوی دیگر، کران تا کران.

قاموس

میانه دریا و گودترین جای دریا.

LAW

قانون

از لحاظ علم حقوق: قانون عبارتست از بیان یک قاعده و دستورالعملی که یک قدرت حاکم یا دولت آنرا برقرار میکند اصولاً "قوانین حدود حاکمیت کلی دارد و قواعد و مقرراتی را مقرر میدارند که مراعات آن اجباری است و کسانی که قوانین شامل آنهاست باید از آن پیروی کنند.

CONSTITUTION

قانون اساسی

مجموعه اصول بنیادی یک ملت یا یک جامعه سیاسی که قدرت و وظایف حکومت را معین و حقوقی را برای مردم تضمین میکند. قانون اساسی عموماً "به دو صورت "مدون" و "عرفی" است که تقریباً تمام کشورهای جهان دارای قانون اساسی مدون می‌باشند و کشور انگلستان مهمترین کشوری است که قانون اساسی مدون ندارد.

BODE'S LAW

قانون بود

طبق این قانون که بوسیله یوهان بود دانشمند آلمانی در سال ۱۷۷۰ پیشنهاد گردیده است، فاصله میان هر یک از سیارات منظومه شمسی و خورشید تابع نظم ریاضی خاصی به شرح زیر است:

اگر بهر یک از سیارات به ترتیب از نزدیکترین تا دورترین آن‌ها نسبت به خورشید ارقام ۰-۳-۶-۱۲-۲۴ و ۴۸ بدهیم و بهر یک از ارقام مزبور (غیر از عدد صفر که متعلق به سیاره عطارد است) عدد ۴ بیفزاییم و حاصل را به ده تقسیم کنیم فاصله هر یک از سیارات به نسبت فاصله زمین از خورشید (که حدود ۱۵۰ میلیون کیلومتر است) بدست می‌آید.

نقص این قانون در زمان وضع این بود که در محل‌های ۲۴

APPARENT MAGNITUDE

قدر ظاهری

مقیاس نجومی درخشندگی نسبی و درخشندگی ظاهری اجرام آسمانی.

درخشندگی نسبی دو ستاره که اختلاف قدرهای ظاهری آنها ۵ باشد برابر ۱۰۰ است. بطور کلی ستارگان قدر دوم ۲/۵۱۲ برابر روشن تر از ستارگان قدر سوم و ستاره های قدر سوم نیز ۲/۵۱۲ برابر روشن تر از ستارگان قدر چهارم و الی آخر است.

ABSOLUTE MAGNITUDE

قدر مطلق

قدری که به ستاره ای نسبت داده می شود هرگاه آن ستاره به فاصله ده پارسک برده شود بنابراین ستارگانی که فاصله آنها از منظومه شمسی کمتر از ده پارسک است چون در این فاصله قرار گیرند کم سوتر بنظر خواهند رسید و آنها که فاصله شان بیشتر است پر نورتر خواهند نمود.

CENTURY

قرن

— سده

QUARANTINE

قرنطین (Quarantin)

محلی که در آن اشخاص، جانوران، گیاهان و اشیایی را که در معرض بیماری های واگیردار بوده اند، مجزا نگه می دارند.

MIDDLE AGES

قرون وسطی

عنوان قرون میان قرون قدیم و قرون جدید در تاریخ اروپا. پاره ای از مورخین سال ۴۷۶ بعد از میلاد را که تاریخ سقوط امپراطوری روم غربی است آغاز قرون وسطی می شمارند و عده ای سال ۱۴۵۰ یا سال ۱۵۰۰ میلادی را پایان آن می دانند.

KARABURAN

قره بوران

باد گرمی که از سوی شمال خاوری منطقه Tarim واقع در سین کینگ می وزد و دشتهای آسیای مرکزی را زیر پوشش سیاه رنگی از گرد و غبار قرار می دهد. این باد معمولاً از اوایل بهار شروع شده و تا اواخر تابستان ادامه دارد. شن و ماسه ای که به همراه این باد حمل می گردد اغلب باعث جابهجایی مسیر رودخانه ها و تغییر بستر آنها می شود.

VILLAGE

قریه

یا روستا — ده

EARTH CRUST

قشر زمین

— زمین و پوسته زمین

ارتفاع معینی به پایین ریزش نماید. L فاصله میان دو نقطه که آب در میان آن دو جریان دارد و P ضریب تراوش پذیری است.

FERREL'S LAW

قانون فرل

به موجب این قانون که بوسیله ویلیام فرل هواشناس آمریکایی وضع شده است، اجسامی که بر سطح زمین حرکت می کنند در نیمکره شمالی به طرف راست و در نیمکره جنوبی به سمت چپ منحرف می شوند. مقدار این انحراف که ناشی از چرخش زمین است در استواء صفر و در قطبین به حداکثر می رسد.

GRAVITATION LAW

قانون گرانش نیوتن

— قانون جاذبه عمومی

KIBLAH

قبله

جهت رو به خانه کعبه که مسلمانان برای نماز روی به آن می ایستند.

COMPASS

قبله نما

نوعی قطب نما که جهت قبله را برای شهرهای مختلف مشخص می سازد.

— قطب نمای مغناطیسی

قبة الارض (Qobbatarz)

جغرافیدانان هندی قرن دوم و سوم هجری بر این فرضیه معتقد بودند که نصف النهار مبدأ از میان جزیره سیلان (سری لانکا) عبور می کند و خط استواء را در نقطه ای واقع در همین جزیره قطع می نماید. این نقطه تقاطع را مسلمانان قبة الارض می نامیدند و موقعیت شهرها و نقاط مختلف دنیای آن روز را نسبت به آن می سنجیدند. نصف النهار مزبور از شهری بنام اوجین می گذشت که هندی ها رصد خانه معتبری در آن بنا نهاده بودند.

TRIBE

قبیله

گروهی از مردم که دارای سرزمین واحد، لهجه مشترک، فرهنگ و یا راه و رسم زندگی نسبتاً یکنواخت و یکسان و نام قبیله ای واحدند و برای خود اصل و نسب واحدی قائلند. از آنجائیکه اشتراک زبان و فرهنگ از مشخصات قبیله است، لذا تمییز حد فاصلی بین ملت و قبیله دشوار است. مسئله اصل و نسب واحد، هسته مرکزی قبیله را تشکیل می دهد.

STELLAR MAGNITUDE

قدر (Qadr)

مقیاسی برای سنجش درخشندگی و تابندگی ستارگان.

تشلای

WINTER QUARTER

سرزمین گرمی که مردم چادرشین زمستان را در آن جا به سر می برند .

قسم (Qeshm)

CANAL

← آب راه

قصبه

BOROUGH

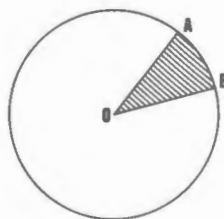
شهر کوچک یا شهرک . آبادی بزرگی که از چند ده تشکیل یافته باشد .

از نظر تقسیمات اداری کشور ایران ، قصبه را می توان معادل دهستان محسوب داشت .

قطاع

SECTOR

شکل هندسی محدود به قوسی از یک دایره و دو شعاع دایره . مساحت قطاع برابر است با حاصلضرب مساحت دایره ای که قطاع به آن تعلق دارد در نسبت زاویه قطاع به پیرامون دایره یا ۳۶۰ درجه .

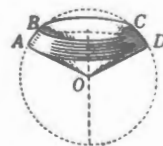


قطاع

قطاع کروی

SPHERICAL SECTOR

شکل حاصله از دوران قطاعی از یک دایره . حجم قطاع کروی مساوی است با $\frac{1}{3}$ حاصلضرب سطح منطقه نظیر آن در شعاع قطاع و آن مساوی است با $\frac{2}{3} \pi R^2 H$ که در این فرمول R شعاع قطاع و H ارتفاع منطقه نظیر آن است .



قطاع کروی

قطب

POLE

۱- هر یک از دو نقطه تقاطع محور چرخش زمین با سطح آن که آنها را قطبهای زمین یا قطبین جغرافیایی می گویند . قطبهای جغرافیایی زمین را نباید با قطبهای مغناطیسی

زمین اشتباه کرد .

۲- هر یک از دو نقطه تقاطع محور عالم با کره عالم یا کره آسمان . این دو نقطه را قطبهای عالم می نامند .

۳- قطب هر دایره از کره عالم ، دو نقطه تقاطع محور آن با سطح کره عالم است .

قطب جنوب

SOUTH POLE

یکی از دو نقطه تقاطع محور زمین با سطح آن که در مقابل قطب شمال واقع شده است . طول جغرافیایی قطب جنوب صفر و عرض آن ۹۰ درجه جنوبی است . — قطبین

قطب سرد

COLD POLE

نامی است تصویری برای منطقه ای از کره زمین بنام ورخوپانکسک واقع در سیبری خاوری ، که میزان سرمای وسط زمستان آن به ۵۰- درجه سانتیگراد می رسد . میانگین سرمای سالانه این نقطه ۱۶/۳- سانتیگراد بوده و بیشترین سرمای آن حدود ۷۰- درجه سانتیگراد ثبت گردیده است . نقطه دیگری با همین مشخصات در نواحی قطب جنوب دیده شده است .

قطب شمال

NORTH POLE

یکی از قطبهای زمین که در نیمکره شمالی قرار گرفته است . دو قطب شمال و جنوب در دو سر محور چرخش زمین قرار گرفته و در واقع تنها دو نقطه ثابتی هستند که سایر نقاط زمین بدور آنها می چرخند . — قطبین .

قطب مغناطیسی

MAGNETIC POLE

هر یک از دو قطب مغناطیس زمین را قطب مغناطیسی می نامند . قطب شمال مغناطیسی در آمریکای شمالی و قطب جنوب آن در جنوبگان (منطقه قطب جنوب) واقع شده اند . محل قطب شمال مغناطیسی در سال ۱۹۷۰ در نزدیکی جزیره Prince Of Wales واقع در کانادا به مختصات ۱۰۰ درجه باختری و ۷۳ درجه شمالی قرار داشته و موقعیت قطب جنوب آن در همان سال ، در South Victoria land جنوبگان (منطقه قطب جنوب) قرار داشته است . نکته جالب این است که قطبین شمال و جنوب مغناطیس هیچگاه روی قطر کره زمین قرار نگرفته و خطوط میان آن دو همواره از فاصله حدود ۱۲۰۰ کیلومتری مرکز زمین عبور می کند .

قطب نمای زمین شناسی

GEOLOGICAL COMPASS

این قطب نما که با قطب نماهای معمولی تفاوت هایی دارد در مطالعات زمین شناسی بکار می رود و از یک جعبه حاشیه دار که عقربهای مغناطیسی در آن نصب شده تشکیل گردیده است . علامتهای W و E یعنی خاور و باختر آن بر خلاف معمول است و درجه های آن از صفر تا ۳۶۰ درجه در جهت عکس عقربه ای

کره ختم می‌گردد.

بعضی دو قطر بنام‌های بزرگترین و کوچکترین قطر دارد.

قطران (Qatrān) TAR

ماده‌ای چسبنده به رنگ قهوه‌ای تیره تا سیاه که از تقطیر زغال سنگ، تورب، چوب و مواد آلی دیگر بدست می‌آید. قطران در دمای معمولی تقریباً سیال است و در سابق از آن برای نفوذ ناپذیر کردن کشتی‌ها در برابر آب استفاده می‌شده است ولی امروزه بیشتر به مصارف استخراج مواد مختلف شیمیایی می‌رسد.

ANGULAR DIAMETER

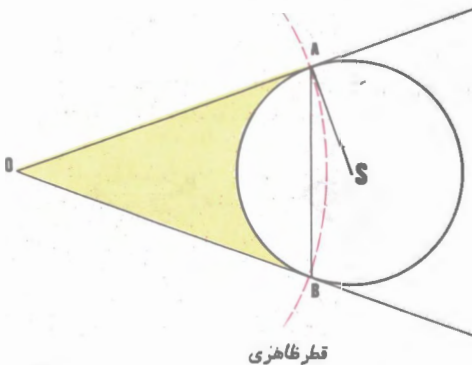
قطر زاویه‌ای

— قطر ظاهری

APPARENT DIAMETER

قطر ظاهری

زاویه‌ای که قطعه خط AB (رجوع شود به شکل) تحت آن زاویه از نقطه‌ای مانند O رویت می‌شود. هر چه AB بزرگتر و O به آن نزدیکتر باشد، قطر ظاهری بزرگتر می‌شود و برعکس. در نجوم با دانستن قطر ظاهری ستاره S و فاصله OS از روی مثلث AOB شعاع SA ستاره قابل محاسبه است. در مورد ستارگانی که فاصله آن‌ها از شخص ناظر بسیار زیاد است، خط AB عملاً همان قطر ستاره است و از همین جا اصطلاح قطر ظاهری پیدا شده است. قطر ظاهری متوسط خورشید ۳۲ دقیقه و ۶ ثانیه و قطر ظاهری ماه ۳۱ دقیقه و ۲۶ ثانیه است و قطر ستاره‌ای بنام اب‌الجوزا حدود ۰/۰۴۵ ثانیه است؛ از آنجاییکه فاصله این ستاره از زمین معلوم است لذا با ضرب کردن قطر ظاهری در فاصله آن قطر کره مزبور معادل ۸۰۰ برابر قطر خورشید محاسبه شده است.



SEGMENT

قطعه

- ۱- قطعه دایره، شکل محدود به قوسی از دایره و وتر آن.
- ۲- قطعه کره، جسم محدود به یک منطقه کروی و دو قاعده آن. اگر منطقه محدود کننده یک قطعه کروی یک قاعده داشته

ساعت شماره‌گذاری گردیده و دارای شیب سنجی است که بوسیله آن شیب طبقات را تعیین می‌کنند.

GYROCOMPASS

قطب‌نمای ژيروسکوپی

قطب‌نمایی که بوسیله خواص ژيروسکوپ کار می‌کند. از این قطب‌نما در کشتی‌ها و هواپیماها برای یافتن جهت شمال جغرافیایی استفاده می‌شود.

یکی از مشخصات قطب‌نمای ژيروسکوپی در مقایسه با قطب‌نمای مغناطیسی این است که علاوه بر نشان دادن شمال جغرافیایی زمین، اجرام مغناطیسی و یا جریان‌های برقی مجاور آن تأثیری در آن ندارند.

— ژيروسکوپ

MAGNETIC COMPASS

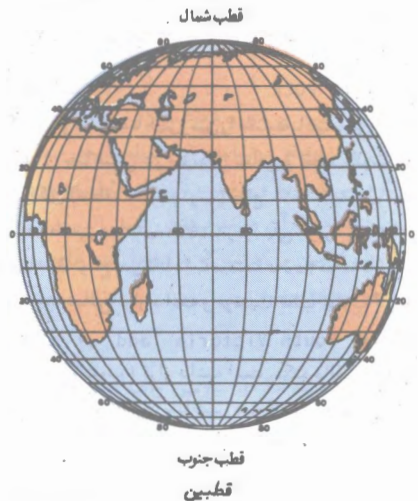
قطب‌نمای مغناطیسی

قطب‌نما عبارت از محفظه مدرجی است که در داخل آن یک عقربه مغناطیسی روی پایه نوک تیز و لغزانی نصب گردیده است. دو سر این عقربه در حالت رهایی، جهت قطب شمال و جنوب مغناطیسی زمین را نشان می‌دهد.

POLES

قطبین

شمالی‌ترین و جنوبی‌ترین نقاط زمین که در دو سر محور چرخش زمین قرار گرفته‌اند و به آن‌ها قطب‌های جغرافیایی نیز می‌گویند.



CELESTIAL POLES

قطبین عالم

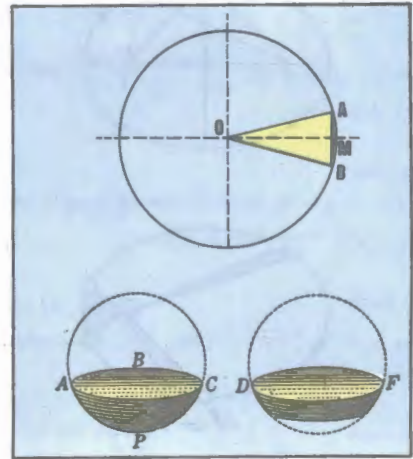
— کره عالم

DIAMETER

قطر (Qatr)

قطر یک دایره یا یک کره عبارت از خط مستقیمی است که از مرکز دایره و یا کره می‌گذرد و از دو طرف به محیط دایره یا

باشد. به شکل حاصله عرقچین می‌گویند.



قطعه

قطیعه (Qati'eh)

یا اقطاع، قطعه زمین یا ملکی که از جانب خلیفه یا سلطان به یکی از امراء بعنوان استقلال (بهره‌برداری از عواید) و یا تملیک (مالکیت ارضی) واگذار شود.

رسم قطیعه با اقطاع از عهد حیات پیغمبر اسلام (ص) سابقه دارد و تا دوره صفویه و قاجاریه نیز در ایران متداول بوده است.

قلب الاسد

INVERTASE

ستاره آلفا در صورت فلکی اسد. قلب الاسد ستاره‌ای سفید رنگ و از قدر اول است و هشت ماه از سال در عرض‌های جغرافیایی میانه شمالی دیده می‌شود. این ستاره با سرعتی حدود ۱۰۰۰ کیلومتر در ساعت از زمین دور می‌شود و حدود ۱۰۰ مرتبه از خورشید درخشنده‌تر است.

ستاره قلب الاسد را از روزگاران گذشته می‌شناخته‌اند و به مناسبت واقع شدن خورشید در برج اسد در امرداد ماه، گرمای شدید نیمه تابستان را گرمای قلب الاسد گفته‌اند.

(تصویر در صفحه ۲۹)

قلب العقرب

ANTARES

ستاره آلفا در صورت فلکی عقرب. این ستاره از جمله غولپیکران سرخ رنگی است که تقریباً ۳۰۰ بار از خورشید بزرگتر است. به مناسبت تشابهی که از لحاظ رنگ با کره مریخ دارد به آن رقیب مریخ یا مریخ مانند نیز می‌گویند و نام یونانی انتارس بهمن مفهوم است. صورت فلکی عقرب در نیمکره جنوبی آسمان واقع است.

قلزم (Qolzum)

۱- دزیا.

۲- رود بزرگ.

قلع

TIN

عنصر فلزی متبلور با جلای نقره‌ای و علامت شیمیائی Sn. کانی عمده قلع کاسیتريت نام دارد. فلز قلع بسیار نرم است و کمی از سرب سخت‌تر است و از آن بصورت پوسته نازکی برای روکش کردن ورقه‌های آهن و یا فولاد استفاده می‌شود تا از زنگ زدن آنها جلوگیری شود. قلع در ساختمان بسیاری از آمیزه (آلیاژ) ها بکار می‌رود و از اکسید آن برای تهیه لجام چینی استفاده می‌شود. حالت نقره‌ای قلع در دمای زیر ۱۸ درجه سانتیگراد ناپایدار است و در دماهای پست‌تر بصورت گردی خاکستری در می‌آید که به آن طاعون قلع یا بیماری قلع می‌گویند.

قلعه

FORT

محوطه‌ای محصور، با دیوارها و برج‌های محکم که جهت اقامت سربازان و یا سکنه بنا کنند تا از حملات دشمن در امان باشند.

قلمستان

NURSERY

زمینی که در آن قلمه‌های درختانی چون بید و تبریزی (مخصوصاً تبریزی) بکارند تا از چوب آن استفاده نمایند.

قلوه سنگ

COBBLESTONE

سنگ گرد و صاف که اندازه آن بزرگتر از ریگ و کوچکتر از گرداله باشد.

قله

PEAK

بلندترین نقطه هر کوه را قله آن کوه می‌نامند.

قلیا

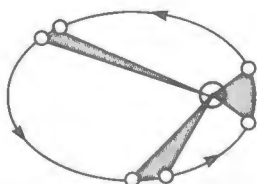
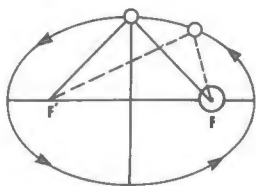
ALKALI

شیدرواکسید فلزات محلول در آب. قلیاها دارای خواص بازی هستند و بعلت خاصیت سوزاندگی آنها را قلیاهای سوزآور نیز می‌گویند. از بازهای قلیایی در صنعت صابونسازی و کاغذ سازی استفاده می‌شود.

قمر

MOON

کلبه اجرام طبعی که به دور سیارات گردش می‌کنند قمر نام دارند. این واژه بیشتر در مورد کره ماه بکار می‌رود. — ماه و سیارات

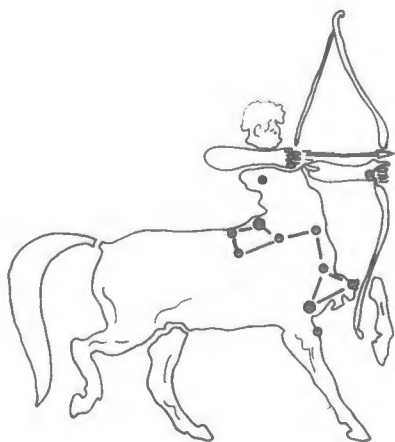


قوانین کپلر

SAGITTARIUS/ARCHER

قوس (Qows)

با رامی، نهمین صورت فلکی در منطقه البروج و نهمین ماه در تقویم هجری خورشیدی برابر آذر ماه در تقویم رسمی ایران.



قوس

SATELLITE

قمر مصنوعی

ماهواره

QANAT

قنات

با کاریز، مجرانی است که به کمک چاههای متعدد در زیر زمین حفر شود تا آب زیر زمین کوها یا بامها را بداخل دشتها روان ساخته و به مصرف کشاورزی و غیره برسد.

CENTAUR

قنطورس (Qanturas)

صورت فلکی واقع در نیمکره جنوبی آسمان که ستارههای درخشان و خوشههای متعدد دارد. ستاره آلفای این صورت از حیث درخشندگی سومین ستاره آسمان است و ۴ ۱/۳ سال نوری از زمین فاصله دارد. این ستاره یک ستاره سه گانه ای است که به گرد یک دیگر می گردند.

KEPLER'S LAWS

قوانین کپلر

یوهانس کپلر منجم و دانشمند آلمانی (۱۵۷۱-۱۶۳۰) سه قانون در بیان گردش سیارات بر گرد خورشید بشرح زیر وضع کرده است:

- ۱- مدار هر سیاره بدور خورشید بیضی شکل است و خورشید در یکی از دو کانون آن قرار دارد.
 - ۲- شعاع حامل سیاره (خط واصل میان خورشید و سیاره) در زمانهای مساوی سطوح مساوی طی می کند.
 - ۳- نسبت مربعات زمان گردش هر دو سیاره به یکدیگر مساوی است با نسبت مکعبات فواصل متوسط آنها از خورشید.
- بطور مثال اگر T و t زمان گردش دو سیاره بدور خورشید و D و d فواصل متوسط آنها از خورشید باشد

$$\frac{T^2}{t^2} = \frac{D^3}{d^3}$$

به قانون سوم، قانون توافقی نیز می گویند.



قنات

کشاورزی کوهستانی چون برزیل، کلمبیا، آنگولا، مکزیک، اوگاندا، اتیوپی، اندونزی و گواتمالا بشمار می‌رود.

قیافه‌شناسی PHYSIOGNOMY

دانشی پی بردن به خوی باطنی و سجایا و ضمیر اشخاص از سیما و رنگ و شکل اندامها و ظاهر آنان مخصوصاً "چهره" ایشان.

اهمیت ساخت بدن در قیافه‌شناسی از زمان بقراط (حدود ۴۰۰ سال پیش از میلاد) سابقه دارد و اهمیت طبیی اختلافات در ساخت بدن محقق شده است.

در فرهنگ اسلامی علم قیافه‌شناسی را فراست می‌نامند و آن عبارتست از دریافتن باطن چیزی از راه نگریستن بظاهر آن.

قیر PITCH

مخلوطی از تیدروکربورها، به رنگ سیاه مایل به قهوه‌ای و چسبنده که در دمای معمولی جامد است و بر اثر گرما نرم و سیال می‌شود. قیر محصول باقیمانده از تقطیر نفت خام و قطران است.

مخلوط قیر با شن و ماسه به عنوان اسفالت در حاده سازی بکار می‌رود و همچنین با آن نوارهای پارچه‌ای یا کاغذی فیر اندود می‌سازند که برای آب بندی و عایق سازی سقف و کف ساختمان‌ها و نوله‌های آب مورد استعمال فراوان دارد.

قیراط (Qirāt) CARAT

الف - درجه‌ای که میزان خلوص عبارتلاً را مشخص می‌سازد، مثلاً "طلای ۲۴" عبارتلاً از است که ۲۲ قسمت آن زرباب و ۲ قسمت آن مس است. درجه خلوص نقره، طلای سفید، سیکل و پلاتین را سیر یا همین واحد می‌سنجند و آن را با علامت اختصاری K نمایش می‌دهند مانند طلای 24K ب - واحد اندازه‌گیری وزن الماس و سایر سنگ‌های گرانبها را سیر قیراط می‌نامند. وزن بین‌المللی هر قیراط ۰/۲ گرم است و هر قیراط به صد قسمت تقسیم می‌شود که هر قسمت را یک Point می‌گویند.

قیف SINK HOLE

— حاک

قیفاووس (Qifāvus) CEPHEUS

صورت فلکی سمک‌ه شمالی، در این صورت که از شخصیت اساطیری یونان قدیم نام گرفته است ساره، دلنا که از سارکان معبر و از قیفاووسیان برجسته است حالت بوحه می‌یابند. (تجویر در صفحه ۲۷۴)

قوس (Qows) ARC

— کمان

قوس قزح (Q-qozah) RAINBOW

— رنگین کمان

قوم (Qum) KUM

واژه‌ای در ترکستان شوروی که به مفهوم کویری که سبزه‌های شنی فراوانی داشته باشد بکار می‌رود.

قوه قضائیه JUDICIAL POWER

یکی از سه قوه اداره کننده کشور. شامل کلیه دستگاههای قضایی و دادگستری.

قوه مجریه EXECUTIVE POWER

یکی از قوای سه گانه کشور که موظف به اجرای قوانین و مقررات است و آن شامل رئیس کشور (شاه در حکومت مشروطه و رئیس جمهور در حکومت جمهوری) و هیئت وزیران است.

قوه مقننه LEGISLATOR POWER

یکی از قوای سه گانه اداره کننده کشور که مسئولیت وضع و تصدیق قوانین را دارد. این قوه از مجلس یا محاسن قانونگذاری و نوسیح کننده قانون و هماهنگ کننده قوانین با موازین شرعی تشکیل می‌یابد.

قهاب (Qohāb) QOHAB

معرب واژه فارسی کهاب با کوه آب و نام چند روستا و دهستان در ایران.

قهستان (Qohestān) QOHESTAN

معرب فارسی واژه کهستان یا کوهستان. ناحیه‌ای است در خراسان بزرگ واقع میان شهرهای نیشابور، هرات، سیستان، کرمان و برد.

قهندز (Qohandēz) QOHANDEZ

معرب واژه فارسی کهن در یا کهن در نام قلعه‌های مسحکمی که در وسط بعضی از شهرهای بزرگ ایران ساخته شده بوده.

قهوه COFFEE

میوه از درختان مخصوصی که در سرزمین‌های مریمع استوائی می‌روید بدست می‌آید. میوه قهوه از حبایوده دو لبدای‌ها بوده و بشکل حوشه‌های قرمز مایل به ساه دیده می‌شود. میوه قهوه را پس از خشک کردن بو داده و سپس آسیاب کرده، محجوب بوسایه می‌نوسند. قهوه یکی از فراورده‌های مهم



قیفا روس

قیمومت (Qeyumat) TRUSTEESHIP

نظام نظارت سازمان ملل متحد بر سرزمینهایی که دارای استقلال نیستند.

قیمومیت MANDATE

عنوان نوعی نظام سرپرستی که پس از جنگ جهانی اول، بر طبق ماده ۲۲ میثاق "جامعه ملل" برای اداره سرزمینهای سابق دولت عثمانی و مستعمرات سابق آلمان برقرار شد.

متعامد X و Y گفته می‌شود، که وضع آن نقطه را در صفحه معین می‌کند و با بفاصل آن از سه محور عمود بر یکدیگر (X و Y و Z) که نشان دهنده محل نقطه در فضا است، اطلاق می‌گردد.

CARTOGRAPHY

کارتوگرافی

الف - به مفهوم اعم، کلیه عملیات تهیه نقشه شامل عملیات صحرائی و دفتری را گویند.

ب - به مفهوم اخص، هنر نقشه‌کشی یا رسم نقشه و جارت شامل می‌گردد.

KARST

کارست

منطقه‌ای آهکی که تمام جویبارهای آن بصورت مجراهای زیر زمینی درآمده و سطح آن کاملاً خشک و برهنه باشد. در این گونه مناطق املاح کربنات کلسیم موجود در سنگ بر اثر ریزش بارانهای حاوی دی اکسید کربن شسته شده و فقط مواد غیر قابل حل آنها باقی مانده است. در سطح اینگونه مناطق فقط چند جویبار کوچک جریان دارد که آنها نیز پس از طی مسافت کوتاهی از درون سوراخهایی بنام چاهک بزرگ زمین فرو می‌روند. مهمترین کارستها در اتحاد جماهیر شوروی دریاچه کریچه وجود دارد که تا کشور یوگسلاوی گسترده است.



کارست

کاروانرو (Kārvānro)

راهی که کاروان از آن عبور کند.



RUBBER

کائوچو

جسم جامد معمولاً قابل ارتجاعی که از ترشح شیرابه گیاهان گوناگون بدست می‌آید. کائوچوی طبیعی شیدروکربور خالصی است با وزن مولکولی زیاد که بدلیل قابلیت ارتجاع، سختی، نفوذناپذیری، چسبندگی و مقاومت، موارد استعمال فراوانی دارد.

KAOLIN

کائولین

— خاک چینی

CAPITALISM

کاپیتالیسم

— سرمایه داری

CAPITULATION

کاپیتولاسیون

وضع ناشی از قراردادهایی که دول زورمند و استعمارگر (بوژه در قرن ۱۹) به دول ضعیف تحمیل می‌کنند و بموجب آن اتباع دولت زورمند، پس از ورود به قلمرو دولت ناتوان تحت حاکمیت محاکم دول متبوع خود باقی می‌مانند و محاکم کشور ضعیف حق محاکمه آنها را ندارند. کاپیتولاسیون را در پاره‌ای کتاب‌های حقوقی، حق قضاوت کنسولی اصطلاح کرده‌اند. این اصطلاح ناشی از آن است که معمولاً "محاکمه اتباع دول استعماری را در قلمرو یک دولت ضعیف مامورین کنسولی آن دول به عهده داشته‌اند.

CATASTROPHISM

کاتاستروفیسم

نظریه‌ای که پیدایش عوارض و موجودات مختلف زمین را بر اساس رویدادها و بلاهای ناگهانی فرض می‌نماید و پیدایش مداوم و تاثیر تدریجی طبیعت در ساختمان عوارض و تحولات حیاتی را مردود می‌داند.

البته اثر پاره‌ای رویدادهای ناگهانی و با بهمارت دیگر، بلاهای طبیعی مانند سیل و زمین لرزه و آتشفشانی و امثال آن در تغییر شکل چهره زمین قابل انکار نیست، ولی باید توجه داشت که اثر اینگونه عوامل اساساً "موقتی و محلی است.

CARTESIAN

کارتزین

مربوط به دکارت دانشمند معروف فرانسوی و نظرات او. در ریاضیات مختصات کارتزین به فواصل نقطه از دو محور

بسوی کنارهای یخچال منحرف شده باشد .

CACAO

کاکائو

درختی است استوائی که بومی امریکای جنوبی است و پس از فتح امریکا بدست دولت اسپانیا ، کشت آن در اروپا و دیگر جاها بتدریج رواج یافت . میوه های این گیاه را پس از چیدن انبار می کنند تا بهوسد . پس از آن دانه ها را جمع آوری می کنند و به مصرف می رسانند . دانه این گیاه که به کاکائو موسوم است محتوی ماده ای است بنام نشو ورمین بعلاوه مقدار زیادی مواد ازته و چربی . این گیاه امروزه در کشورهای امریکای جنوبی و پاره ای کشورهای افریقایی کشت می شود . کاکائو علاوه بر مصارف معمولی درامور طبی نیز کاربرد دارد .

GULLY

کال

آبراه تنگ و طولی که بر اثر شسته شدن زمین بوسیله آب پدید آمده باشد . این عارضه که غالباً " درکوهپایه ها دیده می شود از فرنگد و دره کوچکتر است و فقط هنگام بارندگی یا آب شدن برف و یخ دارای آب بوده و در سایر مواقع تقریباً خشک است . — آبکند

COULOIR

کالار

آبکند تند و بر شیبی که بطور عمیق در دامنه کوهستان پدید آمده باشد .

FLOTSAM

کالای آب آورده

کالا یا قسمتی از یک کشتی غرق شده که در سطح دریا شناور بیا بند .

CALORIE

کالری

واحد مقیاس برای حرارت و آن مقدار حرارتی است که یک سانتی متر مکعب آب مقطر را باندازه یک درجه سانتیگراد گرم تر کند . کالری بزرگ یا کیلوکالری معادل ۱۰۰۰ کالری کوچک است و انرژی مواد غذایی را بر حسب آن می سنجند . هرکالری برابر $\frac{1}{853}$ بی تی یواست .

ENTREPOT

کالنبار (Kālanbār)

محلی که کالاهای بازرگانی را به آن جا حمل و موقتاً "انبار می کنند و سپس به نقاط مختلف توزیع می نمایند .

CAMBRIAN PERIOD

کامبرین

نخستین دوره زمین شناسی پس از دوران پارین زیوی که در تخته سنگ های آن نشانه های فراوانی از زندگی بی مهرگان

CARAVANSARY

کاروانسرا

۱- بنای مخصوص توقف و استراحت کاروانیان و مسافران که در گذشته در کنار جاده ساخته می شد .
۲- محوطه های شامل حجره های متعدد که بازرگانان در آن ها بکار و تجارت می پردازند و در انبارهای آن کالاهای خود را جای می دهند . به اینگونه کاروانسراها سرای نیز گفته می شود .

QANAT

کاریز

— قنات

کاز (Kāz)

محلی که در کوه و یا بیابان کنده شده و برای بیتوته و استراحت مردم و چارپایان اختصاص داده شده باشد .

CALDERA/BASAL WRECK

کاسه آتشفشانی

حوضچه نسبتاً بزرگی که پیرامون آن را پرتگاههای پر شیب فرا گرفته باشد . معمولاً " اینگونه عوارض بر فراز قله های آتشفشانی تشکیل می گردد و اغلب بصورت دریاچه کوچکی دیده می شوند . در پاره ای از اینگونه عوارض که بر فراز قله های آتشفشانی نیمه خاموش تشکیل شده اند ، مخروط ها و یا قیف های کوچکی دیده می شود که هنوز به فعالیت اشتغال داشته و غالباً " دود و بخار آب و حتی گدازه های آتشفشانی از آن خارج می گردد . یکی از بزرگترین و شناخته ترین کاسه های آتشفشانی که ابعاد آن در حدود ۱۶×۲۲ کیلومتر است در ژاپن و بر فراز قله ASO که یک آتشفشان فعال است دیده می شود . (تصویر در صفحه ۲۷۸)

CEPHALOMETRY

کاسه سر سنجی

بررسی روشهای اندازه گیری کاسه سر .

PAPER

کاغذ

ورقه نازک و همواری که معمولاً " از خمیر مواد مختلف گیاهی و کهنه و کاه و برنگهای گوناگون تهیه می شود . واژه کاغذ از لفظ چینی کوکدز یا کاکدز اقتباس شده و کلمه انگلیسی آن از لفظ یونانی پاپیروس اخذ گردیده . تقریباً " بیش از نیمی از کاغذ نو از کاغذهای کهنه و مستعمل ساخته می شود .

CREVASSE

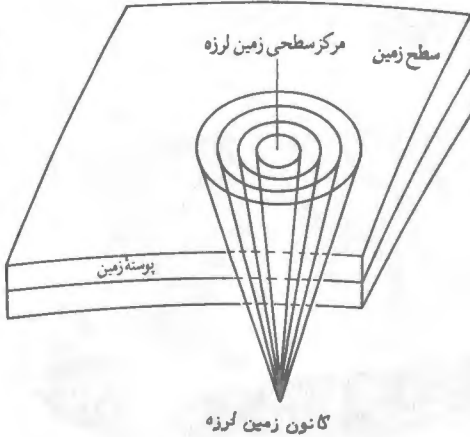
کافت (Kāft)

— شکاف یخی

SPLAYING CREVASSE

کافت اریب (K-e-orib)

کافتی که در امتداد طول یخچال پدید آمده و بطور مورب



کانون ژرف
DEEP FOCUS
کانون زمین لرزه‌ای که در ژرفای بیشتر از ۳۰۰ کیلومتر قرار گرفته باشد.

کانه
ORE
آن دسته از مواد معدنی فلزداری که فاقد ارزش اقتصادی بوده و نوعی هرزه سنگ بشمار می‌آیند. کانه‌ها معمولاً بصورت نهشت‌های متراکم یافت می‌شوند.

کانه فرو منیزیم
FERROMAGNESIAN MINERAL
ماده معدنی که از ترکیب آهن و منیزیم درست شده باشد. از مهمترین انواع این کانه زبرجد و یشم را می‌توان نام برد.

کانی
MINERAL
زمین شناسان هر کانی را عبارت از ماده‌ای غیر آلی می‌دانند که شکل ظاهری، ترکیب شیمیایی و خواص فیزیکی ویژه‌ای دارد. این خصوصیات یا همواره ثابت است و یا در حد معین تغییر می‌کند. بیشتر کانیهای که در سطح زمین شناخته شده‌اند جامدند.

کانی شناسی
MINERALOGY
شاخه‌ای از زمین شناسی که راجع به کانیها گفتگو می‌کند.

کانیون
CANYON
این واژه از لغت اسپانیایی Canon گرفته شده و معنای آن بشرح زیر است:

الف - دره ژرفی که دیواره‌های آن دارای شیب تند بوده و معمولاً رودخانه‌ای در کف آن جریان داشته باشد. اینگونه

دیده می‌شود. این نام در سال ۱۸۳۶ میلادی به وسیله دانشمندی بنام A. Sedgwick برای دوره مزبور پیشنهاد گردیده.

دوره کامبرین از حدود ۲۰ ± ۶۰۰ میلیون سال پیش آغاز شده و به حدود ۴۱۰ تا ۵۰۰ میلیون سال قبل پایان یافته است. آثاری از تخته‌سنگ‌های این دوره در قسمت‌های شمال خاوری اسکاتلند دیده می‌شود.
- از مته زمین شناسی

کامپولت
COMMONWEALTH
- مشترک المنافع

کانال
CANAL
- آبراه

کانال پاناما
PANAMA CANAL
- به پاناما

کانال سوئز
SUEZ CANAL
ترعه‌ای است در خاک مصر که مدیترانه را بدریای سرخ متصل میکند و در قرن ۱۹ میلادی بوسیله فردینان دولسپس فرانسوی حفر شده و امریکاییان آنرا بهایان رسانیدند. طول این ترعه از بندر سوئز در ساحل بحر احمر تا پرت سعید در مدیترانه ۱۶۸ کیلومتر است.

کانون
FOCUS
نقطه‌ای که شعاع‌های نور، حرارت یا صوت در صورتی که مانعی سر راهشان نباشد بدانجا متقارب می‌شوند و یا از آنجا بطور حقیقی و یا ظاهری متباعد می‌گردند.

کانون زمین لرزه
SEISMIC FOCUS
مرکز ارتعاشات زمین لرزه واقع در زیر زمین را کانون زمین لرزه می‌گویند.

اگر از کانون زمین لرزه که گاه در اعماق ۷۰۰ کیلومتری زیر پوسته زمین قرار دارد خطی بسطح زمین عمود کنیم محل تلاقی خط مزبور با سطح زمین را مرکز زمین لرزه می‌خوانند. معمولاً زمین لرزه‌ها را از نظر عمق کانون به سه دسته بشرح زیر تقسیم می‌کنند:

الف - زمین لرزه‌های عمیق که عمق کانون آن بیش از ۳۰۰ کیلومتر است.

ب - زمین لرزه‌های متوسط که عمق کانون آن بین ۷۰ تا ۳۰۰ کیلومتر است.

پ - زمین لرزه‌های کم عمق که عمق کانون آن از ۶۰ کیلومتر کمتر است.

- امواج زمین لرزه و مرکز زمین لرزه



گابه آتشفشان

EXPLORATION

کاوش

جستجو کردن و کاویدن و تفحص کردن درباره سرزمینهای ناشناخته که در اصطلاح اکتشاف نیز گفته می‌شود.

کاینات

همه موجودات جهان .

LEAP YEAR

کبیسه

سال کبیسه

TIME CAPSULE

کپسول زمان

محفظه موئکی شکل از آلباز مس و کرم و نقره بوزن حدود ۳۶۰ کیلوگرم و بطول حدود ۲/۴ متر، محتوی گزارشی از تمدن کنونی بشر که در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۳۸ در عمق ۱۵ متری محل بازار مکاره جهانی سال ۱۹۳۹ نیویورک برای آیندگان در زیر خاک بودیمه گذارده شده. ساختمان محفظه مزبور طوری است که محتویاتش حدود ۵۰۰۰ سال محفوظ می‌ماند.

SMALL MOUND

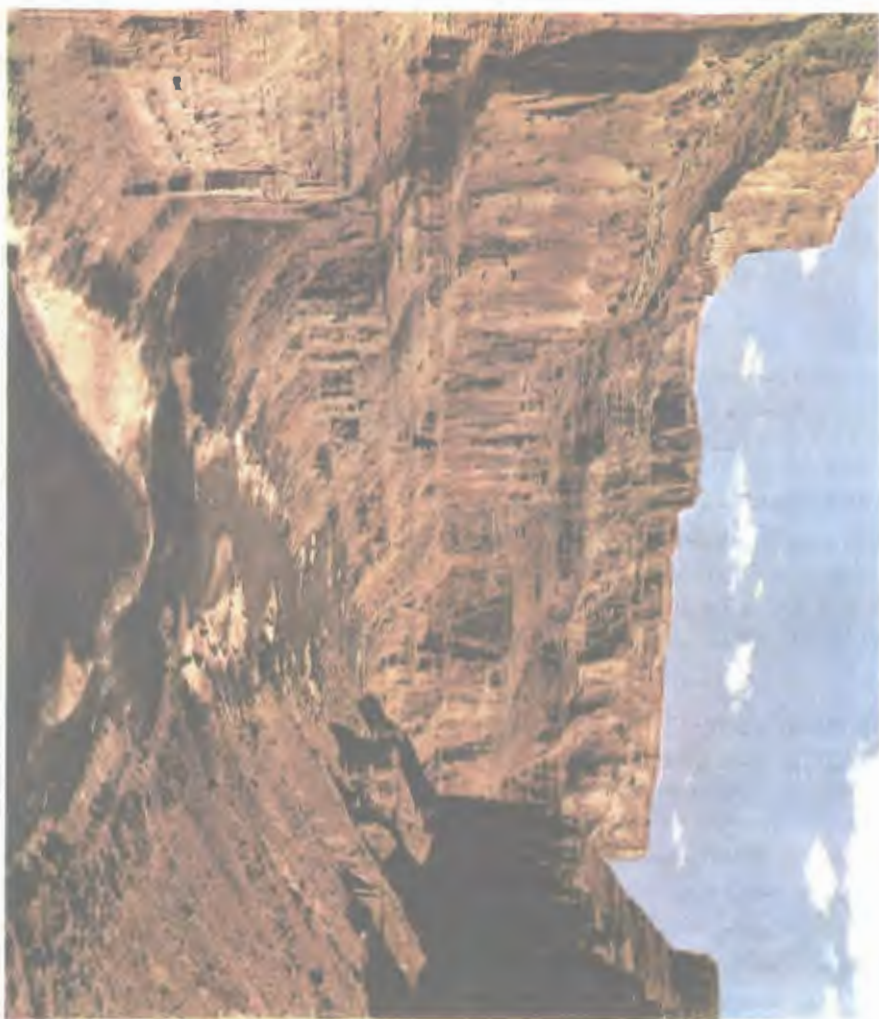
کپه (Koppeh)

پشته کوچکی که به آن کبه یا قبه نیز می‌گویند.

دره‌ها معمولا" در اراضی سست، کم باران و نسبتا" خشک دیده می‌شود که رودخانه فرساینده‌ای که از کوهستانهای پربرف نواحی دوردست سرچشمه گرفته در آن جریان دارد. مانند دره Grand Canyon در کشور ایالات متحده امریکا که رودخانه کلرادو در آن جریان دارد. ژرفای این دره در پاره‌ای مناطق حدود ۱۵۰۰ متر بوده و عرض کف آن در مقابل پهنای بالای آن که گاهی تا ۱۵ کیلومتر می‌رسد خیلی تنگ و باریک است.

ب- عارضه‌ای واقع در کف دریا که به دره‌ای با دیوارهای تند شباهت داشته و غالبا" در دهانه رودخانه‌های بزرگ دیده می‌شود. مانند کانیون‌های دهانه رودخانه هودسن واقع در امریکای شمالی و رودخانه کنگو واقع در افریقا. چگونگی پیدایش کانیونهای زیر دریایی عبارتست از:

- ۱- گسستگی و جابجا شدگی پوسته زمین در کف دریا.
- ۲- فرسایش گل و لای کف دریا در نتیجه وجود جریانهای قوی زیر آبی.
- ۳- بلندشدن کف دریای مقابل دهانه رودخانه و فرسایش آن در نتیجه ریزش آب رودخانه به دریا. (تصویر در صفحه ۲۷۹)



کتان

روغن بزرگ که در صنعت رنگ سازی مورد استعمال دارد تهیه می‌کنند. این گیاه در آب و هوای خشک رشد نموده و دارای انواع زینتی نیز می‌باشد.

FLAX

کتان

گیاهی است به ارتفاع حدود یک متر، دارای برگهای نوک تیز و نيزه‌ای و گل‌هایی کوچک و آبی رنگ. در گذشته از الیاف این گیاه در پارچه بافی استفاده می‌شد ولی امروزه بیشتر دانه‌های روغنی آن را (بنام بزرگ) بکار گرفته‌اند و از آن

بطور کلی کرانه‌های دریا را به گونه‌های زیر طبقه‌بندی می‌کنند

الف- کرانه‌های مرتفع .

ب- کرانه‌های پست .

الف- کرانه‌های مرتفع کرانه‌هایی هستند که محور جیس خوردگی کوهها، عمود و یا موازی با خط ساحل باشد . این کرانه‌ها بر دو گونه‌اند :

۱- کرانه‌های عرضی شامل سواحل مردابی و سواحل یخچالی است .

۲- کرانه‌های طولی .

ب- کرانه‌های پست که معمولاً " محاور حلگه‌های ساحلی قرار دارند .

کرانه‌دار GROIN

دیواره کوتاهی که در داخل دریا و کم و بیش عمود بر ساحل آن ساخته شده باشد . هدف از این دیواره جلوگیری از حرکت شن و ماسه و تقلیل فرسایش زمین است .

کرانه طبیعی NATURAL COAST

خط کرانه‌ای که هیچگونه تغییرات ارتفاعی در آن پدید نیامده باشد .

کرانه موافق CONCORDANT COAST

← کرانه همرو

کرانه ناهمرو DISCORDANT COAST

کرانه‌ای که نسبت به رشته ارتفاعات ساحلی بطور اریب قرار گرفته باشد .

کرانه همرو CONCORDANT COAST (K-qe-hamro)

کرانه‌ای موافق که در امتداد رشته ارتفاعات ساحلی قرار گرفته باشد . هنگامی که ارتفاعات ساحلی عمود بر کرانه دریا باشد ، دنباله ارتفاعات در دریا معمولاً " حزیره‌های متعددی را بوجود می‌آورد . (توضیح در صفحه ۲۸۱)

کراسی LITTORAL

سوازی از خشکی که پیرامون دریا را فرا گرفته و در حد کسند (حرر و مد) آب دریا واقع شده‌اند . در انبیاوس‌ها معمولاً این قسمت عیارب از منطقه کم عمقی است که به خشکی متصل بوده و ریسنگاه بسیاری از جانوران و گیاهان دریایی را تشکیل می‌دهد .

این قسمت که گاه کفه دریایی و یا زرفانیت و فلات فاره نامیده می‌شود . سرسارترین مکان ماهگیری جهان است .

کتل (Kotal) HILL

یا تپه بلند .

← تپه

کتیر (Kateir) SALT-FLAT

← شوره زار

کجمنائی (Kajnamā'i) ABERRATION

ناهنوائی یک دستگاه سوری از ایجاد تصویر دقیق از اشیاء . کجمنائی را نباید ناشی از عیبی در ساختمان آینه و یا عدسی دستگاه سوری شمرد بلکه کجمنائی ذاتی آینه‌ها و عدسی‌های کروی است .

کجمنائی نور ABERRATION OF LIGHT

تغییر محل طاهری و متناوب مختصر یک ستاره یا جرم فلکی دیگر در نتیجه تاثیر توأم حرکت نور و حرکت زمین .

کدآمانی (Kadāmā'i) ECONOMY

اداره منابع یک منطقه یا یک اجتماع . بویژه اعمال مدیریت در امور مالی و دارایی .

کدحدا VILLAGE HEADMAN

متصدی امور ده ، دهیان ، دهدار .

کران HORIZON

← افق

کراندست COASTAL PLAIN

← دشت ساحلی

کرانماسه (Karānmāseh) SANDBANK

پشته‌ای از ماسه در دریا یا رودخانه که هنگام پائین رفتن آب پدیدار شود .

کرانه (Karāneh) COAST

فصل مشترک خشکی با سطح آب دریا .

این فصل مشترک در کرانه‌های بدون جزر و مد ، تقریباً " ثابت است ولی در سواحلی که دارای جزر و مد است تغییر می‌کند و بوسیله زمین‌های ساحلی افروخته و با کم می‌شود . تعریف فوق را می‌توان با قدری احتیاط بدینریت و بصورت تعریف کلی ربر تعمیم داد :

کرانه یا ساحل قسمتی از زمین است که حد فاصل میان آب و خشکی باشد . این خط عبارت از نواره‌ای است از خشکی که پیرامون آب را فرا گرفته و تحت تاثیر مستقیم امواج آب واقع شده باشد .

با آنچه که هر کدام را معمولاً برای گشت خاصی اختصاص داده باشند.
CRETACEOUS کرتاسه

سومین دوره از دوران میان زیوی (میان زیست) مربوط به ۷۰ تا ۱۳۵ میلیون سال پیش.

— آزمه زمین شناسی

KRATOGEN کرتوژن
بخشی از پوسته زمین که سخت و غیر قابل حرکت باشد.

کورز (KorZ)
زمینی را که برای سبزی کاری یا زراعت دیگر هموار کنند و کناره‌های آن را بلند سازند.

کوسی
حاکم نشین و مرکز یک ناحیه.

کورود (Korur)
واحد شمارش هندی، معادل پانصد هزار در ایران و صد لک در هندوستان هر لک برابر ۱۰۰۰۰۰ است.

کرونومتر CHRONOMETER
زمان سنج فوق العاده دقیقی که معمولاً "برای عملیات نجومی، کشتیرانی و یا کارهای دیگری که به ثبت و اندازه‌گیری زمان دقیق نیازمند است بکار می‌رود.

کره SPHERE
شکل هندسی سه بعدی‌ای که همه نقاط آن از نقطه ثابتی بنام مرکز کره بیک اندازه باشد.

مقطع کره ب شکل دایره است و اگر سطح مقطع از مرکز کره بگذرد، دایره مقطع بزرگترین مقدار را پیدای می‌کند و به همین مناسبت دایره عظیمه نامیده می‌شود، در غیر این صورت مقطع یک دایره صغیره است. کوتاهترین فاصله میان دو نقطه بر سطح کره قوسی است از دایره عظیمه‌ای که بر آن دو نقطه بگذرد. هر دایره عظیمه کره را به دو نیمه برابر بنام نیمکره تقسیم می‌کند. مساحت (S) و حجم کره (V) را می‌توان از فرمول‌های زیر بدست آورد.

$$S = 4\pi R^2$$

$$V = \frac{4}{3}\pi R^3$$

که R شعاع کره است.

کره آسمان CELESTIAL SPHERE
— کره عالم

کره جغرافیائی TERRESTRIAL GLOBE
کره‌ای که نقشه زمین، سیارات، ستارگان و با کره عالم، بر سطح آن نمایش داده شود. بسته به موارد استفاده کره



کرانه همرو

کربن CARBON
یکی از فراوان‌ترین عناصر در زمین و جزء اصلی همه مواد آلی. این عنصر در خورشید، ستارگان، دنباله‌داران و در جو بیشتر سیارات یافت می‌شود و انرژی خورشید و ستارگان حداقل بغضا "ناشی از حلقه کربن است. کربن به حالت آزاد در طبیعت به سه شکل یافت می‌شود. زغال سنگ، الماس و گرافیت. کربن با تیدرژن سلسله پر دامنه تیدروکربورها، با اکسیژن و تیدرژن تیدرات‌های کربن، با اکسیژن و عناصر فلزی کربنات‌ها و با سیلیسیم سیلیکون‌ها را پدید می‌آورد. علاوه بر ترکیبات بالا ترکیبات مهم اکسید کربن، انیدرید کربنیک، سولفور کربن، متان، استیلن، الکل اتیلک، اسید استیک و مشتقات آنها را می‌توان بر فهرست مزبور افزود. کربن ۱۴ که ایزوتوپ کربن معمولی است هم در طبیعت یافت می‌شود و هم در راکتورهای هسته‌ای آن را می‌سازند.

کربن رادیواکتیو RADIOACTIVE CARBON
— رادیواکتیویته و تاریخ‌گذاری بوسیله رادیوکربن

کربونیفر CARBONIFEROUS PERIOD
پنجمین دوره از دوران دیرین زیوی (کهن زیست) که زمان آن به ۲۷۰ تا ۳۵۰ میلیون سال پیش می‌رسد. این دوره را در زبان فارسی می‌توان دوره زغالینه نامید.
— آرمه زمین شناسی

کرپی (Korpi)
پلی که بر روی مرداب بسته شود.

کرت (Kart)

- ۱ — قطعه رمیی که در آن سبزی کاری و یا زراعت شود.
- ۲ — هر یک از بخش‌های تقریباً "متساوی یک مزرعه یا یک

جغرافیائی، آن را در انواع گوناگون تهیه می کنند. مانند: کره طبیعی، کره سیاسی، کره گئک و غیره.

SPHERE OF THE EARTH

کره زمین

— زمین —

CELESTIAL SPHERE

کره سماوی

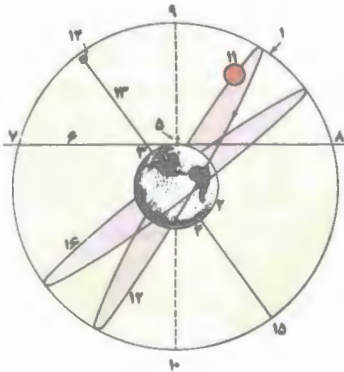
— کره عالم —

CELESTIAL SPHERE

کره عالم

کره عالم کره ای است به شعاع بی نهایت که زمین در مرکز آن واقع شده و فرض بر آن است که کلیه ستارگان و اجرام آسمانی روی سطح این کره قرار گرفته اند.

هرگاه محور چرخش زمین را از دو سو آنقدر ادامه دهند که کره عالم را قطع کند قطبین عالم پدید می آید و دوائر عظیمه ای که از قطبین عالم عبور کرده و محور عالم (که از امتداد محور چرخش زمین بدست آمده است) را در برگیرد نصف النهار عالم نام دارند.



کره عالم

- | | |
|--------------|---------------------------------|
| ۱- کره عالم | ۹- سوسو |
| ۲- زمین | ۱۰- پاسو |
| ۳- قطب شمال | ۱۱- خورشید ظاهری |
| ۴- قطب جنوب | ۱۲- مدار حرکت ظاهری خورشید |
| ۵- ناظر | ۱۳- محور عالم |
| ۶- افق ناظر | ۱۴- قطب شمالی عالم (ستاره قطبی) |
| ۷- شمال ناظر | ۱۵- قطب جنوب عالم |
| ۸- جنوب ناظر | ۱۶- نیمگان عالم |

CELESTIAL SPHERE

کره فلکی

— کره عالم —

CRYSTAL

کرهستال

مولکول های جامد متراکم، با ترتیب های اتمی منظم که پیرامون آن را سطوح منظمی در بر گرفته باشد، مانند کرهستال های کوارتز و الماس.

کریشک (Korishak)

مناک و گودال.



کره ستارگان



کره ماه



کره جغرافیائی

کسوف

ECLIPSE OF THE SUN

— خور گرفت

کسوف حلقوی

ANNULAR ECLIPSE

— خور گرفت حلقوی

کشاورزی

AGRICULTURE

عمل شخم زدن زمین ، تخم افشانی و برداشت فراورده‌های زراعی را کشاورزی می‌گویند . نمونه‌ای از کشاورزی اولیه که بصورت خیلی ابتدائی انجام می‌شود در مناطقی مانند دره آمازون و افریقای مرکزی دیده می‌شود . در این نواحی زمینهای جنگلی را از درخت پاک کرده و تخم گیاه در آن می‌کارند و تا برداشت محصول آن را رها می‌سازند . در حالیکه کشاورزی نوین ، با دانش و مهارت خاصی همراه است که غالباً " در مدارس و آموزشگاههای ویژه‌ای فرا گرفته می‌شود . بطور کلی کشاورزی به گونه‌های مختلفی وجود دارد که هر نوع از آن به عوامل خاصی مانند میزان بارندگی ، درجه گرما و جنس خاک بستگی دارد .

کشاورزی اشتراکی

COLLECTIVE FARMING

شیوه کشاورزی مخصوصی است که برای نخستین بار در اتحاد جماهیر شوروی آزمایش شده و امروزه در کشورهای اروپای شرقی ، چین ، ویتنام و کره شمالی نیز متداول و معمول است . در این سیستم زمینهای کشاورزی به قطعات پهناوری بنام کلخوز (Kolkhoz) خرد شده و هر قطعه تحت نظارت یک مدیر و به کمک عده‌ای کارگر بزرگ کشت می‌رود و فراورده‌های آن تحویل دولت می‌گردد و دستمزد کارگران از فروش محصولات مزبور و بر اساس میزان کاری که انجام داده‌اند تامین و پرداخت می‌شود .

کشاورزی تک کشتی

MONOCULTURE

(Keshavarzi-ye-tak keshti)

یا زراعتی که اختصاص به یک کشت دارد . این اصطلاح مقابل اصطلاح چند کشتی که کشت متعدد و متنوع میباشد قرار دارد .

کشاورزی چند کشتی

POLYCULTURE

(K-ye-chand keshti)

کشت متعدد و متنوعی که از آن چند نوع محصول برداشت شود .

کشاورزی دیم

DRY FARMING

یا زراعت دیم شیوه‌ای است در کشاورزی مناطق نیمه خشک که در آن از رطوبت موجود در خاک استفاده شده و بدون

بهره‌گیری از آبیاری به کشاورزی پرداخته شود . در این شیوه برای جلوگیری از تبخیر آب و حفظ رطوبت خاک از وسایل و روشهای مختلفی مانند پوشاندن زمین با کاه و سنگ و مانند آنها و حتی ذخیره باران دو سال برای یک کشت استفاده می‌شود .

کشاورزی مکانیزه

EXTENSIVE AGRICULTURE

عمل کشت و زرع در مقیاس وسیع و استفاده از سیستم‌های مکانیزه و بکار گرفتن حداقل نیروی انسانی .

کشاھل (Kashāhel)

TIDES

— کشند

کشت تنجیده

INTENSIVE CULTIVATION

(Kesht-e-tanjideh)

شیوه خاصی است در کشاورزی ، که طی آن از یک زمین نسبتاً کوچک بهره‌برداری قابل توجهی بعمل آید . در این شیوه زمین بطور مداوم زیر کشت قرار می‌گیرد و به استراحت و آیش آن توجه نمی‌شود . اینگونه کشاورزی بیشتر در کشورهای مانند دانمارک و انگلستان ، که ارزش زمین بالا بوده و سیاست کلی ، در بهره‌گیری هر چه بیشتر از زمین است بکار می‌رود .

کشزار

FARM

محل کشت و زرع .

کشزار تختانی

TERRACE CULTIVATION

کشزارتی که در یک دامنه شیب‌دار بصورت پله‌کانی ایجاد گردیده باشد و برای جلوگیری از آب شستگی و فرسایش زمین هر کرت بصورت پله‌کانی افقی ساخته شده باشد .

کشتگرد (Keshtgard)

ROTATION OF CROPS

بهره‌برداری متناوب از یک قطعه زمین به منظور کشت محصولات مختلف در طی چند سال . این عمل به منظور کنترل مور و بدر و مبارزه با آفت و بیماریهای گیاهی و بارورسازی خاک بکار می‌رود .

کشتمان (Keshتمان)

FARM

یا کشتمند ، رمیی که در آن چیزی کاشته باشند .

کشتی پستی

PACKET BOAT

کشتی کوچکی که میان بندرهای یک دریاچه یا یک تنگه باریک رفت و آمد کند و بسته‌های پستی و مسافر حمل نماید .

DOUBLE TIDE

کسید مضاعف

کسید (حرر و مد) ی کد طلی این بدیده برکسید (مد) بدحداکبر خود رسیده و نه آرامی رو به مرحله فروکسید (حرر) بروئ کید و مجدداً به حداکبر برکسید صعود نماید .
اگر صحنی های سمفروز و ربع روز کسید را توکب نماید .
برکسید مضاعف بدست می آید .

COUNT

کسور

واحد جغرافیائی که از حد اسیان شکل یافته و برکسیر واحد سیاسی را تشکیل می دهد . این واحد معمولاً "ار یک سیستم حکومتی نام حکومت مرکزی که در محلی نام پایتخت متمرکز هستند" سوزی می نماید .

CITY STATE

کسور شهر

واحد خود مختار سیاسی و اجتماعی که معمولاً از یک شهر و نواحی سرامون آن تشکیل می شود مانند وانگان .

BUFFER STATE

کسور میانگیر

کسوری که میان دو یا چند کسور سوزمید قرار گرفته باشد .
این کسور کسورها در واقع نقش ضرب حور را ایفا می کند و هدف از ایجاد آنها جلوگیری از برخورد و حیک میان کسورهای سوزمید است .

ABYSSAL FLOOR (Kat-e-maqhāki)

کف معاکلی

قسمی از کف اقیانوس که در فای آن ۱۸۰۰ متر حاور کرده باشد .

← زرفا سب

SWASH

کفموج (Karmoj)

امواج کف آلودی که به رمن های ساحلی هجوم برد .

CONTINENTAL SHELF

کفه دریائی

← زرفا سب

ALKALI FLAT

کفه فلیائی

بائلی ش در یک منطقه خشک کوری واقع شده و سبب حد حوسار و رود فصلی به آن وارد شود . آب کفه فلیائی در فصل سرما سحر نر دده و نه سوزمیری یا سحر کل های ش ربه آن ها از بواد فلیائی نوسیده شده است بدیل می تر

کفدهار فلیائی معمولاً پس از بارندگی های بدیده مرداب های ش ای - دکتون می شود .

ELASTICITY

کشانی (Feshāni)

نویائی ماده در بارکسیر شکل اولیه خود پس از برطرف شدن سوزهای وارد بر آن (افسید سوزهای کس) . سرامک . سجن . وغیره) حسمی که دارای اس خاصیت باشد کشان نامده مسود .

TIDES

کسید (Feshand)

بالا و پائین رمن مساوت آب دریا و اقیانوس حاصله از سوزی حادثه خورسید و ماد را حرر و مد یا کسید می گویند . مقدار اس سوز سبب به حرم حسم حدت کیده . و عکس مکف فاصله آن از رمن عسیر می کید . سهمین دلیل اثر حه حرم خورسید سرامت از حرم ماه سسر است . ولی عامل اصلی کسید . حادثه کره ماه است . حرم خورسید ۲۷ ملسون برابر حرم ماه است . ولی فاصله خورسید ۳۸۹ برابر فاصله ماه از رمن می باشد .

TIDE WATER

کشنداب (Keshandāb)

حسی از دسهای ساحلی اقیانوس اطلس که با حانی که آبهای کسیدی اقیانوس مروز به آنها می رسد ادامه داسد باشد .

ESTUARY

کشندان (Keshandān)

دهانه رودخانه ای که حبت ساسر کسید است . در اس قسم معمولاً آب سسیر رودخانه با آب دریا مخلوط می شود . اس قسم که معمولاً قسمی شکل است . محل مناسبی برای ایجاد سد رگاه می باشد . به اس قسم . دهانه رودخانه یا متب رودخانه سیر تغه می شود .

LOW TIDE

کشند بائین

← فروکسید

DIURNAL TIDE

کشند روزانه

با حرر و مد روزانه در حسی هائی از بارهای اقیانوس ها . مانند حلیج مکرکو . آبهای سرامون حرار فلیس . آبهای دوردست آلسکا و حس . در عرس ۲۲ ساعت بعد از سار برکسید (مد) و یک سار فروکسید (حرر) روی می دهد .

FLOOD TIDE

کشند سب

بالا آمدن سطح آب دریا هنگام برکسید آمدن . اس مر جاد در کرانه های که دارای سب ملام هستند سرح بوده و سرعت آن در فراشری اراضی در حور سوحه است .

کلاب

قلعه و یا دهکده‌ای که بر روی کوه ساخته شده باشد.

کلابه

ده یا قلعه کوچک و یا کسرار کوچک را گویند.

کلاک

STEPPE

علفزاری که در یک منطقه معده فرار کرمه باشد، مانند
علفزار پهناوری که از اکراس یا محوری گسترده شده.

← اسب

کلاهیخ

JOKUL

منطقه کوچکی که بوسیله کلاهی از بح پوشیده شده باشد

کلخوز

KOLKHOZ

← کشاورزی اشتراکی

کلروفیل

CHLOROPHYLL

← سبزینه

کلسیت

CALCITE

ماده معدنی کلسیم که معمولاً سفید و یا سی رنگ است و
بدلیل مواد خارجی به انواع رنگهای گوناگون دیده می‌شود.
گل سفید، سنگ آهک، مرمر، آهکس و دنگال از اقسام
کلسیت هستند.

کلسیم

CALCIUM

عنصری است به رنگ سفید با حلای نقره‌ای و علامت شیمیایی
Ca که از لحاظ فراوانی پنجمین عنصر یونسه حامد زمین
است و حدود ۳ درصد آن را تشکیل می‌دهد. کلسیم هرگز
بصورت آزاد در طبیعت یافت نمی‌شود. بلکه بصورت سنگ
آهک، سنگ کچ، فلوئوریت و آب‌انبت یافت می‌شود.

کلسیم از لحاظ شیمیائی یکی از عناصر فلزایی خاکی است
و در هوا سریعاً با یونسه‌ای از اکسید پوشیده می‌شود و اگر
حرارت داده شود با یونسه‌ای ردد مایل به سرخ می‌شود. در
سپه فلزات به عنوان عامل احیا کننده و عامل زایل کننده
کوکرد و کرس نگار می‌رود.

حل پذیری کرسات کلسیم در آب محبوی اسیدرید کرسیک
سب پیداس عارهای زیرزمینی و دنگال و دنگاله می‌گردد.

کلف‌های جورسیدی

SUNSPOTS

← لکه‌های جورسیدی

کلنی

COLONY

الف - دسته‌ای از مردم که در سرزمینی دورار سرزمین بومی

جویش بطور دسه جمعی زندگی کنند. معمولاً کلنی‌ها در
سرزمین‌های دسب نخورده و حدید الاکشاف که جمعیت
کافی نداشته باشد دیده می‌شوند.

ب - از نظر ریسب شناسی به زندگی‌های همانند و پیوسته
سهم گفته می‌شود. مانند کلنی مرجان‌ها.

پ - از نظر گیاهشناسی بمعنوم گسترش تدریجی گونه‌های
گیاهان در یک منطقه.

کلوت (Kalut)

سپه‌هایی که مولود فرسایش مشترک آب و باد می‌باشند. عامل
فرسایش، شیارهایی در رسوبات ریز دانه اواسط دوران سوم
بوخود آورده که نمونه آن تپه‌های موازی و کم ارتفاعی است
که در مغرب دشت لوت در جهت شمال عربی حوب شرقی
گسترده شده است. حجم کلوتها بر اثر فرسایش عمورگاهش
یافته و به کلوتک یا کلوت کوچک تبدیل می‌شوند.

کلونک (Kalutak)

← کلوت

CLOD

کلوخ (Kolukh)

۱- گل خشک شده. خاک سبم جسیبده و سخت شده.
۲- خشت یاره.

کلوخ زار (K-zar)

زمینی که در آن کلوخ بسیار باشد.

ARID

کماپ

آب و هوا و یا منطقه‌ای که میزان بارندگی سالیانه آن نیازمندی
کنناورزی و روئیدنی‌ها را به رحمت نامین نماید.
(نصویر در صفحه ۲۸۶)

ARC

کمان

قطعه‌ای از یک منحنی مانند دایره.

CRAG

کمر

صخره یرشیت ناهموار یا قسمت پیش آمده‌ای از یک صخره.

HANGING WALL

کمر بالا

در اصطلاح زمین شناسی، سنگی که در بالای یک گسله یا یک
رگه قرار گرفته است. (نصویر صفحه ۲۸۶)

COTTON BELT

کمر بند پنبه

سرزمینی در جنوب حاوری ایالات متحده امریکا، که قسمت
اعظم پنبه جهان را نامین می‌کند. این سرزمین که دارای
خاک سیاه رنگی است در مناطق تگراس، می‌سی‌سی‌پی و

کمربند وان آلن

VAN ALLEN BELT

محدوده‌هایی از میدان مغناطیسی زمین، که تشعشعات کیهانی را دزون خویش محبوس ساخته و از برخورد آنها به سطح زمین جلوگیری می‌کند. این محدوده از ارتفاع حدود ۸۰۰ کیلو- متری زمین شروع شده و تا دهها هزار کیلومتر داخل فضا گسترش یافته است.

این کمربند بنام کاشف آن جیمز آلفرد وان آلن نامگذاری شده است.

کمربند وان آلن دو شکل جنبه‌ای است که از ذرات باردار پر انرژی احاطه شده و بیشتر متشکل از پروتونها و الکترونهای پراثری هستند.

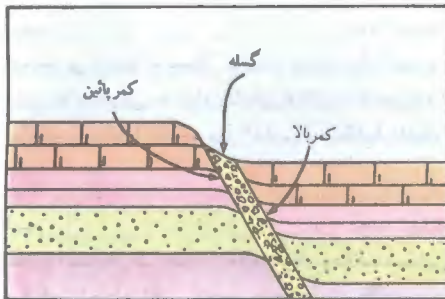
کمربند درونی به فاصله ۳۲۰۰ کیلومتری و کمربند بیرونی در فاصله حدود ۱۶۰۰۰ کیلومتری سطح زمین قرار دارد.

(تصویر در صفحه ۲۸۷)

کمر پائین

FOOT WALL

قسمت پائین یک گسله.



کمر بالا و کمر پائین

کمرکش

کمر کوه و گاه بالای کوه را نیز می‌گویند.

کمونیسم

COMMUNISM

نظام و مکتبی اجتماعی و مخالف رژیم سرمایه‌داری. این مسلک بر مالکیت اجتماعی، وسایل و ابزار تولید، همکاری و کمک متقابل رنجبران و زحمتکشان استوار است.

نخستین مرحله کمونیسم، جامعه سوسیالیسم است که زمینه اقتصادی، صنعتی، اجتماعی، و اخلاقی ورود به مرحله کمونیسم را آماده می‌سازد.

مارکس و انگلز دو بنیانگذار نخستین سوسیالیسم و کمونیسم علمی هستند.

سه رکن اساسی کمونیسم عبارتند از: ۱- فلسفه ماتریالیسم ۲- اقتصاد ۳- جامعه‌شناسی



کماپ

آلاباما واقع شده و یکی از غنی‌ترین خاکهای کشاورزی جهان را تشکیل می‌دهد. پارهای از مناطق پنبه‌خیز آمریکا مانند فلوریدا، خارج از این کمربند قرار گرفته‌اند.

کمربند سبز

GREEN BELT

کمربند و یا نواری از زمین پیرامون شهرها که ایجاد ساختمان و تاسیسات دیگر در آن ممنوع بوده و برای گسترش‌های آینده در نظر گرفته شده باشد. معمولاً این قبیل زمین‌ها را با جنگل کاری و یا کشتزار مشخص می‌سازند.

کمربند غله

CORN BELT

منطقه کمربندی شکلی در ایالات متحده آمریکا، واقع در نواحی جنوبی و جنوب باختری، و پنج دریاچه آب شیرین که محل عمده کشت غلات است.

کمربند گندم

WHEAT BELT

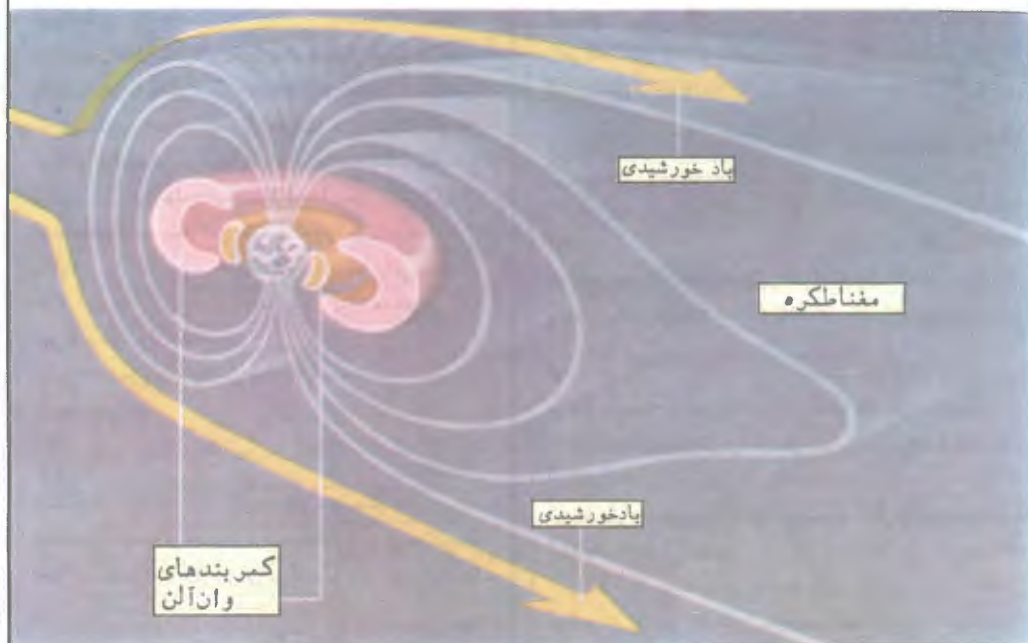
بخشی از آمریکای شمالی که بطور وسیع زیر کشت گندم قرار گرفته است.

— گندم خیز

کمربند میوه

FRUIT BELT

سرزمینی به عرض حدود ۴۵ کیلومتر که در سراسر ساحل خاوری دریاچه میشیگان (آمریکا) گسترده شده و از نظر پرورش مو و میوه‌های مشابه شرایط بسیار مطلوب و مناسب را داراست.



کمربند وان آلن

این جامعه بر شهروندان کشورهای عضو حکومت مستقیم ندارد و معمولاً "اداره" امور خارجی این کشورها را نیز در دست ندارد. سوئیس، هر چند که اسماً "کنفدراسیون" است، اما عملاً "بصورت" "فدراسیون" اداره می‌شود.

CONVENTION

(پیمان بین المللی)

موافقتنامه‌ای که بین چندین دولت منعقد می‌گردد و پیوستن سایر دول به آن آزاد است مانند کنوانسیون وین و غیره.

THUNDER

کنور (Kantor)

— تندر

QUARTZ

کوارتز

گونه‌ای ماده معدنی که از دی اکسید سیلیکون با فرمول SiO_2 ترکیب یافته است. کوارتز خالص ظاهر شیشه‌ای و شفاف دارد و انواع رنگین آن نیز یافت می‌شود. کوارتز شیشه معمولی را خط می‌اندازد.

CUESTA

کواستا

واژه اسپانیایی به مفهوم رشته کوهی که یک طرف آن دارای شیب کاملاً "ملازم" و طرف دیگر آن شیب تندی داشته باشد. این عارضه از اختلاف سختی و سستی طبقاتی مانند گچ و نمک که بصورت موازی قرار گرفته باشند ایجاد می‌شود.

کناره

— کرانه

COAST

CORRASION

(Kandosāb) کند و ساب

فرسایش مکانیکی مواد خاکی نرم و سست که بر اثر جابجایی شدن مواد جامد و سخت‌تری روی دهد. مانند فرسایش مواد سست کف رودخانه‌ها بر اثر جریان آب، که حامل مواد سختی، مانند سنگ و امثال آن باشد. کندو ساب موجب زرف شدن بستر رودخانه‌ها شده و دیواره‌های پر شیب و قائمی پدید می‌آورد.

CONSULATE

کنسولگری

واحد اداری که دولتی برای حفظ حقوق و منافع اتباع خود در بندرها و مراکز بازرگانی یک کشور خارجی دایر می‌کند. سرپرست کنسولگری را سر کنسول می‌نامند.

CANNABIS

کنف

گیاهی است از تیره پنیر گیان، که مانند کتان از الیاف آن جهت تهیه طناب و کونی و پارچه‌های ضخیم استفاده می‌کنند.

CONFEDERATION

کنفدراسیون

عنوان جامعه‌ای از چند کشور که به منظور همکاری متقابل و اقدام مشترک در امور دفاعی با یکدیگر متحد می‌شوند، ولی

کوتوله‌ها

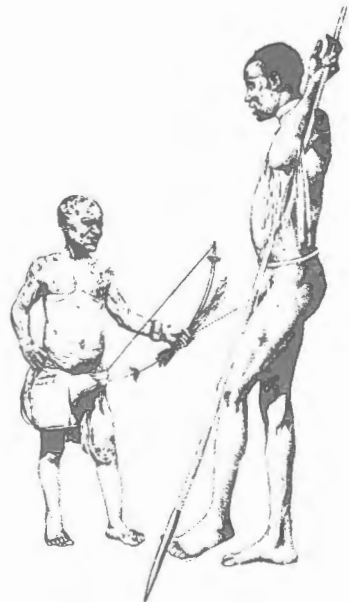
DWARF STARS

یکی از دو دسته ستارگانی که براساس نمودار هردسبرونگ - راسل دارای تابندگی ضعیف هستند و در مقابل غولپیکران که تابندگی زیادی دارند، قرار گرفته‌اند. ستارگان کوتوله برعکس غولپیکران در تحول خود در مرحله انحطاط هستند و بدو دسته بنام کوتوله‌های سفید و کوتوله‌های سرخ تقسیم می‌گردند. کوتوله‌های سفید ستارگانی هستند که در آخرین مرحله تحول ستارگان قرار دارند و در حقیقت مراحل احتضار را می‌پیمایند. جرم این ستارگان بسیار زیاد است و رنگ عدای از آنها آبی و برخی زرد هستند. کوتوله‌های سرخ فراوان‌ترین ستاره‌ها هستند. — غولپیکران

کوتوله‌ها

PYGMIES

دسته‌ای از انسان‌ها که قد آن‌ها بطور متوسط کوتاه‌تر از ۱۴۰ سانتیمتر است. این دسته از مردم بیشتر در نواحی جنگل‌های استوایی افریقای مرکزی زندگی می‌کنند و رنگ پوست آن‌ها زرد تیره است.



کوچ

DECAMP

مهاجرت و یا انتقال دسته‌ای از مردم و یا جانوران از جایی به جای دیگر.

کوچراه

LAND BRIDGE

راهی که انسان و دیگر جانوران خشکی از طریق آن به سرتاسر گیتی پخش گردیده‌اند.

کوچ فصلی

TRANSHUMANCE

— چرا گشت

کوچه

ALLEY

کم مرغزترین راه عبور در شهرها، که معمولاً "گنجایش عبور و مرور وسائل نقلیه را نداشته باشد.

کود

FERTILIZER

موادی با منشاء طبیعی یا مصنوعی که به خاک افزوده می‌شود تا خاصیت باروری زمین را از نظر کشاورزی و رشد گیاهان افزایش دهد.

کودها دارای نیتروژن، فسفر، پتاسیم و سایر مواد مورد نیاز گیاهند.

کوراب

این واژه در زبان فارسی به مفهوم سراب نیز بکار می‌رود. — شوره‌زار و کمرو

کوردره

BLIND VALLEY

دره‌ای در یک منطقه آهکی که بدلیل فرورفتن آب رودخانه یا جویبار آن در زمین، بطور ناگهانی مسدود و کور شده باشد.

کوره

بخشی از یک سرزمین یا یک کشور که مشتمل بر چندین روستا و دهستان باشد.

جغرافیدانان اسلامی، ناحیه‌ای مشتمل بر چندین قریه را کوره می‌نامیدند. و هر کوره از یکی از روستاها یا شهرهای خود نام می‌گرفت مانند کوره دارابجرد.

این جغرافیدانان گاه از کوره برای تعریف استان نیز استفاده می‌کردند. بنا به قول حمزه اصفهانی ایرانیان کوره را به بخشی از استان می‌گفتند.

کوره‌ده

SMALL VILLAGE

ده کوچک و یا دهی از یک کوره.

کوره‌راه

راه‌های پر پیچ و خم و تنگ خارج شهرها. کوره راه‌های کوهستانی غیر قابل اتومبیلرانی بوده و در

زندگی می کنند. کولی ها را در کشورهای مختلف به اسامی گوناگون می خوانند. مثلاً " در ایران به آنها لولی، لوری، غربالند و امثال آن می گویند. منشاء کولی ها از هند بوده و در قرن نهم میلادی به ایران آمده اند و سپس بسوی غرب رهسپار شدند و در قرن نوزدهم به امریکای شمالی وارد گردیده اند.

کومه (Kumah) STACK

ستونی از سنگ که بشکل جزیرک های کوچک و نزدیک بساحل از آب خارج شده باشد. این عارضه معمولاً بر اثر فرسایش حاصله از آب دریا پدید می آید.

کوه MOUNTAIN

زمینی که نسبت به اراضی پیرامون خود بطور مشخص و چشم گیری برجسته بوده و دامنه های شیب داری داشته باشد و از قله یا قله های متعددی تشکیل یافته باشد. بطور کلی برای کوه ارتفاع مشخص، منظور نشده ولی می توان ارتفاعی را که بیشتر از ۶۰۰ متر بلندی داشته باشند جزو کوه محسوب داشت. بلندترین کوه جهان اورست در رشته ارتفاعات هیمالیا واقع در آسیا است، که ۸۸۵۰ متر ارتفاع دارد. مرتفع ترین کوه قارمهای مختلف جهان به ترتیب زیر است:

کوه آکونکاگوا واقع در امریکای جنوبی، به ارتفاع ۶۹۶۱ متر
کوه مک کینلی واقع در امریکای شمالی، به ارتفاع ۶۱۹۵ متر
کوه کیلیمانجارو واقع در افریقا، به ارتفاع ۵۸۹۶ متر.
کوه ماسیف واقع در قاره جنوبگان، به ارتفاع ۵۱۴۱ متر.
کوه کازپسکو واقع در استرالیا، به ارتفاع ۲۲۲۸ متر.
(تمام ارتفاعات ذکر شده قله کوههاست)

کوه انباشتی ACCUMULATION MOUNTAIN

(Kuh-anbāsh̄ti)

کوهی که از گدازه های آتشفشانی تشکیل یافته باشد. اینگونه کوهها معمولاً بلند و مخروطی شکل بوده و اغلب بصورت تک قله دیده می شوند.

کوهپایه PIEDMONT

یا دامنه کوه، منطقه ای که در پای کوه واقع شده باشد.

کوه دریائی SEAMOUNT

— برجستگیهای کف اقیانوس

کوهزا (Kuhzā) OROGENIC

نیروهایی که باعث تاخوردن چینهای زمین شوند و به کوهزائی منجر گردند.

اراضی هموار به علت بدی عوارض طبیعی عبور و مرور به سختی انجام می گیرد. اینگونه راهها معمولاً " بتدریج و بطور طبیعی در اثر رفت و آمد بسیار بوجود آمده اند.

کوره شناسی CHOROLOGY

بررسی توضیحی درباره روابط و نسبت های سببی میان پدیده های یک منطقه خاص. دانشمندان و پژوهشگران این دانش را بدو شاخه زیر تقسیم کرده اند:

الف — ترتیب اشیاء و جرم های آسمانی که به آن نجوم یا ستاره شناسی می گویند.

ب — ترتیب اشیاء و عوارض روی پوسته زمین که آن را جغرافیا می خوانند.

کوره نگاری CHOROGRAPHY

الف — تعریف و یا توصیف مناطق مختلف بطور جداگانه.
ب — نقشه توپوگرافی مقیاس کوچکی از سرزمین هائی پهناور که جزئیات کمتری را در مقایسه با نقشه هائی که از مناطق کوچک تر و در مقیاس بزرگتر تهیه می شوند دربرداشته باشد.
پ — تهیه نقشه های مقیاس کوچک از مناطقی مانند کشورها و قاره ها بصورت اطلس و نقشه های دیواری.

کوسک CUSEC

واحد اندازه گیری تخلیه یک رودخانه. هرکوسک برابر ۵۳۸۰۰۰ گالن در ۲۴ ساعت است. شماره کوسک هر رودخانه از ضرب کردن نسبت جریان آب در فوت بر ثانیه در سطح مقطع رودخانه بر حسب فوت مربع بدست می آید.

کوکب STAR

— ستارگان

کول ETANG

یا کولاب — تالاب

کولاب ETANG

یا کول — تالاب

کولاک ROUGH SEA

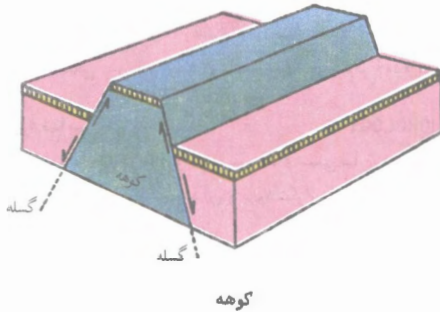
دریای آشفته و متلاطم، امواج خروشان دریائی که توفانی باشد.

کوله ETANG

— تالاب، استخر، حوضه

کولی GYPSY

مردمی که در سراسر جهان پخش بوده و بطور جادرنشین



کوهه

YOUNG MOUNTAINS

کوههای جوان

کوههایی که در آخرین مرحله از دوره چین خوردگی پدید آمده باشند.

ICEBERG

کوه یخ

← یخکوه

کوی

محلای در یک شهر. محلهای کوچک را کویچه یا کوچه می‌گویند.

DESERT

کوبر

← بیابان

COLD DESERT

کوبر سرد

الف - از این واژه بمفهوم سرزمین‌های قطبی یا دشتهای توندر (Tundra) استفاده می‌شود. درجه‌حرارت در این سرزمینها باثبات بوده و اغلب از برف و یخ پوشیده شده‌است. مانند سرزمین گروئنلند که جز یک نوار باریک در کنار دریا سایر قسمتهای آن کاملاً از برف و یخ به ضخامت‌های متفاوت که گاه به حدود هزار متر می‌رسد پوشیده شده. زندگی جانوری و گیاهی در اینگونه سرزمینها بندرت دیده می‌شود.

ب - این واژه، گاه برای بیان دشتهای و سرزمینهای درون قاره‌ها، که عرض جغرافیائی آنها بیشتر از ۵۰ درجه بوده و درجه گرمای آنها از ۶ درجه سانتیگراد بیشتر نمی‌شود بکار می‌رود. مانند دشتهای مرکزی آسیا، که پیرامون آنها را کوهستان‌های بلند بنام فلات فرا گرفته و در نتیجه موجبات جلوگیری از نفوذ رطوبت و بخار آب را بدرون اینگونه سرزمینها فراهم می‌سازد.

AMBER

کهربا

رزین فسیل شده که در زمان‌های قدیم زمینشناسی به صورت صخ از درختان مخروطی خارج شده است. کهربا گاه شفاف

OROGENY

کوهزائی (Kuhzā'i)

پدید آمدن کوه از راه تا خوردن چینهای زمین.

MOUNTAIN SICKNESS

کوه ردگی

← کوه گرفتگی

MOUNTAINOUS

کوهسار

← کوهستان

MOUNTAINOUS/RIDGE & VALLEY

کوهستان

مسطقه یا ناحیه‌ای که پوشیده از کوههای فراوان باشد. به این عارضه کوهسار نیز گفته می‌شود.

OROGRAPHY

کوه شناسی

بحسب ارجحیای طبیعی که درباره برجستگیهای زمین به ویژه سیستم کوهها گفتگو می‌کند.

کوه قاف

طبق روایات و افسانه‌ها، رشته کوهی است که اطراف زمین را احاطه کرده و کناره‌های آسمان بر آن نهاده شده و نگهدارنده زمین است.

بیسر مورخین و نویسندگان اسلامی کوههای قاف و البرز را یکی شمرده‌اند.

MOUNTAIN SICKNESS

کوه گرفتگی

تاثیر ارتفاع روی اشخاص که بدلیل کمبود اکسیژن بصورت نوعی عارضه تنفسی، سردرد و خواب‌آلودگی تدریجی بروز می‌کند، چنانچه کوه‌پیمائی و افزایش ارتفاع به آرامی و تدریجی انجام شود از اثر این بیماری کاسته شده و گاه از بروز آن حتی جلوگیری می‌شود. یکی از عوامل تشدید کننده کوه گرفتگی، فشاری است که بر ماهیچه‌ها وارد می‌شود ولی نباید آنرا به عنوان عامل اصلی منظور داشت ولی بطور کلی استقامت و ورزشی و سلامت بدن را از جمله عوامل موثر در جلوگیری و تخفیف این بیماری باید محسوب داشت. به این عارضه، عارضه کوه ردگی نیز گفته می‌شود.

HORST

کوه

چینه مرتفعی که میان دو گسله بی در پی موازی واقع شده باشد. این عارضه هنگامی پدید می‌آید که بخش میانی دو گسله تحت تاثیر فشار لایه‌های زیرین بالا آمده و با چینه‌های دو طرف گسله‌های مزبور نشست کرده باشد. به این عارضه فرازمین نیز گفته می‌شود.

و گاه کدر است و برای ساختن زیور آلات بکار می‌رود.

که‌ریز (Kahriz)

— قنات —

EBOLIS

که‌ریز (Kohriz)

توده‌ای از سنگ و شن که بر اثر فرسایش و ریزش در دامنه کوه‌ها انباشته شده و عبور از آن را بسختی ممکن می‌سازد.

GALAXY

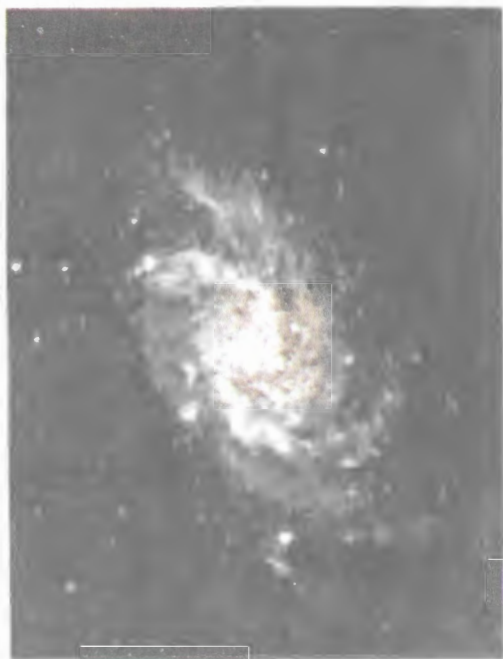
کهکشان

یکی از کهکشان‌ها یا ابری‌های عالم افلاک است که تقریباً از یکصد هزار میلیون ستاره که خورشید منظومه شمسی یکی از آنهاست تشکیل یافته.

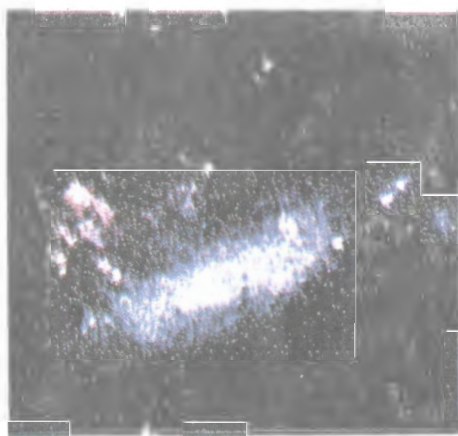
این مجموعه عظیم که به آن کهکشان راه شیری نیز می‌گویند دارای قطری است معادل یکصد هزار سال نوری که از چند بازوی مارپیچی و یک توده متورم مرکزی به ضخامت حدود بیست هزار سال نوری ساخته شده و مرکز واقعی آن بوسیله غبارها و ابری‌های کیهانی پوشیده شده است.

خورشید با خانواده خود که به آن منظومه شمسی می‌گویند نزدیک به لبه خارجی این منظومه و به فاصله حدود ۳۰ هزار سال نوری از توده مرکزی قرار دارد و همراه با ستارگان دیگر حول مرکز کهکشان در گردشند.

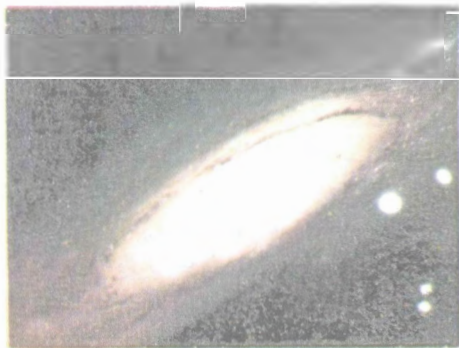
یک دور گردش کامل خورشید به دور مرکز کهکشان حدود ۲۲۵ میلیون سال بدرازا می‌کشد که به آن یک سال کیهانی می‌گویند.



مارپیچی



نا منظم



بیضوی

UNIVERSE

کیهان

یا کیهان .

← جهان

COSMOGONY

کیهان‌زائی

علم بررسی منشاء و تکامل اجرام فضائی و پیدایش منظومه خورشیدی .

COSMOLOGY

کیهان‌شناخت

تحقیق و بررسی در ماهیت جهان مادی بعنوان یک کل . این علم در آغاز ، حالت اساطیری داشته و در اوایل قرن بیستم بصورت علمی درآمده است .

COSMOGONY / COSMOLOGY

کیهان شناسی

پژوهش‌های علمی درباره قوانین کیهانی و فلسفه طبیعت و هستی ، که معمولاً "بوسیله دانشمندان رشته نجوم ، فیزیک و ریاضیات انجام می‌شود .

GEOCOSMOGONY

کیهان‌شناسی زمین

شاخه‌ای از کیهان‌شناسی که درباره منشاء زمین به عنوان بخشی از منظومه خورشیدی بحث می‌نماید .

COSMOGRAPHY

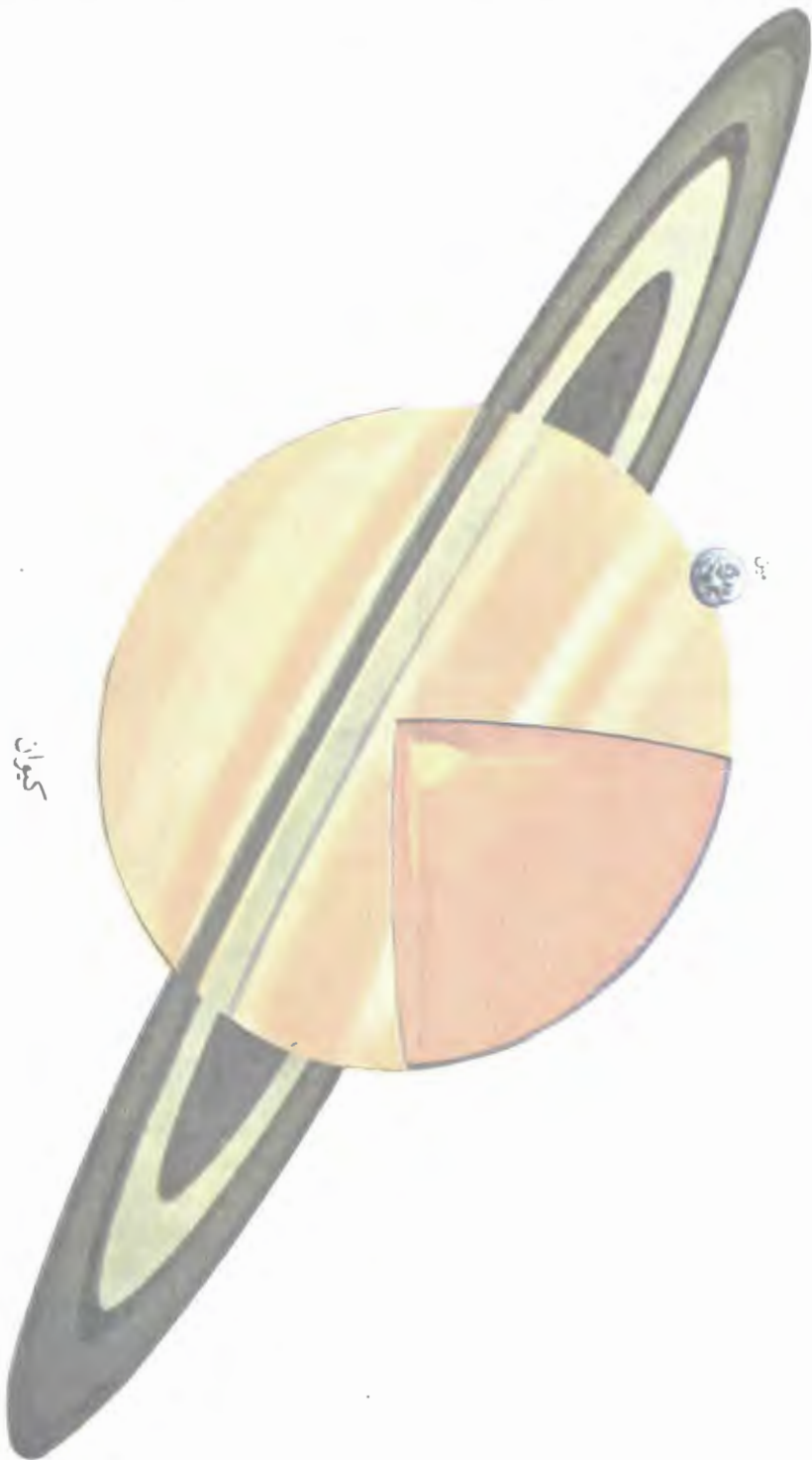
کیهان نگاری

دانشی که ساختمان عمومی کیهان را توصیف می‌کند و درباره تهیه نقشه از کیهان و کره زمینی بحث می‌نماید .

COSMIC

کیهانی

چیزهایی که با پدیده‌های خارج از جو زمین بستگی داشته باشد .



خورشید

پتروشیمی به مواد گوناگونی تبدیل می‌گردند.

CARBON DIOXIDE

گاز کربنیک

با انبیدرید کربنیک، گازی است بی رنگ و تقریباً "بی بو که از ترکیب کربن و اکسیژن با فرمول CO_2 پدید می‌آید. گاز کربنیک از هوا سنگین‌تر است، در آب حل می‌شود و نمی‌سوزد و تحت تاثیر فشار به مایع درگونی می‌شود. در هوا موجود است، از سوختن زغال و شیدروکربورها و هم چنین از تجزیه کربناتها حاصل می‌شود. در فتو سنتز بکار می‌رود.

METHANE

گاز مرداب

— متان

RARE GASES

گازهای کمیاب

یا گازهای بی اثر گازهایی هستند از قبیل هلیوم، نئون، آرگون، کریپتون، که میل ترکیب شیمیائی ندارند.

GALLON

گالون

واحدی است برای اندازه‌گیری حجم. یک گالون آب ۱۵ درجه سانتیگراد ده پوند (حدود ۴۵۳۶ گرم) وزن دارد و حجمی معادل $277/3$ اینچ مکعب یا $16/1$ ه پای مکعب (فوت مکعب) یا $4545/96$ سانتی متر مکعب و یا ۱۶۰ اونس مایع را دارا است. گالون بر دو نوعست، گالون انگلیسی یا امپریال، برابر $3/7853$ لیتر و گالون امریکائی، برابر $4/55$ لیتر. هر گال امریکائی $1/2009$ گالون امپریال است.

گاوپندی

حقی که در ملک دیگری بدست آرند و بموجب آن بتوانند بنفع خود معداری از اراضی آن را همه ساله زراعت کنند و بهره‌برداری نمایند. این عمل قاعدتاً "با اجازه مالک اصلی صورت می‌گیرد.

گاو چاه

چاه فراخ و عمیق.

گاو زمین

گاو افسانه‌ای که زمین بر دو شاخ آن قرار دارد و آن گاو بر پشت ماهی سوار است.

CHRONOLOGY

گاهشماری

علم تاریخگذاری از راه تعیین ادوار و تقسیمات زمان و تعیین زمان رویداد حوادث تاریخی در ادوار و تقسیمات مذکور. تاریخگذاری بر دو نوعست. تاریخگذاری نسبی و تاریخگذاری زمانسنجی. در تاریخگذاری نسبی تاریخ رویداد را نسبت به



GAS

گاز

هر ماده هوا مانند و بی شکلی که قابلیت گسترش نامحدود داشته باشد. گاز یکی از سه حالت ماده است که حد اعلای پخش مولکولی از ویژگی‌های آنست. گاز ملموس نیست و سطح آزاد و معینی ندارد و هر فضایی را که بدان راه باید بر می‌کند. گازها تحت تاثیر فشار به آسانی متراکم می‌شوند و به اجسامی که در آن شناورند رو به بالا فشار می‌آورند. جو زمین مخلوطی است از گازها و بر حسب اینکه از هوا سبک‌تر و یا سنگین‌تر باشند در طبقات بالاتر و یا پائین‌تر قرار می‌گیرند.

— جو

COAL GAS

گاز چراغ

گاز قابل احتراقی که از تقطیر خشک زغال سنگ بدست می‌آید و برای روشنائی و مصارف سوختی بکار می‌رود.

MOFETTE

گازخان

حفره‌ای در سطح زمین که گاه از آن گاز دی اکسید کربن با مقداری اکسیژن و ارت و بخار آب خارج می‌شود. این عارضه بیشتر در نواحی که آتشفشانهای قدیمی و خاموش دارد دیده می‌شود.

ILLUMINATING GAS

گاز روشنائی

هر نوع گازی که برای روشنائی و ایجاد حرارت بکار برده شود.

از انواع گاز روشنائی می‌توان گاز چراغ، گاز طبیعی و متان را نام برد.

— گاز چراغ

COAL GAS

گاز زغال

— گاز چراغ

NATURAL GAS

گاز طبیعی

گازهایی از نوع شیدروکربن که به شکل اتان و متان در زیر پوسته زمین جمع شده‌اند. این گازها اغلب با نفت همراه بوده و پس از تصفیه برای مصرف سوخت و تولید گرما بکار می‌رود و هم چنین به صورت مواد خام در کارخانه‌های

گدار (Godār) FORD
محل کم عمقی در یک رودخانه یا هر آب دیگر که بتوان پیاده از آن گذشت.

گدازه (Godāzeh) LAVA
سنگهای گدازه‌ای که در نتیجه آتشفشانی به روی سطح زمین منتقل شده و در همانجا منجمد و سخت گردیده است. این سنگها در صورتی که مواد سیلیسی داشته باشند گدازه‌های اسیدی، و آنهایی که مواد سیلیسی کمتری دارند گدازه‌های قلیائی نام دارند. گدازه‌های اسیدی دارای درجه ذوب خیلی زیاد بوده و بهمین جهت هنگام خروج، خیلی غلیظ و سفت هستند و قادر به طی مسافت زیادی نمی‌باشند، در حالیکه گدازه‌های نوع دوم بدلیل دارا بودن درجه ذوب کمتر رقیق‌تر و روان‌تر بوده و اغلب تا چندین کیلومتر از محل خروج دور می‌گردند و سپس سخت و منجمد می‌شوند. بطور کلی سطح گدازه‌های آتشفشانی، ناهموار و خشن بوده و بدلیل خروج گاز اغلب سوراخ سوراخ یا متخلخل هستند.



گدازه

رویداد قبل و یا حادثه بعد و یا حادثه‌مقارن آن می‌سجند. در تاریخگذاری زمانسنجی وقوع حادثه‌ای را در خط زمانی تعیین می‌کنند.

گاهنامه CALENDAR
گاهنامه یا تقویم سیستمی است که بر اساس آن زمان به دوره‌های ثابت و مشخصی بنام سال، ماه، روز و غیره تقسیم می‌گردد سال و ماه و روز خورشیدی در واقع زمان‌های طبیعی هستند و بر پایه حرکات زمین نسبت به خورشید پدید آمده‌اند. (یکسال خورشیدی ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۶ ثانیه است). علاوه بر سیستم خورشیدی، سیستم دیگری بنام قمری نیز وجود دارد که بر اساس گردش ماه بدور زمین پدید می‌آید. یکی از مشکلات و موانع این سیستم این است که، یکسال مضرب صحیحی از روز خورشیدی یا زمان گردش ماه به دور زمین نیست.

گاهنبار (Gāhanbār)
یا گاهبار، هر یک از جشن‌های شش گانه سال در ایران باستان که عبارتند از: میدیوزرم، میدیوشم، پتیه شهم، ایاسرم، میدیارم و همسپتدم. این جشن‌ها به فاصله‌های غیر متساوی از همدیگر قرار گرفته‌اند، بدین گونه که: گاهنبار میدیوزرم در چهل و پنجمین روز سال، گاهنبار میدیوشم در صد و پنجمین روز سال، گاهنبار پتیه شهم در صد و هشتادمین روز سال، گاهنبار ایاسرم در دویست و دهمین روز سال، گاهنبار میدیارم در دویست و نودمین روز سال و گاهنبار همسپتدم در سیصد و شصت و پنجمین روز سال.

گاهنگان (Gāhangān) GALAXY
— کهکشان

گچ GYPSUM
سولفات کلسیم آبدار طبیعی که در تشکیلات خاکی پوسته جامد کره زمین بصورت لایه‌های نسبتاً ضخیم فراوان است. معمولاً "گچ همیشه در طبیعت با سایر ترکیبات خاکی و ناخالصی‌ها همراه است و فرمول خالص آن $\text{Ca}_2 \text{H}_2\text{O} \text{SO}_4$ است.

گچ طبیعی در کوره ۱/۵ مولکول آب تبلور خود را از دست می‌دهد و بهمین جهت در مجاورت آب مقداری از آن را که در کوره از دست داده است دوباره جذب می‌کند و در نتیجه بر حجمش افزوده می‌شود.

گرانکوه (Gerānkuh) MASSIF
کوه مرتفعی که حدود آن کاملاً مشخص باشد.

گرانیت GRANITE
سنگ خارا

گرانی سنجی GRAVIMETRY
بخشی از زمین شناسی که درباره میدان نقل زمین گفتگو می کند.

گراوید GRAVURE
تصویر حک شده روی صفحه های فلزی که در چاپ بکار می رود.

کرای (Garāy) AZIMUTH
واژه فارسی معادل ازیموت — ازیموت

گرد (Gerd) گرد
شهر ساخته شده. این واژه بصورت پسوند در آخر نام پاره ای شهرها و روستاها می آید مانند داراب گرد و هشتگرد و دستگرد. معرب این پسوند بصورت جرد در آخر نام پاره ای شهرها و روستاها نیز آمده است. مانند بروجرد و لاسجرد.

گرداب WHIRLPOOL
عارضه ای در دریا، که بر اثر برخورد دو جریان و یا روان شدن بی قاعده آب، بدرون یک کانال یا مجرا و همچنین عارضه ای که در پای یک آبشار پدید آید. (تصویر در صفحه ۲۹۸)

گرداله (Gerdāleh) BOULDER
قطعه سنگ کمابیش گردی که بزرگتر از قلوه سنگ باشد.

گردباد WHIRLWIND
ستون در هم پیچنده ای از هوا که بر اثر گرم شدن سطح زمین و صعود هوای گرم بسوی طبقات بالا پدید می آید. گردباد همچنانکه به طبقات بالا صعود می کند به جلو نیز پیش می رود.

گردباد دریائی WATERSPOUT
تنوره دریائی

گردچال (Gardchāl) DUST WELL
گودال کوچکی در سطح یخچال، که بر اثر جمع شدن مقداری گرد و غبار بوجود آمده باشد. گرد و غبار مزبور گرمای خورشید را در خود جمع کرده و در نتیجه باعث آب شدن یخهای زیر خود می گردد و بتدریج درون یخ مدفون می شوند.

گدازه اسیدی ACID LAVA
توده ای از مواد مذاب که به آرامی از دهانه آتشفشان سرازیر گردیده و سرشار از مواد سیلیسی باشد. درجه ذوب این مواد حدود ۸۵۰ درجه سانتیگراد است و به علت غلظت نسبتاً زیاد به سرعت سخت شده و در فاصله کوتاهی از محل خروج متوقف می گردد و بالنتیجه قله مخروطی شکلی را پدید می آورد. این مواد بیشتر حالت بلوری داشته و گاه شباهت فراوانی به سنگ شیشه دارند.

گدازه ریسائی ROPEY LAVA
توده ای از گدازه آتشفشانی که پس از منجمد شدن، سطح آن بصورت طنابهای درآمده است.

گدوک (Gaduk) MOUNTAIN PASS
راه میان دو کوه، گردنه، کتل.

گراد GRADE
واحد اندازه گیری زاویه را در سیستم متریک گراد می نامند. هر گاه ربع دایره را به صد قسمت و یا بطور کلی هر دایره را به چهار صد قسمت برابر تقسیم نمایند هر قسمت آن یک گراد خواهد بود. به عبارت دیگر هر گراد عبارتست از $\frac{1}{400}$ پیرامون دایره. هر گراد به صد دقیقه صد قسمتی بنام سانتیگراد و هر سانتیگراد به صد ثانیه صد قسمتی بنام میلی گراد تقسیم می شود.

با توجه به اینکه ۳۶۰ درجه شصت قسمتی برابر چهار صد گراد است لذا هر گراد عبارت خواهد بود از $\frac{5}{9}$ درجه و یا ۵۴ دقیقه شصت قسمتی و یا بر عکس هر درجه شصت قسمتی معادل ۱ گراد و ۱۱ سانتیگراد است.

گرافیت GRAPHITE
شکلی از کربن که بنام سرب سیاه نیز نامیده می شود. رنگ آن خاکستری تیره یا سیاه است و متبلور، چرب، نرم و دارای جلای فلزی است. الکتریسته را خوب هدایت می کند و در دماهای بسیار عالی ذوب نمی شود و به آسانی نمی سوزد. در طبیعت بصورت توده هایی بزرگ سیاه خاکستری بی شکل یا متبلور همراه با ناخالصی ها یافت می شود و از نواحی مختلف زمین آن را استخراج می کنند.

گران دود (Gerān dud)
۱- دود غلیظ. ۲- ابر سیاه و تیره. ۳- بخار غلیظی که در مجاورت سطح زمین باشد. — نزم، مه

گرانش (Gerānesh) GRAVITATION
جاذبه متقابل بین اجرام و ذرات ماده در جهان.



گرداب

گودر (Gardar)

- ۱- زمین سختی که در دامنه کوه قرار گرفته باشد.
- ۲- زمین پشته پشته و دارای کوه و دره.

گردش آب

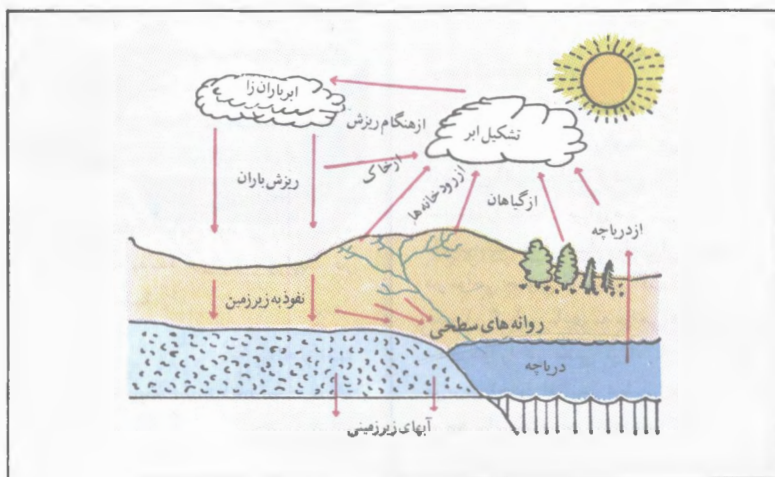
حرکت آب از اقیانوس به جو و برگشت مجدد آن به زمین و سپس به اقیانوس را گردش آب می‌نامند. این عمل طی مراحل زیر انجام می‌شود که به آن یک دوره کامل گردش آب می‌گویند:

- الف - تبخیر آب اقیانوسها و دریاها و دریاچه‌ها و غیره.
- ب - تراکم بخار آب در فضا و تشکیل ابر.
- پ - اشباع و تکاثف بخار آب موجود در جو و تبدیل آن به باران، و ریزش آنها به سطح زمین و جاری شدن آب در رودخانه‌ها و ریختن آنها به اقیانوس، دریا و دریاچه و غیره. (تصویر در صفحه ۲۹۹)

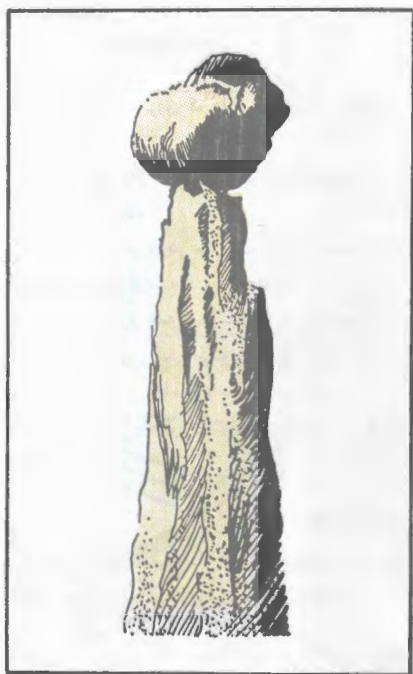
گردش سالیانه زمین ANNUAL MOTION OF THE EARTH

یکی از مهمترین حرکات زمین، گردش سالیانه یا حرکت استقالی زمین است که کره زمین بر اساس آن سالی یک بار بدور خورشید گردش می‌کند. مدار این گردش بیضی است که به آن دایرة البروج می‌گویند و خورشید در یکی از گان‌های آن قرار دارد. سرعت گردش سالیانه زمین حدود ۳۰ کیلومتر در ثانیه است و فاصله متوسط آن از خورشید ۱۴۹،۵۰۰،۰۰۰ کیلومتر می‌باشد. که طی سال به اندازه ۴،۸۰۰،۰۰۰ کیلومتر در تغییر است ولی دوری و یا نزدیکی زمین به خورشید تغییراتی را در وضعیت اقلیمی (آب و هوا) زمین موجب نمی‌گردد، چنانکه در زمستان نیمکره شمالی زمین به خورشید نزدیک‌تر است تا در تابستان. در واقع تمایل محور زمین نسبت به صفحه مدار آن که برابر $۶۶^{\circ}۳۳'$ است موجب پیدایش فصل‌های چهارگانه می‌گردد، زیرا تمایل محور زمین سبب درازتر شدن روزها در تابستان و کوتاه‌تر شدن آن در زمستان‌ها می‌شود.

— فصل



گودش آب



گوز دیو

گرفت اقمار مشتری

ECLIPSES OF THE JUPITER MOONS

قمرهای چهارگانه مشتری که در زمان گالیله کشف گردید ،

SUBTROPICAL (Gerdmadari) گردمداری

— منطقه نیمه گرمسیری

PASS

گردنگاه

راهی که بر بلندی کوه واقع باشد ، گردنه .

PASS

گردنه

معبری از یک طرف کوه بطرف دیگر که از نقاط مجاور پائین تر باشد . در دو طرف گردنه معمولا " دو دره از طرفین کوه سرازیر می شوند ، و در نتیجه گردنه صورت زین دارد .

SKETCH

گوده (Gardeh)

نقشهای که بطور تقریب تهیه شده باشد . به آن کروکی نیز می گویند .

EARTH PILLAR

گوزدیو (Gorz-e-div)

ستونی از خاک و مواد نرم که در زیر تخته سنگهایی که بصورت کلاhek مواد مزبور را در پناه گرفته است دیده شود . اینگونه عوارض مخصوص مناطق کباب می باشد .

ECLIPSE

گرفت (Gereft)

قرار گرفتن یک جرم آسمانی در میان سایه جرم آسمانی دیگر . در منظومه شمسی ، جز خورشید بقیه اجرام دارای سایه هستند و اگر مثلا " ماه در سایه زمین قرار گیرد می گویند ماه گرفته است .

— خورگرفت و مهگرفت

THERMOMETER

گرماسنج

— دماسنج

FOHN

گرما باد (Garmbad)

باد گرم و خشکی که به‌ویژه در دامنه‌های شمالی کوهستان آلپ می‌وزد. این باد رطوبت دریای مدیترانه را به سوی کوهستان آلپ هدایت کرده و با آبریزی ساختن آسمان بارندگی شدیدی را بدنبال می‌آورد.

با وجودیکه مقدار بسیار زیادی از رطوبت و گرمای این باد در نواحی جنوبی کوهستان آلپ از دست می‌رود. مع الوصف همچنان گرمای زیادی به نواحی شمالی آلپ به‌مراه برده و دمای هوا را در مدتی کوتاه تا ۱۵ درجه سانتیگراد بالا می‌برد. (حتی افزایش دما در عرض ۳ دقیقه تا حدود ۱۷ درجه سانتیگراد نیز ثبت شده است) بر اثر وزش این باد برف‌ها در فصل بهار بسرعت آب می‌شوند و چراگاههای کوهستانی از برف پاک می‌گردند و اغلب ریزش بهمن و شکوفه زدن زود رس درختان و گیاهان را باعث می‌شود.

GREEN HOUSE

گرماخانه

فضایی که بوسیله دیوار و سقف شیشه‌ای مسدود گردیده و دما و رطوبت و تهویه آن بطور تقریباً " ثابت نگهداری می‌شود. از گرماخانه برای نگهداری و پرورش گل و گیاه استفاده می‌شود. در پاره‌ای شهرهای بزرگ از گرماخانه برای رویاندن سبزیجات و گیاههای مورد نیاز مردم استفاده می‌شود.

DOG DAYS

گرم‌روزان (Garmruzān)

گرم‌ترین روزهای تابستان.

WINTER QUARTER

گرمازار

— قشلاق

WINTER QUARTER

گرمسیر

محلی که هوای آن در زمستان گرم است.

— قشلاق

گرماگاهان

هنگامی که گرمای روز به حداکثر خود می‌رسد.

RICE FIELD

گرمنجار (Gorenjār)

— شالیزار

GROUP

گروه

چینه‌بند بهای متعلق به یک دوران.

همانند کره ماه در معرض گرفت و یا خسوف‌هایی قرار دارند. از میان سه قمر بزرگ اصلی برجیس سه تای آن‌ها بناهای یو، ائوروپا و گانیمد بیشتر از کالیستو در معرض گرفت واقع می‌شوند (زیرا تمایل مدار کالیستو نسبت به مدار مشتری بیشتر از سایر قمرهاست). این قمرها نیز مانند ماه زمین خسوف کلی و جزئی پیدا می‌کنند. از روی مدت دوام خسوف جزئی می‌توان قطر قمر مورد نظر را محاسبه نمود. این قمرها هنگام گردش بدور مشتری سایه خود را روی سیاره مزبور می‌اندازند و در نتیجه پدیده کسوف یا خورگرفت در سیاره مشتری بوجود می‌آید.

گرگ و میش

هوای تاریک و روشن.

GRAM

گرم

واحد اصلی جرم در سیستم متریک (C.G.S) که معادل $\frac{1}{1000}$ گرم کیلوگرم است. هر گرم برابر است با جرم یک سانتیمتر مکعب آب مقطر در منتضای چگالی آن.

HEAT

گرما

یا حرارت، شکلی از انرژی که ناشی از حرکت مولکولی بی قاعده ماده است.

علاوه بر تعریف بالا برای حرارت تعریف‌های دیگری نیز وجود دارد. از جمله:

گرما عبارتست از انرژی در حال انتقال از یک جسم به جسمی دیگر در نتیجه اختلاف دما.

اشکال مختلف انرژی همه قابل تبدیل به حرارتند.

گرما را از جنبه کمی و کیفی می‌توان اندازه گرفت. دما اندازه کیفی حرارت است و دماسنج وسیله اندازه‌گیری دما است و اندازه کمی آن را با یکی از دو واحد کالری و یا بی.تی.یو محاسبه می‌کنند.

HYDROTHERMAL

گرمابی

وابسته به آب گرم، مخصوصاً از لحاظ تغییراتی که آب گرم در مواد معدنی واقع در پوسته زمین باعث می‌شود.

CALORESCENCE

گرماتابی

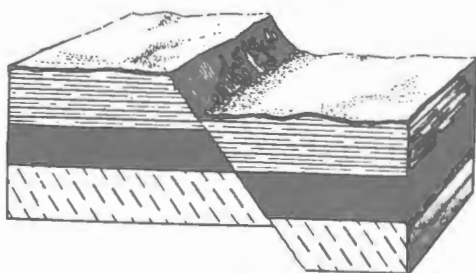
جذب تشعشعات نوری نامرئی بوسیله یک سطح و تبدیل آنها به حرارت و تشعشعات حرارتی.

HEATSTROKE

گرمازدگی

— آفتاب زدگی

جابجائی چینمهها گردد.

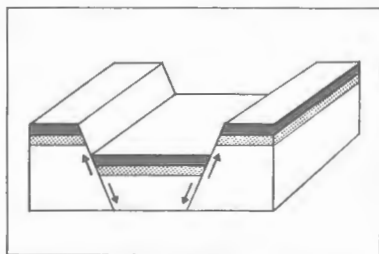


گسله

STEP-FAULT

گسله پله‌کائی

یک سری گسله موازی پله کائی شکل که در یک سراسیم قرار گرفته باشند.



گسله پله کائی

NORMAL FAULT

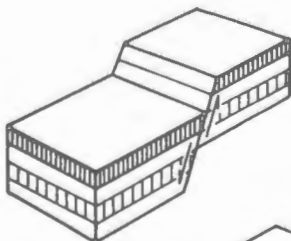
گسله معمولی

← گسله

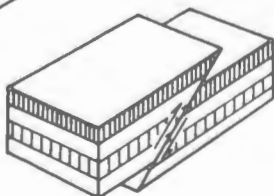
REVERSED FAULT

گسله وارونه

گسله‌ای که قسمت قدیمی یک طرف آن در نتیجه فشار زیاد روی بخش جدید طرف مقابل قرار گیرد.



گسله معمولی



گسله وارونه

LOCAL GROUP

گروه محلی

گروهی از کپکشانها که کپکشان راه سیری بدان تعلق دارد گروه محلی بیش از ۲۰ عضو دارد و تا ۲/۵ میلیون سال نوری از زمین گسترده است.

KNOT

گره (Gereh)

مقیاس قدیمی ایران برای اندازه‌گیری طول هر گره معادل ۱/۱۶ درع است.

به موجب قانون مصوب ۱۳۰۴ هجری خورشیدی یک گره برابر ۱۰ سانتیمتر است.

در صنعت قالی‌بافی از واحد گره برای سنجش کیفیت آن استفاده می‌شود.

KNOT

گره دریائی

واحد اندازه‌گیری سرعت، برابر یک میل دریائی در ساعت، که بیشتر در امر دریانوردی بکار می‌رود.

PIT/ DITCH

گریسنگ (Garisang)

گودال یا حفره نسبتاً عمیق.

GREENWICH

گرینویچ (گرینچ)

← نیمروز گرینویچ

DEFILE

گریوه (Gareyvah)

گردنه باریک و شیب‌داری در یک کوهستان.

گز (Gaz)

یا ذرع واحد قدیم طول در ایران، مقدار گز در نواحی مختلف کشور متفاوت بوده و بنا به کوناگون شناخته می‌شده است. مثلاً "گز شرعی برابر ۴۹/۸ سانتیمتر، گز اصفهان برابر ۸/۵ گز شرعی یا ۷۹/۸ سانتیمتر بوده است و گز دیگری به نام گز شاهی وجود داشته که مقدار آن ۹۵ سانتیمتر بوده.

گز قبل از اتحاد سیستم متریک بعنوان واحد رسمی ایران بکار می‌رفته و مقدار رسمی آن ۱۰۴ سانتیمتر بوده است.

DISSECTION/DISLOCATION (Gosalesh)

۱- در اصطلاح زمین ریختشناسی عبارت از بریدن و شیار یافتن سرزمینی است که در آن رودخانه‌ها و جویبارهای فرساینده جریان داشته باشد.

۲- درهم ریختگی وضع نخستین طبقات زمین.

FAULT

گسله (Gosaleh)

گسیختگی و یا شکست قسمتی از پوسته زمین که منجر به

باشد. صدف‌های روزنه‌داران که در گل مزبور فراوان یافت می‌شود اغلب سرشار از پتاسیم آهن است. گل سبز بیشتر در بخش سراسیم قاره‌ای کرانه‌های نیمه استوایی در جاییکه رودخانه‌های بزرگ به دریا می‌ریزند یافت می‌شود.

گل سفید
CHALK
سوی سنگ آهکی نرم و سفیدی که تقریباً ۹۷ درصد آن کربنات کلسیم است.

با وجودیکه معمای ساختمان و ترکیب گل سفید تا کنون حل نشده ولی قدر مسلم این است که منشأ گل سفید مواد آلی موجود در پایاب‌هایی است که با پاره‌های مواد خاکی آمیخته شده است.

گل‌سنگ (*Golsang*) **LICHEN**

گیاه کم رشدی که از ترکیب جلبک‌های آبی یا سبز با قارچ‌ها و همزیستی آن‌ها با یکدیگر فراهم می‌شود.

گل‌سنگ از نواحی قطبی تا نواحی نیمگانی همه جا بر روی سنگ و تنه درخت و نظایر اینها می‌روید.

این گیاه اسیدی ترشح می‌کند که سبب تجزیه سنگ می‌شود و گل‌سنگ بهتر می‌تواند در جای خود بماند.

گیاه غالب جزایر ایسلند و گروئنلند گل‌سنگ است که خوراک عمده کوزنهای شمالی و کاریبوها را تشکیل می‌دهد.

گل‌سنگ سنجی
LICHENOMETRY

روشی در تخمین زمان بر اساس رشد و نمو گل‌سنگی که روی یک تخته سنگ روئیده باشد.

گل‌فشان (*Gelfeshan*) **MUD - VOLCANO**

گل و آب گرمی که از دهانه آتشفشان به خارج پرتاب گشته و مخروط‌های موقتی کوچکی را پدید می‌آورد.

گاهی اوقات گازهای طبیعی توام با رسوبات نفتی نیز با مواد مزبور همراه هستند.

گل‌فشان در نواحی نفت خیز نیز دیده می‌شود.

گل‌فَشَنگ (*Golfahshang*) **STALACTITE**

— دنگال

گل‌فَشَنگ وارونه (*G-vāruneh*) **STALAGMITE**

— دنگاله

گل کبود (*Gel-e-kabud*) **BLUE MUD**

رسوبات دریائی که با مقداری مواد آلی پوسیده و سولفیت آهن همراه بوده و برگ آبی سپاه دیده می‌شود. بیشترین قسمت کف اقیانوس آرام، دریای عمان و خلیج بنگال، از

گشت (*Gasht*) **VEERING**

تغییر امتداد باد در جهت حرکت عقربه‌های ساعت، مانند بادی که سوی شرق در وزیدن است جهت وزش خود را به سوی جنوب شرقی تغییر دهد.

گشت اسپهر (*G-espehr*) **TROPOSPHERE**

قسمت زیرین جو زمین که از سطح زمین شروع شده و تا گسترز ادامه دارد و بیشتر پدیده‌های هواشناسی مانند تغییرات فشار، ابرها، بادهای باران در آن روی می‌دهد. ارتفاع گشت اسپهر نسبت به سطح زمین بر حسب فصول مختلف اندکی تغییر می‌کند ولی بطور متوسط در حوالی نیمگان زمین حدود ۱۸ کیلومتر و در عرض ۵۰ درجه حدود ۹ کیلومتر و در قطب‌ها حدود ۶ کیلومتر است.

گشتکوره (*Gashtkoreh*) **TROPOSPHERE**

— گشت اسپهر

گشتمرز (*Gashtmarz*) **TROPOPAUSE**

حد فاصل میان گشت اسپهر و پوش اسپهر را گشتمرز می‌گویند. ارتفاع این مرز در نواحی استوایی حدود ۱۸ کیلومتر و در نواحی قطبی حدود ۶ کیلومتر است.

گلابه (*Gelābeh*) **MIRE**

زمین آب‌دار نرم و اسفنجی شکل.

گل اخرا (*Gel-e-okhrā*) **OCHER**

سوی سنگ معدن اکسید فریک با فرمول شیمیائی Fe_2O_3 برنگ قرمز یا زرد که در رنگ آمیزی و نقاشی بکار می‌رود. گل اخرا قرمز را همانیت و گل اخرا زرد را لیمونیت می‌گویند.

گل اقیانوسی
OCEANIC MUD

رسوباتی از نوع گل‌های آبی، سبز، قرمز و یا مرجانی که در ناحیه سراسیم قاره‌ای انباشته شده باشند. این رسوبات که معمولاً از خشکی به دریا برده شده‌اند، درشت‌تر از گل و لای کف اقیانوس‌ها هستند. این پشته‌ها معمولاً در پناه موج شکن‌ها و خورها و عوارض مشابه جمع می‌شوند.

گل‌باد (*Golbād*) **WIND ROSE**

— باد نقش

گل سبز
GREEN MUD

رسوبات دریائی که قسمت عمده آن شامل رس نرم، دانهای معدنی، پتاسیم و سیلیکات آهن بوده و رنگ سبزی داشته

اینگونه رسوبات پوشیده شده است .

OOZE

گِل مایع

— شلکا

CORAL MUD

گِل مرجانی

توده‌ای از خرده‌های بسیار ریز مرجانی که در سراسیم قاره‌ای و پیرامون آبسنگ‌های مرجانی انباشته شده است .

NECK

گلوگیر

توده‌ای از گدازه‌های آتشفشانی سخت شده که دهانه خروجی کوه آتشفشان را مسدود کرده باشد .

VOLCANIC BOMBS

گلوله‌های آتشفشانی

گلوله‌هایی از مواد گداخته که بصورت مایع از دهانه آتشفشان به خارج پرتاب می‌گردد . قطر این گلوله‌ها گاه به حدود یک متر می‌رسد .

DISAPPEARING STREAM

گمرود (Gomrud)

یا کوراب روانه‌ای سطحی که بدرون زمین فرو رفته و ناپدید می‌شود . این وضعیت معمولاً در زمین‌هایی که از نوع آهکی بوده و دارای چاهک باشند بوجود می‌آید . آب اینگونه روانه‌ها چاله‌های آهکی را به‌مرور وسیع‌تر و گودتر کرده و به تدریج به ریز لایه‌های آهکی نفوذ می‌کنند .

GNEISS

گنایس

— گنیس

DOME

گنبده (Gonbadeh)

زمینی که بشکل گنبد باشد . گاهی اوقات در زیر اینگونه زمین‌ها که از انحناء و چین‌های سنگی سطحی پدید می‌آیند . آب نمک و نفت و گاز انباشته شده است .

SEWAGE / FETID WATER

گنداب (Gandāb)

۱- زمین کمابیش پستی که مقداری آب در آن جمع شده و به خارج راه نداشته باشد و تولید باتلاق کند .
۲- جایی که آب‌های شستشو و فاضلاب در آن جمع شود .

WHEAT

گندم

گیاهی از سیره، گندمیان از نوع تریتیوم که غذای اصلی و مهمترین جنس در بازار غله جهانی و به احتمال قوی نخستین دانه اهلی شده به دست انسان است . گونه‌های مختلف آن را متناسب با کشت و رشد در فصول مختلف (مانند گندم پائیزی و گندم بهاری) پرورش داده‌اند و مدت‌ها است که عمده‌ترین منبع تهیه نان مردمان جهان می‌باشد .

WHEAT BELT

گندم خیز

جایی که در آن گندم فراوان به عمل آید .

GONDWANA LAND

گندوانا

قاره فرضی زمین شناسی که قاره‌های کنونی زمین از آن جدا شده‌اند .

— نظریه رانه قاره‌ای

گنگبار (Gangbār)

۱- ساحل جزیره .

۲- مجموعه‌ای از چند جزیره نزدیک بهم .

— مجمع الجزایر

GNEISS

گنیس

گونه‌ای سنگ دگرگون که از نظر ترکیبات شیمیایی به انواع مختلف دیده می‌شود .



گلوله‌های آتشفشانی

CUSTOMS

گمرک

واژه پرتغالی بمعنوم مالیات و یا وجهی که دولت برای ورود یا خروج کالا و مال التجاره می‌گیرد .
حقوق گمرکی یکی از قدیمی‌ترین انواع مالیات است که عملاً در همه کشورها رایج است .

گواب (Gavāb)

جای پست، مفاک و آبگیر.

جوهر گوگرد، لاستیک، کبریت و حشره کش را می توان نام برد.

کوجاه (Gavchāh)

کودال و یا حفراهی که چندان ژرف نباشد و ته آن را بتوان دید.

CROSS STAFF

گونبای مساحی

گونبای مساحی اسبابی است که بوسیله آن زوایای ۹۰ درجه و ۴۵ درجه را روی زمین تعیین می نمایند و امتداد یک خط را مشخص می سازند. بوسیله این دستگاه می توان از نقطه ای روی یک خط، عمود اخراج نموده و یا از نقطه ای خارج یک خط عمودی بر آن وارد می نمایند.

DEPRESSION

کودال

هر گونه فرورفتگی در پوسته زمین بویژه پستی هایی که پیرامون آنها را زمینهای بلندی فرا گرفته و هیچگونه زهائی از آن خارج نگردد.

BUOY

گویه (Guyeh)

— شناوه

گور (Gur)

دشت و صحرا و جای بی آب و علف که پشته و شکستگی بسیار داشته باشد.

FLORA

گیا (Giyā)

مجموعه گیاهان یک ناحیه خاص و نیز فهرست توصیفی گیاهان یک ناحیه که مشتمل بر راهنمای باز شناختن آن ها باشد.

گوراب (Gurāb)

۱- زمین شورزاری در صحرا که از دور به آب و دریاچه شباهت داشته باشد.

HUMUS

گیاهاک (G-khāk)

مواد آلی تجزیه شده یا نیمه تجزیه شده موجود در خاک که منشا جانوری و یا گیاهی داشته باشد. این مواد در زمینهای کشت نشده بصورت طبیعی یافت می شود و به زمینهای که قبلاً "زیر کشت بوده و برای کشت مجدد آماده می شوند بطور مصنوعی وارد می گردد. این مواد قابلیت باروری خاک را افزایش می دهند.

WHITE MAN'S GRAVE

گور سفید پوستان

عنوانی که در قدیم برای نواحی افریقای باختری بکار می رفته است، زیرا بیماری های ناشناخته بومی آنچنان شیوع داشتند که بیشتر اروپائیان و سفیدپوستانی را که به آن نواحی مسافرت می کردند از پای می انداخت و به مرگ آنان منتهی می شد. در زمان حاضر به علت رعایت بهداشت این واژه دیگر کاربردی ندارد.

PLANT

گیاه

نام عام آن دسته از موجودات زنده که ظاهراً "حرکتی ندارند و در یک جا ثابت هستند و مواد معدنی را مستقیماً از محیط اطراف خود دریافت می کنند و بوسیله عمل کربن گیری، مواد آلی قابل استفاده ای برای تغذیه سلول های خود بوجود می آورند.

MANTLE OF THE EARTH

گوشته زمین

(Gushteh-ye-zamin)

— زبرپوش (جبه)

ZOOPLHYTES

گیاهسانان

جانورانی که دارای زندگی گیاهی باشند و مانند گیاهان زندگی کنند.

گوشیه (Gushiye)

آب مخصوص آبیاری زمین که به سهم هایی تقسیم شده باشد.

GRASSLAND

گیاهستان

مناطق از کره زمین که علف و گیاهان خودرو در آن فراوان دیده شود و بدلیل عدم تکافوی باران قابلیت تبدیل به جنگل را نداشته باشد. اینگونه مناطق معمولاً "در حدفاصل مناطق جنگلی و سرزمینهای کم باران و خشک واقع شده و بدو دسته مهم تقسیم می گردند:

الف - علفزارهای مناطق گرم مانند ساوانا.

SULPHUR

گوگرد

شبه فلزی است که از روزگار قدیم شناخته شده. عنصری است جامد و برنگ زرد لیمویی، بی مزه، بی بو با وزن مخصوص ۱/۹۵ که در ۱۱۴/۵ درجه سانتیگراد ذوب می شود و در ۴۴۰/۵ درجه سانتیگراد به جوش می آید. گوگرد در طبیعت فراوان و در حوالی کوههای آتشفشان یافت می شود. گوگرد کاربردهای بسیاری دارد که از آن جمله ساختن باروت

ب - علفزارهای مناطق معتدله مانند استپ .

BOTANY گیاه‌شناسی

تحقیق علمی در زندگی گیاهان .

گیاتاشناسی
← جغرافیا

BIOGEOGRAPHY گیاتاشناسی زیستی

دانشی که پراکندگی سازواره‌های زنده را بر روی زمین بررسی می‌کند .

ANTHROPOGEOGRAPHY گیاتاشناسی مردمی

← جغرافیای انسانی

PHYSIOGRAPHY گیاتانگاری

علم بررسی عوارض طبیعی زمین ، چگونگی پدیدار شدن عوارض مزبور و رابطه میان آنها که گاه به آن ژئومورفولوژی نیز گفته می‌شود .

UNIVERSE کیتی

← جهان

LAGRANDELL

لاگراندد

واژه فرانسوی بمعنی جزیره بزرگ که به جزیره ماداگاسکار گفته می‌شود.

لاله‌زار

زمینی که در آن لاله بسیار کاشته باشند.

LIMON

لای

گونه‌ای خاک سطحی که از جنس مواد رسوبی نرم و قهوه‌ای رنگ تشکیل یافته باشد. این نوع مواد معمولاً "بوسیله حرکات باد و یا یخچال‌های پیشین پدید آمده‌اند.

E - LAYER

لایه E

قسمتی از یون اسپهر که در ارتفاع ۱۰۰ تا ۱۲۰ کیلومتری زمین واقع شده باشد به این قسمت لایه کنلی - هوی ساید نیز می‌گویند.

ACTIVE LAYER

لایه فعال

آن قسمت از پوسته خاکی زمین که در زمستان یخ می‌بندد و در تابستان یخ آن باز می‌شود.

ATMOSPHERE LAYERS

لایه‌های جو

آزمایشها و مشاهدات نشان داده است که جو یا اتمسفر زمین از لایه‌های مختلف تشکیل یافته است. این لایه‌ها از نظر درجه دما و متناسب با ارتفاع عبارتند از:

گشت اسپهر (تروپوسفر) ۷ تا ۱۶ کیلومتر
گشتمرز (تروپوپوز)

پوش اسپهر (استراتوسفر) بین ۳۵ تا ۵۰ کیلومتر
پوشمرز (استراتوپوز)

میان اسپهر (مژوسفر) بین ۲۰ تا ۸۰ کیلومتر
میانمرز (مژوپوز)

دما اسپهر (ترموسفر) بیش از ۲۵۰ کیلومتر
برون اسپهر (اکزوسفر)

← جو (تصویر در صفحه ۳۰۷)

LATERITE

لتریت

← سرخاک

SLIME

لجن

گل سیاه و تیره‌ای که در کف جوی آب و رودخانه و دریاچه‌ها و دریاها و اقیانوس‌ها جمع شده باشد.



لات

لات در زبان فارسی به مفهوم بی چیز و فقیر بکار می‌رود و از نظر جغرافیائی به دشت یا بیابانی اطلاق می‌گردد که چیزی در آن یافت نشود و آثار گیاهی مهمی در آن به چشم نخورد.

LATIN

لاتین

مردم ساکن ناحیه قدیم لاتئوم. هم چنین ملل یا کشورهایمانند فرانسه، ایتالیا و اسپانیا که زبان و فرهنگ آنها از لاتینی ناشی است به کار می‌رود.

در تاریخ، در زمان جنگ‌های صلیبی، به شهروندان یا سکنه اروپای غربی، در مقابل یونانیها گفته می‌شد.

DREDGING

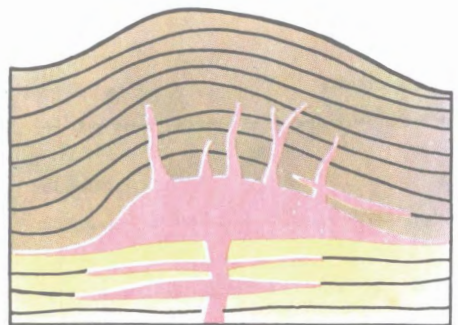
لارویی

پاک کردن گل و لای.

LACCOLITE

لاکولیت

توده بزرگی از سنگهای آذرین، که در زیر پوسته زمین انباشته شده باشد. علت پیدایش لاکولیت خروج مواد گداخته از طبقات زیرین، و جمع شدن آنها در زیر پوسته زمین است. در نتیجه انباشته شدن این مواد چینه‌های بالائی بطرف خارج تاب برداشته و سطح زمین را بشکل تپه متورم می‌سازد. گاهی اوقات ممکن است چندین لاکولیت روی یکدیگر جمع شده و کوه بلندی را بوجود آورند. مانند کوه M.T. Ellen که ارتفاع آن ۳۴۹۷ متر است.



لاکولیت

LOGARITHM

لگاریتم

لگاریتم عددی مانند a بر مبنای b عددی است چون c که اگر b بتوان c برسد a بدست آید .
در لگاریتم آنچه مهم است مبنای آنست . مهمترین مبنایا مبنای ده و مبنای e است .

BARREN

لم یزوع

زمین غیر قابل کشت و یا زمینی که در آن زراعت نمی شود .

ANCHORAGE

لنگرگاه

محلّی از دریا که کشتی در آن بایستد و از آن جلوتر به ساحل نتواند نزدیک شود .

— بندر

ROADSTEAD

لنگرگاه طبیعی

لنگرگاه نسبتاً پهناوری که معمولاً "در دهانه یک خلیج یا خور و دور از تأسیسات بندری واقع شده و تا اندازه ای از امواج دریا محفوظ باشد .

LEEVE

لوار (Lavār)

دیواره طبیعی یک رودخانه که بر اثر جاری شدن سیل و رسوب مواد موجود در آب پدید آمده و نسبت به زمینهای اطراف کمی برجسته تر باشد . همچنین به دیوارهای که بطور مصنوعی در حاشیه دریا یا رودخانه ایجاد شود تا از سرازیر شدن سیلاب به اراضی مجاور جلوگیری نماید ، به این عارضه خاکریز نیز گفته می شود .



لوار

LOPOLITH

لوپولیت

توده ای از سنگهای آذرین که عارضه ای بشکل بشقاب پدید آورده باشند .

قطر لوپولیتها از چندین ده کیلومتر تا چند صد کیلومتر ممکن است تغییر کند و ضخامت آنها معمولاً " بطور متوسط هزار متر میباشد .

لوت

واژه لوت در زبان فارسی به مفهوم برهنه و عریان بکار می رود و از نظر جغرافیائی به بیابانی اطلاق می گردد که ، لخت و برهنه باشد و آثار گیاهی مهمی در آن به چشم نخورد .

FEN

لشاپ (Lashāb)

جائی که در آن آب ایستاده و انواع علفهای هرز و نی و امثال آن روئیده باشد .

FENLAND

لشاپزار (Lashābzār)

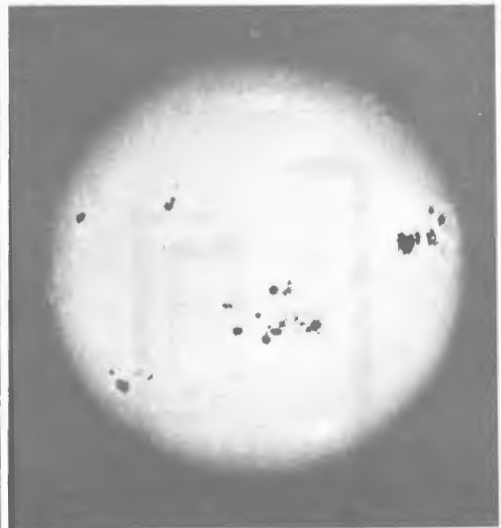
منطقه ای که سراسر از لشابهای متعدد پوشیده شده باشد .

SUNSPOTS

لکه های خورشیدی

لکه هایی در خورشید که بدلیل اختلاف درجه حرارت در سطح کره مزبور بصورت نسبتاً " سیاهی بنظر می رسند . اندازه این لکه ها گاه به حدی بزرگی است که با عینکهای آفتابی یا شیشه های سیاه و حتی از پس ابر رقیق با چشم غیر مسلح قابل دید است . چگونگی پیدایش این لکه ها هنوز بدرستی شناخته نشده و بیشتر تصور می رود که زبانه کشیدن و در هم پیچیدن توده های گاز مشتعل جو خورشید باعث پدید آمدن آن می گردد . احتمال رابطه میان لکه های خورشیدی و پاره ای پدیده های زمینی نیز یکی دیگر از مسائلی است که تحت بررسی بوده و امروزه رابطه میان تعداد این لکه ها و اغتشاش های الکتریکی و مغناطیسی و رادیویی زمین تقریباً به اثبات رسیده است . به این "عارضه کلف های خورشیدی نیز می گویند .

بزرگترین لکه خورشیدی شناخته شده در فروردین ۱۳۲۶ برابر با آوریل ۱۹۴۷ دیده شده که مساحتی بیش از سی برابر سطح زمین را دارا بوده است .



لکه های خورشیدی

به اینگونه بیابان‌ها لات نیز می‌گویند.

لوح رستی (Loh-e-rosti) CLAY-SLATE

گونه‌ای از الواح سنگی که از رس متراکم و فشرده پدید آمده باشد.

لور (Lur) FLOOD-WATER

— سیل و سیلاب

لورکند (L-Kand) DRY RIVER

زمینی که آن را سیلاب کنده باشد.

— حشرکرد

لیبراسیون LIBRATION

جنبیدن ظاهری کره ماه (یا سیاره عطارد) به راست و چپ و یا بالا و پایین، بر اثر این نوسانها قسمتی از سطح پنهان ماه بر ناظر زمینی آشکار می‌شود.

لیبرالیسم LIBERALISME

یا "آزادیخواهی"، اعتقاد به آزادی و فلسفه آزادی و نهضت آزادی، خواه این آزادی به عنوان روش و سیاست حکومت در نظر گرفته شود، خواه به عنوان اصل نهادهای جامعه یا به عنوان راه و رسم زندگی فردی و اجتماعی. احزاب لیبرال (آزادیخواه) دارای خط مشی لیبرالیستی بوده و پیروان این مکتب را لیبرالیست (آزادیخواه) می‌نامند.

لیتر LITRE

واحد حجم در سیستم متریک که برابر است با حجمی از یک کیلوگرم آب ۴ درجه سانتیگراد حرارت که تحت فشاری برابر ۷۶۰ میلی متر جیوه واقع شده باشد. حجم این مقدار آب برابر ۱۰۰۰/۰۲۷ سانتیمتر مکعب است که آنرا بطور رسمی معادل ۱۰۰۰ سانتیمتر مکعب پذیرفته‌اند. یک لیتر برابر ۰/۲۱۹۹۷۶ گالون امپریال یا یک دسیمتر مکعب است.

لیتوگرافی LITHOGRAPHY

— چاپ سنگی

لیزر LASER

نام دستگاهی است که برای تقویت یا تولید نور بصورت نوارهای نازک و نافذ بکار می‌رود.
کلمه لیزر از سه کلمه

Light Amplification by Stimulated
Emission of Radiation

تشکیل یافته. نورلیزر بر خلاف نورهای معمولی که به هر سو

پراکنده می‌شوند بصورت نوار یا رشته‌ای از نور فقط در یک جهت حرکت می‌کند و ابتدا و انتهای آن تقریباً "یکسان است و یک رنگ بیشتر ندارد.

از نور لیزر در صنعت، پزشکی، درمانوردی و هواپیمایی و مخابرات استفاده می‌شود.

لیگنیت (لینییت) LIGNITE

— زغال قهوه‌ای

لین مپ LINMAP

نقشه‌ای که به کمک ماشین‌های کامپیوتر ترسیم شده باشد. اینگونه نقشه‌ها بوسیله ماشین‌های رسم خودکاری که از یک رایانه (کامپیوتر) فرمان می‌گیرند ترسیم می‌گردند.



های فرعی آتشفشان در دامنه‌ها و یا زمینهای اطراف تشکیل می‌گردد، پدید می‌آیند.

MARCH

مارس

— ماههای اروپائی

MARNES

مارن‌ها

سنگهای نرمی هستند از جنس خاک رس و آهک که با اسید می‌جوشند و ایجاد CO_2 می‌کنند.

مارن‌ها را برحسب درصد خاک رس و آهک تقسیم بندی می‌کنند. در مارن‌های آهکی مقدار خاک رس از ۵۰ درصد کمتر است و برعکس در مارن‌های رسی مقدار آهک به ۵۰ درصد نمی‌رسد.

MAZUT

مازوت

— نفت سیاه

SAND

ماسه

ذرات ریزی که از تجزیه و تخریب طبیعی سنگها بویژه سنگهایی که دارای کوارتزمی باشند (از قبیل سنگ‌خارا) ایجاد شده و بوسیله جریان آب، باد، یخچال و یا دریا به نقاط مختلف حمل می‌گردند.

ماسه از نظر اندازه به چهار دسته بشرح زیر تقسیم می‌گردد:

الف — ماسه نرم بابعاد ۰/۵ تا ۰/۲ میلی‌متر.

ب — ماسه متوسط بابعاد ۰/۲ تا ۰/۵ میلی‌متر.

پ — ماسه درشت بابعاد ۰/۵ تا ۱ میلی‌متر.

ت — ماسه خیلی درشت بابعاد ۱ تا ۲ میلی‌متر.

SANDSTORM

ماسه باد

باد شدیدی که توده‌های شن را بهمراه داشته‌باشد. در این باد که خاص مناطق کویری و خشک است، توده‌های شن بصورت ابری به ارتفاع حدود ۲۰ متر دیده می‌شود.

SABLIERE

ماسه زار

صحرايي که از ماسه نرم پوشیده شده باشد.

GREEN SAND

ماسه سبز

رسوبات دریائی خاصی شبیه گل سبز که پتاسیم آهن آن بر سایر مواد فزونی داشته باشد.

SANDSTONE

ماسه سنگ

گونه‌ای سنگ ماسه‌ای متخلخل که از ذرات ریز کوارتز، فلدسپات و میکا و سایر مواد معدنی بهم چسبیده پدید آمده باشد. اینگونه سنگها از نظر مواد متشکله به انواع آهکی، سیلیسی، آهنی یا زنگاری و مرمرین تقسیم می‌شوند.

MATERIALISM

ماتریالیسم

نظریه و مکتبی فلسفی است که دنیای خارج را واقعی و حقیقی و بیرون از شعور انسان می‌داند.

ماتریالیسم معتقد است که ماده مبدأ و اساس بوده، و حس شعور و تفکر فرع و زائیده ماده است و درک خاصیت ماده تکامل یافته و عالی و انعکاس خارجی جهان مادی و قوانین آن در مغز می‌باشد.

ماتریالیسم بر سه گونه است:

۱- ماتریالیسم تاریخی در رابطه با زندگی اجتماعی و پدیده‌های آن و بررسی جامعه و تاریخ آن.

۲- ماتریالیسم دیالکتیک که روح و طبیعت را یک مجموع می‌شمارد و تفکر و درک را نتیجه تکامل تدریجی و جهش کیفی ماده و محصول ماده تکامل یافته یعنی مغز می‌داند.

۳- ماتریالیسم مکانیست که مربوط به قبل از دوران مارکس و انگلز است در این مکتب حرکت پدیده‌ها ساده و مکانیستی تلقی می‌گردد.

CHINA

ماچین (Māchin)

یا مهاچین یعنی سرزمین چین اصلی یا چین بزرگ. این واژه قدیمی است و در سابق به سرزمین‌ها و شهرهای مجاور کاشغر و ختن اطلاق می‌شده.

MACH

ماخ

واحد اندازه‌گیری سرعت صوت معادل ۳۳۴ متر در ثانیه.

مادر چاه

چاهی که بیش از چاههای دیگر به منبع آب قنات نزدیک باشد.

— قنات

MATERIAL

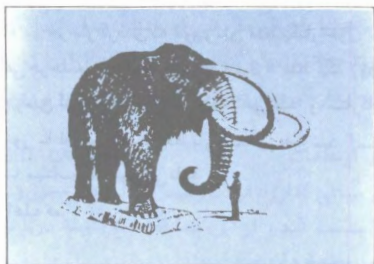
ماده

اجزاء وجودی و ترکیب کننده و بوجود آورنده هر چیز.

MAAR

مار

واژه آلمانی بمعنی برکه یا دریاچه مدوری که در یک دهانه آتشفشان تشکیل شده‌باشد. این برکه‌ها که قطر آن ممکن است به ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ متر برسد معمولاً در راس قلل آتشفشان قرار ندارند. بلکه در کودالهایی که بوسیله دهانه



ماوت

MOON

مانگ (Māng)

— ماه

MANIOC

مانیوک (کاساوا)

گیاهی است که بصورتی گسترده در مناطق استوایی افریقا، امریکا و هند غربی بخاطر ریشه غده‌ای و آبدار آن (که — مملو از نشاسته است)، کاشته می‌شود از گونه‌های مختلف این گیاه کائوچو استخراج می‌کنند و از ریشه‌های آن نیز نشاسته کاساوا تهیه می‌شود که به مصرف تغذیه میرسد.

ماوراءالنهر

— ورارود

MOON

ماه

تنها قمر زمین ماه نام دارد که هر ۲۷ روز و ۷ ساعت و ۴۳/۲۵ دقیقه (این مدت را یک ماه نجومی می‌نامند) یکبار بگرد زمین می‌گردد. فاصله زمانی میان یک هلال تا هلال بعدی ماه نیز بطور متوسط ۲۹ روز و ۱۲ ساعت و ۴۴ دقیقه است که به آن یک ماه قمری می‌گویند. یک روز ماه ۲۴ ساعت و ۵۰ دقیقه است که این مدت با اندکی کم و زیاد در تغییر است. (علت این تغییر خارج از مرکز بودن مدار گردش ماه بدور زمین و همچنین مدار گردش زمین به دور خورشید است) میانگین مسافت ماه از زمین ۳۸۴,۳۹۲ کیلومتر، و جرم آن تقریباً $\frac{1}{81}$ جرم زمین و قطر آن حدود $\frac{1}{4}$ قطر زمین است. کره ماه فاقد جو و آب بوده و بالطبع فاقد حیات است. چهره‌های گوناگونی که ماه حین گردش بدور زمین بخود می‌گیرد، صور ماه یا اهل ماه نام دارد که به ترتیب زیر نامگذاری می‌شوند:

۱- تربیع یکم که خمیدگی هلال آن بسوی باختر است.

۲- بدر، یا قرص کامل (که به آن ماه شب چهارده نیز می‌گویند)

۳- تربیع دوم که خمیدگی هلال آن بسوی خاور است.

CORAL SAND

ماه مرجانی

قطعات مرجانی خرد شده‌ای که بوسیله امواج دریا به ساحل آمده و رنجیره‌ای از شن سفید رنگ مرجانی از خود بحای گذارده باشد.

ماغ

یا میخ — مه

HEN/ FOWL

ماکیان

گونه‌ای از پرندگان که بالهایشان نسبت به جثه آنها کوتاه است و بهمین جهت کم پرواز می‌کنند. این راسته از پرندگان بواسطه منقار قوی و پنجه‌های با قدرتی که دارند از کبوتران متمایزند و نیز انگشت عقبی پای آنها از سایر انگشتان بالاتر قرار می‌گیرد.

جنس نر این پرندگان از ماده هایشان بواسطه داشتن صفات جنسی ثانوی بارز و متمایزند و هر کدام چند ماده را جمع آوری و سرپرستی می‌کنند. بوقلمون، کبک و مرغهای خانگی جزو این پرندگان هستند.

MAGMA

ماگما

— مواد گداخته

TAX

مالیات

وجوهی که ماموران دولت بر حسب قانون از صاحبان املاک اراضی، مستقالات، کارخانجات و غیره دریافت می‌کنند. بعبارت دیگر مالیات عبارت از سهمی است که حکومت بر مبنای اصل همگاری ملی از مایملک افراد بر می‌دارد تا بتواند مخارج کشور را که نفع عمومی در آنست تامین کند و یا قروض خود را بپردازد. مالیات بر دو گونه است: مالیات مستقیم و غیر مستقیم.

MAMMOTH

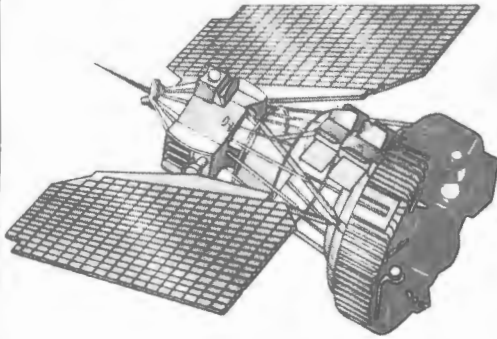
ماموت

گونه‌ای فیل فسیل شده که در آغاز دوران چهارم زمین شناسی در اروپا و شمال آسیا می‌زیسته و بدنش از موهای بلند پوشیده بوده و عاج طویل و پیچیده‌ای داشته است. سنگواره ماموت‌ها در تفتشت‌های یخبندان ماقبل تاریخ (ابتدای دوران چهارم) در شمال آسیا و اروپای مرکزی بوفور یافت می‌شود.

MARSH

مانداب (Māndāb)

قطعه زمین پستی که از رطوبت اشباع شده و معمولاً رستنی‌هایی در آن روئیده است. و یا زمین پست و مرطوبی که گاه‌گاه ب زیر آب رفته و بدلیل نفوذناپذیری خاک و کمبود زهاب از گل و لای فراوانی تشکیل یافته باشد.



ماهواره



ماه

۴- ماه نو، که غیر قابل رویت می باشد.

کره ماه در هر بار گردش به دور زمین فقط یکبار حول محور خود می چرخد و به همین مناسبت همواره فقط یک روی آن متوجه زمین است. کره ماه برخلاف خورشید و ستارگان از خود نور ساطع نمی کند و فقط بازتاب نور خورشید است که بصورت مهتاب به زمین می ناید.

← اهله قمر

FULL MOON

ماه شب چهارده

← اهله قمر

LUNAR MONTH

ماه قمری

مدت زمان یک دور گردش کامل ماه به دور زمین را یک ماه قمری می گویند که از یک هلال تا هلال بعدی بطول می انجامد و مدت آن تقریباً "۲۹/۵ روز است که گاه ۲۸ روز نیز محاسبه می شود.

ECLIPSE OF THE MOON

ماه گرفت

← مه گرفت

NEW MOON

ماه نو

← اهله قمر

SATELLITE

ماهواره

جرم کوچکی که به گرد یک سیاره گردش نماید. این جرم معمولاً "مصنوعی بوده و به آن قمر مصنوعی نیز گفته می شود. از جمله ماهواره ها می توان ماهواره های مخابراتی و هواشناسی را نام برد.

HILLY AREA

ماهور

پستی و بلندی های دامنه کوه ← تپه ماهور

EUROPIAN MONTHES

ماههای اروپائی

رومیان باستان در آغاز، سال را به ده ماه تقسیم می کردند، بعدها در زمان نوما پومپیلیوس فرمانروای روم، ماههای یازدهم و دوازدهم به تعداد ماههای سال افزوده شد. رومیان نخست سال را با بهار آغاز می کردند و نخستین ماه سال را بنام مارتیوس یا خدای جنگ اختصاص می دادند و سایر ماهها نیز با اعداد نامیده می شدند و یا با نام سایر اساطیر مشخص می گردیدند. این ماهها به ترتیب عبارت بودند از:

- ۱- مارتیوس ۲- آپریلیس ۳- مایوس ۴- یونیوس
 - ۵- کوینتیلیس ۶- سسنتیلیس ۷- سپتمبر ۸- اکتبر
 - ۹- نومبر ۱۰- دکمبر ۱۱- یانوارئوس ۱۲- فبروارئوس
- در زمان ژولیوس سزار (۴۶ پیش از میلاد) تقویم رومیان

DATUM **مبنا**
نقطه، خطو یا سطح مفروضی که بعنوان مبناى اندازه‌گیری‌ها بکار رود، مانند سطح متوسط آب دریاهاى آزاد که بعنوان مبناى اندازه‌گیری ارتفاعات سطح زمین بکار می‌رود.

HEIGHT DATUM **مبناى ارتفاعات**
سطح مبنایی که از راه قرائت و ثبت متوالی سطوح جزر و مد آب دریا بدست آید. از این مبنا که سطح متوسط دریا نامیده می‌شود برای اندازه‌گیری ارتفاعات سطح زمین استفاده می‌شود.

ORIGIN OF A GRID **مبنای شبکه بندی**
نقطه برخورد دو محور اصلی یک شبکه‌بندی را مبنای شبکه-بندی می‌نامند. محورهاى اصلی شبکه‌بندی یک نقشه قاعدتاً "دو خط متعامدی هستند که یکی در جهت شمال-جنوب (یا محور Y ها) و دیگری در جهت خاور-باختر (یا محور X ها) قرار گرفته است.
— مبدا مختصات

CHART DATUM **مبنای عمق یابی**
سطحی که بعنوان مبناى ژرفایابی آب دریا به کار رفته و منحنی‌های هم ژرفا و همچنین ارتفاع نقاط ساحلی را نسبت به آن اندازه‌گیری می‌نمایند.
معمولاً "سطح آب دریا هنگام جزر بهاری را بعنوان سطح مبنای عمق یابی انتخاب می‌کنند.

TIDAL DATUM **مبنای کشندی**
سطح مبنایی که از راه ثبت قرائت‌های متوالی برگشتند (مد) و فروکشند (جزر) بدست آید. این سطح به عنوان مبناى اندازه‌گیری ارتفاعات سطح زمین بکار می‌رود.
— مبناى ارتفاعات

METHANE **متان**
یا گاز مرداب، گازی است بی رنگ و بی بو و قابل اشتعال که از جملهٔ هیدروکربن‌ها بشمار می‌رود و فرمول شیمیائی آن CH_4 است. این گاز از تجزیه موجودات ریز موجود در مرداب‌ها یا کربنیزاسیون زغال پدید می‌آید.
از گاز متان برای ایجاد روشنایی و حرارت استفاده می‌شود.

UNITEDS **متحدین**
در جنگ جهانی اول به کشورهای آلمان، اتریش، عثمانی و یاران آنها که در برابر متفقین می‌جنگیدند اطلاق می‌شد.

بنا بر اختلافی که با فصل‌های سال پیدا کرده بود. تغییراتی یافت (— تقویم ژولین) و پنجمین ماه سال به افتخار او نام‌گذاری شد و از کوینتیلیس به ژوئیه (July) تغییر نام یافت. پس از ژولیوس سزار جانشین او آگوستوس سزار ماه ششم را بنام خویش آگوستوس نامید و یک‌روز از ماه دوازدهم کاست و بر ماه خویش افزود تا با تعداد روزهای ماه ژوئیه برابری کند.

تا کنون بدرستی روشن نشده که علت تغییر آغاز سال فرنگی از ماه مارس به ژانوار یوس چه بوده است.

اسامی ماههای اروپائی مطابق ضبط متداول فارسی به ترتیب زیر است:

۱- ژانویه ۳۱ روز ۲- فوریه ۲۸ روز ۳- مارس ۳۱ روز
۴- آوریل ۳۰ روز ۵- مه ۳۱ روز ۶- ژوئن ۳۰ روز
۷- ژوئیه ۳۱ روز ۸- اوت ۳۱ روز ۹- سپتامبر ۳۰ روز
۱۰- اکتبر ۳۱ روز ۱۱- نوامبر ۳۰ روز ۱۲- دسامبر ۳۱ روز

FISHES **ماهیان (Māhiyān)**
گونه‌ای از جانوران آبزی که جزو پست‌ترین مهره‌داران بشمار می‌آیند. وجود برانشی در دوره نمو جنینی کلیه جانوران مهره‌دار از جمله انسان و هم چنین صفات دیگری که در مهره‌داران عالی در دوره جنینی نشان می‌دهد، ثابت می‌کند که ماهیان اجداد تمام مهره‌داران هستند و بعلت سازش با زندگی در آب شکل بدنشان از دیگر مهره‌داران متمایز است. شکل ماهیان عموماً "دوکی است و از این جهت برای حرکت در آب کاملاً مناسب است. اعضای حرکتی ماهیها شامل هفت باله است که سه عدد فرد و دو تا زوج می‌باشد.

FALSE ORIGIN **مبدا مختصات**
نقطهٔ مبدائی در یک سیستم شبکه‌بندی، که موقعیت سایر نقاط را نسبت به آن به کمک دو محور افقی و قائم مورد سنجش قرار دهند. برای احتراز از مختصات منفی به نقطه مزبور مختصات اختیاری (غیر از صفر و عدد منفی) داده می‌شود. مثلاً "در سیستم شبکه‌بندی UTM برای طول نقطه مزبور عدد ۵۰۰۰۰۰۰ متر انتخاب شده که رو بسوی خاور به آن افزوده شده و رو بسوی باختر از آن کاسته می‌شود و همچنین برای عرض آن در نیمکره شمالی عدد صفر انتخاب شده که رو بسوی شمال به آن افزوده می‌شود و در نیمکره جنوبی عدد ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ متر اختیار گردیده که رو بسوی جنوب از آن کاسته می‌شود.
— شبکه بندی یو. تی. ام

میانگین سنی زنان و مردان هر کشور را حداکانه تعیین می نمایند.

مثقال

واحد سنجش وزن معادل ۲۴ نخود یا $\frac{1}{16}$ سیر. طبق قانون اوزان مورخ ۱۳۰۴ خورشیدی هر مثقال برابر ۱۰ گرم است.

مثلث

TRIANGLE

شکل هندسی سه گوشه و یا سطحی که به سه خط مستقیم محدود بوده و از سه زاویه ترکیب یافته باشد. انواع مثلث عبارتست از: متساوی الساقین، متساوی الاضلاع قائم الزاویه و مختلف الاضلاع.

مثلثات

TRIGONOMETRY

بخشی از علم ریاضی که درباره روابط بین اضلاع و زوایای یک مثلث گفتگو می کند. چون طول و زاویه دو کمیت متفاوتند لذا در مثلثات از عوامل جدیدی که خطوط مثلثاتی نام دارند، استفاده می شود.

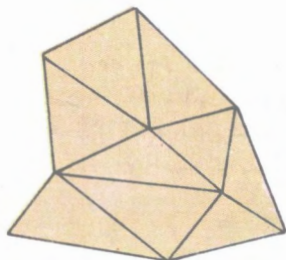
مثلثات بر دو قسم است، مثلثات مسطحه و مثلثات کروی. در مثلثات مسطحه از مثلثی گفتگو می شود که در سطح مستوی قرار گرفته باشد و مجموع زوایای آن ۱۸۰ درجه باشد در حالیکه در مثلثات کروی از مثلثی بحث می شود که در سطح یک کره واقع شده باشد و اضلاع آن قوسهایی از سه دایره عظیمه باشند.

مجموع زوایای هر مثلث کروی ۱۸۰ درجه به علاوه اضافه کرویت است.

مثلث بندی

TRIANGULATION

شبکه ای از یک سری مثلثهای پیوسته که زاویه آنها با ثنودولیت و همچنین طول یک ضلع یکی از آنها مستقیماً در روی زمین اندازه گیری شده و مختصات رؤس آن به کمک یک سری محاسبات ریاضی تعیین شده باشد. این سیستم در کارهای نقشه برداری مورد استعمال دارد.



مثلث بندی

METER

متر

واحد سنجش مسافت در سیستم متریک متر نام دارد که اندازه آن $\frac{1}{40,000,000}$ درازای نصف النهار ماربر شهر دونکرک است. متر استاندارد نواری است که از ۲ میزه (آلیاز) دو فلز پلاتینیوم و ایریدیوم درست شده و در دمای صفر درجه سانتیگراد در پارسی نگهداری می شود. اخیراً "تعریف دقیق تری از متر شده که عبارتست از اندازه طول موج نور نارنجی که از کریپتون ۸۶ ساعت گردد.

یک متر برابر است با ۱۰ دسی متر و مساوی صد سانتی متر و معادل ۱۰۰۰ میلیمتر.

یک متر برابر است با $\frac{39}{3701}$ اینچ و مساوی $\frac{3}{281}$ پا و معادل $\frac{1}{0.94}$ یارد.

یک متر مربع برابر است با ۱۵۵۰ اینچ مربع و مساوی $\frac{10}{7639}$ پای مربع و معادل $\frac{1}{1968}$ یارد مربع.

METROPOL

متروپل

وضعیت و حالت کشوری نسبت به کشورهای تابعه آن.

METROPOLITAN

متروپلیتن

- ۱- وابسته به کشور اصلی و متبوع.
- ۲- راه آهن زیرزمینی یا هوایی که از محلات شهری بزرگ و حومه آن بگذرد.

METROPOLIS

متروپلیس

شهر و یا شهرکی که حکومت نشین و مرکز امور مسیحیت بوده در ضمن فعالیت های تجاری و اقتصادی سیر در آن متعزکز باشد.

ALLIES

متفقین

۱- در جنگ جهانی اول، عنوان کشورهای انگلستان، فرانسه، روسیه، امریکا و هم پیمانان آنها مانند ایتالیا، ژاپن، سلزیک، صربستان، مونتهنگرو، یونان، پرتغال و رومانی که به منظور مقابله با "متحدین" با یکدیگر متفق شده بودند.

۲- در جنگ جهانی دوم، عنوان کشورهای، انگلستان، شوروی، فرانسه، چین و دیگر یاران آنها که بمنظور مقابله با نیروهای محور تشکیل یافته بود، اطلاق می شد.

CITIZEN

متمدن

← شهروند

LIFE EXPECTANCY

متوسط عمر

شماره سالهای زندگی برای متوسط افرادی که در یک واحد سرزمینی، بخصوص یک کشور، به آن سن می رسند. معمولاً

ULOTRICHOUS

مجمد موی

گروهی از انسان‌ها که دارای موی مجمد هستند. این گروه به دو دسته متمایز شرقی و افریقایی تقسیم می‌گردند.

PARLIAMENT

مجلس

هیئت عالی مقننه یک‌واحد سیاسی عمده (مثل کشور یا دولت) که در کشورهای مختلف به اسامی گوناگون نامیده می‌شود. مجلس یا پارلمان در بیشتر کشورها خود از دو مجلس جداگانه تشکیل یافته و پاره‌ای از کشورها، منجمله ایران، دارای یک مجلس قانونگذاری می‌باشند.

CONSTITUENT ASSEMBLY

مجلس مؤسسان

هیئت قانونگذاری ویژه‌ای که امور تهیه قانون اساسی را به عهده دارد. در مواقعی نیز که لازم است در اصول مربوط به قانون اساسی تجدید نظر شود، بایستی مجلس مؤسسان تشکیل شود.

ARCHIPELAGO

مجمع الجزایر

دسته جزایر کوچک و بزرگی که در کنار هم قرار گرفته باشند.

CONSERVATOR

محافظه کار

کسی که طرفدار سنن و آداب گذشته است و با نوآوری‌ها و تشکیلات جدید مخالفت می‌ورزد.

NEW MOON

محاق (Mohāq)

— اهله قمر

محدوده شهری

عبارت از حد خارجی شهرها است که خدمات شهری فقط تا محدوده فوق را در بر گرفته و خارج از این محدوده فاقد خدمات شهری می‌باشد.

COVER - CROP

محصول زودرس

محصولی که در حد فاصل میان کاشت و برداشت محصول اصلی کشت شود. معمولاً "هدف از کشت محصولات زودرس، حفاظت خاک و جلوگیری از فرسایش آنست."

SOLUTION

محلول

ماده‌ای که مولکولهایش با مولکولهای مایعی به نام حلال آمیخته و یکی شده باشد. بطوریکه ظاهراً "هر دوازیک ماده بنظر آیند. مانند محلول قند و آب."

QUARTER

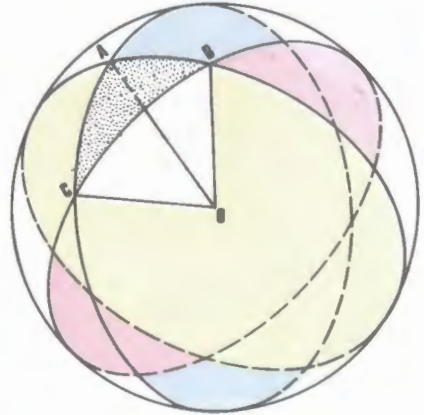
محلّه

هر یک از مناطق نسبتاً "مجزای هر شهر که به لحاظ تاریخی، اجتماعی و یا خدمات شهری قابل تفکیک باشد.

SPHERICAL TRIANGLE

مثلث کروی

مثلثی واقع بر روی سطح کره که از برخورد سه دایره عظیمه پدید آمده باشد. حل مثلث کروی که در ریاضیات مثلثات کروی نام دارد یکی از مباحث مهم ریاضی در مسائل ژئودزی و نجوم است.

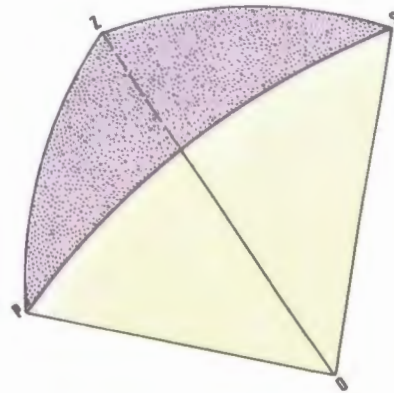


مثلث کروی

ASTRONOMICAL TRIANGLE

مثلث نجومی

موقعیت هر جرم آسمانی (مانند ستاره) را می‌توان به کمک مثلثی بنام مثلث نجومی که از سه نقطه سراسو (سمت الرأس) یا پاسو (سمت القدم)، قطب شمال یا قطب جنوب عالم و جرم آسمانی بوجود می‌آید، مشخص نمود.



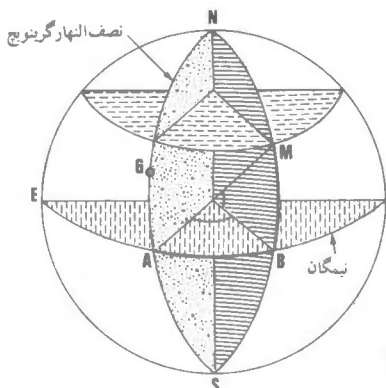
مثلث نجومی

WASTE LAND/ BARREN

مجداب (Mejdāb)

زمینی که هیچ چیز در آن نرود.

— لم یزرع





مخروط آتشفشانی

HIGH TIDE

مد (Madd)

← برگشتند

ORBIT/ PARALLEL

مدار

خطی فرضی است که سیارات در گردش انتقالی خود بدور خورشید آن را می‌پیمایند.

PARALLELS OF LATITUDE مدارات عرض جغرافیائی

دوایی که به موازات نیمگان زمین عبور کرده و بر نصف — النهارهای زمین عمود باشند. (تصویر در صفحه ۳۱۸)

POLAR CIRCLES

مدارات قطبی

نام دو مدار که هر یک به فاصله $۶۶^{\circ}۳۳'$ از خط استوا یکی در شمال و دیگری در جنوب خط استوا قرار دارند. مداری که در شمال خط استوا است موسوم به مدار قطب شمال است و مداری که در جنوب خط استوا واقع است به مدار قطب جنوب موسوم است.

نقاط واقع بر روی این دو مدار آخرین حد مناطق قطبی را مشخص می‌سازند. مناطق واقع در بین این دو مدار و قطب‌های شمال و جنوب شش ماه از سال در تاریکی و شش ماه در روشنائی هستند.

← مدار شمالگان و مدار جنوبگان (تصویر در صفحه ۳۱۸)

ASH CONE

مخروط خاکستر

قله یا برجستگی مخروطی شکلی که بر اثر بیرون ریختن خاکسترهای آتشفشانی بوجود آمده‌باشد.

خاکستر آتشفشانی از درات گدازه (کوچتر از یک میلیمتر) ششه آتشفشانی و احجار دیگر تشکیل شده‌است. و اگر ابعاد درات کمتر از دو میلیمتر باشد به آنها گرد و غبار گویند. خاکسترهای آتشفشانی، اطراف دهانه آتشفشان را بصورت قشری نازک سعید، شبه برف می‌پوشاند.

EBOULIS CONE (Makhrut-e-kohriz)

مخروط کهریز که در آغاز جز شکافهای ریز و غیر مرئی چیز دیگری در سطح آنها دیده نمی‌شود، بر اثر سرما و یا خشکی و با برابر چین خوردگی، شکافهای ریز اولیه فراختر شده و شکافهای جدید بسیاری در آن‌ها ظاهر می‌گردد و خرده‌های کوچک و بزرگ سنگ که از صخره جدا شده و بنام کهریز در پایی صخره ریخته‌اند، مخروط‌هایی را پدید می‌آورند که به آن‌ها مخروط کهریز می‌گویند.

RESERVOIR

مخزن سد

مخزن ذخیره آبی که برای مقاصد هیدروالکتریک، صنعتی، مصارف خانگی و یا آبیاری و امثال آن با بستن سد بر روی رودخانه‌ها بوجود آمده‌باشد. به مخزن سد دریاچه سد سیر می‌گویند.

STANDARD PARALLEL

مدار تماس

— مدار استاندارد —

ANTARCTIC CIRCLE

مدار جنوبگان

مداری در ۶۶ درجه و سی و سه دقیقه عرض جنوبی که عبارتست از آخرین حد تابش نور خورشید در هنگام انقلاب زمستانی نیمکره جنوبی که به آن مدار قطبی جنوب نیز می‌گویند.

ORBIT OF THE EARTH

مدار حرکت انتقالی زمین

— مدار گردش سالانه زمین —

مدار حرکت ظاهری خورشید

APPARENT PATH OF THE SUN

با توجه به اینکه خورشید نسبت به زمین ثابت بوده و زمین حول محور خویش می‌چرخد ولی چنین بنظر می‌آید که خورشید به گرد زمین در گردش است از این رو مسیری را که خورشید ظاهراً "در آسمان طی می‌کند مدار حرکت ظاهری خورشید می‌گویند. واضح است که در هر ۲۴ ساعت (یک روز—خورشیدی) ، خورشید یکبار این مدار را ظاهراً "طی می‌نماید. — کره عالم —

TROPIC OF CAPRICORN

مدار رأس الجدی

مداری است در ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه عرض جنوبی که نور خورشید فقط روز یکم دی ماه (مطابق با ۲۲ دسامبر) بر آن عمود می‌تابد. — مداران —

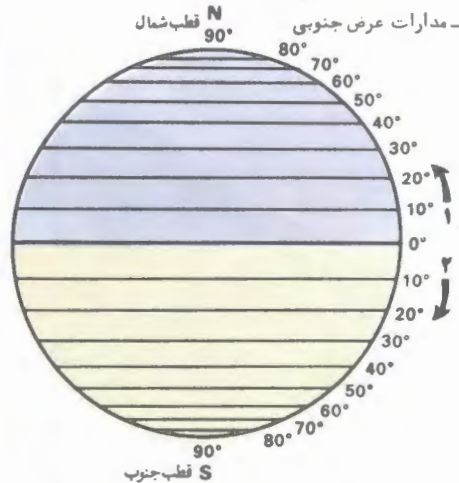
TROPIC OF CANCER

مدار رأس السرطان

مداری است در ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی که نور خورشید فقط روز یکم تیر ماه (برابر ۲۲ ژوئن) بر آن عمود می‌تابد. — مداران —

۱— مدارات عرض شمالی

۲— مدارات عرض جنوبی



مدارات عرض جغرافیائی

STANDARD PARALLEL

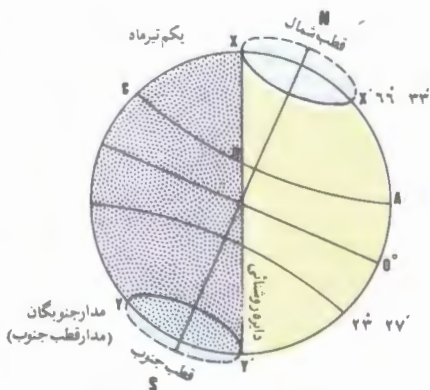
مدار استاندارد

مدار عرض جغرافیائی خاصی که در پارهای سیستم‌های تصویر (مانند سیستم تصویر مخروطی) مبنای محاسبه قرار گیرد و سطح تصویر، در آن مدار با سطح کره زمین مماس یا آنرا قطع کرده باشد و به آن مدار تماس نیز می‌گویند.

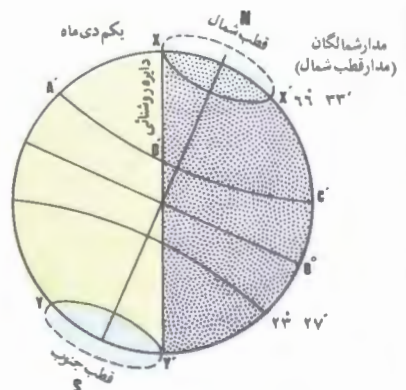
TROPICS

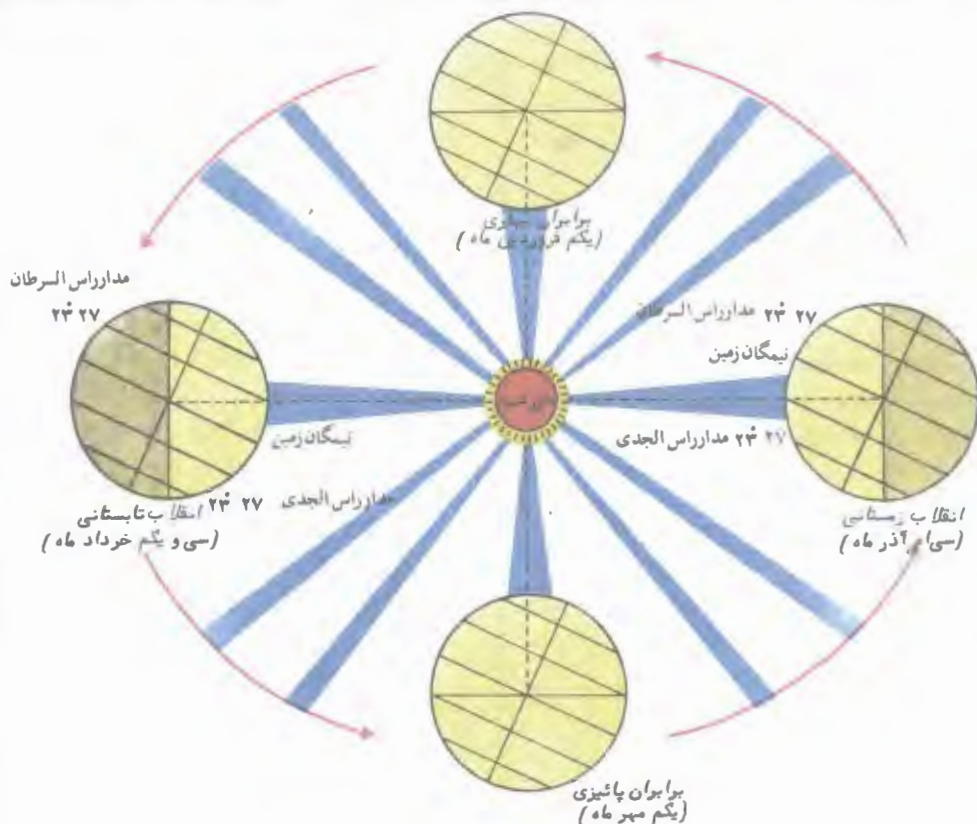
(Madārān)

دو مدار عرض جغرافیائی کره زمین که در ۲۳° ۲۷' عرض شمالی و ۲۳° ۲۷' درجه عرض جنوبی واقع شده است. مدار ۲۳° ۲۷' درجه عرض شمالی را مدار رأس السرطان، و مدار ۲۳° ۲۷' درجه عرض جنوبی را مدار رأس الجدی می‌نامند. (تصویر در صفحه ۳۱۹)



مدارات قطبی





مداران

ORBIT OF THE EARTH

مدار زمین

— مدار گردش سالیانه زمین

ARCTIC CIRCLE

مدار شمالگان

مداری در ۶۶ درجه و سی دقیقه عرض شمالی که عبارتست از حرین حد تابش نور خورشید در هنگام انقلاب زمستانی سیمره شمالی که به آن مدار قطبی شمال می‌گویند.

ANTARCTIC CIRCLE

مدار قطبی جنوب

— مدار حویگان

ARCTIC CIRCLE

مدار قطبی شمال

— مدار شمالگان

TROPICAL

مداران (Madārgan)

منطقه‌ای که بین ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه در دو نیمکره شمالی و جنوبی قرار دارد، این منطقه بواسطه طول مدت گرما در تمام سال مشخص است. درجه حرارت در هیچ یک از ماههای سال باین سر از ۲۰ درجه نیست در این منطقه دو

حد اکثر درجه حرارت دیده میشود که با عبور آفتاب از سمت الرأس مطابقت دارد. این دو حداکثر حرارت هر قدر هم کم باشد معذالک روی فشار جو و ریزشهای جوی تائیسیر مسلم دارند.

ORBIT OF THE EARTH مدار گردش سالیانه زمین

گردشگاه یا مدار گردش سالیانه زمین بدور خورشید، که تقریباً "بشکل بیضی بوده و خورشید در یکی از دو کانون آن قرار دارد. دورترین فاصله این مدار از خورشید برابر ۱۵۲ میلیون کیلومتر است که به آن افلیون می‌گویند و کره زمین در روز ۱۳ تیر ماه مطابق با ۴ ژوئیه از آن می‌گذرد و نزدیک‌ترین فاصله گردشگاه مزبور از خورشید ۱۴۷ میلیون کیلومتر است که به آن پری هلیون می‌گویند و کره زمین در روز ۱۳ دی ماه مطابق سوم ژانویه از آن عبور می‌کند. سرعت متوسط گردش زمین روی این گردشگاه (مدار) حدود ۱۰۶،۰۰۰ کیلومتر در ساعت است.

محل و زمان زیست و شکل و قیافه و انواع نژادهای انسانی و تفاوت میان آنها گفتگو می نماید .
یکی از علومی که در مردم شناسی مورد مطالعه قرار می گیرد فرهنگ حال و گذشته است .

PHYSICAL ANTHROPOLOGY مردم شناسی چهری
شاخه ای از مردم شناسی که فرگشت اندامگانی (ارگانسم) آدمی ، ویژگیهای جسمانی و گوناگونیهای فردی آدمی را ، بویژه در نژادهای مختلف بررسی می کند .

CULTURAL ANTHROPOLOGY مردم شناسی فرهنگی
شاخه ای از مردم شناسی که به بررسی تاثیر فرهنگ بر بقای آدمی می پردازد و بویژه زبان ، هنرها ، پیشه ها و نهادهای اجتماعی را بررسی می کند .

DIFFERENTIAL ANTHROPOLOGY مردم شناسی نژادی
شاخه ای از مردم شناسی که نژادهای آدمی را از روی شکل بدن ، ویژگیهای فرهنگی و تکامل اجتماعی آن ها از یکدیگر متمایز می سازد .

BORDER مرز
خط یا نوری که در حد فاصل میان دو کشور یا دو سرزمین مختلف واقع شده باشد . به آن سرحد سیر می گویند .

مرزبندی
تقسیم کردن زمین به قطعات کوچکتر . این اصطلاح بیشتر در کشاورزی کاربرد دارد .

MARCHLAND (Marz bum) مرزبوم
منطقه ای که میان دو دولت واقع شده باشد .

INTERNATIONAL BORDER مرز بین المللی
مرز رسمی میان کشورها که مورد قبول تمامی و یا اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان واقع شود .

TIMBER LINE مرز رویش گیاهان
— دار مرز

NATURAL BOUNDARY مرز طبیعی
گونه ای مرز بین المللی که بر یک عارضه مشخص جغرافیائی مانند رودخانه منطبق باشد .

FROST BOUNDARY مرز یخبندان
مرزی که حد یک منطقه را از نظر یخبندان مشخص سازد .
اینگونه حدود ممکن است بشرح زیر طبقه بندی شوند :

PASTURE مرتع
— چراگاه

(Marj) مرج
۱- مرز .
۲- زمینی که کنارهای آن را بلند ساخته و درون آن چیزی بکارند .

CORAL مرجان
جانوران دریائی آهک تراونده ای ، که معمولاً در آبهای گرم و بصورت دسته جمعی زندگی می کنند . این جانوران به آبهای صافی که سرشار از اکسیژن بوده و مواد غذایی حاصله از موجودات ذره بینی فراوانی را در برداشته باشد نیازمند هستند . مرجان ها قادر به زندگی در لجن زارها و آبهای گل آلود بوده و در گرمای کمتر از ۲۰ درجه سانتیگراد نیز نیروی زیست خود را از دست می دهند و علاوه بر آن در ژرفای بیشتر از ۴۵ تا ۵۵ متر نیز قادر به زندگی نیستند و بندرت تا ژرفای ۷۰ متر یافت می شوند و چون با خارج شدن از آب به زندگی آنها پایان داده می شود از این رو بندرت در ارتفاع بیش از سطح آب پائین (جزر) دیده می شوند .

مناسب ترین محل زیست برای آنها آبهای واقع در محدوده جغرافیائی ۳۰ درجه عرض شمالی تا ۳۰ درجه عرض جنوبی است و گاه در امتداد جریانهای آب گرم و خارج از محدوده بالا نیز دیده می شوند ، و بر عکس از زندگی در امتداد جریانهای آب سرد گریزانند .

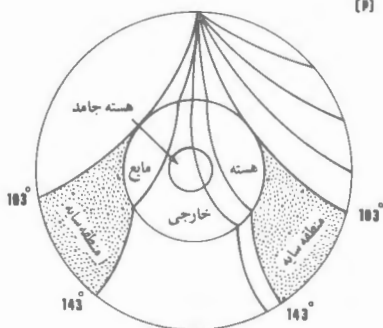
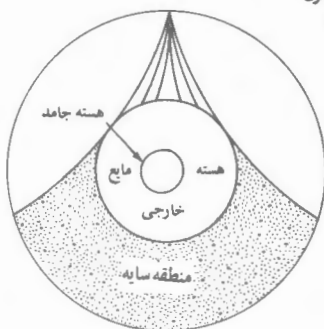
LAGOON (Mordāb) مرداب
آب شور و کم عمقی که بوسیله زمین باریکی از دریا بطور کامل و یا ناقص جدا شده باشد .

LITHARGE (Modār sang) مردار سنگ
اکسید دو ظرفیتی سرب متبلور با فرمول شیمیائی PbO که بصورت ورقه های نسبتاً نازک نارنجی یا زرد و یا قرمز دیده می شود .

مردار سنگ به عنوان خشک کننده رنگهای روغنی و شستشو ضد عفونی کردن وسایل پزشکی و صابونسازی طبی و تهیه لعاب در کوزه کبری مورد استعمال دارد .

ANTHROPOGENESIS مردم زادش
دانشی که در منشأ و فرگشت نوع آدمی پژوهش می کند .

ANTHROPOLOGY مردم شناسی
علمی است که درباره شناخت مردم بررسی می کند و درباره

امواج اولیه
(P)امواج ثانوی
(S)

مرکز زمین لرزه

MARBLE

مرمر

گونه‌ای سنگ آهکی بلورین که بر اثر فشار و حرارت زیاد دگرگون شده و بصورت سنگ سخت و درخشانی درآمده است. از اینگونه سنگ‌ها در کارهای ساختمانی و تزیینی استفاده فراوان می‌شود.

مرز (Marv)

← آتشفشان

MARS

مریخ

← بهرام

FARM

مزرعه

← کشتزار

COPPER

مس

فلزی به رنگ عنابی روشن، با علامت شیمیایی Cu بسیار نرم، با قابلیت هدایت حرارتی و الکتریکی مناسب که چگالی آن ۸/۹ و نقطه ذوبش ۱۰۸۳ درجه سانتیگراد می‌باشد. به شکل خالص در طبیعت فراوان یافت شده و

الف - منطقه‌ای که یخبندان هیچگاه در آن مشاهده نشده است.

ب - منطقه‌ای که میانگین کمترین دمای آن بالای صفر درجه سانتیگراد باشد.

پ - منطقه‌ای که فصل کشت آن با تعداد روزهای معینی که دمای هوا همواره بالای صفر بوده و یخبندان روی نموده مشخص گردیده باشد. مثلاً "یک کشتزار پنبه حداقل به ۲۰۰ روز گرم (غیر یخبندان) نیازمند است."

ت - منطقه‌ای که در هیچکدام از ماههای سال دمای میانگین بالاتر از صفر درجه سانتیگراد نباشد.

MEADOW مرغزار (Margh-zār)

سبزه‌زاری را که برای کشت و انبار یونجه و سایر علوفه بکار رود و از چریدن دام در آن جلوگیری گردد. معمولاً زمین‌های باتلاقی و یا حاشیه رودخانه‌ها را برای این منظور انتخاب می‌کنند.

CITRUS FRUITS مرکبات

درختان همیشه سبزی مانند لیمو، پرتقال، توت‌فرنگ، گریپ فروت نارنج، لیموترش و امثال آن که به میزان گسترده و فراوانی در مناطقی با آب و هوای مدیترانه‌ای می‌رویند.

CENTRAL PLACE مرکز تامین نیازمندیها

حایی که نیازمندیهای مناطق پیرامون خود را تامین نماید. معمولاً مرکز تامین نیازمندیهای هر منطقه یک شهر است، ولی گاهی اوقات ممکن است نیازمندیهای یک منطقه بوسیله چند شهر یا چند نقطه بنام مرکز بخش تامین گردد.

CENTRAL BUSINESS DISTRICT مرکز داد و ستد

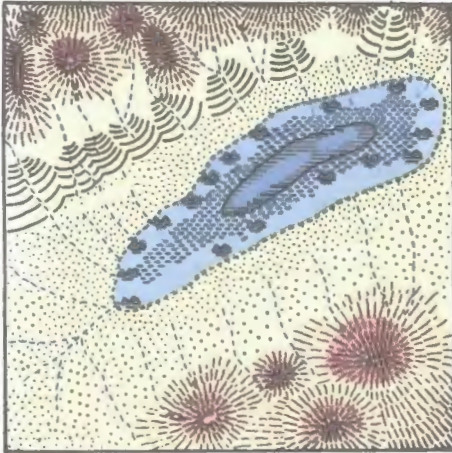
محلی که کلیه فعالیت‌های تجاری و خرید و فروش شهری در آن متمرکز شده باشد.

EPICENTER مرکز زمین لرزه

نقطه‌ای از سطح زمین که بطور قائم در بالای کانون زمین لرزه قرار گرفته باشد. این همان نقطه‌ای است که لرزش‌های زمین نخست به آن برخورد کرده و از آنجا بسوی اطراف گسترش می‌یابد. ← امواج زمین لرزه و کانون زمین لرزه.

CENTRALITY مرکزیت

محلی که نسبت به پیرامون خود دارای اهمیت خاصی باشد. معمولاً مرکزیت هر منطقه به مهمترین شهر آن منطقه که مرکز فعالیت‌های آنست اطلاق می‌گردد.



مسيله

EAST

مشرق

← چهار جهت اصلی

EASTERN HEMISPHERE

مشرق زمین

← نیمکره خاوری

ESTUARY

مصّب

← دهانه رودخانه

مضارعه

شرکت مالک زمین با کشاورز در تقسیم حاصل .
روش مضارعه مبتنی بر پنج عامل است که عبارتند از : زمین ،
آب ، شخم کار ، گاو .

PASSAGE

معبّر

۱- گذرگاه .

۲- محلی از رودخانه که بتوان از آن عبور کرد .

۳- گذرگاه رودخانه .

۴- آنچه که بوسیله آن بتوان از یک رودخانه یا نهر عبور
کرد ، مانند پل ، کشتی و یا قایق .

CELESTIAL EQUATOR

معدل النهار

← نیمگان عالم

MINE

معدن

محل تجمع مقدار زیادی از مواد معدنی ، بسته به نوع این
مواد ، معدن ممکن است در سطح یا زیرزمین واقع شود .

کانیهای عمده آن عبارتند از : مالاکیت ، آزوریت ، کوپریت ،
بوریت و کالکوپریت . کاربرد آن به میزان وسیعی بصورت
سیم و مفتول جهت مصارف برقی است و از آن به عنوان فلز
بنیانی آلیاژهای برنج ، مفرغ ، نیکل و ورشوها استفاده
می شود .

SURVEYING

مناحي

← نقشه برداری

DISTANCE

مسافت

دوری نقطه ای از نقطه دیگر و یا فاصله بین دو مکان .

مسافات (Mosāqāt)

۱- کشت کردن زمین به شراکت .

۲- از نظر حقوقی معامله ایست که بین صاحب زمین و درخت
و امثال آن با عامل در مقابل حصه مشاع معین از ثمره واقع
می شود ، و ثمره اعم است از میوه و برگ و گل و غیر آن .

PROTECTORATE

مستعمره

← تحت الحمايه

MESTIZO

مستیزو

بازماندگان اروپائیان بویژه اسپانیایی ها و پرتغالی ها که در
امریکای جنوبی زندگی می کنند .

DRY RIVER

مسيل

← خشک رود

PLAYA

مسيله

حوضه و یا آبگیر جویبارهای فصلی و سیلاب هایی که دریاچه های
شور و کم عمقی را پدید آورده و پیرامون آن را شورزارهای
پهنای و گلزارهای قلیائی فرا گرفته باشد .

HELD IN COMMON

مشاع

۱- آنچه که مشترک و تقسیم ناکرده باشد .

۲- زمین یا جزء آن که ملک مشترک چند تن باشد و حصه های
آنان تقسیم نشده باشد .

COMMONWEALTH

مشترک المنافع

مجموعه کشورهای مرکب از بریتانیا و مستملکات سابق و کنونی
آن که تشکیل یک واحد داده اند .

JUPITER

مشتری

← برجیس

براده‌های آهن را دارا باشد. فرمول مغناطیس Fe_3O_4 است و رنگ آن سیاه و وزن مخصوصش بین ۴/۹ تا ۵/۲ و سختیش بین ۵/۵ تا ۶/۵ است.

PALAEOMAGNETISM

مغناطیس دیرین

پارهای از سنگهای آذرین هنگام سرد شدن قابلیت آهن‌ربایی در آنها پدید می‌آید که علت آن القاء طبیعی آهن‌ربایی در اکسید آهن موجود در آنهاست. با استفاده از این خاصیت چگونگی میدان آهن‌ربایی زمین و موقعیت قطب‌های مغناطیسی زمین در روزگاران گذشته تحت بررسی قرار می‌گیرد.

OPPOSITION

مقابله

← روبرویی

SYZYGY

مقارنه

هنگامیکه خورشید و زمین و ماه روی یک راستا قرار گیرند.

SOIL PROFILE

مقطع خاک

← نیمرخ خاک

PROFILE OF A RIVER

مقطع رودخانه

← نیمرخ رودخانه

MAP SCALE

مقیاس نقشه

نسبت میان مسافت دو نقطه روی نقشه و مسافت حقیقی همان دو نقطه در طبیعت را مقیاس نقشه می‌نامند. مقیاس نقشه را ممکن است به شکل کسری که صورت آن عدد ۱ و مخرج آن تعداد دفعات کوچک شدن طبیعت است مشخص نمود و یا به

MINERALOGY

معدن‌شناسی

← کانی‌شناسی

ABYSS

مفاک (Maghāk)

۱- گودال ژرف در غشکی و یا دریا.

۲- جای فرو رفته و گود.

ABYSSAL

مفاکی (Maghāki)

منطقه‌ای در ژرف‌ترین قسمت کف اقیانوس. بطور کلی مفاک عبارت از جایی است که ژرفای آن از ۲۰۰۰ فathom یا ۳۶۰۰ متر بیشتر باشد و نور خورشید به آن جانرسد و زندگی گیاهی در آن جا وجود نداشته باشد. در این منطقه آبزیان خاصی زندگی می‌کنند که اکسیژن و خوراک خویش را غالباً از وامانده جانوران طبقات بالا دریافت می‌دارند.

WEST

مغرب

← چهار جهت اصلی

WESTERN HEMISPHERE

مغرب زمین

← نیمکره باختری

MAGNETOSPHERE

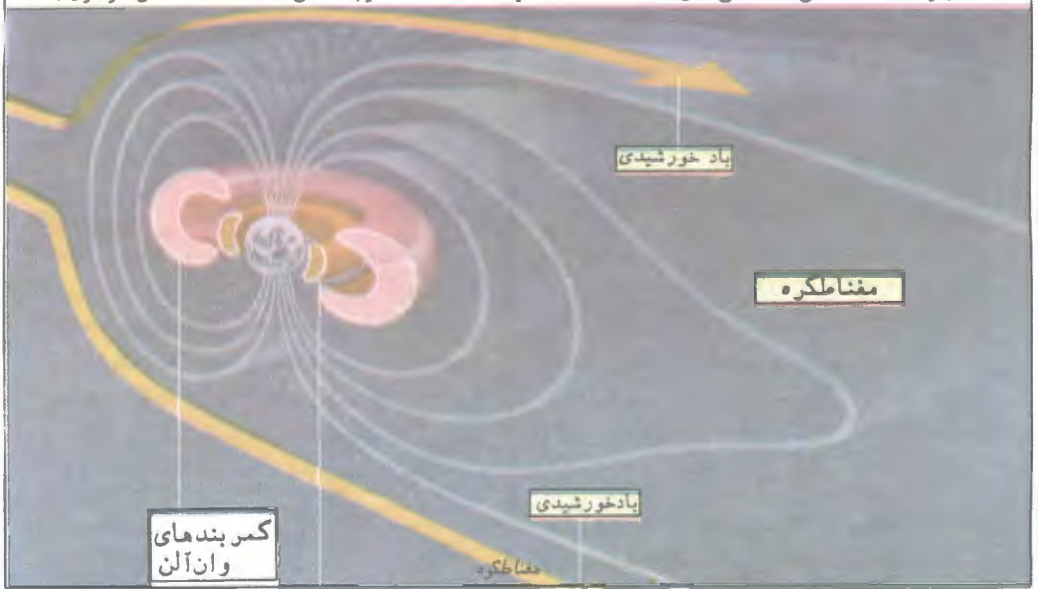
مغناطسکره (Meghnātkoreh)

بیرونی‌ترین بخش و یا لایه جو زمینی که از ۲۰۰۰ کیلومتری زمین به بالا در درون کمرندهای تشعشی وان آلن قرار گرفته است. ← آهنربایی زمین

MAGNET

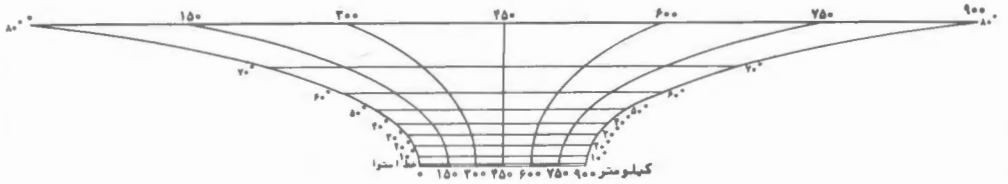
مغناطیس

یا آهن‌ربا؛ اکسید طبیعی مغناطیسی آهن که خاصیت جذب





مقیاس خطی یا ترسیمی



مقیاس خطی مرکب

NATION

ملت

گروهی از مردم که از نظر تاریخ، زبان، زادگاه، عقاید و احساسات و امثال آن با هم بستگی داشته باشند. همچنین به مردمی که در یک واحد سیاسی بنام کشور زندگی می‌کنند نیز گفته می‌شود.

NATIONALISM

ملت دوستی

← ملی گرایی

KEY/KAY

مله (Maleh)

پشته شنی‌ای که در عمق کمی در زیر آب قرار گرفته باشد و همچنین به جزیره‌های پستی که سطح آنها اغلب از آب پوشیده شده باشد نیز گفته می‌شود.

NATIONAL

ملی

منسوب و مربوط به ملت.

از این واژه در ایران گاه به معنی دولتی نیز استفاده می‌شود، زیرا دولت نماینده ملت است. مانند صنایع ملی و بانک ملی و غیره.

NATIONALITY

ملیت

ملت بودن، قومیت، مجموعه صفات و خصایص یک ملت.

NATIONALISM

ملی گرایی

عقاید و احساسات ملی یک ملت. آیین ملی یا ملت دوستی و یا ملی گرایی عبارت از احساسات و یا ایدئولوژی خاصی است که ملتی را به حرکت در می‌آورد و با توجه به گذشته ملت و سجايا و تمایلاتش او را در جهتی ویژه سوق می‌دهد و گاهی ارزشهای عالی از آن بوجود می‌آید.

من (Man)

مقیاس وزن معادل ۴۰ سیر و تقریباً "برابر ۳ کیلوگرم که آن را من تبریز می‌گویند. من شاه ۸۰ سیر است که دو من

شیوه انگلیسی از دو واحد طولی مانند یک اینچ برابر یک مایل استفاده کرد که این روش تقریباً "منسوخ شده و غالباً" به همان روش اول اکتفا می‌گردد. همچنین ممکن است مقیاس نقشه را نسبت به عرض جغرافیایی استاندارد مانند خط استوا و یا مدار ۴۵° تعیین نمایند، که در این صورت مقیاس خطی آن بصورت مرکب خواهد بود.

بطور کلی مقیاس نقشه بیکی از طرق زیر نمایش داده می‌شود:
الف - عددی یا کسری مانند ۱:۲۵۰۰۰۰

ب - لفظی یا گفتاری مانند یک سانتیمتر روی نقشه برابر دو هزار و پانصد متر در طبیعت است.

پ - ۱: خطی یا ترسیمی ساده.

۲: مقیاس خطی مرکب برای نقشه‌هایی با تصویر مرکباتور و نظایر آن.

RESIDENT

مقیم

کسی که در جایی مسکن گرفته و اقامت کرده باشد.

MEGAPARSEC

مگا پارسک

هر مگا پارسک برابر یک میلیون پارسک و معادل است با $10^6 \times 3/26$ سال نوری.

MEGALOPOLIS

مگالوپولیس

اصطلاحی است که بوسیله جغرافیدان فرانسوی ژان گاتمن بکار برده شده و به ناحیه وسیعی از شهرها اطلاق میشود که از چند متروپل تشکیل گردیده و نمونه آن در ایالات متحده آمریکا از بوستون تا واشنگتن گسترش یافته است. اصل این اصطلاح هم از نقشه‌های یونانی گرفته شده.

MOLASSE

ملاس

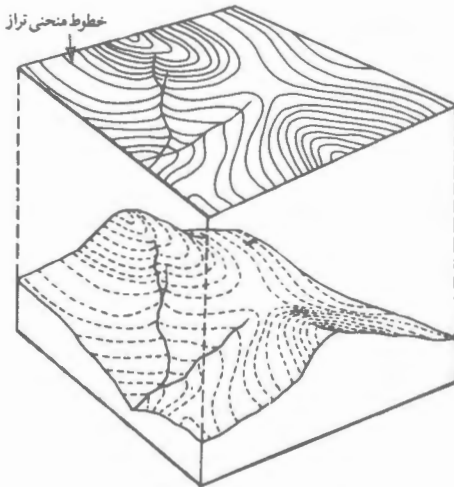
کلمه‌ای است سوئیس که به رسوبات تشکیل شده از کنگلومرا، سنگ ماسه و مارن در حاشیه شمالی آلپ اطلاق میشود.

VOIDANCE WATER (Manjalāb) منجلاب

آب بدبوی و گندیده که در یک جا جمع شود و یا جایشکه آبهای کثیف و بدبو جمع شده باشد.

CONTOUR LINE منحنی تراز

منحنی و یا خطی روی نقشه که از اتصال نقاط هم ارتفاع بوجود آمده باشد. به آن منحنی میزان نیز گفته می شود.



مقایسه منحنی های تراز ارتفاعات

HYPSONETRIC CURVE منحنی فراز نما

منحنی خاصی که برای نمایش بلندی ها و شکل کلی زمین رسم می شود. برای رسم این منحنی اعداد معرف بلندی ها و پستی های زمین را روی یک محور عمودی و مناطقی که ارتفاعات و پستی های آن مورد نظر است روی یک محور افقی منتقل می سازند و منحنی که برجستگی ها و پستی ها را نشان می دهد به کمک این دو محور رسم می کنند.

CONTOUR LINE منحنی میزان

— منحنی تراز

ZONE / BELT منطقه

الف — هر یک از پنج منطقه زمین که از نظر آب و هوا طبقه بندی شده است. این مناطق عبارتند از منطقه حاره، منطقه معتدله شمالی و جنوبی و منطقه منجمده شمالی و جنوبی.

ب — قسمتی از زمین که به واسطه نوع حیوانات یا نباتات آن کاملاً مشخص و متمایز است و یا از نظر رشد پاره ای گیاهان و حیوانات دارای شرایط مناسب باشد.

معمولی است و من ری ۱۶۰ سیر است که چهار من معمولی می باشد.

LIGHTHOUSE منار (Manār)

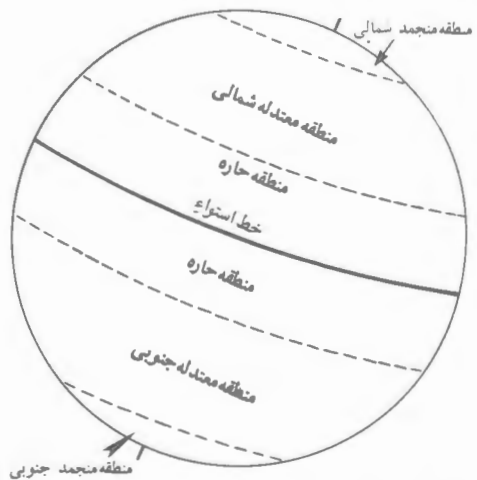
- ۱ — محل نور و جای روشنایی.
 - ۲ — ستون مرتفعی که معمولاً در مسجدها ساخته شده و بر بالای آن آذان می گویند.
- فانوس دریایی

CLIMATIC REGION مناطق آب و هوایی

برخی از جغرافیدانان کره زمین را از نظر آب و هوا به چهار منطقه عمده حاره، نیمه حاره، معتدله و قطبی تقسیم می کنند که هر یک از این مناطق نیز به نواحی فرعی دیگری تقسیم می گردد. مثلاً "منطقه حاره به نواحی استوایی، ناحیه موسون سودانی و ناحیه کویری خشک و داغ و منطقه نیمه حاره به ناحیه نیمه حاره خشک (و یا مدیترانه ای)، ناحیه نیمه حاره مرطوب یا پنجهزار کمر بندی و منطقه معتدله به ناحیه دریائی، ناحیه قاره ای و بالاخره منطقه قطبی که به نواحی کلاهک قطبی و توندرا تقسیم می شود.

CLIMATIC ZONES مناطق پنجگانه

پنج منطقه زمین که از نظر آب و هوا طبقه بندی شده است. این مناطق عبارتند از منطقه حاره، منطقه معتدله شمالی، منطقه معتدله جنوبی، منطقه منجمده شمالی و منطقه منجمده جنوبی.



مناطق پنجگانه

TIME ZONES مناطق زمانی

— قاع ساعتی

منطقه استوایی

— مدار کان

EQUATORIAL ZONE

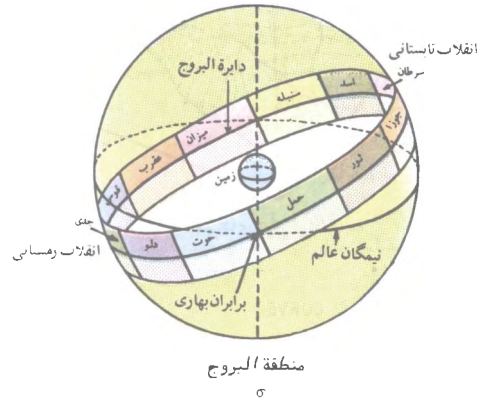
منطقه البروج

ZODIAC

نوار یا ناریکه‌ای از کره عالم، که مواری با دایره البروج و به فاصله ۸/۵ درجه، در طرفین آن واقع گردیده است. حرکت سالانه ظاهری خورشید و ماه و سیارات به حرره و پلوتون در منطقه البروج صورت می‌گیرد. زاویه میل دایره البروج نسبت به استوا عالم (معدل النهار) حدود ۲۳/۵ درجه می‌باشد.

بنابر محاسباتی که به عمل آمده این زاویه در طی ۴۰۰۰۰ سال، میان ۲۲ درجه تا ۲۴/۵ درجه در تغییر است. منطقه البروج به ۱۲ قسمت تقسیم می‌شود که آنها را برج‌های دوازده‌گانه سال می‌نامند.

— برج



منطقه البروج

منطقه حاره

— مدار کان

TORRID ZONE

منطقه حفاظت شده

NATURE RESERVE

منطقه‌ای که ردگی گیاهی و جانوری آن تحت حفاظت و کنترل قرار گرفته باشد.

منطقه زمانی

TIME ZONE

هر یک از فاصله‌های ۲۴ گانه ۱۵ درجی کره زمین که زمان متوسط نصف النهار مرکزی آن به عنوان زمان رسمی کشورها و یا مناطقی که کم و بیش درون فاصلهای مزبور واقع شده‌اند انتخاب گردد. (نصیر در صفحه ۳۲۸)

منطقه عرض میانه

MID - LATITUDE

نوازی از کره زمین که در حد فاصل ۲۳/۵ تا ۶۶/۵ درجه عرض شمالی یا جنوبی واقع شده است. این منطقه از زمین

را منطقه معتدله نیز می‌نامند.

منطقه عقب افتاده UNDER DEVELOPED AREA

منطقه‌ای که بر اثر فقدان منابع طبیعی و اسوا تدبیر مقامات مسئول توسعه نیافته و عقب مانده باشد.

منطقه قطبی POLAR ZONE

— منطقه مجرده

منطقه کشاورزی AGRICULTURAL REGION

بخش‌های بسیار وسیع و گسترده‌ای از کره زمین که از نظر عوامل کشاورزی بهم شباهت داشته باشند.

منطقه معتدله TEMPERATE ZONE

مناطق ارض زمین، شامل مناطق معتدله شمالی و معتدله جنوبی، که در حد فاصل منطقه گرمسیر (استوایی) و سردسیر (مجرده) واقع شده است. آب و هوای این منطقه سبب به حد اعتدال بطور قابل ملاحظه‌ای متفاوت بوده و بهمین جهت عنوان (منطقه عرض میانه) را می‌توان واژه مناسبی برای آن محسوب داشت.

آب و هوای این منطقه را به پنج نوع زیر تقسیم می‌کنند:
الف - معتدله بارانی یا ناستسهای داغ (علامت اختصاری Cfa)

ب - معتدله بارانی یا ناستسهای گرم (علامت اختصاری Cfb)

پ - معتدله بارانی یا ناستسهای کوهان و خشک (علامت اختصاری Cfe)

د - معتدله بارانی یا ناستسهای داغ و خشک (علامت اختصاری Csa)

ه - معتدله بارانی یا ناستسهای گرم و خشک (علامت اختصاری Csb)

منطقه منجمده FRIGID ZONE

مناطق از زمین بنام مناطق منجمده شمالی و منجمده جنوبی که دارای آب و هوای فوق العاده سرد بوده و دائما در حال یخبندان و برف است. برف و یخبندان در این مناطق کاملاً مایل بوده و هوای آن هیچگاه گرم نمی‌شود.

منطقه نفوذ SPHERE OF INFLUENCE

ناحیه‌ای که، معمولاً بنا بر قراردادی که میان حد ملب سبب شده، بعضی از آنها آزادی عمل اختصاری در آن ناحیه داشته باشند. و نیز این اصطلاح گاهی به اشتباه به سرزمینی اطلاق می‌شود که نیروی خارجی مرصده دست آوردن نفوذ اختصاری در آن است بی آنکه بخواهد آن را

تصرف کند .

منظومه بطلمیوس

PTOLEMY'S SYSTEM

← هیئت بطلمیوس

منظومه شمسی

SOLAR SYSTEM

منظومه شمسی ترکیبی است از خورشید و نه سیاره اصلی بنام تیر (عطارد) ، ناهید (زهره) ، زمین ، بهرام (مریخ) ، برجیس (مشتری) کیوان (زحل) ، اورانوس ، نپتون و پلوتون ، و اقمار آنها همراه با مجموعه‌ای از اجرامی چون سیارکان و دنباله‌داران و شهابسنگ‌ها توأم با مقداری گاز و غبارهای فضائی .

خورشید که در قلب این منظومه جای دارد بر این مجموعه عظیم فرمانرواست و نیروی ثقل و میدان مغناطیسی و همچنین تشعشعات آن در این مجموعه نقش مهمی بر عهده داشته و گردش اجرام مزبور را کنترل می‌کند .

قطر خورشید که ۳۹۲،۰۰۰ کیلومتر است ۱۰۹ مرتبه بزرگتر از قطر زمین و تقریباً ۱۰ بار بزرگتر از قطر بزرگترین سیارات منظومه یعنی برجیس یا مشتری است و حجم آن ۱،۳۰۳،۰۰۰ بار از زمین بیشتر است . با این توصیف ملاحظه می‌شود که در خورشید به تنهایی بیش از ۹۹/۸ درصد جرم منظومه شمسی را بخود اختصاص داده و فقط چیزی حدود ۰/۲ درصد به اجزاء منظومه آن تخصیص یافته است .

در میان قوانین شناخته شده ناظر بر حرکات منظومه شمسی مجموعه قوانین کپلر که بوسیله یوهانس کپلر "در سال ۱۶۰۳

SUB - TROPICAL REGION

منطقه نیمه استوائی

← منطقه نیمه گرمسیری

SUB - POLAR REGION

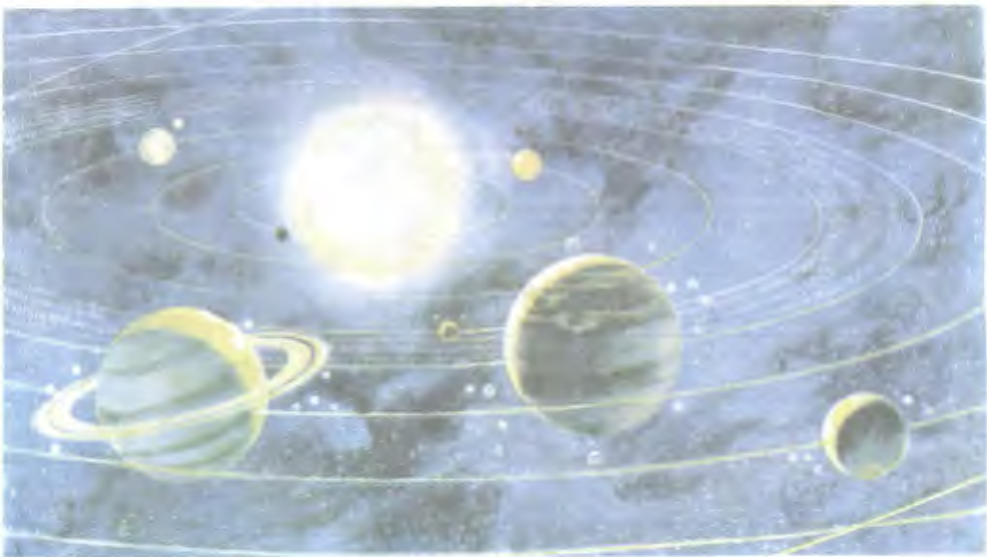
منطقه نیمه قطبی

منطقه‌ای که از یک سو به توندرا و از سوی دیگر به مناطق سردی مانند استپ یا صحراهای سرد محدود باشد . به اینگونه مناطق ، نواحی معتدله سرد نیز می‌گویند . زمستان این نواحی فوق العاده سرد و طولانی و تابستان آن کوتاه و ملایم است . میزان بارندگی در این مناطق نسبتاً کم ولی برای رویش پاره‌ای درختان جنگلی مناسب است .

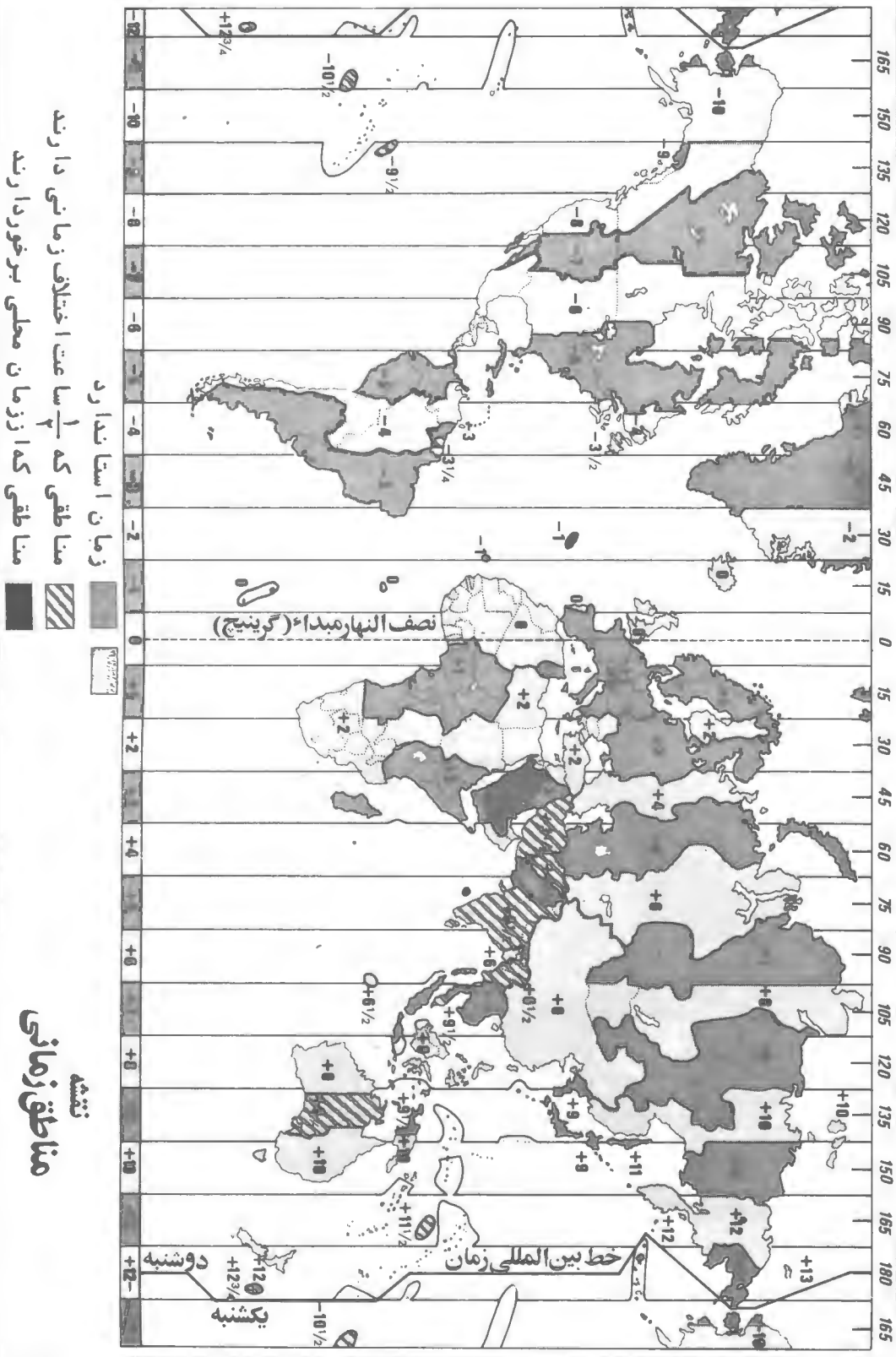
SUB - TROPICAL REGION

منطقه نیمه گرمسیری

دو کمر بند از کره زمین که حد فاصل مدار رأس السرطان و مدار ۴۰ درجه عرض شمالی (در نیمکره شمالی) و مدار رأس الجدی و مدار ۴۰ درجه عرض جنوبی (در نیمکره جنوبی) واقع شده باشد . تمایز چهار فصل ، بویژه زمستان و تابستان از مشخصات این منطقه بوده و آب و هوای آن به آب و هوای مدیترانه‌ای و آب و هوای مرطوب تقسیم می‌گردد . تابستان طولانی و خشک و زمستان نسبتاً "پر بارش از خصوصیات آب و هوای مدیترانه‌ای و تابستان پر باران از مشخصات مناطق مرطوب است .



منظومه شمسی



زمان استاندارد

منطقه‌ای که ۱ ساعت اختلاف زمانی دارند

منطقه‌ای که از زمان محلی برخوردارند

نقشه مناطق زمانی

کشف گردیده و مایون معروف حادثه عمومی که توسط اسحق نیوین در سال ۱۶۶۶ کشف شده است از اهمیت خاصی برخوردار است.

منظومه کوپرنیک COPERNICUS SYSTEM

بر اساس این منظومه که توسط نیکلاوس کوپرنیکوس مخم لهستانی (۱۴۷۳ - ۱۵۴۳ میلادی) عرضه شده:

۱- خورشید و سیارات در فضا ساکنند.

۲- سیارات از جمله زمین احاطه گروی هستند که به دور خورشید می‌گردند.

۳- سیارات بر دایره‌ای نام مدار خورشید می‌گردند در این منظومه که با تعدادی نجوم حد است، خورشید در خارج مرکز مدارات جای دارد.

مغفار (Belt) BILL

نوار تاریکی از جنسی که همسان است سه حشره کوچک در دریا پس رفته باشد

میکل (Mud) MUD

محری آبی که از یک طرف فرورفته و از طرف دیگر بالا باشد. به آن سر کلو سر می‌گویند.

مواد خام RAW MATERIAL

موادی که بخور خام برای عمل آوردن و با ساختن مصنوعات دیگر بکار رود.

مواد رسوبی SEDIMENT

مواد فسفاته PHOSPHATE MATERIALS

نوعی از سنگ‌های سفید و سفید و همجنس کودهایی که از مدفوع پرندگان دریایی روی هم آسایه شده تشکیل یافته باشد. این مواد در کشاورزی بصورت کود بکار می‌رود.

مواد کداحه (Magma) MAGMA

ماده سرد و مواد مذاب همه مایع سنگی است که بعضی را لایوها در آن وجود دارد. این لایوها احتمالاً در سازه‌های ماخا با در سیر مواد کداحه در سطح زمین در جایی که حرارت و فشار مناسب بوده اند مسلول گردیده و به صورت سازه یا معینی در آن قرار دارند. به عقیده علمی ماخا از ماده مذابی که ترکیب نهاده دارد سنگها را قرار داده مواد قرار فراوان تشکیل می‌دهد. از نظر جسمانی ماخاها را می‌توان بدو دسته تقسیم نمود که عبارتند از: ماکهای تاریک و ماکهای اسیدی.

مواد مذاب MAGMA

مواد کداحه

موئینگی (Muineqi) CAPILLARITY

مقدار آب موجود در درات خاک که بصورت لایه‌های بسیار نازک برآمده درات خاک را فرا گرفته است. این آب ممکن است بوسیله ریشه گیاهان و یا بر اثر خاصیت لوله‌های موئین به سطح زمین مسفل و سپس تبخیر گردد.

موتوروی MOTORWAY

بازاده

موج (Wave) WAVE

۱- حرکت درات و احسانی که نواح با بالا رفتن و پایین آمدن مواج آنها باشد. مانند حرکت امواج سطح آب.

۲- حرکت سینه به موج آب.

موج اولیه PRIMARY WAVE

نوعی سردگی لرزی که در سطح زمین لرزه پدید می‌آید. استواید امواج شناخت فراوانی به امواج ثانوی دارد.

موج دریا SEA WAVE

نواح یا جنس درات آب را موج دریا می‌گویند. موج دریا بر اثر برخورد باد با سطح آب پدید می‌آید و اندازه آن سبکی به سرعت و مداومت باد دارد.

طبیعت امواج را با عوامل زیر می‌توان توصیف نمود:

الف - ارتفاع موج که گاه به ۱۲ تا ۱۵ متر می‌رسد (مرتفع‌ترین امواجی که تا کنون ثبت شده به ارتفاع ۲۱ متر و مربوط به سال ۱۹۶۱ میلادی است).

ب - طول موج یا مسافت میان دو قوس متوالی، که طول‌ترین آن با حدود ۱۱۲۸ متر اندازه‌گیری شده.

پ - مدت زمان پیمودن طول موج.

ت - شدت و سرعت پیشرفت امواج.

ث - سب موج که از سبب میان ارتفاع به طول آن بدست می‌آید.

ج - سرری موج.

موج سرد COLD WAVE

نوعی ناکه‌ای هوای سرد قطبی که معمولاً پس از یک فروبار روی می‌دهد. موج سرد بویژه در فصل زمستان سرد در نواحی شمالی آمریکا و سیری دیده می‌شود و در سطح بوده‌های غلظتی از هوای سرد را در مناطق پهناوری از آن سرزمین‌ها جمع و آسایه می‌سازد. بطور کلی موج سرد برای کشاورزی

خطرناک و تهدیدآمیز است .

BREAKWATER

موج شکن

دیوار یا سدی معمولاً از بتون مسلح که برای جلوگیری از نیروی امواج آب در دریا ساخته شده و منطقه آرامی را در پناه خود بوجود آورده باشد .

LONGITUDINAL WAVE

موج طولی

لرزش حاصله از زمین لرزه که در امتداد پوسته زمین پدید آید و تحت کنترل قابلیت انعطاف چینمهای زمین قرارگیرد .

DESTRUCTIVE WAVE

موج ویرانگر

دسته‌ای از امواج دریا که بدلیل توفان به فواصل کوتاه و سریع پشت سر هم ایجاد شده و ستونی از آب دریا را به ساحل براند و مواد ساحلی را هنگام بازگشت شانه کرده و با خود به دریا حمل نماید .

MOSAIC

موزائیک عکس هوایی

موزائیک عکس هوایی ، از کنار هم چیدن یک سری عکسهای هوایی قائمی که از یک منطقه معین برداشته شده باشد تهیه می گردد . موزائیک عکس هوایی در هنگامی که نقشه‌ای از منطقه مورد نظر وجود نداشته باشد کاربرد فراوان و موثری دارد .



موزائیک عکس هوایی

ETANG

موژ (Muzh)

یا موژه — تالاب

CYMOTRICHIOUS

مو فوفری

گروهی از انسان‌ها که دارای موهای مجعد و فردار هستند .

MULATTO

مولتو

مردمان دو رگه‌ای در امریکای جنوبی که از آمیزش نژادهای سفید و سیاه بوجود آمده‌اند .

MOLYBDENUM

مولیبدن

عنصر فلزی (با علامت شیمیائی MO) سفید تیره رنگ ، چکش خوار ، با چگالی ۱۰/۳ و نقطه ذوب ۲۰۶۲۰ درجه سانتیگراد ، که به شکل طبیعی یافت نمی‌شود ، کانپهای عمده آن مولیبدنیت MoS_2 و دلفنیت $PbMoO_4$ است ، کاربرد اصلی آن بصورت آلیاژ در فولادهاست که از شکنندگی فولادهای کروم — نیکل می‌کاهد . همچنین به شکل فلزی در لامپهای الکترونی و سیرهای محافظ تشعشعی و عناصر حرارتی کوره‌ها بکار می‌رود .

مولیبدن در بافتهای گیاهی و جانوری یافت میشود ولی نقش آن در حیات جانوران در مقایسه با گیاهان از اهمیت بیشتری برخوردار است .

MONSOON

مونسون

— بادهای موسمی

FOG

مه (Meh)

توده متراکمی از بخار آب ، دود و یا گرد و غبار ، که در لایه‌های زیرین جو و در مجاورت سطح زمین پدید آید . به موجب توافق‌های بین المللی هواشناسی ، به پدیده‌ای از اینگونه که میزان قابلیت دید را به کمتر از یک کیلومتر کاهش دهد مه گفته می‌شود . معمولاً " غلظت مه در نخستین ساعات سرزدن آفتاب به حداکثر رسیده و در حدود نیمروز بکلی محو می‌گردد . بطور کلی ضخامت مه متفاوت بوده و اغلب در سطح دریا آنچنان است که سر دکل کشتی‌ها از آن خارج می‌گردد .

نوع دودی مه که به آن دود مه SMOG گفته می‌شود خاص شهرها و مناطق صنعتی بوده و دید کم از مشخصات آن است و بدترین نوع آن هنگامی پدیدار می‌شود که مه آبی با مه دودی توأم گردند .

مه غباری خاص مناطق کویری است .

MAY

مه

— ماههای اروپایی

زمین سرد آنرا مه انتقالی گویند .

MOONLIGHT

مهتاب

پرتو ماه ، نور ماه . کره ماه خود بخود گرمای سرد و تاریک است که با پرتو خورشید گرم و درخشان می شود و بازتاب نور آن در زمین پدیده مهتاب را بوجود می آورد .

RADIATION FOG

مه تشعشی

بوسته نازکی از مه سفید رنگ که بر اثر توقف هوا در نواحی پست زمین دیده می شود . این مه بویژه در فصل های بهار و پائیز که سطح زمین در شب بر اثر تشعشع حرارت خود را از دست داده و سرعت سرد می گردد پدید می آید و نیروی کشش زمین آن را بدرون گودال ها و مناطق پستی که هوای راکد و آرامی دارند جمع می کند .

MIST

مه تنگ (M-e-tonok)

ذرات آبی که در لایه های زیرین جویبارها پدید آمده و قابلیت دید را به ۱ تا ۲ کیلومتر کاهش می دهد . این پدیده در واقع یک نوع مه رقیق است .

FRONTAL FOG

مه جبهه های

مه کم دوامی که بر اثر عبور جبهه گرم یک مرکز فروبار بوجود آمده باشد . این وضعیت بدلیل ریزش باران های گرم بدرون یک توده هوای سرد سطحی و اشباع هوای مزبور پدید می آید .

CRADLE - AREA

مهد تمدن

سرزمینی که تمدن های نخستین در آنجا پدیدار شده و سایر جاها گسترش یافته باشد . مانند سرزمین بین النهرین .

STEAM FOG

مهدمه (Mehdameh)

نوعی مه که بر اثر عبور هوای سرد از فراز آب های نسبتاً گرم پدید می آید . در چنین وضعیتی آب بصورت بخار وارد هوای سرد شده و بشکل ذرات ریز یخ تغییر شکل می دهد که به آن یخمه و یا مه یخی نیز می گویند .

MOCK MOON

مهدیس (Mahdis)

تصویری از یک ماه فرضی که به کره ماه حقیقی که نزدیک افق باشد خیلی شبیه بوده و مسافت زاویه های آن با کره حقیقی ماه ۲۲ درجه باشد .

مهر

مقتبس از واژه سانسکریت میترا و واژه پهلوی میترا به مفهوم دوستی و محبت ، نام ماه هفتم در تقویم رسمی ایران و شانزدهمین روز هر ماه خورشیدی .

EMIGRANT

مهاجر

شخصی که زادگاه و میهن اصلی خویش را ترک گفته و در سرزمین دیگری سکنی گزیده باشد .

EMIGRATION

مهاجرت

حرکت و جابجایی مردم اعم از داخلی (درون یک کشور) یا خارجی (از کشوری به کشور دیگر) را ، مهاجرت می گویند . مهاجرت ممکن است بدو علت بوقوع پیوندد . الف - رانش ، به علت عواملی از قبیل سیاسی ، مذهبی و اقتصادی .

ب - کشش ، به سبب عواملی مانند خالی از سکنه بودن سرزمینهای مرغوب ، منابع زیرزمینی و فراوانی کار .

NET EMIGRATION

مهاجرت خالص

تفاضل مهاجران وارد شده و خارج شده در یک سال معین .

COLONY

مهاجرنشین

دسته ای از مردم یک کشور که در منطقه ای دور از سرزمین بومی خویش بطور دسته جمعی زندگی می کنند ، مناطق مهاجرنشین بیشتر در سرزمینهای دست نخورده و جدید که جمعیت کافی نداشته باشند دیده می شوند .

SCOTCH MIST

مهباران (Mehbārān)

ریزش توده های از قطرات کوچک آب ، شبیه مه تنگ و نرم باران ، که معمولاً در نواحی تپه ای یا کوهستانی اتفاق می افتد ، و ناشی از وجود ابرهای متراکم در نزدیک زمین است .

STEAM FOG

مه بخاری

بعلت عبور یک توده هوای سرد از روی اقیانوسها و یا دریاها ی گرم باعث تبخیر آب بدرون جو گردیده و در نتیجه در بالای سطح آب دریاها و یا اقیانوسها سرد شده و متراکم میشود و ایجاد مه بخاری می کند .

ADVECTION FOG (Meh-e-pahnrafti)

مه پهن رفتی

مهیی که بوسیله حرکات افقی هوا برفراز سطح سرد زمین تشکیل گردد . این پدیده که دلیل عمده آن رطوبت گرم هوایی است که از جانب دریا بسوی خشکی در جریان است ، معمولاً در فصل زمستان که هوا سرد است بر فراز خشکی و یا دریا ایجاد می گردد .

چنانچه هوای گرم و مرطوب از روی دریاها و اقیانوسها بسوی سواحل که سرد می باشند انتقال یابد هوای مرطوب بعلت تماس با زمین سرد خنک شده و به نقطه اشباع نزدیک میگردد و باعث مه میشود . بعلت انتقال هوای گرم و مرطوب بر روی

واژه مهر عیناً " بهمن صورت در تقویم اوستائی موحود بوده و بعدها در تقویم جلالی راه یافته و ارسال ۱۳۰۴ خورشیدی بنام هفتمین ماه سال هجری سمس در تقویم ایران رسمیت یافته است .

مهرگان (Mehregān)

لحظه عبور مرکز زمین از نقطه برابران پاییزی . مهرگان در نزد ایرانیان جزو مهمترین عیدها بشمار میرفته . مهرگان از نظر قوم یهود نیز در خورا همیت فراوان بوده است ، زیرا آغاز سال یهود از پاییز بوده است نه از بهار . ظاهراً " مهرگان روز عید مهرپرستان (میترائیست ها) نیز بوده است و شاید بهمن مناسبت نام مهرماه از این عید گرفته شده باشد .

در گذشته های بسیار دور در ایران فقط دو فصل وجود داشته ، تابستان و زمستان . نوروز جشن آغاز تابستان و مهرگان جشن آغاز زمستان بوده است .

MOONLIGHT

مهشید (Mahshid)

← مهتاب

SPRING TIDE

مهکشند (Mehkeshand)

کشدنی یا دامنه قابل ملاحظه که در همراه دوبار روی می دهد یکی بصورت مد خیلی بالا و دیگری بصورت جزر خیلی پائین . این پدیده در زمانی روی می دهد که مرکز کره زمین ، کره ماه و کره خورشید بر روی یک خط مستقیم قرار گیرد که یکی زمان محاق (ماه نو) و دیگری زمان بدر (ماه شب چهارده) است .

FOG-BOW

مهکمان (Mehkamān)

پدیده های که از تابش نور خورشید از پشت سر به مهی که در مهکشند و گهکشند

مقابل رو قرار دارد پدید می آید .

چون درات آب موجود در مه خیلی کوچکند ، از این روشکست و بازتاب نور خورشید بطور کامل انجام نمی شود و در نتیجه بجای طیف رنگین طیف بی رنگی بوجود می آید و گمان سفیدی در فضا پیدار می گردد . به این پدیده طیف کوهستان نیز می گویند

ECLIPSE OF THE MOON (Mehgereft)

مهرگرفت (Mehgereft) یا خسوف عبارت از وضعیتی است که زمین میان خورشید و ماه قرار گرفته و از تابش نور خورشید بسطح کره ماه جلوگیری می کند . مهرگرفت ممکن است کامل و یا جزئی باشد . زمین در حرکت مداری خود به دور خورشید سایه اش را که در فضا در سمتی مخالف خورشید امتداد یافته است به دنبال می کشد . سایه زمین به شکل یک مخروط است که فاعده آن مقطع زمین و طول متوسط آن ۱۰۳۸۰۰۰۰ کیلومتر است . طول سایه بر اثر تغییر فاصله زمین از خورشید تا حدود ۴۰۰۰۰۰ کیلومتر نسبت به مقدار متوسط تغییر می کند .

خسوف زمانی اتفاق می افتد که ماه در مخروط سایه زمین قرار گیرد . ← خور گرفت

MACROSEISM

مهلرزه (Mehlarzeh)

لرزه هایی از پوسته زمین که برای انعام محسوس باشد .

STEAM FOG

مه یخی
← مه بدمه

INTERFLUVE

میانباب (Miyanāb)

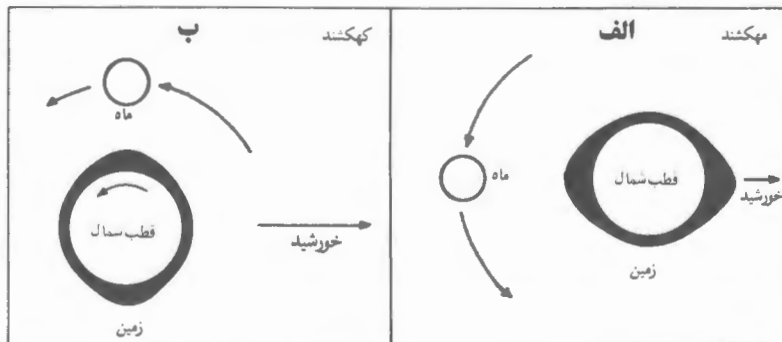
زمینی که میان دو دره یا دو مجرای آب مجاور هم واقع شده باشد . مانند سرزمین بین النهرین در عراق .

MESOSPHERE

میان اسپهر (Miyan espehr)

بخشی از جو زمین که بین ۳۰ تا ۹۰ کیلومتر از سطح زمین

مهکشند و گهکشند



ب : خورشید ، ماه و زمین ، تشکیل زاویه قائمه داده اند

الف : خورشید و زمین و ماه روی یک خط مستقیم قرار دارند

معادل مهر ماه

میزان از صورت فلکی عقرب بهاریت گرفته شده است .



میزان

TEMPERATURE

میزان الحراره

— دما سنج

BIRTH RATE

میزان تولد

تقسیم تعداد کل موالید یک جامعه در یک سال معین به کل جمعیت میانه همان سال .

DEATH RATE

میزان مرگ و میر

تقسیم کل فوت شدگان یک جامعه در یک سال معین به کل جمعیت میانه همان سال .

میزان مرگ و میر نوزادان

INFANT MORTALITY RATE

نسبت تعداد نوزادان فوت شده (۴ هفتگی تا یکسالگی) در یک سال معین به متولدین همان سال .

DESERT TABLE

میز بیابان

عارضه‌ای به شکل میز که روی آن را تخته سنگ کلاهد شکلی پوشانیده و پایه آن تحت فرسایش حاصله از باد باریکتر از کلاهد مزبور شده باشد . این قبیل عوارض بیشتر در نواحی کویری به چشم می‌خورد . ارتفاع میز بیابان گاه تا ۳۰ متر می‌رسد .



میز بیابان

ارتفاع داشته و در حد فاصل پوش اسپهر و یون اسپهر قرار گرفته است .

CUTOFF

میان بر (M-bar)

آبروی که بوسیله یک رودخانه قطع شود و یا رودخانه‌ای که دایره کاملی را طی کرده و از کنار دایره گذشته و دایره مزبور را رها ساخته باشد . معمولاً این آبروها بعدها به صورت دریاچه‌های طوقی در می‌آیند .

MESOTHERM

میان دما

آن دسته از گیاهانی که به گرمایی نیاز دارند که متوسط دمای گرمترین ماه سال بیشتر از ۲۲ درجه سانتیگراد و متوسط دمای سردترین ماه سال بین ۶ تا ۱۸ درجه سانتیگراد باشد . مانند درخت ریتون .

INTERMONT

میان دو کوه

عارضه‌ای که میان دو کوه واقع شده باشد .

SUBSEQUENT RIVER

میانرود (Miyānrud)

ریابه‌ای از پیرو که امتداد آن با امتداد چین خوردگی‌های زمین موازی باشد و بسر خود را در سنگهای نرم حفر کرده باشد . — پیرو و پیشینرود و وارود .

MESOCEPHALIC

میانسری (Miyānsari)

— شاخص سر

MESOSPHERE

میانکره (Miyānkoreh)

— میان اسپهر

MAGNETOSPHERE

میدان مغناطیسی زمین

— مغناطکره

WATER DISTRIBUTER

میراب

کسی که متصدی تقسیم آب مشترک است و آب را به خانه‌ها، باغها، کشتزارها و غیره می‌رساند .

CHANNEL

میزاب

— آبراهه

LIBRA

میزان

هفتمین صورت فلکی از صورت‌های دوازده گانه منطقه البروج،

NAUTICAL MILE

میل دریائی

— میل

MENHIR

میلنسک

خنه سنگ بلندی از دوران نوسنگی که بطور راست و عمودی در رمی کار گرا رده سده و احتمالاً " برای احام پاره‌ای مقاصد مذهبی و با عنوان ساسه‌ای برای کورستانهای ساسایی به کار می‌رفته است .

میل محور زمینی (Meyl-e-mehvar-e-zamin)

— گردش سالانه رمی

MILLIBAR

میلی بار

واحد اندازه‌گیری فشار که اندازه آن برابر است با ۱۰۰۰ دین بر سانتیمتر مربع . از این واحد برای اندازه‌گیری فشار جو استفاده می‌شود . بطور کلی فرمول و با روس خاصی برای تبدیل این سیستم به واحدهای خطی وجود ندارد حر در موارد خاصی که دما صفر درجه سانتیگراد و عرض جغرافیایی ۴۵ درجه باشد که در این صورت ۱۰۰۰ میلی بار برابر است با ۷۵۰/۱ میلیمتر یا ۲۹/۵۳۱ اسخ .

MILLIEM

میلیم

میلیم یکی از واحدهای اندازه‌گیری زاویه است که بیشتر در امور نظامی کاربرد داسه و اندازه آن $\frac{1}{6400}$ پیرامون دایره است . این واحد همانطوریکه از نام آن عداست عمارت است از زاویه دید یک طول یک واحدی در فاصله هزار واحد و با به عمارت دیگر یک طول یک متری در فاصله هزار مری زاویه دیدی بوجود می‌آورد که به آن یک میلیم می‌گویند . با توجه به اینکه ۶۴۰۰ میلی‌م برابر ۳۶۰ درجه است از این رو هر ملیم معادل " ۵۳ ۰۵ ۰۰ شصت قسمتی خواهد بود و با بر عکس هر درجه شصت قسمتی ۱۷/۸ میلی‌م است .

MIOCENE

میوسن

سومین دور از دوره سوم رمی ساسی از دوران نوریوی مربوط به ۲۵ تا ۱۱ میلیون سال پیش . قسمت اعظم کوهزائی کوهس آلپ در این دور بوجود پیوسته است

— رینه زمینی ساسی

NATIVE LAND

میهن

— ز سوم

GLACIER TABLE

میز یخچالی

خنه سنگی که روی یک پایه یخی واقع بر سطح یک یخچال قرار گرفته باشد . این خننه سنگ در واقع از آب شدن سریع یخ‌های زیر خود جلوگیری کرده و آن را بصورت پایه‌ای برای خود در آورده است .

MICRON

میکرون

واحدی در اندازه‌گیری طول برابر یک میلیوسیم مری با $\frac{1}{1000}$ میلیمتر .

— متر

MILE

میل

یکی از واحدهای اندازه‌گیری مسافت ، که بر سه گونه است : الف : میل حقیقی (Statute Mile) که معادل ۱۷۶۰ یارد و مساوی ۵۲۸۰ پا و برابر ۶۳۳۶۰ اسخ و مساوی ۸۸۰ فائوم و معادل ۱۶۰۹/۳ مری است .

ب : میل دریائی (Nautical Mile) که اندازه آن برابر است با طول قوس یک دقیقه از دایره عظمه متوسط رمی معادل ۱۸۵۳/۲۵ متر .

در امریکا و پاره‌ای کشورهای دیگر نوعی میل دریائی سن — المللی وجود دارد که اندازه آن برابر است با ۱۸۵۲ مری و مساوی ۶۰۷۶/۱۰۴۳ پا .

هر گره دریائی عمارست از سرعتی برابر یک میل دریائی در یک ساعت .

پ : میل جغرافیائی (Geographical Mile) که اندازه آن برابر است با طول قوس یک دقیقه از دایره استواء معادل ۶۰۸۷/۲ پا ، یا ۱۸۵۵/۸۵ متر (اندازه میل جغرافیائی را اغلب معادل ۶۰۸۰ پا یا ۱۸۵۳/۱۸ مری منظور می‌دارند) اصولاً " میل یکی از واحدهای اندازه‌گیری مسافت در روم باستان بوده که اندازه آن ۱۰۰۰ قدم است و از واره رومی (Milia) افساس گردیده است .

GEOGRAPHICAL MILE

میل جغرافیائی

یک میل جغرافیائی عمارست از طول قوسی از دایره استواء با مدارهای رمی که اندازه زاویه آن $\frac{1}{60}$ درجه یا یک دقیقه باشد . اندازه این قوس بر حسب عرض جغرافیائی متفاوت بوده و مقدار پذیرفته شده آن برابر ۱۸۵۳/۱۸ مری با ۶۰۸۰ پا است .

— میل

STATUTE MILE

میل حقیقی

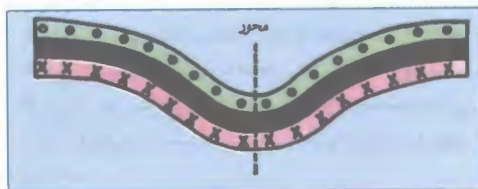
— میل

چینه مجاور از حالت موازی خارج شده و گونه‌ای ناهماهنگی پدید آورده باشد.

پ - ساختمان کلی یک منطقه (مانند بستر آبراهه) ای که با ساختمان کلی زمین تناسب نداشته و خود را با جهت خواب زمین تطبیق نداده باشد.

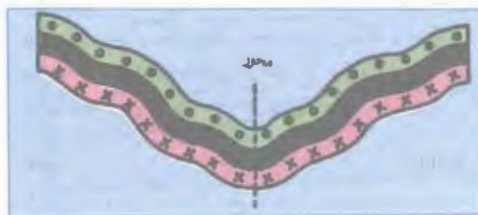
ناوبری کور (Nāvbari-ye-kur) DEAD RECKONING
عمل ناوبری و هدایت کشتی‌ها و هواپیماها به کمک یک سری محاسبات ریاضی دقیق از نظر جهت و سرعت حرکت. در این شیوه از سیستم‌های رادیویی و مشاهدات نجومی استفاده می‌شود.

ناودیس (Nāvdīs) SYNCLINE
چین خوردگی قسمتی از پوسته زمین که نسبت به تاقدیس حالت منفی یا معکوس داشته باشد.



ناودیس

ناودیس شکنجی (N-e-shekanji) SYNCLINORIUM
گونه‌ای ناودیس که از یک سری تاخوردگی‌های مثبت و منفی کوچک و دنبال هم تشکیل یافته باشد.



ناودیس شکنجی

ناورس (Nāvrās) HEAD OF NAVIGATION
دورترین نقطه‌ای از یک رودخانه که از نظر تجارتی قابل کشتیرانی باشد.

ناورو (Nāvro) FAIRWAY
بخش اصلی و قابل کشتیرانی یک رودخانه یا یک خور که به وسیله شانه و چراغ دریائی علامت گذاری شده باشد.



ناحیه REGION

- ۱- بخشی از یک سرزمین.
- ۲- اطراف و حوالی یک شهر.

ناحیه اقلیمی CLIMATIC REGION

— مناطق آب و هوایی

ناحیه قطبی POLAR REGION

— منطقه منجمده

نارفت (Nāroft) ELUVIONS

مواد حاصله از فرسایشی که در محل تشکیل شده باقی بمانند و بوسیله جریان آب تغییر محل ندهند. این گونه مواد تحت تأثیر آب محتوی اکسیژن و گاز کربنیک و هم چنین بنا بر ترکیب خود سرانجام به ماسه، خاک ماسه‌ای، خاک رستی و یا رست تبدیل می‌گردند.

ناگذار (Nāgozār) ADIABATIC

چیزی که مربوط به تغییر دما در توده‌ای از گازها باشد. می‌دانیم که فشار کم باعث ایجاد سرما و بر عکس افزایش فشار موجبات گرم شدن گاز را فراهم می‌سازد. بدون اینکه از خارج گرمایی دریافت شده باشد.

این وضعیت معمولاً "هنگام صعود و با نزول توده‌های هوا بوجود می‌آید. در چنین حالاتی باکم شدن فشار مولکول‌های هوا از یکدیگر فاصله می‌گیرند و بر عکس در افزایش فشار مولکول‌ها بهم نزدیکتر شده و متراکم می‌گردند.

نام گردانی جغرافیائی TRANSLITERATION

برگردانیدن نامهای جغرافیائی از الفبائی به الفبای دیگر. این عمل که مبحث و باب گفتگوی بسیار وسیعی را در علم جغرافیا باز کرده است، تبدیل اسامی جغرافیائی نیز نامیده می‌شود.

ناموافق DISCORDANCE

الف - فرورفتگی و با دخول سنگ‌های آذرین در یک چینه معمولی مانند یک دیوال.
ب - یک ناهمسانی زاویه‌ای، مانند جایی که سطح خواب دو

حدود ۱۰۸۰۴۰۰۰۰۰۰ کیلومتر است. رمان گردن باهید به دور خورشید ۲۲۴/۲۷۵ رور زمینی و رمان جرحس آن حول محور قطبش ۲۴۳ رور و ۱۴ دقیقه زمینی است. رهره سورسپایی شبیه به اهله فمر (ماه زمینی) پیدامی کند که فقط با تلسکوپهای نجومی قابل دیدن است. — سیاراب (بصور در صفحه ۳۳۸)

NEPTUNE **نیپون**
هشمن سیاره از منظومه شمسی که بحاطر فاصله زیادش از رمن با چشم غیر مسلح دیده نمی شود. نیپون از حیث اندازه و هم از نظر ویژگیهای فیزیکی دیگر شبه اورانوس است. فاصله نیپون از خورشید ۴۰۴۹۶۰۷۰۰۰۰۰۰ کیلومتر و قطر استوائی آن ۴۹۵۰۰ کیلومتر است و رمان گردن بدور خورشید آن ۱۶۴ سال و ۲۸۹/۲۴۵ رور است و رمان جرحس حول محور قطبش ۱۵ ساعت و ۴۸ دقیقه است و نیپون دارای دو فمر سامهای بریون و ترئید است. — سیاراب (بصور در صفحه ۳۳۸)

ASTRONOMY **نجوم**
— سیاره شناسی

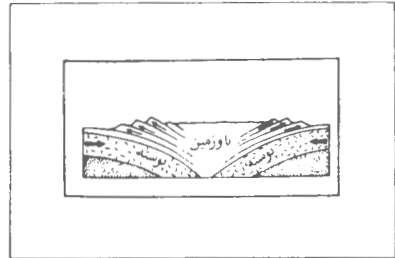
RADIO ASTRONOMY **نجوم رادیویی**
ناخدهای از نجوم که به امواج رادیویی گسیل شده ر احر م گویاگون سماوی و سیر به نظریه گسیل این امواج می بردارد.

PRIMATOLOGY **نخستینه شناسی**
(*Nakhostineh shenāsi*)
بخشی از جانورشناسی که با بررسی رستههای ار پسنداران رسده — رای حقدار که نامش آدمی، میموسها و سه راسه فرعی دیگر می باشد، سر و کار دارد.

NODULE **ندول**
تراکم موادی از حسن سلیس با آهک و یا آهن بصور سامرب و نامنظم و احیانا " با سلور محدد با سلور مخفی.

FRIABLE **نرمه** (*Narmeh*)
الف — سکی که قابلیت خرد شدن آن رباد باشد.
ب — خاک آمیحه با رس و س که به آسانی خرد و نرم شود.

GEOSYNCLINE **ناوزمین** (*Nāvzamin*)
گودال یا فرورفتگی وسیعی در سطح زمین که وسعت آن به صد ها کیلومتر برسد. از ویژگیهای ناوزمین این است که به مرور با مواد تهپشتنی پر شده و تفاوت محسوسی در احزاء و جنبه های مشکله آن از نظر ساختمان به چشم می خورد.



ناوزمین

GRAVITY ANOMALIES **ناهنجاریهای ثقل**
تفاوت میان نیروی ثقل مشاهده شده و نیروی ثقل محاسبه شده در یک نقطه از زمین را ناهنجاری ثقل آن نقطه می گویند. اگر نیروی ثقل مشاهده شده بزرگتر از مقدار محاسبه شده آن باشد ناهنجاری را مثبت و اگر کمتر باشد ناهنجاری را منفی می دانند.

TEMPERATURE ANOMALIES **ناهنجاریهای دما**
تفاوت میان دمای میانگین یک نقطه و دمای میانگین نقاط هم عرض جغرافیائی آن نقطه. ناهنجاری دما هنگامی مثبت است که دمای میانگین نقطه مورد نظر بیشتر از دمای میانگین هم عرض آن بوده و هنگامی منفی است که دمای میانگین آن کمتر از دمای میانگین هم عرض نقطه مزبور باشد.

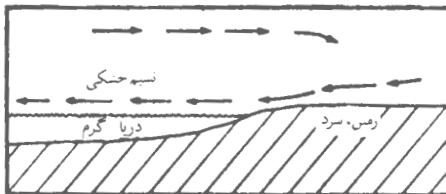
VENUS **ناهید**
یا رهره، دومین سیاره (از نظر فاصله از خورشید) در منظومه خورشیدی است. مدار این سیاره میان مدارهای سیر (عطارد) و رمن قرار دارد و پس از خورشید و ماه درخشان ترین جرم آسمانی است. فاصله ناهید تا زمین گاه به حدود ۴۲ میلیون کیلومتر می رسد و از نظر بزرگی و وزن و جرم مخصوص شباهت فراوانی به کره زمی دارد.

پیرامون سیاره ناهید را فشردهای عطیمی از ابر فرا گرفته و ماع رویت آن از سطح زمی گردیده است. پژوهشهای کیهانی نشان می دهد که دمای سطحی این کره حدود ۴۲۶ درجه سانتیگراد است. قطر استوائی رهره ۱۲۰۱۰۴ کیلومتر و فاصله آن از خورشید

ALTAIR (سر طائر $(Nasr-e-tā'ir)$
پرنورترین ستاره از صورت فلکی عقاب. این ستاره سنا
به زمین نزدیک است و فاصله آن از زمین به حدود ۱۴ سال
نوری می‌رسد و تقریباً به شکل یک لوری بزرگ است.

VEGA (سر واقع $(N-e-vā'ir')$
دومین ستاره از صورت فلکی خلیق (چنگ رومی) که
چهارمین ستاره پرنور آسمان به شمار می‌رود.
این ستاره زمایی ستاره قطبی زمین بوده و حدود ۱۲۰۰۰
سال دیگر نیز مجدداً "ستاره قطبی زمین خواهد بود" (←
تقدیم اعدالین).
ستاره سر واقع بعد از شعرای یمنی، درخشانترین ستاره
آسمان نیمکره شمالی است.

BREEZE نسیم
نسیم عبارت از هوایی است که خیلی آرام جریان یابد. در این
پدیده شدت جریان هوا به اندازه‌ای است که تولید باد نمی‌کند.
LAND BREEZE نسیم خشکی
نسیم خشکی که شبانگاه از خشکی بسوی دریا می‌وزد، علت
این پدیده سریع تر خنک شدن سطح زمین بر اثر تشعشع در
مقایسه با آب دریا و در نتیجه افزایش فشار جو بالای زمین
سبب به فشار جو بالای دریاست. این نسیم در پارهای
قسمت‌های جهان بویژه در جزایر آنچنان منظم است که قایق‌های
ماهگیری را شبانه بسوی دریا برده و روز بعد به کمک نسیم
دریا بسوی خشکی باز می‌گرداند.



نسیم خشکی

SEA BREEZE نسیم دریا
نسیمی که بعد از ظهرها از سطح دریا بسوی مناطق کم فشار
خشکی می‌وزد. این نسیم تا مسافت محدودی بدون خشکی
بعود کرده و سپس تحت تاثیر بادهای محلی یا بادهایی که
از خشکی بسوی دریا می‌وزد محو و نابود می‌گردد.
(نمودار در صفحه ۲۳۸)

MOUNTAIN BREEZE نسیم کوهستان
جریان هوای نسبتاً سردی که در شب از کوه بسوی اراضی
پست و دره‌ها می‌ورد.
اغلب جهت این باد در روز عکس شب است.

DRIZZLE نرمه باران
باران ریز بسیارنداری که اندازه قطره‌های آن کمتر از ۰
میلیمتر بوده و بوسه با یک جنبه هوای گرم همراه باشد.

FREESTONE نرمه سنگ
سنگ نرمی که در جهات مختلف به آسانی بریده شود.

HAZE نرم ($N-e-zh$)
بادهای از درات ریز و غبار و یا دود و مانند آن که در فضای
محاور سطح زمین جمع شود و قابلیت دید را به حدود یک
کیلومتر کاهش دهد.

METEORIC WATER برفولات آسمانی
آبی که از جو زمین بصورت برف و یا باران ریزش نماید.

RACE نژاد
گروهی از مردم که از نظر اصالت و وراثت طبیعی دارای
خصوصیات یکسان باشند.
مجموعه افرادی که از حیث مشخصات قیافه، کوناها و بلندی
قد، وضع لب و دندان، هیکل جسم، وضع مو و رنگ پوست
بدن با هم شباهت دارند.

ETHNOLOGY براد شناسی
دانشی که به بررسی منشأ، پراکندگی و ویژگی‌های متغایر
برادها و فرهنگ اقوام مدوی می‌پردازد.
به عبارت دیگر، شعبه‌ای است از علم انسان‌شناسی که اراصل
و بدانش دسته‌های مختلف گروههای انسانی بحث می‌کند.

ETHNOGRAPHY نژاد نگاری
شاخه‌ای از مردم‌شناسی یا براد شناسی که توریع جغرافیایی
و ویژگیهای برادهای گوناگون را توصیف می‌کند.

FERTILITY RATIO نسبت باروری

مخنی در بررسی جمعیت و آن عبارتست از تعداد کودکان
موجود در یک جماعت به تعداد زنان قابل باروری در همان
جماعت. این نسبت را با فرمول زیر نمایش می‌دهند:

$$F.R = \frac{\text{تعداد کودکان زیر ۵ سال}}{\text{تعداد زنان میان ۱۵ تا ۵۰ سال}} \times 1000$$

ACTIVITY RATE نسبت کارآئی
در حد کارآئی



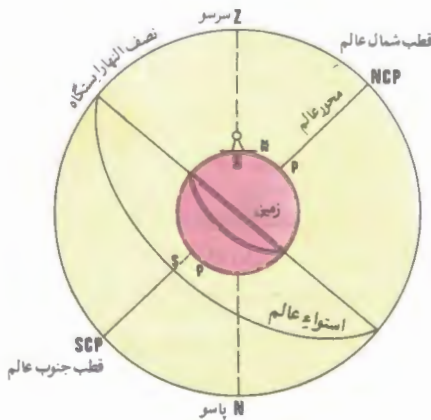
نپتون

CELESTIAL MERIDIAN نصف النهار عالم

هرگاه دایره عظیمه‌ای را بر قطبهای عالم عبور دهند، فصل مشترک آنرا با سطح کره عالم، نصف النهار عالم می‌نامند. به عبارت دیگر فصل مشترک گسترش نصف النهارهای زمین و سطح کره عالم را نصف النهارهای عالم می‌خوانند. (تصویر در صفحه ۳۳۹)

SHARE CROPPING نظام سهم بردن از محصول

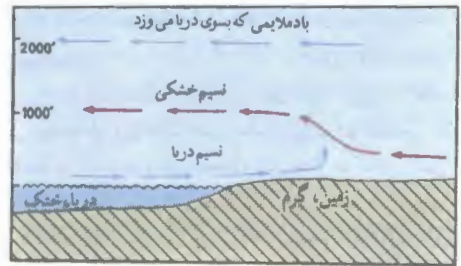
نظام خاصی است در کشاورزی که صاحب زمین بخر و وسایل کار را در اختیار کشاورز گذارده و در مقابل حدود نیمی از محصول را به نفع خویش برداشت می‌کند.



نصف النهار ایستگاه



نا هید



نسیم دریا

GLACIER BREEZE نسیم یخچالی

نسیم سردی از گونه باد فرورو که در امتداد مسیر یک یخچال می‌وزد. سبب وزش این نسیم سرد شدن هوای مجاور سطح یخچال است.

DESCENT نشیب

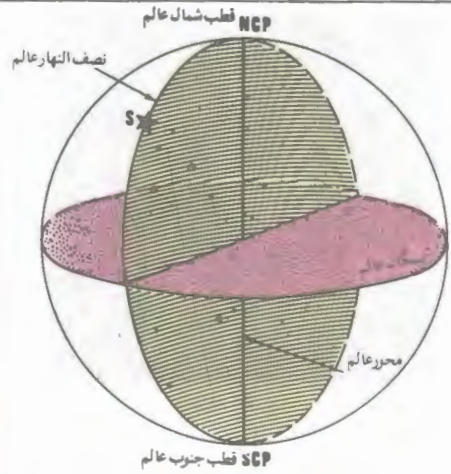
- ۱- سرازیری. عارضه مقابل فراز.
- ۲- زمین پست.

MERIDIAN نصف النهار

— نیمروز.

OBSERVER MERIDIAN نصف النهار ایستگاه

دایره عظیمه یا نصف النهاری که از قطبین عالم و همچنین دو نقطه سرسو (سمت الرأس) (Z) و پاسو (سمت القدم) (N) عبور نماید.



نظریه جابجائی قاره‌ها
نصف النهار عالم

THEORY OF CONTINENTAL DRIFT

← نظریه رانه قاره‌ای

نظریه جهان انبساطی

THEORY OF EXPANSIONAL UNIVERSE

← جهان انبساطی

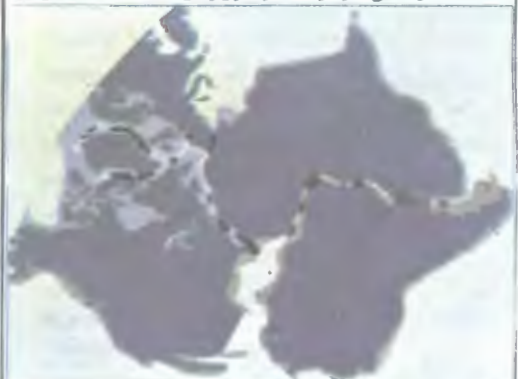
DARWIN'S THEORY

نظریه داروین

← داروینیسم

نظریه رانه قاره‌ای
THEORY OF CONTINENTAL DRIFT

بر اساس این نظریه، اعتقاد بر این است که قاره‌های کنونی زمین در اصل از یک سرزمین عظیم بنام گندوانا جدا گردیده و به‌تدریج هم فاصله گرفته و بالاخره در وضعیت کنونی واقع شده‌اند. علت پیدایش این نظریه مسئله پراکندگی جانوران و گیاهان مشابه در خشکی‌ها و قاره‌های گوناگون زمین است که دانشمندان



لبه فلات قاره‌ها در واقع مرز طبیعی قاره‌ها بشمار می‌روند، این نقشه باز هم آوری قاره‌ها را به خوبی نشان می‌دهد.



۲۰۰ میلیون سال پیش



۱۸۰ میلیون سال پیش



۱۳۵ میلیون سال پیش

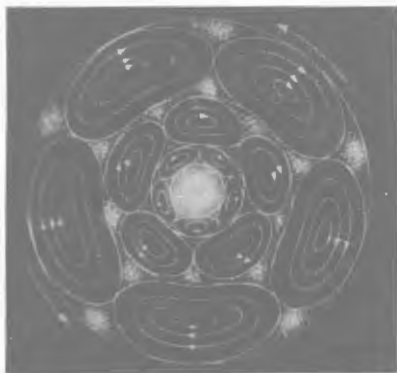


۶۵ میلیون سال پیش



امروزه

نظریه رانه قاره‌ای



نظریه غباری

TIDAL THEORY

نظریه کشندی

نظریه‌ای است درباره پیدایش منظومه خورشیدی که توسط جیمز جینز و هارلد جفریز در سال ۱۹۱۸ عرصه شده. بر طبق این نظریه که مکمل فرضیه پیدایش سیارات است، ستاره دیگری به توده عظیم گازی خورشید سردیک شده است و در نتیجه اجرام کوچکتری از خورشید جدا شده و منظومه خورشیدی را ساخته‌اند. بر اساس این نظریه، جدا شدن اجرام گازی کوچکتر از خورشید در نتیجه پیداشدن برجستگیهای کشندی عظیمی بوده است که به سبب جاذبه آن ستاره بر سطح خورشید پدید آمده بوده است. زمانی که جاذبه کرانسی چندین زیاد شد که برگرانش خورشید فزونی یافت، قله‌ی موج کشندی از جرم اصلی خورشید جدا شد و به جرم‌هایی به اندازه‌های مختلف تقسیم گردید که همین سیارات امروزی هستند این نظریه در حال حاضر طرفداران چندانی ندارد.

TETRAHEDRAL THEORY

نظریه هرم سه وجهی

نظریه‌ای که نخستین بار بوسپله Lowthian Green در سال ۱۸۷۵ ارائه شده و بر اساس آن کره زمین را بیگ هرم سه وجهی که هر وجه آن یک مثلث بوده و رأس آن در قطب جنوب و قاعده آن که خود یک مثلث است در قطب شمال (به منزله اقیانوس منجمد شمالی) قرار گرفته تشبیه شده است. بر اساس این نظریه نیمکره خاوری در دو مثلث و نیمکره باختری در مثلث سوم واقع گردیده است. این نظریه امروزه مورد توجه نیست.

THEORY OF ISOSTASY

نظریه همستادی

(Nazariyeh-ye-hamestādi)

به موجب این نظریه زمین حالت شناوری را در آب دارد که خشکی‌ها و بلندی‌ها به دلیل سبکی وزن از آب بیرون مانده

را مدت‌ها بخود مشغول می‌داشت، آنان بر این عقیده بودند که در آغاز چیزی همانند پل یا مشابه آن بایستی وجود می‌داشته تا موجبات پراکندگی و گسترش این موجودات را فراهم نماید و رفت و آمد آنها را امکان پذیر سازد. مسئله دوم تشابه و هماهنگی کرانه‌های پاره‌ای از قاره‌های امروزی به یکدیگر است. مانند تشابه و هماهنگی کرانه‌های باختری افریقا و کرانه‌های خاوری امریکای جنوبی. این نظریه نخستین بار در سال ۱۸۵۸ بوسپله الف سیندر و سپس در سال ۱۹۰۸ توسط اف. ب. تیلور و بالاخره در سال ۱۹۱۵ بوسپله الف وگنر عرضه و تکمیل گردید. تحقیقات بیشتر زمین شناسی دریائی با کمک شواهد و کشفیات تازه‌ای که انجام گرفته (زمین لرزه و وضعیت مغناطیسی گذشته زمین) نظریه وگنر را مورد تأیید قرار داده و علاوه بر آن منجر به ابراز نظریه جدیدی توسط منارد، مک کنزی و مورگان در سال‌های ۱۹۶۹-۱۹۷۰ بنام نظریه تکتونیک صفحه‌ای گردیده است.

— زمینساخت صفحه‌ای

DUST CLOUD THEORY

نظریه غباری

درباره پیدایش منظومه شمسی، تنی چند از دانشمندان بر این عقیده‌اند که چندین بیلیون سال پیش خورشید بصورت کره‌ای از گاز و با حرارت بسیار زیاد بوده و آن را پوسته‌ای از گازهای رقیق و ذرات غبار احاطه کرده بوده است. این پوسته بعدها به علت حرکت دورانی به شکل قرصی از ابرهای سحابی به دور خورشید درآمده که قطر آن در حدود قطر کنونی منظومه شمسی و در حد سیارات نه گانه بوده است. سپس به دلیل اختلاف سرعت بین قسمت‌هایی از سحابی که به خورشید نزدیکتر و دارای سرعت بیشتر بوده‌اند و بخش‌هایی که از خورشید دورتر و دارای سرعت کمتر بوده‌اند توده مزبور متلاطم شده و فضاها و بنام حجره‌های تلاطم در آن پدید آمده است که هر حجره در خلاف جهت عقربه‌های ساعت بدور خورشید گردش می‌کرده و بر عکس ماده درون آنها در جهت حرکت عقربه‌های ساعت می‌گشته است و در نتیجه غلافهای متحد المרכזی بدور خورشید تشکیل می‌گردد که هر غلاف پنج حجره تلاطم دارد و سیارات در نواحی درون این حجره‌ها تشکیل یافته‌اند؛ بدین ترتیب که از بهم پیوستن پنج توده ماده که بیگ فاصله از خورشید بوده‌اند یک سیاره که اکنون به آن فاصله از خورشید واقع است پدید آمده و اقمار سیارات نیز بهمین طریق تنها در مقیاس کوچکتر بوجود آمده‌اند. این فرضیه نخستین بار بوسپله امانوئل کانت ارائه شده و فرضیه سحابی لاپلاس نیز از همین جمله است.

بر اثر ناخن خط برمی‌دارد. علامت شیمیائی نقره Ag و وزن اتمی آن در حدود ۱۰۸ است. نقره بسیار چکش‌خوار و قابلیت تورق آن نیز زیاد است و در برابر عوامل شیمیائی بخوبی مقاومت می‌کند و همیشه یک ظرفیتی است و میل ترکیبی آن بسیار کم است. اکسیژن و بخار آب بر آن اثری ندارند و در صنعت برای تهیه وسایل مختلف و آب نقره کاری و آینه سازی بکار می‌رود و مهمترین مواد معدنی نقره سولفور نقره یا آرزپروز Ag_2S است.

نقشه MAP
نمایش ترسیمی عوارض پوسته زمین روی موادی مانند کاغذ، پلاستیک، مقوا، پارچه و سایر مواد مشابه را که به نسبت معینی کوچک شده باشد نقشه می‌گویند. یکی از خصوصیات نقشه استفاده از فن خلاصه کردن طبیعت متناسب با مقیاس و استفاده از علائم و نشانه‌هایی است که هریک معرف عارضه مخصوصی بوده و نقشه‌ای که از نظر مقیاس و علائم به طبیعت نزدیکتر باشد نقشه مقیاس بزرگ یا پلان نامیده می‌شود.

نقشه برجسته RELIEF MAP
نقشه‌ای که پستی و بلندی‌ها و ارتفاعات را به شکل برجسته یا سه بعدی نمایش دهد. اینگونه نقشه‌ها معمولاً از مقوا، پلاستیک و یا گچ و امثال آن تهیه می‌گردد.

نقشه برجسته‌وار RELIEF LIKE MAP
نقشه‌ای است که ارتفاعات آن را بکمک نقاشی و سایه زدن بصورت ظاهری برجسته نمایش دهند.

نقشه برداری MAPPING/SURVEYING
اندازه‌گیری و ثبت مسافتات و زوایا برای تهیه نقشه دقیق پوسته زمین را نقشه‌برداری می‌گویند. این عملیات شامل اندازه‌گیری مسافت مبنا، مثلث‌بندی، ترازبایی، پیمایش و برداشت‌های محلی است.

نقشه‌برداری شناسائی RECONNAISSANCE MAPPING
نوعی نقشه اکتشافی یا شناسائی که با رعایت سرعت و صرفه تهیه گردد. این گونه نقشه‌ها بیشتر برای مناطقی مانند مناطق کویری و امثال آن که نیازی به دقت چندان ندارد تهیه می‌شوند.

نقشه پساوایی TACTUAL MAP (Naqsheh-ye-basāva'i)
نقشه خاصی که غالباً "ویژه نابینایان و با استفاده در تاریکی

و کف دریاها و اقیانوس‌ها به سبب سنگینی وزن در زیر آب غوطه‌ورند. این نظریه در سال ۱۸۸۹ بوسیله C.F. Dutton ارائه شده است.

نفت PETROLEUM
نفت به مفهوم کلی عبارت از مخلوطی است از هیدروکربن‌های حامد و مایع و گاز که معمولاً با حفر چاه‌های مخصوص از زیر زمین استخراج می‌گردد.
بزرگ‌ترین کشورهای تولید کننده نفت عبارتند از: آمریکا، شوروی، ونزوئلا، عربستان سعودی، کویت، ایران، لیبی، عراق، کانادا و الجزایر.

نفت سیاه MAZUT
یکی از هیدروکربورهای نفتی که در تصفیه خام پس از اثر و بنزین و نفت چراغ بدست می‌آید و چون سیاه‌رنگ است بنام نفت سیاه نیز موسوم است.
این ماده ارزان‌ترین ماده سوختنی برای کوره، حمام‌ها و تنور نانوایی‌ها و موتورهای دیزل است.

نقاله PROTRACTOR
نقاله وسیله‌ای است که به اشکال گوناگون مانند دایره، نیم‌دایره، مربع و یا مستطیل ساخته می‌شود و لبه آن بر حسب واحدهای اندازه‌گیری زوایه مانند درجه شصت قسمتی و یا گراد مدرج می‌گردد.

هر نقاله دارای نقطه‌ای است بنام نشانه که در واقع نقطه مرکزی نقاله است.

از نقاله برای اندازه‌گیری و یا ترسیم زاویه استفاده می‌شود، بدین ترتیب که نقطه مرکزی را روی رأس زاویه می‌گذارند و مقدار زاویه را به کمک اعدادی از لبه نقاله که روی اضلاع زاویه قرار گرفته‌اند بدست می‌آورند.

نقب (Naqb) BURROW
راه باریک زیر زمینی.

نقره SILVER
فلزی است درخشان و براق که به خوبی سیقل پذیر است و بهر از همه احجام سوراخ را منعکس می‌کند. از این رو در ساختمان آینه‌ها بکار می‌رود. وزن مخصوص نقره ۱۰/۵ است و در حرارت ۹۶۰ درجه دوب می‌گردد و در ۲۰۰۰ درجه می‌جوشد و بهتر از همه فلزات حرارت و برق را هدایت می‌کند. نقره از مس نرم‌تر و از طلا سخت‌تر است. نقره خالص

را صرفنظر از مسافت واقعی و سمت حقیقی امتداد میان آنها نمایش می‌دهد. این گونه نقشه‌ها بیشتر از نظر نمایش میزان تراکم جمعیت و سیستم‌های ارتباطی تهیه می‌گردند.

نقشه رنگارنگ CHOROCROMATIC MAP

نقشه‌های ویژه‌ای که از نظر خاصی مانند کاربرد زمین، خاک شناسی، زمین شناسی، کشاورزی و یا صنعتی و مانند آن تهیه می‌گردد و برای هر مورد بدون توجه به کمیت آن از رنگ خاصی استفاده می‌شود.

نقشه سیاسی POLITICAL MAP

نقشه‌ای است که جهت نمایش تفکیک کشورها و مرزهای بین - المللی بکار رفته و بسته به مقیاس و اندازه نقشه، تقسیمات داخلی کشورها نیز مشخص می‌گردد.

نقشه سینوپتیک SYNOPTIC CHART

نقشه آب و هواشناسی که خطوط هم فشار، دما، نیرو و سمت باد را نشان می‌دهد.

نقشه شهری TOWN MAP

نقشه مقیاس بزرگی مانند ۱: ۲۵۰۰ و امثال آن که برای طرح‌های توسعه و عمران شهری و مانند آن تهیه شود.

تهیه شده و عوارض و خطوط را به طور برجسته و از راه لمس نمایش دهد.

نقشه پلانی متری PLANIMETRIC MAP

نقشه‌ای که فقط موقعیت مسطحاتی عوارض را نشان دهد و یا فاقد اطلاعات ارتفاعی باشد. از اینگونه نقشه‌ها بیشتر در اندازه‌گیری مساحت و عملیات ثبتی استفاده می‌شود.

نقشه توپوگرافی TOPOGRAPHIC MAP

نقشه‌ای مقیاس بزرگ (معمولاً " بزرگتر از مقیاس ۱:۵۰۰,۰۰۰) که عوارض پوسته زمین اعم از مصنوعی و یا طبیعی را نشان می‌دهد.

گروهی از نویسندگان و کارشناسان بویژه آمریکایی‌ها، از اصطلاح مزبور برای بیان کیفیت نقشه‌ای که قطعه کوچکی از پوسته زمین را در مقیاس بزرگ نمایش می‌دهد، استفاده می‌کنند و آن را در مقابل واژه نقشه کارتوگرافی که معرف نقشه‌های کوچک تراز مقیاس ۱:۵۰۰,۰۰۰ است، به کار می‌برند، باید توجه داشت که از اصطلاح نقشه توپوگرافی تنها به مفهوم نمایش ناهمواری‌های پوسته زمین که به کمک منحنی‌های تراز نمایش داده می‌شود، نباید استفاده کرد.

نقشه توپولوژی TOPOLOGICAL MAP

گونه‌ای نقشه که برخلاف نقشه توپوگرافی وضعیت نسبی عوارض



نقشه توپوگرافی

نقشه طبیعی

PHYSICAL MAP

عموماً "به نقشه‌هایی اطلاق می‌گردد که در آن پستی و بلندیها، رودها، قله‌ها و سایر عوارض طبیعی به تفکیک مشخص شوند.

نقشه عکسی

PHOTO MAP

نقشه‌ای که از کنار هم چیدن عکس‌های هوایی بوجود آید و علاوه بر اطلاعات حاشیه‌ای، متن آن نیز دارای شبکه‌بندی و نام عوارض و مانند آن باشد.

نقشه منقوط

DOT MAP

نمایش کمیت‌ها و مقادیر بوسیله گروهی از نقاط هم اندازه که هر کدام نشانگر کمیت معینی باشند. معمولاً "این گونه نقاط را روی نقشه‌ها منتقل ساخته و اطلاعات آماری محدوده" جغرافیائی مورد نظر را به کمک آنها نمایش می‌دهند.

نقشه مورفوگرافیک

MORPHOGRAPHIC MAP

نقشه مقیاس کوچکی است که عوارض طبیعی را به کمک یک سری علائم تصویری نشان می‌دهد.

نقشه موضوعی

THEMATIC MAP

نقشه‌ای که برای نمایش موضوع خاصی تهیه گردد. مانند نقشه‌ای که پراکندگی جمعیت را نشان می‌دهد و یا مثلاً "میزان بارندگی منطقه‌ای را در فصلهای مختلف سال مشخص می‌سازد.

نقشه نگاری

CARTOGRAPHY

الف - به مفهوم عام کلیه عملیات نقشه‌برداری اعم از عملیات صحرائی و دفتری را گویند.
ب - به مفهوم خاص، نقشه‌کشی یا هنر رسم نقشه را گویند.

نقشه‌های ویژه

SPECIAL MAPS

نقشه‌هایی هستند که برای مقاصد خاصی تهیه می‌گردند. نقشه‌های معمولی را غالباً "می‌توان با افزودن پاره‌ای اطلاعات به نقشه‌های ویژه تبدیل نمود، این گونه نقشه‌ها در انواع بسیاری تهیه می‌گردند که پاره‌ای از آنها به شرح زیر است:

۱- نقشه‌های آبنگاری یا هیدروگرافی.

۲- نقشه‌های هوانوردی.

۳- نقشه‌های ثبتی.

۴- نقشه‌های اداری یا نقشه‌هایی که حدود و تقسیمات کشوری را نشان می‌دهند.

۵- نقشه‌های مرزی.

۶- نقشه‌های کوروگرافی.

۷- نقشه‌های هواشناسی.

۸- نقشه‌های زمین شناسی.

۹- نقشه‌های گیاهبانی یا نقشه‌هایی که بمنظور حفاظت و اصلاح رویشدنیها تهیه میگردند.

۱۰- نقشه راهها و بنادر.

۱۱- نقشه‌هایی که پراکندگی جمعیت را نشان می‌دهند.

۱۲- نقشه‌های رزمی.

۱۳- نقشه‌های استفاده از زمین.

۱۴- نقشه‌های آب شناسی بمنظور بررسی منابع و مجاری آب.

نقطه ارتفاعی

SPOT HEIGHT

نقطه‌ای که ارتفاع آن نسبت به سطح مبنای معینی دقیقاً تعیین و روی نقشه نمایش داده شده باشد. اینگونه نقاط بر خلاف بنج مارک (Bench Mark) ضرورتی به مشخص کردن روی زمین نداشته و فقط به نمایش آن روی نقشه اکتفا می‌شود.

نقطه انجماد

FREEZING-POINT

دمائی که در آن مایع به جامد تبدیل گردد. آب در صفر درجه سانتیگراد، جیوه در ۳۹- درجه سانتیگراد و ازت در ۲۱۰- درجه سانتیگراد به جامد دگرگون می‌شود و به اصطلاح یخ می‌بندد.

نقطه جوش

BOILING POINT

یا نقطه غلیان هر مایع دمای معینی است که در آن دما، مایع در فشار ۷۶ سانتیمتر جیوه به جوش می‌آید.
نقطه جوش با افزایش فشار بالا می‌رود و با کاهش آن پائین می‌آید.
نقطه جوش آب در ظرف سرباز و در فشار ۷۶ سانتیمتر جیوه صد درجه سانتیگراد است.

نقطه شبنم

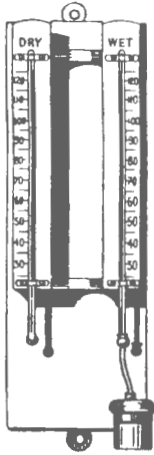
DEW POINT

وضعیتی که هوا را سرد کرده و بخار آب موجود در آن را به حد اشباع برساند. برای اندازه‌گیری نقطه شبنم از رطوبت سنج ویژه‌ای که دارای یک صفحه فلزی صیقلی شده است استفاده می‌شود. بدین ترتیب که صفحه مزبور را آنقدر سرد می‌کنند تا ذرات آب روی آن ظاهر شود، در این حال درجه گرما را یادداشت می‌کنند.

نقطه شمالی

NORTH POINT

نقطه‌ای است که از تلاقی افق عالم و نیمه بالای نصف النهار ایستگاه بوجود می‌آید. به عبارت دیگر، نزدیکترین نقطه سطح افق به قطب شمال را نقطه شمالی می‌نامند. (تصویر در صفحه ۳۴۴)



بریک بار بدست می آید .

نمسنج

EVAPOTRANSPIRATION

نمکاهی (Namkāhi)

کم خند رطوبت زمین بر اثر نخمر و عرق گیاهان ، بطور سال یک حربه مرعه درت ، رطوبت زمین را در طول یک کشت ، به میزان حدود ۱,۳۰۰,۰۰۰ لیتر که معادل ۲۸۰ میلیمر باران است می‌کاهد .

SALT DOME

نمکنود (Namaktud)

توده مدوری از نمک جامد که تحت فشار از زیر پیوسه زمین بطرف بالا برآمده باشد . این گوه عوارض معمولاً "یاکلاهنکی" از سنگ آهک همراه هستند .

SALT - FLAT

نمکرار

پوسه‌ای از املاح نمکی که کف یک دریاچه مدیمی را که به مرور خشک شده است به طور افعی سوسانده باشد .
به آن شورهرار سیر می‌گویند . (تصویر در صفحه ۳۴۶)

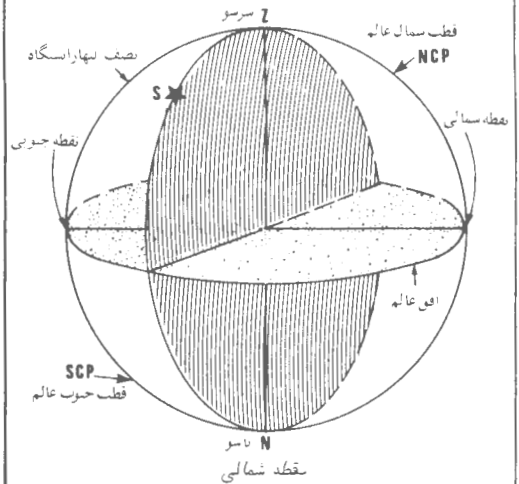
DESALINATION

نمکزدائی (Namakzodā'i)

نمکزدائی از آب یا خاک ممکن است یکی از راههای زیر انجام پذیرد :

الف - زمینهای را که قبلاً "سوسله آب دریا پوشیده شده و سطح آنها را لجن‌های رسی اشاع شده از نمک سوسانده است ، عمیقاً "شخم رده و زیر و رو می‌کنند و خاک آن را به اصطلاح ناد می‌دهند و آب باران را از آن بطور مداوم باصباح خارج می‌سازند و به کمک نوعی سنگ کج و کست کاهایی که در برابر نمک مقاومت دارند به‌درج نمک خاک را کسیده و آن را پاک می‌سازند . این تسوه سسیر در کشور هلند که با احداث دیواره‌های مخصوصی دریا را به عقب رانده و زمین برآب را در احسان می‌گیرند نگار می‌رود .

ب - در مناطق گرمی که آب به سرعت سخیز شده و سیر غلظت



BOILING POINT

نقطه غلیان

نقطه جوش

HUMIDITY

نم (Nam)

رطوبت

HYDROPHYTE

نمرب (Namrost)

کاهایی که فقط به شرم فراوانی رطوبت رشد نمایند و در آب یا مناطق فوق العاده مرطوب ریزگی کنند . سافه‌های این گیاهان معمولاً "بلند و نفرا" شکنده بوده و برگ آنها سارک و بلند است . ریشه اینگونه گیاهان سطحی است . درخت موز را از جمله گیاهان نمرب می‌توان محسوب داشت .

HYGROMETER

نمسنج

دستگاهی که برای اندازه‌گیری رطوبت سسی ساخته شده است . این دستگاه از دو دماسنج خشک و تر ، که اولی برای اندازه‌گیری دمای حقیقی جو و دومی میزان دمای تخمیر آب را اندازه‌گیری می‌کند ساخته شده و از اختلاف درجه دماسنج‌های بالا رطوبت سسی هوا را بدست می‌آورند .

SALT

نمک

نمک معمولی یا سدیم کلراید یا فرمول (NaCl) که بصورت جامد یا محلول در روی پیوسه زمین دیده می‌شود . نمک بیشتر در حاشیه دریاچه‌های شور وجود دارد و آب اینگونه دریاچه‌ها سز استخراج می‌گردد .

نمک به معنی عام ، از نظر نیمایی عبارت از جسمی است مرکب که از ترکیب یک اسد با یک قلر و یا تا سیر یک اسد

MANDATE TERRITORY **نواحی تحت قیمومیت**
نواحی که پس از جنگ جهانی اول از دست کشورهای آلمان و امپراطوری عثمانی (ترکیه کنونی) خارج گردید و به موجب پیمان صلح، تحت قیمومیت و سرپرستی کشورهای پیروز در جنگ قرار گرفت.

بنا بر پیمان مزبور موافقت شد، به کشورهایی چون عراق، سوریه و فلسطین به محض آمادگی خودمختاری و استقلال داده شود و سرزمین‌هایی از آفریقا که تحت اشغال آلمان بوده است تا زمان مناسب تحت قیمومیت نیروهای پیروز باقی بمانند و پاره‌ای از سرزمین‌های اشغالی آلمان مانند آفریقای جنوب باختری و کلنی‌های آلمان در استرالیا بطور دائم تحت سرپرستی و قیمومیت نیروهای پیروز باقی خواهد ماند و جز سرزمین‌های متصرفی آنان منظور خواهد شد.

ANTARCTIC AREAS **نواحی جنوبگان**

بخشی از سطح زمین مشتمل بر قاره جنوبگان و منتهای جنوبی آبهای اقیانوس اطلس و اقیانوس آرام و اقیانوس هند تا حدود مدار ۵۰ درجه عرض جنوبی.

پهنه‌ای که در آن آب و هوای جنوبگانی غلبه دارد بسیار وسیع‌تر از پهنه آب و هوای شمالگانی است. در این نواحی بادهای فوق العاده شدید و سردی که بیشتر از قاره جنوبگان می‌وزد بر سردی هوا می‌افزاید و یخ‌های ساحلی و کوههای عظیم یخ را به دریاها و اطراف می‌راند و سرمای شدیدی را تا مدار ۵۰ درجه عرض جنوبی گسترش می‌دهد.

نواحی جنوبگان به کلی خالی از انسان است و جز حشرات کوچک و موجودات ذره‌بینی جانور دیگری که در سراسر سال در این نواحی زندگی کند دیده نمی‌شود. پرنده در این نواحی فراوان است و پنگوئن‌ها سراسر سال را در آن جا بسر می‌برند.

پاره‌ای دانشمندان احتمال داده‌اند که میلیون‌ها سال پیش نواحی جنوبگان دارای آب و هوای معتدل بوده است و میلیون‌ها سال بعد نیز ممکن است مجدداً "آب و هوای معتدل به آن جا باز گردد".

ARCTIC AREAS **نواحی شمالگان**

شمالی‌ترین قسمت زمین که در اطراف قطب شمال و اقیانوس شمالگان قرار دارد.

این نواحی کمابیش عبارتند از قسمتهای شمالی آلاسکا، کانادا، نروژ، سوئد، فنلاند و روسیه و همه‌گروئلند و بیشتر آبسند. معمولاً "مدار شمالگان یعنی ۶۶°۳۰' را مرز نواحی شمالگان می‌شمارند و به همین مناسبت تمام اقیانوس شمالگان در این

نمک خاک افزوده می‌شود زمین را در فواصل زمانی معین به وسیله آب شیرین سیراب می‌سازند. این شیوه در (امپریال ولی) واقع در کالیفرنیا متداول است.

پ - استفاده از دستگاههای تقطیر و تبدیل آب شور دریا به آب شیرین مانند شیوه‌ای که در کویت عمل می‌شود.

SALT-FLAT **نمکسار**

— نمکزار

ROCK-SALT/HALITE **نمک سنگی**

توده‌ای از سدیم کلراید قهوه‌ای یا زرد یا خاکستری و یا سفید روشن که از دانه‌های بلورین مکعب شکل پدید آمده باشد.

SALT-FLAT **نمک لاخ (Namak lākh)**

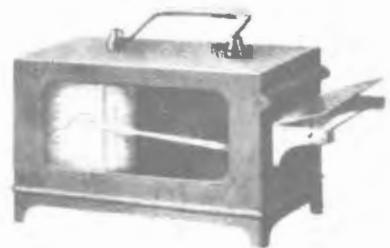
یا نمک لان — نمکزار

HYGROSCOPE **نمنا (Namnā)**

دستگاهی که تغییرات رطوبت یا نمساری هوا را بر اساس تغییر ابعاد یک ماده نشان می‌دهد.

HYGROGRAPH **نمنگار (Namnegār)**

نوعی دستگاه نمسج که رطوبت نسبی هوا را بطور خودکار ثبت و رسم می‌کند.



نمنگار

HYGROGRAM **نمنگاشت (Namnegāsht)**

نموداری که مقدار رطوبت نسبی هوا را نسبت به زمان نشان می‌دهد. اطلاعات این نمودار توسط نمنگار ثبت می‌گردد.

SYSTEMATIC SAMPLING **نمونه‌برداری سیستماتیک**

شیوه‌ای در نمونه‌برداری‌های زمین‌شناسی که عبارتست از برداشتن نمونه در فواصل معین و مناسبی از زمین. مثلاً "نمونه‌برداری از محل تلاقی شبکه‌های یک نقشه".

افزایش روشنی در نتیجه سطح وسیعی است که لایه منبسط شده آشکار می‌سازد. پس از مدتی ماده پرتاب شده بقدری رقیق می‌شود که دیگر نمی‌درخشد.

نوار مرزی
FRONTIER
باریکه‌ای که در پیرامون خط مرز میان دو کشور واقع شده باشد.

نوامبر
NOVEMBER
— ماههای اروپائی

نور منطقة البروج
ZODIACAL LIGHT
نور کمربندی که از پس افق (در بهار هنگام غروب و در پاییز هنگام طلوع آفتاب) ظاهر شده و بسوی بالا ادامه می‌یابد. نور مزبور که در شبهای صاف و بدون مهتاب بهتر دیده می‌شود در غروب کمی بطرف چپ و در طوع خورشید کمی بطرف راست متمایل است.

نوروز
NEW YEAR'S DAY
مقتبس از واژه پهلوی نوک روچ به مفهوم روز نو و روز تازه. بزرگترین جشن ملی ایرانیان که با عبور کره زمین از مقابل نقطه براهران بهاری آغاز می‌گردد و نخستین روز از نخستین ماه (فروردین) سال خورشیدی را اعلام می‌دارد. نقطه مقابل نوروز مهرگان نام دارد.
— مهرگان

نور وستر
NOR-WESTER
الف — باد گرم و خشکی از نوع گرمباد یا برف خوره که در جنوب نیوزیلند می‌وزد.
ب — بادی از نوع بادزد که در دشتهای شمالی هندوستان می‌وزد و معمولاً با وعد و برق وحشتناک و باران‌های سیل آسا و تگرگ و رگبارهای شدید همراه است.
این باد بیشتر در خلال اواخر فروردین تا اواخر خرداد می‌وزد و بارندگی‌های موسمی بنگال، آسام و برمه را موجب می‌گردد.

نوسنگی
NEOLITHIC
— عصر نوسنگی

نوغان پروری
SERICULTURE
پرورش کرم ابریشم به منظور تهیه ابریشم خام. از جمله مراکز مهم پرورش کرم ابریشم، ایتالیا، جنوب فرانسه، ژاپن و چین را می‌توان نام برد.



نمکزار

نواحی قرار می‌گیرد. ذکر این نکته لازم است که شرایط طبیعی در این نواحی محدود به خط هندسی مشخصی نیست و حتی گاه در مواضعی به مدار شمالگان نمی‌رسد و برعکس در پارهای مناطق از آن می‌گذرد. برخی از دانشمندان، خط واصل بین مواضعی از نیمکره شمالی را که دمای متوسط تابستانی آنها ۱۰ درجه سانتیگراد است، مرز نواحی شمالگان می‌دانند که این خط تقریباً در امتداد خط معروف دار مرز است.

نواختران (Noakhtarān) NOVAS

ستارگانی که از تاریکی نسبی خارج شده و روشنی بسیار می‌یابند و سپس اندک اندک به تاریکی می‌گرایند. برای اینگونه ستارگان صفت "نو" صفت مناسبی نیست، زیرا ستاره، ستاره‌ای نو نیست، بلکه افزایش روشنی ظاهریش تازه است.

مطالعات طیفی نشان می‌دهد که این گونه ستارگان پوسته خارجی خود را می‌ترکانند و تمام سطح بیرونی خود را از پوسته منبسط شده خویش پر می‌سازند. بخش اعظم این

NITRATES

نیترات‌ها

نام کلی اطلاق اسید نیتریک که از ترکیب اسید نیتریک با یک فلز و با یک بار بوجود می‌آید.

نیترات‌ها در آب محلولند و پایدار و بی‌ثباتند و بر اثر گرما تجزیه می‌شوند و از تجزیه آن‌ها اکسیژن بدست می‌آید.

DIASTROPHIC FORCES

نیروهای دگرساز

نیروهایی که باعث رانش و جابجایی و تغییر شکل پوسته زمین از نظر ناخوردگی، شکست و ماسه آن شده و چین‌های ظاهری سطح زمین را بوجود آورد.

HYDRO-ELECTRIC POWER

نیروی برقایی

(Niru-ye-barqābi)

انرژی حاصله از بررس آبشارهای طبیعی یا مصنوعی (سدها) بر بهره‌های توربین مولد الکترسیسته و گردش توربین و تحریک مولدهای الکتریکی را نیروی هیدروالکتریک یا نیروی برقایی می‌نامند.

LABOUR FORCE

نیروی کار

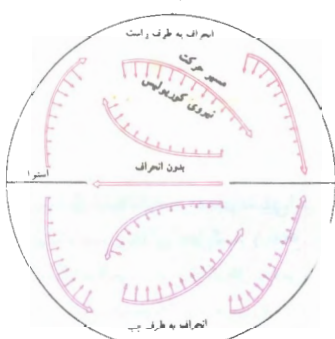
نیروی کاری یک جامعه عبارت است از تعداد افرادی که بر اساس قانون در سن اشتغال قرار گرفته‌اند. این رقم مجموع سیکاران هر کشور را نیز در بر می‌گیرد.

CORIOLIS FORCE

نیروی کوریولیس

نیرویی که به دلیل چرخش زمین حول محور قطبین روی جرم گردنده دور زمین اثر می‌گذارد. این نیرو در نیمکره شمالی باعث انحراف جرم به سمت راست و در نیمکره جنوبی موجب گرایش جرم به سمت چپ می‌گردد.

قطب شمال



قطب جنوب

نیروی کوریولیس

PLANTATION

بهارلسان

درختکاری که وسیله کشت گیاهان زود رشدی چون کاج و امثال آن بوجود آمده باشد. این گونه بهارلسان‌ها معمولاً برای بهره‌برداری از چوب آنها در امور مختلف ایجاد می‌گردد.

CRYPTOZOIC

سپان زوی (Nahān zivi)

— دوران تاریخی زوی

RIVER / STREAM

نهر

— رودخانه

DEPOSITION

نهب (Nehesht)

به نشین شدن موادی که وسیله آب رویده، باد، یخ، حرر و مد یا جریانهای دریائی حمل گردد. این عمل به سها عمیقات مکانیکی پوسته زمین را شامل می‌گردد، بلکه با واکنشهای شیمیائی بعدی نیز تواءم شده و در تغییر شکل پوسته زمین از نظر بنجر، سمو، انبوهش و تلاشی فعالی موجودات زنده نیز تاثیر قابل ملاحظه‌ای بخای می‌گذارد.

MINERAL DEPOSIT

نهبست کانی (N-e-kāni)

مواد کانی (معدنی) که بصورت طبیعی و به مقدار کافی در محلی از زمین انباشته شده و قابل استخراج باشد.

PELAGIC DEPOSITS

نهبست‌های دریا میانی

مواد به سستی کف اقیانوسها، مانند لجن هائی که از غایای موجودات ساور دریا بوجود آمده است.

SUPERFICIAL DEPOSITS

نهبست‌های سطحی

رسوبات و مواد تقریباً "نرم و سستی که پوسته زمین را بطور سطحی پوشانیده است. این مواد معمولاً "بوسیله عواملی مانند باد، جریان آب و امثال آن پدید می‌آید.

LITTORAL DEPOSITS

نهبست‌های کرانی

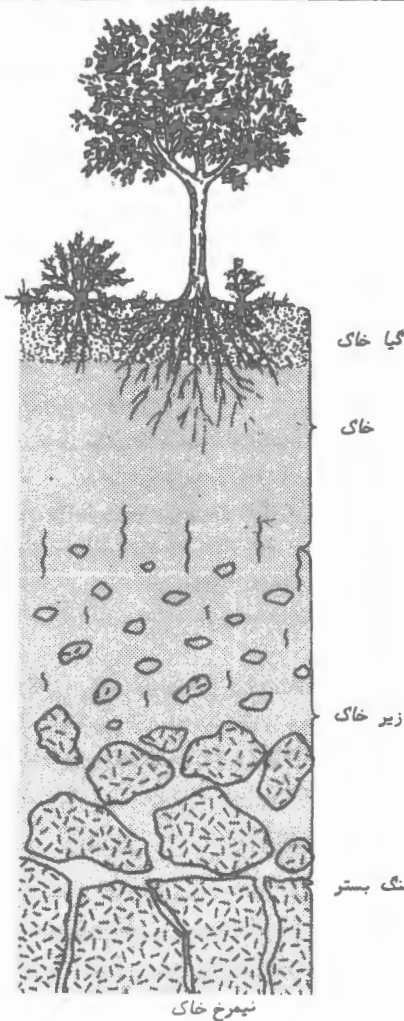
نهبست‌هایی از جنس رس، ماسه، خف که در ساحل دریا دریا به سستی سده باشد.

ABYSSAL DEPOSITS

نهبست‌های ماعکی

(N-hā-ye-māqhākī)

مواد جامدی که در منطقه ماعکی (زری‌رس) اقیانوسها انباشته شده باشد.



نیمرخ رودخانه

PROFILE OF A RIVER

نیمرخ یا مقطع رودخانه بر دو نوع است :
الف - نیمرخ طولی که شکل و شیب زمین را در امتداد بستر رودخانه نشان می دهد .
ب - نیمرخ عرضی که در واقع شکل مقطع عرضی بسر رودخانه را متحص می سازد .

LONG PROFILE OF A RIVER رودخانه طولی

برشی از رودخانه که در امتداد بستر آن از سرچشمه تا دهانه تهیه گردد . — نیمرخ رودخانه

نیمرخ عرضی دره

CROSS-PROFILE OF A VALLEY

برش عرضی یک دره که تعریبا " بصورت قائم بر محور طولی

HYDRO-ELECTRIC POWER

نیروی هیدروالکتریک

— نیروی برقایی

CANE-BRAKE

نیزار

منطقه‌ای پوشیده از نی‌های فراوان که بلندی نی‌های آن گاه تا ۱۰ متر می‌رسد . مانند نیزار هور العظیم در مرز ایران و عراق .

FALLING STAR

نیزک (Neyzak)

— تیر شهاب

NICKEL

نیکل

فلزی است نقره‌یی رنگ و براق از خانواده آهن و بسیار صیقل پذیر .

وزن مخصوص آن در حدود ۸/۸ و وزن اتمی آن قریب ۵۸ است و در حدود ۱۴۵۱ درجه سانتیگراد ذوب می‌شود . (با علامت شیمیائی Ni)

نیکل کاملا " چکش خوار بوده و قابلیت تورق و مفتول شدن آن زیاد است . و بیشتر برای سکه زدن بکار می‌رود ، و در ساختن گلوله‌های توپ و بمب‌ها نیز استعمال می‌شود همچنین در مغز بوبین‌های دستگاه‌های الکترونیک و سفید کردن آلیاژها بکار می‌رود .

PROFILE

نیمرخ (Nimrokh)

نیمرخ عبارت است از فصل مشترک یک صفحه قائم با سطح زمین ، به عبارت ساده‌تر اگر صفحه قائمی در امتدادی مانند AB سطح زمین را قطع کند ، شکل حاصل از برخورد صفحه مزبور و سطح زمین را نیمرخ زمین در امتداد AB می‌نامند . نیمرخ برای بررسی شکل زمین تهیه می‌گردد و موارد استعمال فراوانی دارد که مهمترین آنها عبارتست از : ۱- طرح‌ریزی‌های راهسازی و ساختمان ۲- طرح‌ریزی‌های لوله‌کشی و آبرسانی ۳- بررسی حرکات و تغییرات پوسته زمین .

SOIL PROFILE

نیمرخ خاک

چون خاک‌های تکامل یافته دارای لایه‌های مختلفی است ، بنابراین اگر گودالی در یک چنین خاکی حفر کنیم و مقطع قائم آنرا که در اصطلاح خاک شناسی نیمرخ خاک خوانده می‌شود مورد بررسی قرار دهیم ، می‌بینیم که این نیمرخ از لایه‌هایی تشکیل شده است که از لحاظ رنگ و مواد ساختمانی و غیره با هم تفاوت دارند .

برای اندازه‌گیری طول جغرافیائی بکار می‌رود.

GREENWICH MERIDIAN

نیمروز مبدأ

— نیمروز گرینویچ (گرینچ)

HEMISPHERE

نیمکره

هر دایره عظیمه کره را به دو نیمه برابر بنام نیمکره تقسیم می‌کند. دایره عظیمه نیمگان زمین کره زمین را به دو نیمکره شمالی و جنوبی تقسیم می‌نماید و علاوه بر آن هر یک از دوایر عظیمه نصف النهار نیز کره زمین را در امتداد محور آن به دو نیمه کره خاوری و باختری تقسیم می‌کند.

WATER HEMISPHERE

نیمکره آبی

نیمکره‌ای از زمین که زلاند نو تقریباً "در وسط آن واقع شده و تقریباً" تمام سطح آن را آب اقیانوسها در بر گرفته است. در این نیمکره فقط حدود $\frac{1}{4}$ خشکی‌های زمین قرار گرفته است.

— نیمکره خشکی (تصویر در صفحه ۳۵۱).

WESTERN HEMISPHERE

نیمکره باختری

آن نیمه‌ای از کره زمین را که در غرب نصف النهار گرینویچ (گرینچ) و شرق نصف النهار ۱۸۰ درجه واقع شده، نیمکره باختری یا غربی می‌نامند. معمولاً "قطب‌قاره‌های سه‌گانه" آمریکا و جزایر مربوط به آنها جز "نیمکره" غربی محسوب می‌شوند و قسمتهائی از قاره‌های اروپا و آفریقا را که در این نیمکره قرار دارند جزء "نیمکره" شرقی ذکر می‌کنند (در این کتاب موقعیت کشورها در هر یک از نیمکره‌های شرقی یا غربی تنها نسبت به نصف النهار گرینویچ (گرینچ) سنجیده شده است).

SOUTHERN HEMISPHERE

نیمکره جنوبی

دایره نیمگان زمین کره زمین را به دو نیمه شمالی و جنوبی تقسیم می‌کند. نیمکره‌ای که قطب جنوب زمین در آن واقع است نیمکره جنوبی نام دارد.

EASTERN HEMISPHERE

نیمکره خاوری

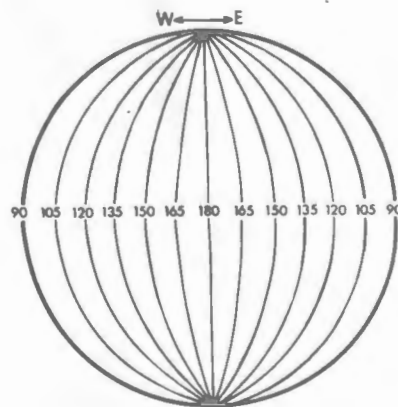
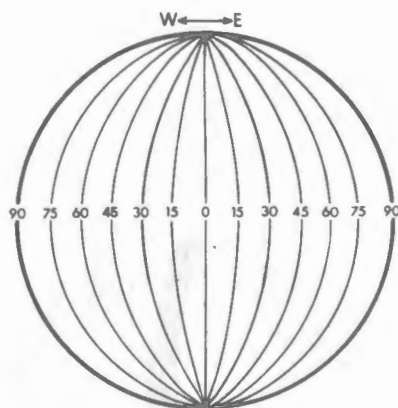
نیمی از کره زمین که در شرق نصف النهار گرینویچ (گرینچ) و غرب نصف النهار ۱۸۰ درجه واقع شده و معمولاً "قاره‌های آسیا، اروپا، استرالیا، آفریقا و جزایر مربوط به آنها جزء نیمکره" شرقی محسوب می‌شوند (در این کتاب موقعیت کشورها در نیمکره" غربی یا شرقی فقط نسبت به نصف النهار گرینویچ (گرینچ) ذکر شده است).

تهیه شده باشد. شکل این نیمرخ بیان‌کننده موارد زیر است:
الف — طبیعت سنگ‌های سطحی ب — نیروهای فرساینده رودخانه کف دره ب — میزان تاثیر بارندگی در شسته شدن دیواره‌ها ت — مراحل فرسایش حاصله از ردیف‌های پ و ب.

MERIDIAN

نیمروز

دایره عظیمه‌ای که از دو قطب زمین عبور کرده و از صفر تا ۱۸۰ درجه بسوی خاور و یا صفر تا ۱۸۰ درجه بسوی باختر شماره‌گذاری شده است. دایره صفر، که آنرا نصف النهار مبدأ می‌نامند از رصدخانه گرینویچ واقع در نزدیکی لندن عبور کرده است.

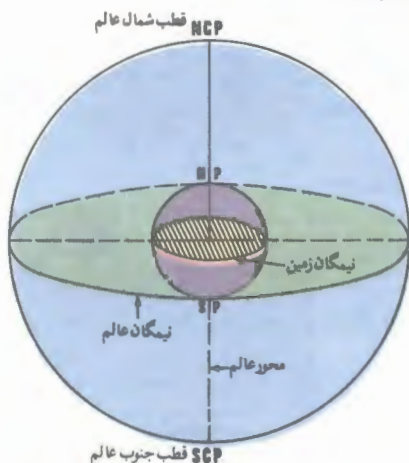


نیمروزهای زمین

نیمروز گرینویچ (گرینچ) GREENWICH MERIDIAN

نیمروز و یا نصف النهاری که از رصدخانه گرینویچ واقع در ۸ کیلومتری لندن و در ساحل جنوبی رود تایمز واقع شده عبور کرده است. نیمروز گرینویچ به عنوان نصف النهار مبدأ

گرفته باشد.



نیمگان زمین و نیمگان عالم

HALF INDEPENDENT

نیمه مستقل

جامعه و یا کشوری که بطور کامل استقلال نداشته باشد.

نیمکره خاوری



نیمکره باختری

نیمکره شمالی



نیمکره جنوبی

LAND HEMISPHERE

نیمکره خشکی

نیمکره تقریباً شمالی زمین، که قسمت اعظم (حدود $\frac{6}{7}$) خشکی‌ها در آن واقع شده است.

— نیمکره آبی (تصویر در صفحه ۳۵۱)

EARTH HEMISPHERE

نیمکره زمین

نیمه‌ای از کره زمین را که بر اثر عبور یک صفحه مستوی فرضی از مرکز زمین بدست آمده باشد نیمکره زمین می‌نامند. معمولاً کره زمین را به دو نیمکره شمالی و جنوبی تقسیم می‌کنند که بر اثر برش آن به وسیله سطح استوا بدست می‌آید. نیمه‌ای که در شمال استوا قرار دارد نیمکره شمالی و نیمه جنوبی آن را نیمکره جنوبی می‌گویند.

هم چنین کره زمین، به وسیله نصف النهار گرینویچ (گرینویچ) به دو نیمکره خاوری و باختری نیز تقسیم می‌گردد.

NORTHERN HEMISPHERE

نیمکره شمالی

دایره نیمگان زمین کره زمین را به دو نیمکره شمالی و جنوبی تقسیم می‌کند. نیمکره‌ای که قطب شمال زمین در آن واقع است، نیمکره شمالی نام دارد.

EQUATOR

نیمگان زمین

با استوا زمین، دایره عظیمه‌ای است که بر محور چرخش زمین با محور قطبین زمین عمود باشد. پیرامون این دایره ۴۰۰۷۳ کیلومتر است و این دایره کره زمین را به دو نیمکره شمالی و جنوبی تقسیم می‌کند.

نیمگان زمین بر مدار صفر درجه عرض جغرافیائی منطبق بوده و در حقیقت مبداء اندازه‌گیری‌های عرض جغرافیائی محسوب می‌گردد.

CELESTIAL EQUATOR

نیمگان عالم

دایره فرضی حاصله از برخورد کره عالم و صفحه‌ای که از مرکز زمین عبور کرده و بر محور چرخش زمین عمود باشد، بدیهی است این دایره بر دایره استوا زمین منطبق خواهد بود.

— کره عالم

SEMI DESERT

نیمه کویر

منطقه‌ای که دارای آب و هوای نیمکتاب باشد.

HALF CIVILIZED

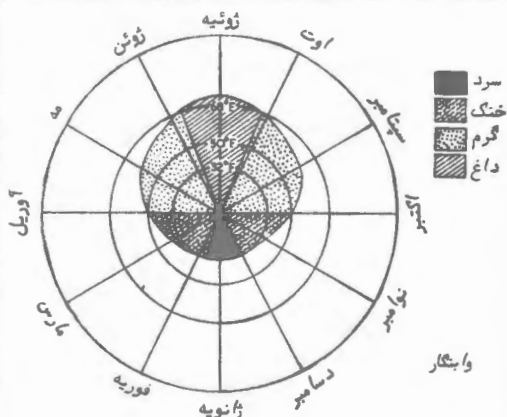
نیمه متعذر

شخص و یا جامعه‌ای که در مرحله میان وحشی و متعذر قرار

نیمکره خشکی



نیمکره آبی



DIFFUSION (Vāpāsh) واپاش

الف - از نظر اقلیم شناسی عبارتست از در هم آمیخته شدن توده های هوا از راه واپاش ذره ای یا واپاش درهم پیچیده .
ب - پراکنش پاره ای عوارض از یک نقطه معین مانند پراکنده شدن گیاهان ، جانوران ، مردم ، آداب و رسوم ، زبان ، فنون و مذهب .

WATTE واته

کلمه آلمانی به مفهوم زمینهای بسیار مرطوبی که بین ساحل و جزایر مشرف به ساحل واقع شده باشد .

ANTICYCLONE (Vācharkheh) واچرخه

منطقه ای که فشار جو آن نسبت به فشار جو مناطق مجاور زیادتر بوده و حداقل یک منحنی هم فشار بسته بوجود آورده باشد . معمولاً " در اینگونه مناطق چند منحنی هم فشار دایره ای یا بیضی شکل وجود دارد که نقطه مرکزی آنها حداکثر فشار جو را داراست .

بادهای نیمکره شمالی زمین حول نقطه مزبور در جهت حرکت عقربه های ساعت گردش کرده و بر عکس در نیمکره جنوبی در خلاف جهت گردش عقربه های ساعت وزیدن می یابند . وزش هوا در حوالی نقطه مرکزی این منطقه معمولاً " سبک و متغیر و آرام بوده و هرچه از نقطه مرکزی دور و به کناره های منطقه مزبور نزدیک شویم بر شدت آن افزوده می شود . در فصل تابستان که آسمان صاف و هوا گرم است این پدیده ناپایدار و بر عکس در زمستان که لایه های زیرین هوا سرد و غالباً " با مه توأم است دارای وضعیتی نسبتاً " پایدار بوده و گاه تا چند روز در همان حالت ثابت می ماند .

علاوه بر واچرخه های ناپایدار دو دسته واچرخه دیگر نیز وجود دارد که یک دسته در عرض ۳۰ درجه شمالی و دسته دیگر در عرض ۳۰ درجه جنوبی بر فراز اقیانوسها در وضع



CLIMATOTHERAPY (Vābdarmāni) وابدرمانی

درمان پاره ای بیماری ها به کمک آب و هوا .

DEPENDENCY وابستگی

منطقه ای که از نظر طبیعی و سیاسی بوسیله کشور دیگری اداره شود .

WEATHERING (Vābfarsā'i) وابفرسائی

زوال و تخریب و یا فرسایش تدریجی پوسته زمین را وابفرسائی یا ساینده می گویند . این عمل به عوامل زیر بستگی دارد :

- الف - طبیعت سنگهای پوسته زمین .
 - ب - میزان برجستگی سنگها از سطح زمین .
 - پ - میزان تاثیر عوامل جوی .
- بطور کلی انهدام و زوال تدریجی سنگها ممکن است بیکی از طرق زیر صورت گیرد :
- ۱- مکانیکی یا فیزیکی - مانند یخبندان یا تغییرات درجه حرارت .
 - ۲- شیمیایی .

۳- زیستی - یعنی وجود گلشنک ، خز ، ریشه درختان و جانورانی مانند موش و خرگوش که البته عوامل اخیر را صد در صد نمی توان جزو عوامل موثر وابفرسائی دانست .

METEOROGRAPH (Vābguy) وابگوی

وابگوی یا بالون هواشناسی ، بالونی است که مجهز به دستگاه هواسنج بوده و برای بررسی وضع هوا در طبقات بالای جو بکار می رود . این بالون که بوسیله گاز تیدرژن پرمی شود پس از رهایی به سوی آسمان بالا رفته و تا چند کیلومتر اوج می گیرد . و دستگاههای مخصوصی که در آن نصب شده میزان دما ، فشار و رطوبت طبقات مختلف هوا را اندازه گیری و ثبت می نماید و با انفجار بالون دستگاههای اندازه گیری که مجهز به چیزی مانند چتر نجات هستند به سوی زمین بازگشته و اطلاعات لازم را از آنها بدست می آورند .

CLIMATOGRAPH (Vābnegār) وابنگار

نمایش ترسیمی اختلافات بین انواع مختلف آب و هوا .

CLIMOGRAM (Vābnegāsh) وابنگاشت

سوداری که نسبت به دو عامل آب و هوای یک منطقه معین (مانند درجه حرارت خشک و تر) رسم شده باشد . شکل و وضعیت این نمودار خصوصیات و چگونگی کلی آب و هوای منطقه مزبور را بیان می دارد .

WADI

وادی

مسيل تنگ و معمولاً خشکی که در یک ناحیه کویری واقع شده و فقط هنگام بارندگی های شدید در آن، آب جاری می شود. این واژه که در اصل عربی است بیشتر در صحرای افریقا و سرزمینهای عربی جنوب باختری آسیا متداول است.



وادی

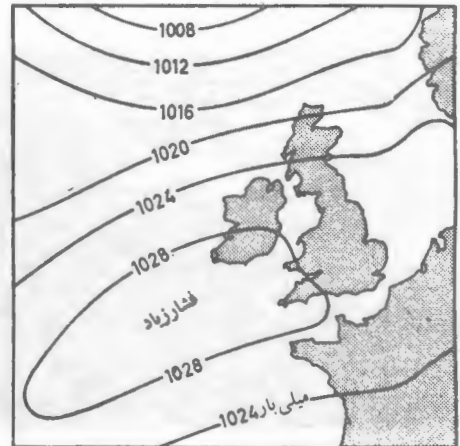
IMPORTS

واردات

کالاهائی که در کشور یا کشورهایی ساخته و یا فراهم شده و از راه تجارتی بیک کشور دیگر وارد گردد واردات نام دارد. معمولاً "چون تهیه پارهای کالاها برای برخی کشورها امکان پذیر نبوده و یا از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نمی باشد لذا با استفاده از کالاهای وارداتی نیازمندی های خود را تامین می کنند. شرایط جوی و وضع آب و هوا از جمله عوامل تعیین کننده ضرورت و میزان واردات است. مثلاً "چون رشد و نمو گیاهان و میوه های گرمسیری یا استوایی برای کشورهای مناطق معتدله و یا سردسیر امکان پذیر نیست لذا با وارد کردن اینگونه میوه ها، نیازمندی ساکنان کشورهای اخیراً تامین می کنند.

مسئله تخصص، کارگر و قابلیت زمین نیز از جمله عوامل موثر در میزان واردات است. غالب کشورها در برابر واردات، کالاهائی را که در داخله تهیه می کنند به کشورهای دیگر صادر می نمایند و سعی می کنند تا میان واردات و صادرات حداقل، تعادل مناسبی برقرار باشد و کوشش می کنند تا در اتشان

پایداری قرار گرفته و در جهت شمال و جنوب با حرکات کوچکی جابجا می شوند و علاوه بر آن متناسب با تغییر فصل ابعاد آنها نیز افزایش و یا کاهش می یابد. از انواع واچرخه های فصلی واچرخه سبیری را می توان نام برد. مرکز واچرخه را فرابار می نامند.



واچرخه

UNIT OF TIME

واحد زمان

واحد زمان در سیستم متریک و انگلیسی ثانیه می باشد.

ATMOSPHERICAL UNIT

واحد فشار جو

برابر یک میلیون دین بر سانتیمتر مربع و معادل ۷۵۰/۱ میلیمتر یا ۲۹/۵۲ اینچ ستون جیوه در گرمای صفر درجه سانتیگراد و عرض جغرافیائی ۴۵ درجه. برای اندازه گیری فشار جو از میلی بار استفاده می شود.

ASTRONOMICAL UNIT

واحد نجومی

میانگین فاصله زمین تا خورشید را واحد نجومی می نامند و آنرا با حروف A.V نمایش می دهند. هر واحد نجومی معادل ۱۴۹,۶۳۷,۰۰۰ کیلومتر است.

OASIS

واحه (vāheh)

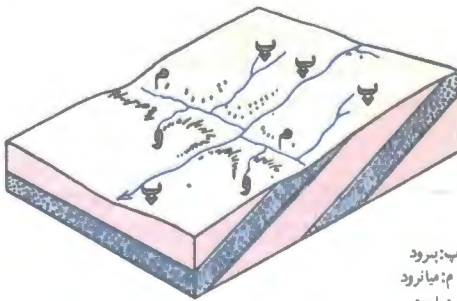
منطقه ای درون کویر که دارای آب کافی بوده و برای زیست انسان و رشد گیاهان مناسب باشد. واحه ممکن است در مناطق غیر کویری، جایی که سطح آبهای زیرزمینی بالا باشد نیز بوجود آید. واحه ممکن است از یک چاه یا چشمه آب و چند درخت و احتمالاً "چند واحد مسکونی تشکیل یافته باشد. و گاه ممکن است وسعت آن به چندین کیلومتر مربع برسد.

(تصویر در صفحه ۳۵۴)



واحه

از روی ثبت دگرگونیهای سطح دریا در یک محل معین برای مدت درازی و به منظور پیش بینی زمان کشند (جزر و مد) در آن نقطه، سروکار دارد.



وارود

BACKING

واگشت (vāgasht)

تغییر جهت وزش باد در خلاف جهت گردش عقربه‌های ساعت، مانند بادی که بسوی شمال خاوری در وزیدن است جهت وزش خود را به سوی شمال تغییر دهد.

GOVERNOR GENERAL

والی (vāli)

استاندار — استان

بر واردات فزونی گیرد. بطور کلی اقتصاد سالم و معقول آن است که صادرات بر واردات فزونی داشته باشد.

وارگار (وارکار) (Vārgār)

- ۱- زمینی که در آن خربزه و هندوانه و خیار و مانند آن بکارند. به آن پالیز نیز می‌گویند.
- ۲- کلبه‌ای در یک پالیز.

OBSEQUENT RIVER

وارود (Vārūd)

رودخانه یا جویباری که در جهت مخالف یک پرود جریان داشته و به یک رودخانه میانرود متصل گردد.

INVERTED RELIEF

واژونه (Vāzhuneh)

کوهی که روزگاری بالاتر از سطح زمین‌های پیرامون خود قرار داشته و در حال حاضر پست‌تر از آن‌ها قرار گرفته باشد. این وضعیت در ناقدیس‌هایی که بشدت فرسایش یافته و از سطح زمین‌های مجاور خود پائین‌تر واقع شده باشند دیده می‌شود.

TIDAL ANALYSIS

واکافت کشندی

(Vākāft-e-keshandi)

شاخ‌ای از اقیانوس‌شناسی که با تعیین ثابت‌های هارمونیک

۳- وسیله‌ای برای تقسیم آبی که به مصرف آبیاری می‌رسد .

NATIVE LAND

وطن

← زادبوم

TOWNSHIP

ولایت

← شهرستان

(Vahizak) وهیزک

← بهیزک

AEROSPHERE

وای اسپهر (vāy espehr)

کلیه گازهائی که پیرامون کره زمین را فراگرفته است . این بخش شامل گشت اسپهر (←) و پوش اسپهر (←) می‌باشد . این اصطلاح بیشتر از آن جهت بکار برده می‌شود که از نظر پاره‌ای دانشمندان واژه اتمسفر (جو) فقط به لایه زیرین هوا که در مجاورت پوسته زمین قرارگرفته منحصر می‌گردد در حالیکه وای اسپهر محدود نبوده و تا مسافت قابل توجهی در فضا گسترش می‌یابد .

VETO

وتو

وتو به معنای جلوگیری از عمل است و "حق وتو" حق یا توانایی جلوگیری از انجام کاری است . بنابراین وتو یا حق وتو قدرت قانونی یک دستگاه مملکتی یا اعضای چنین دستگاهی است برای جلوگیری از عمل آن دستگاه یا اشکال دیگر یا اعضای آن . این لفظ در جریان قانونی فعالیتهای سازمان ملل متحد معنای خاصی دارد . در این مورد حق وتو به معنای حق یک عضو دائمی شورای امنیت (کشورهای امریکا ، شوروی ، چین ، فرانسه و انگلستان) برای جلوگیری از عمل تصویب شده به وسیله اعضای دیگر است .

ورارود (Vararud)

ماوراءالنهر که یکی از بخش‌های قدیم ترکستان بوده و در واقع آن طرف رود جیحون است .

VERKHOYANSK

ورخویانسک

← قطب سرد

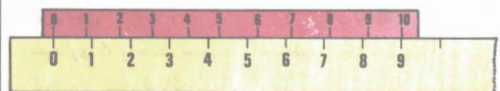
ورس (Vers)

واحد اندازه‌گیری مسافت (در ایران قدیم) معادل ۳۵۰۰ قدم ، (۱/۰۶ کیلومتر) .

VERNIER

ورنیه

درجه‌بندی خاصی که بصورت اضافی در کنار لبه پاره‌ای خط کشها ، بارومترها و تئودولیت‌ها و امثال آن نصب شده و برای قرائت اعشار کوچکترین تقسیمات اصلی بکار می‌رود .



ورنیه

وژ (Vaz)

۱- مقسم آب .

۲- محل تقسیم آب .

مشخصات آنست و غالبا " با باران سنگین و رعدوبرق همراه است .

هجر (Hajir) NOON
هنگام ظهر و گرمای نیمروز .

هرباسپ (Harbāsp) PLANET
سیاره — سیارات

هرزاب (Harzāb) SURPLUS WATER
آبی که بهیوده بر زمین جاری شود . به آن فاضلاب نیز میگویند .

هرزه سنگ GANGUE
مواد معدنی بی ارزشی که بصورت رگه‌هایی در معادن فلزات دیده می‌شود .

هرسی نین HERCYNIE
چین خوردگی سر تا سر زمین در دوره رگالینه (کربونیفر) که به موازات چین خوردگی کالدونیین است . این چین خوردگی از قسمتهای جنوبی نیم قاره امریکای شمالی و قسمتهای جنوبی امریکای مرکزی شروع می‌شود و سرتاسر اقیانوس اطلس را در فاصله بین اروپا و امریکا طی کرده و وارد قسمتهای مرکزی اروپا می‌شود و تا آسیای صغیر و شمال دریای خزر و سیبری امتداد گردیده است . بقایای این چین خوردگی امروزه در ایرلند و کوههای وز و جنگل‌های سیاه و جنوب اسپانیا و اورال و در کوههای آلتایی آسیا و در جنوب کانادا و کوههای رشوز و آپالاش دیده می‌شود .

هرمتن HARMATTAN
— دکتر

هرمز (Hormoz) JUPITER
نام دیگر سیاره مشتری — هرچیس

هرم سنی AGE-PYRAMID
نموداری که وضعیت جمعیت یک منطقه یا یک کشور را از نظر گروههای سنی گوناگون نمایش دهد . در این نمودار که ظاهرا " به شکل هرم رسم می‌گردد . گروههای سنی را به فاصله‌های ۱۰ یا ۵ یا ۱۵ سال در نظر می‌گیرند و یک طرف آن را برای مردان و طرف دیگر را برای زنان اختصاص می‌دهند . در این هرم ، سنین پائین در زیر و سنین بالا در رأس قرار



هاشور HACHURE
— پرداز

هاله HALO
حلقه‌ای از نور که پیرامون ماه یا خورشید را در آسمان ابری نوع سیروستراتوس فرا گرفته باشد . معمولا " هاله خورشیدی به دلیل نور زیاد و درخشندگی خورشید با چشم غیر مسلح دیده نمی‌شود و برای دیدن آن باید از شیشه‌های سیاه شده استفاده نمود . معمولی‌ترین هاله نوعی است که مسافت زاویه‌ای آن میان ماه و هاله ۲۲ درجه باشد . این وضعیت بر اثر شکست نور بوسیله بلورهای یخ موجود در ابر پدید می‌آید . رنگ هاله معمولا " سفید بوده و قسمت درونی آن را حلقه فرمز رنگ نازکی فرا گرفته است .

هاله دگرگونی METAMORPHIC AUREOLE
ناحیه‌ای که اطراف یک توده سنگهای نفوذی قرار گرفته و در آن سنگها دگرگون شده‌اند .

هامون PLAIN / DESERT
زمین مسطح و پوشیده از قشر خاکی ، که معمولا " ارتفاع کمی از سطح دریا داشته باشد .
— بیابان

هامون دریاچه‌ای LACUSTRINE PLAIN
زمینی که قبلا " کف دریاچه بوده و بوسیله مواد رسوبی که توسط رودخانه‌ها و جویبارها بدریاچه مزبور حمل گردیده‌اند پر شده باشد . خاک این گونه مناطق از نظر کشاورزی بسیار مرغوب و حاصلخیز است .

هیوب HABOOB
نوعی توفان شن که در بخش‌های شمالی و شمال خاوری کشور سودان دیده شده است . این توفان غالبا " در بعدازظهرها و هنگام شب وزیده و بندرت در صبح و پیش از ظهر دیده می‌شود . با وجود اینکه این باد در هر فصلی از سال ممکن است بوزد ، مع الوصف موعد وزیدن آن معمولا " بین ماههای خرداد و مهر بوده و اغلب با سرعت و تغییر جهت ناگهانی همراه است و افت درجه حرارت و قابلیت دید بسیار کم ، از

می گیرند .

یکی از سیارات هفتگانه و یکی از روزهای هفته اختصاص می دادند .

WEEK

هفته

هفت روز که در نزد مسلمانان از شنبه آغاز و به جمعه خاتمه می یابد و در نزد اروپائیان از دوشنبه شروع می شود و به یک شنبه پایان می یابد .

بابلی ها در تقسیم بندی و شمارش روزهای ماه تغییرات صوری ماه (اهله قمر) را ملاک قرار می دادند . مثلاً " هلال ماه نو ربع اول (تربیع یکم) بدر و ربع دوم (تربیع دوم) را معیار می دانستند و روزها را از اول تا پایان ماه بصورت عادی می شمردند . از آنجائیکه تغییر صوری ماه از هلال تا تربیع یکم ، از تربیع یکم تا بدر کامل ، از بدر تا تربیع دوم و از تربیع دوم تا محاق در مدتی تقریباً ۷ روز صورت می گیرد لذا عدد ۷ را عددی مقدس می دانستند و هریک ماه قمری را به ۴ هفته روز یا چهار هفته تقسیم می کردند . عبری ها که در قرن ششم پیش از میلاد به اسارت بابلی ها درآمدند ، احتمالاً " شمارش و تقسیم بندی ماه و هفته را از آنان اقتباس کرده اند و حتی به آن اهمیت مذهبی بخشیدند یعنی هفتمین روز هفته را به خدا اختصاص دادند و ضمن انجام فرائض مذهبی در آن روز به استراحت می پرداختند و آن روز را شبات نام گذاری کردند که ما امروز آن را شنبه می نامیم .

HECTARE

هکتار

واحد سنجش سطح در سیستم متریک ، برابر با ۱۰۰۰۰۰ متر مربع .

FERTILE CRESCENT

هلال خصیب

(Helāl-e-khasib)

اراضی پست و حاصلخیزی که بین فلات های ایران و ترکیه و صحرای عربستان واقع شده و احتمالاً " برای نخستین بار در زندگی کشاورزی انسان مورد استفاده قرار گرفته است .

WHEAT CRESCENT

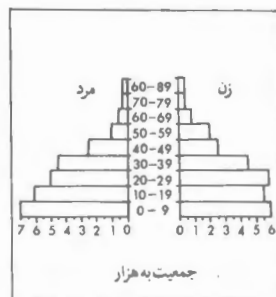
هلال گندم

منطقه هلالی شکلی واقع در امریکای جنوبی که بطور وسیع زیر کشت گندم قرار گرفته است .

CRESCENT OF THE MOON

هلال ماه

— اهله قمر



جمعیت به هزار

هرم سنی

RESURGENCE

هونج (Haranj)

- دهانه قنات که آب از آنجا خارج می شود و روی زمین جریان می یابد . به آن آب سما ، یا مطهر قنات نیز می گویند .
- آشکار شدن یک حویبار زیرزمینی از یک غار .

MILLENNIUM

هزاره (Hezāreh)

هزارمین سال از یک رویداد یا دوره هزار ساله که از یک مبدأ زمانی شروع شده باشد .

THUNDER

هزج (Haza j)

صدای تندر یا زعد — تندر

CORE

هسته زمین

— سوده مرکزی زمین

GLAZED FROST

هسر (Hasar)

پوششی از یخ نرم ، گاهی دارای ضخامت زیاد ، که وقتی درجه حرارت جو از نقطه انجماد کمتر است بر اشیائی که باران سرد بر آنها می بارد تشکیل می گردد .

URSA MAJOR & URSA MINOR

هفت برادران

— سبات المعش

SEVEN COLOURS

هفت رنگ

در قدیم هفت رنگ را از میان رنگ ها بنام هفت رنگ اصلی می شناختند و هر کدام از این رنگها را که عبارتند از سیاه ، خاکستری ، سرح ، زرد ، سفید ، کبود ، زنگاری و یا بقولی دیگر زرد ، آبی ، نارنجی ، سرح ، بنفش ، سبز ، نیلگون به

EPIDEMIC

همه گیر

بیماری که یکباره و بطور ناگهانی شیوع یابد و به سرعت همه گیر شود و پس از مدت زمان معینی محدود و نابود گردد.

AIR

هوا

← جو

WEATHER

هوا

وضعیت جوی یک منطقه در یک زمان معین با در نظر گرفتن عواملی چون درجه حرارت، نور خورشید، باد، ابر، مه و تبخیر. معمولاً "وضعیت هوا را ساعت به ساعت یا روز به روز ثبت و گزارش می کنند."

AIRGLOW

هواتاب

← سپیده جوی

AIRSICKNESS

هوازدگی

نوعی حال تهوع که به علت پرواز در ارتفاع زیاد یا سرعت زیاد در انسان عارض می شود.

AEROBIC

هوازی

در علم زیست شناسی به نوعی حیات گفته می شود که موجود زنده از اکسیژن آزاد استفاده نماید.

AIR-METER

هواسنج

گونه ای بادسنج که به چرخشی مجهز است که بر اثر وزش باد به گردش در می آید. این دستگاه برای سنجش بادهای سبک بکار می رود.

BAROMETER

هواسنج

← فشار سنج

METEOROLOGY

هواشناسی

دانشی که درباره شناخت هوا (اتمفر) گفتگومی نماید. پیش بینی وضعیت جوی از جمله کارهای هواشناسی است که به کمک اسبابهای دقیق و نقشه های مخصوصی که به آنها چارتهای هواشناسی می گویند انجام می شود.

AEROGRAPHY

هوانگاری

شاخه ای از هواشناسی که پدیده های جو زیرین زمین را توصیف می کند.

HELIUM

هلیوم

یکی از محدود گازهای موجود در جو زمین که نسبت آن به سایر گازها حدود یک در دو بیست هزار است.

این گاز در سال ۱۸۹۵ به وسیله رامسی در برخی سنگ های حاوی اکسید اورانیوم کشف شد و بعدها وجود آن را در سایر کانی ها تشخیص دادند.

گاز هلیوم از عناصر بسیار سبک است و وزن مخصوص آن ۱۳۹ و جرم اتمی آن ۴ است و در آب کم حل می شود. و در ۲۶۹- درجه سانتیگراد به مایع دگرگون می گردد.

CONFLUENT

هماب (Hamāb)

جویباری که به داخل جویبار دیگری تقریباً "هم اندازه خود ریخته و مشترکاً" در یک بستر روان گردند.

CONVECTION

همرفت (Hamraft)

انتقال گرما از یک قسمت به قسمت دیگر مایع یا گاز بوسیله حرکت ذرات آن. هنگامی که قسمت های زیرین مایع و یا گازی تحت تاثیر حرارت قرار گیرد، آن قسمت گرم و منبسط شده و از غلظت آن کاسته می شود و در نتیجه بسوی قسمت های بالائی روان گردیده و گرما را با خود منتقل می سازد و در مقابل قسمت های سرد مایع یا گاز جای خود را با قسمت گرم آن عوض می کنند. یکی از نمونه های شناخته شده انتقال گرما را، حرکت هوای گرم شده در سطح زمین و جابجا شدن با طبقات سرد بالاتر می توان دانست. جریان های همرفت را جریان های مرافرت سیر می گویند.

COEXISTENCE

همزیستی

با هم زندگی کردن، زندگانی مردم دویا چند کشور با کتکهای اقتصادی و سیاسی به یکدیگر.

ISOSTASY

همستادی (Hamestādi)

حالت تعادل میان ارتفاعات و پستی های زمین، با این فرض که مواد سازنده ارتفاعات سبک تر از مواد سازنده پستی ها باشد. ← نظریه همستادی

COMMENSALISM

همکاری

اصطلاحی است در جغرافیای شهری و آن عبارت از نوعی پیوستگی است که میان واحدهای صنعتی یک منطقه که عهده دار یک نوع کار هستند وجود داشته باشد. مثل پزشکان، جواهر فروشان و مانند آن که در یک شهر زندگی می کنند.

REFERENDUM

همه پرسی

مراجعه به آراء و افکار عمومی برای رد و یا قبول امری.

HYDROGEOLOGY

هیدروژئولوژی

شاخه‌ای از زمینشناسی که نتایج عمل آب بر پوسته زمین، بویژه دگرگونی‌های حاصل از فرسایش و ته‌نشست را بررسی می‌کند.

HYDROLYZE

هیدرولیز

هیدرولیز یا تجزیه یا گرفتن آب نقش مهمی را بر روی سنگهای سیلیسی دارد. برای اینکه عمل هیدرولیز جلو برود، باید عنصری از محیط خارج شده، یا اینکه به محیط وارد گردد. بطور کلی نتیجه نهائی هیدرولیز حل کردن عناصر مختلف در آب می‌باشد.

SUN

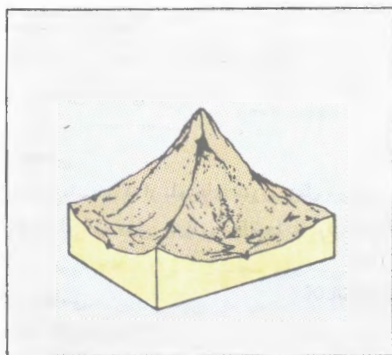
هور (Hur)

← خورشید

HORN

هورن

اصطلاح آلمانی برای قله مخروطی شکل که دامنه پرضیبی داشته باشد. مانند قله Matternhorn در سوئیس.



هورن

HOLOCENE

هولوسن

دومین دوره از دوران چهارم زمین شناسی که رسوباتش طبقات فوقانی و کاملاً "حدید این دوران است و معاصر با زمان فعلی است.
← ازمنه زمین شناسی

ASTRONOMY

هیئت

علمی است که درباره احوال ستارگان از نظر وضع آن‌ها نسبت به یکدیگر و شکل آن‌ها و قوانین ثابت آن‌ها گفتگو می‌کند.

PTOLEMY'S ASTRONOMY

هیئت بطلمیوس

بر اساس هیئت بطلمیوس، زمین در مرکز عالم است و خورشید و ماه و ستارگان در حول مرکز زمین گردش می‌کنند. این نظریه که توسط کلاودیوس بطلمیوس (یا پتلمیوس) منجم و ریاضی‌دان معروف حدود ۱۵۰ سال پیش از میلاد مسیح عرضه گردیده است تا زمان گالیلئو معتبر بود.

HYDRATATION

هیدراتاسیون

یا آمیدن، از نظر زمین شناسی عبارتست از وارد شدن آب در شبکه سیسم بلورها، این پدیده که باعث تجزیه سنگها می‌شود از ابتدائی ترین اعمال آب بوده که بیسر در مورد کانیهای که دارای منشاء رسوبی هستند احجام می‌گیرد.



یخابرفت (*Yakhābroft*)
 OUTWASH
 موادی که بوسیله جریان آب حاصله از ذوب شدن یخچال ،
 جابجا شود .

یخاب فرسائی
 FLUVIOGLACIAL
 ناشر یخاب و آب سردی که از یک منشاء منجمد مانند یخچال
 یا یک یخسار سرچشمه گرفته و درون یک روانه مانند رودخانه
 یا جوی جریان یابد .
 یخاب فرسائی به دو صورت انجام می گیرد : الف - فرسایش
 ب - ته نشین ساختن مواد .

یخ اسفنجی
 FRAZIL
 یخ اسفنج مانند که از بلورهای سوزنی شکل درست شده و
 از یخ بندان آب خیلی سرد رودخانه ها بوجود آمده باشد .

یخاک شناسی
 CRYOPEDOLOGY
 (*Yakhāk shenāsī*)
 شاخه ای از خاکشناسی که خاکهای یخ بسته را بررسی می کند .

یخبرف (*Yakhbarf*)
 FIRN / NEVE
 برف متراکم شده ای که در نتیجه آب شدن قسمتهای سطحی
 آن در روزهای تابستان و دوباره منجمد شدن آنها در شب
 بصورت توده سخت و فشرده شده ای از برف و یخ درآمده باشد .

یخیست (*Yakhbast*)
 RIME
 توده ای از بلورهای یخ کدر که بر اثر یخبندان قطره های
 کوچک آب موحود در مهبی که روی زمین خیلی سرد ایجاد
 شده است پدید آمده باشد .

یخبندان
 FROST
 وضعیت حوی که آب در مرحله نقطه انجماد و یا بر آن باشد .
 یخبندان آب باعث خرد شدن سنگ و خاک می گردد . گدحایش
 آب بر اثر یخبندان حدود ۱۰ درصد افزایش یافته و فشار
 حاصله از افزایش حجم به خرد شدن سنگها می انجامد .

یخبندان الب
 ELBE GLACIATION
 نخستین دوره یخبندان در دشتهای اروپای شمالی . چون
 دره الب در این سمت واقع شده ، از این رو این دوره را در
 اروپا به دوره یخبندان الب می شناسند .

یخبندان دائمی
 PERMAFROST
 یخبندان همیشگی خاک و مواد پوسته زمین که ژرفای آن گاه

یابر (*Yābar*)
 ده یا آب و یا زمینی که رئیس حکومت برای مدد معاش به
 کسی واگذار کند .

یاخته
 CELL
 کوچکترین واحد زنده بدن موجودات زنده که از دو قسمت
 مهم سیتوپلاسم و هسته تشکیل یافته است . یاخته ها دارای
 تمام خواص و تظاهرات حیاتی می باشند .

یارد
 YARD
 واحد انگلیسی برای اندازه گیری مسافت که برابر ۰/۹۱۴۳۹۹
 متر است . هر متر ۱/۰۹۳۶۱ یارد است .

یاقوت
 RUBY
 یکی از سنگهای آذرین که جزء کانیهای سنگهای اسیدی به
 شمار میرود . این سنگ که آلومین خالص است بعد از الماس
 سخت ترین کانی هاست و آنرا با الماس تراش میدهند .
 یاقوت بیشتر در لایههای آتشفشانی قدیم پیدا می شود و
 دارای اقسام مختلف است که مرغوبترین آنها یاقوت آتشی
 یا یاقوت سرخ است . انواع دیگر آن یاقوت بنفش ، یاقوت
 بهرمانی ، یاقوت رمانی ، یاقوت زرد ، یاقوت کبود ، یاقوت
 لاجوردی ، یاقوت لحمی یا ارعوانی و یاقوت ناروان است .

یخ
 ICE
 یخ عبارتست از حالت حامد آب که چگالی آن ۰/۹ گرم در
 سانتیمتر مکعب است و به همین جهت در مقایسه با شکل
 آبگون آن (با چگالی ۱ گرم در سانتیمتر مکعب) سبک تر بوده
 و حالت شناور را پیدا می کند . تقریباً " حدود یک در صد
 سطح زمین بوسیله یخسارهای وسیعی مانند نواحی قطب
 جنوب و گروئنلند پوشیده شده که ضخامت آنها در بعضی
 جاها از ۲۰۰۰ متر تجاوز می کند . یخ همچنین بشکل بلورهای
 کوچکی مانند درات برف و تگرگ و شبنم یخ زده دیده می شود .

یخاب (*Yakhāb*)
 ENGLACIAL RIVER
 یخ آب شده ای که بصورت رشته ای نسبتاً " باریک از داخل
 تونلی درون یک یخچال یا یک یخسار بخارج جریان داشته
 باشد .

به دلیل سرمای زیاد کمتر و بر عکس در قسمتهای انتهائی که هوا گرمتر است از قطر و وزن یخپا کاسته می‌گردد تا جاییکه دیگر اثری از یخ دیده نشده و انتهای یخچال را آشکار می‌سازد.

شکل کلی یخچالها زبانهای بوده و همانطوریکه گفته شد عرض و ضخامت آن در قسمتهای ابتدائی زیادتر و بر عکس در قسمتهای انتهائی باریکتر و کمتر است. علاوه بر آن شکل یخچال از شکل و فرم کلی بستر خود نیز پیروی کرده و به تبعیت از آن پیچ و خمهایی را نیز به همراه خواهد داشت. معمولاً قسمتهای میانی یخچال بالاتر از کناره‌های آن بوده و نیمرخ عرضی آن بصورت گمان برجسته‌ای به چشم می‌خورد سطح یخچالها ناهموار و اغلب با شکافهای زرفی همراه است. سرعت حرکت یخچال در قسمتهای میانی بیشتر از قسمتهای کناری است و موادی را که همراه خود به جلو رانده و بر اثر آب شدن یخپا به مرور ته‌نشین می‌گردند یخرفت می‌نامند.

(تصویر در صفحه ۳۶۲)

یخچال ایستاده DEAD ICE

یخچالی را که و ایستاده که روی کناره‌های آن را سنگ و خاک پوشانیده باشد.

آب شدن آرام و تدریجی این گونه یخچالها موجب ته‌نشین شدن سنگ‌ها و خاکهای مزبور شده و موادی بنام یخرفت بوجود می‌آورد.

یخچالپوز GLACIER SNOT (Yakhchālpoz)

قوسی واقع در انتهای یک یخچال که آب یخهای ذوب شده از آنها جریان می‌یابد.

یخچال سرد COLD GLACIER

یخچال ژوندی که سرمای سالیانه آن ۲۰ تا ۳۰ درجه سانتیگراد باشد. سطح خارجی این گونه یخچالها غالباً یخ بسته بوده و بندرت با آب کمی همراه است. مانند یخچالهای مناطق قطبی و گروئنلند.

یخچالک NICHE-GLACIER (Yakhchālak)

یخچال مدور و کوچکی که در قسمتهای مرتفع کوهستان ایجاد شده باشد.

یخچال کشندی TIDAL GLACIER

دره یخچالی که به دریا منتهی باشد و پاره یخ‌هایی به صورت کوههای یخی از آن جدا شده و در دریا شناور گردد. این توده‌های یخ معمولاً بر اثر کشند آب دریا از بدنه اصلی جدا می‌گردند.

به میزان قابل توجهی می‌رسد. بطور نمونه قطر خاک یخ بسته پاره‌ای از مناطق توندراهای سیبری اغلب تا ۱۰ متر سبز دیده شده است. با وجودیکه لایه‌های سطحی خاک یخ بسته در تابستان آب می‌گردد، مع الوصف لایه‌های زیرین همچنان در حالت انجماد باقی می‌مانند.

یخپاره (Yakhpāreh) ICE - FLOE

توده یخ شناوری که از یخسارهای اصلی قطبی و در اندازه‌های مختلف جدا شده باشد. ضخامت یخپاره‌های سبک حدود یک متر و کلفتی یخپاره‌های سنگین از دو متر بیشتر است.

(تصویر در صفحه ۳۶۲)

یخبوزه (Yakhpuzeh) ICE-FOOT

توده یخ ساحلی که مشرف به دریاهای قطب شمال و یا جنوب باشد. کلفتی یخبوزه آنچنان است که بلندی آنها نسبت به سطح دریا گاه به چندین متر می‌رسد. این یخپا هنگام پائیز بر اثر ریزش برف در نواحی ساحلی و برخورد امواج دریا و سپس یخ‌بندان آنها پدید می‌آیند که با یخ‌بندان دریا بر حجم آنها افزوده شده و گاه از این سال تا سال دیگر همچنان بر جای می‌مانند.

یخبینه (Yakhpahneh) ICE-CAP

— یخسار

یختاب (Yakhtāb) ICE-BLINK

درخشندگی سفید رنگی در افق که به علت بازتاب نوری که به توده یخهای بسیار دور تابیده است، پدید آمده باشد.

یختود (Yakhtuā) PACK-ICE

قطعه یخ بزرگی از نوع یخپاره بزرگ که بر اثر خرد شدن کوههای یخی و بهم چسبیدن قطعات شناور پدید آمده باشد. یختود بر دو نوع است:

الف - یختود پیوسته که از پاره یخهای کاملاً بهم پیوسته پدید آمده است.

ب - یختود گسسته که باز پاره یخهای نا پیوسته بوجود آمده است.

یخچال GLACIER

یخچال یا یخچالهای طبیعی، عبارتست از توده یخچالی در یک دره یا یک بستر که تحت تأثیر نیروی کشش زمین از بالا به پایین به آرامی روان باشد. قطر یخ در قسمت اولیه، که در واقع سر چشمه یخچال است زیادتر و میزان آب شدن آن



بنجاره



بخچال

TERMINAL MORAINÉ

یخرفت پایانه‌ای

توده هلالی شکلی از رسوبات نوع یخنهشت که در پشت پوزه یک یخچال یا حاشیه یک یخسار انباشته شده باشد.
— یخرفت

KETTLE-MORAINÉ

یخرفت چال

منطقه ناهمواری که پشته‌هایی از نوع یخرفت در آن وجود داشته باشد و علاوه بر آن تعدادی دیگچال نیز در آن دیده شود.

LATERAL MORAINÉ (Y-e-kenārin)

یخرفت کنارین خاک و خرده سنگ‌هایی که روی سطح یک یخچال قرار گرفته و کم و بیش بصورت نواری موازی با حاشیه یخچال واقع شده باشد. علت پیدایش این مواد خرد شدن سنگ‌ها و مصالح بدنه دره‌ها و بستر یخچال‌ها بر اثر یخبندان و ریختن آن‌ها بر روی سطح یخ است.

MEDIAL MORAINÉ (Y-e-miyāni)

یخرفت میانی رشته خرده سنگ‌ها و مواد دیگری از گونه یخرفت‌های کنارین دو یخچال که پس از برخورد با یکدیگر در هم مخلوط شده و به شکل یک رشته میانی درآمده باشد.

CALVING

یخزائی (Yakhzā'i)

تشکیل یک کوه یخ شناور از راه خرد شدن توده یخی که از زبانه یک یخچال واقع در دریا یا یک دیواره یخی جدا شده باشد.

ICE FIELD

یخزار

توده یخ شناور و همواری که وسعت زیادی حدود چندین کیلومتر مربع داشته باشد. از این واژه گاه برای بیان یخزارهای پهناوری چون یخزار کلمبیا واقع در کوهستان راکی کانادانیز استفاده می‌شود.

LAND ICE

یخ زمینی

یخی که از انجماد آب‌های شیرین درونبوم پدیدآمده باشد. در مقابل یخی که از آب دریا تشکیل می‌گردد.

ICE SHEET

یخسار

توده‌های بسیار عظیمی از یخ و یخ که سرزمینهای قطبی را پوشانیده و سطح آنها تقریباً هموار باشد. یخسارهای گروئنلند و قطب جنوب، تنها یخسارهای موجود در زمان حاضر بوده که یخسار گروئنلند سراسر شبه

PIEDMONT GLACIER

یخچال کوهپایه‌ای

توده یخبهایی که از طریق دره‌های یک کوهستان بطرف پائین رانده شده و با انباشته شدن آنها در کوهپایه یخچال بزرگی پدید آمده باشد.

WARM GLACIER

یخچال گرم

یخچالی که دمای توده یخ‌های آن حدود صفر درجه سانتیگراد باشد.

GLACIER

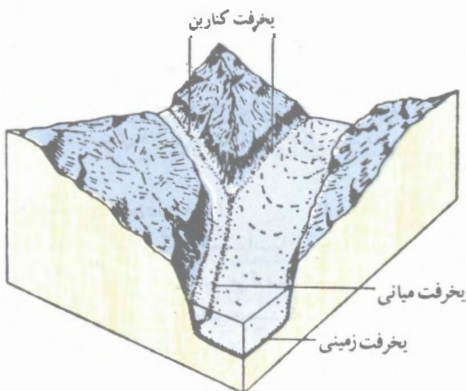
یخچال‌های طبیعی

— یخچال

MORAINÉ

یخرفت (Yakhroft)

مواد و خرده سنگ‌هایی که بر اثر جریان یخچال‌ها حمل گردند، علت پدید آمدن این مواد خرد شدن سنگ‌ها و مصالح بدنه دره‌ها و بستر یخچال‌ها بر اثر یخبندان و ریختن آنها بر روی سطح یخ بوده و به آنها یخرفت‌های کنارین می‌گویند. با بهم پیوستن دو یخچال یخرفت‌های کنارین در هم آمیخته و یخرفت میانی را پدید می‌آورند. و بهمین ترتیب با بهم پیوستن چند یخچال، تعدادی یخرفت میانی در سطح یخچال‌ها به چشم خواهد خورد و یخرفت‌هایی که به مرور ته نشین گردیده و به گف بستر یخچال رسوب کرده‌اند یخرفت‌های زمینی را تشکیل می‌دهند. در انتهای یخچال‌ها، جاییکه یخها آب تبده و یخرفت‌ها را از خود به جای می‌گذارد، یخرفت‌های دیگری بنام یخرفت‌های پایانه پدید می‌آید که در تمام سطح دره یا بستر یخچال گسترش یافته‌اند. بطور کلی یخرفت‌ها از نظر مواد متشکله و ساختمان کاملاً با یکدیگر متفاوت بوده و حتی از نظر اندازه با یکدیگر فرق می‌کنند.



یخرفت در برشی از یخچال

ICEBERG

یخکوه (Yakhkuh)

توده یخی که از انتهای یک یخچال یا حاشیه یک منطقه یخی جدا شده و روی آب دریا شناور شده باشد. هنگامیکه زبان یک یخچال وارد دریا می شود زیر آن بتدریج شسته شده و به آسانی از بدنه اصلی جدا می گردد. بطور کلی قطعات یخی که از یخچالها جدا میشوند شکل نامنظمی داشته و برعکس یخهای جدا شده از حاشیه جزایر یخی مستطیل شکل بوده و حته بسیار بزرگ و تخت بودن آن، از جمله مشخصات آنهاست مناطق قطب جنوب و گروئنلند یکی از مهمترین منشاء تولید یخهای شناور است. یخهای شناوری که از جزایر یخی گروئنلند جدا می گردند بوسیله جریان لابرادور (Labrador) به سوی جنوب رانده شده و ارتفاع آنها از سطح آب اغلب به ۶۰ تا ۱۰۰ متر و ابعاد آنها از حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ متر تجاوز نمی کند، در حالیکه یخهای جدا شده از جزایر یخی قطب جنوب دارای ابعادی حدود ۵۰ تا ۶۰ کیلومتر بوده و ارتفاع آنها از سطح آب گاه به ۱۰۰ تا ۱۵۰ متر می رسد. رویهمرفته حدود $\frac{1}{10}$ توده یخ از آب خارج بوده و $\frac{9}{10}$ آن در زیر آب پنهان است.

ابعاد یخهای شناور تحت تاثیر تابش آفتاب و سایر عوامل فرساینده بتدریج رو به کاهش رفته و تغییر شکل حاصله از این فرسایش گاه به برهم خوردن تعادل و غلطیدن آنها در آب می انجامد. (تصویر در صفحه ۳۶۶)

THAW

یخگشا (Yakhgoshā)

پایان یخبندان، یعنی هنگامیکه دمای محیط بالاتر از نقطه انجماد قرار گیرد و برف و یخ شروع به آب شدن نماید.

GLACIATION

یخگیری

پوشش یک منطقه بوسیله یخچال یا یک یخسار.

ICE FOG

یخمه (Yakhmeh)

نوعی مه که بر اثر عبور هوای سرد از فراز آبهای نسبتاً گرم پدید می آید. در چنین وضعیتی آب بصورت بخار وارد هوای سرد شده و بشکل ذرات ریز یخ تغییر شکل می دهد.

BOULDER CLAY

یخ‌نهیشت (Yakhnehesht)

توده تخته سنگهایی که در قسمت انتهایی یخچالهای طبیعی، جایی که یخها به مرور آب می گردند دیده می شود. این تخته سنگها به صورت قطعاتی هستند که بطور نامنظم انباشته شده و دارای کمی رس بوده و گاه فاقد رس می باشند و پوسته نرمی به ضخامت چند سانتی متر سطح آنها را پوشانیده است. ترکیب جنس یخ‌نهیشتها خیلی متغیر بوده و بستگی به

جزیره مزبور جز باریکه‌ای در کرانه‌های جنوبی را فرا گرفته و یخسار قطب جنوب آنچنان است که اثری از سطح زمین اصلی دیده نمی شود و همه حا زیر پوشش یخ قرار گرفته و حتی پاره‌ای جاها پا را از سرزمین اصلی فراتر نهاده و به سطح آبهای اطراف نیز پیشرفت کرده است.

طبق بررسیها و پژوهشهایی که به عمل آمده کلفتی یخسارهای گروئنلند و قطب جنوب در پاره‌ای جاها از ۱۰۰۰ متر تجاوز می کند. عده‌ای از دانشمندان یخسار گروئنلند را صحرای قطب شمال و عده‌ای دیگر آن را کویر سرد می نامند. به این عارضه، یخپهنه نیز می گویند.

EXARATION

یخسائی (Yakhsāi)

— یخفرسائی

FAST ICE

یخ سراسری

یخی که سطح منجمد دریا را سراسر پوشانیده و تا ساحل گسترده شده باشد.

FROST BURN

یخ سوز (Yakhsuz)

سوزشی که در نتیجه دست زدن به فلزاتی که در سرمای زیر صفر قرار گرفته‌اند به انسان دست دهد. علت این سوزش از دست دادن ناگهانی گرمای دست در نقطه تماس است.

ICEFALL

یخشار

محل‌هایی که شیب بستر یخچال بطور ناگهانی زیاد شود و شکل پذیری یخ در آن محل کافی نباشد، یخ‌ها می شکنند و یخچال بصورت قطعات بریده شده‌ای از بالا به پایین ریزش می کند و در پای آن بر روی هم انباشته می شوند.

— بهمن یخچالی

GELIVURE

یخشکافت (Yakhshekaft)

شکافی که بر اثر یخزدگی در سنگها حاصل می شود.

GLACIOLOGY

یخشناسی

بررسی تشکیل یخ در نواحی قطبی و نواحی کوهستانی، این علم شاخه‌ای از زمینشناسی است.

ICEBERG

یخ شناور

— یخکوه

EXARATION

یخفرسائی (Yakhfarsā'i)

فرسایش بستر یک یخچال بر اثر حرکات و حاججائی یخ.

FIORD

یخکند (Yakhkand)

— آبدره

متحده آمریکا و ۴۰ درصد در آرژانتین و بقیه در دیگر مناطق کره زمین می‌روید.

IONOSPHERE

یونکره (Yonkoreh)

— یون اسپهر

SUMMER QUARTER

بیلاق

کوهپایه و جای خنک و مطبوع و محل خوش آب و هوا که در فصل تابستان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جنس زمینی دارد که از آن جدا شده و همراه یخچال به پائین رانده شده‌اند.

IODE

ید (Yod)

شبه فلزی است که بصورت ترکیبات آلی در انساج گیاهی و حیوانی دیده می‌شود. ید خالص جسمی است جامد و متبلور بصورت پولکهای براق و سیاه مایل به ارغوانی. وزن مخصوص آن ۵ و ظرفیت شیمیایی آن ۱۰ و جرم اتمیش ۱۲۷ است. ید در آب کم محلول است ولی در الکل و محلول یدور پتاسیم بیشتر حل می‌شود.

یلدا (Yalda)

درازترین شب سال یا شب اول دی ماه که مصادف با شب چله بزرگ زمستان است. واژه یلدا در اصل یک کلمه سریانی به معنی میلاد است. چون شب یلدا را یا میلاد مسیح تطبیق می‌کرده‌اند از این جهت بدین نام نامیده‌اند.

NEW WORLD

ینگه دنیا (Yengeh donya)

مقتبس از واژه ترکی ینگه دنیا به مفهوم دنیای جدید. قاره امریکای شمالی، مرکزی و جنوبی. این واژه از راه عثمانی به کشور ما آمده و تاجدتها مردم ایران به جای گفتن امریکا، ینگه دنیا می‌گفتند.

WASTE LAND

یولاخ (Yolakh)

زمین بایر و بی آبی که دور از آبادی قرار گرفته باشد.

IONOSPHERE

یون اسپهر (Yon espehr)

بخشی از جو زمین که در بالای پوش اسپهر و میان اسپهر واقع شده و از مشخصات آن بازتابیدن امواج الکترومغناطیس و علائم رادیویی به سطح زمین است. گازهای موجود در این بخش بوسیله تشعشعات خورشیدی یونیزه شده و پدیده‌ای که به سپیده‌های شمالی و جنوبی ویا روزهای قطبی شناخته شده‌اند بوجود می‌آید.

ALFALFA

یونجه

گیاهی است دارای ریشه‌های دراز و شاخه‌های فراوان که گل‌های ارغوانی نسبتاً ریزی دارد. یونجه در هر نوع آب و هوا، چه گرم و خشک و چه سرد مقاومت می‌کند و محصول آن به سبب رشد سریع گاه به ده تن در هر هکتار می‌رسد. این گیاه برای علوفه دام بکار می‌رود. بطور متوسط حدود نیمی از محصول یونجه در کشورهای



بخکوه



بخکوه



واژه نامه
انگلیسی به فارسی

WATERSPOUT گردباد دریائی - تنوره دریائی
 WATER TABLE
 سفره آب - سطح ایستایی - سطح آب زیرزمینی
 WATER VIEW آب نما
 WATERWAY آبراهه
 WATTE وانه
 WAVE موج
 WAVE OF WATER آبکوهه
 WEATHER هوا
 WEATHERLING وابرسایی - ساینده
 WEEK هفته
 WEGNER'S THEORY نثوری وگنر
 WELDED TUFF حوتس توف
 WELL چاه
 WEST باختر - مغرب - غرب
 WESTERLIES بادهای غرب ورا - غرب ورا
 WESTERN HEMISPHERE نیمکره باختری - مغرب زمین
 WET-BULB TEMPERATURE دمای مرطوب
 WET & DRY TROPICAL CLIMATE
 اقلیم حاره‌ای خشک و مرطوب
 WET EQUATORIAL CLIMATE اقلیم استوایی مرطوب
 WHEAT گندم
 WHEAT BELT گندم حیر - کمر بند گندم
 WHEAT CRESCENT هلال گندم
 WHIRLPOOL آبگرد - گرداب
 WHIRLWIND گردباد
 WHITE MAN'S GRAVE گور سفید پوستان
 WHITE-OUT برف گیجه
 WILL-O'-THE WISP آتش مرداب - فایوس شیطان
 WIND باد
 WIND BREAK بادسکن
 WIND ROSE باد نقش - کلباد
 WINDS CLASSIFICATION طبقه‌بندی بادهای
 WIND VANE بادسما
 WINDWARD بادگیر
 WINTER زمستان
 WINTER QUARTER گرمسار - فشلاق - گرمسیر
 WINTER SOLSTICE انقلاب زمستانی
 WOLD زمین بایر
 WOOD درختزار - چوب
 WOODEN BRIDGE تنحه پل

WORLD MAP جهان نما



XENOMORPHE زئومورف
 XEROPHILOUS خشک‌پرست



YAM سیب زمینی هندی
 YARD یارد
 YAZDGERDIAN CALENDAR تقویم یزدگردی
 YEAR سال
 YELLOW SOIL خاک زرد
 YOUNG MOUNTAINS کوههای جوان
 YOUTH جوانی



ZAMBO زامبو
 ZENITH سمت الرأس - سرسو
 ZENITHAL PROJECTION سیستم تصویر سمت الرأس
 ZENITH DISTANCE فاصله سمت الرأس
 ZINC روی
 ZODIAC منطقه البروج
 ZODIACAL LIGHT نور منطقه البروج
 ZONE منطقه
 ZOOGEOGRAPHY جغرافیای وحش - جغرافیای حیوانی
 ZOOLOGY جانورشناسی
 ZOOPHYTES گیاهسانان

UPLAND	مراوم
UPLAND PLAIN	مراذشت
UPSTREAM	مرازاب
URANIUM	اوراسوم
URANOGRAPHY	اوراوغرافی
URANUS	اوراوس
URBAN	سهری
URBAN GEOGRAPHY	جغرافیای سهری
URBAN HIERARCHY	طعفسدی سهری
URBANISME	شهرسازی
URBAN MORPHOLOGY	شهر ریحسائی
URSA MAJOR	حرس بزرگ - دب اکبر
URSA MAJOR & URSA MINOR	
.....	بات البعن - هفت برادران
U SHAPED VALLEY	دره لائکل
U.T.M PROJECTION	سیتم تصویر یو. تی. ام

V

VACUUM	خلأ
VALE	بهیدرّه
VALLEY	دژّه
VAN ALLEN BELT	کمربند وان آلی
VARIABLE STARS	ستارگان تنیده - ستارگان معیر
VARVE	سالچیه
VEERING	گشت
VEGA	سر واقع
VEGETATIONS	روئیدی ها
VEIN	رگه
VENTS ALIZES	بادهای آلیره
VENTS CONTRE ALIZES	بادهای کتر آلیره
VENUS	رهزه - ماهید - سدحت
VERGLAS	تژ
VERKHUYANSK	ورخوایسک
VERNAL EQUINOX	برایران سهاری
VERNIER	ورسبه
VERTICAL	فائم
VERTICAL CIRCLE	دایره فائم

VERTICAL EXAGGERATION	بررگمائی فائم
VERTICAL PHOTOGRAPH	عکس هوائی فائم
VETO	وئو
VIADUCT	راهبر
VILLAGE	دهکده - ده - روسا - قریه
VILLAGE HEADMAN	کدخدا
VIRGIN	سیله
VIRGO	سیله
VISCOUS	حسیده
VISIBILITY	پدیداری - قابلیت دید
VOIDANCE WATER	مخلاب
VOLCANIC ASH	حاکسر آتشفسائی
VOLCANIC BOMBS	گلوله های آتشفسائی
VOLCANIC CINDER	اخگرهای آتشفسائی
VOLCANIC CONE	محرروط آتشفسائی
VOLCANIC DUST	عمار آتشفسائی
VOLCANIC ISLAND	حریره آتشفسائی
VOLCANO	آتشفشان
V SHAPED VALLEY	دژّه V شکل

W

WADI	وادی
WALLACE'S LINE	خط والاس
WARM FRONT	حسبه گرم
WARM GLACIER	یخچال گرم
WASHOUT	شویش - آب بردگی
WASTE LAND/BARREN	محداب - یولاخ
WATCH	ساعت
WATER	آب
WATER DISTRIBUTER	میراب
WATERFALL	آسار
WATER GAP	آکند
WATER HEMISPHERE	همکره آبی
WATERING SCALE	سکان
WATER POWER	آب نیرو
WATERSHED	آب پختان
WATER SNOW	سرفاب

TRANSGRESSION آب کسری - بشروی
 TRANSHUMANCE چراگت - کوچ فصلی
 TRANSIT عبور
 TRANSITION تحول - حلول
 TRANSIT TRADE داد و ستد برابر - تجارت برابر
 TRANSLITERATION
 تبدیل اسمی جغرافیائی - نام گردانی جغرافیائی
 TRANSPIRATION تقوی
 TRANSPORTATION ترابری - حمل و نقل
 TRANSVERSE برآکدر
 TRANSVERSE MERCATOR PROJECTION
 سیستم بنویز بر سرور مرکاتور
 TRANSVERSE VALLEY دژه عرضی
 TRAVERSE بیماض
 TRAVERTINE آتشفاسک آهکی
 TREATY PORT بندر سمایی
 TREE LINE دار مرز
 TRIANGLE مثلث
 TRIANGULATION مثلث بندی
 TRIASSIC تریاسیک
 TRIBE طایفه - قبیله - ایل
 TRIBE ROAD ایل راه
 TRIBES عشایر
 TRIBUTARY ربراهه
 TRIGONOMETRY مثلثات
 TRILLION تریلیون
 TRILOBITE تری لوبیت
 TRIMETROGON PHOTOGRAPHY عکاسی تری متروگون
 TROMBE ترومب
 TROPICAL مداران
 TROPICAL AIR MASS نوده هوای مدارکایی
 TROPICAL CLIMATE اقلیم مدارکایی
 TROPICAL CYCLONE چرخه مدارکایی - چرخه استوایی
 TROPICAL DESERT CLIMATE اقلیم بیابانی حاره‌ای
 TROPICAL GRASSLAND علقرار استوایی
 TROPICAL RAIN FORESTS جنگلهای منطقه استوایی بارانی
 TROPICAL YEAR سال اعتدالی
 TROPIC OF CANCER مدار رأس السرطان
 TROPIC OF CAPRICORN مدار رأس الحدی
 TROPICS مداران
 TROPOPAUSE گسهر
 TROPOPHYTE دورسب
 TROPOSPHERE کسب استر - کسفره

TRUE HORIZON افق حقیقی
 TRUE NORTH شمال حقیقی
 TRUST تراست
 TRUSTEESHIP صومست
 TSUNAMI سوبامی - زلزله دریائی - آبلرزه
 TUFF بوف
 TUFF SITE بوفسک
 TUNDRA بوندرا
 TUNNEL تونل
 TURBULENCE آشوب
 TURN PIKE راهدار حاشه
 TURQUOISE فیروزه
 TWILIGHT سن الطلوعین
 TYPHOON طوفان دریای حسن
 TYPOGRAPHY چاپ سری



ULOTRICHIOUS متحد موی
 ULTRAVIOLET RAYS بنویهای فراسفیس - اشعه ماوراء سفیس
 UNCONFORMITY دکرسمی
 UNDERCUTTING ربربری
 UNDER DEVELOPED AREA منطقه عقب افتاده
 UNDERGROUND STREAM روانه ربرزمینی
 UNDERGROWTH ربررست
 UNEVEN LAND شناورد
 UNION اتحادیه
 UNITED NATIONS ORGANIZATION سازمان ملل متحد
 UNITEDS متحدین
 UNIT OF TIME واحد زمان
 UNIVERSAL DELUGE طوفان عالمگیر
 UNIVERSAL POLAR STEREOGRAPHIC GRID
 شبکه سدی پو - بی - اس
 UNIVERSAL TIME زمان جهانی
 UNIVERSAL TRANSVERSE MERCATOR GRID
 شبکه سدی پو - بی - ام
 UNIVERSE کیهان - جهان - کس - عالم
 UNUTILIZED LAND بایر
 UP-HILL سربالا

TEMPERATE ZONE..... منطقه معتدله
 TEMPERATURE.....
 میزان الحرارة - حرارت - دما - درجه حرارت
 TEMPERATURE ANOMALIES.....
 ناهنجاری‌های دما
 TENT HILL.....
 حنمه تپه
 TERMINAL.....
 پایانه
 TERMINAL MORaine.....
 بخرب پایانه‌ای
 TERRACE.....
 تراس - پلکان
 TERRACE CULTIVATION.....
 کشتزار تختانی
 TERRACETTE.....
 خفاک - تراست
 TERRESTRIAL GLOBE.....
 کره جغرافیائی
 TERRESTRIAL MAGNETISM.....
 خاصیت مغناطیس زمین - آهنرایی زمین
 TERRIGENOUS DEPOSITS.....
 خاکراد
 TERRITORIAL WATERS.....
 آبهای سرزمینی - آبهای ساحلی
 TERRITORY.....
 سرزمین
 TERTIARY PERIOD.....
 دوره سوم زمین‌شناسی
 TESHIRIN.....
 تسرین
 TETRAHEDRAL THEORY.....
 نظریه هرم سه وجهی
 TEXTURE OF SOIL.....
 بافت خاک
 THALWEG.....
 تالوک - خط انحراف
 THAW.....
 خگسا
 THEMATIC MAP.....
 نقشه موضوعی
 THEODOLITE.....
 تئودولیت - راویه یاب
 THEORY OF CONTINENTAL DRIFT.....
 نظریه راه فاره‌ای - نظریه جابجایی فاره‌ها
 THEORY OF EXPANSIONAL UNIVERSE.....
 نظریه جهان انبساطی
 THEORY OF ISOSTASY.....
 نظریه همستادی
 THEORY OF POLAR WANDERING.....
 فرضیه آوارگی قطب
 THEORY OF RELATIVITY.....
 فرضیه نسبیت
 THERMAL FRACTURE.....
 دما شکست
 THERMAL METAMORPHISM.....
 دما دگرگونی
 THERMOGRAM.....
 دما نگاشت
 THERMOGRAPH.....
 حرارت نگار - دما نگار
 THERMOMETER.....
 حرارت سنج - دماسنج - گرماسنج - ترمومتر
 THERMOSPHERE.....
 دما استر - دما کره
 THE WORLD WATERS.....
 آبهای زمین
 THICKET.....
 اسوهه
 THORN FOREST.....
 خار بسته
 THUNDER.....
 هرج - آسمان غریبه - رعد - نیدر - کور - غرش آسمان ...

THUNDERSTORM.....
 یوفان سدری
 TIDAL ANALYSIS.....
 واکاف کشیدی
 TIDAL CURRENTS.....
 حرابه‌های کشیدی
 TIDAL DATUM.....
 صبای کشیدی
 TIDAL GLACIER.....
 بحال کشیدی
 TIDAL RANGE.....
 برد کشیدی
 TIDAL THEORY.....
 نظریه کشیدی
 TIDAL WAVES.....
 امواج کشیدی
 TIDE.....
 حر و مد - کشید
 TIDE MILL.....
 آسیاب کشیدی
 TIDES.....
 کشید - کاهل
 TIDE WATER.....
 کشند
 TIMBER LINE.....
 مرز رویش گیاهان - دانه‌ر
 TIME.....
 زمان
 TIME CAPSULE.....
 کیسول زمان
 TIME SIGNALS.....
 علائم زمانی
 TIME ZONE.....
 فاج ساعتی - منطقه زمانی
 TIME ZONES.....
 مناطق زمانی
 TIN.....
 فلغ
 TOBACCO.....
 توبون - تنباکو
 TON.....
 تن
 TO OXIDIZE.....
 اکسیدن
 TOPAZ.....
 ریزجد
 TOPOGRAPHIC MAP.....
 نقشه توپوگرافی
 TOPOGRAPHIC SCIENCE.....
 علم توپوگرافی
 TOPOGRAPHY.....
 توپوگرافی
 TOPOLOGICAL MAP.....
 نقشه توپولوژی
 TOPOLOGY.....
 توپولوژی
 TOPONYMY.....
 توپونومی - جای نام‌شناسی
 TOPSOIL.....
 ریزحاک
 TORNADO.....
 یوفان خنده
 TORRENT.....
 سلاب
 TORRID ZONE.....
 منطقه حاره
 TOURISM.....
 جهانگردی
 TOWN.....
 شهرک
 TOWN MAP.....
 نقشه شهری
 TOWNSHIP.....
 ولایت - شهرستان
 TRACHYTE.....
 ریزد سگ
 TRADE ROUTE.....
 راه تجاری
 TRADE WINDS.....
 بادهای سامان - باده تجاری
 TRAFIC CAPACITY.....
 ظرفیت ترافیک
 TRANS.....
 ترا

STRIAE خش
 STRIKE استرایک
 STROMBOLIAN ERUPTION فوران استرومبولی
 STRUCTURE ساخت
 STRUCTURE OF THE EARTH ساختمان زمین
 STRUGGLE FOR EXISTENCE تارع بقا
 SUB CARDINAL POINTS جهات فرعی
 SUBMARINE TOPOGRAPHY توپوگرافی زیر دریا
 SUBMERGIBLE سبیل گیر
 SUB-POLAR REGION منطقه نیمه قطبی
 SUBSEQUENT RIVER میانرود
 SUBSIDENCE فرونشینی
 SUBSOIL زیر خاک
 SUBTROPICAL گرد مداری
 SUB-TROPICAL REGION منطقه نیمه گرمسیری - منطقه نیمه استوایی
 SUBURB حومه
 SUEZ CANAL کانال سوئز
 SULPHUR گوگرد
 SUMATRA سوماترا
 SUMMER تابستان
 SUMMER QUARTER بیلاق
 SUMMER SOLSTICE انقلاب تابستانی
 SUMMER TIME ساعت تابستانی
 SUMMIT چکاد
 SUN خورشید - هور
 SUN DIAL شاخص آفتاب - ساعت آفتابی
 SUNLIT آفتابگیر - آفتاب رو
 SUN RADIATION تشعشع خورشیدی
 SUNRISE سر زدن آفتاب - طلوع خورشید
 SUNSET غروب خورشید
 SUNSHINE آفتاب
 SUNSHINE RECORDER آفتاب سنج
 SUNSPOTS لکه های خورشیدی - لکه های خورشیدی
 SUNSTROKE آفتاب زدگی
 SUPERCOOLING فرو افت
 SUPERFICIAL DEPOSITS نهشته های سطحی
 SUPERHEATED STEAM بخار فرا افتنه
 SUPERIOR PLANETS سیارات زبرین
 SUPER NOVA ابر سواختران
 SUPERSONIC ابر صوتی - سوبرسونیک
 SURFACE EVAPORATION تبخیر سطحی

SURFACE WAVES امواج سطحی
 SURPLUS WATER هرزاب
 SURVEYING نقشه برداری - ماحی
 SUSPENSION دروا
 SWAMP باتلاق - باطلاق
 SWASH کفموج
 SWELL خیزاب
 SYNCLINAL VALLEY دره ناودیس
 SYNCLINE ناودیس
 SYNCLINORIUM ناودیس شکلی
 SYNOPTIC CHART نقشه سینوپتیک
 SYSTEMATIC GEOGRAPHY جغرافیای سیستماتیک
 SYSTEMATIC SAMPLING نمونه برداری سیستماتیک
 SYZGY مغارنه

T

TABLELAND تختال
 TACHEOMETER تاکتومتر
 TACHEOMETRY تاکتومتری
 TACTICS رزم آرای
 TACTUAL MAP نقشه بساواوی
 TAIGA تایگا
 TALC تالک
 TALUS سنگریز
 TALWIND زبرباد
 TAMMUZ تمور
 TANK آب انبار
 TANKER تانکر
 TAR قطران
 TARN دریاچه کوهستانی
 TAURUS ثور
 TAX مالیات
 TEA چای
 TECTONIC زمینساخت
 TEKITE تکیت
 TELEMETER دورسنج
 TELESCOPE تلسکوپ
 TELLUROMETER تله رومتر

SOUTH POLE قطب جنوب
 SOVEREIGNTY حاکمیت
 SOVKHOS سوخوز
 SPACE فضا
 SPACE BIOLOGY زیست شناسی فضا
 SPACE EXPLORATION فضاپویی
 SPACE PORT بندر فضایی
 SPACE STATION پایگاه فضایی
 SPACE TIME حاکاه - فضا زمان
 SPATE طغیان
 SPECIAL MAPS نقشه‌های ویژه
 SPECIES جنس
 SPECIFIC GRAVITY چگالی
 SPECIFIC TARIFF تعرفه خاص
 SPECIFIC VOLUME حجم مخصوص
 SPECTRAL CLASSES طبقات طیفی
 SPECTROGRAM طیف نگاشت
 SPECTROGRAPH طیف نگار
 SPECTROHELIOGRAM خور طیفنگاشت
 SPECTROHELIOGRAPH خور طیفنگار
 SPECTROMETER طیف سنج
 SPECTROSCOPE طیف نما - اسپکروسکوپ
 SPECTRUM طیف
 SPEIROGENSIS MOTIONS حرکات خشکبرانی
 SPELEOLOGY عارتشناسی
 SPHERE کره
 SPHERE OF INFLUENCE منطقه نفوذ
 SPHERE OF THE EARTH کره زمین
 SPHERICAL SECTOR قطاع کروی
 SPHERICAL TRIANGLE مثلث کروی
 SPHERICAL WEDGE قاج کروی
 SPHEROID شبه کره
 SPIRAL GALAXIES کهکشان‌های مارپیچی
 SPIT زبان
 SPLAYING CREVASSE کامت اریب
 SPONGE اسفنج
 SPOT HEIGHT نقطه ارتفاعی
 SPRING بهار - چشمه
 SPRING EQUINOX اعتدال بهاری - اعتدال ربیعی
 SPRINGS چشمه سار
 SPRING SHOWERS رگبارهای بهاری
 SPRING TIDE میکشند

SPRINKLER IRRIGATION آبیاری قطره‌ای
 SQUALL باد رد و بوران
 SQUARE CENTIMETER سانتیمتر مربع
 STACK کومه
 STALACTITE چکنده - دنگال - گلفشنگ - استالاکتیت
 STALAGMITE گلفشنگ وارونه - دنگاله - چکنده - استالاکتیت
 STANDARD PARALLEL مدار استاندارد - مدار تماس
 STANDARD TIME ساعت رسمی - زمان استاندارد - زمان رسمی
 STAR کوکب - اختر
 STARS نواست - ستارگان
 STATE ایالت
 STATISTICS آمار
 STATUTE MILE میل حقیقی
 STEAM بخار
 STEAM FOG مه بخیاری - مه بخی
 STEEL فولاد - پولاد
 STELLAR MAGNITUDE قدر
 ST.ELMO'S FIRE درختن سنت المو
 STEP-FAULT گسله پله کانی
 STEPPE استپ - کلک
 STEREOGRAPHIC PROJECTION سیستم تصویر استروگرافی
 STEREOSCOPE برحسبه نما - استروسکوپ
 STEREOSCOPY برحسبه بینی
 STONE AGE عصر حجر
 STONE RIVER رود سنگ
 STONY LAND سنگلاخ
 STORM نوفان - طوفان
 STOWED WINDS بادهای تنجیده
 STRAIT تنگه - باب
 STRATEGY فرآمایی
 STRATIFICATION چینه بندی - چینه سازی
 STRATIFIED ROCKS سنگهای طبق
 STRATIGRAPHY چینه شناسی
 STRATOCUMULUS ابر استراتوکومولوس
 STRATOPAUSE استراتوپور - پوشمرز
 STRATOSPHERE استراتوسفر - پوش اسپهر - پوشکره
 STRATUM چینه
 STRATUS ابر استراتوس
 STREAM روانه - نهر

SEXOLOGY	رانداسی	SLICKENSIDE	سوده رخ
SEXTANT	شکسات	SILIDE	سریده
SHADOW	سایه	SLIML	لحن - غلیظ
SHALE	شک رسی	SLOPE	درکه - سب - گراحت - برار بر
SHAMAL	باد شمال	SLOPPING COURSE	آشپ
SHARE CROPPING	ظام سهم بردن از محصول	SMALL CIRCLE	دایره صغیره
SHEEP FOLD	آغل	SMALL MOUND	کپه
SHEEP TRACKS	خناک	SMALL VILLAGE	کوره ده
SHIELD	سیر	SMOG	دودمه
SHIELD VOLCANO	آشفان سیر	SMOKE	دود
SHOAL	آیل	SNOW	برف
SIAL	سایل	SNOW DRIFT	برف باد آورد
SIDEREAL DAY	سارور حومی - روز حومی - روز ساره‌ای	SNOW-FIELD	برف - برف - بید
SIDEREAL NOON	ظهر حومی	SNOW-GAUGE	برف سنج
SIDEREAL TIME	زمان حومی - ساعت حومی	SNOW-LINE	برف‌ر
SIDEREAL YEAR	سال ساره‌ای - سال حومی	SOAP STONE	سک صابون
SIDERITE	آساکان	SOCIAL GEOGRAPHY	جغرافیای اجتماعی
SIDEROLITE	آساک	SOCIALISM	سوسیالسم
SIERRA	سیرا	SOCIETY	جامعه
SIGN OF THE ZODIAC	رح	SOCIOLOGY	جامعه‌شناسی
SILICA	سلس	SOIL	حاک
SILK	ا‌رسم	SOIL CREEP	رمن حره
SILK ROAD	جاده ا‌رسم	SOIL FROSION	فرسایش حاک
SILT	فرس	SOIL PROFILE	مدفح حاک - سمر - حاک
SILT SOIL	فرشاک	SOLAR CONSTANT	ثابت خورشیدی
SILURIAN	سلورس	SOLAR DAY	سارور خورشیدی - روز خورشیدی
SILVTR	غره	SOLARIMETER	خورشید سنج
SIMA	سیم	SOLAR SYSTEM	مدخله شمسی
SIMON	باد سیم	SOLAR WIND	باد خورشیدی
SINK-HOLE	خاک - صف	SOLAR YEAR	سال خورشیدی - سال شمسی
SINKER	آساک	SOLIFLUCTION	خاکسرد
SINUSOIDAL PROJECTION	سیمد خور سیموس فلمسد	SOLONCHAK	مولوچک
SIRIUS	سرای حای	SOLSTICES	اغلایس
SIROCCO	سروکو	SOLUTION	احلال - محلول
SKETCH	کره - طرح	SOUND	صوت
SKULL CAP	سرخس کروی	SOUND BARRIER	دوار صوتی
SKY	آسمان	SOUNDING	زربانی - غص مانی
SLATE	سک لوح	SOURT	سرخسد
SLAWS	اسلاو	SOUTH	جنوب
		SOUTHERN CROSS	نلت جنوبی
		SOUTHERN HEMISPHERE	نمکره جنوبی
		SOUTHERN LIGHT	سند جنوبی

SAINT ELMO'S FIRE	آتش ست المو	SEA-SHORE	دریا کنار
SALINE SOILS	شور خاک	SEASICKNESS	دریازدگی
SALINITY	شورا - درجه شوری آب	SEASON	فصل
SALT	نمک - سنگ نمک	SEASONAL LAKE	دریاچه فصلی
SALT DOME	نمکتود	SEASONAL RIVER	رود فصلی
SALT-FLAT	نمکزار - شورزار - نمکسار - نمک لاخ - کتیر	SEA WAVE	موج دریا
SALT LAKE	دریاچه شور - دریاچه نمک	SEA WAY	راه دریائی
SALT LAND	شور بوم	SECOND	ثانیه
SALTPETER	شوره	SECONDARY DEPRESSION	فرو بارک
SAND	ماسه	SECONDARY WAVES	امواج ثانویه
SANDBANK	سکوی شن - کرانماسه	SECT	تیره
SAND-BAR	دماغه شن	SECTION	برش
SANDSTONE	ماسه سنگ	SECTOR	قطاع
SANDSTORM	ماسه باد	SEDIMENT	تهنشست - مواد رسوبی
SANDY	شن زار	SEDIMENTARY ROCKS	سنگهای تهنشستی - سنگهای رسوبی
SANDY REGION	ریگزار	SEDIMENTOLOGY	رسوبشناسی
SANSKRIT	سنسکریت	SEEPAGE	آبرزه - رزه
SANSON FLAMSTEED PROJECTION	سیستم تصویر سانشون فلمستید	SEEPAGING LAND	آبخیز - آبخیزگاه
.....		SEGMENT	قطعه
SAPROPEL	پوده گل	SEISMIC FOCUS	کانون زمین لرزه
SAPROPHYTE	پوده رست	SEISMIC WAVES	امواج زمین لرزه
SAROS	ساروس	SEISMOGRAPH	لرزه نگار - لرزه نگار
SATELLITE	ماهواره - قمر مصنوعی	SEISMOLOGY	لرزه شناسی - لرزه شناسی
SATURATION	اشباع	SEISMOMETER	لرزه سنج - لرزه سنج
SATURN	زحل - کیوان	SEISMOLOGY	لرزه سنجی
SAVANA	علفزار استوایی - ساوانا	SEISTAN WIND	باد سیستان
SCHIST	اردوال - پلمه سنگ	SEMIARID CLIMATE	آب و هوای نیمکاب
SCHMIDT THEORY	فرضیه اشمید	SEMIARID CONTINENTAL CLIMATE	
SCINTILLATION	چشمک زدن		اقلیم نیمه خشک قاره ای
SCORIA	روباره	SEMIARID TROPICAL CLIMATE	اقلیم حاره ای نیمه خشک
SCORPIUS	عقرب	SEMI DESERT	نیمه کویر
SCOTCH MIST	مهباران	SENILE RIVER	پیرانه رود
SCOUR	ریگزرائی	SEPARATION PLANE	سطح انفصال
SCREE	سنگریز	SEPTEMBER	سپتامبر
SCRIBING	اسکرایبینگ	SERICULTURE	سوغان پروری
SEA	دریا - بحر	SERIES	رسمه
SEA BREEZE	نسیم دریا	SERPENTINE	سرنانتین
SEAL	سیل	SETTING	غروب
SEA LEVEL	سطح دریا	SEVEN COLOURS	هفت رنگ
SEAMOUNT	کوه دریائی	SEVEN PLANETS	سیارات هفتگانه
SEAPORT	دریا بندر	SEWAGE	فاضلاب - پارگین - گنداب
SEASCARP	پرتگاه دریائی	SEX	جنس

REEF آبسنگ - تپه دریاپی - صخره آبی
 REFERENDUM همه پرسی
 REFINING تصفیه - پالایش
 REFORESTATION احیاء جنگل
 REFRACTION شکست - انکسار
 REGELATION باز افسرد
 REGIME رژیم
 REGION ناحیه
 REGIONAL DEVELOPMENT آمایش سرزمینی - عمران منطقه‌ای
 REGIONAL TRADE تجارت منطقه‌ای
 REGRESSION پسروی
 REJUVENATION بازفرسائی
 RELATIVE HUMIDITY رطوبت نسبی
 RELIEF LIKE MAP نقشه برحستهوار
 RELIEF MAP نقشه برحسته
 REMOTE SENSING سنجش از دور - دورکاوی
 REPTILA خزندگان
 REPUBLIC جمهوری
 RERADIATION بازتابت
 RESERVOIR دریاچه سد - مخزن سد
 RESIDENT مقیم
 RESIN رزین
 RESISTANT ROCK سنگ مقاوم
 RESURGENCE هرنج
 REVERSED FAULT گسله وارونه
 REVERSING LAYER طبقه برگردان
 RHYOLITE ریولیت
 RIAL ریال
 RICE برنج
 RICE FIELD گرنجار - شالیزار
 RICE PADDY برنجزار - برنجار
 RICHTER SCALE درجه ریشتر
 RIDGE & VALLEY کوهستان
 RIFT VALLEY درّه نشستی - فروزمین
 RIGEL رجل الجبار - رجل الجوزا
 RIGEL KENTAURUS رجل قنطورس
 RIGHT ASCENSION رایت اسنسیون
 RIGHT BANK RIVER ساحل راست رودخانه
 RIGHT OF ASYLUM حق پناهندگی
 RIGHTS حقوق

RILL EROSION جوی فرسائی
 RIME یخبست
 RING ROAD جاده کمربندی - راه کمربندی
 RIP تلاطم
 RISE طلوع
 RIVER رودخانه - رود - نهر
 RIVER BASIN آبگیر رودخانه
 RIVER BED بستر رودخانه
 RIVER CAPTURE رودگیری
 RIVER LOAD رودبار - بار رود
 ROAD جاده - راه
 ROAD MAP راهنما
 ROADSTEAD لنگرگاه طبیعی
 ROARING FORTIES بادهای چهلگان
 ROCHE MOUNTONN'EE پشته خارهای سنگهای گرده کوسفندی
 ROCK سنگ
 ROCK-FALL سنگشار
 ROCK FLOUR سنگار - سنگ آواری
 ROCK GARDEN باغ سنگستانی
 ROCK-SALT نمک سنگی
 ROD شاخص
 ROMAN CALENDAR تقویم رومی
 ROPEY LAVA گدازه ریسمانی
 ROSSI-FOREL SCALE درجه رسی فورل
 ROTATION OF CROPS کشتگرد
 ROTATION OF THE EARTH حرکت وضعی زمین - چرخش زمین
 ROUGH SEA کولاک
 RUBBER کائوچو
 RUBY یاقوت
 RUINED PLACE خرابه
 RUNNING WATERS آبهای جاری
 RUNOFF رواناب
 RYE چاودار

S

SABLIERE ماسه زار
 SADDLE زینکوه
 SAGITTARIUS/ARCHER قوس

PROMINENCES زبان‌های خورشیدی
 PROMONTORY سنگپوز
 PROTECTORATE تحت الحمايه - مستعمره
 PROTISTOLOGY آغازينه شناسی
 PROTOCOL پروتکل
 PROTON پرتون (پروتون)
 PROTOZOIC ERA دوران نخست زوی
 PROTRACTOR نقاله
 PROVINCE استان
 PSYCHROMETER پسیکرومتر
 PTERIDOLOGY سرخس شناسی
 PTOLEMY'S ASTRONOMY هيئت بطلمیوس
 PTOLEMY'S SYSTEM منظومه بطلمیوس
 P.T.T پ. ت. ت.
 PULSATION THEORY فرضیه تپش
 PUMICE سنگ پا
 PYGMIES کوتوله‌ها - پیکمه‌ها
 PYROMETER تقسج

Q

QANAT قنات - کاریز
 QUADRATURE ربع
 QUAGMIRE حلاب
 QUARANTINE قرنطین
 QUARTER محله
 QUARTZ کوارتز - کوارتز
 QUARTZITE سنگ کوارتز
 QUATERNARY PERIOD دوره چهارم زمین شناسی

R

RACE نژاد
 RADAR رادار
 RADIAL DRAINAGE رهکنی شعاعی
 RADIAN رادیان
 RADIATION تاب - شعاع
 RADIATION FOG مه تابشی
 RADIOACTIVE CARBON کربن رادیواکتیو

RADIO ACTIVITY رادیواکتیو
 RADIOACTIVITY DATING تاریخ گذاری وسیله رادیواکتیو
 RADIO ASTRONOMY پروساره شناسی - نجوم رادیویی
 RADIOCARBON DATING تاریخ گذاری وسیله رادیو کربن
 RADIOLARIAN OOOZES لجن‌های رادیولری
 RADIOMETEOROGRAPHY پرتو هوانگاری
 RADIOSONDE رادیو سوند
 RADIO TELESCOPE رادیو تلسکوپ
 RADIO WAVES امواج رادیویی
 RADIUM رادیوم
 RAILWAY راه آهن
 RAILWAY GAUGE عرض راه آهن
 RAIN باران
 RAINBOW رنگین کمان - قوس قزح - آژنداک
 RAIN FACTOR فاکتور بارندگی
 RAINFALL بارش - بارندگی
 RAIN GAUGE بارش سنج
 RAIN SHADOW باران پناه
 RAIN WASH باران شوئی
 RAMPART سور
 RANGE رشته
 RANGE OF MOUNTAIN رشته کوه - سلسله کوه
 RANGE OF TEMPERATURE بردما
 RAPIDS سداب
 RARE EARTH خاک‌های کمیاب
 RARE GASES گازهای کمیاب
 RAVINE فرکند
 RAW MATERIAL مواد خام
 REAL NOON ظهر حقیقی
 REAL SOLAR TIME زمان خورشیدی حقیقی
 REAL TIME ساعت حقیقی
 REAUMUR SCALE درجه رنومور
 RECLAMATION OF LAND احیاء زمین
 RECONNAISSANCE MAPPING نقشه برداری شناسائی
 RECTANGULAR DRAINAGE رهکنی راستگوشه
 RECUMBENT FOLD چین خوابیده
 RED CLAY سرخ رست
 RED MUD سرخ گل
 RED OXYDE خاک سرخ
 RED SHIFT حرکت بطرف قرمز

PLANE OF THE ECLIPTIC	سطح دایره الروح	POLAR FRONT	حمیه قطبی
PLANET	هراسب	POLARIS	حدی
PLANE-TABLE	خده سه ماه	POLAR LIGHT	فروره قطبی
PLANETARIUM	آسمان نما - افلاک نما - پلاناریوم	POLAR PROJECTION	سیسم تصویر قطبی
PLANETARY WINDS	بادهای ساره‌ای	POLAR REGION	ناحیه قطبی
PLANETESIMAL HYPOTHESIS	فرضیه پیدایش ساراب	POLAR STAR	ستاره قطبی
PLANETOID	سد ساره	POLAR WANDERING	آوارگی قطبی
PLANETOLOGY	سیاره ساسی	POLAR WINDS	بادهای قطبی
PLANETS	ساراب	POLAR ZONE	منطقه قطبی
PLANIMETER	بهه سطح - پلانیمتر	POLE	قطب
PLANIMETRIC MAP	نقشه پلانی مری	POLES	قطب‌ن
PLANIMETRY	بهه سحی	POLICE	سهراسی
PLANKTON	دروازی	POLITICAL GEOGRAPHY	جغرافیای سیاسی
PLANT	کناه	POLITICAL MAP	نقشه سیاسی
PLANTATION	بهالسان	POLYCUITURE	کباورری خد کسی
PLANT ECOLOGY	ومسانی کاهی	POND	حوض - استخر - برکه
PLANTS	رستنی‌ها	POPULATION	جمعی
PLATEAU	فلاط	POPULATION EXPLOSION	افجار جمعی
PLATE TECTONIC	کویک صفحاتی - رمساح صفحاتی	PORPHYRY	سک سماک
PLATFORM	ایوان	PORT	بندر
PLATINUM	طلای سفید (پلاس)	POTAMOPANKTON	رود دروازی
PLAYA	دع - سله - دک	POTASSIUM	پتاسیم
PLAYFAIR'S LAW	فانون لمی فر	POTATO	سبب رمسی
PLEBISCITE	رای عمومی	POT HOLE	چالاب
PLEIADES	بریا - پروس	POUND	پوند
PLEISTOCENE	لمنسوس	POWDER	پاروب
PLESSMENT	حسن خوردگی	POWDER AVALANCHE	همن کردی
PHOTONIC ROCKS	سکهای معانی	PRAIRIE	پری
PLOTTABLE ERROR	خطای قابل رسم	PRE-CAMBRIAN	پری کامبرین
PLOUGH	سحه	PRECESSION OF THE EQUINOXES	حرک تقدیمی - تعدیم اعتدالی
PLUG	وسی	PRECIPITATION	ربرش - رسوب
PLUG-VOLCANO	وسی آفکان	PREVAILING WIND	باد غالب
PLUMB LINE	سامول	PRIMARY WAVE	موج اولنه
PLUTO	لمون	PRIMARY WAVES	امواج اولنه
PLUTONIC ROCKS	سکهای معانی	PRIMATOLOGY	خسینه ساسی
PLUVIOMETER	باراسح	PRINCIPALITY	امیرنشین - ساهاراده سین
PLUVIOMETRIC COEFFICIENT	مریب باراسحی	PRINTING	چاپ
PODZOL	پودزل	PROCESS	فرایند
POLAR CIRCLES	مدار - قطبی	PROFILE	سیرج
POLAR CLIMATE	قلمه معی	PROFIL OF A RIVER	سیرج رودخانه - مقطع رودخانه
POLAR DISTANCE	فاصله سسی	PROLUVIUM	سیرفت
POLAR EASTERLIES	بادهای مری ورا قطبی		

PARSEC	پارسک	PETROLOGY	سنگداری - سنگشناسی
PARTIAL DROUGHT	حکالی جزئی	PHACOLITH	فاکولیت
PARTY	حزب	PHASES OF THE MOON	اهله قمر - صور ماه
PASITU	پشمو	PHENOLGY	رسکرد
PASS	گرده - گردگاه	PHOSPHATE MATERIALS	مواد فسفاته
PASSAGE	معر	PHOSPHATE ROCK	سک فسفات
PASTORAL FARMING	دامروزی	PHOSPHORITE	فسفریت
PASTURE	چراگاه - مرغ - حرام - راود	PHOSPHORUS	فسفر
PAVEMENT	رهفرش	PHOTOGEOLOGY	موزئولوژی
PEAK	سعه کوه - قله	PHOTOGRAMMETRY	موتوگرامتری
PEAT	بورت	PHOTOGRAVURE	موتوگراور
PEBBLE	ریک	PHOTOLITHOGRAPHY	موتولیتوگرافی
PEBBLE MOUND	ریک پسه	PHOTO MAP	نقشه عکسی
PEDALFER	حاکاهن	PHOTON	فوتون
PEDIOCRATIC PERIOD	دوره آرامش	PHOTOSPHERE	رَحساکره
PEDOCAL	حاکاهک	PHOTOSIAT	مواصات
PEDOGENESIS	حاکرانی	PHOTOSYNTHESIS	موسنتز
PEDOLOGY	خاک شناسی	PHOTOTYPOGRAPHY	موتوتایپوگرافی
PEGMATITE	گماتیت	PHYLOGENETICS	حلیک سانی
PELAGIC	درا مانی	PHYUM	سبله
PELAGIC DEPOSITS	سپسهای درا مانی	PHYSICAL ANTHROPOLOGY	مرده سانی جبری
PELITE	سکری	PHYSICAL GEOGRAPHY	جغرافیای طبیعی
PENDULUM	آویک	PHYSICAL MAP	نقشه طبیعی
PENEPLAIN	دشکون	PHYSICAL WEATHERING	ساخت طبیعی
PENINSULA	سه حریره	PHYSIOGNOMY	مناظره سانی
PER CAPITA INCOME	درآمد سرانه	PHYSIOGRAPHY	شایکاری - موزوگرافی
PERCOLATION	موروزش	PHYTOGEOGRAPHY	جغرافیای گیاهی
PERENNIAL STREAM	روانه دائمی	PHYTOLOGY	رست سانی گیاهی
PERIGEE	حصص	PI (π)	پی
PERIHELION	بری هلیون	PIDMONT	دامه کوه - کوهانه
PERIOD	دوره	PIDMONT GLACIER	حقال کوهانه
PERMAFROST	خسندان دائمی	PILLOW LAVA	بالسک - سانی
PERMEABLE ROCKS	سکهای نفوذپذیر	PIPE LINE	خط لوله
PERMIAN	برمین	PISCES	حوت
PERSEUS	برساووس	PISCIS AUSTRALIS	حوت جنوبی
PERSIA	برسا	PIT	گرسک
PERSPECTIVE PROJECTION	محور رستکون	PITCH	سز
PERVIOUS ROCKS	سکهای آتکس - سکهای نفوذپذیر	PLAGE	سز
PLUTOCHEMISTRY	پلوتوشیمی	PLAGIAN	درا مانی
PETROGLYPTIS	سکرائی	PLAIN	جنگه - دشت - هامان
PETROGLYPH	سک نگاره	PLAN	پلان - طرح
PETROLEUM	نف		

OKTA اکا
 OLD STONE AGE عصر حجر قدیم
 OLIGOCENE اولیگوسن
 OLIVE رسو
 ONE CELLED یک باحه
 OOSE گل مایع - سلکا
 OPACO دامنه برفگیر
 OPHIUCHUS/SERPENTARIUS حواء
 OPISOMETER اویسومتر
 OPPOSITION روبرویی - مقابله
 OPTIMUM POPULATION جمعیت مطلوب
 ORBIT مدار
 ORBIT OF THE EARTH مدار زمین - مدار گردش سالانه زمین - مدار حرکت افعالی زمین
 ORDER ر سہ
 ORDER OF STREAMS طبعہ بندی رواہا
 ORDINATE عرض نقطہ
 ORDOVICIAN اوردوویسی
 ORDU اردو
 ORE کانسک معدن
 ORGANIC اداگانگی
 ORGANIC WEATHERING ساد اداگانگی
 ORIGIN OF A GRID مسای سکہ بندی
 ORION حنار
 OROGENIC کوہرا
 OROGENY کوہرانی
 OROGRAPHIC RAIN باران کوہراد
 OROGRAPHY کوہ سایی
 ORTHODROME اورتودروم
 ORTHOGRAPHIC PROJECTION سیم صورت اورتوگرافی
 ORTHOMORPHIC PROJECTION سیمہ صورت اورتوموریک
 OUNCE اونس
 OUTCROP برورد - رجمون
 OUTLIER برجهسد
 OUTWASH جارفت
 OUTWASH PLAIN دسب جارفتی
 OVERBURDEN پوشند
 OVERCAST ابراک
 OVERFOLD جس برکسہ
 OVER POPULATION فروسی جمعیت
 OVERTHRUST روزادگی
 OXBOW LAKE دراحہ طوفی

OXIDATION اکسان - اکسیدسیون
 OXIDIZER اکسده
 OXYGEN اکسین
 OZONE اورون



PACIFIC OCEAN اقیانوس کبر - اقیانوس آرام
 PACKET BOAT کشتی پستی
 PACK-ICE خمود
 PADDY نالی
 PAKHTU حنوت
 PALAEOCENE پالئوسن
 PALAEO LITHIC AGE عصر پارینه سنگی
 PALAEO MAGNETISM مغناطیس دیرین
 PALAEO ONTOLOGY دیرین شناسی
 PALEOBOTANY دیرین گیاهشناسی
 PALEOCHRONOLOGY دیرین گاہ شناسی
 PALEOCLIMATOLOGY دیرین وائشناسی
 PALEOECOLOGY دیرین بومسای
 PALEO GEOGRAPHY جغرافیای دیرینہ
 PALEOGRAPHY دیرین نگاری
 PALEOLITH پارینہ سنگ
 PALEOLITHIC پارینہ سنگی
 PALEOLITHIC AGE عصر پارینہ سنگی
 PALEOZOIC ERA دوران دیرین ریوی
 PAMPAS پامپاس
 PANAMA پاناما
 PANAMA CANAL کانال پاناما
 PANHANDLE تاریکہ
 PANNAGE علچر
 PANORAMA دورما
 PANTOGRAPH پانتوگراف
 PAPER کاغذ
 PARALLAX دیدگنت - اختلاف منظر
 PARALLEL مدار
 PARALLEL DRAINAGE رهاہ های همرو
 PARALLELS OF LATITUDE مدارات عرض جغرافیائی
 PARK پارک
 PARLIAMENT مجلس
 PAROXYSMAL ERUPTION فوران شدید

NATURAL COAST..... کرانه طبیعی
 NATURAL FEATURE عارضه طبیعی
 NATURAL GAS گاز طبیعی
 NATURAL HISTORY تاریخ طبیعی
 NATURAL LANDSCAPE چشم انداز طبیعی
 NATURAL SCIENCES علوم طبیعی
 NATURAL SELECTION اسباب طبیعی
 NATURE RESERVE منطقه حفاظت شده
 NAUTICAL MILE میل دریائی
 NEANDERTAL MAN انسان نئاندرتال
 NEAP TIDE کم‌کشند
 NEAR EAST حاور نزدیک - شرق نزدیک
 NEBULAE ابری‌ها - سحابیها
 NEBULAR HYPOTHESIS فرضیه ابری - فرضیه سحابی
 NECK گلوگیر
 NEKTON شکاری
 NEOLITHIC نوسنگی
 NEOLITHIC AGE عصر نوسنگی
 NEPHOSCOPE ابرما
 NEPTUNE نپتون
 NERITIC پایایی
 NET EMIGRATION مهاجرت خالص
 NETWORK شبکه
 NEUTRALITY سطریمی
 NILE نیل
 NEW MOON محاق - ماه نو
 NEW STONE AGE عصر حجر جدید
 NEW WORLD ینگه دنیا
 NEW YEAR'S DAY نوور
 NICHE-GLACIER یخچالک
 NICKEL نیکل
 NIGHT شب
 NIMBOSTRATUS ابر نیمو استراتوس
 NIMBUS ابر نیموس
 NITRATES نیترات‌ها
 NITROGEN نارت
 NIVATION برف‌تاب
 NOCTILUCENT CLOUD ابر شهاب
 NOMAD بدول
 NOMADISM جادر سبکی
 NOON ظهر - هجیر
 NORMAL EROSION فرسایش عادی

NORMAL FAULT گسله معمولی
 NORTH شمال
 NORTHEAST TRADES بادهای سامان شمالی
 NORTHERN HEMISPHERE نیمکره شمالی
 NORTHERN LIGHT سپیده شمالی
 NOTHING عرض شمالی
 NORTH MAGNETIC POLE شمال مغناطیسی
 NORTH POINT نقطه شمالی
 NORTH POLE قطب شمال
 NOR-WESTER نوروستر
 NOVAS سواختران
 NOVEMBER نوامبر
 NUCLEAR ENERGY انرژی هسته‌ای
 NUNE ARDENTE سهم آتشین
 NUMERICAL FORECAST پیش‌بینی رقمی
 NURSERY فلستان
 NUTATION OF THE EARTH AXIS رقص محور زمین



OASIS واحه
 OATS جو دوسر
 OBLATE فرو رشتگی
 OBLIQUE AERIAL PHOTOGRAPH عکس هوایی مایل
 OBSEQUENT RIVER وارود
 OBSERVATION رصد
 OBSERVATORY رصدخانه
 OBSERVER MERIDIAN نصف النهار ایستگاه
 OBSIDIAN شیشه آتشفشانی
 OCCCLUDED FRONT حینه انسدادی
 OCCUPANCY RATE درجند انوعی جمعیت
 OCEAN اقیانوس
 OCEAN CURRENTS جریان‌های دریائی
 OCEANIA اقیانوسه (استرالیا)
 OCEANIC MUD گل اقیانوسی
 OCEANOGRAPHY اقیانوس‌شناسی
 OCHER گل اخرا
 OCTOBER اکتبر
 ODOGRAPH راه نگار
 ODOMETER اودومتر
 OFFSET PRINTING چاپ افست

MILKY WAY GALAXY	کهکشان راه سری
MILLENNIUM	هزاره
MILLEI	اژدر
MILITARY	میلیتاری
MILITARY	میلیتاری
MILLIONAIRE CITY	شهر میلیونی
MITH STONE	سنگ آسمانی
MINE	معین
MINERAL	کامی
MINERAL DEPOSIT	سخت کامی
MINERALOGY	کامی سانی - معدن شناسی
MINERAL SPRING	حسمة آب معدنی
MINERAL WATER	آب معدنی
MINORITY	اقلیت
MINUTE	دقیقه
MIOCENE	میوسن
MIRAGE	سراب - سراب
MIRE	ثلاخه
MIST	مه بک
MOCK MOON	مهدیس
MOCK SUN	خورشیدسن
MODERATE SUBPOLAR CLIMATE	اقلیم - محد متوسطی
MOBILE	تاراج
MOLASSE	ملاس
MOLLWEIDE'S PROJECTION	سهم محور مولود
MOYBENIUM	مولیدن
MONADNOCK	مراست
MONOCLINAL FOLD	حسن کسب
MONOCLINE	کسب
MONOCULTURE	کماوری یک کسی
MONOLITH	کسک
MONSOON	بادها - موسمی - موسون
MONSOON FORESTS	جنگلهای موسون
MOON	ماه - مر - مانت
MOONLIGHT	مهاب - مهسند
MORaine	خرو
MORNING STAR	ستاره امدان
MORPHOGENESIS	رشد نی
MORPHOGRAPHIC MAP	نقشه مورفواگرافیک
MORPHOLOGY	رسمیاتی - رخت
MORPHOMETRY	رخت سنجی
MOSAIC	موزیک - مکن هوایی - مازجس

MOSS	حرا
MOSS FOREST	حرا حکل
MOTION	حرکت
MOTORWAY	موتوروی - شاهراه
MOULIN	آسان بحالی - نوره بحالی
MOUND	سنة - بل - بردک - خاکود
MOUNTAIN	کوه - جبل - داغ
MOUNTAIN BREEZE	سهم کوهسان
MOUNTAIN CLIMATE	آب و هوای کوهستانی
MOUNTAIN GLACIER	توجال
MOUNTAINOUS	کوهستان - کوهسار
MOUNTAIN PASS	گدوک
MOUNTAIN SICKNESS	کوه گرمگی - کوه ردگی
MOUNTAIN SLOPE	شب کوه
MOUTH OF RIVER	دهانه رودخانه
MOVING POPULATION	جمعیت محرک
MUD-POT	دیگچه گل
MUD RAIN	باران گل
MUD-VOLCANO	کلفسان
MULATTO	مولو
MUNICIPALITY	شهرداری
MUTATION	جهش



NAB/NAZIL	نوره
NADIR	سمت المقدم - نانو
NAPPES	روزان
NARROW	سنگار
NATION	ملی
NATIONAL	ملی
NATIONAL DEFENSE	دفاع ملی
NATIONAL GRID	سنگسندی ملی
NATIONAL INCOME	درآمد ملی
NATIONALISM	ملی گرایی - ملی دوستی
NATIONALITY	ملیت
NATIONAL PARK	پارک ملی
NATIVE LAND	مهن - وطن
NATURAL BOUNDARY	مرز طبیعی
NATURAL BRIDGE	پل طبیعی - بندس

MAPPING	نقشه‌برداری
MAP PROJECTION	سیستم تصویر همه - تصویر نقشه
MAP SCALE	مقیاس نقشه
MARBLE	مرمر
MARCH	مارش
MARCHLAND	مزرعوم
MARINE BIOLOGY	زیست‌شناسی دریائی
MARINE SUBPOLAR CLIMATE	اقلیم نیمه قطبی دریائی
MARITIME CLIMATE	اقلیم دریائی - اقلیم دریائی
MARKET TOWN	بازار شهر
MARL	ماژن
MARNES	مارن‌ها
MARS	مریخ - مریخ
MARSH	مخاض
MASS	موده - حرم
MASSIF	تراکوه
MASS MOVEMENT	موده لغزه
MATERIAL	ماده
MATERIALISM	ماتریالیسم
MATHEMATICAL GEOGRAPHY	جغرافیای ریاضی
MAY	مه
MAZUT	مازوت - نفت سیاه
MEADOW	مرعرا - البک
MEANDER	جما - رودپیچ
MEANDER SCAR	داغ حما
MEAN NOON	ظهر متوسط
MEAN SEA LEVEL	سطح متوسط دریا - سطح مای ارتفاع
MEAN SOLAR DAY	روز خورشیدی متوسط - شایرور خورشیدی متوسط
MEAN SOLAR TIME	زمان خورشیدی متوسط - ساعت شمسی متوسط
MECCA WAY GALAXY	کهکشان راه مکه
MEDIAL MORaine	یخرفت میانی
MEDICAL GEOGRAPHY	جغرافیای پزشکی (بهداشتی)
MEDITERRANEAN CLIMATE	آب و هوای مدیترانه‌ای
MEGALITH	خرسنگ
MEGALOPOLIS	مگالوپولیس
MEGAPARSEC	مگا پارسک
MEGATHERM	مگادما
MELON BED	جالیز
MENHIR	میلنگ
MERCALLI SCALE	درجه مرکالی
MERCURY OR PRODUCTION	سیسم تصویر مرکوری
MERCURY	مر - عطارد - حمود - سیما
MERIDIAN	صف النهار - مریور
MESOPHYTE	ماسری
MESOLITHIC AGE	عصر ماسنکی
MESOPOTAMIA	سن النهرین
MESOPHYTE	میان اسهر - ماسکوه
MESOPHYTE	میان دما
MESOTOPHYTE	دوران میان روی
MESTICO	مسیرو
METABOLISM	سوخت و ساز
METAL	فلز
METAMORPHIC DIORITE	هاله دگرگونی
METAMORPHIC ROCKS	سک‌های دگرگون
METAMORPHISM	دگرگونی
METAMORPHOSIS	دگرگونی
METEOR	سهاب - شهاب
METEOR CRATERS	حفره‌های سبابی
METEORIC WATER	برولات آسمانی
METEORITE	سک آسمانی - سهابسک
METEOROGRAPH	وانگویی - بالن کمانی
METEOROID	سهابوار
METEOROLOGY	اقلیم‌شناسی - هواشناسی
METEOR SHOWER	رگبار سبابی
METER	متر
METHANE	گاز مرداب - ماز
METRIC SYSTEM	سیستم متریک
METROPOL	متروپل
METROPOLIS	متروپلیس
METROPOLITAN	متروپلیس
MICROMETER	ریز سح
MICRON	میکرون
MICROSEISM	کهرلره
MICROTHERM	مرو دما
MIDDLE AGES	قرون وسطی
MIDDLE EAST	خاور میانه - شرق وسطی
MIDDLE LATITUDES	عرضهای میانه
MIDDLE STONE AGE	عصر حجر متوسط
MID-LATITUDE	مطقه عرض میانه
MIDNIGHT SUN	خورشید نیمه شب
MID-OCEAN RIDGE	برخستگی‌های کف اقیانوس
MILE	میل
MILESTONE	فرسنگسار
MILITARY GRID	شکله‌بندی نظامی

LIFE EXPECTANCY امید زندگی - متوسط عمر

LIGHTHOUSE فانوس دریائی - فار - مار

LIGHTNING درخش - برق - آذرخش - صاعقه - ذرخش

LIGHTNING ROD برقگیر

LIGHT PRESSURE فشار نور

LIGHT YEAR سال نوری

LIGNITE زغال قهوه‌ای - لیگنیت (لینیت)

LIME آهک

LIMESTONE سنگ آهک

LIMNOLOGY دریاچه شناسی

LIMON لای

LINE خط

LINGUISTICS زبان‌شناسی

LINMAP لین مپ

LITHARGE مردار سنگ

LITHOGRAPHY چاپ سنگی - لیتوگرافی

LITHOLOGY سنگ‌شناسی

LITHOMETEOR شهابگرد

LITHOSPHERE سنگ اسپهر - سنگره

LITRE لیتر

LITTORAL کرانی

LITTORAL DEPOSITS نهشت‌های کرانی

LOAM SOIL ایلیمز

LOCAL GROUP گروه محلی

LOCAL TIME ساعت محلی - زمان محلی

LOCKS آب بند - درند

LOESS بادرفت

LOGARITHM لگاریتم

LONGITUDE طول جغرافیائی

LONGITUDINAL VALLEY دره طولی

LONGITUDINAL WAVE موج طولی

LONG PROFILE OF A RIVER نمرخ طولی رودخانه

LONG-RANGE FORECAST پیش‌بینی دوربرد

LOPOLITH لوبولیت

LOWLAND زمین پست - فروبوم

LOW PRESSURE فروبار

LOW TIDE کشت پائین - فروکشد - جزر

LUMINOSITY تابندگی

LUNAR DAY روز قمری

LUNAR MONTH ماه قمری

LUNAR YEAR سال قمری

LYNCHET پادگانه

LYRA شلیاق

M

MAAR مار

MACH ماح

MACKEREL SKY آسمان پیسه

MACROSEISM مهلرزه

MAGMA مواد گداخته - ماگما - مواد مذاب - تغال

MAGMATIC WATER آب تگالی

MAGNET مغناطیس

MAGNETIC COMPASS قطب‌نمای مغناطیسی

MAGNETIC DECLINATION انحراف مغناطیسی

MAGNETIC NEEDLE عقربه مغناطیسی

MAGNETIC POLE قطب مغناطیسی

MAGNETIC STORM نواغ مغناطیسی

MAGNETISM آهنربائی

MAGNETOSPHERE مغناطکره - میدان مغناطیسی زمین

MAGNIFYING POWER درشتنمائی

MAGNITUDE OF AN EARTHQUAKE بزرگی زمین لرزه

MAIN LAND زمینلاد

MAIN OWNER عمده مالک

MAIZE دَرَت

MAIZE RAINS باران دَرَت

MALEKIAN CALENDAR تقویم ملکی

MAMMALIA پستانداران

MAMMATUS ابر ماماتوس

MAMMOTH ماموت

MAN انسان

MANDATE قیمومیت

MANDATE TERRITORY نواحی تحت قیمومیت - سرزمین تحت قیمومیت

MANGROVE SWAMP باتلاق کرنا

MANIOC مانیک (کاساوا)

MANTLE زیرپوش (جبه)

MANTLE OF THE EARTH گوشته زمین

MANTLE ROCK سنگپوش

MAP نقشه

MAP GRID شبکه بندی نقشه

MAP INDEX اندکس نقشه

MAP LEGEND راهنمای نقشه

MAP ORIENTATION توجیه نقشه

KELVIN SCALE	درجه کلوین
KEPLER'S LAWS	قوانین کپلر
KETTLE	چاله
KETTLE HOLE	دیگچال
KETTLE-MORaine	بخرفت چال
KEY	مله
KHAMSIN	حمسین
KHAZARS	خزرها
KIBLAH	قبله
KIBLAH DEVIATION	انحراف قبله
KILOGRAM	کیلوگرم
KILOGRAM FORCE	کیلوگرم نیرو
KILOMETER	کیلومتر
KILOPARSEC	کیلو پارسک
KNICK POINT	رودشکن
KNOLL	رشن
KNOT	گره - گره دریائی
KOEPPE CLASSIFICATION	رده بندی کوپ
KOLKHOZ	کلخوز
KRATOGEN	کرتوزن
KUM	قوم

L

LABOUR FORCE	نیروی کار
LABRADOR CURRENT	جریان لابرادور
LACCOLITE	لاکولیت
LACUSTRINE DELTA	دلتای دریاچه‌ای
LACUSTRINE PLAIN	هامون دریاچه‌ای
LAGOON	مرداب
LAGRANDELL	لاگرانددل
LAKE	دریاچه - بحیره - دریاچه
LAKE DWELLER	آبشین
LAKE DWELLING	آب‌سرا
LAKE RAMPART	آب‌باره
LAMBERT'S CONICAL PROJECTION	سیستم تصویر لامبر
LAND	خشکی - بر
LAND BREEZE	نسیم خشکی
LAND BRIDGE	کوچراه

LAND HEMISPHERE	نیمکره خشکی
LAND ICE	یخ زمینی
LANDSCAPE ARCHITECTURE	زمین آرای
LANDSLIDE	زمین لغزه
LANGUAGE	زبان
LAPLACE HYPOTHESIS	فرضیه لاپلاس
LAPSE RATE	افت دما
LARGE RIVER	شاهرود - شط
LASER	لیزر
LATERAL DUNE	تلماسه پهلویی
LATERAL EROSION	فرسایش کناری
LATERAL MORaine	بخرفت کناری
LATERITE	لتریت - خشتال - سرخاک
LATIN	لاتین
LATIN AMERICA	امریکای لاتین
LATITUDE	عرض جغرافیائی
LAVA	سعیر آتشفشانی - گدازه
LAW	قانون
LAW OF GENERAL GRAVITATION	قانون حاذبه عمومی
LAYER TINTING	رنگ آمیزی ارتفاعات
LEACHING	فروغشت
LEAD	سرب
LEAGUE	فرسخ - فرسنگ
LEAGUE OF NATIONS	جامعه ملل
LEAP YEAR	سال کبیسه - کبیسه
LEEWARD	بادپناه
LEGEND	علامه قراردادی نقشه
LEGISLATOR POWER	قوه مقننه
LEFT BANK RIVER	باجل چپ رودخانه
LENS	عدسی
LEO	اسد
LEVEE	لوار - خاکریز
LEVEL	تراز - طراز
LEVELLING	ترازبایی
LEVELLING INSTRUMENT	ترازیاب
LEVEL OF SATURATION	سطح اشباع
LIANA	پهچک
LIBERALISME	لیبرالسم
LIBRA	میزان
LIBRATION	لیبراسیون
LICHEN	گلشنک
LICHENOMETRY	گلشنک سنجی

INLIER درونپشته
 INSECT حشره
 INSOLATION خورتابگیری
 INSULAR CLIMATE .. آب و هوای ساحلی - اقلیم ساحلی
 INTENSE COLD شحام - زمهریر
 INTENSITY & MAGNITUDE OF AN EARTHQUAKE... شدت و بزرگی زمین لرزه
 INTENSIVE CULTIVATION کشت تنجیده
 INTERFLUVE میاناب
 INTERIOR DRAINAGE آببر بسته
 INTERIOR PLANETS سیارات دربین
 INTERLOCKING SPUR درّه هفتی
 INTERMEDIATE DESERT CLIMATE اقلیم بیابانی حد واسط
 INTERMONT میان دو کوه
 INTERNAL REVENUE درآمد داخلی
 INTERNATIONAL BORDER مرز بین المللی
 INTERNATIONAL DATE LINE خط تغییر تاریخ - خط تغییر روز
 INTERNATIONAL WATERS آبهای بین المللی
 INTERPOLATION درونیابی
 INTERSECTION تقاطع
 INTRUSIVE ROCKS سنگهای نفوذی
 INVARI فلز انوار
 INVERSION TEMPERATURE دمای معکوس
 INVERTASE قلب الاسد
 INVERTED RELIEF واژوه
 INVISIBLE EXPORTS صادرات نامرئی
 IODE ید
 IONOSPHERE یونکره - یون اسپهر
 IRANIAN CALENDAR تقویم رسمی ایران
 IRON آهن
 IRON AGE عصر آهن
 IRON ORE سنگ آهن
 IRREGULAR GALAXIES کهکشانهای نامنظم
 IRRIGATION آبیاری
 ISLAND جزیره - آبخت - آبخو
 ISLAND ARC جزایر هلالی
 ISLET جزیرک
 ISOBAR خط هم فشار
 ISOBATH خط هم ژرفا
 ISOCLINE چین هم خواب

ISOGONIC LINE خط هم انحراف - خط ایروگونیک
 ISOHALINE خط همشور
 ISOHEL خط همشید
 ISOHYET LINE خط همبارش
 ISOPLETH خط همچند
 ISOSTASY همستادی
 ISOTHERM LINE خط هم دما
 ISTHMUS بزرگ

J

JALALIAN CALENDAR تقویم جلالی
 JAMBOREE جمبوری
 JANUARY ژانویه
 JELTOZIOM زرد خاک
 JET شبق - شه
 JET STREAM جت استریم
 JOINT درزه
 JOKUL کلاهک یخی
 JUDICIAL POWER قوه قضائیه
 JULIAN CALENDAR تقویم ژولین
 JULY ژوئیه
 JUNE ژوئن
 JUPITER برجیس - هرمز - مشتری - راوس - اورمزد
 JURASSIC ژوراسیک
 JUVENILE WATER آب جوان - بزناپ

K

KAOLIN کائولین
 KARABURAN قره بوران
 KARST کارست
 KATABATIC فرو رو
 KATABATIC WIND باد فرو رو
 KAY کله

HOMOLOGRAPHIC PROJECTION سیستم تصویر همولوگرافی
 HOMOSEISMAL LINE خط هم لرزه
 HOOK آکج
 HORIZON افق - کران
 HORIZON SOIL خاک سطحی
 HORIZON SYSTEM سیستم محتما افقی
 HORN هورن
 HORSE LATITUDES عرضهای اسی
 HORST فرازمین - کوهه
 HORTICULTURE بوستانکاری
 HOT MINERAL WATER آب گرم
 HOT SPRING چشمه آب گرم
 HOUR ساعت
 HOUR ANGLE زاویه ساعتی
 HOUR CIRCLES دایره‌های ساعتی
 HOUSEHALD خانوار
 HUM آهکتود
 HUMAN ECOLOGY بومشناسی مردمی
 HUMID CONTINENTAL CLIMATE اقلیم قاره‌ای مرطوب
 HUMIDITY رطوبت - نم
 HUMID SUBTROPICAL CLIMATE اقلیم نیمه حاره‌ای مرطوب
 HUMUS گیا خاک
 HUNDRED TWENTY DAYS WIND باد صد و بیست روزه
 HURRICANE توفند
 HURRICANE EYE چشم توفان
 HUT زاغه
 HYBRID دورگه
 HYDRATATION هیدراتاسیون
 HYDRO-ELECTRIC POWER نیروی برقایی - نیروی هیدروالکتریک
 HYDROGEN هیدروژن
 HYDROGEOLOGY هیدروژئولوژی
 HYDROGRAPHY آبنگاری
 HYDROLOGIC CYCLE گردش آب
 HYDROLOGY آبشناسی
 HYDROLYZE هیدرولیز
 HYDROPHYTE نمرست
 HYDROSPHERE آبکره - آب اسپهر
 HYDROTHERMAL گرمایی
 HYETOGRAPH بارش نگار
 HYGROGRAM نمگاشت
 HYGROGRAPH نمنگار

HYGROMETER رطوبت سنج - نمسنج
 HYGROSCOPE نمنا
 HYPABYSSAL ROCKS سنگهای برفاکی
 HYPOTHESIS فرضیه
 HYPSONETER فراسنج
 HYPSONETRIC CURVE منحنی فرازنا - فرازنا



ICE یخ
 ICE AGE عصر یخبندان
 ICEBERG کوه یخ - یخکوه - یخ شناور
 ICE-BLINK یختاب
 ICE-CAP یخپهنه
 ICE-CAP CLIMATE آب و هوای یخپهنه‌ای - اقلیم یخپهنه‌ای
 ICEFALL یخشار
 ICE FIELD یخزار
 ICE-FLOE یخپاره
 ICE FOG یخمه
 ICE-FOOT یخپوزه
 ICE SHEET یخسار
 ICE SHELF جزیره یخی
 IGNEOUS ROCKS صخره‌های آتشفشانی - سنگ‌های آذرین
 IGNIS FATUUS فانوس شیطان - آتش مرداب
 ILLUMINATING GAS گاز روشنایی
 IMPERIALISM امپریالیسم
 IMPERMEABLE ROCKS سنگهای نفوذ ناپذیر
 IMPERVIOUS ROCKS سنگهای نفوذ پذیر
 IMPORTS واردات
 INCANDESCENT فروزان
 INCISED MEANDER چناب کند
 INCLINATION OF THE EARTH AXIS تمایل محور زمین
 INDEX OF REFRACTION ضریب انکسار
 INDIAN OCEAN اقیانوس هند
 INDUSTRY صنعت
 INFANT MORTALITY RATE میزان مرگ و میر نوزادان
 INFLATION تورم
 INFRARED RADIATION پرتوهای فروسرخ
 INFRARED RAYS اشعه مادون قرمز
 INHABITED QUARTER ربع مسکون
 INLAND درونبوم
 INLET شاخابه - خلیجک

GREAT CIRCLE ROUTE	راه دایره عظیمه
GREEN BELT	کمر بند سبز
GREEN FLASH	درخش سبز
GREEN HOUSE	گرمخانه
GREEN HOUSE EFFECT	اثر گرمخانه
GREEN MUD	گل سبز
GREEN SAND	ماسه سبز
GREENWICH	گرینویچ (گرینویچ)
GREENWICH MEAN TIME (G.M.T.)	زمان متوسط گرینویچ (گرینویچ)
GREENWICH MERIDIAN	نیمروز گرینویچ (گرینویچ) — نیمروز مبدأ
GREGORIAN CALENDAR	تقویم گرگوری
GRID NORTH	شمال شبکه قائم الزاویه
GRIT	درشت‌ماسه سنگ
GRITSTONE	درشت‌ماسه سنگ
GROIN	کرانه دار
GROUND WATER	آب زیرزمینی
GROUP	گروه
GROVE	بیشه
GROWING SEASON	فصل رویش
GULF	خلیج
GULF STREAM	جریان خلیج
GULLY	لر — کال
GUM	صمغ
GYPSUM	سنگ گچ (ژیپس) — گچ
GYPSY	گولی
GYROCOMPASS	قطب‌نمایژیروسکوپی
GYROSCOPE	ژیروسکوپ

H

HABITAT	بوم
HABOOB	هبوب
HACHURE	بردار — هاشور
HADE	شیب تمام
HAIL	تگرگ — پهنک
HALF CIVILIZED	نیمه متمدن
HALF INDEPENDENT	نیمه مستقل
HALITE	نمک پتگی
HALO	شادورد — هاله — شادورد

HANGING VALLEY	دره معلق — فرار دره
HANGING WALL	کمر بالا
HARBOUR	بندرگاه
HARDPAN	سخته
HARD WATER	آب سخت
HARMATTAN	هرمتن
HAZE	نزم
HEADLAND	سنگپوز
HEAD OF NAVIGATION	ناورس
HEAT	گرم
HEATHLAND	خلنجزار — خارستان
HEATSTROKE	گرم‌زدگی
HECTARE	هکتار
HEDGE	پرچین
HEDGE OF THORNS	خارست
HEGIRA-LUNAR CALENDAR	تقویم هجری قمری
HEGIRA-SOLAR CALENDAR	تقویم هجری شمسی
HEIGHT	بلندی
HEIGHT DATUM	مینای ارتفاعات
HELD IN COMMON	مشاع
HELIOGRAPH	خورنگار
HELIOThERAPIE	خوردرماسی
HELIUM	هلیوم
HELMHOLTZ THEORY	فرضیه هلمهولتز
HEMISPHERE	نیمکره
HEN	ماکیان
HERCULES	جانی علی رکتیه
HERCYNIIEN	هرسی نین
HEREDITY	توارث
HIBERNATION	زستان‌خوابی
HIGH LATITUDES	عرضهای بالا
HIGH PRESSURE	فراپا
HIGH TIDE	مد — برکشند
HIGH WAY	بزرگراه
HILL	تپه — خرپشته — کتل
HILLOCK	پرندهک
HILL SHADING	سایه زنی ارتفاعات
HILLY AREA	تپه ماهور
HINTERLAND	پس‌کرانه
HISTORY	تاریخ
HOAR FROST	بشم — سرما ریزه — بشک
HOLOCENE	هولوسن

G

GALAXIES کهکسایه - پروان کهکسایانها
 GALAXY گالکسان - آسمان دره
 GALE سد باد
 GALENA سنگ گالن
 GALLERY FOREST بالار جنگلی
 GALLON گالون
 GALL'S STEREOGRAPHIC PROJECTION سیستم تصویر استرئوگرافیک گال
 GANGUE هرره سنگ
 GAP شک
 GAS گاز
 GEANTICLINE تاو فرم - طاق فرم
 GELIVURE جنگاب
 GEMINI دو پیکر - حورا
 GENERAL GRAVITATION جاذبه عمومی
 GENERAL SELECTIONS انتخاب عمومی
 GEOANTICLINE تاو فرم - طاق فرم
 GEOBOTANY جغرافیای گیاهی
 GEOCHEMISTRY زمین شیمی
 GEOCHRONOLOGY زمانه شناسی
 GEOCOSMOGONY کیهان شناسی زمین
 GEODESIC رتودریک
 GEODESY رتودری - زمیسنجی
 GEOGRAPHICAL COORDINATES مختصات جغرافیائی
 GEOGRAPHICAL DISCOVERIES اکتشافات جغرافیائی
 GEOGRAPHICAL MILE میل جغرافیائی
 GEOGRAPHICAL NORTH شمال جغرافیائی
 GEOGRAPHISM جغرافیاگرایی
 GEOGRAPHY جغرافیا (جغرافی) - ژئوگراف
 GEOID ژئوئید - زمین وار
 GEOLOGICAL COMPASS قطب نمای زمین شناسی
 GEOLOGICAL PERIODS دوره های زمین شناسی
 GEOLOGICAL TIMES ارسه زمین شناسی
 GEOLOGY زمین شناسی
 GEOMORPHOLOGY زمین رخت شناسی - ژئومورفولوژی
 GEOPHYSICS ژئو فیزیک - زمین فیزیک
 GEOPOLITICS ژئوپولیتیک
 GEOSYNCLINE تاو زمین
 GEYSER آبشار

GEYSERITE آبشار سنگ سلیسی
 GIANT MARMIT دشت عول
 GIANT STARS عولپیکران - سارکان عولپیکر
 GIBRALTAR جبل طارق
 GISEMENT ریزما
 GLACIATION یخبکری
 GLACIER یخچال - یخچال های طبیعی
 GLACIER AVALANCHE یخس یخچالی
 GLACIER BREEZE سم یخچالی
 GLACIER CRIBBLES مریان های یخچالی
 GLACIER MILI آب یخچالی - یخچه یخچالی
 GLACIER SNOOT یخچال شور
 GLACIER TABLE میز یخچالی
 GLACIOLOGY یخشناسی
 GLADE روسته
 GLACED FROST یخبر
 GLOBIGERINA OOZES لجن های کلوسترسی
 GNEISS گنیس - کانیس
 GNOMONIC PROJECTION سیستم تصویر گنومونیک
 GOLD زر - طلا
 GONDWANA LAND گندوانا
 GORGE شک
 GOVERNMENT دولت
 GOVERNOR فرماندار
 GOVERNOR GENERAL والی
 GOVERNOR SHIP فرمانداری
 GRABEN فروورم
 GRADE گراد
 GRADIENT PRESSURE ریشکی فشار
 GRAINS حبوب
 GRAM گرم
 GRANITE سنگ حارا - کرایست
 GRAPHITE گرافیت
 GRASSLAND گیاهستان - علغزار
 GRAVEL س - رمل
 GRAVEL DESERT ساین سکی
 GRAVIMETRY عمل سنجی - کرای سنجی
 GRAVITATION کرایس
 GRAVITY عمل
 GRAVITY ANOMALIES ناهنجاری های عمل
 GRAVURE گراور
 GREAT CIRCLE دایره عظیمه

FIREBALL آذرگویی
 FIRE CLAY رس کوره‌ای
 FIRE-DAMP دم
 FIRN یخبرف
 FIRST DAY OF A LUNAR MONTH غره
 FISHERY شیلات
 FISHES ماهیان
 FISSURE شکاف
 FISSURE ERUPTION فوران تراکی - فوران شکافی
 FIXED STARS ستارگان ثابت
 FLAG پرچم
 FLASH FLOOD سیل ناگهانی
 FLAX کنان
 FLINT سنگ چخماق - آتشرنه
 FLOE تخته یخ
 FLOOD سیل - طغیان آب
 FLOOD CONTROL سیل بندی
 FLOOD PLAIN دشت سیلابی - جلگه سیلابی
 FLOOD TIDE کشند سیل
 FLOOD-WATER لور
 FLORA گیا
 FLOTSAM کالای آب آورده
 FLOW روانش
 FLUORITE فلوئوریت
 FLUVIOGLACIAL یخاب فرسایشی
 FLUX شار
 FLYSCH فلیش
 FOCUS کانون
 FOG مه
 FOG-BOW مهکمان - طیف کوهستان
 FOHN گرمباد - برف خوره
 FOLD چین - تاخوردگی
 FOOT پا - فوت
 FOOT HILL پای کوه
 FOOT WALL کمر پائین
 FORD گذار - پاباب
 FORECAST پیش بینی
 FORE DUNE تلمابه ساحلی
 FOREIGN CURRENCY ارز
 FORESHORE پیشکرانه
 FOREST جنگل
 FORESTRY جنگلبانی (جنگلکاری)

FORMATION سازند
 FORT دیزه - دژ - قلعه - حصار
 FOSSE خندق
 FOSSIL سنگواره - فسیل
 FOSSIL WATER آب سنگواره‌ای
 FOUCAULT'S PENDULUM آونگ فوکو
 FOUR ELEMENTS چهار عنصر
 FOWL ماکیان
 FRACTIONAL CRYSTALLIZATION تبلور تدریجی
 FRACTIONAL DISTILLATION تقطیر تدریجی
 FRAUNHOFER LINES خطوط فراونهوفر
 FRAZIL یخ اسفنجی
 FREE FALLING سقوط آزاد
 FREE PORT بندر آزاد
 FREESTONE نرمه سنگ
 FREE TRADE تجارت آزاد - بازرگانی آزاد
 FREE WAY آزاد راه
 FREEZING-POINT نقطه انجماد
 FREEZING SOLIDIFICATION انجماد
 FRESHET سیلاب
 FRIABLE نرمه
 FRIGID CLIMATE آب و هوای قطبی - اقلیم مجده
 FRIGID ZONE منطقه منجمده
 FRINGING REEF آبسنگ پشته‌ای
 FRONT جبهه
 FRONTAL FOG مه جبهه‌ای
 FRONTIER نوار مرزی
 FROST یخبندان - بشمه
 FROSTBITE سرمازدگی
 FROST BOUNDARY مرز یخبندان
 FROST BURN یخ سوز
 FROST HEAVING یخیدن
 FRUIT BELT کمربند میوه
 FUELLING STATION ایستگاه سوختگیری
 FULL MOON بدر - ماه شب چهارده
 FUMAROLE دودخان

EUCALYPTUS	اکالیپتوس
EURASIA	اروپا-آسیا
EUROPE	اروپا - فرنگ
EUROPIAN MONTHES	ماه‌های اروپائی
EVAPORATION	تبخیر
EVAPORIMETER	تبخیر سنج
EVAPOTRANSPIRATION	نمک‌های
EVENING STAR	ستاره شامگاهی
EVENING TWILIGHT	شفق
EVENTIDE	شامگاه
EVEREST	اورست
EVERGLADE	بیشه آبگیر
EVOLUTION	تکامل
EVORSION	آب‌فرسائی - آب‌سائی
EXARATION	بخسائی - یخ‌فرسائی
EXCLAVE	برونوم
EXECUTIVE POWER	قوه مجریه
EXFOLIATION	رویه‌سائی
EXHUMATION	زدایش
EXOBIOLGY	زیست‌شناسی کیهانی
EXOGAMY	برونگانی
EXOGENETIC	برون زائی
EXOSPHERE	برون اسفر - برونکره
EXPANSION	انبساط
EXPANSIONAL UNIVERSE	جهان انبساطی
EXPANSION OF UNIVERSE	انبساط جهان
EXPLORATION	کاوش
EXPORTS	صادرات
EXTENSIVE AGRICULTURE	کثاوری مگانیزه
EXTINCT VOLCANO	آتشفشان مرده
EXTRAGALACTIC NEBULA	سحابی برون کهکشانی
EXTRAPOLATION	برون‌سائی
EXTRATERRITORIAL	برون‌مرزی
EXTREME CLIMATE	آب و هوای افراطی - اقلیم افراطی
EXTREMES OF TEMPERATURE	افراط دما
EXTREME SUBPOLAR CLIMATE	اقلیم نیمه قطبی انتهائی
EXTRUSION	برون افکنی
EXTRUSION FLOW OF ICE	برون رانی یخ
EXTRUSIVE ROCKS	سنگ‌های خروجی

F

FACET	تراش
FACIES	رخساره
FAHRENHEIT	درجه فارنهایت - فارنهایت
FAIR	بازار مکاره
FAIRWAY	ناورو
FALLING STAR	شهاب ثاقب - تیر شهاب - نیزک
FALLOW	آیش
FALSE ORIGIN	مبداء مختمات
FAMILY	خانواده
FAN-FOLDING	چین بادزنی
FAR EAST	شرق دور - غاور دور - شرق اقصی
FARM	کشتزار - کشتمان - مرعه
FARMER	دهقان
FAST-ICE	یخ سراسری
FATHOM	فانوم
FATHOMETER	ژرفاسنج
FAULT	گسله
FAULT-LINE SCARP	برتگاه گسلی
FAULT PLANE	سطح گسلی
FAULT-SPRING	چشمه گسلی
FAUNA	زیا
FEATURE	عارضه
FEBRUARY	فوریه
FEDERATION	فدراسیون - دولت فدرال
FELDSPATH	فلدسپات
FEN	لشاپ
FENLAND	لشاپزار
FEODALISM	فئودالیسم
FERREL'S LAW	قانون فرل
FERROMAGNESIAN MINERAL	کانه فرو منیزیم
FERTILE CRESCENT	هلال خصیب
FERTILITY RATIO	نسبت باروری
FERTILIZER	کود
FETID WATER	گنداب - پارگین
FIELD DENSITY	شدت میدان
FIELD WATCHMAN	دشتبان
FINENESS	عیار
FINGER LAKE	دریاچه انگشتی
FIORD	آبهره - یخکند

EASTERLY سرق وزان - باد سرق وزان
 EASTERN HEMISPHERE سمرکه حاوری - مشرق رمین
 EASTING طول حاوری
 EBB CHANNEL پس شیبی
 EBB TIDE سسکسد
 EBONY آسوس
 EBOULIS کهربر
 EBOULIS CONE محروط کهربر
 EBULLITION علیان
 ECHO یرواک
 ECHO-SOUNDER اکوساندر
 ECKERT PROJECTION سیم صویر اکرت
 ECLIPSE گرفت
 ECLIPSE OF THE MOON ماه گرفت - مهگرفت
 ECLIPSE OF THE SUN کسوف - خور گرفت
 ECLIPSES OF THE JUPITER MOONS گرفت افکار منسری
 ECLIPTIC دایره الروح
 ECOLOGY بومشاسی
 ECONOMIC GEOGRAPHY جغرافیای اقتصادی
 ECONOMIC IMPERIALISM توسعه جوئی اقتصادی
 ECONOMY کد آمائی - اقتصاد
 EFFLUENT سر ریزه
 EFFONDREMENT رمیش
 ELASTICITY کشایی
 E-LAYER لایه E
 ELBE GLACIATION یخندان الب
 ELECTROLYTE الکترولیت
 ELECTROLYZE الکترولیز
 ELECTROMAGNETIC WAVES امواج الکرومغناطیسی
 ELEMENT عنصر
 ELEVATION فرازا
 ELLIPSOID بیضوی
 ELLIPSOID OF REFERENCE بیضوی مقایسه
 ELLIPSOID OF THE EARTH بیضوی رمین
 ELLIPTICAL GALAXIES کهکسایه های بیضوی
 ELUVIONS بارفت
 EMERALD رمرد
 EMIGRANT مهاجر
 EMIGRATION مهاجرت
 EMPIRE امپراطوری
 ENDOGAMY دروگائی
 ENDOGENETIC درویرائی

ENERGY انرژی
 ENGLACIAL RIVER یخاب
 ENTREPOT کالسار
 EOCENE ائوس
 EOLITH اسکمه سنگی
 EPEIROGENESIS خشکیرائی
 EPEIROGENESIS MOTIONS حرکات خشکیرائی
 EPHEMERIES زیج
 EPICENTER مرکز رمین لرزه
 EPIDEMIC همه گیر
 EPIGENE رویه زایی
 EPOCH دور
 EQUAL-AREA PROJECTION سیستم تصویر هم پهله
 EQUALITY OF RIGHTS برابری حقوق
 EQUATION OF TIME تعدیل زمان
 EQUATOR سیمگان زمین - استواء زمین - خط استواء
 EQUATORIAL استوائی
 EQUATORIAL CLIMATE اقلیم نیمگانی آب و هوای استوائی
 EQUATORIAL CURRENTS جریان های استوائی
 EQUATORIAL RAIN FORESTS جنگلهای استوائی
 EQUATORIAL STORMS توفان های استوائی
 EQUATORIAL SYSTEM سیستم مختصات استوائی
 EQUATORIAL ZONE منطقه استوائی
 EQUILIBRIUM ترازمدی
 EQUILIBRIUM SPHEROID شبه کره ترازمند
 EQUILIBRIUM THEORY فرضیه ترازمدی
 EQUINOCTIAL GALE تند بادهای برابرایی
 EQUINOXES برابران - اعتدالیس
 ERA دوران - عهد
 EROSION فرسایش
 ERRATIC BLOCKS سنگهای سرگردان
 ERUPTION فوران مواد آتشفشانی
 ESCARPMENT تنده
 ESKER شن رسه
 ESPINAL خارزار
 ESTATES REGISTRATION ثبت املاک
 ESTUARY مصب - دهانه رودخانه - کشدان - خور
 ETANG گرم - کول - تالاب - کولاب - موژ - زی - کوله
 ETHER اتر - ائیر
 ETHNOGRAPHY نژاد نگاری
 ETHNOLOGY نژاد شناسی

DISCORDANCE نامواقع
 DISCORDANT COAST کرانه ناهمرو
 DISCORDANT STREAM روانه نامواقع
 DISCRETE SOURCE چشمه‌های محرا
 DISINTEGRATION COEFFICIENT صرب تلاشی
 DISLOCATION گسلش
 DISPERSION DIAGRAM دیاگرام پراکش
 DISPLACEMENT THEORY فرضیه جابجائی فاره‌ها
 DISSECTED PLATEAU فلات گسیخته
 DISSECTION گسلش
 DISTANCE مسافت - فاصله
 DISTILLATION غطیر
 DISTRIBUTARY رود ناخه
 DISTRICT بخش
 DITCH گریسگ - حفره
 DIURNAL MOTION حرکت روزانه
 DIURNAL RANGE برد روزانه
 DIURNAL TIDE کسید روزانه - جزر و مد روزانه
 DIVAGATION سرش
 DIVIDE آب پخش - خط الرأس
 DOCTOR دکتر
 DOG DAYS گرم‌روزان
 DOLICHOCEPHALIC دراز سری
 DOLINA دولین
 DOLINE دولین
 DOLMEN دولمن
 DOLOMITE دولومیت
 DOME کسده
 DOMINION دومینون
 DONGA سیلاکند
 DORMANT VOLCANO آتشفشان خاموش
 DOT MAP نقشه معقوف
 DOUBLE STARS سارکان دوتائی - سارکان دوکاد - سارکان مضاعف
 DOUBLE TIDE کسید مضاعف
 DOWN STREAM فروداب
 DRAIN رهاب
 DRAINAGE رهکشی
 DREDGING لاروسی
 DRIED FRUITS خشکار
 DRIFT راه

DRIZZLE برمه باران
 DROUGHT خشکالی
 DROVE راه مالرو
 DROWNED VALLEY عمق‌دره
 DRUMLIN حاکه
 DRY AVALANCHE سهم حشک
 DRY BULB TEMPERATURE دمای حشک
 DRY DELTA دلبای حشک
 DRY FARMING دم - برراستدم - کشاورزی دم
 DRY LAND خشکسار
 DRY RIVER مسیل - آبر - لورکند
 DRY SUMMER SUBTROPICAL CLIMATE اقلیم نیمه حاره‌ای دارای تابستان حشک
 DRY VALLEY خشک‌رود
 DUMPY LEVEL براریات ساده
 DUNE ریک روان - تل‌ماسه
 DUST غبار
 DUST CLOUD THEORY نظریه غباری
 DUST COUNTER غبارسح
 DUST DEVIL سوره دیو
 DUST STORM دیو باد - طوفان گرد و غبار
 DUST WELL گرد جال
 DWARF STARS کوتوله‌ها - سارکان کوتوله
 DYKE دیوال
 DYKE SPRING چشمه دیوالی
 DYNAMIC دینامیک
 DYNE دین

E

EARTH ارض - زمین
 EARTH CRUST قشر زمین
 EARTH FLATTENING خمی زمین
 EARTH HEMISPHERE نیمکره زمین
 EARTH PILLAR کرر دیو
 EARTHQUAKE زلزله - زمین لرزه - بومپ
 EARTHQUAKE PERIOD دوره زمین لرزه
 EARTH SCIENCES علوم زمین - دانش‌های زمینی
 EAST برآمدنگاد - مشرق - شرق - حاور

DAWN	سیده دم - حرکت - سبک - نگاه
DAY	روز
DAYLIGHT SAVING TIME	زمان - بهرشتی از روستائی روز
DAY & NIGHT	سایروز - روز و شب
DEAD GROUND	زمین سبک - زمین محلی
DEAD ICE	حقال اسفاده
DEAD RECKONING	ناوری کور
DEAD VALLEY	حسکدره
DEATH RATE	مراک مرگ و میر
DEBACLE	آسار
DEBRIS	اوار
DECADE	دعه
DECAMP	کوج
DECEMBER	دسامبر
DECLINATION	دکلی برون
DEEP	بی سبک
DEEP FOCUS	کانون رقی
DEEP OCEAN	رقما
DEEP WATER	عرفاب
DEFILE	کریوه
DEFINITION OF BOUNDARY	حدید حدود
DEFLATION	باد روس
DEFORESTATION	پاکسازی
DEGRADATION	مروستائی
DEGREE	درجه
DEHYDRATION	ساییدن
DELPHINUS	دلین
DELTA	دلتا
DEMOCRACY	دموکراسی
DEMOGRAPHIC COEFFICIENT	صرب جمعیت سبکی - صرب اسوه نگاری
DEMOGRAPHY	جمعیت شاسی - اسوه نگاری
DENDRITIC	سحری
DENDRITIC DRAINAGE	حوینار سحری - رهکی سحری
DENDROCHRONOLOGY	دار زمان سبکی
DENDROLOGY	درخ سبکی - دارستانی
DENSITOMETER	چکالی سنج
DENSITY	اسوهن - تراکم
DENSITY CURRENT	حران چکالین
DENSITY OF POPULATION	تراکم جمعیت - جمعیت سبکی - چکالی جمعیت - اسوهن جمعیت
DENUDATION	برهنگی

DEPENDENCY	نسب
DEPOSITION	نسب
DEPRESSION	مخرد - نوال - سوبار
DESALINATION	سکزدائی
DESCENT	سبک
DESERT	سبک - کور - سحر - خاموش - سبک - رهوب
DESERT PAVEMENT	سکفین سبکی
DESERT TABLE	میز سبک
DESERT VARNISH	حلی سبک
DESICCATION	حسکی کوانی
DESTILATION	سلس زدائی
DESTRABLE TEMPERATURE	دمای مطلوب
DESTRUCTIVE WAVE	موج ویرانگر
DETERMINISM	حسب جغرافیا
DETRITUS/ROCK FLOUR	سبک آواری
DEUTERIUM	دوتریوم
DEVELOPMENT	سرف - سوه
DEVONIAN	دوین
DEW	راله - سیم
DEW POINT	عنه سیم
DIABASE	دیار
DIAMETER	قطر
DIAMOND	الماس
DIASTROPHIC FORCES	سروهان دگراز
DIATOM	دیانومه
DIATOMACEOUS EARTH	حاک دیانومی
DIATOM Ooze	لح دیانومی
DICTATORSHIP	دیکتاتوری
DIFFERENTIAL ANTHROPOLOGY	مردم نسبی سبکی
DIFFRACTION	پاشمان
DIFFUSION	واپانی - پراکش
DIHEDRAL ANGLE	راوبه دو سطحی
DIKE	دوال
DILUVIUM	دایرف
DINOSAURS	دایناسورها
DIOCESE	اسقف شین
DIORITE	دیوریت
DIP	دیب
DIRECTION FINDING	حبب پایی - سبب پایی
DISAPPEARING STREAM	حورابه - گمرو
DISCHARGE OF A RIVER	بده
DISCONTINUITY	افصال

COAST	کرانه - ساحل - کناره	CONFLUENT	هماب
COASTAL PLAIN	دشت ساحلی - کرانه دشت - جلگه ساحلی	CONGLOMERATE	جوشنگ
COASTLINE	خط ساحلی	CONICAL PROJECTION	سیستم تصویر مخروطی
COBBLESTONE	قلوه سنگ	CONIFEROUS FORESTS	جنگل‌های مخروطی
COEFFICIENT OF EXPANSION	ضریب انبساط	CONNATE WATER	آب همزاد
COEXISTENCE	همزیستی	CONSEQUENT RIVER	پیرو
COFFEE	قهوه	CONSERVATION	حفاظت محیط زیست
COFFERDAM	بستاب	CONSERVATOR	محافظه کار
COKING COAL	زغال کوک	CONSTELLATION	صورت فلکی - صورتهای نجومی
COLD DESERT	کویر سرد	CONSTITUENT ASSEMBLY	مجلس مؤسسان
COLD FRONT	جبهه سرد	CONSTITUTION	قانون اساسی
COLD GLACIER	یخچال سرد	CONSULATE	کنسولگری
COLD LITTORAL CLIMATE	اقلیم ساحلی سرد	CONTINENT	قاره - خشکاد
COLD MARINE CLIMATE	اقلیم دریائی سرد	CONTINENTAL AIR MASS	توده هوای قاره‌ای
COLD POLE	قطب سرد	CONTINENTAL CLIMATE	اقلیم خشکادی - آب و هوای قاره‌ای
COLD REGION	سرد سیر	CONTINENTAL DRIFT	رانه قاره‌ای - اشتقاق خشکی‌ها
COLD WALL	دیوار سرد	CONTINENTAL ISLAND	جزیره قاره‌ای
COLD WATER DESERT	بیابان آب سرد	CONTINENTAL PLATFORM	سکوی قاره‌ای
COLD WAVE	موج سرد	CONTINENTAL SEA	دریای قاره‌ای
COLD WIND	زم - باد صرصر	CONTINENTAL SHELF	فلات قاره - سزرغا شیب - کفه دریائی
COLLECTIVE FARMING	کشاورزی اشتراکی	CONTINENTAL SLOPE	سراشیب قاره‌ای
COLLIMATOR	عدسی موازی ساز	CONTOUR-INTERVAL	فاصله منحنی‌های تراز
COLONY	کلنی - مهاجرنشین	CONTOUR LINE	منحنی میزان - منحنی تراز - خط تراز
COMET	ستاره دنباله‌دار	CONTOUR LINES	خطوط تراز
COMETS	ستارگان دنباله‌دار - دنباله‌داران - ذوات الاذنب	CONTRACTION	انقباض
COMMENSALISM	همکاری	CONTRACTION THEORY	فرضیه انقباض
COMMERCIAL GEOGRAPHY	جغرافیای تجاری	CONVECTION	فرارفت - همرفت - انتقال گرما
COMMUNION	خرد شدگی	CONVECTION CURRENT	جریان همرفت
COMMONWEALTH	مشترک المنافع - کامنولث	CONVECTION RAIN	باران همرفت
COMMUNISM	کمونیسم	CONVENTION	کنوانسیون (پیمان بین المللی)
COMMUNITY	جامعه	CONVERSION THE SPHERE TO FLAT SURFACE	تسطیح کره
COMMUNITY SETTLEMENTS	جامعه‌های اشتراکی	CO-OPERATION	تشریک مساعی
COMPACTION	تراکم - فشردگی	COPERNICUS SYSTEM	منظومه کوپرنیک
COMPASS	قطب‌نما	COPPER	مس
COMPASSES	برگار	COPPICE	جنگل برشی
COMPETENCE OF A STREAM	قابلیت یک روانه	COPSE	جنگل برشی
CONCORDANT COAST	کرانه همرو - کرانه موافق	CORAL	مرجان
CONCRETION	سنگال	CORAL ISLAND	جزیره مرجانی
CONDENSATION	تکاثف	CORAL MUD	گل مرجانی - لجن مرجانی
CONDENSATION TRAIL	دنباله تکاثفی	CORAL REEF	آبستگ مرجانی
CONFEDERATION	کنفدراسیون	CORAL SAND	ماسه مرجانی
CONFLUENCE	دو آب - پیوستگاه		

CENTAUR قنطورس
 CENTIGRADE سانتیگراد
 CENTIGRADE SCALE درجه سانتیگراد
 CENTIGRAMME سانتیگرم
 CENTIMETER سانتیمتر
 CENTRAL BUSINESS DISTRICT مرکز داد و ستد
 CENTRAL ERUPTION فوران مرکزی
 CENTRAL GOVERNMENT دولت مرکزی
 CENTRALITY مرکزیت
 CENTRALITY INDEX شاخص مرکزیت
 CENTRALIZATION تمرکز
 CENTRAL PLACE مرکز نامین نیازمندی‌ها
 CENTURY سده - قرن
 CEPHALIC INDEX درجه بندی کاسه سر - شاخص سر
 CEPHALOMETRY کاسه سر سنجی
 CEPHEUS فیفاوروس
 CEREALS غلات - بنش - بغولات
 CHAIN سلسله کوه - ریحیره - رشته
 CHALK گل سفید
 CHALYBEATE آب آهی دار
 CHAMPIGNON قارچ بادی
 CHANNEL میراب - باب - تنگه
 CHANNEL FLOW نگیاب
 CHANNEL STORAGE سیل سد
 CHARACTER خط
 CHARCOAL رغال
 CHART چارت
 CHART DATUM مسای عمق یابی
 CHEMICAL WEATHERING ساید شیمیایی
 CHERNOZEM خاک چرسوزیوم
 CHIMNEY دودکش
 CHINA ماچین
 CHINA CLAY خاک چینی
 CHINOOK چیوک
 CHLOROPHYLL سبزه - کلروفیل
 CHOROCHROMATIC MAP نقشه رنگارک
 CHOROGRAPHY کوره نگاری
 CHOROLGY کوره شناسی
 CHROMOSPHERE رنگینکره - فام اسپهر
 CHRONOLOGY گاهشماری - سالاری
 CHRONOMETER کرومومتر
 CINDER CONE مخروط اخگری

CIRCLE OF LIGHT دایره روشائی
 CIRCUMDENUDATION پاییده کوه
 CIRCUMEROSION پاییده کوه
 CIRCUMFERENCE OF EARTH محیط کره زمین
 CIRCUMPOLAR STARS ستارگان دور قطبی - ستارگان حول قطبی
 CIRQUE چالان - چالگاه
 CIRROCUMULUS ابر سیروکومولوس
 CIRROSTRATUS ابر سیروسترانوس
 CIRRUS ابر سیروس
 CISTERN آبدان - آب انبار
 CITIZEN شهروند - شاربند - معدن
 CITIZENSHIP تابعیت
 CITRUS FRUITS مرکبات
 CITY شهر
 CITY STATE کشور شهر
 CIVIL DAY روز معمولی - روز عرفی - شبابروز عرفی
 CIVILIZATION معدن
 CIVIL TIME زمان عرفی
 CIVIL YEAR سال عرفی - سال معمولی
 CLASS رده
 CLASSIFICATION رده بندی
 CLAY رس - خاک رس - رست
 CLAY-SLATE لوح رستی
 CLEARING سروده
 CLEAVAGE شکافت
 CLIFF صخره - ندان - پرگاه
 CLIMATE اقلیم - آب و هوا
 CLIMATIC REGION مناطق آب و هوایی - ناحیه اقلیمی
 CLIMATIC ZONES مناطق پنجگانه
 CLIMATOGRAPH اقلیم نگار - واینکار
 CLIMATOLOGY آب و هواشناسی
 CLIMATOTHERAPY وایدرماسی
 CLIMOGRAM وایگانت
 CLINOMETER شیب سنج
 CLOCK ساعت
 CLOD کلوخ
 CLOUD ابر - حباب
 CLOUDBURST رگبار
 CLOUDINESS ابر آلودگی
 CLUSTERS خوشه‌ها
 COAL زغال سنگ
 COAL GAS گاز چراغ - گاز زغال

BROCKEN SPECTRE	طیف بروکن
BRONZE AGE	عصر برنز - عصر مفرغ
BROOK	جوسار - جوی
BRUCKNER CYCLE	سکال بروکنر
B.T.U.	بی. تی. یو.
BUDGET	بودجه
BUDGET REVENUE	درآمد بودجه
BUFFLE STAIL	کبوتر صابک
BUOY	سازه - کوه
BURAN	بوران
BURROW	حف
BUSH	بوشدار - شمش
BUTTE	بحال
BUYSBALLOU'S LAW	نایون بوس بالو

C

CACAO	کاکائو
CAENOZOIC ERA	دوران نوزوی
CAIRN	سکجی - سنگ نشانه
CALCITE	کالسیت
CALCIUM	کلسیم
CALDERA	کاله آشفناپی
CALENDAR	قویم - کاهنامه
CALMS	آرامکان
CALMS OF CANCER	آرامکان سرطان
CALMS OF CAPRICORN	آرامکان جدی
CALORESCENCE	کرمایی
CALORIE	کالری
CALVING	حرائی
CAMBRIAN PERIOD	کامبرس
CANAL	کانال - آبراهه - ترعه - آوره - قسم
CANCER	سرطان - خرچنگ
CANE-BRAKE	سزار
CANNABIS	کف
CANOPUS	ساره سهیل
CANYON	کانون
CAPACITY	ظرفیت

CAPE	دماغه - راتس
CAPELLA	عنوق
CAPILLARITY	موئمکی
CAPITAL	باخت
CAPITALISM	سرمایه داری - کاپیتالسم
CAPITULATION	کاپیتولاسیون
CAPRICORN	جدی
CAP ROCK	پونسک
CARAT	میراط
CARAVANSARY	کاروانسرا
CARBON	کرس
CARBON CYCLE	حلقه کرس
CARBON DIOXIDE	گاز کربنیک - دی اکسید کرس
CARBONIFEROUS PERIOD	کربوسفر - دوره عالیفر - عالینه
CARDINAL POINTS	
	جهات اربعه - جهات اصلی - جهات چهارگانه - چهارجهت اصلی
CARTESIAN	کارتزین
CARTOGRAPHY	کارتوگرافی - نقشه نگاری
CASCADE	شرشه
CASSIOPEIA	ذات الکری
CASTE	فرقه
CATASTROPHISM	کاتاستروفسم
CATCHMENT AREA	آبریز
CATHETOMETER	بالاسنج
CAUSALITY	علیت
CAVE	غار - راعه
CAVE DWELLER	غارشین
CAVERN	غار
CAVIARE	خاوبار
CELESTIAL AXIS	محور عالم
CELESTIAL EQUATOR	
	سیمگان عالم - استواء عالم - معدل النهار
CELESTIAL HORIZON	افق عالم
CELESTIAL MERIDIAN	صف النهار عالم
CELESTIAL POLES	قطبین عالم
CELESTIAL SPHERE	
	کره آسمان - کره عالم - کره سماوی - کره فلکی
CELL	یاخته
CELLAR	سرداب
CELSIUS SCALE	درجه سلسیوس
CEMENT	سیمان
CENSUS	سرشماری

BANK سکو
 BAR بار - بنداب
 BARELY جو
 BARITE باریت
 BARKHAN برخان
 BAROGRAPH فشار نگار
 BAROMETER بارومتر - فشار سنج - هوا سنج
 BAROMETRIC PRESSURE فشار هوا - فشار جو
 BARREL بشکه - چلیک
 BARREN لم بزرع - مجداب
 BARRIER REEF سد آبسنگی
 BARYSPHERE درون اسپهر
 BASALT سیاه سنگ - بازالت
 BASAL WRECK کاسه آتشفشانی
 BASCULE باسکول
 BASE LEVEL تهنراز
 BASIN آبگیر - حوضه
 BASTION باستیون
 BATHOLITH باتولیت - ژرفسنگ
 BATHYAL ZONE ژرفین
 BATHYMETRY ژرفا سنجی - عمق سنجی
 BATHYSPHERE سنگین اسپهر - سنگینکره
 BAY خلیج
 BEACH دریا کنار
 BEARING سویه - بیرینگ
 BEAUFORT SCALE طبقه بندی بوفورت - درجه بندی باد
 BED بستر
 BEDDING PLANE بستره
 BED ROCK سنگ بستر
 BEETROOT چغندر
 BELT منطقه
 BENCH MARK بنچ مارک - انگاپه
 BENELUX بنلوکس
 BENTHOLOGY بناب زی شناسی
 BENTHOS بن زی
 BENZINE بنزین
 BERBERS بربرها
 BILL منقار
 BINARY STARS ستارگان دوتایی - ستارگان مزدوج
 BIOCLIMATOLOGY زی و آب شناسی - اقلیم شناسی زیستی
 BIOECOLOGY زیست بوم شناسی

BIOGEOGRAPHY گیتاشناسی زیستی - جغرافیای زیستی
 BIOLOGY زیست شناسی
 BIOMETRY زیستسنجی
 BIOPHYSICS زیستفیزیک
 BIOSPHERE زیست اسپهر - زیستکره
 BIRDS پرندگان
 BIRTH PLACE زادبوم
 BIRTH RATE میزان تولد
 BITTER LAKE تلخاب
 BITTERN تلخاب
 BITUMINOUS COAL رغال قیری
 BLACK EARTH سیا خاک
 BLACK TENT سیاه چادر
 BLIND VALLEY کور دره
 BLIZZARD دمه - توفان برف
 BLOOD RAIN باران سرخ
 BLOW-HOLE دیگ جن
 BLUE MUD گل کبود
 BLUFF بریدگی
 BODE بود
 BODE'S LAW قانون بود
 BOG خلاش
 BOGAZ بغاز
 BOILING POINT نقطه جوش - نقطه غلیان
 BOLID آذرگوی
 BOLOMETER تابش سنج
 BONNE'S PROJECTION سیستم تصویر بون (بن)
 BOOTES قوّه
 BORDER مرز - سرحد
 BORE اشترک
 BOROUGH قصبه
 BOTANY گیاه شناسی
 BOULDER گرداله
 BOULDER CLAY یخنهشت
 BOURNE دزده رود
 BRACHYCEPHALIC پهن سری
 BREAKER شکن
 BREAKWATER موج شکن
 BREEZE نسیم
 BRIDGE پل
 BROAD پهناپ

AQUAFER آبزا - آبده
 AQUARIUS دلو
 AQUEDUCT آبار - آب بر
 AQUIFER LEVELS سطح آبدار
 ARAB عرب
 ARABIC GUM صمغ عربی
 ARAB LEAGUE اتحادیه عرب
 ARABLE LAND زمین کشتنی - زمین قابل کشت
 ARC قوس - کمان
 ARCHAEOLOGY باستان شناسی
 ARCHAEZOIC ERA دوران پارسین زوی
 ARCHER قوس
 ARCHIPELAGO مجمع الجزایر
 ARCTIC شمالگان
 ARCTIC AREAS نواحی شمالگان
 ARCTIC CIRCLE مدار قطبی شمال - مدار شمالگان
 ARCTIC OCEAN اقیانوس منجمد شمالی - اقیانوس شمالگان
 ARE آر
 ARETE تیزه
 ARGILLITE آرژیلیت
 ARGON آرگون
 ARID کماب
 ARIES حمل
 ARMILLARY SPHERE ذات الحلق
 ARTESIAN WELL چاه آرتزین - چاه جهنده
 ARTIFICIAL FEATURE عارضه مصنوعی
 ARTIFICIAL RAIN باران مصنوعی
 ASBESTOS پنبه کوهی
 ASH CONE مخروط خاکستر
 ASIA آسیا
 ASIA MINOR آسیای صغیر
 ASTERODIS سیارگان - ستاره دیس
 ASTROABE اسطرلاب
 ASTROMETRY ستاره سنجی
 ASTRONOMICAL COORDINATES مختصات نجومی
 ASTRONOMICAL HORIZON افق نجومی
 ASTRONOMICAL LATITUDE عرض نجومی
 ASTRONOMICAL LONGITUDE طول نجومی
 ASTRONOMICAL TRIANGLE مثلث نجومی
 ASTRONOMICAL UNIT واحد نجومی
 ASTRONOMY نجوم - هیئت - ستاره شناسی

ATLANTIC OCEAN اقیانوس اطلس
 ATLANTIDE آتلانتید
 ATLAS اطلس
 ATMOSPHERE جو - اتمسفر - آتمسفر
 ATMOSPHERE LAYERS لایه های جو
 ATMOSPHERICAL UNIT واحد فشار جو
 ATMOSPHERIC DUST غبار جوی
 ATMOSPHERIC PRESSURE فشار جو - فشار هوا
 ATMOSPHERIC REERACTION شکست جوی - انعکاس جوی
 ATOLL آبسنگ حلقوی - آتول
 ATOM اتم
 ATOMIC ENERGY انرژی اتمی
 ATOMIC HEAT حرارت اتمی
 ATTRACTION جاذبه
 AUGUST اوت
 AURORA سپیده قطبی - سپیده جوی - شفق جوی - شفق قطبی
 AURORA AUSTRALIS فجر جنوبی - سپیده جنوبی - شفق جنوبی
 AURORA BOREALIS فجر شمالی - سپیده شمالی - شفق شمالی
 AUSTRALIA استرالیا (اقیانوسیه)
 AUTOBAHN شاهراه
 AUTONOMY خودمختاری
 AUTUMN پاییز
 AUTUMNAL EQUINOX برابران پاییزی - اعتدال پاییزی - اعتدال خریفی
 AVALANCHE بهمن
 AVALANCHE CONE مخروط بهمن
 AVALANCHE WIND باد بهمن
 AVEN چاهک
 AVESTAIAN CALENDAR تقویم اوستایی
 AXIS محور
 AXIS OF THE EARTH محور زمین
 AYLUL ایلول
 AZIMUTH ازیموت - گرای
 AZIMUTHAL PROJECTION سیستم تصویر سمت الراسی

B

BACKING واگست
 BACTERIA باکتری ها
 BADLANDS بدبوم
 BALLOON SONDE بالون هواشناسی

AIRSICKNESS هواردکی
 AITOFF'S PROJECTION سسم صور آفوف
 ALBEDO صرب یاریاب
 ALDEBARAN دربان - الدبران
 ALFALFA بوجه
 ALFA NUMERIC NET سکه الفا شماری
 ALGAE جلبک
 ALIDADE آلیداد
 ALKALI فلز
 ALKALI FLAT کفه فلزانی
 ALKALINE EARTH خاکهای فلزانی
 ALKALINE ROCKS سنگهای فلزانی
 ALLEY کوچه
 ALLIES معقین
 ALLOTROPY دیکرواریکی
 ALLUVIAL CONE سده آرمی
 ALLUVIAL FAN سده آرمی
 ALLUVIAL PLAIN جلگه آرمی - دشت آرمی
 ALLUVIAL TERRACE حمال آرمی
 ALLUVIUM آرمف
 ALP الب
 ALPHABET الفبا
 ALTAIR سر طائر
 ALTIMETER ارتفاع سنج - فراز یاب - اوجنما
 ALTITUDE ارتفاع
 ALTOCUMULUS ابر آلئوکومولوس
 ALTOSTRATUS ابر آلئواستراتوس
 ALUMINIUM آلومینوم
 AMAZON آمازون
 AMBASSADOR سفیر
 AMBER کهربا
 AMERICA امریکا
 AMMONIA آمونیاک
 AMPHIBIANS دوزستان
 AMPHIBOLE آمفیبول
 ANABATIC فرارو
 ANABATIC WIND باد فرارو
 ANALYSIS OF SPECTRUM تحریه طیفی
 ANARCHY آنارشی
 ANCHORAGE لنگرگاه
 ANEMOGRAM باد نگاشت
 ANEMOGRAPHY باد نگار

ANEMOMETER باد سنج
 ANGLE زاویه
 ANGLE OF INCIDENCE زاویه تابش
 ANGLICAN انگلیکان
 ANGULAR DIAMETER قطر زاویه
 ANGULAR DISTANCE فاصله زاویه
 ANIMAL جانور - حیوان
 ANNUAL MOTION OF THE EARTH حرکت سنبل زمین - گردش سالانه زمین
 ANNULAR ECLIPSE خسوف حلقوی - حلقه گرفت حلقوی
 ANOMALISTIC YEAR سال خورشیدی
 ANTARCTIC جنوبگان
 ANTARCTICA قطب جنوبگان
 ANTARCTIC AREAS ناحیه جنوبگان
 ANTARCTIC CIRCLE مدار قطب جنوبگان
 ANTARCTIC OCEAN اقیانوس جنوبگان
 ANTIARES قطب اعقرب
 ANTECEDENT RIVER مسرود
 ANTHRACITE کرباسیت
 ANTHROPOGENESIS مردم رادش
 ANTHROPOGEOGRAPHY گساشناسی مردمی - جغرافیای انسانی
 ANTHROPOLOGY مردمشناسی
 ANTHROPOZOIC PERIOD دم روی
 ANTICLINE همدیس
 ANTICLINORIUM نافذیس کجی
 ANTICYCLONE واکرجه
 ANTIFREEZING SOLUTION ضد یخ
 ANTIPODLS پادپا
 ANTI TRADE WINDS بادهای واکمان
 APARTHEID برتری نژادی
 APATITE آپاتیت
 APHELION آفسیون
 APOGEE اوج
 APPARENT DIAMETER قطر ظاهری
 APPARENT MAGNITUDE قدر ظاهری
 APPARENT MOTION حرکت ظاهری
 APPARENT PATH OF THE SUN مدار حرکت ظاهری خورشید
 APPARENT SOLAR TIME زمان خورشیدی ظاهری
 APPARENT TIME زمان ظاهری
 APRIL آوریل

واژه نامه انگلیسی به فارسی

A

ABERRATION	کجمنائی
ABERRATION OF LIGHT	کجمنائی نور
ABLATION	فرسایش - سایش
ABORIGINES	بومیان اصلی
ABRASION	شست و ساب
ABRASION PLATFORM	ایوان شست و ساب
ABSOLUTE DROUGHT	خشکسالی مطلق
ABSOLUTE HUMIDITY	رطوبت مطلق
ABSOLUTE MAGNITUDE	قدر مطلق
ABSOLUTE TEMPERATURE	دمای مطلق
ABSOLUTE ZERO	صفر مطلق
ABSORPTION	جذب
ABSTRACTION	ربایش
ABYSS	مغاک
ABYSSAL	مغاک
ABYSSAL DEPOSITS	نهیشت‌های مغاک
ABYSSAL FLOOR	کف مغاک
ACCELERATION OF GRAVITY	شتاب ثقل
ACCESSIBILITY	دسترسی
ACCLIMATION	سازش
ACCORDANT DRAINAGE	زهکشی جور
ACCORDANT JUNCTION	برخورد جور
ACCORDANT SUMMIT LEVELS	ستبج‌های جور
ACCUMULATION MOUNTAIN	کوه انباشتی
ACIDITY OF THE SOIL	ترشی خاک
ACID LAVA	گدازه اسیدی
ACID ROCK	سنگ اسیدی
ACRE	جریب
ACROPOLIS	اکروپل
ACTINOMETER	اکتینومتر
ACTIVE LAYER	لایه فعال
ACTIVITY RATE	درجند کارائی - نسبت کارائی
ACTUAL ISOTHERM	خط همدمای حقیقی

ADAM	آدم
ADIABATIC	ناگذار
ADMINISTRATIVE DIVISIONS	تقسیمات کشوری
ADOBE	خشت
ADRET	دامنه برفگیر
ADVANCED-DUNE	پیش تلماسه
ADVECTION	بهرفت
ADVECTION FOG	مه بهرفتی
AEOLIAN	بادی
AERIAL PHOTOGRAPH	عکس هوایی
AERIAL PHOTOGRAPHY	عکاسی هوایی
AEROBIC	هوازی
AERODYNAMIC	آیرودینامیک
AEROGRAPHY	هوانگاری
AEROLITE	سنگ آسمانی - آئرولیت
AEROLOGY	جوشناسی
AEROSPHERE	وای اسپهر
AFFLUENT	ریزابه
AFFORESTATION	جنگلکاری
AFGHAN	افغان
AFGHANS	افاعه
AFRICA	افریقا
AFRICAN TORNADO	توفان پیچنده افریقائی
AFTER GLOW	پستاب
AFTERSHOCK	پسلرزه
AGE	عصر
AGE DISTRIBUTION	توزیع سنی
AGE OF THE EARTH	عمر زمین
AGE-PYRAMID	هرم سنی
AGGLOMERATE	جوش آتشفشانی
AGGLOMERATION	انباشتگی
AGGRADATION	برنهاد
AGONIC LINE	خط آگونیک - خط بی انحراف
AGRICULTURAL CLIMATOLOGY	اقلیم شناسی کشاورزی
AGRICULTURAL REGION	منطقه کشاورزی
AGRICULTURE	کشاورزی - زراعت
AIR	هوا
AIR CORRIDOR	دالان هوایی
AIR GLOW	روزه - هواتاب
AIR MASS	توده هوا
AIR-METER	هواسنج
AIRPORT	رودگاه

فهرست منابع و مآخذ

فارسی و انگلیسی

- آب شناسی: نویسنده دکتر محمد رضا غفوری و دکتر رضا مرتضوی، چاپ دوم، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، خرداد ماه ۱۳۶۳.
- آب و هوای کره، زمین: ترجمه دکتر هوشنگ قائمی، انتشارات مجتمع دانشگاهی ادبیات و علوم انسانی، جلد اول، مناطق استوایی و جنب استوایی، ۱۳۶۲.
- آتشفشان شناسی: نویسنده علی درویش زاده، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، اردیبهشت ماه ۱۳۶۰.
- از جهان های دور: نویسنده برونو بورگل، ترجمه کاظم انصاری.
- انبساط جهان: نویسنده استیون واینبرگ، ترجمه محمد رضا خواجه پور، ناشر دانش امروز، سال ۱۳۶۲.
- انسان در نبرد با طبیعت (مجموعه مقاله ها): نویسنده دکتر عبدالکریم قریب.
- پدیده های شگفت انگیز در آسمان و زمین: نویسنده و. مزنسلف، ترجمه دکتر عبدالکریم قریب، انتشارات همد، سال ۱۳۶۰.
- تعاریف و مختصات نجومی: ترجمه مهندس عباس جعفری، سازمان جغرافیایی کشور، ۱۳۴۸.
- جغرافیای آب ها: نویسنده دکتر جمشید جداری عیوضی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، اردیبهشت ماه ۱۳۵۹.
- جغرافیای خاک ها: نویسنده دکتر پرویز کردوانی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، آذر ماه ۱۳۶۴.
- جغرافیای دیرینه: نویسنده دکتر خدیجه اسدیان، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، شهریور ماه ۱۳۵۶.
- جغرافیای فصل ایران: نویسنده دکتر ربیع بدیعی، انتشارات اقبال، سال ۱۳۶۲.

دایره المعارف فارسی (جلدهای ۱ و ۲): سه جلدی - علامه حسینی مصاحب، موسسه انتشارات فرانکلین، سال ۱۳۵۶.

رده‌بندی مودال سکته‌ای آدریس: نویسنده دکتر سیروس زرغبان، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، دی ماه ۱۳۳۶.

رسوب شناسی: نویسنده دکتر احمد معتمد، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۵۸. رمن: نویسنده عباس جعفری، موسسه انتشارات کیناساسی، تیر ماه ۱۳۶۱.

رمن شناسی: نویسنده حسین معاریان، محمود صداقت، علی بابا جهراری، ۱۳۶۳.

زمین شناسی عمومی: نویسنده سیروس شعبی، حسن مدنی، انتشارات بلی تکنیک تهران.

سارده‌ها: نویسنده هریب ربم، رابرت بکر، ترجمه محمد حیدری ملایری، انتشارات احسن ملی حفاظت صانع طبیعی، محیط اساسی، تهران ۱۳۵۶.

ساخت پیکر رمن: نویسنده دکتر محمود حریریان، انتشارات دانشگاه تربیت معلم، چاپ دوم، مهرماه ۱۳۴۸.

ساخت مقدما‌سی سنارگان: ترجمه و اقتباس از توفیق حیدرراده، موسسه انتشارات کیناساسی، آذرماه ۱۳۶۰.

صنعت جاب: نویسنده مرتضی هوشنگ دانستور، انتشارات سازمان جغرافیائی کشور، چاپ یکم، سال ۱۳۵۱.

فرهنگ اصطلاحات اجتماعی و اقتصادی: نویسنده یوماس سووه، ترجمه خلیل ملکی، انتشارات رواق، چاپ دوم، تابستان ۵۸.

فرهنگ اصطلاحات جغرافیائی: نویسنده احمد آرام، صفی اصغیان، حسین گل‌گلاب، علامه حسینی مصاحب، مصطفی مغربی، تهران، آذر ۱۳۳۸.

فرهنگ جغرافیائی: نویسنده مهدی مومنی نجف آبادی آبان ۱۳۵۹.

فرهنگ عمید: نویسنده حسن عمید، سازمان انتشارات حاویدان، آذرماه ۱۳۴۶.

فرهنگ فارسی ۶ جلدی: نویسنده دکتر محمد معین، موسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ چهارم ۱۳۶۰.

فرهنگ کامل انگلیسی فارسی: نویسنده دکتر عباس آریابویر کاشانی، موسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۳.

فرهنگ کوچک فارسی - انگلیسی: نویسنده سلیمان حمیم، چاپ سوم، ۱۳۵۴.

فرهنگ کیناساسی (اصطلاحات جغرافیائی): گردآوری و ترجمه عباس جعفری، موسسه انتشارات کیناشناسی، چاپ دوم، آبان ۱۳۶۰.

گاریوکرافی: نویسنده رولسکر هوشنگ دانستور، انتشارات سازمان جغرافیائی کشور، تهران سال ۱۳۵۶. گردش زمان: نویسنده اساک آرموف، ترجمه حسین وحدادوست.

کیناساسی کشورها: نویسنده انتشارات کیناساسی، تیر ماه ۱۳۶۲.

مبانی رمن شناسی: نویسنده اوبروجف ترجمه دکتر عبدالکریم فریت، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ دوم، آبان ماه ۱۳۵۸.

مبانی نجوم: نویسنده ابوالسترو، ترجمه دکتر حسین مردیان، دکتر بهروز حاجبی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، اردیبهشت ماه ۱۳۵۸.

مبانی هواشناسی: نویسنده دکتر هوشنگ فاطمی، انتشارات دانشگاه ملی ایران، مهر ماه ۱۳۵۷.

مخطوطه‌های سیمی و نالغی: نویسنده آبراک آرموف، ترجمه کلود کرباسی، انتشارات جاززاده.

نام دانش‌ها و فن‌ها و همبرها: نویسنده جوزف ب. بکو سیر، ترجمه احمد آرام.

نجوم بدربار ساده: نویسنده مار دکالی، ترجمه محمد رضا حیدری خواجہ پور، موسسه انتشارات کیناساسی، مهرماه ۱۳۶۳.

نقشه خوانی کیناساسی: نویسنده مهدیس عباس جعفری، موسسه انتشارات کیناشناسی، فروردین ماه ۱۳۶۳.

یک، دو، سه، بی نهایت: نویسنده زور کاموف، ترجمه احمد بیروشک، موسسه انتشارات فرانکلین، چاپ نسیم ۱۳۵۷.

- A DICTIONARY OF GEOGRAPHY, F.J. Monkhouse Edward Arnold Ltd.,1970.
- A DICTIONARY OF GEOGRAPHY, W.G. Moore, W. & J. Mackay & Co Ltd.,- 1975.
- ATLAS OF MEDIEVAL EUROPE, Donald Matthew Equinox(Oxford) Ltd.,1983.
- ATLAS OF THE OCEANS, Alastair Couper Times Books., 1983.
- ATLAS OF THE OCEANS, Mitchell Beazley Publishers Ltd.,1977.
- ATLAS TWO, Wm,Collins Sons & Co Ltd., 1977.
- ATMOSPHERE,WEATHER & CLIMATE, R.G.Barry & R.J. Chorley, Methuen & Co Ltd.,1976.
- BASIC GEOGRAPHY, D.C. Money University Tutorial Press Ltd., 1976.
- CARTOGRAPHIC METHODS, G.R.P. Lawrence Methuen & Co Ltd.,1971.
- CAXTON ATLAS OF THE EARTH, Jane Olliver Grisewood & Dempsey Ltd., 1978.
- CONCISE GEOGRAPHY 1 PHYSICAL, Bernard Kennedy,Patrick Ryan The - Educational Company., 1976.
- DER FISCHER WELT ALMANACH, Gustav Fochler-Hauke Fischer Taschenbuch Verlag 1985.
- EARTH, Frank Press, Raymond Siever,W.H. Freeman & Company 1982.
- ENCYCLOPEDIA OF THE EARTH, R.Bradshaw, M.Sc. & Mary M. Owen, The Hamlyn Publishing Group Ltd., 1961.
- GEOGRAPHY,Gordon Manley, L.T.A Robinson Ltd., 1961.
- GEOLOGY, Ira S. Allison, Donald F. Plamer, Mc Graw Hill, Inc., 1980.
- GEOLOGY, Robert E. Boyer & P.B. Snyder, Hubbard Scientific Company. 1972.
- GEOLOGY, William H. Matthews, William Heinemann Ltd., 1983.
- GROUDWORK PHYSICAL GEOGRAPHY, Jackson & Penn, George Philip & Son Ltd., 1980.
- IRAN THE FUTURE ON THE PLATEAU, Giovanni De Agostini, Printed,Sagdos 1976.
- JOY OF THE NATURE, Reader's Digest Association Ltd., 1978.
- LANDS AND PEOPLES, Volume 3 Grolier Incorporated 1983.
- LA TERRE CETTE INCONNUE, Rhodes, W. Fairbridge Selection du Reader's Digest., 1975.
- LONGMAN DICTIONARY OF GEOGRAPHY, Audrey N. Clark, Geographical Publications Ltd 1985.
- MAP PROJECTIONS, George P.Kellaway Methuen & Co. Ltd., 1970.
- MAPS, T.W. Birch, Malta, Oxford University Press 1964.
- MERVEILLES NATURELLES DU MONDE, Selection du Reader's Digest 1978.
- MIND ALIVE ENCYCLOPEDIA OF THE WORLD, Marshall Cavendish Ltd.,1973.

- MODERN PHYSICAL GEOGRAPHY 2ED, Arthur N. Strahler, Alan H. Strahler, John Wiley & Sons 1978.
- NEW CONCISE ATLAS OF THE UNIVERSE, Patrick Moore, Mitchell Beazley Publishers Ltd., 1974.
- OUR UNIVERSE, Roy A. Gallant National Geographic Society 1980.
- OUR WORLD, Charles O. Hyman, National Geographic Society., 1980.
- PHYSICAL GEOGRAPHY, Arthur N. Strahler, John Wiley & Sons 1975.
- PHYSICAL GEOGRAPHY TODAY, Robert A. Muller, CRM Books 1974.
- PIONEER ODYSSEY, Richard O. Fimmel, National Aeronautics And Space Administration 1977.
- SCANNING THE SKIES, Sky Publishing Corporation 1980.
- SECRETS OF THE SKY, Guido Ruggieri Hamlyn Publishing Group Ltd., - 1969.
- THE ATLAS OF THE SOLAR SYSTEM, Patrick Moore & Garry Hunt Mitchell Beazley Publishers 1983.
- THE DESERT, John Cloudsley - Thompson, Orbis Publishing Ltd., London 1977.
- THE EARTH'S SURFACE, D.C. Money Evans Brothers Ltd., 1977.
- THE ELEMENTS OF GEOGRAPHY IN COLOUR, Dobson & Virgo, Fletcher & Son Ltd., 1974.
- THE MATHEMATICS OF SPACE EXPLORATION, Myrl H. Ahrendt. Holt, Rinehart and Winston INC. 1965.
- THE NEW ENCYCLOPEDIA OF WORLD GEOGRAPHY, Emerys Jones, Octopus Books Ltd., 1978.
- THE WORLD ALMANAC, Hana Umlauf Lane, Newspaper Enterprise Association 1985.
- TURQUIE, IRAN, YEMEN, Bernard Joliat, Nathan Panoramic 1976.
- UNIVERSAL ATLAS, George Philip & Son Ltd. 1981.
- VOLCANOES, A. & L. Rittmann Istituto Geografico de Agostini 1976.
- WESTERN EUROPE IN MAPS, R. Knowles - P.W.E.S Towe, Longman Group Ltd 1982.
- WHITAKER'S ALMANACK, Joseph Whitaker, J. Whitaker & Sons., Ltd 1986.
- WONDERS OF THE EARTH, Ernst Bauer, Collins Publishers, 1973.

